



بهار ۱۳۹۵

www.roshdmag.ir

برای سردبیران و کارشناسان آموزشی، ارتباطات و رسانه







وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

شماره ۱۰ بهار ۱۳۹۵

سالنامه روشد

مدیر مسئول: محمد ناصری * سردبیر: ناصر نادری *

شورای برنامه ریزی و کارشناسی: سید کمال شهابلو، فریبا کیا، محبت الله همتی *

مدیر داخلی: مانلی نورائی آشتیانی * طراح گرافیک: زهره محمودی * ویرایش: بهروز راستانی، کبری محمودی *

گزارش: سمانه آزاد، محمد دشتی * عکس: رضا بهرامی، اعظم لاریجانی *

نشانی: تهران، خیابان کریمخان زند، خیابان ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶ *

تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۴۸۷ * شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه * چاپ: شرکت افست (سهامی عام) *

وبگاه: www.roshdmag.ir * تلگرام: <http://telegram.me/roshdmag> * اینستاگرام: roshdmag *

آرای مندرج در متون، ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان سالنامه نیست.

یادداشت سردبیر

ارمغان نگرش سیستمی به مجلات رشد * ناصر نادری * ۶

پنجره

خانه دوست کجاست؟ * سخنان حجت الاسلام دکتر محی الدین بهرام محمدیان * ۱۰
عقل سرور احساس است! * سخنان محمد ناصری، مدیر مسئول مجلات رشد * ۲۴

هم‌اندیشی

فردا از چه می‌پرسند؟ * گزارش نشست «تماز در مجلات رشد» * ۳۰
این همه پرسش، چرا؟! * گزارش نشست کتاب «پرورش هنر استدلال» * ۴۲
این آمار زنگ خطر است! * گزارش نشست «آسیب‌شناسی زبان» * ۶۴
مخاطب سیال امروز را جدی بگیریم * گزارش نشست «دین و مجلات دانش‌آموزی رشد» * ۹۸
داستان داستان * گزارش نشست «جایگاه داستان و ابعاد تربیتی آن» * ۱۴۰
فکر کردن را به لذت تبدیل کنیم! * گزارش نشست «آموزش تفکر به کودکان» * ۱۷۰
کاردستی، ذهن کودک را خلاق بار می‌آورد * گزارش نشست «کاردستی در مجلات دانش‌آموزی رشد» * ۱۷۶
یک اتفاق بزرگ و دشوار! * گزارش نشست «نشست برنامه‌های درسی و مجلات رشد» * ۱۸۲

گزارش

معماری اطلاعات در مجلات رشد * گزارش نشست «گرافیک مجلات رشد» * ۷۴
زبان، پدیده‌ای پویا و در حال تغییر * گزارش نشست «زبان معیار در مجلات رشد» * ۸۲
تحول دل و جرأت می‌خواهد * گزارش نشست مشترک رؤسای آموزش و پرورش شهر تهران و مجلات رشد * ۱۰۴
مجله باید آموزش را به فرهنگ تبدیل کند * گزارش پانزدهمین گردهمایی معاونین آموزشی و نمایندگان رشد استان‌ها * ۱۱۴
کالای فرهنگی را باید در معرض دید و استفاده قرار داد * گزارش نشست نمایندگان مجلات رشد شهر تهران و شهرستان‌های استان تهران * ۱۵۲
مجلات رشد؛ خواندن برای لذت بردن * گزارش نشست همفکری معاون آموزش ابتدایی و آموزگاران منتخب منطقه ۶ تهران با مجلات رشد * ۱۶۰

- ✽ راز ماندگاری مجلات رشد ✽ گزارش هم‌اندیشی نمایندگان مجلات رشد استان‌های کردستان، لرستان و کهگیلویه و بویراحمد ✽ ۱۹۴
- ✽ رنگین کمان عکس‌ها ✽ گزارش هشتمین دوره جشنواره عکس رشد ✽ ۲۱۶
- ✽ ما همه دوستان آب هستیم ✽ گزارش مسابقه «دوستان آب» در مجلات رشد ✽ طاهره خردور ✽ ۲۸۴

✽ سامان‌دهی کتاب ✽

- ✽ راه طی شده و برنامه‌های پیش رو ✽ نگاهی به مجموعه راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی ✽ فریبا کیا ✽ ۲۳۰
- ✽ پرواز با بال‌های قرآن ✽ گزارش اختتامیه دوازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد، ویژه کتاب‌های قرآنی ✽ ۲۳۶
- ✽ طراحی استاندارد ملی برای منابع آموزشی و تربیتی ✽ گزارش نشست راهکارهای اجرای مصوبه ۸۲۸ ✽ ۲۴۴
- ✽ رویکردهای برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی و زبان انگلیسی ✽ گزارش کارگاه آموزشی زبان و ادب فارسی و زبان انگلیسی ✽ بهروز رضایی ✽ ۲۵۴

✽ مقاله ✽

- ✽ مدل‌های تلفیق و توسعه مجلات رشد ✽ فریبرز بیات ✽ ۹۲
- ✽ گزارش نویسی و مصاحبه در مجلات رشد ✽ فریبرز بیات ✽ ۱۳۲
- ✽ رشد در مسیر توسعه ✽ سید کمال شهابلو ✽ ۲۰۶

✽ یادمان ✽

- ✽ سی سال و صد شماره ✽ گزارش نشست «تکوداشت انتشار یکصدمین شماره رشد آموزش زیست‌شناسی» ✽ ۲۶۴

✽ یادداشت ✽

- ✽ همه می‌توانند بنویسند! ✽ یادداشت‌هایی از نویسندگان مجله رشد نوآموز در بازدید از مدارس شهر مشهد ✽ ۲۱۰

✽ کارنامه ۱۳۹۴ ✽

- ✽ روزشمار رشد ✽ ۲۹۴

ارمغانِ گزشتِ سیستمی به مجلایِ پیش

ناصرنادری



یادداشت سردبیر



اجزای اصلی سیستم مجلات رشد

اگر مجلات رشد را به مثابه یک سیستم تصور کنیم، قادریم اجزای آن شامل «درون داد»، «فرایند»، «برون داد» و «بازخورد» را به شرح زیر، بررسی کنیم:

☀ **درون داد (In Put):** درون داد را به مواد خام یک کارخانه تشبیه کرده‌اند. در مجلات رشد، درون دادها عبارتند از: اهداف و رویکردها (اسناد بالادستی)، منابع انسانی (سردبیران، اعضای شورای برنامه‌ریزی و کارشناسی، طراحان گرافیک، ویراستاران، مدیران داخلی، تصویرگران، حروف‌چینان، مکت‌خوانان، عکاسان، ناظران چاپ و ...)، منابع مالی، تجهیزات و سخت‌افزار (فناوری)، اطلاعات تحلیل نیازهای مخاطبان، آینده پژوهی، تحلیل رسانه‌های نوشتاری و

☀ **فرایند (Process):** مجموعه فعالیت‌هایی که بر اساس دانش و مهارت و ذوق منابع انسانی و تعامل آن‌ها با یکدیگر در عرصه‌های گوناگون صورت می‌پذیرد تا شرایطی فراهم شود که سیستم به بالاترین «بهره‌وری» دست یابد؛ عرصه‌هایی چون «تولید فرهنگی محتوا»، «آماده‌سازی متنی و تصویری»، «تولید

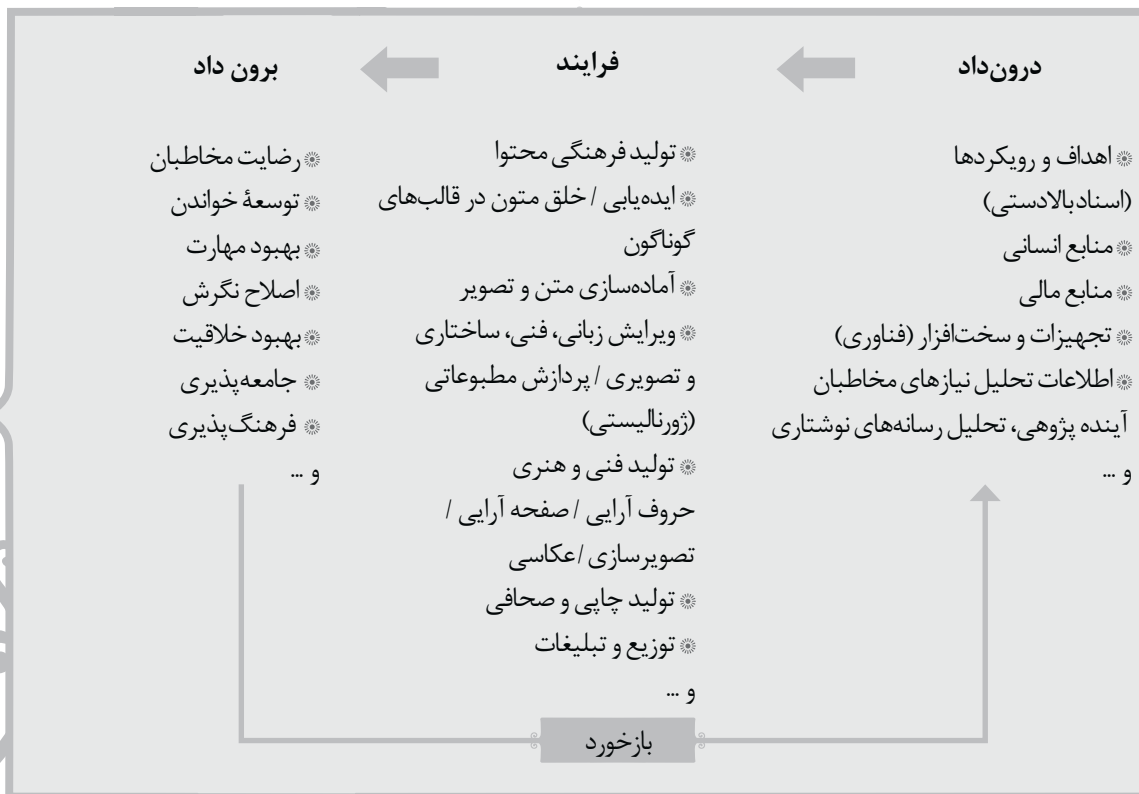
برنامه‌ریزی و تولید مجموعه بزرگ «مجلات رشد» را می‌توان یک «سیستم» دانست؛ چرا که در این مجلات مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها و اجزای مجزا و متعامل برای رسیدن به یک هدف مشترک، با یکدیگر همکاری می‌کنند و در بین اجزا و عناصر آن نیز تعامل وجود دارد و با یکدیگر مرتبط‌اند و نوعی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مشاهده می‌شود. همه این عناصر مشابه نیستند و دارای ویژگی‌ها و کارکردهای گوناگون هستند و این تفاوت‌ها ضروری است.

با نگرش سیستمی به مجلات رشد، فواید بسیاری برای دفتر مترتب است: نیازها و اقتضائات زمانه بهتر شناسایی می‌شود؛ مسائل و چالش‌ها به آسانی رخ می‌نمایند؛ شرایط حل مسائل، جامع‌تر و عینی‌تر فراهم می‌شود و برای رسیدن به راه‌حل‌های مطلوب از بین گزینه‌های متعدد، تصمیم‌سازی علمی‌تر و منطقی‌تر می‌شود؛ امکان ارزشیابی و کنترل کیفیت اجزای اصلی سیستم، به شکل اصولی‌تر فراهم می‌شود و برای بهبود سیستم، «اقدامات اصلاحی» را می‌توان جدی‌تر و برنامه‌ریزی شده‌تر انجام داد.

فنی و هنری»، «چاپی و صحافی» و «توزیع و تبلیغات». در حقیقت، عمده فعالیت‌های فرهنگی، هنری و فنی که تار و پود مجلات را شکل می‌دهد، در این مرحله خلق می‌شود. اقدامات ظریف، روشمند و هوشمندانه‌ای چون: ایده‌پردازی و طراحی ساختار محتوا؛ آفرینش متون خلاق و القایی؛ مهندسی ارتباطات انسانی؛ استفاده از قابلیت‌های فناوری ارتباطات و اطلاعات (ICT)؛ هنر گرافیک و عکاسی؛ ویرایش و پیرایش متون؛ شگردهای خلاق و جذاب مطبوعاتی (ژورنالیستی)؛ قابلیت‌های صنعت چاپ؛ اطلاع‌رسانی و تبلیغات با شکل‌های نوین؛ بازآفرینی و تحلیل بازار رسانه؛ و ...

با دقت در این مراحل می‌توان ادعا کرد که برای برنامه‌ریزی و تولید مجلات رشد باید از ظرفیت‌های رشته‌های هنری و علوم گوناگونی چون ادبیات، گرافیک، تصویرسازی، عکاسی، ویرایش، اقتصاد رسانه، سیاست فرهنگی، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، روان‌شناسی رشد و یادگیری، مدیریت رسانه، مدیریت آموزش و پرورش، صنعت چاپ، فرهنگ جهانی و ... به شکل سیال و حرفه‌ای استفاده شود.

به این مرحله «منبع تغییر» نیز گفته‌اند؛ زیرا در «درون داد» تغییراتی انجام می‌شود تا آن را به «برون داد» تبدیل کند. **برون داد (Out Put):** به خدمات سیستم مجلات و



برآورده شدن انتظارات مدیران و برنامه‌ریزان از تولید مجلات بر حسب معیارهای خاص مربوط می‌شود.

مهم‌ترین مظاهر برون‌داد مجلات رشد عبارتند از: رضایت مخاطبان، توسعه خواندن، بهبود مهارت، اصلاح نگرش، بهبود خلاقیت، جامعه‌پذیری، فرهنگ‌پذیری و ...

☀ **بازخورد (Feed Back):** منظور، مقایسه عملکرد برون‌داد با درون‌داد با توجه به عملکرد هدف و معیارهای تعریف شده و برگشت اثر آن به سیستم است. با توجه به کیفیت عملکرد برون‌داد، کیفیت بازخورد هم تغییر می‌کند. بر اساس آن، اطلاعات لازم در مورد کفایت عملکرد سیستم و برون‌داد به مدیران و برنامه‌ریزان سیستم ارائه می‌شود. بازخورد ممکن است باعث «تقویت» یا «اصلاح سیستم» شود.

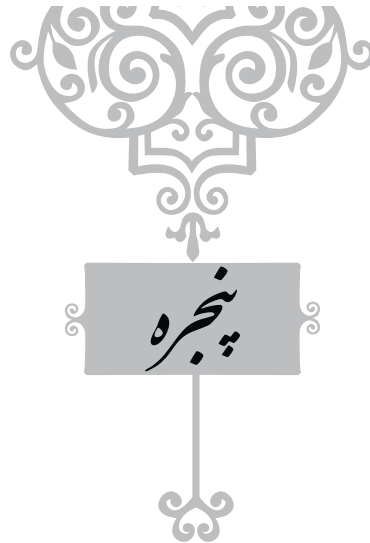
مدیریت مجلات رشد در صدد است با روش‌های گوناگون علمی ارتباطی و پژوهشی، میزان رضایت مخاطبان و چگونگی اثربخشی مجلات رشد را در فرایند یاددهی - یادگیری در حوزه برنامه غیر رسمی آموزش و پرورش، رصد و پایش کند.

نشریه «سالنامه رشد» ضمن ارائه تصویری جامع از فعالیت‌های سالانه دفتر، می‌کوشد این امکان را فراهم کند تا سردبیران و برنامه‌ریزان، فرصت «بازاندیشی» در برنامه‌ریزی‌ها و عملکردها و تجربه‌های معنادار خود را در مراحل مختلف سیستم مجلات بیابند و بر این اساس، با «بازسازی» ایده‌های نو و تقویت فضای تفکر نقاد و تفکر خلاق، مسیر رو به تعالی را برای مجلات رشد «بازآفرینی» کنند. لازمه کیفیت بخشی به مجلات رشد، علاوه بر داشتن نگرش سیستمی، وجود محیطی سرشار از تعاملات صمیمانه بین فردی و مشارکت گروهی برای خلق دانش و خلاقیت و اکتشاف در سایه عنایات خداوندی است. بر خود لازم می‌بینم از همفکری و مساعدت اعضای شورای برنامه‌ریزی، مدیر داخلی، ویراستاران، گرافیکست، گزارشگران و همه دوستانی که به نحوی در برنامه‌ریزی و تولید «سالنامه رشد» نقش داشتند تشکر نمایم. در ضمن، در انتظار دریافت نظرات سازنده شما در ارتقای کیفیت این نشریه در سال‌های آتی خواهیم بود.



خانه دوست کجاست؟

سخنان دکتر محی الدین بهرام محمدیان
رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
در هفدهمین نشست سالانه دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی



شرح گنج دعا

بندگی از ماه رجب شروع می‌شود. ما می‌توانیم لباس‌هایمان را نو کنیم و در این ماه لباس بندگی بپوشیم. به همین دلیل است که شما اگر مفاتیح **شیخ عباس قمی** را نگاه کنید، اعمالی را که نوشته، از ماه رجب شروع کرده است. با آنکه ماه‌های قمری از محرم شروع می‌شود، اما ایشان اولین اعمال را از ماه رجب شروع کرده است. بعضی از عرفا مثل مرحوم **میرزا جواد آقا ملکی** در کتاب «اعمال السنه»، ماه رجب را مقدم می‌شمارند. در روایت داریم: ماه رجب، ماه علی بن ابی‌طالب (ع) است. ماه شعبان، ماه رسول خدا (ص) است و ماه رمضان ماه خدا و ضیافت الهی است. گویا این دو ماه (رجب و شعبان) را مقدمه قرار داده‌اند برای اینکه ما آماده شویم تا در ماه رمضان به ضیافت الهی برسیم. عمده اعمال ماه رجب، استغفار است؛ به تعبیری «تحلیه» است. عمده اعمال ماه شعبان ذکر صلوات است که آن هم «تحلیه» است و رمضان، ماه ضیافت الهی است. در ماه رجب، خیلی بزرگان ما توجه کرده‌اند عبادت را، اطاعت را، روزه اولش را، وسطش را و آخرش را. بعضی وقت‌ها



خدای متعال را شاکر و سپاس‌گزارم از اینکه توفیق مرحمت فرمود تا در این روزهای مبارک در جمع شما عزیزان باشم. حلول سال جدید را خدمت شما همکاران خوب تبریک عرض می‌کنم و برای شما آرزوی زیستی بهاری دارم. اجازه می‌خواهم در این نشست، نخست چند جمله‌ای درباره ماه رجب عرض کنم و سپس مطالبی را هم در ارتباط با برنامه نشست داشته باشم.

گفته‌اند سه ماه را روزه بگیریم. پیامبر (ص) سه ماه پشت سر هم روزه گرفته‌اند. گاه هم شعبان را متصل کرده‌اند به رمضان. بعضی وقت‌ها نیمه‌ای از این را به نیمه‌ای دیگر متصل می‌کرده‌اند.

یکی از دعا‌های خوبی که در ماه رجب خوانده می‌شود و باید گفت گنج است، اما متأسفانه چون رایگان به دست ما رسیده است به آن توجه نمی‌کنیم، این دعای زیباست: «یا مَنْ

قرآن کریم اثبات خدا نمی‌کند، بلکه اثبات توحید می‌کند، چون اعتقاد به خدا فطری انسان است

أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ، وَ أَمَنْ سَخَطُهُ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ...» این دعا قابل تأمل است. ما معمولاً دعا می‌خوانیم، دعا نمی‌کنیم. دعا خواندن با دعا کردن فرق دارد. باید دعا کرد. قرائت دعا خیلی هنر نیست. می‌بینید که خیلی‌ها هستند دعای کمیل را شب‌های جمعه قرائت می‌کنند، اما به خود دعا توجه کردن بسیار مهم است. به این دعای رجب توجه کنید: «یا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ» خطابم خداوند متعال است. ای خدایی که همه خوبی‌ها و همه خیرها را از تو امید دارم. امیدم! همه امیدها در همه خوبی‌ها بسته به توست. هر چه هست به دست توست. عزت به دست توست. بزرگی به دست توست. لطف به دست توست. هر خیری که ما داریم به دست توست. اساساً خدا خیر مطلق است. خدا شر نمی‌رساند. شرارت از خود ماست. هر خیری که به ما اصابت می‌کند، از جانب اوست. شری که به ما می‌رسد، از نقص خودمان است. کره زمین روشنایی را از کجا می‌گیرد؟ از خورشید. آن قسمتی که تاریک است در شبانه روز، آن تاریکی

از کجاست؟ از خود زمین. هر مقداری که در مقابل خورشید قرار بگیرد، روشن است و آن قسمتی که پشت به خورشید باشد تاریک. خیرها از جانب خداوند متعال است. آن‌هایی که ما شر می‌دانیم، یا نقص می‌دانیم، از خودمان است. «یا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ» اما باز هم اگر از بدی‌ها بخواهیم ایمنی بجوئیم، از مجازات‌ها بخواهیم ایمنی بجوئیم، «أَمَنْ سَخَطُهُ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ». بالاخره شر و بدی دامن‌گیر آدم می‌شود «سَخَطُهُ». اما هیچ کس از سخط شرها نمی‌تواند ما را ایمنی دهد، جز خدای متعال. چون باز هم رحمان و رحیم اوست.

دورهٔ بچگی به یادمان می‌آید. بعضی وقت‌ها در دوران بچگی، وقتی مادرمان می‌خواست ما را تنبیه کند، تا دست بلند می‌کرد، باز هم پاهای خودش را می‌گرفتیم. از تنبیه مادر به خود مادر پناه می‌بردیم. الان هم بچه‌ها همین‌طور هستند. بچه می‌داند در این خانه، هیچ جای امنی جز خود مادر نیست. در عالم هم هیچ امنیتی جز در پناه ایمان به خداوند متعال نیست؛ «أَمَنْ سَخَطُهُ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ». «یا مَنْ يُعْطِي الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ». ما کار کم می‌کنیم اما او زیاد توجه می‌کند. هر کس از او می‌خواهد. «یا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ». آن‌هایی هم که نمی‌خواهند باز هم به آن‌ها می‌دهد. «مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ». نمی‌شناسمت. چون ذات باری تعالی افاضهٔ گرم است. افاضه رحمت است. خداوند متعال این چنین است. ما هم باید از او یاد بگیریم. او عادتش احسان است. عادت ما هم این چنین باشد. باید تخلق پیدا کنیم به اخلاق الله.

«یا مَنْ يُعْطِي الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ». کار زیاد دیگران را کم بشماریم. بعضی وقت‌ها عادت کرده‌ایم هر کس کار خوبی انجام می‌دهد برای اینکه صاحب حق باشیم، خودمان را بالا نشان دهیم. بر سر مالش می‌زنیم به تعبیر بازاری‌ها. در حالی که قرآن

جوان کمی تأمل کرد و افتاد به پاهای حضرت موسی. گفت: «چنین خدایی را من، قربانش می‌روم. من از درگاه چنین خدایی کجا می‌خواهم بروم؟» «مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ» برای اینکه مهربان است. برای اینکه رحمت دارد.

خدا رحمت کند گذشتگان را. من نزد پدرم، کتاب «گلستان» را در دوره ابتدایی خوانده‌ام. در دیباچه گلستان هست:

«ای کریمی که از خزانه غیب
گیر و ترسا وظیفه‌خوار داری
دوستان را کجا کنی محروم
تو که با دشمنان نظر داری».

پدرم حافظه خوبی داشت و هر چه از استادش یاد گرفته بود، تک به تک منتقل می‌کرد. می‌گفت: «این شعر را سعدی زمانی گفته که وارد شهری شده و دیده در آنجا وفور نعمت است، اما همه جاسنگ و صخره است. سؤال کرد این شهر که سنگ و صخره است، پس این وفور نعمت و این محصولات از کجا هستند؟» گفتند: «زمان کشت بادی می‌آید و خاک‌های نرمی را روی سنگ‌ها می‌نشاند و ما روی آن کشت می‌کنیم. وقتی هم که محصول را برداشتیم، سیل می‌آید و خاک‌ها را می‌شوید و می‌برد.» سعدی گمان کرد این‌ها چه مردمان مقربی هستند که خدا

این فرصت برای همه هست که بیاموزند. باید بتوانیم این تجربه‌ها را مدون کنیم و در اختیار یکدیگر قرار بدهیم تا این‌ها در حافظه ما ثبت بشود؛ در حافظه علمی ما

چنین تفضلی برایشان دارد. گفت مدتی در این شهر بمانم و ببینم در شهر این‌ها چه می‌گذرد. دید این‌ها منکر خدا هستند و برخی

کریم می‌فرماید: «وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ»: اگر کسی کار خوبی کرده است، آن کار خوب را مثبت بنگریم. مثبت‌نگری و خوب دیدن، جزو درس‌های ماه رجب است. خداوند متعال می‌بخشد حتی به کسانی که او را نمی‌شناسند. در روایت داریم از احادیث قدسی است، که حضرت موسی (کلیم‌الله) به کوه «طور» برای مناجات می‌رفت. جوانی جلوییش را گرفت و گفت: «تو که به مناجات می‌روی، به خدایت بگو من اصلاً تو را نمی‌پرستم. قبولت ندارم. به خدایت بگو اگر فکر می‌کند روزی دهنده اوست، من روزی‌اش را هم نمی‌خواهم».

موسی کلیم‌الله رفت به مناجات و وقتی می‌خواست برگردد، ندا آمد: «ای موسی! کسی سفارشی به تو نکرده؟ چرا سفارش آن بنده ما را نمی‌گویی؟»

گفت: «خدایا! جسارتی داشت. یادم نرفته، اما حیا می‌کنم.» گفت: «برو به آن بنده ما بگو که خدا گفت: تو ما را بپرستی یا نپرستی ما رزق تو را می‌دهیم. اینکه می‌گویی ما را نمی‌شناسی بیخود گفته‌ای. اگر نمی‌شناختی برای من سفارش نمی‌فرستادی. همین که برای من سفارش فرستادی، یعنی مرا می‌شناسی.»

همه حداقل در درون خود خدا را می‌شناسند، و لذا در قرآن کریم در جهت اثبات خداوند متعال آیه نیامده است. قرآن کریم اثبات خدا نمی‌کند، بلکه اثبات توحید می‌کند، چون اعتقاد به خدا فطری انسان است. این همه مشرک همه می‌گویند خدا هست، ولی موحد نیستند. اینکه انبیا آمدند، می‌خواهند بگویند خدا یکی است، ارباب متفرق نیست. لذا توحید قرآن اثبات خدا نیست. خداوند اثبات شده است. اگر صحبتی هست، بر سر توحید الهی است. حضرت موسی وقتی از طور برگشت، به جوان گفت: «مطلبت را گفتم و خدا هم این چنین گفت.»



مرا زیاد کن، خودم را زیاد کن، از چه جهتی؟ از جهت علم و دانش. اگر زیاد بریزی سر ریز می‌کند. اگر این ظرف کوچک را جلوی لوله فشار قوی بگذاری، پر نمی‌شود. چرا؟ چون ظرف کوچک است. بستر رودخانه اگر کوچک باشد، آب زیاد که بیاید طغیان می‌کند. چون بسترش کوچک است طغیان می‌کند. ان‌الانسان لیطغی. چون بسترش کوچک است، طغیان می‌کند.

طلبه‌ای در منطقه‌ما، در حمام که خلوت بود، می‌زد به سینه خودش و می‌گفت: «ضَرَبَ زَيْدٌ عَمْرًا». و بعد می‌گفت: پروردگارا چه علمی اینجا خوابیده که مردم خبر ندارند! بعضی‌ها همین جوری فکر می‌کنند. نه زیادم کن که زیاد ببرم، نه زیادم کن که زیاد ببرم. اما زیادم کن که زیاد ببرم، یعنی طغیان. جانم، جان کوچکی است. می‌گویند وقتی **گاگارین** در زمان روسیه کمونیستی رفته بود به فضا و برگشته بود، گفته بود: «من که در آسمان خدایی ندیدم!» در این باره **مرحوم فلسفی**

به طنز گفته بود: «دو قدم هوا پریدن نتوان خدای دیدن!»
«حَرَّمْ شَيْئَتِي عَلَى النَّارِ»: خدایا این محاسن مرا بر آتش

اعمال ملاهی هم انجام می‌دهند. آن وقت این شعر را گفت:

ای کریمی که از خزانه غیب
گبر و ترسا وظیفه خوار داری
دوستان را کجا کنی محروم
تو که با دشمنان نظر داری
یا در نسخه دیگر: تو که با دشمن این نظر داری.

در جای دیگر هم می‌گوید:
بنده همان به که ز تقصیر خویش
عذر به درگاه خدای آورد.

این بیت، یک فقره از این دعای زیباست: «فَإِنَّهُ غَيْرُ مَنْقُوصٍ مَّا أُعْطِيَ، وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ يَا كَرِيمُ». این قضیه «مِنْ فَضْلِكَ» یا کریم، یعنی خدایا مرا زیاد کن، خودم را توسعه بده، فضل

خدایا مرا زیاد کن، خودم را توسعه بده، فضل
مرا زیاد کن، خودم را زیاد کن، از چه جهتی؟ از
جهت علم و دانش

حرام کن. اما چه چیزی باعث می‌شود تا آتش ما را نسوزاند؟ قرآن کریم یک بار گفت که یک نفر را آتش نسوزاند و نسوزاند. آن یکی چه کسی بود؟ ابراهیم. «یا نارِ کونی برداً و سلاماً علی ابراهیم». ابراهیم را چرا نسوزاند؟ به قول مولانا سگ پاسبان جز صاحب‌خانه و آشنایان او را نمی‌شناسد و برای آن‌ها پارس نمی‌کند. سگ مأمور است. آتش مأمور است. ابراهیم خلیل‌الله بود و آتش او را نسوزاند. می‌خواهم بگویم ماه رجب ماه ایجاد دوستی با خداست تا در ماه رمضان ما را بالای مجلس بنشانند.

رشد، میراث گران بها %

اولاً من تشکر می‌کنم از همهٔ دوستان در سالی که گذشت، از اقدامات خوبی که انجام شد. اقدام‌های مبارک است. یک برگ علمی، یک برگ آموزشی، یک برگ تربیتی در این کشور تولید بشود، در حافظهٔ علمی کشور بماند، در گنجینهٔ آموزش تصویری کشور بماند، میراث گران‌بهای است. امروز خیلی چیزها قدر و قیمتشان معلوم نمی‌شود. سال‌ها باید بگذرد تا آدم نگاه کند. من مجلات سال‌های گذشته را به قدر وسع خود، اینکه در خانه امکان نگاه‌داری‌اش وجود دارد، مجلد کرده‌ام و نگه داشته‌ام. الان که ورق می‌زنم، می‌بینم انصافاً این مرور گذشته، خیلی چیزها را منعکس می‌کند؛ نوع نگاه ما، دریافت و برداشت ما، و شرایط سال‌های گذشتهٔ ما. مجلاتی که منتشر شده‌اند، همچنین سیر منطقی شکل‌گیری دانش را در کشور، و فرایندهای تربیتی کشور را نشان می‌دهند. شاید در مورد این سال‌ها، ده سال دیگر قضاوت خوبی بشود کرد. اما من به نوبهٔ خودم تشکر می‌کنم از همهٔ شما دوستان. نقاط قوتی داشتیم که باید از خداوند تشکر کنیم که این توفیق را به ما داد. بنده هم به نوبهٔ خودم از شما تشکر می‌کنم، اما باز هم معتقدم تشکر واقعی از شما به عهدهٔ

خود خداوند است. «إِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ».

خیلی چیزها از نظر ما می‌افتد. نمی‌بینیم و نمی‌دانیم، و شما هم و هر کس دیگری که عمل صالحی و خالصی انجام می‌دهد، آن هم برایش مقدور نیست تمام جوانب کار خودش را به دیگران گزارش کند. و لذا: «نه شاکر علیم». اما در عین حال، چون همهٔ ما انسان هستیم و لرزش داریم، خطا داریم و کاستی داریم، یقیناً در مجلات ما هم کاستی‌هایی هست و باید کاری کنیم و بانگاه مجدد، کاستی‌ها را تبدیل کنیم به نقاط قوت. از نقاط قوت نگاهیم، اما کاستی‌ها را بکاهیم و به نقاط قوت بیفزاییم.

یکی از آثار مفید این جلسه، «بیان تجربه‌ها» است، البته به شرط آنکه انتقال تجربه را به تعارف برگزار نکنیم. این جلسه‌ها فرصتی باشد تا از آموخته‌های یکدیگر بیاموزیم. یکی از ضعف‌های ما این است که این گونه تجربه‌اندوزی ما کم است. من وقتی خودم در جمع کارشناس‌ها شرکت می‌کنم، می‌آموزم. این فرصت برای همه هست که بیاموزند. باید بتوانیم این تجربه‌ها را مدون کنیم و در اختیار یکدیگر قرار بدهیم تا این‌ها در حافظهٔ ما ثبت بشود؛ در حافظهٔ علمی ما. تجربه‌ها ارزان به دست نمی‌آیند. بعضی تجربه‌ها را شاید ۱۰ بار خطا و اشتباه کرده‌ایم تا صحیح شده است. آیا معلمان هم تجربه‌های موفق خود را می‌گویند؟ آیا دسته گل‌هایی را که آب داده‌اند، می‌گویند؟ در نویسندگی، دسته گل‌هایی را که در تنظیم و بستن مجله، به آب داده‌ایم بگوییم تا مدیر داخلی آن مجله، دیگر این دسته گلی را که ما آب داده‌ایم آب ندهد.

ورود اندیشه‌های جدید %

مجله اندیشه‌های جدید می‌خواهد، ولی من فکر می‌کنم که شوق تغییر را تبدیل کنیم به اشتیاق به تغییر. یک شوق



هم‌افزایی مان را زیاد کنیم. افزایش بهره‌وری در مدیریت. این نقطه بهینه داده و ستانده را پیدا کنیم

از اینجا خلوت‌تر باشد. در چاله اول که می‌افتد، در چاله‌های دوم و سوم و چهارم هم می‌افتد. اصلاً فرمان ماشین را تغییر نمی‌دهد تا مسیرش عوض شود و در چاله بعدی نیفتد. چرا؟ چون ذهنش این گونه شکل گرفته است. آیا می‌شود نوع دیگری اندیشید؟ نوع دیگری نگاه کرد؟ به نظرم مادر مجلات می‌توانیم این کار را بکنیم. کتاب‌های درسی سخت‌اند، اما مجله که جامد نیست، مجله سیال است. من آرزو می‌کنم که روزی بتوانیم طراوت مجلاتمان را بیشتر کنیم. «اسلام و آبی تازه‌اش باید!»

هم‌افزایی و بهره‌وری %

هم‌افزایی مان را زیاد کنیم. افزایش بهره‌وری در مدیریت. این نقطه بهینه داده و ستانده را پیدا کنیم. من فکر می‌کنم ما می‌توانیم بهره‌وری‌هایمان را افزایش دهیم. ۲+۲ منطقاً ۴ است، اما این‌طوری نیست که ۲+۲ همیشه ۴ باشد. می‌شود

داریم، یک اشتیاق. اشتیاق از شوق، کمی شدتش بیشتر است. لازمه اندیشه‌های جدید این است که بر ذخایرمان بیفزاییم؛ یعنی اندیشمندان جدیدی را وارد مجلات رشد کنیم. بسامد تکرار افراد را کاهش دهیم و وسعت افراد را بیشتر کنیم. شاید حرف‌های جدیدی هم گفته شود. آدم‌های جدید، حرف‌های جدید، نگاه‌های نو. از یک زاویه دیگر هم نگاه کنیم به مسئله تا یک راه حل دیگر ارائه شود.

یکی از مقاله‌هایی که خواندم، به راه حل مسئله پرداخته بود. می‌گفت مسئله‌های بزرگ را چگونه حل کنیم. یک راه حل‌های معمول داریم، اما راه حل‌های دیگری هم داریم. من بعضی وقت‌ها کنار راننده که می‌نشینم، می‌بینم مسیری را یاد گرفته است و هر ساعتی که باشد، از همان جا می‌رود. اصلاً نگاه نمی‌کند که این ساعت شاید ترافیک باشد، شاید جایی دیگر

در مجلات رشد، به رنگین کمان فرهنگ اقوام توجه کنیم



چشم‌نواز است؟ آیا بچه‌ها با آن ارتباط برقرار می‌کنند؟ یا گاهی عنوان‌هایی که برای مقالات داریم، طولانی‌اند. به همشهری ما گفته بودند اسمت چیست؟ گفته بود قاسمعلی چی چی چی شتربان فلان. بهش گفته بودند یک تریلی می‌خواهد این اسم را بکشد. یکی از مجلات ما هم همین‌طور است. یک تریلی لازم است اسم آن را بکشد. مجله باید اسم خوش آهنگ داشته باشد. از دلایل ماندگاری شعر حافظ چیست؟ به نظر من، **حافظ** چون در انتخاب کلمات، آهنگین بودن و روان بودن آن‌ها را رعایت کرد، شعرش ماند. مثل شاعر عرب نگفته:

به اعتقاد من، هنر پلی است برای ایجاد ارتباط
خلاقیت و تجربه

«تکعتکتتم فتفقرا عنی». آدم زبانش نمی‌تواند کلمه را بخواند. حافظ یک‌دفعه گفته: «سرو روان من ...» تمام.

درست نویسی و زیبا نویسی %

امیدوارم که در سازمان پژوهش، کار درست‌نویسی و زیبا نویسی را نهادینه کنیم. در سازمان پژوهش اگر نامه‌ای بنویسند چهار تا پنج تا غلط دارد. یا در اول نامه می‌نویسند: «با سلام و تحیت». نمی‌دانم این «با سلام و تحیت» را چه کسی در دفتر تألیف باب کرده است. یا مطلبی می‌نویسند که تنها در آخر صفحه A۴ با یک فعل تمام می‌شود آن‌هم با امضای من! باور کنید بعضی وقت‌ها که می‌خواهم نامه را اصلاح کنم، با خودم می‌گویم: ای کاش از اول نامه را ارجاع نمی‌دادم و خودم پیش نویس می‌گرفتم! در مجلات این مطلب خیلی باید جدی دیده شود.

برای زیبا نویسی جایزه بگذارید. به این معنی که در

خروجی‌اش ۵ هم باشد. ۲ واحد من استعداد دارم، ۲ واحد شما استعداد دارید. اگر جداگانه حرکت کنیم، ۴ واحد خروجی‌اش خواهد بود. اما اگر با هم کار کنیم ۲+۲ آن وقت شاید بیشتر باشد. من احساس می‌کنم زحمتی که شما می‌کشید، در بعضی جاها با کاهش هم‌افزایی روبه‌رو شده است. لذا بعضی از مجلات ما می‌توانند کنار هم باشند. مثلاً رشد آموزش قرآن و رشد آموزش معارف اسلامی. شمارهٔ فروردین رشد آموزش قرآن را نگاه کنید. مصاحبه‌ای در مورد داعش دارد، هم‌زمان در مجلهٔ رشد آموزش معارف اسلامی در مورد نوع زندگی در قرآن کریم صحبت شده است، در حالی که جای داعش در مجلهٔ رشد آموزش معارف اسلامی است و جای نوع زندگی در قرآن کریم در مجلهٔ رشد آموزش قرآن. حالا که این‌ها می‌توانند بار یکدیگر را تحمل کنند، چه بهتر که اسکلتشان با هم محکم شود تا بار سنگین‌تری را بردارند و مجله، مجلهٔ وزینی باشد.

این‌طوری عرض کنم! رشد مدیریت مدرسه، رشد مدرسهٔ فردا و رشد تکنولوژی آموزشی؛ این‌ها می‌توانند با هم باشند. البته این‌هایی را که می‌گویم حرف قاطع من نیست. باید صحبت کنیم و ببینیم ما مجلات تَنک را برای چه می‌خواهیم. ۳۲ صفحه مجله یا ۴۸۵ صفحه مجله، یعنی چی؟ وزین را می‌توانیم به معنی تعداد صفحات که وزنش بیشتر باشد بگیریم، یا به معنی اینکه مطالبش معنی‌دارتر باشد. در ظاهر مجلات هم من هنوز احساس می‌کنم جای کار وجود دارد.

گرافیک چشم‌نواز %

گرافیک مجلات ما جای بهتر شدن دارد. مثلاً رشد آموزش تربیت‌بدنی کوشیده است سبک جدیدی در تصویرگری و گرافیک مجله ارائه دهد. من فکر می‌کنم لازم است مثلاً در پژوهشگاه تحقیقی بشود که آیا این نوع گرافیک برای بچه‌ها

جشنواره‌ای داخلی، داورانی باشند تا تعیین کنند کدام مجله‌ها به لحاظ نگارش خوب بوده است. من اعتقاد دارم، آن‌هایی که وقتی فارسی صحبت می‌کنند، کلمات غیرفارسی به کار می‌برند، اولاً نشان از این دارد که زبان فارسی‌شان خوب نیست، ثانیاً معلوم نیست زبان انگلیسی‌شان هم خوب باشد. چون گاهی معادلی به کار می‌برند که برگردان‌های درستی نیست. مجله باید از این نظر روان باشد. ما که برای خارج نمی‌نویسیم. نمی‌گوییم سره‌نویسی کنید که شما هم بروید کلمات وحشی زبان پهلوی را پیدا کنید! این هم نه، فارسی آن‌گونه که در کوچه و بازار یکدیگر را بفهمیم. درعین حال که به زبان فارسی هم توجه کنیم.

رنگین کمان فرهنگ اقوام%

در مجلات رشد، به رنگین کمان فرهنگ اقوام توجه کنیم. گاهی اوقات یا از این طرف می‌افتیم یا از آن طرف. ما اقوام مختلفی داریم که با هویت اسلامی-ایرانی دور هم جمع شده‌اند. حتی غیر مسلمان‌های ما ایرانی هستند. آیا این گنجینه‌ها را رایگان از دست بدهیم؟ ما امسال در کتاب‌های درسی گفتیم که از شهدای اقلیت‌های دینی در کشور در کتاب درسی مطلب بیاوریم. رهبر انقلاب ما می‌رود خانه یک شهید اقلیت دینی، احترام و تجلیل و تکریم می‌کند. همین می‌تواند در کتاب درسی یک گزارش شود. در کتاب درسی می‌توانیم یک نمونه را بیاوریم، در مجلات چه؟ ما دانش آموزانی داریم که اقلیت دینی هستند. شما همیشه یا بیشتر وقت‌ها از مدرسه غیر دولتی گزارش تهیه می‌کنید. شاید بشود در منطقه ۶، از «مدرسه اتفاق»، یا از «مدرسه انوشیروان» هم گزارش تهیه کرد. می‌شود از «مدرسه مریم مقدس» هم گزارش تهیه کرد.



همین قدر که بچه‌ها با چپستی، چرایی و چگونگی مواجه شوند کافی است. این فلسفی اندیشیدن برای بچه‌های ما مناسب است

معلم گزارشی بنویسیم و بگوییم یک معلم خوب در آموزش فیزیک این مهارت را به کار برد. مثلاً آیا در رشد آموزش تاریخ نمی‌توانیم شهید مطهری را مطرح کنیم؟ تاریخ انقلاب اسلامی است دیگر. بگوییم معلم این‌گونه است. در رشد هنر نمی‌توانیم چهار نمونه خط‌های زیبایی‌معلم‌ان را بگذاریم؟

به نظر می‌رسد که ما از این فرصت‌ها خوب استفاده نمی‌کنیم. مثلاً من روز دوازدهم فروردین، روز جمهوری اسلامی را نگاه می‌کردم. برخی از مجلات ما یک تیتراژ ده‌اند که عموماً از مجلات عمومی رشد مثل کودک، نوآموز، دانش‌آموز، نوجوان و جوان هستند و من از آن‌ها تشکر می‌کنم. تقریباً همه به این‌ها پرداخته‌اند. اما در برخی مجلات احساس می‌کنم ما فرصت را از دست داده‌ایم. مثلاً همه‌پرسی جمهوری اسلامی، مقوله سیاسی - تاریخی مهمی است. در انقلاب‌های معاصر از صد سال قبل، نه در انقلاب فرانسه، یا انقلاب روسیه، هیچ‌کدام به رأی مردم این‌گونه توجه نکرده‌اند. استقرار قانون اساسی‌شان این‌گونه نبوده است. ما در مجلاتی که می‌توانستیم به آن‌ها بپردازیم مثل مجله رشد آموزش علوم اجتماعی و رشد آموزش تاریخ، به این موضوع کم‌توجه کرده‌ایم.

اهداف تربیتی - فرهنگی

نکته دیگر بحث اهداف تربیتی - فرهنگی است. ببینید دوستان، هدف فرهنگی - تربیتی را من گاهی به تعبیر

اقوام مختلف کشور ما، از شمال غرب، از مهاباد و سردشت گرفته تا چابهار در انتهای سیستان و بلوچستان، از سرخس و خراسان گرفته تا در جنوب غربی جزیره مینوی عرب نشین، همه ایرانی هستند و فرهنگ خودشان را دارند.

مثلاً شما گاهی که جشنواره غذا برگزار می‌کنید، چرا همه غذاها تهرانی می‌شود؟ در این سفرها و سیر و سیاحت‌ها، گاهی از آش دوغ اردبیل تا آش شله‌قلمکار شیراز را معرفی کنید. این‌ها گنجینه‌هایی هستند که روابط اقوام ایرانی را با هم بیشتر می‌کنند. ما حسب قانون، امکان آموزش به زبان غیرفارسی را نداریم. حرف درستی هم هست. اما اشاره به ادبیات اقوام ایرانی که منعی ندارد. ما در برنامه آموزش زبان نداریم، اما آموزش ادبیات و فرهنگ را که داریم.

نکته دیگر اینکه ما باید به همین هویت اسلامی ایرانی خود توجه کنیم که در برنامه درسی ملی و سند تحول آمده و جزو اهداف ماست. این‌ها لازم نیست که همیشه تذکر داده شوند و باید مانیفست ما باشند. مثلاً الان اردیبهشت است. خبر در سه ماه فصل بهار چندین موقعیت ایرانی، اسلامی و انقلابی داریم که می‌شود به آن‌ها بپردازیم؛ از نوروز گرفته تا ۱۲ فروردین تاروهای ماندگار فرهنگ، در اردیبهشت روز معلم، روز کارگر و ... روز خانواده و در خردادماه بالاتر از همه وفات امام. در مجلات اگر ورق بزنیم، چه قدر به این‌ها توجه شده است؟ شاید یکی از دوستان ما بگوید این مجله عمومی نیست و تخصصی است. من هم قبول دارم. اما اشاره کردن چه؟ یک قلم نمی‌شود اشاره کرد؟

اگر در هفته معلم مجلات رشد به معلم نپردازند، کجای خواهند از معلم تجلیل کنند؟ نمی‌گوییم کلیشه‌ای یا شعاری بنویسیم «معلم روزت مبارک!» یا «معلمی شغل انبیاست». اما می‌شود تبیین معلمانانه کرد. مثلاً در رشد آموزش فیزیک، نمی‌توانیم از کلاس یک



خانواده بزرگ نشریات رشد
فروردین ۹۴
مجمع رشد، تکابین

نهایی تربیتی تبدیل می کنیم. مجلات
ما باید به این قسمت بیشتر بپردازند.

من نمی گویم مجله باید کتاب درسی باشد. اصلاً اگر مجله
کتاب درسی باشد، ما بخته ایم. بعضی ها فکر می کنند آنچه که
کتاب درسی می گوید، مجله باید تکرار کند. نخیر، اصلاً ما به
اندازه کافی کتاب درسی زده هستیم. بیست و پنج ساعت، سی
ساعت، سی و پنج ساعت در هفته زنگ آموزش داریم. مجله
پشتیبان برنامه درسی است، اما در قامت و جامعه فرهنگ و
تربیت. پس باید خیلی متنوع و مناسب برای کودکان و
نوجوانان باشد. این برای بچه های ما لازم است. بچه های ما هنوز
نیازمند بچگی کردن هستند. خودمان هم دچار بچگی های

مختلفی به کار برده ام.

دوستان هم گاهی نقد کرده اند. حالا

دوست دارم آن را به عنوان یک طرح، مطرح

کنم. زمانی با یکی از دوستان صحبت می کردیم، پرسید: هدف
تربیتی - فرهنگی یعنی چه؟ گفتم: تربیتی یعنی: «بُعِثْتُ لِأَتِمِّمَ
مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» و فرهنگی یعنی: «إِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا». یعنی
هدف مکرمات های انسانی است. اما طریقتش از طریق معلمی
است نه چیز دیگر. هدف آموزش و پرورش تربیتی - فرهنگی
است. یعنی نتیجه و حصولش باید مکارم اخلاق باشد و روش
آن تربیتی. الان هم این جمله را این گونه بیان کردم که ما
می کوشیم درونداد آموزشی مان را در بستر فرهنگی به برون داد



حال مثبت از درون خود آدم‌ها می‌جوشد. از
بیرون قابل تزریق نیست. اما کاری بکنید که
تقویت بشود

به تأخیر افتاده هستیم. اما عرض می‌کنم همه این‌ها حدود دارد. این مسئله در ایران وجود دارد. چرا در ایران برنامه‌های کودک مخاطب بیشتری بین بزرگ‌ترها دارد؟ چون ما یک سلسله احساسات کودکانه داریم که سرکوب شده‌اند. حالا الان دوباره ما مثلاً «حنا دختری در مزرعه» را نگاه می‌کنیم. «کلاه قرمزی» را نگاه می‌کنیم. حتی پیام‌های اجتماعی‌مان را می‌خواهیم از زبان «فامیل دور» و «همسایه» و «ببعی» داشته باشیم. یک وقتی از بعضی از دوستان سؤال کردم که شما چرا این‌قدر طرفدار «حسنک کجایی» و «کوکب خانم» هستید؟ قصه «حسنک کجایی» را برای دخترم گفتم. دیدم به من نگاه می‌کند. گفتم: لذت نبردی؟ گفت نه. این داستان را اگر من به روستا می‌رفتم و برمی‌گشتم، می‌فهمیدم. مجله رشد باید ارتباط منظومه‌ای با برنامه درسی داشته باشد، اما تکرار کتاب‌های درسی نباشد. مثلاً آموزش برهان ریاضی این کار را خوب انجام می‌دهد، ولی حوزه علوم اجتماعی جزو غرباست. زمانی که ما نوجوان بودیم جایگاه مطالعات اجتماعی یا تربیون آن متعلق به چپ‌ها بود. همچنان که تاریخ تربیون شاهنشاهی‌ها بود. حالا بعد از انقلاب اسلامی باید این تربیون ملی باشد نه تربیون یک نحله فکری. این تربیون ملی در تاریخ و مطالعات اجتماعی باید برگردد به وقایع یا واقعیات مقرون به حقیقت و تحلیل علمی شود. ما باید بتوانیم یک روش تاریخ‌نویسی مستقل را آموزش دهیم. البته این کار دانشگاه و کسانی است که در

این زمینه کار می‌کنند، اما هنوز سبک تاریخ‌نگاری ما نوعی دیگر است. حتی تاریخ صفویه را هم که می‌نویسیم، بر اساس منابع دیگران است. صفویه در ایران اتفاق افتاده و افشاریه متعلق به ماست، اما باید آن‌ها را به روایت آن‌هایی که از آن‌ور آب نقل کرده‌اند، بنویسیم. سبک علمی مستشرقین درست است و می‌پذیریم، اما نقل آن‌ها درست نیست. مثلاً شما نمی‌توانید عهدنامه ترکمانچای دوره قاجار را از قول آن‌ها بنویسید، چون معلوم است که تاریخ نویسان روسی چگونه نوشته‌اند. پس مجلات رشد می‌توانند اطلاعاتی را در اختیار معلمان و دانش‌آموزان بگذارند که در کتاب‌های درسی یافت نمی‌شوند.

هنر پل ارتباط خلّاقیت و تجربه

به اعتقاد من، هنر پلی است برای ایجاد ارتباط خلّاقیت و تجربه. زمانی خوش‌نویسی مظلوم واقع شد. در آموزش و پرورش همه می‌خواستند خوش‌نویسی را حذف کنند. خدا رحمت کند خانم نواب صفوی را. به ایشان گفتم خانم، خوش‌نویسی جزو هنرهایی است که ما داریم، اما مجسمه‌سازی معلوم نیست هنر ما باشد. قلم نی، جوهر و مرکب، و لایقه برای ماست. الان توجه به خوش‌نویسی خوب شده است. اما از چیز دیگری کم می‌شود؛ از نقاشی. نقاشی هم خوب است. وسیله بیان احساسات بچه‌هاست. هر کس می‌خواهد ببیند بچه‌اش چگونه فکر می‌کند بگذارد نقاشی بکشد. رشد آموزش پیش‌دبستانی باید این نوع مفاهیم را نشان دهد.

ترجمه خوب است. از شما هم ممنونم که سهمی برای ترجمه قائل شده‌اید. ولی باز در این زمینه هم میزان متعارف را پیدا کنید. ترجمه خوب است، اما تجربه درونی خودمان هم کم

باشد، اما رشدهای دانش آموز، نوآموز، کودک و نوجوان نگاهی به این موضوع بیندازد: «رشد فلسفی کودکان». معنایش هم این نیست که ما از هیولا و وجود بنویسیم. همین قدر که بچه‌ها با چیستی، چرایی و چگونگی مواجه شوند کافی است. این فلسفی اندیشیدن برای بچه‌های ما مناسب است. آموزش داستان را شروع کردید، دست شما درد نکند. نوشتن و داستان‌نویسی را به بچه‌ها یاد بدهید. از ما که گذشت و یاد نگرفتیم، ولی شما به بچه‌ها یاد بدهید. همان‌طور که کاردستی و آشپزی یاد می‌دهید، داستان‌نویسی را هم یاد بدهید که چگونه بنویسند. کنار این، فرهنگ مطالعه بسیار مهم است، چون نوشتن بدون مطالعه کردن امکان‌پذیر نیست.

خانه دوست کجاست؟ §

برای کتاب‌نامه‌های رشد فکری کنید. آیا در هر مجله نمی‌توان یکی دو تا کتاب معرفی کرد؟ کاری که در بعضی از مجلات می‌کنید. معرفی کتاب متناسب با همان بچه‌ها و همان موضوع باشد. ضد زنگتان را هم زیاد کنید که زنگ نزنند. این ضد زنگ‌ها مثل مایع لابه‌لای مفصل‌هاست. آخرین جمله‌ام این است که یکی دو تا مفهوم ارزشی را شما در همه چیز داشته باشید: مثبت‌نگری و نگاه کردن به آدم با نگاه زیبایی. البته حال مثبت از درون خود آدم‌ها می‌جوشد. از بیرون قابل تزریق نیست. اما کاری نکنید که تقویت بشود. و آخرین مطلب این است که همه نوشته‌ها و پرداخت‌های ما باید در آخر، یک جمله را جواب دهد: «خانه دوست کجاست؟»

نیست. این‌ها را قانونمند کنیم. باز یکی از آرزوهای زمین خورده من تجربه‌های مدیریت آموزشی است. ما در این باره سمیناری برگزار کردیم و قرار شد کسی این‌ها را بنویسد و کتابش کند. هنوز این کار انجام نشده است. ما تجربه‌های کمی نداریم. باید آن‌ها را به صورت علمی بنویسیم. مدیران ما، مجلات ما به دردشان خواهد خورد. ترجمه خوب است، اما نه این قدر زیاد. گاهی مترجمان ما هم مطلب را نمی‌فهمند و از خود می‌بافند. از جمله آرزوهایی که من دارم بحث پرداختن به «اقتصاد هنر» است. مجله رشد آموزش هنر به اقتصاد هنر توجه کند. تا اقتصاد هنر را در مجلات تبیین نکنیم، بچه‌های ما گرایشی به هنر و ساحت زیباشناختی نخواهند داشت. متأسفانه الان اقتصاد با همه چیز گره خورده است. اقتصاد، زیرینا نیست، اما مهم است. بالاخره بچه‌ها باید بدانند بازارهای هنر جایگاهشان کجاست.

فلسفه برای کودکان §

بحث تفکر فلسفی و فلسفه برای کودکان هم اهمیت دارد. البته نمی‌خواهیم فلسفه برای کودکان تیتتر یک مجله



آسیب شناسی ادبیات دینی

عقل سرور احساس است!

سخنان محمدناصری

مدیرمسئول مجلات رشد در جمع سردبیران مجلات دانش آموزی رشد

اشاره

دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در سال ۱۳۹۴، در سلسله نشست‌های موضوعی با حضور سردبیران، به مقوله «تربیت دینی» پرداخت. در یکی از این جلسات، در تاریخ ۲۲ تیرماه، مدیرمسئول مجلات رشد با اشاره به مباحث مطرح شده در جلسات پیشین، موضوع «آسیب‌شناسی ادبیات دینی» را مطرح ساخت که مشروح آن تقدیم می‌شود.....



در ابتدا باید صمیمانه به خاطر کارهای خوبی که در این سال‌ها در حوزه ادبیات دینی در مجلات رشد انجام شده‌اند تشکر کنم. وقتی به دقت مطالب مجلات را با بازار نشر مقایسه می‌کنیم، بهتر متوجه می‌شویم. اما اگر مواردی را که به ذهن دوستان رسیده بود مورد توجه قرار دهیم، جای کار زیادی در این حوزه وجود دارد. در اندیشه دینی، نیت جایگاه ویژه‌ای دارد. علاوه بر این که در حدیث آمده است: «الاعمال بالنیات»؛ «اعمال شما به نیت شماست». در جای دیگر نیز آمده است: «نِیَةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ»؛ «نیت مؤمن از عمل او بهتر (ارزشمندتر) است».

نیت اصالتی دارد که حتی اگر به عمل هم نرسد، کارکرد خودش را حفظ می‌کند. بر اساس آموزه‌های دینی، علاوه بر کارهای انجام شده کارهای خوبی هم که انسان آن‌ها را انجام نداده است و نیت انجام آن‌ها را هم داشته است. در نامه اعمال ثبت می‌شوند. حتماً شما هم کارهای بسیاری را در برنامه

داشته‌اید که به دلایل گوناگون انجام نشده‌اند و حتماً برایتان محفوظ خواهند بود. خدا از همه‌گی قبول کند.

راهگشایی و الگو بودن در مجلات رشد

به دلیل داشتن مخاطب میلیونی در مجلات رشد، ما می‌توانیم در حوزه دین و ادبیات دینی راه‌گشا و الگو باشیم. قطعاً مجلات رشد می‌توانند الگو باشد؛ همان‌طور که در سال‌های اخیر در حوزه شعر و داستان الهام‌بخش بوده‌اند، در حوزه‌های دیگر هم می‌تواند الهام‌بخش باشد. مجلات رشد می‌توانند چراغ عرضه درست و مؤثر دین را روشن کنند تا این نور بتابد و گروهی جمع شوند و از آن

تربیت دینی از جنس ایمان است و ایمان موضوعی قلبی است

استفاده کنند. این وجه، جنبه جریان‌سازی مجلات رشد در این حوزه است. بدون اغراق احساس می‌کنم حضور شما سردبیران در هریک از مجلات موجب شده است تا مرکزیتی ایجاد شود و افرادی حول آن مرکز در رفت و آمد باشند که صاحب قلم و صاحب فکر هستند. این که شما توانسته‌اید مجله را به مرکز اندیشه‌ورزی تبدیل کنید، موقعیت بسیار مهمی است. شما می‌توانید از این فرصت برای ایده‌پردازی در حوزه دین هم استفاده کنید. طیف بزرگ کودک، نوجوان و جوان، به واسطه رهبری شما، می‌توانند کارهای خوبی انجام دهند.

اتفاقی که در حوزه‌هایی چون داستان و شعر در مجلات پایه‌ریزی و دنبال شده، تجربه‌ای برای کار جدی و مستمر در مجلات ایجاد کرده است و قابلیت‌هایی هستند

که به فعلیت درآمده‌اند. این امر را می‌توان به حوزه دین هم سرایت داد. تجربه کارگاهی که به ایجاد آثار خیلی خوب انجامید، اگر در حوزه ادبیات دینی هم انجام شود، می‌تواند باعث امیدواری بیشتری به آینده شود. البته باز هم تأکید می‌کنم، همان‌طور که در حوزه‌های دیگر عجله نکردید و حساب‌شده و منطقی جلو رفتید، در این حوزه نیز همین‌گونه باشید. شاید هیچ‌یک از صحبت‌هایی که در این جلسات شده است، بازخوردی در مطالب امسال مجلات نداشته باشد، ولی در سال‌های آینده شاهد نتایج خواهیم بود.

بهتر است تمام مجلات را در حوزه دین به صورت مستقل ارزیابی کنیم و علاوه بر جلسات عمومی، جلسات اختصاصی نیز در هر مجله با مخاطب خاص همان مجله برگزار کنیم.

یکی از مشکلاتی که تا به امروز وجود داشته، این است که متأسفانه بعد از انقلاب هیچ‌گاه در هیچ‌جایی نقد جدی بر ادبیات دینی انجام نگرفته است. به همین دلیل، تمام کارهای خوبی که در حوزه ادبیات دینی انجام شده‌اند همگی حاصل ذوق شخصی نویسنده بوده و در فضای انفرادی خلق شده‌اند، اما بعد از عرضه به خوبی حمایت نشده‌اند. همان‌طور که در حوزه شعر و داستان جلسه تشکیل می‌دهیم و نقد می‌کنیم، در حوزه ادبیات دینی هم باید به همین شکل عمل کنیم. شما می‌توانید این چراغ را در مجلات روشن کنید. این هم وجه دیگری از اهمیت کار مجلات است.

ادبیات دینی و تبلیغ دینی

موضوع دیگری که متأسفانه با آن روبه‌رو هستیم این است که در حوزه ادبیات دینی و تبلیغ دینی، دست ما از پشتوانه فکری خالی است. پشتوانه فکری موضوع بسیار مهمی است.

به نظر من تشکیل جلسات عمومی و اختصاصی باعث به وجود آمدن پشتوانه فکری در حوزه دین و ارائه آن خواهد شد. در جماعت موجود در حوزه کودک و نوجوان، صد در صد یکی از بهترین مراکزی که می تواند متخصص تولید محتوای دینی تربیت کند، دفتر مجلات رشد است. جمعی که در این جا حضور دارند، هم درکی درست از زمانه دارند و هم درکی شایسته از دین. به همین دلیل، می توانند در حوزه تولید محتوای دینی وارد عمل شوند.

همه ما با اندیشه های شهید مطهری آشنا هستیم و از نقش ایشان در نیم قرن اخیر آگاهیم. شهید مطهری با آن سطح از معلومات و دانشی که داشتند، اگر تشخیص می دادند کسی استعدادی دارد، از آن فرد استفاده می کردند؛ همان طور که از دکتر شریعتی استفاده کردند. ایشان تأکید بسیاری روی زبان، ادبیات دکتر شریعتی داشتند. آقای مطهری در سطحی پایین تر همین نگاه را نسبت به محمود حکیمی هم داشتند. ایشان اگر استعدادی را می یافتند از آن استفاده می کردند. در دفتر مجله هم می توان همین روش را پی گرفت و افراد با استعداد را جذب کرد. به نظر من، دفتر مجله یکی از مهم ترین مراکز تولید محتوای دینی مؤثر است.

آسیب شناسی تعلیم و تربیت دینی در ایران %

پس از ذکر این مقدمات، اجازه بدهید من مروری بر آسیب شناسی تعلیم و تربیت دینی در ایران داشته باشم تا بدانیم در چه فضایی زندگی می کنیم. برخی از آسیب ها از جهان بیرون و غیر مسلمان و رسانه ها وارد می شود، مثل پیام هایی که ناخواسته دریافت می شود، فیلم های سینمایی، موسیقی، ادبیات ترجمه ای غیر دینی یا ضد دینی. ما نمی توانیم جلوی این ابزارها را بگیریم. یکی از کارهایی که دین توصیه می کند، این



است که نگذارید کودکان به فضای آلوده وارد شوند، ولی ما در جامعه‌ای باز زندگی می‌کنیم و راهی جز تقویت ایمان بچه‌هایمان نداریم. بچه‌ها باید موضع داشته باشند. ما اگر می‌خواهیم سهمی در حوزه تربیت دینی داشته باشیم، باید بتوانیم تربیت درونی بچه‌ها را تقویت کنیم.

به غیر از آسیب‌های بیرونی، متأسفانه آسیب‌هایی در درون جامعه اسلامی هم وجود دارد که بهتر است مروری بر آن‌ها نیز داشته باشیم. من چند مورد از این آسیب‌ها را در این جا مطرح می‌کنم. یکی از آن‌ها این است که تعلیم

یکی از کارهایی که دین توصیه می‌کند، این است که نگذارید کودکان به فضای آلوده وارد شوند

و تربیت دینی ما ناقص است و اگر بخواهیم ارزیابی کنیم، می‌بینیم ما فقط در تعلیم دینی کار می‌کنیم، نه تربیت دینی. تربیت دینی از جنس ایمان است و ایمان موضوعی قلبی است. اکراه و اجبار در دین وجود ندارد، اما این دلیل نمی‌شود که درس تعلیمات دینی در مدرسه تعطیل شود. هر درسی کارگاه و آموزشگاهی دارد و کارگاه درس دینی، معلم دینی است.

آسیب دوم این است که ما دین را روی در و دیوار می‌آوریم، اما آیا این کار تأثیری هم دارد؟ به نظر می‌رسد خیلی تأثیر ندارد. نباید در این حوزه ولخرجی کرد.

مطلب بعد، شبکه عظیم مداحی و مداحان است. حتی مراجع تقلید هم از این وضع انتقاد کرده‌اند. متأسفانه در مواردی شبکه مداحی از کنترل روحانیت خارج شده است. در کجای اسلام آمده است که نیروی عظیم عقل تا این اندازه زیر دست و پای احساس بیفتد؟

عقل سرور احساس است!

آسیب بعدی تمام کارهایی است که به اسم فوق برنامه در مدرسه‌ها اجرا می‌شود. چرا باید دانش‌آموزان را به اجبار به صف نماز برد؟

ما غالباً دین را مترادف با غم و اندوه معرفی کرده‌ایم. چرا باید برای کودک و نوجوان جنبه غم‌افزایی دین را تکرار کنیم و حالت انبساط خاطری را که در دین وجود دارد بیان نکنیم؟ عنصر انتخاب، آگاهی و اشتیاق که در صدر اسلام جان‌مایه همه آموزه‌های اسلام بود، امروزه نیز عنصری مهم در امر دین است و حرف اول را می‌زند. برداشت مخاطبان ما از جامعه دینداران چیست؟

آقای دکتر احمد احمدی عضو قدیمی شورای انقلاب فرهنگی هستند و کرسی فلسفه اسلامی را در دانشگاه تهران داشته‌اند. ایشان می‌گویند: «متأسفانه تعلیم و تربیت برای اعظم علمای ما چندان مهم نیست.» علامه جعفری زمانی که در چند قدمی مرجعیت بودند، به ایران بازگشتند تا به جوانان درس بدهند. همه به ایشان اعتراض کردند، اما ایشان درد دین داشتند و از مرجعیت گذشتند. یکی از جوان‌ترین افرادی که در حوزه اندیشه دینی کار می‌کند، آقای علیرضا اعرافی است. ایشان می‌گوید: «مادر خصوص مسائل اجتماعی و تربیت و فقه تربیتی خلأ تئوریک داریم.» آقای مطهری معتقد بودند که انتشارات دینی ما مریض است. تمام تألیفات آقای مطهری بر اساس نیاز زمانه بوده است. ایشان «داستان راستان» را در کنار کتاب‌هایی چون «عدل الهی» و «علل گرایش به مادی‌گرایی» نوشته‌اند، چون تشخیص دادند که این کار ضروری است. به نظر من یکی دیگر از دلایل نابسامانی‌های انتشارات دینی، پرداختن سطحی به عرفان است. عرفان مقوله‌ای نیست که بتوان به راحتی آن را در اختیار مخاطب عام قرار داد. امروز بعضی از مسائلی که

پرهیز از آفت تکرار مکررات در موضوعات دینی است. باید به تازه‌ها و تازه دیدن‌هایی از دین دست پیدا کنیم.

در یک کلام باید بگویم وظیفه ما اطلاع‌رسانی دینی نیست. ما باید کاری تأثیرگذار از جنس تربیت تولید کنیم. جای تعلیم در کتاب درسی است. ما باید شاه‌بیت‌های تربیتی دینی را برای مخاطب پیدا کنیم و به آن‌ها بپردازیم. برای مثال، یکی از شاه‌کلیدهای تربیت دینی، پرده‌داری است. معلم باید در امر تربیت پرده‌دار باشد. ما باید این شاه‌کلیدها را بیابیم و روی آن‌ها تمرکز کنیم. ما به عنوان سردبیر باید نکات و جنبه‌های جذاب دین را که کمتر به آن‌ها پرداخته شده است، شناسایی کنیم.

نگاه عقلانی به دین با پوشش ادبی و هنری، نکته دیگری است که باید به آن توجه ویژه داشته باشیم. برای سخن گفتن از دین باید به بستر ادبیات و هنر توجه کنیم. نکته بعد این است که برای پرداختن به دین باید شیوه تربیتی پیغمبر اسلام (ص) را به عنوان سرچشمه تربیت دینی در نظر بگیریم و نگاه متعادل و به دور از افراط و تفریط به دین داشته باشیم.

ویژگی‌های خاص پدیدآورندگان مطالب دینی

به نظر من، کسانی می‌توانند در تولید محتوا نقش مؤثری ایفا کنند که ویژگی‌های خاصی داشته باشند، از جمله:

- ✽ درک درست از زمانه و درد دین داشته باشند؛
 - ✽ قصه‌نویسی بدانند. قصه به عنوان یک عامل مؤثر، شأن بالایی دارد و قصه‌نویسان می‌توانند درباره این موضوع فکر کنند؛
 - ✽ عاشق نوشتن و اندیشه‌ورزی در حوزه دین باشند؛
 - ✽ در حوزه دین بی‌سواد نباشند.
- امیدواریم ان‌شاءالله در سال‌های آینده در مجلات رشد مطالب تأثیرگذاری در حوزه دین تولید شود.

خصوصی، تجربی، شخصی و غیر قابل بیان عمومی هستند به راحتی چاپ می‌شوند.

سید حسن خمینی نقل می‌کند که در سنین نوجوانی علاقه زیادی به خواندن نماز شب پیدا کرده بود. حضرت امام خمینی (ره) از این موضوع مطلع شدند و یک روز سید حسن را صدا کردند و از او خواستند که نماز شب نخواند، ولی به جای آن، نماز اول وقت را ترک نکنند. خوب بازی کند و خوب درس بخواند.

نکته قابل توجه دیگر اینکه ما جوهر دین را اشتباه گرفته‌ایم و فقط به مناسک و امور ظاهری می‌پردازیم. مسابقات قرآنی که در مدارس برگزار می‌شوند، غالباً در حوزه لحن و ترتیل و صوت هستند و به معارف قرآن وارد نمی‌شوند. یکی از آفات بسیار مهم، نگاه مناسکی به مسائل تربیتی دین است.

جمع‌بندی من این است که مجلات برای ارائه دین ویژگی‌های منحصر به فردی دارند. چون تهیه مجلات غیر اجباری و اختیاری هستند و اوقات فراغت را پر می‌کنند، برای تبلیغ دین شاید بهتر از کتاب درسی هستند. پس باید برایش جا باز کنیم. طیف عظیم مخاطبان هم مهم است. این که مجله جای کمی برای پرداختن به موضوعات گوناگون دارد، مزیت به شمار می‌آید، چون هرچه فضا محدودتر باشد می‌توان حرف‌های دقیق‌تر و حساب‌شده‌تر بهتری زد. محدودیت صفحات عیب نیست و اشکالی ندارد.

ویژگی‌های مطالب دینی مجلات

به نظر من مباحث و مطالب دینی مجلات باید چند ویژگی داشته باشد: اول استفاده از منابع دست اول؛ دوم مطالعه گروهی و هم‌فکری برای سوژه‌یابی و درک سوژه‌های خاص برای مخاطب خاص؛ سوم رسیدن به کلیدواژه‌های اصلی دین و تأمل در آن‌ها و چهارم به دست آوردن پادهر برای آفت‌های دینی. یکی از مسائلی که خیلی مهم است و باید به آن توجه کنیم،



فردا از چه می‌پرسند؟

گزارش نشست «نماز در مجلات رشد»
با حضور حجت‌الاسلام سیدجواد بهشتی

• اشاره •

یکی از اهداف و رویکردهای موضوعی مجلات رشد، پرداختن به حوزه «دین و معارف اسلامی» است. در گستره موضوعی دین، موضوع «نماز و نیایش» به جهات نظری و عملی بسیار مهم است. اهمیت نماز در دین مبین اسلام با کارکردهای فردی و اجتماعی گره خورده است و بی‌تردید، یکی از معیارها و سنجش‌های دین‌داری، پایبندی فرد به آن است. نماز در شکل حقیقی خود – که همراه با حسن فعلی و حسن فاعلی است – در بهداشت روحی فردی و ساختن جامعه سالم دینی، بسیار تأثیر دارد.



مجلات رشد طی سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند با شگردهای خلاق و تأکید بر مفاهیم ناب قرآنی و روایی و در نظر گرفتن علاقه‌ها و ظرفیت‌های ذهنی و زبانی مخاطبان به موضوع «نماز، فلسفه، کارکردها و فواید آن» بپردازد. خوش‌بختانه روز دوشنبه ۲۸ اردیبهشت ۹۴ این امکان فراهم شد که در محضر حجت‌الاسلام سیدجواد بهشتی، نویسنده و پژوهشگر علوم قرآنی، از یافته‌های نظری و تجربه‌های عملی او بهره‌مند شویم. آنچه در ادامه می‌آید، حاوی سخنان وی و نقطه نظرات برخی از حاضران در این نشست است.

سیدجواد بهشتی: الهی أنطقنی بالهدی و الهمنی التَّقوی. من هم ایام خجسته ماه رجب و ماه شعبان را تهنیت



کرد. در لایه‌های هزاران و صدها کار و محدودیت که داریم، وقتی خدا ما را به جایی ببرد که مهم‌تر است و اولویت دارد، لطف ویژه خداست. من در احادیث نگاه می‌کردم که فردا از چه می‌پرسند: «تَسْأَلُنِي عَدَاً». سه مورد را دیدم که تصریح و تکرار شده است و یکی این است که از «قرآن» می‌پرسند. در پایان «حدیث ثقلین» هم پیغمبر فرموده‌اند: «قرآن فردا از شما سؤال خواهد کرد که برای من چه کردید». دوم از اهل بیت و سوم هم از نماز سؤال می‌شود که امروز محور بحث است.

درباره هریک از این‌ها به فراوانی و تکرار آمده است که می‌پرسند: برای من چه کردی؟ دو حدیث درباره نماز داریم که همه مردم می‌دانند، ولی من معتقدم خیلی خوب در این دو حدیث تأمل نکرده‌ایم. یکی: «نماز ستون دین است» همه این را بلدند، ولی به کارهایمان که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم چنین چیزی نیست. تعبیر من این است که تمام دین اگر در یک فراز خلاصه شود، آن فراز رابطه معنادار انسان و خداست که خداوند آن را در این فریضه به وضوح تبیین کرده است. حدیث دیگر این است: «روز قیامت اگر نماز مورد قبول واقع شود، بقیه اعمال هم مورد قبول واقع می‌شود» این را نیز همه می‌دانند، ولی باور نداریم که واقعاً همین‌طور است. حتی حدیثی داریم که فرشته‌ها به بقیه عملکردها هم نگاه نمی‌کنند. فریضه نماز تا این حد حساس است و اهمیت دارد.

مجلات رشد بعضی سال‌ها به این موضوع بیشتر و بعضی سال‌ها کمتر پرداخته‌اند و این امر نوسان دارد. به نظر من یکی از دلایل اینکه بعضی سال‌ها کمتر به این موضوع پرداخته می‌شود، این است که گفته می‌شود، سال قبل پرداخته‌ایم و بارها کار کرده‌ایم و از زوایای مختلف دیده‌ایم و همین کفایت می‌کند. در حالی که خود شارع



اگر نگاه بچه‌ها را ببریم به سمت زیبایی‌های خلقت خدا، آن موقع که نماز می‌خوانند، نمازشان از دل و قلب است و به زور نیست

عرض می‌کنم. ان شاءالله خداوند دل‌های ما را برای نزول رحمت‌های خاصش در این ماه‌های شریف آماده بفرماید. گاهی برشی از یک دعا نظر انسان را جلب می‌کند و سال‌ها روی آن می‌ایستد. این جمله از دعای «مکارم‌الاخلاق» مرا مجذوب خود کرده است: «وَوَقَّعَنِي بِمَا تَسْأَلُنِي عَدَاً عَنْهُ». یا «وَأَسْتَغْمِلُنِي بِمَا تَسْأَلُنِي عَدَاً عَنْهُ»: خدایا مرا به کاری بگمار که فردا از آن سؤال خواهی



روی تکرار نماز پافشاری می‌کند. نمازهای واجب را در پنج وعده صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشا می‌خوانیم. نمازهای مستحب هم که ۳۵۰ نوع هستند.

پرورش ریشه‌های فطری §

اولین نکته کاری است که خود من انجام داده‌ام. ما تقریباً ۴۰ سال است که با آقای قرائتی هستیم. آقای قرائتی موضوع نماز را در سال ۱۳۶۹ شروع کرد. ده سال که گذشت، من یک بار به ایشان گفتم: «حاج آقا الحمدلله

نعمت‌ها را باید به گونه‌ای بیان کرد که منعم هم حضور داشته باشد

کارهای خوبی انجام شده‌اند، اما چیزی کم است. روش‌های دعوت بچه‌ها در این روزگار چگونه باید باشد؟ شما درباره این زمینه کار کنید».

ایشان هم گفت: «من الان سرگرم زکات هستم، تو این کار را انجام بده».

من خودم سرگرم این موضوع شدم که با چه روشی ما این موضوع را طرح کنیم. در مطالعاتم به یکی از نوشته‌های حضرت امام رسیدم. حضرت امام پنج کتاب برای نماز دارند. آسان‌ترینش کتاب «پرواز در ملکوت» است که پیچیدگی‌های خاص خودش را دارد. در کتاب امام به این جمله رسیدم و چند صد ساعت روی همین جمله کار کردم: «مؤثرترین روش در دعوت به نماز، پرورش ریشه‌های فطری نماز است».

این جمله را از حضرت امام گرفتم و روی آن کار کردم. آنجا توضیحی بیش از این ندارد که «ریشه‌های فطری نماز» چیست و پرورش آن یعنی چه. من فکر می‌کنم که

آن ریشه‌ها را کشف کردم. ده ریشه است و من روی پنج تا از آن‌ها کار کرده‌ام و در مدرسه هم اجرا و اصلاح کرده‌ام و این روند را گذرانده‌ام. به همین دلیل پیشنهادم مقداری با پختگی همراه است.

امروزی‌ها به این ریشه‌های فطری «احساسات مذهبی» می‌گویند. چند موردی که من کار کرده‌ام، عبارت است از: احساس سپاس‌گزاری، احساس ستایشگری، احساس پناه‌جویی، احساس رازگویی، و احساس نیازخواهی.

امتیازهای این روش §

این روش نسبت به روش‌های دیگر دو امتیاز دارد: آن زمان که من این کار را می‌کردم، اوایلی بود که اینترنت در ایران شکل می‌گرفت و مردم با آن آشنا می‌شدند. من با خودم گفتم الان که دیوارها برداشته و آدم‌های دنیا با هم مرتبط شده‌اند و مانعی نیست، ما دین و اجزای آن را به گونه‌ای باید تعریف کنیم که غیر مسلمان‌ها هم بفهمند و هم بپسندند. از همین نماز شروع کردم. گفتم اگر یک مسیحی، بودایی یا یهودی از دختر من در فضای مجازی سؤال کند که چه دینی دارد و او بگوید مسلمانم و آن فرد بخواهد مسلمانی را برایش توضیح بدهد، دختر من می‌گوید ما نماز می‌خوانیم. این نماز چیست؟ دختر من باید چنان تعریفی از نماز داشته باشد که وقتی کسی از کانادا یا ژاپن آن را می‌شنود، دو چیز بگوید: فهمیدم، و پسندیدم. مسیری که من رفتم پاسخ‌گوی این‌هاست. من برای نماز این کار را کردم و رفتم این حرف‌ها را با مسیحی‌ها، یهودی‌ها، زردتشی‌ها و ادیان هندوستان در میان گذاشتم. اولین امتیازش این است که چون فطری است، قابل فهم و قابل پسند است. دوم تأثیر روحی و روانی‌اش از بقیه روش‌ها بیشتر است.

ورود من به مطلب این‌طور بوده است که مثلاً احساس سپاس‌گزاری را می‌خواهم به آزمایشگاه ببرم و اجزایش را مشاهده کنم؛ مثل تکه‌برداری از پوست یا کبد. می‌گویم ما انسان‌ها یکی از احساساتی که داریم این احساس است. وقتی کسی به ما لطفی می‌کند عکس‌العمل نشان می‌دهیم. اولین پیامی که دریافت می‌کنیم پیام دوستی است. می‌فهمیم هدیه دهنده ما را دوست دارد. هرچه آن هدیه به لحاظ ارزشی بالاتر باشد نشان از مهر بیشتر دارد و به خودمان می‌گوییم من هم باید در مقابل کاری کنم؛ یا با کلمات یا با حرکات. در هر فرهنگی برای هر جمله یا کلمه‌ای این عکس‌العمل وجود دارد. یک پیام دیگر هم دریافت می‌کنم و این است که احساس می‌کنم، عکس‌العمل خوب من، زمینه‌ساز هدایای بعدی است: «شکر نعمت نعمت افزون کند.» در خود آدم‌ها هم این احساس هست. این احساس یک لایه دیگر هم دارد و آن این است که وقتی من تشکر می‌کنم احساس می‌کنم باید در انتخاب کلمات یا حرکات با هدیه‌دهنده تناسب را رعایت کنم.

بعد از این مقدمات به این موضوع می‌رسیم که خود خداوند راه این احساس را گفته است. حدیثی داریم که می‌گوید: خداوند برای حضرت موسی پیغام فرستاد که: «ای موسی! مردم را عاشق من کن.»

حضرت موسی هم به جبرئیل گفت «به خدا بگو بلد نیستم، روش آن را به من یاد بده.»

خداوند به جبرئیل فرمود: «به موسی بگو نعمت‌هایم را بشمار، بندگانم عاشق می‌شوند.»

این پیشنهاد اول من است: **طرح نعمت‌شماری**. در این طرح تا پایان پروژه اسمی از نماز نیست. در خود قرآن حدود ۱۱۰۰ نعمت شمارش شده است. حضرت علی (ع) در «نهج‌البلاغه» برای بعضی نعمت‌ها یک خطبه آورده

است. البته نوع بیان نعمت‌ها هم فرق می‌کند. نعمت‌ها را باید به گونه‌ای بیان کرد که منعم هم حضور داشته باشد. به نظر می‌آید این کار احساس سپاس‌گزاری را تحریک می‌کند و در آینده به نماز می‌انجامد. طرح نعمت‌شماری طرحی دامنه‌دار است و برای مخاطب‌های خاص می‌توان نعمت‌های خاص انتخاب کرد و آن‌ها را متناسب با ادبیاتشان بیان کرد.

احساس دوم **احساس ستایشگری** است. کسانی که درباره نماز صحبت می‌کنند، اغلب شکر خدا را مطرح می‌کنند. اما لایه دیگری هم وجود دارد به نام «مدح خدا». روی این خیلی کم کار شده است. امام رضا (ع) فرمود: «نماز ستایش خداست.» این یکی از ریشه‌های نماز است که خیلی کم به آن پرداخته‌ایم. پیشنهاد دوم من این است که ما باییم درباره نشانه‌های خدا، غیر از نعمت‌ها که بعد زیبایی و جمال را دربردارد، صحبت کنیم. روی این

مؤثرترین روش در دعوت به نماز، پرورش ریشه‌های فطری نماز است

زیبایی‌هایی که در خلقت خدا وجود دارد خیلی کم کار شده است. در این زمینه من گاهی به دنبال کتاب می‌گردم. کمتر کتابی در نعمت‌شماری و آیات الهی پیدا می‌کنم. اگر نگاه بچه‌ها را ببریم به سمت زیبایی‌های خلقت خدا، آن موقع که نماز می‌خوانند نمازشان از دل و قلب است و به زور نیست. به تعبیر دیگر بیان عظمت در حوزه مدح است. حوزه سوم **احساس پناه‌جویی** است. ما کلمه‌ای در قرآن داریم به نام «استعاذه»، یعنی پناه بردن. من درباره خطراتی که انسان را تهدید می‌کنند تحقیق کرده‌ام. تقریباً

گریه باشد.» زیربناهای نماز اینجاست، ولی هنوز هم حرفی از نماز نیست.

حوزه چهارم، **احساس نیازخواهی** است. این را هم با شمارش نیاز می‌توان به انجام رساند. در قرآن ۱۶۰ دعا هست که من این‌ها را استخراج و طبقه‌بندی کرده‌ام که موضوع دعاها چیست و دعاکننده و دعاشونده چه کسانی هستند. یک مسلمان از این ۱۶۰ دعا ۴۰ دعا را باید در حافظه داشته باشد که تا دستش را به سوی آسمان می‌گیرد، دعا خود به خود بیاید. این نیازها کاذب نیست. این ۱۶۰ دعا بیشترش از چهار پیغمبر است: حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت موسی و پیامبر اسلام. دعا‌های پیامبر اسلام هم بیشترش با «قُل» شروع می‌شود، یعنی معلم دعا خداست؛ «قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»، «قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» و ... این نیازخواهی را اول از خود متون دینی مثل قرآن و نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه استفاده کنیم و سپس از کتاب‌های دعا، مثل دعا‌های ماه رجب. اگر دعا طولانی است، می‌توانیم آن را به بخش‌های کوچک‌تر تقسیم کنیم. امام در همان کتاب «پرواز در ملکوت» گفته‌اند، خواندن تمام دعا لازم نیست. برای شمارش نیازها، اول نیازهایی را که در قرآن آمده بیابیم، بعد در دعاها و بعد از همه این‌ها خودمان بنشینیم با خدا نیازهایمان را در میان بگذاریم. پنجمین مورد هم **رازگویی** است.

دلایل نماز نخواندن از نگاه کودکان و نوجوانان

باب دومی که به نظر من خوب است واردش شویم، دلایلی است که بچه‌ها برای نماز نخواندن خود اظهار می‌کنند. این دلایل به لحاظ فراوانی فهرست شده‌اند. بیشترین دلیل این است: «نمی‌دانم چرا باید نماز بخوانم.»

در سبک و سلوک زندگی ما کمک گرفتن از نماز کم به چشم می‌خورد

چهارصد خطر را در تحقیقاتم پیدا کرده‌ام که برای بیشتر آن‌ها در دعاها آمده است: «خدایا به تو پناه می‌برم». این احساس پناه‌جویی را کمی باز کرده‌ام. این‌طور وارد بحث شده‌ام که انسان تواناترین مخلوق خداست و خدا جهان را برای انسان و خدمت انسان قرار داده است و انسان می‌تواند بر هستی تسلط پیدا کند. اما همین انسان توانا آسیب‌پذیر است. امام رضا (ع) فرمود: «یکی از ریشه‌های نماز این است که آغوش رحمت خدا برای پناه و کمک کردن به بندگان فراهم است.» خداوند می‌فرماید: «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ». از صبر و نماز کمک بگیرید.

در سبک و سلوک زندگی ما کمک گرفتن از نماز کم به چشم می‌خورد. استعانت از نماز خیلی کم است. ما باید به بچه یاد بدهیم که در مواقع بحران پشتوانه بی‌نیاز، مقتدر و بی‌منتی وجود دارد. نه اینکه دست روی دست بگذارد. اول از توانایی خاص خودش استفاده کند و بعد از نماز کمک بخواهد. این کار را هم می‌شود با شمارش خطرها انجام داد. **خطرشماری** پروژه‌ای است که ما در این زمینه هم کتاب نداریم. در صحیفه سجادیه، عنوان دعای هشتم: «دَعَاءُ الْاِسْتِعَاذَةِ» است. امام سجاد (ع) در این دعا ۴۴ خطر، از جمله خطرهای فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، جسمی، روحی، دنیوی، اخروی و ... را برشمرده‌اند. وقتی انسان با خطر روبه‌رو می‌شود دچار یأس می‌شود. اینجاست که دین حالت تضرع و التفات و توجه به خدا را پیش رو می‌گذارد. امام صادق (ع) می‌فرمایند: «می‌دانی چه نمازی از همه نمازها بهتر است؟ نمازی که در قنوتش

امام رضا(ع) می‌فرمایند: «وقتی قرآن می‌خوانید به چینش موضوعات دقت کنید.»

حالا اسمش را بگذاریم فلسفه نماز، چرایی نماز یا هر چیز دیگر. من خودم می‌گویم از همان دوره ابتدایی ما باید چرایی را خیلی دقیق بیاوریم و از زوایا و جنبه‌های گوناگون به تبیین و تشریح آن بپردازیم: چرا نماز می‌خوانم؟ چرا وضو می‌گیرم؟ چرا در این زمان؟ و ...

دلیل دوم این است که نمی‌دانند چه فایده‌ای دارد. این غیر از چرایی است. در زمینه فایده‌ها هم ما کم کار کرده‌ایم. امام رضا(ع) فرمودند: «وضو می‌گیریم برای پاکیزگی، برای شادابی و برای نورانیت دل.» فایده‌ها را از همین فایده‌های جسمی و مادی شروع کنیم. این فواید در نماز هست. در احادیث هم گاهی به آن‌ها اشاره شده است. دلیل سوم این است که کسانی را نام می‌برند و می‌گویند این‌ها نماز نمی‌خوانند، پس من هم نمی‌خوانم؛ پدرم، مادرم، معلم یا کسان دیگر. این افراد خیلی روی اعمال و رفتار بچه‌ها تأثیر می‌گذارند.

چهارمین دلیل این است که اعلام کرده‌اند، من نماز می‌خواندم، اما ترک کرده‌ام. چرا؟ یک بانماز مرا بی‌نماز کرد. این دلیل خیلی ناراحت‌کننده است. پرسیدم چه دیدی؟ گفت: بدخلقی، بددهنی، دورویی. این‌ها برای ما هشداردهنده است که ما گاهی به جای جاذبه، دافعه ایجاد می‌کنیم. من تحقیقی در قرآن کرده و اسمش را گذاشته‌ام «همراهان نماز». در قرآن ۵۱ موضوع در همسایگی نماز آمده است. قرآن نسخه خداست و چینش موضوعات در قرآن حکمتی دارد. این را هم از امام رضا(ع) یاد گرفتم. امام رضا(ع) می‌فرمایند: «وقتی قرآن می‌خوانید به چینش موضوعات دقت کنید.»

من دیدم در قرآن ۵۱ موضوع در کنار نماز آمده است و فهمیدم این‌ها به نماز ربط دارند. این‌ها را به دو طبقه تقسیم کردم:



بین دانش‌آموزان متوسطه» گذاشته است. ایشان گفته‌اند پیشگام سنجش دین‌داری در دنیا آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها هستند. شرقی‌ها چنین چیزی ندارند.

بر اساس مدل اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها دین‌داری پنج لایه دارد: اعتقادی، احساسی، مناسکی، پیامدی و لایه دیگری که یادم نیست. با همین پنج لایه این تحقیق را در سه سال متوالی انجام داده است. درباره سؤالات اعتقادی از بچه‌ها، بالای ۹۷ درصد پاسخ‌ها مثبت است. یعنی اعتقاد به خدا و معاد و انبیا و قرآن وجود دارد. به لایه احساسی که می‌رسد ۲۰ درصد کاهش نشان می‌دهد. به لایه مناسک که می‌رسد ۴۰ درصد و در لایه پیامدی ۸۰ درصد کاهش دارد. یعنی تأثیر دین در رفتار تا ۸۰ درصد از بین می‌رود. من در آن سال تحلیل‌م این بود که اولی، یعنی لایه اعتقادی سرمایه است. ولی در مورد مناسک با مشکل روبه‌رو هستیم.

علاوه بر این، استان‌های ما نیز خیلی با هم تفاوت دارند. در سطح کل کشور که حساب می‌کنیم یک رقم به دست می‌آید، ولی استان‌ها خیلی نوسان دارند. در آن تحقیق هم آمده است که استان‌های مرز خطر ما چه استان‌هایی هستند. در دوره‌های تحصیلی هم بیشترین مشکل در دوره متوسطه است. جنسیت هم خیلی تأثیر دارد. مدارس غیر انتفاعی مذهبی مشکل کمتری دارند. در مجموع من خودم معتقدم که لایه اعتقادی سرمایه اصلی است.

افسانه موسوی گرمارودی، سردبیر رشد نوآموز: سؤالی که برای من در گروه سنی هشت تا ده سال پیش می‌آید این است که شاید هر قدر گروه سنی پایین‌تر می‌رود، توجه بچه‌ها را بیشتر باید به سمت عبودیت برد. ضمن اینکه ما یک نقش تقویت‌کنندگی داریم. اساس کار در نماز بر عهده پدر و مادر است. تصور من این است که در

۱. عقیدتی، مثل توحید و نماز، معاد و نماز، فرشتگان و نماز، انبیا و نماز.

۲. اخلاق فردی، مثل «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ؛ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ؛ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ؛ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ.» این‌ها خیلی اهمیت دارند. اخلاق نمازگزاران موضوع بسیار بسیار مهمی است.

یکی از دلایل دیگری که آورده‌اند، خجالت است. در محیطی بزرگ شده‌اند که نماز خواندن موجب خجالت است. یا گفته‌اند دیگران مسخره‌ام می‌کنند. ما باید این عوامل بازدارنده را بدانیم و برای درمان و اصلاح آن‌ها بکوشیم.

ما درباره نماز سه تعبیر در قرآن داریم: اقیموا، استعینوا، حافظوا. از نماز حفاظت و دفاع کنید.

نظرات ناظران و سردبیران مجلات

محبت‌الله همتی، ناظر ماهنامه‌های رشد: این تحقیقاتی که شما به آن‌ها اشاره کردید آیا در منبعی آمده‌اند؟ اما مهم‌ترین سؤالی که پیش می‌آید این است که تحلیل شما از وضعیت دانش‌آموزان چگونه است؟ رضایت‌بخش است یا وخیم؟

بهشتی: منبع این تحقیقات فصل نامه «نیایش» است که مرتب منتشر می‌شود. ستاد اقامه نماز فصل‌نامه‌ای به نام «نیایش» دارد که معمولاً در هر شماره یک یا دو تحقیق انجام شده را گزارش می‌کند. بیشتر این تحقیقات را خود آموزش و پرورش‌ها انجام داده‌اند. بعضی را هم دانشگاه‌ها در بستر آموزش و پرورش انجام داده‌اند. تحقیقی که من توصیه می‌کنم شما گزارش آن را بخوانید، تحقیق آقای محمدرضا طالبان است. سه سال متوالی این تحقیق را انجام داده و اسم آن را «سنجش دین‌داری و بزهکاری در

دبستان الگوبرداری از اطرافیان خیلی بیشتر است، ضمن اینکه ما باید توجه بچه‌ها را به خداشناسی جلب کنیم.

بهشتی: دو سه نکته عرض می‌کنم. یکی اینکه برای نماز کتاب‌های درسی مطالبی دارند. یعنی ما باید بتوانیم با کتاب درسی هم حالت مکمل پیدا کنیم. درباره خانواده هم باید کارهایی انجام دهیم. ما خانواده را تنها در انجمن اولیا و مربیان می‌بینیم. خانواده خیلی تأثیر دارد. به لحاظ قالبی در قالب قصه و شعر بیشتر کار شده است. الان ما فقر قصه و شعر داریم. در دهه ۱۳۸۰ شاید چهل کتاب شعر نماز داشتیم. این رقم بعد از دهه ۸۰ کاهش پیدا کرده است.

همتی: سؤال من این است که مجموعه اقداماتی که در کشور درباره نماز انجام شده، چه قدر مؤثر بوده است؟
بهشتی: قضاوت کردن در خصوص این سلسله عوامل خیلی سخت است.

محمد رضا حشمتی، سردبیر رشد معلم: به نظر من بحثی در زمینه برنامه‌ریزی در مدارس وجود دارد. برنامه‌ریزی برگزاری نماز متأسفانه بسیار بد انجام می‌شود؛ مخصوصاً با توجه به طرح تعطیلی پنجشنبه‌ها. در دوره متوسطه دوم تا ساعت ۲/۵ بعد از ظهر کلاس برگزار می‌شود و بچه‌ها فقط نیم ساعت فرصت نماز و ناهار دارند. خواهش من این است که نسبت به این موضوع دقت جدی داشته باشیم. یک مسئله دیگر در ارتباط با اختیاری یا اجباری بودن نماز است. این مسئله روی رغبت بچه‌ها به نماز تأثیر می‌گذارد. اگر آموزش و پرورش بخواهد نماز نماد دین‌داری باشد، این اختیاری یا اجباری بودن آن عامل مؤثری است. شرکت اختیاری یا اجباری معلمان هم در آن نقش دارد. همکاران ما بر این باور بودند که اختیاری بودن خیلی بهتر است و بچه‌ها با رغبت می‌آیند. به نظر من نکته‌ای که نباید از آن غافل باشیم این است که ما خواسته‌های خودمان را چه قدر

با خواسته‌های حکومتی آموزش و پرورش و نیازهای بچه‌ها تطبیق بدهیم. ما متأسفانه این کار را دقیق انجام نداده‌ایم. نماز را به صورت کلیشه‌ای برگزار کرده‌ایم. شکل مورد قبول آموزش و پرورش برای برگزاری نماز خیلی مؤثر است. برای آن چه فکری شده است؟

بهشتی: یک بار دیگر برگردیم به تحقیق آقای طالبان. آقای طالبان در بخش بزهکاری به چند بزه اشاره کرده است: اعتیاد، رابطه با جنس مخالف، سرقت و تقلب. درباره این‌ها پرسیده است که وجود دارند یا ندارند. بیشترین بزه تقلب است که رقم خیلی بالایی دارد. بعد رابطه با جنس مخالف است. ایشان نتایج این دو تحقیق را با هم ترکیب کرده و نتیجه گرفته است که سطح دین‌داری با کاهش بزه رابطه دارد. نماز و به ویژه نماز ظهر بیشترین تأثیر را دارد. بچه‌ها تجربه نماز ظهر را از مدرسه دارند. پس همین نمازی که با همین شکل شکسته انجام می‌شود، در کاهش بزه تأثیر فوق‌العاده دارد.

مطلب دوم اینکه من خودم مدتی است به دنبال اجرای نماز استاندارد در مدرسه هستم. البته در اجرا خیلی پیچیدگی دارد. یک پیچیدگی مهم وقت نماز است. یعنی ما از مرز شرقی تا به ارومیه برسیم حدود یک ساعت و اندی نوسان داریم. در طول سال هم افق یک ساعت و خرده‌ای تفاوت دارد. دو شش ماهه سال با هم یک ساعت تفاوت دارند و این موضوع مدیر مدرسه را دچار مشکل می‌کند. انگیزه‌ها را هم به این‌ها اضافه کنید. فضای نمازخانه هم مهم است. حالا فرض می‌کنیم وقت هست و می‌خواهیم نماز را در مدرسه اجرا کنیم. من برای نماز ۱۷ پله برشمرده‌ام. برای هر پله در مدرسه ما باید کاری انجام دهیم، مثل وضو که مهم است. درباره مسئله اجبار هم مسلک خود من این بوده است



قاعده این است که نباید اجبار باشد. اجبار جواب نمی‌دهد. اما معنایش این نیست که هیچ کاری نکنیم و موضوع را مسکوت بگذاریم

طرح جامع نماز هم سال گذشته نوشته شده و حتی رئیس جمهور هم امضا کرده‌اند و سه صفحه است. پیشنهاد می‌کنم دوستان این طرح را ببینند. دیدنش خوب است. در آنجا کل وظایف سازمان‌ها از مدرسه تا وزارتخانه گفته شده است.

که گزارش‌گیری را تعطیل کردم. با این کار می‌خواستم بگویم اجبار نباشد. قاعده این است که نباید اجبار باشد. اجبار جواب نمی‌دهد. اما معنایش این نیست که هیچ کاری نکنیم و موضوع را مسکوت بگذاریم.

ناصر نادری، ناظر فصلنامه‌های رشد: نگاهی که الان به بحث نماز شد، بهترین نگاه است. علمی‌ترین هم هست. فطرت، عنصر مشترک نهاد آدمی است و بهترین نوع نگاه این است که فطرت را شکوفا کنیم و انواع احساسات هم دقیقاً همین مواردی است که باید برای کودکان طرح شود. دین همواره در مجلات رشد منبع الهام بوده و باید هم این‌گونه باشد، چون دین در همه ما نهادینه است. نکته دوم اینکه مسائل فرهنگی پیچیده‌تر از قبل شده‌اند. لایه‌های پنهانی در این جامعه وجود دارند که از دید خیلی از مدیران فرهنگی مغفول مانده‌اند. ارزش‌های دینی هم تعاریف دیگری پیدا کرده‌اند و عوامل رسانه‌ای به شدت تأثیر دارند.

بهشتی: در سبک و سلوک زندگی ما کمک گرفتن از نماز کم به چشم می‌خورد

کاظم طلایی، ناظر هنری مجلات رشد: کسانی که در حوزه ادبیات کودک و نوجوان کار می‌کنند، سررشته زیادی از دین ندارند. کسانی هم هستند که خودشان خیلی متدین‌اند و در فضای متدین بار آمده‌اند و درس خوانده‌اند و برای همه تصمیم می‌گیرند و از ادبیات کودک و نوجوان هیچ استفاده‌ای نمی‌کنند. چرا تعاملی بین نویسندگان خوب ادبیات کودک و نوجوان با نویسندگان دینی ما برقرار نمی‌شود؟

محمدعلی قربانی، سردبیر رشد جوان: ما سال گذشته هم به صورت لایه‌های زیرین و مستقیم چند جا روی نماز کار کردیم و با اعتقاد هم کار کردیم. آدم حرفه‌ای پیدا کردن خیلی سخت است؛ کسی که دغدغه‌های ما و شما را داشته باشد. من می‌خواهم بدانم

شما در این پژوهش‌ها و تحقیقاتتان فهرستی از کسانی که این کارها را خوب انجام می‌دهند، در اختیار دارید؟ چون ما هر وقت به فهرست فکر می‌کنیم، به دو سه نفر می‌رسیم که حرف‌هایشان هم تکراری شده است. **بهشتی**: متأسفانه ما هم در این زمینه فقیریم. ولی چشم، مهم است. خیلی هم مهم است.

حمیدرضا امیری، سردبیر رشد برهان ریاضی متوسطه دوم: شاید اگر معلم ریاضی وقتی وارد کلاس می‌شود یک «بسم‌الله الرحمن الرحیم» بگوید، تأثیرش از دو ساعت گفت و گوی یک روحانی در کلاس بیشتر باشد. اما آن طرف قضیه هم این است که اگر من بخواهم یک تصویر یا موضوع یا مطلب الصاقی را در مجله ریاضی در ارتباط با نماز بیاورم، باز خورد منفی خواهد داشت. باید این موضوع به کاری که من انجام می‌دهم بچسبد و این خیلی کار را سخت می‌کند. درخواستم این است که اگر در این زمینه تجربیاتی دارید ما را راهنمایی کنید.

بهشتی: چند نکته خیلی کوتاه عرض کنم. چند تحقیق انجام شده است. آیا بین رشته‌های دانشگاهی و گرایش دانشجویان به نماز ارتباط معناداری هست یا نه؟ همه آن تحقیقات نشان می‌دهند که دانشجویان رشته‌های ریاضی و مهندسی بیشترین طرفداران نماز هستند. کمترین هم که هنری‌ها هستند. نکته دوم اینکه وقتی من در وزارتخانه در ماه رمضان قرآن می‌خواندم، گفتم هر کس قرآن می‌خواند به نیتی بخواند. آخر ماه یکی از دوستان جزوه‌ای به من داد و گفت من به نیت ریاضی امسال قرآن خواندم و هرچه عدد در قرآن بود، استخراج کردم. برای خود من هم تازگی داشت. ۱۳۶ عدد در قرآن آمده است. من دیدم این‌ها می‌توانند بهانه‌های خوبی برای ورود به قرآن و مسائل دینی باشند. به هر حال هنوز هم جای کار دارد.

رفتارهای شیطننت‌آمیز بچه‌ها را می‌توان در سیره پیغمبر یافت. ایشان با اغماض و ارفاق با این رفتارها برخورد می‌کردند. این رفتارها و شیطننت‌ها طبیعی است و ناراحتی ندارد.

یوسف‌زاده: الان در بسیاری از مدارس نماز اجباری نیست. کیفیت نماز در این مدارس چگونه است؟

بهشتی: در اولین اجلاس نماز، یکی از سخنران‌ها، آقای سیدعلی اکبر حسینی بود. ایشان تحقیقی انجام داده بود که برای من خیلی جالب بود. بچه‌ها قبل از اینکه به تکلیف برسند، نماز بر آن‌ها واجب نیست، ولی بر پدر و مادرها واجب است که آن‌ها را با نماز آشنا کنند. خیلی باید مراقبت باشند که بچه‌ها خاطرات شیرین و دلپذیری از نماز داشته باشند تا هرگاه صحبت از نماز شد، احساس خوشایندی در آن‌ها ایجاد شود.

یوسف‌زاده: نکته بعدی اینکه ما مجموعه تحقیقاتی داریم که نشان می‌دهد خانواده‌های ما در گذشته بچه‌ها را چگونه نماز خوان می‌کرده‌اند. الان پدر و مادرها نمی‌دانند برای جا انداختن فرهنگ نماز و نمازخوانی در میان بچه‌ها چه باید بکنند.

بهشتی: درباره شیوه‌های این کار چند کتاب هست. جدیدترین آن‌ها کتاب آقای قرائتی به نام «شیوه‌های دعوت» است که در آن جا چهل شیوه معرفی شده است. یکی از دوستان من به نام آقای نوش آبادی، دانش‌آموزان را به ۱۶ طبقه تقسیم کرده و برای هر طبقه نسخه‌ای نوشته است. ما نباید همه را یک جور ببینیم. خیلی چیزها مؤثر است، ولی همان‌طور که گفته شد، پیچیدگی وجود دارد. اولین کار پیغمبر(ص) و نخستین شیوه تبلیغی ایشان نماز بود. تعبیر من این است که چون فطری بوده پذیرشش هم آسان بوده است. این فطرت کمک می‌کند ما موانع را برطرف کنیم و خیلی راحت به نتیجه برسیم.

حبیب یوسف‌زاده: ناظر محتوایی مجلات: شما فرمودید هرچه از دوره ابتدایی به سمت دبیرستان می‌آییم، در تعداد ریزش داریم، تلقین‌پذیری کمتر می‌شود و با رشد عقلانیت مواجه می‌شویم. من فکر می‌کنم ما خلأ بزرگی در این زمینه داریم و برای رشد عقلانیت تغذیه مناسب تدارک ندیده‌ایم. به نظر شما در این زمینه چه می‌شود کرد؟

بهشتی: البته من هم با این حوزه‌ها درگیر بوده‌ام. اگر بخواهم منبع معرفی کنم، چند کتاب هست. یکی «پرسمان نماز» که این سؤالات در آنجا پاسخ داده شده‌اند. «پرسمان دانشجویی نماز» هم کتاب سنگین‌تری است. کتاب «۱۱۰ پرسش و پاسخ نماز» هم هست. فعلاً این‌ها را در ذهنم دارم.

سپیده چمن‌آرا: سردبیر رشد برهان ریاضی متوسطه اول: فکر می‌کنم پرداختن به مسئله نماز در ریاضیات ممکن است وارد کلیشه‌ها شود. مثلاً اگر همان مسئله‌ای که شما درباره زمان نماز در طول سال مطرح کردید، اگر نگاهی ریاضی به این مسئله داشته باشیم، در عین اینکه موضوع مهم جلوه داده می‌شود، علمی مثل ریاضی هم می‌تواند به حل این مسئله کمک کند. این‌گونه می‌تواند برای دانش‌آموز چند جنبه را پوشش دهد. هم اهمیت موضوعی که یک آدم بزرگ را درگیر کرده و هم اینکه چگونه از چیزهایی که یاد گرفته است می‌تواند استفاده کند و چنین مسئله‌ای را حل کند.

بهشتی: در جایی از شیخ بهایی خواندم که گفته است: «پیشرفت مسلمان‌ها به خاطر احکام قبله و نماز است».

یوسف‌زاده: من چند سؤال داشتم. یکی اینکه گفتید می‌خواهید اجرای نماز را استانداردسازی کنید. آیا خود نماز خواندن گروه‌های سنی بچه‌ها هم می‌تواند استانداردهایی داشته باشد؟ چون نوجوانان شیطننت‌های خاصی دارند.

بهشتی: برداشت من این است که برخورد مناسب با این

این همه پرسش، چرا؟!!

گزارش نشست گفت‌وگو دربارهٔ
کتاب «پرورش هنر استدلال»
با حضور دکتر محمدرضا سرکارآرانی

هم‌اندیشی

اشاره

در اواخر خرداد ۱۳۹۴، این امکان فراهم شد تا سردبیران مجلات رشد طی نشست با دکتر محمدرضا سرکار آرانی جلسه گفت و شنودی داشته باشند حول محور کتاب «پرورش هنر استدلال». گزارش این نشست را می‌خوانید.

سال تحصیلی گذشته بود که سرانجام به رشته علوم انسانی نقل مکان می‌کند و از آن جاست که او روند موفقیت را طی می‌کند. در حین تحصیل درگیر ماجرای جنگ می‌شود. پس از گرفتن مدرک تحصیلی دوره دبیرستان بلافاصله وارد فضای آموزش و پرورش می‌شود و به‌عنوان مربی تربیتی در یکی از روستاهای نزدیک «آران» مشغول می‌شود و در آن‌جا تجربه‌های گران‌بهایی کسب می‌کند.

این فراز از زندگی دکتر آرانی، به‌ویژه برای ما سردبیران، قابل توجه است. در دانشگاه در رشته علوم تربیتی تحصیل می‌کند و از آن‌جا به بعد وی در همه دوره‌های تحصیلی سرآمد دانشجویان می‌شود. او اولین کسی بود که بعد از بازگشایی دانشگاه در اوایل دهه ۶۰ در سه سال‌ونیم با رتبه

محمد ناصری، مدیرکل دفتر: دکتر آرانی نیازی به معرفی ندارد و دوستان او را می‌شناسند و با آثارش آشنا هستند. وی از چهره‌های دوست‌داشتنی است. او هم دفتر را به‌خوبی می‌شناسد. از دهه شصت به بعد با کارشناسان سازمان و سردبیران گفت‌وگوهایی داشته است، و معمولاً همه مجلات را می‌بیند و شناخت خوبی از آن‌ها دارد.

دکتر سرکار آرانی زندگی جذابی داشته‌اند که خیلی پرفراز و نشیب و با شیطنت‌های کودکانه و خاص همراه بوده است. آن‌طور که ما از ایشان شنیده‌ایم، در کودکی دانش‌آموزی معمولی بود. در دبیرستان هم تجربه‌های جالبی داشت. سه بار رشته تحصیلی خود را تغییر داد و با این که امکان انتخاب همه رشته‌های تحصیلی را داشت، سه ماه از







دکتر سرکار آرانی: آیا شأن نوشتن در فرهنگی آموزشی که در آن نوشتن پل ارتباطی معلم و دانش آموز است برای انتقال پیام، با فرهنگی که صدا و سخن گفتن پل ارتباطی است متفاوت است؟ در فرهنگ مکتوب، نوشتن ابزار آموزش و یادگیری است و در فرهنگ شفاهی، سخن و صداست که عامل اصلی ارتباط است

ما معمولاً مطالب زیادی را تهیه و منتشر می کنیم. این روزها رقیب هم زیاد پیدا کرده ایم. یکی از دغدغه های کهنه هم شاید این است که کسی مثل قبل مطالب ما را نمی خواند. آیا این فقط احساس است یا پیچ پیچ های کودکانه رقیب؟ یا واقعاً

اول فارغ التحصیل می شود. در دانشگاه تربیت مدرس هم با رتبه اول فارغ التحصیل می شود و با این که می توانست برای دوره دکترا به کانادا و فرانسه برود، بر اساس علاقه اش ژاپن را انتخاب می کند و در ژاپن مشغول تحقیق می شود و به این ترتیب، دوره دکترا و سپس فوق دکترای خود را با موفقیت به پایان می رساند. بخش اعظمی از زندگی حرفه ای و علمی ایشان در ژاپن می گذرد. او پژوهش های زیادی در زمینه درس پژوهی انجام داده است.

امیدوارم امروز با حضور ایشان و گفت و گوهایی که انجام خواهد شد، همه ما روز خوبی داشته باشیم.

دکتر محمدرضا سرکار آرانی: صبح همگی بخیر! فرمایش آقای ناصری کار مرا کمی دشوار کرد. جلسه امروز بیشتر نشست مطالعه است. البته با صحبت های آقای ناصری می تواند جلسه سوژه یابی برای مسائل مبتلابه ما در خواندن و نوشتن و نشر هم باشد. بیشتر مایلیم از شما بشنوم. اینکه به چه کار اندرید؟ و چقدر اهل خواندنید و آیا این فرض را آزمون کرده اید که خواندن مطالب شما تا حدود زیادی به اینکه شما چقدر می خوانید بستگی دارد؟ به نظر شما، واکاوی کتاب «پرورش هنر استدلال» چه پیام هایی برای ما دارد؟

وقتی آقای همتی تماس گرفت برای این نشست، پیشنهاد کرد بحث جلسه «خواندن» باشد. گفتم «گفت و گو» باشد پیرامون خواندن، چون فلسفه مجلات تهیه موضوعات خواندنی برای بچه ها و معلمان و کارشناسان است. چون خواندن موضوع مهمی است. به علاوه پیشنهاد دادم خواندن را پیوند بزنیم به نوشتن.

اساسی کتاب هم این است که سبک نوشتن و اندیشیدن در ژاپن و آمریکا چه کیفیتی دارد. ریشه‌های فرهنگی، فکری و تاریخی تفاوت‌ها در کجاست؟ جنس پرسش‌ها در کتاب‌های درسی و فرایند آموزش و یادگیری چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟ آیا کیفیت پرسش‌ها با سبک نوشتن و استدلال ارتباط دارد؟

البته در همین ابتدا ممکن است شما پرسید چرا ما نیازمند اندیشه درباره این همه پرسش هستیم؟ عرض می‌کنم چون ما در صندلی «سردبیری» نشسته‌ایم. استحضار دارید که یکی از شئون معلمی نویسندگی است. دبیری به معنای نویسندگی است. مخاطب شما دبیران هستند و شما سردبیر هستید. شئون سردبیری کدام است؟ «رهبری» یکی از آن‌هاست. یعنی بتواند راه را باز کند و راهنمای تازه‌ای بیاورد و چراغی بیفروزد. یکی از شئون دیگر سردبیری، «زمینه‌سازی رشد و توانمندسازی خوانندگان» است. به نظر من، مجلات رشد، فناوری رشد مخاطبان هستند. بستر و محیط رشد را فراهم می‌سازند. یکی از شئون دیگر سردبیری هم «آموزش» است، یعنی قابلیت‌ها را می‌شناسد و یاری می‌کند تا آن‌ها را به منصه ظهور و بروز

دکتر سرکار آرائی: یکی از شئون معلمی نویسندگی است. دبیری به معنای نویسندگی است. مخاطب شما دبیران هستند و شما سردبیر هستید

چالشی برای همه ما؟ بر فرض که چنین است، آیا مخاطب چون احساس نیاز نمی‌کند، نمی‌خواند؟ یا چون احتمالاً نمی‌تواند یا نیاز به نوشتن ندارد، به طور طبیعی نیاز به خواندن هم ندارد. آیا به نظر شما ترویج نوشتن و کوشش برای یافتن سبک‌های نوشتن و اندیشیدن نیاز به خواندن را بیشتر می‌کند؟ کتاب پرورش هنر استدلال در این زمینه چه پیامی دارد؟

پیش فرض ذهنی من این است که اگر به نوشتن بپردازیم، شاید به کمک ترویج نیاز به نوشتن و اندیشیدن بتوانیم خواندن را عموماً و خواندن مطالب مجلات را به طور اختصاصی بیشتر ترویج کنیم. آیا این پیش فرض صحیح است؟ اگر کمی کلی‌تر مسئله را طرح کنم، به این ترتیب می‌توان گفت که آیا شأن نوشتن در فرهنگی آموزشی که در آن نوشتن پل ارتباطی معلم و دانش آموز است برای انتقال پیام، با فرهنگی که صدا و سخن گفتن پل ارتباطی است متفاوت است؟ در فرهنگ مکتوب، نوشتن ابزار آموزش و یادگیری است و در فرهنگ شفاهی، سخن و صداست که عامل اصلی ارتباط است. آیا این پیش فرض که در فرهنگ شفاهی نوشتن کار دشواری است و نیاز به خواندن خیلی احساس نمی‌شود را می‌پذیرید؟ برای مثال، برای من نوشتن کار سختی است، اما سخن گفتن نه؟ شما چطور؟

این‌ها البته پرسش‌های مهمی هستند و اگر با من باشید کمی درباره آن‌ها باهم سخن می‌گوییم. بهانه هم انتشار کتاب پرورش هنر استدلال است که در دستان شماست. این کتاب بر اساس رساله دکترای یک پژوهشگر ژاپنی در «دانشگاه کلمبیا» تدوین شده است. پرسش

برسانند. شأن دیگر آن «داوری» است. داوری کار دشواری است. شأن داوری، شأن کارشناسی، تصمیم، هدایت، اصلاح و بهسازی است. یکی از شئون سردبیری هم «تشویق مخاطب به نوشتن» است. یکی دیگر هم «توانایی دیده‌بانی گفتمان‌ها» است. دیده‌بانی البته به معنی دیدن سفیدی بین سطرهای نوشته‌ها هم هست. نویسنده چرا زبردستی کرده است و پیام را عریان تبیین نمی‌کند و آن را بین سطوح مستور کرده است؟ این که زمان در شعر حذف می‌شود، شاید به خاطر پیام‌هایی است که در سفیدی بین سطرها نهان شده است. با این مهارت در نوشتن، امکان خوانش‌های متنوع به وجود می‌آید و زمان فراموش می‌شود. وقتی خیام یا حافظ را می‌خوانید، گویی با شما سخن می‌گویند. سخن و درد دل امروز خواننده است!

شأن دیگر سردبیری «خطر کردن» است. برای فراهم ساختن رشد مخاطبان اندکی خطر کردن لازم است. چون لازم است گامی به پیش نهید، هم در سبک‌ها و ساختارها و هم در خلق واژه‌ها و گفتمان‌ها و پیام‌ها. شأن مدیر داخلی و مدیرمسئولی غیر از سردبیری است. سردبیر خطر را قبول می‌کند تا بتواند زمینه رشد را فراهم کند. پس ملاحظه می‌فرمایید که موضوع خواندن مطالب نوشته شده از اتاق سردبیر شروع می‌شود. خیلی وقت‌ها ما این‌جوری فکر می‌کنیم که مجله ما خوب است، خواننده ندارد و لازم است برایش خواننده پیدا کنیم. یا چنانچه نمی‌خوانند، مشکل ما نیست و به شرایطی که از حدود اختیارات ما خارج است بر می‌گردد. شما به این نوع دیدگاه‌ها چگونه می‌نگرید؟ بدون مراعات این شئون، بحران کمی خواننده و مضیقه

مخاطب از اتاق سردبیر و جسارتاً خود او آغاز می‌شود. به نظر می‌رسد، یکی از راه کارهای اساسی رعایت این شئون برای سردبیر، خواندن است و خواندن. بیش از همه! کاری که دقیقاً از دیگران انتظار دارد. دیده‌بانی و تسلط به گفتمان‌های رایج و توانایی گامی به پیش نهادن با خواندن ارتباط تنگاتنگی دارد. خواندن، سردبیر را با بازار اندیشه آشنا و او را یاری می‌کند مروج اندیشه‌ای باشد. شما چقدر می‌خوانید؟ و این میزان چه نسبتی با انتظار شما از مخاطبان نشریاتتان دارد؟ ببخشید، پرسش‌های صریح و دشواری است. بفرمایید!

گفت و شنود با سردبیران

دکتر حیدر تورانی، سردبیر رشد مدیریت مدرسه: هر سیستم تلاش می‌کند برای موفقیت عوامل ارزیابی سیستم



دکتر حیدر تورانی



شهرام شفیعی

را تقویت کند. مثلاً امکانات، پول و نیروی انسانی خوب جمع می‌کند. بعد می‌بیند هر قدر این کارها را می‌کند، اتفاقی نمی‌افتد. آنچه فراموش کرده، ارتقای خودش است. یعنی سیستم عامل باید ارتقا پیدا کند. ما باید ببینیم چطور می‌توانیم سیستم عامل را ارتقا دهیم و برای ارتقای آن به چه چیزهایی نیاز داریم؟ اگر شما بتوانید در این زمینه به ما کمک کنید خیلی مفید خواهد بود. برای ارتقای سیستم چه باید کرد و به چه چیزهایی نیاز است؟

شهرام شفیعی، سردبیر رشد دانش آموز: من خیلی از صحبت‌های شما لذت بردم. در ضمن صحبت شما دائماً تصور می‌کردم همه این حرف‌ها توأم با تجربه‌های عینی است، به این دلیل که ارجاع می‌دادید به زندگی روزمره و مشاهدات خودتان و مبانی علمی قضیه را هم توضیح می‌دادید. اما آنچه به‌طور کلی برداشت کردم، داستان امروز و دیروز نیست. یعنی از کی در این مملکت این اتفاق افتاد که تربیون دست شهرام شفیعی بیشتر از مقداری باشد که بلد است بگوید، هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی. وقتی این تربیون بیش از اندازه در اختیار من است، نگرانی و اضطراب از دست دادنش را ندارم. همه ما باید بخوانیم و یاد بگیریم. نوشتن، شدن است، انشا پر دازی نیست.

محمد حسن حسینی، نویسنده و شاعر: خیلی خوشحالم که در این جمع هستیم. البته من مهمان هستم. آقای دکتر، من نه سردبیرم و نه دبیر، اما سردبیران را دوست دارم و دبیران زیاد و خوبی داشتم. من در سازمان مپنا مسئول یادگیری سازمانی هستم و واقعیت این است که وقتی از یک نفر در سازمان می‌پرسند «چگونه» و «چرا»، حرف‌هایی می‌زند، ولی اندازه‌ای ندارد که چرا این قدر است و باید چقدر می‌بود. یعنی

هیچ برنامه و معیاری ندارد و نکته اساسی این است که هیچ کس یاد نمی‌گیرد. برای من خیلی جالب بود که در بحث تبیین اندیشه در آموزش و پرورش، دو مکتب شرق و غرب مقایسه شد. حداقل این کار یادگیری است و اگر این اتفاق برای من بیفتد کافی است. من جمله‌ای از بزرگانی مثل شما یاد گرفته‌ام که آدم‌ها تا وقتی یاد نگیرند هیچ اتفاقی در سیستم و اطرافیان‌شان ایجاد نمی‌شود.

سرکار آرائی: خیلی متشکرم. این که یاد نمی‌گیریم، شاید به این خاطر است که دقیقاً نمی‌دانیم کجا ایستاده‌ایم؟ همه ما مهمان هستیم در این عالم، ولی کم کسی داند که او مهمان کیست! نکته بعدی هم اینکه بپذیریم یادگیری درد دارد و تغییر دشوار است.

مجید راستی، سردبیر رشد کودک: گاهی خوب است آدم درد دل کند و کارش را هم انجام دهد. اگر هر کسی به کاری که می‌کند باور داشته باشد، از آن کار لذت می‌برد. این که چقدر تأثیرگذار باشد یا نباشد، موضوع دیگری است، ولی درستی کار را خود آدم باید ابتدا از دید خودش بررسی کند تا عکس‌العمل دیگران هم ارزیابی شود. من فکر می‌کنم یکی از مشکلات امروزی کل جامعه ما، نداشتن زبان مشترک است. دلیل آن هم نبود درک و فهم مشترک است. همه کار می‌کنند، اما حاصل کار کمتر از آن می‌شود که باید بشود. من فکر می‌کنم در کنار کارهای فردی، نوعی تلاش جمعی هم باید اتفاق بیفتد برای سامان‌دهی به این زبان مشترک که درک و فهم مشترک را هم به دنبال داشته باشد. متأسفانه بخش زیادی از فرهنگ ما فرهنگ تک‌روی است. این تک‌روی خوشبختانه شاید در این



افسانه موسوی گرمارودی

دفتر خیلی کمتر دیده می‌شود، ولی در کل جامعه علت این که انرژی‌ها و نیروها به مقدار زیادی هدر می‌رود به همین دلیل است. ما با هر مقدار اصلاح روش و زبان می‌توانیم هدر رفتن‌ها را به حداقل برسانیم. همیشه نگاه ما به این سمت کشیده شده است که عیب را ببینیم، در حالی که اگر بخواهیم بدی‌ها توسعه پیدا نکند باید سعی کنیم آن‌ها را فراموش کنیم. همین قدر که آدم به خوبی فکر کند، ناخودآگاه در ذهنش جایی برای بدی باقی نمی‌ماند.

افسانه موسوی گرمارودی، سردبیر رشد نوآموز: سخنان شما مرا یاد خاطره‌ای از دوران تدریسم انداخت. در آن زمان، من خاطره‌ای از دوران کودکی خودم برای بچه‌ها تعریف می‌کردم. وقتی دانش‌آموز بودم، معلم تاریخی داشتیم که علاقه‌ای به شنیدن حرف‌هایش نداشتیم و به هر بهانه‌ای از کلاسش بیرون می‌رفتیم. چون به بوی ویتامین ث حساس بودم، کمی بوی قرص جوشان را استشمام می‌کردم و حالت تهوع می‌گرفتم و از کلاس خارج می‌شدم و دیگر هیچ کس هم به دنبال من نمی‌آمد.

در کلاس خودم به بچه‌ها می‌گفتم، الان شما هیچ راه دررویی ندارید و اگر خواستید از کلاس خارج شوید، اجازه بگیرید و بروید. فقط بعد از پنج دقیقه برگردید. من از بچه‌ها خواستم تقاضای بیرون رفتن را در یک برگه یادداشت کنند. نوشته‌های آن‌ها برای من خیلی جالب بود. بچه‌ها همین درخواست کوتاه و ساده را به سختی می‌نوشتند و ما آن‌ها را تشویق به نوشتن کردیم. نتیجه‌اش این بود که بچه‌ها به خواندن هم علاقه پیدا کردند و پس از چند سال داستان‌های موفقی هم نوشتند.

محمد رضا حشمتی، سردبیر رشد معلم: من بر اساس همین کتاب پرورش هنر استدلال پیش می‌روم. صحبت امروز



محمد رضا حشمتی

شما خیلی مرا متزلزل کرد. من دبیر نیستم و با این ویژگی‌هایی که شما گفتید، سردبیر هم نیستم. ویژگی‌هایی که شما گفتید بر اساس کدام فرهنگ است؟ آیا مشترک است؟ فضای آموزش و پرورش ما فضای محافظه کارانه‌ای است که نمی‌گذارد من در ارتباط با معلم بروجردی بنویسم. ما هیچ وقت نخواستیم مشکلات را بیان کنیم. من با سختی بسیار یک مسئله را بیان می‌کنم. از طرف دیگر، متغیرهای دیگری وجود دارد که نامه برای من کم می‌آید. من چطور می‌توانم بفهمم آیا خواننده نشدن مجله به دلیل سطح مطلب است یا به دلیل عوامل پیرامونی و محیطی که به واسطه ذات آموزش و پرورش اتفاق می‌افتد؟

سرکار آرانی: این سؤال موضوعی جدی است؛ به‌ویژه که ما را به بحث ریشه‌دار کتاب‌خوانی و اساساً خواندن مرتبط می‌کند. شما مجله منتشر می‌کنید و سردبیر هستید. اگر فکر می‌کنید

مطلبتان خوب است و به جهت عوامل دیگری خوانده نمی‌شود، شما این جا چه می‌کنید؟ حتماً توانایی‌های دیگری دارید که با بهره‌گیری از آن‌ها کار دیگری را به سرانجام برسانید!

بنده تصور می‌کنم این نحوه تعامل دو سویه است. اگر کسی بگوید کار ما مشکل چندانی ندارد و خوانندگان به خاطر عوامل دیگری که خارج از کنترل ماست مطالب ما را نمی‌خوانند، خوانندگان هم ممکن است بر همین اساس بگویند مطالب شما از زمان عقب است و مسائل صحنه عمل را پوشش نمی‌دهد. به نظر می‌رسد این شیوه تعامل نیازمند بازبینی است. اگر کسی بگوید کتاب درسی مشکل زیادی ندارد، معلمان ما ناتوان هستند، خوب به معلمان حق می‌دهد که بگویند ما بسیار تلاش می‌کنیم و کتاب‌های درسی مشکل آفرین‌اند. بهتر است یکدیگر را به گفت‌وگو و تعاملی با کیفیت بیشتر که ناظر به پذیرش مسئولیت متقابل است دعوت کنیم. ما نیازمند بازاندیشی در اندیشه و عمل تربیتی هستیم که از طریق نشریات دنبال می‌کنیم. وقتی این پیش‌فرض را قبول کنیم که «ما مطلبان خیلی مشکلی ندارد، اگر خواننده ندارد، مسئله جای دیگری است» بهتر است کارمان را تعطیل کنیم. به نظر می‌رسد مشکل فقط هم نداشتن زبان

دکتر سرکار آرانی: ژاپنی‌ها در ارتباطات بین فردی بیش از بازدهی آنی به پیامدهای متقابل و دراز مدت ارتباط با دیگران می‌اندیشند، ترجیح می‌دهند بیشتر شنونده باشند تا گوینده. غالباً توانایی لازم برای «نه» گفتن ندارند و از پرسش‌هایی که فقط پاسخ «بله» یا «خیر» می‌طلبد، استقبال نمی‌کنند

مشترک نیست، بخشی هم برمی گردد به همدلی و درکی متقابل از شرایط کاری و آنچه در عمل در جریان است. در عین حال، مسئولیت ما به عنوان سردبیر، در میزان مخاطب، ضریب نفوذ مجلات و پیام‌های آن و اثربخشی آنچه تولید و منتشر می‌کنیم روشن است و البته این نکته که عواملی بر این شأن یا رسالت اثر می‌گذارند قابل درک است.

فاطمه رضایی، سردبیر رشد روشن: بزرگ‌ترهای ما همیشه می‌گفتند اگر می‌خواهید بچه به مسجد برود درخت گردویی جلوی مسجد بکارید تا وقتی بچه از درخت بالا رفت، نگاهش به مسجد بیفتد تا علاقه‌مند شود. اگر ما می‌بینیم بچه‌ها علاقه‌ای به خواندن ندارند، باید ببینیم چه چیزی برای خواندن به آن‌ها بدهیم. دانش‌آموز در مورد مجلات رشد این پیش‌زمینه را دارد که زبان مجلات هم مثل کتاب‌های درسی است و ما خودمان ضعف کتاب‌های درسی را می‌دانیم. بچه می‌داند این مجله هم پر از بایدها و نبایدهاست. این که مطالب ما بیشتر از حیطه اجبار آموزشی بیرون بیاید و ادبی شود، بچه‌ها با کلمه و کلام آشنا می‌شوند. بچه‌ها در کلام هم ضعیف هستند، چون خواندنی خوب نداشته‌اند. مطالب ما می‌تواند سفارشی باشد، ولی نباید سفارشی جلوه کند. اگر بچه احساس کند مطلبی که می‌خواند سود و زیان نیست و قرار نیست درس جواب بدهد، با تخیل نویسنده ارتباط برقرار می‌کند و حس هنری از طریق احساس نویسنده منتقل می‌شود. به این صورت ما می‌توانیم غیر مستقیم آموزش دهیم. اگر ما کمتر به موضوعات آموزشی بپردازیم و بیشتر به سمت ادبی بودن مجله برویم تا این که فکر کنیم رسالت آموزشی داریم، فکر می‌کنم موفق‌تر باشیم.

سپیده چمن آرا، سردبیر رشد برهان متوسطه اول: من دو فصل از کتاب را خواندم و چیزی که در همین دو فصل ذهن مرا درگیر کرد، این بود که چقدر درباره نوشتن و کمک به نوشتن بچه‌ها نمی‌دانم. من در دوران معلمی خودم تلاش می‌کردم به عنوان معلم ریاضی به بچه‌ها یاد بدهم که بنویسند، چون همان‌طور که فرمودید، فرهنگ ما شفاهی است و کمتر می‌نویسیم. دوست داشتم به بچه‌ها یاد بدهم که نوشتن را یاد بگیرند تا اگر ادعایی دارند مکتوب کنند. تلاش‌هایی هم می‌کردم. مثلاً از بچه‌ها می‌خواستم برداشتشان را از درس بنویسند و آن‌ها را نقد می‌کردیم. یا درس که تمام می‌شد، از بچه‌ها می‌پرسیدم از کدام قسمت درس بیشتر لذت بردند. ولی وقتی دیدم در این کتاب چقدر تمرکز شده بر این که اصلاً فرهنگ نوشتن متفاوت است،



سپیده چمن آرا



فاطمه رضایی

به علاوه، در موضوع نوشتن، در کلاس‌های درس آمریکایی شما می‌بینید سوژه‌های زیادی مانند گزارش، خلاصه کتاب، شعر، نامه، توضیح عکس، تبلیغات، مصاحبه، توصیف، خاطره، شرح حال، تفسیر، توضیح و تبلیغات موضوع نوشتن هستند. به علاوه سبک نوشتن و استدلال هم «چرا» و «چون» است (Why, Because). ولی در ژاپن بیشتر توالی امور به واسطه «و» (And) نمایان تر است. پرسش‌های چگونگی بیشتر است و سوژه‌های نوشتن محدودتر.

شفیعی: مسئله دوگانگی سبک‌ها در عمل، در مورد کار ما شاید به این دلیل است که ما بیش از حد به ادبیات پناه می‌بریم. شاید این دوگانگی بین عقل و توهم است. در ادبیات هم نوع ایده‌پردازانه را انتخاب می‌کنیم؛ ادبیاتی که از واقعیت‌های زندگی دور است و با ساختارها بازی می‌کند. به نظر من حجم این کار

چون نوع فکر کردن آدم‌ها و چینش کلماتشان به خیلی عوامل دیگر، به‌ویژه تاریخ و فرهنگشان برمی‌گردد، احساس کردم چقدر به‌عنوان معلم نیاز داشتم آموزش و پرورش به من یاد بدهد که چیزهای بیشتری بدانم. به این ترتیب، جای خالی آموزش معلمان، به معنای واقعی، برایم روشن‌تر شد.

سرکار آرانی: من تجربه‌ای از دوره اول دبیرستان ژاپن را در اینجا به اشتراک می‌گذارم. این تجربه نشان می‌دهد، چگونه دانش‌آموزان زیر نظر سردبیران روزنامه‌های معتبر در جلساتی در طول دوره تحصیلی تمرین می‌کنند تا با روش‌های معتبر روزنامه‌نگاری داده جمع‌آوری کنند و آن‌ها را تجزیه و تحلیل کنند و دریافت‌های خود را به صورت پیام خواندنی تنظیم و منتشر کنند.

در مورد تفاوت‌ها البته زمینه‌های فرهنگی و تاریخی و سبک‌های نوشتن مؤثر است. در ادامه فرمایش شما، بنده می‌خواهم عرض کنم نوع پرسش‌های کتاب‌های درسی و معلم در فرایند آموزش و یادگیری هم با هم متفاوت است. ما معمولاً در آموزش از پرسش‌هایی مانند What, When, Where, Who, How استفاده می‌کنیم. به نظر شما، چه میزان از پرسش‌های ما در کتاب‌های درسی از این جنس است؟ آیا پاسخ به این پرسش‌ها به معنی یادگیری است؟ یا پاسخ این پرسش‌ها مقدمات یادگیری را می‌سازند. به نظر من، این‌ها مقدمات یادگیری هستند. یادگیری وقتی شروع می‌شود که شما می‌پرسید چرا؟

به کتاب پرورش هنر استدلال نگاهی دوباره بیندازید. نتیجه تحقیق نویسنده نشان می‌دهد که در کتاب‌های درسی آمریکایی‌ها و همچنین پرسش‌های معلم، پرسش چگونگی How کمتر از پرسش چرایی Why مطرح می‌شود.

خیلی زیاد شده است.

رضایی: منظور من این بود که تقویت تخیل و حس عاطفهٔ بچه‌ها و در نهایت ایجاد سؤال در ذهنشان را داشته باشیم. به نظر من، پاسخ، لحظهٔ توقف تفکر است.

سرکار آرانی: بله دقیقاً! ببینید این همان تفاوت میان «دیالوگ» و «صحبت کردن» است. اولی به پرسش تازه‌ای می‌رسد، در صورتی که با هم صحبت کردن شاید بیشتر برای پیدا کردن پاسخ مسئله است. یادگیری وقتی ممکن است که پرسش تازه‌ای مطرح می‌شود. منظور شما این نبود که ادبیات را گسترش بدهیم، بلکه احتمالاً می‌خواستید بگویید از پیام‌هایی که جواب واحد دارند فاصله بگیریم و به پرسش‌هایی برسیم که جواب‌های متنوعی دارند و لزوماً منظور تان ادبی نبود. نکتهٔ دیگر این است که ما ساحت‌های مختلفی داریم و فقط ساحت ادبیات نیست.

محمدعلی قربانی، سردبیر رشد جوان: من یک سؤال و چند نکته دارم. وقتی این کتاب را خواندم، خیلی زود به این نتیجه رسیدم که بسیاری از حرف‌هایش تکراری است و می‌تواند در یک مقالهٔ ده صفحه‌ای خلاصه شود، اما الان که شما صحبت کردید، نگاه من به کتاب تغییر کرد.

سرکار آرانی: قبلاً به استحضار رساندم که این کتاب بر اساس پایان‌نامهٔ دکترای نویسنده نوشته شده است. خواندن این کتاب زمان‌بر است. کتاب شاید می‌توانست کوتاه‌تر باشد و از برخی تکرارهای احتمالی مورد نظر شما پرهیز شود. در عین حال، اجازه بفرمایید عرض کنم که مطالعهٔ این کتاب بهانه است. موضوع اصلی این است که ما چه ایده‌ای می‌توانیم بگیریم تا دربارهٔ موضوع خواندن و نوشتن راهکاری بیابیم. به عبارت دیگر

به عنوان سردبیر چگونه فرصت‌هایی برای یادگیری دانش‌آموزان و معلمان فراهم آوریم تا آن‌ها را در این زمینه توانمندتر سازیم. البته خلاصه کردن کتاب شاید لازم باشد. بستگی به هدف شما دارد و کاربرد خلاصه. خلاصه پذیر بودن یا نبودن یک اثر هم با کیفیت آن ارتباط دارد.

قربانی: سؤال این است که چرا شما فکر می‌کنید همهٔ بچه‌ها باید نوشتن را یاد بگیرند؟

سرکار آرانی: به نظر می‌رسد نوشتن و اندیشیدن ارتباط متقابلی دارند.

قربانی: بچه‌های امروز برای خاطرات شخصی خودشان هم سرچ (جست‌وجو) می‌کنند. من این تجربه را با فرزند خودم داشتم. صحبت اصلی من این بود که حس جلسه و حس دیدن شما خیلی متفاوت‌تر از کتاب است. زندگی شما و نگاهتان به زندگی دوست‌داشتنی است.

سرکار آرانی: شما لطف دارید. نویسنده ادعا ندارد که اثرش بی‌نقص است. بنده و همکاران مترجم هم چنین ادعایی نداریم. راهنمایی‌های شما هم البته راهگشاست و ستودنی و شایستهٔ تقدیر. در عین حال اجازه بدهید یادآوری کنم که ما این‌جا هستیم تا با توجه به پیام‌های این کتاب دربارهٔ مسائل اساسی از جمله خواندن و نوشتن و اندیشیدن و امکان بازبینی پیش‌فرض‌های ذهنی خود دربارهٔ راه حل‌های آن گفت‌وگو و اندیشه کنیم.

قربانی: دربارهٔ سردبیری هم نکته‌ای به ذهنم رسید. در این‌جا یعنی «فعلاً نویسنده» به عبارت دیگر، نویسنده‌ای که فعلاً مسئول یک تیم نویسنده است. نکتهٔ دیگر اینکه ما در این‌جا جمع نشده‌ایم تا مشکلات آموزش و پرورش

را حل کنیم، جمع شده‌ایم که به سردبیران کمک کنیم، ولی به عنوان کسانی که دغدغه نظام آموزش و پرورش داریم، در آموزش و پرورش نه تنها پرورش اتفاق نمی‌افتد، آموزش هم اتفاق نمی‌افتد. احساس می‌کنم حلقه مفقوده آموزش و پرورش گم شده است. ما اگر در آموزش نمی‌توانیم کاری بکنیم، شاید در پرورش بتوانیم. معلمان ما هم دغدغه آموزش ندارند، دغدغه شغل دارند.

جعفر ربانی، ویراستار مجلات رشد: آقای سرکارآرانی در صحبت‌هایشان از خواندن و نوشتن، مجله، کتاب، ژاپن و ... گفتند. هریک از این‌ها برای خودش بحثی است و همه از مشکلات مزمن ما به شمار می‌روند. ما سال‌های طولانی است که می‌گوییم بچه‌ها کتاب نمی‌خوانند و هنوز هم این مشکل حل نشده است. شاید به این خاطر که در آن تأمل و تعمق نشده



محمدعلی قربانی

است. بعضی وقت‌ها هم که با بدبینی صحبت می‌کنیم و همه چیز را منفی می‌بینیم. در حالی که آموزش و پرورش در سال‌های اخیر موفقیت هم داشته است و اگر آموزش و پرورش این‌طور توسعه پیدا نکرده بود، ما خیلی عقب بودیم. بهتر است دقیق صحبت کنیم تا بتوانیم مشکلی را حل کنیم.

نکته بعدی درباره این کتاب است. من مقداری از این کتاب را خواندم. نباید انتظار داشت که کسی همه این کتاب را بخواند، چون کتابی خاص است و دو کشور خارجی را مقایسه کرده و ظرفیت ذهنی خاصی نیاز دارد. مفاهیمی هم دارد که برای فهم آن‌ها پیش‌زمینه ذهنی نیاز داریم، ولی مهم است از این جهت که اسم آن پرورش هنر استدلال است و من وقتی خواندم، ذهنم به سمت هندسه رفت. اما وقتی مقدماتش را ورق زدم، متوجه شدم چیزی فراتر از آن است. ایده‌ای که ما از این کتاب می‌گیریم مهم است. به این جهت دوست داشتم در ابتدا کسی همه کتاب را بخواند و خلاصه کند. ما در کشور خودمان این مشکلات را فراوان داریم. ما لهجه‌ها و گویش‌های متفاوتی داریم و یکی از مشکلات ما همین است. این کتاب می‌تواند الگویی برای کشور ما با این تنوع فرهنگی باشد تا بتوانیم تفاوت‌های فرهنگی خودمان را با این روش حل کنیم. ما مشکلات نداشتن تفاهم زبانی زیادی داریم و این در زندگی روزمره خودش را نشان می‌دهد.

سرکارآرانی: البته من فکر می‌کنم دغدغه بقیه دوستان هم خواندن و نوشتن است. همین بیان شما و آقای قربانی که می‌فرمایید کتاب باید خلاصه شود هم جزئی از فرهنگ ماست. همان‌طور که مکرر عرض شد، منظور از معرفی این کتاب این بود که در این جلسه بهانه‌ای برای گفت‌وگو داشته باشیم.



حبیب یوسفزاده

بنابراین پرسش‌های مطرح شده از جانب شما و دوستان مغتنم است. از جمله این که سبک نوشتن و استدلال ما چگونه است؟ و چه ایده‌ای می‌توانیم برای بهسازی آن از این پژوهش به دست آوریم؟ البته ممکن است برای هریک از ما بخشی از پرسش‌ها مهم باشد. در عین حال، چنین نشست‌هایی به طرح مسئله و مهم‌تر از آن صورت‌بندی آن یاری می‌رساند. پژوهش‌هایی از این دست می‌تواند به ما یاری دهد تا مسائل خودمان را دست کم در حوزه خواندن و نوشتن صورت‌بندی کنیم. در آموزش و پرورش اتفاقات خوبی افتاده است، ولی مسئله هم زیاد داریم. نوع برداشت و صحبت‌ها نشان می‌دهد دغدغه‌هایی که حل نشده‌اند، اتفاقاً در پس‌زمینه ذهن دوستان خیلی جلوه می‌کنند.

ربانی: من به کتاب برمی‌گردم. در صفحه ۴۳ آمده: «رابطه

علت و معلول در نوشته‌های آن‌ها (ژاپنی‌ها) چندان مشخص نمی‌شود و فهم پایان‌نامه‌های ژاپنی مشکل است. در آمریکا حتی یک کودک سه‌ساله نیز برای بیان مطلب خود و تأکید بر آن از منطق علت و معلول استفاده می‌کند.» این موضوع خیلی مهم و برای ما قابل بررسی است.

سرکار آرانی: بله دقیقاً. این تأملات مهم هستند. وگرنه هم کتاب و هم ترجمه، هم نویسنده و هم مترجمان خالی از نقد و اشکال نیستند و یاری به آن‌ها برای بهسازی اثر، چه به زبان اصلی یا ترجمه، عین کرامت و معنی حرمت است. ولی اینجا همان‌طور که فرمودید، ما گنج بی‌رنجی در اختیار داریم و می‌توانیم دست کم مثل آینه مسائل خودمان را در آن ببینیم و صورت‌بندی دقیق‌تری از آن‌ها به دست دهیم.

یوسفزاده، ناظر محتوایی مجلات رشد: عنوان اصلی کتاب «هنر استدلال» است که عنوان جذابی است و در آن مقایسه‌ای صورت گرفته بین دو کشور آمریکا و ژاپن. تصور من این بود که این کتاب سلسله‌جنبانی است برای این که از طریق آن، مامسائل خودمان را پیدا کنیم. می‌خواهم این جنبه از بحث پررنگ‌تر شود. تجربه نشان داده است، ما ملتی هستیم که احساسمان بر عقلانیت‌مان غلبه دارد. فکر می‌کنم آموزش و پرورش و استادانی مثل شما مسئولیت دارند که راه پرورش عقلانیت را کشف کنند. درباره این کتاب، من هم با آقای ربانی و قربانی موافقم. به نظر می‌شد کمی خلاصه‌تر کرد تا برای طیف وسیع‌تری استفاده شود. اگر به‌صورت ترجمه و تألیف بود و مثال‌هایی کاربردی از کشور خودمان مطرح می‌شد مفیدتر بود.

سرکار آرانی: البته من دست یاری به سوی شما دراز می‌کنم و استدعا دارم شما چند مورد از مسئله‌های در این زمینه

را در سال تحصیلی آینده در مجلات قلمی کنید.

یوسف زاده: در کتاب آمده است که ژاپنی‌ها سلسله زمانی رویدادها را دنبال می‌کنند و آمریکایی‌ها به دنبال علت و معلول هستند. واقعاً افراد این دو جامعه تا این حد همگن هستند که توانسته‌اند حکم کلی بین این دو جامعه صادر کنند؟ اگر ما بخواهیم درباره ایران کار کنیم با این تنوع قومیتی از چه شیوه‌ای باید استفاده کنیم؟

سرکار آرانی: این یک سؤال فنی بسیار خوب است. اینکه ما در توانایی استدلال کجا ایستاده‌ایم. چه سبکی از استدلال را دنبال می‌کنیم؟ این پرسش پژوهشی است که بر اساس گفت‌وگوی ما پیدا شده است. ما سخت به این گفت‌وگوها نیازمندیم. این پرسش‌ها نوری برای یاری به صورت‌بندی مسائل ما و در ادامه تلاش و تعامل برای حل آن‌هاست.

دکتر سرکار آرانی: به کتاب پرورش هنر استدلال نگاهی دوباره بیندازید. نتیجه تحقیق نویسنده نشان می‌دهد که در کتاب‌های درسی آمریکایی‌ها و همچنین پرسش‌های معلم، پرسش چگونه‌ی how کمتر از پرسش چرایی why مطرح می‌شود. به علاوه، در موضوع نوشتن، در کلاس‌های درس آمریکایی شما می‌بینید سوژه‌های زیادی مانند گزارش، خلاصه کتاب، شعر، نامه، توضیح عکس، تبلیغات، مصاحبه، توصیف، خاطره، شرح حال، تفسیر، توضیح و تبلیغات موضوع نوشتن هستند

یوسف زاده: در صفحه ۳۵۴ کتاب نوشته شده است: «در فرایند واکنش شرطی عمل تجزیه و تحلیل مسائل در مغز صورت نمی‌گیرد و واکنش به‌طور مستقیم از سمت ستون فقرات بروز پیدا می‌کند.» برای من جالب بود. آیا این جمله ریشه علمی دارد؟ سؤال دیگری هم درباره سردبیر داشتیم. ما انواع سردبیر داریم. اما در ایران یک سردبیر داریم که همه مسئولیت‌ها را برعهده دارد. شما ریشه این مسئله را در کجا می‌دانید؟

سرکار آرانی: این گزاره بر اساس نتایج پژوهش «گارفینگل» بیان شده است. آزمایش‌های او نشان می‌دهد که واکنش افراد در مقابل رفتارهای بی‌معنی غالباً شرطی است و در بسیاری از موارد افراد در میانه واکنش موقعیت و شأن اجتماعی خود را فراموش می‌کنند. به عبارت دیگر، واکنش‌هایی مثل خشم در مقابل رفتارهای اجتماعی، خلاف عقل سلیم در جامعه پژوهشی گارفینگل شرطی بوده است نه بر اساس تجزیه و تحلیل چارچوبه فکری خود یا واکاوی چارچوبه ذهنی فاعل رفتار ناهنجار. بر اساس نتایج این پژوهش، نویسنده کتاب می‌خواهد نتیجه بگیرد که لازم است این نارسایی رفتاری با تربیت بهبود یابد. ملاحظه بفرمایید، در ادامه مطلبی که خواندید آمده است: «ولی در مبحث روابط بین فردی نمی‌توان آن را موجه دانست و لازم است قبل از واکنش نشان دادن نسبت به شیوه رفتار و گفتار مخاطب، از چارچوب تفکر حاکم بر ذهن وی غافل نشویم.» به این معنی که لازم است بیاموزیم قبل از واکنش شرطی به رفتاری که به زعم ما خلاف هنجار اجتماعی است، اول چارچوب‌های ذهنی خود را واری و سپس تلاش کنیم بفهمیم فاعل رفتار به زعم ما ناهنجار، بر اساس چه مبنایی دست به عمل زده است. آموزه‌هایی از این دست، روابط بین فردی را بهسازی

می‌کند و تمرین دیدن جهان از دریچهٔ دیگران و بازبینی پیش فرض‌های ذهنی و بازاندیشی خود را فراهم می‌آورد.

سید کمال شهاب‌لو، معاون دفتر: آقای دکتر، من می‌خواستم بپرسم چه باید کنیم تا مقاومت در برابر یادگیری کم شود؟ سؤال بعدی من این است که اگر فرض را بر این بگذاریم که مجلات خوانده نمی‌شود یا ما بازخوردی از مخاطب نداریم، پس چرا مجلات را منتشر می‌کنیم و به عبارت دیگر، خیلی از جاها باید آموزش و پرورش را تعطیل کنیم. مثلاً در جایی مثل «آران»، بین همهٔ کسانی که تحصیل کرده‌اند یک دکتر آرانی برآمده است. در مجلات رشد ممکن است کسانی باشند که ارتباط ندارند،

دکتر سرکار آرانی: یک سؤال جدی همین است که ما با چه روشی ارزشیابی کنیم که کار ما در این دفتر چه اندازه اثربخش است و ضریب نفوذ مجلات و تأثیر نوشته‌ها چقدر است! آیا با ارائهٔ نتایج مطالعات موردی می‌شود مخاطب را قانع کرد؟

ولی تأثیر می‌گیرند.

سرکار آرانی: سپاس! یک سؤال جدی همین است که ما با چه روشی ارزشیابی کنیم که کار ما در این دفتر چه اندازه اثربخش است و ضریب نفوذ مجلات و تأثیر نوشته‌ها چقدر است! آیا با ارائهٔ نتایج مطالعات موردی می‌شود مخاطب را قانع کرد؟ آیا گزارش سفرهای استانی دوستان کفایت می‌کند؟ چگونه از تجربیاتی از این دست می‌توان استفاده کرد؟ این‌ها حاصل گفت‌وگوی امروز است و پرسش‌های ذی قیمتی است که نیاز به بررسی عمیقی دارد. به نظر می‌رسد

ما به سیستم ارزشیابی جامع‌تری برای بررسی کارکرد و اثربخشی مجلات نیاز داریم.

دربارهٔ نکتهٔ دیگری که لطف کردید و در مورد شخص بنده مثال زدید، اجازه بدهید عرض کنم که اساساً قرار نبوده آموزش و پرورش همه را مثل سرکار آرانی کند. این پیش فرض ذهنی به نقد نیاز دارد. هدف آموزش و پرورش این است که هر کس را به قابلیت‌هایی که دارد برساند. به او یاری کند آنچه می‌تواند بشود. عدالت هم یعنی همین. البته فرمایش شما قابل قبول است که هر کار فرهنگی ممکن است در جایی اثری داشته باشد که ما توانایی اندازه‌گیری آن را نداشته باشیم. ولی این رافع کاستی‌های ما در ارزشیابی دقیق و جامع آنچه انجام می‌دهیم نیست. اینکه ما کارهایی می‌کنیم و جاهایی هم مؤثر است پاسخ قانع‌کننده‌ای، به ویژه در بحث‌های تربیتی، نیست. به علاوه به ما امکان رشد و بهسازی و بازاندیشی در عمل انجام شده را نمی‌دهد.

ناصر نادری، ناظر محتوایی مجلات: این کتاب بهانه‌ای بود برای این نشست و من سعی کردم آن را کامل بخوانم. کتاب بسیار خوبی است، ضمن این که برای سردبیران هم قابل استفاده است. حجم کار از ویژگی‌های خوب آن است که نویسنده به کشف یافته‌های ذهنی خودش پرداخته است. اگر کسی در این جمع تجربهٔ تدریس انشا داشته باشد، حرف مرا تأیید می‌کند که این درس یکی از سخت‌ترین و پیچیده‌ترین درس‌هاست. معلم انشا می‌خواهد آنچه را که در ذهن فرد است به نوشته تبدیل کند. من بیش از ده سال در دوره‌های گوناگون تحصیلی معلم انشا بوده‌ام و می‌خواستم این کتاب را با تجربه‌های ایران تطبیق دهم. به نظرم ما ملتی هستیم که هم بهره‌ای از ژاپن داریم و هم آمریکا، ولی

نکته‌ای که می‌خواهم بگویم این است که انشاهای خلاق را نمی‌توان تعمیم داد. هر انسان در هستی نسخه‌ خاصی دارد، به‌ویژه در انشا و کارهای خلاق. نمی‌توان کلیت یک ملت را با یک مجموعه اصول منطبق کرد.

سرکار آرانی: دقیقاً. این اثر به نوشتن و اندیشیدن می‌پردازد. لازم است به عرض برسانم نویسنده سبک نوشتن آمریکایی‌ها را تحسین کرده است، اما خودش به شیوه‌ ژاپنی کتاب نوشته است. شاید این همان نکته‌ای است که آقایان قربانی و ربانی می‌خواستند تبیین شود. این برداشت درستی است و شما اشاره کردید به انشای خلاق و تجربه‌ خودتان و اینکه لزومی ندارد همه ما با یک قالب بنویسیم یا خوانش یکسانی از متنی واحد ارائه دهیم و به یک روش و نتیجه واحد برسیم. این‌ها برای من آموزه‌های بسیار سازنده‌ای از این نشست است. همه این‌ها حاصل توان و کیفیت و امکان گفت‌وگوی امروز است که فراهم شده است. دست مریزا!

افسانه طباطبایی، ویراستار مجلات رشد: روزی که آقای همتی جریان این جلسه و کتاب را به من گفتند، من تعجب کردم، چون این کتاب چیزی درباره‌ نوشتن نمی‌گوید. اسمش هم نشان می‌دهد. می‌خواهد بگوید روش استقرایی استدلال در ژاپن چگونه عمل می‌کند و در مقابل روش قیاسی آمریکایی چگونه در سراسر کتاب هم تلاش می‌کند این را بگوید و در نهایت به نتایج دیگری برسد. الزاماً همه نباید از این کتاب به یک نتیجه برسند. هر کسی بر اساس آنچه می‌بیند می‌تواند برداشتی داشته باشد. می‌تواند احساس کند زیاده‌گویی بر طبق الگوی ژاپنی داشته است و غلط نیست. همه اثرهای فرهنگی به همین نحو هستند. از این دیدگاه، این کتاب مقدمه‌ای می‌شود برای این که ما دکتر سرکار آرانی را دعوت کنیم تا درباره‌ نوشتن

یادگیری تغییر است؛ تغییری که به اصلاح منجر شود و ما را یک قدم به جلو ببرد. البته تغییری از این دست دردآور است.

از ایشان نظر بگیریم. هرچه دوستان گفتند صحیح است. متن خوبی است و می‌شود روی آن کار کرد. بعضی از ما فکر می‌کنیم سردبیری آخر خط است، در صورتی که هر جایی که ما هستیم ابتدایی است برای یادگیری و هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند در جایگاهی که هست به حد تعالی رسیده است. من چیز بیشتری به نظرم نمی‌رسد. کتاب کاملاً خودش را توصیف کرده است. بسیار کتاب محکم و قابل دفاعی است. نکته دیگر این که حرف‌های آقایان قربانی و ربانی درست است، چون کتابی را که حرفی برای گفتن دارد، می‌توان خلاصه کرد. یکی از ویژگی‌های این کتاب، انسجام بین مطالب آن است.

حشمتی: در دفاع از کتاب می‌خواهم بگویم من در سال ۹۲ همه این کتاب را خواندم و از آن در کلاس استفاده کردم. این کتاب می‌تواند یک منبع درسی باشد و وقتی دست‌اندرکاران آموزش تطبیقی با این نگاه درگیر شدند، خیلی بهتر درک کردند. این یادداشت‌ها و تکرارها برای کسی که درگیر موضوع است گشایش‌های جدیدی ایجاد می‌کند. بنابراین، کتاب برای دانشجویان علوم تربیتی قابل استفاده است، چون بین دو فرهنگ این مسئله را مطرح می‌کند. ما چنین نمونه‌هایی را در آموزش و پرورش تطبیقی نداشتیم.

سرکار آرانی: از این فرصت استفاده می‌کنم و نمونه‌ای از نوع کار مجلاتی از این دست را خدمت شما عرض می‌کنم.



علی اصغر جعفریان

شاید ایده‌های عملی ممکن‌ی به همراه داشته باشد. در ژاپن وزارتخانه کتاب تولید نمی‌کند. وزارتخانه فقط برنامه درسی تولید می‌کند و هر ده سال هم آن را بهسازی و اصلاح می‌کند. ده‌ها انتشاراتی بر اساس برنامه درسی تولید شده کتاب تهیه می‌کنند و وزارتخانه آن‌ها را تأیید یا رد یا دعوت به اصلاح می‌کند. ناشر کتاب‌های درسی همه کار دفتر شما را هم انجام می‌دهد. هر ناشر کتاب درسی در ژاپن کتاب‌های متعدد آموزشی نیز تولید می‌کند و مجلات متنوعی هم دارد. تا اینجا تقریباً شکل کار شباهت‌هایی دارد. تفاوت در رویکرد تهیه محتوای مجلات است. برای مثال کارگروه مجله معلمان یک ناشر خاص در توکیو سالی یک کنفرانس سه روزه برگزار می‌کند که عمدتاً به شکل پنل‌های گفت و گوست نه سخنرانی‌های پیاپی. قبل از برنامه هم بسته‌های آموزشی پنل‌ها را می‌فرستند برای شرکت کنندگان. موضوع کنفرانس

را در یک نظرسنجی دقیق از معلمان می‌پرسند و کسانی هم که در پنل‌ها مدیریت گفت‌وگوها را بر عهده دارند بر اساس توان حرفه‌ای و تخصصی انتخاب شده‌اند. در یکی از این‌ها که من شرکت کردم، امسال چهل و هفتمین سالی است که این کنفرانس‌ها را برگزار می‌کند، موضوع با نظر سنجی از معلمان تعیین می‌شود. پس از آن کنفرانس ضبط و پیاده می‌شود و از آن خوراک سالانه مثلاً «رشد معلم» یا مجلات مشابه پیدا می‌شود. دقت بفرمایید، همین که این کنفرانس چهل و هفت سال دوام آورده است، و هر سال حدود ۳۰۰ شرکت کننده دارد، یعنی در بستر تولید یک مجله به امکان تولید و ترویج گفتمان نیز رسیده است. این ایده احتمالاً برای شما قابل بحث و بررسی است. من البته فکر می‌کنم این پروژه را می‌توانیم با مدیریت شما در ایران هم اجرا کنیم. نکته دیگر در این بخش که مایلیم تأکید کنم این است که همه ما نیازمند بهسازی نگرش‌ها هستیم و شما استحضار دارید که یادگیری سخت است. یادگیری تغییر است؛ تغییری که به اصلاح منجر شود و ما را یک قدم به جلو ببرد. البته تغییراتی از این دست دردآور است.

محبت‌الله همتی، ناظر محتوایی مجلات: به این مسئله فکر می‌کردم که تیراژ بالای مجلات رشد در قیاس با مجلاتی که بیرون منتشر می‌شوند رقم قابل قبولی است. این تیراژ برای ما یک تهدید هم هست، گرچه پایه‌گذاری مجلات رشد از اول به گونه‌ای بوده که طبق شبکه درون‌سازمانی در سراسر کشور پخش شود. بخش عمده‌ای از این تیراژ مرهون شبکه توزیع است و مجلات رشد به مناطقی می‌رود که شبکه توزیع مطبوعات قدرت رساندن رسانه‌ها را به آن‌جاها ندارد. من فکر می‌کنم برای ما تهدیدی است که مخاطب را کمتر

جلسه وعظ و ذکر! و مصداق فرمان حضرت علی (ع) است که «أَحْيِ قَلْبَكَ بِالْمَوْعِظَةِ». چرا؟ چون همه ما موعظه لازم داریم. چرا موعظه؟ چون این جهان دارالغرور است و بعضاً امور وارونه می‌نماید! عناوین، فضاها، مناسبات و ساختارها، بعضی وقت‌ها آدمی را به اشتباه می‌اندازند و آدمی فریب می‌خورد و در پارادوکس‌های پیچیده‌ای گرفتار می‌شود. راه را گم می‌کند. بنابراین نیازمند ذکر و راهنمایی و تأمل است. امروز هم همین بود برای من. جلسه یادآوری اینکه تو طفلی و خانه رنگین است. و تو مهمانی! ولی کم کسی داند که او همان کیست! جلسه دیدن خود در آینه دیگری، همدیگر را بهتر دیدن! تمرین گفت‌وگو و ترغیب به یادگیری و البته خواندن! و به رسمیت شناختن خوانش‌های گوناگون! دریافت اینکه ما احتمالاً از بچه‌ها یک نوع خوانش می‌خواهیم و به همین خاطر آن‌ها ممکن است رغبتی به خواندن نشان ندهند. بنابراین، تمرین هنر به رسمیت شناختن خوانش‌های گوناگون باعث می‌شود به هدفمان نزدیک‌تر شویم. یادآوری این مهم که ما در بیان مقصود با دشواری‌های زیادی مواجه هستیم. ما غالباً در بیان مقصود ناتوانیم و این ناتوانی چه بسا با ناتوانی در نوشتن و مهم‌تر از آن اندیشیدن در ارتباط باشد. دریافت این مهم که پرسش این کتاب یک پرسش پژوهشی فنی است. در آمریکا مسئولیت نویسنده از خواننده بیشتر است و در ژاپن برعکس. پس چنانچه وزن و سهم مسئولیت نویسنده و خواننده با هم متفاوت شد، آیا شیوه نوشتن و گفتن هم متفاوت می‌شود؟ کتاب، پیام‌ها و پرسش‌هایی از این دست زیاد دارد. به علاوه اینکه محقق مسئله پژوهشی خود را از کجا آورده، هم آموزنده است. پرسش‌های کتاب به خاطر این است که دانش‌آموزان ژاپنی

ببینیم و لازم است که مخاطب را بیشتر به بازی بگیریم. **کاظم طلایی**، ناظر هنری مجلات رشد: آنچه در این کتاب برای من جالب بود، این بود که چطور فرهنگ نوشتن را به بچه یاد می‌دهند. در کشورهای پیشرفته برای بچه‌هایی که نمی‌توانند بنویسند از تصویر به جای نوشته استفاده می‌کنند. این فرهنگ بسیار خوب است.

علی اصغر جعفریان، سردبیر رشد نوجوان: من دوست دارم از زبان شما، جزئیات دو روز کامل از زندگی یک نوجوان ژاپنی را بشنوم. نکته بعدی این که من ابتدا و انتهای کتاب را خواندم و در ذهنم این بود که الگوی اندیشه ما کجای کار است. من فکر می‌کنم ما دریافت‌های زیادی داریم که دسته‌بندی نمی‌شوند و اگر منسجم‌تر باشند، بهتر خواهد بود. نکته دیگر این که من بر خلاف نظر آقای قربانی معتقدم ما نباید داشته‌های خودمان را دست‌کم بگیریم.

سرکار آرانی: هر جلسه‌ای فرصت یادگیری است برای من. امروز از شما بسیار آموختم. ایده‌های پژوهشی و پرسش‌های خوبی طرح شد. در هر نشستی، وقتی با مخاطب گفت‌وگو می‌کنم، یا آن‌ها را به گفت‌وگو دعوت می‌کنم، پیش‌فرضی ذهنی دارم که شرکت‌کنندگان آن را رد یا تأیید می‌کنند. بنابراین، هر نشستی و از جمله نشست امروز برای من یک کار پژوهشی بود.

به علاوه، هر نشستی برای من یک جلسه وعظ هم هست؛

سرکار آرانی: هر جلسه‌ای فرصت یادگیری است
برای من. امروز از شما بسیار آموختم

ناصری: از داستان حضرت موسی در قرآن
یاد می‌گیریم که بعضی اوقات باید گفت‌وگو را
کش داد و در این کش دادن لذت وجود دارد.
گفت‌وگو فی‌نفسه ارزش دارد

کمتر می‌خوانند یا کمتر سخن می‌گویند یا اینکه کمتر می‌نویسند؟ پرسش‌ها برای اندیشیدن چه خاستگاهی دارند؟ به ویژه در جمعی همانند شما. خاستگاه پرسش و البته کیفیت پرسش مهم است. یادگیری وقتی شروع می‌شود که چرایی مطرح می‌شود.

نکته دیگری هم که در اینجا به اشاره لازم است عرض کنم، مفهوم زمان است. شما بیشتر تابع استدلال پسینی هستید یا استدلال پیشینی. به هدف و ارزشیابی ارجح می‌نهد یا به محتوا و روش؟ فرهنگ آمریکایی نتیجه‌گراست و فرهنگ ژاپنی فرایندگرا. در ژاپن هدف و ارزشیابی به تسامح برگزار می‌شود، ولی محتوا و روش خیلی مهم تلقی می‌شود. ما کجا ایستاده‌ایم؟ به راستی ما کجا ایستاده‌ایم؟

رهیافت‌های امروز و پرسش‌های شما همه نوری در تاریکی مسائل گوناگون تربیتی ماست. دعوتی است برای دریافت‌های تازه، تبادل ایده‌ها و باز یافت داده‌ها، تعمیق اندیشه و بازاندیشی در عمل تربیتی و بازبینی پیش فرض‌های ذهنی همه ما. تا چه قبول افتد و در نظر آید!

ناصری: خیلی ممنون از دکتر سرکارآرانی عزیز به خاطر زحمت و تلاشی که در این چهار ساعت داشت. از همه دوستان برای صحبت‌ها و نقطه‌نظرهای خوبشان تشکر می‌کنم. من از باب نارسایی بیانمان عذرخواهی

می‌کنم. من قبلاً عرض کرده بودم که آقای سرکارآرانی قرار بر سخنرانی نداشت. این کتاب واقعاً خواندنی است. استنباطم این است که اگر فرض کنیم این جلسه موعظه بود، حرف‌های گفتنی قابل تأمل و زیادی داشت و از جمله جلساتی بود که باید یک بار دیگر مذاکرات آن را مرور و روی آن‌ها تأمل و قضاوت کرد. من از دکتر سرکارآرانی ممنونم و همین انتظار را داشتم و فکر می‌کنم جلسه بسیار مفیدی بود. آخرین جمله من درسی است که از داستان حضرت موسی در قرآن یاد می‌گیریم که بعضی اوقات باید گفت‌وگو را کش داد و در این کش دادن لذت وجود دارد. گفت‌وگو فی‌نفسه ارزش دارد.

سرکارآرانی: در جلسه امروز پرسش‌های مغتنمی مطرح شد. گفت‌وگوها سخن آفرید، از منطق غبار روبی کرد، نفس‌ها را با موعظه عطر افشانی نمود. دیالوگ‌های جان‌دار شکل گرفت و پیام‌های عمیقی خلق شد. بسیار از این هم‌نشینی خرسندم. امروز آموختم که «هر چه بیشتر بخوانیم مخاطبان ما هم مطالب ما را بیشتر خواهند خواند.» این رهیافت غنیمت من از این نشست است. این گزاره را هر جا که می‌نویسید یا به امر تربیت اشتغال دارید راست آزمایی کنید. نقد کنید! گردگیری کنید روزمرگی‌های خود را بی‌محابا، نه جلوه بفروشید و نه عشو به‌بخرد! امروز هم من چنین کردم و البته بعضی وقت‌ها احتمالاً صراحت بنده برای بعضی حیرت‌انگیز بود. ببخشید و مطمئن باشید «بر نمد چوبی که آن را مرد زد، بر نمد آن را نزد بر گرد زد».

با معلمان هم این بیان را زمزمه می‌کنم: «وقتی شما یاد می‌گیرید، دانش آموزانتان هم یاد می‌گیرند.» درست نقطه مقابل

پیش فرض ذهنی رایجی که این تصور را پذیرفته است که «وقتی من آموزش می‌دهم دانش آموزانم یاد می‌گیرند.»

یکدیگر را به مهر یاری کنیم تا پیش فرض‌های ذهنی خود را واکاوییم. آن‌ها را به آفتاب افکنیم و در بازاندیشی در عمل تربیتی هر روز خود در خانه و مدرسه و جامعه و دفتر کوشا و راهنما باشیم. به خاطر داشته باشید وقتی شما می‌خوانید مطالب شما نیز خوانده می‌شود!

بسی شدیم و نشد عشق را کرانه پدید
تبارک‌الله از این ره که نیست پایانش
جمال کعبه مگر عذر رهروان خواهد
که جان زنده‌دلان سوخت در بیابانش

در پایان اجازه بفرمایید شما را بار دیگر دعوت کنم کتاب «پرورش هنر استدلال: الگوهای تبیین اندیشه در فرهنگ آموزش ژاپن و آمریکا»، نوشتهٔ ماساکو واتانابه، ترجمهٔ محمدرضا سرکار آرانی و همکاران (انتشارات تربیت، تهران ۱۳۹۱) را دوباره بخوانیم و با دقت در پیام‌های آن، به پرسش‌های امروز بیندیشیم. مایلم مرور پاراگراف زیر از مقدمهٔ مترجمان را حسن ختام این نشست قرار دهم:

«نگاره‌های فرهنگی بر روش‌های ارتباط کلامی، اندیشه و سبک نوشتار و فرایند جمله‌سازی تأثیر می‌گذارند و سازه‌های بنیادی ارتباط شفاهی و مکتوب متفاوتی می‌سازند. بنابراین، در فرهنگ‌های گوناگون، ساختار و الگوهای تفکر، نوشتار، گفتار، روش‌های گفتمان، الگوهای تبیین اندیشه و سبک‌های استدلال، آموزش و یادگیری متفاوتی پدیدار می‌شود.

در ژاپن، فرایند توصیف و تبیین پدیده‌ها مبتنی بر توالی زمان رخدادهاست و معمولاً از گذشته شروع و به حال و

آینده می‌رسد. از این رو، «گذشته» و مسیر تحول آن وزن سنگینی در توصیف و تفسیر وقایع دارد. در صورتی که در آمریکا فرایند تبیین پدیده‌ها، مبتنی بر رابطهٔ علت و معلول در میان رخدادهاست و «آینده» وزن سنگینی در نگاه به تبیین وقایع دارد و بالتبع نتیجه و پیامد رویدادها اهمیت ویژه‌ای دارد.

ژاپنی‌ها در ارتباطات بین فردی بیش از بازدهی آنی به پیامدهای متقابل و دراز مدت ارتباط با دیگران می‌اندیشند، ترجیح می‌دهند بیشتر شنونده باشند تا گوینده. غالباً توانایی لازم برای «نه» گفتن ندارند و از پرسش‌هایی که فقط پاسخ «بله» یا «خیر» می‌طلبد، استقبال نمی‌کنند. به بیان دیگر، ژاپنی‌ها صریح‌اللهجه نیستند و ترجیح می‌دهند شنونده در فرایند تعامل و ارتباط طرفینی، به درک مطلب بیان شده برسند و آنچه را اتفاق افتاده است، بیشتر به نحوی که مایل است تفسیر، تشریح و معنا کند. از این رو، در فرایند ارتباط، ترجیح می‌دهند که ابتدا دربارهٔ حاشیهٔ موضوع به تفصیل سخن گویند و به تدریج به اصل موضوع نزدیک شوند و بعضاً آن را به آخر صحبت موکول کنند. در صورتی که آمریکایی‌ها علاقه‌مندند مقدمه را کوتاه کنند، به سرعت سراغ اصل مطلب بروند و به روشنی آن را در ابتدای گفت‌وگو تبیین کنند. بنابراین، ارتباط نوشتاری ژاپنی‌ها معمولاً با مقدمه‌ای نسبتاً طولانی و با اشاره به پیشینهٔ موضوع شروع می‌شود سپس با طرح دیدگاه‌های متفاوت سرانجام به نتیجه‌گیری می‌رسند. در صورتی که آمریکایی‌ها در خطوط اول متن خود تلاش می‌کنند به روشنی و به طور خلاصه به اصل موضوع، هدف و نتیجه بپردازند.»

این آمار زن‌ها خطر است

گزارش نشست «آسیب‌شناسی زبان»
با حضور دکتر مریم دانشگر



هم‌نیشی

اشاره •

زبان و خط فارسی جزو دغدغه‌های بنیادین مجلات رشد است و در حوزه زبان و خط فارسی، نقش «فرهنگستان زبان و ادب فارسی»، نقش بی‌بدیلی است. از این رو، «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» که همواره در صدد استفاده از قابلیت‌های علمی مراکز پژوهشی در کشور بوده است، ترتیبی داد که در نشست با عنوان «آسیب‌شناسی زبان» که با حضور خانم دکتر مریم دانشگر، عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی برگزار شد به این موضوع پرداخته شود. آنچه در پی می‌آید سخنان وی و نظرات برخی از حاضران در نشست است.

زبان عامل هویت ملی و ارتباطی

دکتر مریم دانشگر: امیدوارم که در این جلسه بتوانم از نظرات شما استفاده کنم و تبادل نظری داشته باشیم برای آنکه ارتباط بین فرهنگستان زبان و ادب فارسی و مجلات چندگانه رشد را تقویت کنیم. به علاوه، در جهت هدف مشترکمان که ارتقای وضعیت زبان فارسی به عنوان یک عامل هویتی ملی و ارتباطی در تمام حوزه‌ها و رشته‌هاست، با هم همراهی داشته باشیم. من با مجلات رشد از گذشته آشنا بوده‌ام و بعضی از آن‌ها را بیشتر مطالعه کرده‌ام. ضمن اینکه حوزه کار ما در فرهنگستان

بحث زبان و ادبیات فارسی است و ما به طور خاص، به آموزش زبان و ادبیات فارسی در کشور توجه داریم. طبیعتاً به انتشاراتی که این دو حوزه را در بر می‌گیرند هم توجه کرده‌ایم. در آموزش و پرورش بحث کتاب‌های درسی برای ما مطرح بوده است و تاکنون تحقیقات مختلفی روی این کتاب‌ها انجام شده‌اند. به عنوان نمونه، یکی از کارهایی که در سال ۱۳۹۲ انجام دادیم و سال ۱۳۹۳ گزارش آن را برای ریاست فرهنگستان و آموزش و پرورش آماده و ارسال کردیم و عنوان «غیر معیارهای زبانی در کتاب‌های درسی» بود، در اینجا معرفی می‌کنم. در این گزارش، حدود ۵۰ نمونه از کتاب‌های درسی انتخاب شد



و از هر کدام به طور اتفاقی چند صفحه به صورت نمونه‌گیری اتفاقی استخراج شد. سپس اشکالاتی که در این کتاب‌ها بود دسته‌بندی و به صورت گزارش مدون برای سازمان فرستاده شد. البته این گزارش را در یکی از خبرنامه‌های فرهنگستان هم به چاپ رساندیم. در این گزارش به صورت علمی مشخص است که چه اشکالاتی در این کتاب‌ها وجود دارد. در حالی که معلمان در مدارس آموزش می‌دهند که مثلاً واژه «برخلاف» را دانش‌آموزان ننویسند، در کتاب‌های درسی

نمونه‌های زیادی وجود دارند که از این واژه به این صورت غلط استفاده شده است. بحث ما این است که آموزش درس‌ها به صورت تجویزی امر کهنه‌ای است و کسی نمی‌پذیرد و دیگر احتیاج به توضیح نیست که در نهادی مثل آموزش و پرورش هیچ تعلیم و تربیتی را نمی‌توان از طریق دستور وارد ذهن دانش‌آموز کرد. آنچه اهمیت دارد این است که ما به صورت عملی آموزش دهیم. آموزش عملی در رفتار معلم، رفتار اولیای مدرسه با دانش‌آموزان و کتاب‌های درسی وجود دارد. نمونه این غلط‌ها را می‌توانید در کتاب درسی ملاحظه کنید. این مسائل ظریف‌اند، اما باید رعایت شوند. در کتاب درسی که سند ملی ما محسوب می‌شود، این مسائل ظریف مهم هستند.

من چنین اشکالاتی را در مجلات رشد پیدا نکردم. در این مجلات بسیاری از نکات کوچک که به چشم متخصصان می‌آید، رعایت شده‌اند. فکر می‌کنم یک عامل مهم این امر وجود

دانشگر: مشکل دیگر ما رواج حرف‌نگاری
فینگلیش بین بچه‌هاست. البته این مشکل را
ظاهراً شبکه‌های مجازی حل کرده‌اند و بچه‌ها
بیشتر با فارسی سروکار دارند.

یک گروه تخصصی است که به طور متمرکز روی نحوه نگارش مطالب مجلات کار می‌کنند. در معرض دید بودن هم شاید عامل دیگر این موضوع شده است. در هر صورت، در مجلات اشکالات غلط‌نویسی خیلی کم وجود دارد. مطالبی علمی و به‌روز در مجلات تخصصی آمده است. از ترجمه‌های نسبتاً خوبی استفاده شده است که مفهوم متن را در مطالعه ابتدایی منتقل می‌کنند. الان وقتی مجلات را ورق می‌زنم، بسیار مطالب مفید و مناسبی دارند.

من فکر می‌کنم که مناسب باشد به موضوع اصلی صحبت‌مان برسیم. امروز می‌خواهم در مورد چهار مطالعه‌ای که ما انجام داده‌ایم، صحبت کنم. یکی از مطالعاتی که در فرهنگستان زبان فارسی انجام شده، «ارزشیابی مهارت‌های ادبی و زبانی دانش‌آموزان نظام آموزش متوسطه کشور» بوده است که در سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ در فرهنگستان انجام دادیم. عنوان دومین مطالعه «نمرات درس زبان و ادبیات فارسی در کنکور سراسری، دانش‌آموزان تمام رشته‌ها و تمام گروه‌های آموزشی» است. سومین مطالعه هم به امتحانات نهایی کشوری که در آموزش و پرورش انجام می‌شود، پرداخته است. این امتحانات در سطح کشور ایران مهم‌ترین آزمون‌ها به شمار می‌آیند و نتایجشان آن قدر اهمیت دارد که در موردشان صحبت شود. چهارمین مطالعه، آزمون «پرلز» است. من در مورد این چهار مطالعه صحبت می‌کنم و از شما هم می‌خواهم پیشنهادهای خود را در مورد معضلی که گرفتارش هستیم، ارائه کنید.

سؤال اصلی طرح ارزشیابی مهارت‌های ادبی و زبانی دانش‌آموزان نظام آموزش متوسطه کشور این بوده است که: «آیا اهداف برنامه‌ریزان آموزش رسمی در مهارت‌های چهارگانه خواندن، نوشتن، شنیدن و سخن گفتن از نظر توانایی‌های زبانی

و ادبی تحقق یافته‌اند یا نه؟» یکی از معضلاتی که مخصوصاً در دانشگاه‌ها وجود دارد، این است که دانش‌آموزانی که وارد دانشگاه‌ها شده‌اند کم سواد هستند و توانایی حرف زدن و اظهار نظر کردن، نوشتن و بحث و گفت‌وگو را ندارند. دانشگاهیان معتقدند همه این‌ها به آموزش و پرورش برمی‌گردد که دوازده سال آموزش خود را ناقص انجام داده است.

مطالعه‌ای که ما انجام دادیم، روی دانش‌آموختگان شهر تهران بود و به دلیل مشکلاتی که وجود داشت، به صورت ملی انجام نشد. حدود ۴۹۵۴۰ دانش‌آموز دسته‌بندی شدند. از هر کدام از گروه‌ها یک منطقه را به صورت تصادفی انتخاب کردیم و شیوه انتخاب هم مبتنی بر نمرات نهایی درس ادبیات فارسی بچه‌ها در سال گذشته بود. برای رسیدن به ارزشیابی لازم بود که وضعیت مطلوب و وضعیت واقعی دانش‌آموزان مقایسه شود. یعنی اول بفهمیم دانش‌آموزان در چه سطحی هستند و سپس آن را با وضعیت مطلوب که از نظر برنامه‌ریزان آموزش و پرورش تعریف شده بود، مقایسه کنیم و محک بزنیم.

برای تعیین این ملاک‌ها و معیارها از برنامه درسی آموزش و پرورش و همین‌طور از مقدمه کتاب‌های زبان و ادبیات فارسی کتاب‌های متوسطه استفاده کردیم. دو جدول کامل از معیارها درآمد که از نظر برنامه‌ریزان درسی، هر دانش‌آموخته در پایان سال چهارم دبیرستان و هنگام فارغ‌التحصیلی، باید آن توانایی‌های خاص را در مهارت‌های نوشتن، خواندن، صحبت کردن و شنیدن داشته باشند. کار دیگری هم انجام دادیم. از معلمان متخصص در همان سال‌ها نظرسنجی کردیم که از نظر آن‌ها دانش‌آموزان در چه وضعیتی هستند.

اگر این جدول مهارت‌ها در سطح برنامه درسی را ملاحظه کنید، می‌بینید که مثلاً برنامه درسی معتقد است، دانش‌آموز

در پایان دوره متوسطه باید بتواند نثرهای معاصر را به خوبی بخواند، متون ادبی را سریع و صحیح بخواند، پیام‌های آثار ادبی را درک کند، توانایی درک وزن صحیح شعر را داشته باشد و ... در پرسش‌نامه هم ۷۵ دبیر پاسخ ما را داده‌اند و مثلاً گفته‌اند به نظر آن‌ها دانش‌آموز تا چه حد می‌تواند با نوشتن، افکار خود را بیان کند یا چند درصد دانش‌آموزان می‌توانند نامه‌آداری بنویسند. معلمان معتقدند حدود ۸۰ درصد خروجی‌های آموزش و پرورش نمره زیر دوازده می‌گیرند. البته وضعیت بچه‌ها بهتر از این بود و معلمان با سخت‌گیری نگاه کرده بودند.

برای اینکه وضعیت موجود دانش‌آموزان را دریابیم، آزمون استاندارد طراحی و کاربران را در شش سطح دسته‌بندی کردیم. دانش‌آموزانی که ما می‌خواستیم سنجش کنیم، در سطح سوم کاربر حرفه‌ای بودند؛ یعنی دانش‌آموزان مسلط به زبان فارسی. کاربری که در سن ۱۸ سالگی می‌تواند وارد جامعه و دانشگاه شود و احتیاجات خود را برطرف کند. یکی از ویژگی‌های مطالعه ما، طراحی یک سامانه آزمون مهارت‌سنجی بود؛ سامانه‌ای که چهار مهارت را می‌تواند تحت وب اندازه‌گیری کند. هیچ آزمونی در کشور ایران نیست که چهار مهارت را اندازه‌گیری کند. آموزش و پرورش آزمون استاندارد دارد که خواندن و نوشتن را می‌سنجد و کنکور سراسری فقط خواندن را اندازه‌گیری می‌کند. فقط آزمون‌های بین‌المللی مثل «تافل» یا «آیلتس» چهار مهارت را اندازه‌گیری می‌کنند و در سطح ایران این اتفاق تا آن زمان نیفتاده بود.

سامانه‌ای که ما طراحی کرده‌ایم، این ویژگی را دارد که بعد از اینکه دانش‌آموز وارد آن می‌شود، تمام چهار مهارت او را ثبت و ضبط کند. ما در مرحله اول طراحی این آزمون هستیم و برای مرحله نهایی آزمون به حداقل ۱۴ هزار شرکت‌کننده نیاز داریم. تا

به امروز نهایتاً توانسته‌ایم از حدود ۴۰۰ نفر آزمون بگیریم. نتایج این آزمون موجود است. اگر قرار بود مثل طرح‌های پژوهشی دیگر آن را به صورت کاغذی اجرا کنیم، می‌توانستیم از چهار هزار نفر آزمون بگیریم. در این آزمون از لحظه‌ای که دانش‌آموز پشت دستگاه می‌نشیند تا لحظه آخر برنامه‌ریزی شده است. البته یک پیش‌آزمون داشتیم و بعد از آن مرحله اصلی اجرا شده است.

نتایجی که ما از کل این آزمون به دست آوردیم، به هیچ وجه قابل قبول و خوب نیستند. این در حالی است که آموزش و پرورش ۱۲ سال بر مهارت خواندن و نوشتن تأکید دارد. در دوره ابتدایی دانش‌آموز مهارت شنیدن را به صورت جنبی یاد می‌گیرد. کودک وقتی به دنیا می‌آید، شنیدن اولین مهارتی است که یاد می‌گیرد. بعد در خانواده صحبت کردن را می‌آموزد. بعد

دانشگر: تأثیر آموزش غیر مستقیم و غیر رسمی یکی از این موارد است که من می‌خواهم آن را به مجلات رشد ارتباط دهم

از پنج شش سال وارد مدرسه می‌شود و آموزش و پرورش به صورت تخصصی روی دو مهارت خواندن و نوشتن ۱۲ سال کار رسمی و تخصصی انجام می‌دهد. به هر حال این وضعیت در نمونه‌ای که به صورت علمی انتخاب کرده بودیم، به دست آمد. **محبت‌الله همتی**، ناظر محتوایی مجلات رشد: درصد مطلوب شما چقدر بوده است؟ مثلاً در خواندن.

دانشگر: بالاترین نمره ۱۰۰ است. سؤال‌ها به نحوی طراحی شده‌اند که دقت در آن‌ها اهمیت دارد و دانش‌آموز باید سؤال‌ها را در زمانی که مشخص شده است، پاسخ دهد. به طور طبیعی در بهترین حالت نمره ۱۰۰ است. ولی نمره میانگین کل ۵۰ بود

گوشوران بومی کار کردیم و انتظارمان باید خیلی بالاتر می‌بود. ضمن اینکه با این تعداد نمی‌توانیم مقایسه معناداری داشته باشیم. فعلاً فقط می‌توانیم نتایج مطالعاتمان را برای محققان بگوییم. انجام و مقایسه‌ها در رسیدن به راهکارها می‌تواند مسئله بعدی باشد که در سطوح بالاتر کاربرد دارند.

همتی: نکته دیگر اینکه شما فرمودید در شهر تهران این مطالعه را انجام داده‌اید. بین مناطق مختلف تفاوت وجود داشته است؟

دانشگر: ما نتایج مناطق را اعلام نمی‌کنیم، به این خاطر که از نظر علمی چیزی را ثابت نمی‌کند. این یک آزمون مهارت‌سنجی کلی است که مناطق در آن اهمیتی ندارند. ضمن اینکه آموزش و پرورش ده‌ها طرح پژوهشی روی مناطق انجام داده و می‌داند که وضعیت مناطق چگونه است.

در اینجا مقایسه رشته‌های تحصیلی را مشاهده می‌کنید. من روی نمودار می‌برم که راحت‌تر مقایسه شود. می‌بینم که دو مهارت خواندن و نوشتن در رشته علوم تجربی از همه بالاترند. در مهارت صحبت کردن دانش‌آموزان علوم انسانی و در مهارت شنیدن در سطح بالایی دانش‌آموزان رشته ریاضی توانایی بیشتری دارند. دو مهارت خواندن و نوشتن کاملاً اکتسابی است و آموزش و پرورش تلاش بسیاری برای ارتقای آن‌ها انجام داده است. البته باید گفت که متخصصان خوبی وجود دارند و تجربیات خوبی در این سال‌ها انباشته شده‌اند. این دو مهارت در گروه علوم تجربی از همه بالاترند. ما این نتایج را با نتایج کنکور هم مقایسه کردیم. در آنجا بچه‌های علوم تجربی جلوتر هستند. چه اتفاقی می‌افتد که مهارت‌های خواندن و نوشتن به جای اینکه در علوم انسانی افزایش پیدا کند، در بچه‌های علوم تجربی رشد کرده است؟ نظر شما چیست؟

که معادل نمره ۱۰ است. نمره ۱۰ نمره معیار مناسبی نیست. نمره معیار ما ۱۲ یا همان ۶۰ بوده است و تنها در آزمون صحبت کردن بچه‌ها به نمره ۶۰ رسیده‌اند. این مهم است که میانگین کل ۶۰ بوده است. یعنی به طور کلی در مهارت صحبت کردن همه می‌توانند نمره میانگین را کسب کنند. این در حالی است که پیش از این آزمون گفته می‌شد بچه‌ها از عهده این مهارت برنخواهند آمد. یکی از آسیب‌هایی که در مورد آزمون صحبت کردن داشتیم، این بود که توانایی حرف زدن جلوتر از توانایی فکر کردن بچه‌ها بود، یعنی بهتر حرف می‌زدند و بدتر فکر می‌کردند. در صورتی که در گذشته بچه‌ها خجالتی بودند و راحت حرف نمی‌زدند. اما امروز گویا این مشکل حل شده و بچه‌ها به راحتی گفت‌وگو می‌کردند. اینکه چه دلایلی ممکن است برای چنین وضعیتی وجود داشته باشد، از نظر شما استفاده خواهیم کرد.

در مورد جنسیت، نمره دخترها و پسرها با هم متفاوت بود. میانگین نمره دخترها در هر چهار مهارت بالاتر از پسرهاست. به خصوص این تفاوت در دو مهارت بیشتر دیده می‌شود: مهارت نوشتن و مهارت صحبت کردن. این تفاوت معنادار است و برتری مشخص و بارز است. البته ویژگی‌های ذاتی و محیطی هم می‌تواند مؤثر باشد، اما یکی از مسائل مهم این است که ما با آزمون پرلز هم مقایسه کردیم و در تمام کشورهای جهان مهارت دخترها از مهارت پسرها بیشتر است. البته وضعیت این مهارت‌ها در هر دو جنس نامطلوب است.

همتی: شما مطالعات جهانی مشابه مطالعات خودتان را هم بررسی کرده‌اید؟

دانشگر: ما مطالعاتی که گوشوران بومی را بسنجد، ندیدیم. ما از الگوی سطح‌بندی اتحادیه اروپا استفاده کردیم، اما آن‌ها روی گوشوران غیربومی کار می‌کنند. در حالی که ما روی

سپیده چمن آرا، سردبیر رشد برهان متوسطه اول: شاید طراحی درس‌ها به نحوی است که خیلی باید بنویسند.

دانشگر: درس تاریخ هم همین‌طور است.

چمن آرا: تاریخ حفظی و چند کلمه‌ای است. اما در درس زیست‌شناسی خیلی باید توضیح دهند و مطلب را باز کنند.

افسانه موسوی گرمارودی، سردبیر رشد نوآموز: در کشور ما متأسفانه بچه‌هایی که نمی‌توانند وارد رشته‌های دیگر شوند، به رشته علوم انسانی می‌آیند.

دانشگر: شما می‌فرمایید توانایی‌های آن‌ها از همان ابتدا برتر است.

جعفر ربانی، ویراستار مجلات رشد: سؤال من این است که آیا این تفاوت معنا دارد؟

دانشگر: ما البته اینجا به صورت توصیفی این تحلیل را انجام می‌دهیم. اگر بخواهیم به صورت استنباطی توجه کنیم، مسئله معنادار بودن بیشتر کاربرد خواهد داشت. اما در یک بررسی تخصصی همین هم برای ما مسئله مهمی است. من خودم معتقد هستم، مسئله مهم بحث رقابتی است که در دانش‌آموزان رشته تجربی به صورت بسیار سخت و فشرده وجود دارد. مسئله ورودی‌ها که فرمودند خیلی مهم است. اما در عین حال، سه چهار سالی که فرصت است، می‌تواند نقص‌های دانش‌آموزان را اصلاح کند. در نتایج آزمون‌های کنکور سراسری می‌بینیم بچه‌ها به صورت میانگین کلی و در بهترین حالت، به حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد سؤال‌های رشته زبان و ادبیات فارسی عمومی پاسخ می‌دهند. یک اتفاق عجیب این است: نمره زبان فارسی دانش‌آموزان رشته تجربی که در رشته پزشکی قبول شده‌اند، ۸۵ درصد است. به نظر من مسئله رقابت باعث چنین اتفاقی می‌شود. همین تغییر را به طور ناگهانی در درس زبان

فارسی رشته ریاضی هم شاهد هستیم.

محمد رضا حشمتی، سردبیر رشد معلم: درس ادبیات ضریب خوبی در کنکور دارد و برای بچه‌ها نمره‌آور است. شاید بهتر باشد پژوهشی طولی انجام دهیم و بچه‌های گروه علوم تجربی را به عنوان یک گروه آزمایشی انتخاب کنیم و گذشته این بچه‌ها را مورد مطالعه قرار دهیم.

دانشگر: در مورد کنکور این مسئله وجود دارد و آسیب‌هایی که کنکور ایجاد کرده، به ویژه در گروه علوم انسانی، واقعاً جبران‌ناپذیر است. اما به هر حال ما پژوهش‌های خاص خودمان را داریم.

حشمتی: راستی آزمایی خیلی مهم است. خود شما به بحث رقابت اشاره می‌کنید. رقابت عاملی است که در روش‌های تربیتی توصیه نمی‌شود.

دانشگر: این نشان می‌دهد چقدر برنامه‌ریزی‌های ما می‌تواند روی مسائل دیگر تأثیر گذار باشد.

حشمتی: ما الان با این داده‌ها فریب می‌خوریم که بچه‌های تجربی در خواندن و نوشتن جلوتر هستند. ما باید بتوانیم این تعارض را حل کنیم. اگر این مسیر طولی را به عقب برگردیم، شاید کمک بهتری کند.

دانشگر: حالا کمی به جلو می‌رویم. با این نتایج مشخص می‌شود که آموزش و پرورش در چه جاهایی باید بیشتر برنامه‌ریزی کند. شاید از نظر خیلی‌ها این آمار و نتایج طبیعی باشد، ولی نکته جالبی در اینجا وجود دارد: در بسیاری از شاخه‌های مدیریتی کشور امروز فارغ‌التحصیلان رشته‌های ریاضی نشسته‌اند. اگر قرار باشد ما مهارت‌ها را بر حسب گروه‌ها ببینیم و رشد دهیم، فارغ‌التحصیلان عملاً در اجتماع دچار مشکل خواهند شد.

حمیدرضا امیری، سردبیر رشد برهان متوسطه دوم: من فکر می‌کنم بیشتر مسئولان ما از رشته‌های علوم انسانی هستند. همتی: آقای **سریع‌القلم** در مطلبی اشاره کرده‌اند که یکی از مشکلات ما این است که اکثر مسئولان کشور ما از رشته‌های فنی و ریاضی هستند و استدلال می‌کنند، کسانی که مهندس هستند ذهن صفر و یکی دارند.

دانشگر: بله درست است. این نتایج ما را با نتایج رسمی آموزش و پرورش هم مقایسه‌ای کنید. به نتایج جنبی هم نگاهی داشته باشیم. تأثیر آموزش غیر مستقیم و غیر رسمی یکی از این موارد است که من می‌خواهم آن را به مجلات رشد ارتباط دهم. به هر حال نتیجه مطلوب در آموزش و پرورش ما حاصل نمی‌شود. بچه‌های سال اول دبیرستان بسیار ناتوان هستند و معلمان در این پایه بسیار دچار مشکل هستند. وضعیت معلمان هم نامطلوب است. مقصودم این است که آموزش غیر مستقیم

بسیار مهم‌تر است و به همین دلیل است که خانواده‌ها نقش مهم‌تری نسبت به مدارس دارند. کتاب‌های درسی در برابر مجلات شما توان رقابت ندارند، به شرطی که مجلات شما در دسترس دیگران باشند. کتاب‌های درسی همه جا هستند و مجلات هم چنین وضعی داشته باشد.

سیر نزولی آموزش و شفاهی شدن نسل آینده نکته مهمی است. اگر نسل امروز نسبت به نسل گذشته شفاهی می‌شود، زنگ خطر است. دانش‌آموزان ما با حرف زدن راحت‌تر هستند تا نوشتن. همین مشکل را با معلمان هم داشته‌ایم. این موضوع برای معلم یک نقص محسوب می‌شود. مسئله کاستی‌های آینده در تولید علم مورد بعدی است. تا زمانی که زبان فارسی مکتوب نشود، نمی‌توان آن را زبان علمی محسوب کرد.

نکته دیگر تأثیر تربیتی رفتار مدیران مدارس بر رفتار دانش‌آموزان است. نکته دیگری که هنگام اجرای این طرح به ما



می گفتند، این بود که بچه‌ها توانایی استفاده از رایانه را ندارند. اما بچه‌ها در آزمون هیچ مشکلی نداشتند.

مسئله آخر رواج حرف‌نگاری فینگلیش بین بچه‌هاست. این موضوع یکی از آسیب‌هایی است که ظاهراً شبکه‌های مجازی آن را حل کرده‌اند و بچه‌ها بیشتر با فارسی سروکار دارند. من از پیشنهاد‌های پژوهشی و کاربردی می‌گذرم. گزارشی در مورد جایگاه ادبیات فارسی در رشته‌های دانشگاهی داشتم. کلیات این طرح را خدمت شما عرض می‌کنم. هدف این بوده که سطح توانایی ادبی و زبانی دانش‌آموختگان کشور را از طریق تحلیل آماری نمره‌های پذیرفته‌شدگان بسنجیم. یعنی ما نمره زبان و ادبیات فارسی پذیرفته‌شدگان را استخراج کردیم و بر اساس آمار تحلیل محتوا کردیم. ارتباط سطوح یادگیری در دانش‌آموختگان علوم انسانی چیست؟ ارتباط دانش زبانی و ادبی پاسخ‌دهندگان با رشته قبولی آن‌ها چیست؟

اکثر سؤالات آزمون سراسری دانش‌محور بودند. بنابراین ما انتظار داشتیم که شرکت‌کنندگان در این آزمون نمره قابل قبولی بگیرند. اما نتایج نشان داد که میانگین دانش‌آموزان رشته‌های تجربی و ریاضی، پاسخ دادن به سه سؤال از بیست و پنج سؤال

است. مسئله بعدی ارتباط رشته‌ها و نمره‌های زبان و ادبیات فارسی است که رابطه معکوسی در آن وجود دارد. یعنی هرچه نمره ضعیف‌تر بوده، رشته‌ای را انتخاب کرده که مرتبط‌تر بوده است. شما از نظر من افراد متخصصی هستید که می‌توانید مورد مشاوره ما در فرهنگستان باشید. ما نتایج مطالعاتمان را به شما ارائه می‌کنیم تا بعدها از مطالعات شما استفاده کنیم. این نتایج را به این دلیل برای شما مطرح می‌کنم که مشاهده کنید، کار ما علمی بوده است. من تلاش کردم خلاصه‌ای از نتایج آزمون‌ها را به شما ارائه کنم تا وقت کمتری از شما بگیرم. آزمون ما یک آزمون ملاک‌محور است و قابل مقایسه با آزمون سازمان سنجش نیست. این آمار و ارقام می‌توانند زنگ خطر باشند.

گزارش سوم نمرات درس زبان و ادبیات فارسی مدارس کشور در امتحانات نهایی است. ما این نمرات را هم سطح‌بندی کرده‌ایم. اغلب سؤالات برگه‌های امتحانی در سطوح دانشی، درک و فهم، و به کار بستن و به کارگیری‌اند. ۸۵ درصد سؤالات ادبیات فارسی هم در سطح‌های اول دانش و به کار بستن هستند. حالا ولی نتایج نمرات را ملاحظه بفرمایید. ۶۷ درصد دانش‌آموزان علوم انسانی در درس زبان و ادبیات فارسی نمره کمتر از ۱۲ گرفته‌اند. این‌ها نمرات امتحانات نهایی‌اند. مقایسه استان‌های کشور با هم نشان می‌دهد که پایین‌ترین رتبه متعلق به خوزستان، کهکیلویه و بویراحمد، هرمزگان و بوشهر است تا می‌رسد به یزد، خراسان جنوبی، اصفهان و قم. در بالاترین رتبه شهر تهران است.

گزارش‌های پرلز هم نشان می‌دهند، بین نظام‌های آموزشی جهان که در آزمون پرلز شرکت کرده‌اند، ایران جزو پنج کشور آخر است. همیشه زیر میانگین است و به چند گروه کشور آخر تعلق دارد. کشورهای روسیه، چین و

دانشگر: سؤال اصلی طرح ارزشیابی مهارت‌های ادبی و زبانی دانش‌آموزان نظام آموزش متوسطه کشور این بوده که آیا اهداف برنامه‌ریزان آموزش رسمی در مهارت‌های چهارگانه خواندن، نوشتن، شنیدن و سخن گفتن از نظر توانایی‌های زبانی و ادبی تحقق یافته است یا نه؟

سنگاپور در این آزمون توانسته‌اند طی پنج سال رتبه خود را به صورت قابل توجهی تغییر دهند و این نکته جالبی است. معلوم می‌شود که این موضوع پیچیده‌ای نیست و ما هم می‌توانیم حرف‌هایی داشته باشیم.

ما هر جا هر حرفی در مورد زبان و ادبیات فارسی می‌زنیم، به ما می‌گویند که باید بررسی میدانی شود. من الان در این سه سال سه گزارش میدانی انجام داده‌ام و تمام این‌ها را با آمار و ارقام به صورت خیلی خلاصه گفتم. همه به صورت علمی و دقیق هستند و از حدسیات من سرچشمه نگرفته‌اند. از نظر من، شما شنوندگان متخصصی بودید که لطف کردید این گزارش‌های خسته‌کننده را شنیدید. خیلی از شما متشکرم و خوش حال می‌شوم که از نظرات شما استفاده کنم.

ناصر نادری، ناظر محتوایی مجلات رشد: اگر زبان را بخش مهمی از زبان و فرهنگ بدانیم، به گفته کارشناسان فرهنگ امروز دچار تلاطم است. بخشی از این فرهنگ بحث زبان ماست. برخی از نقدهایی که در این گزارش‌ها بود، متوجه ما نبود. منتها ما به عنوان کارشناس و سردبیر باید بشنویم. همه حرف خانم دانشگر این بود که وضعیت زبان فارسی ما دچار حالت بحرانی است و همین ما را به تأمل وادار می‌کند و بر درستی بعضی از کارهایی که در بحث زبان‌آموزی می‌کنیم صحه می‌گذارد. امیدوارم که مایه تأملات بیشتر شود.

امیری: من فکر می‌کنم در مورد بحث کنکور و تحلیل‌هایی که ارائه کردید، شرایط کنکور را نمی‌توان ملاک قرار داد. امتحان نهایی ملاک بهتری است، هر چند که آن هم استرس‌های خاص خودش را دارد. آزمون‌های امروز طوری برگزار می‌شوند که بچه‌ها خارج از فضاهای خشک و استرس‌زا آزمون بدهند. اگر بتوانید چنین کاری انجام دهید، خیلی بهتر خواهد بود. شما

این آزمون را در تهران برگزار کردید و به قول خودتان نمی‌تواند ملاکی برای کل کشور باشد. نظام آموزشی ما متمرکز است، اما خیلی تنوع زبانی داریم و از این لحاظ دچار مشکل هستیم. این مسائل را هم باید در نظر گرفت.

ربانی: آمار تکان‌دهنده‌ای ارائه شد. من تجربه‌ای از ۲۰ سال پیش دارم که همین وضعیت را نشان می‌دهد. در آن زمان در دفتر تألیف بودم و گزارشی را دیدم از معدل درس‌های متفاوت که به تفکیک توسط سازمان سنجش منتشر شده بود. یکی از دوستانم مقاله مفصلی در مورد آن آمار نوشته بود. نتیجه آن گزارش تقریباً همین بود که امروز عنوان شد. به هر صورت این تجربه ما در آن زمان بود. نتایج آن گزارش را از سازمان سنجش گرفتیم و دیدیم. معلوم شد یک عده خاصی از بچه‌ها هستند که نمره بالایی می‌آورند و وارد رشته‌های بالا در دانشگاه‌های معتبر می‌شوند. این وضعی است که وجود دارد. وضعیت الان نسبت به آن سال‌ها بدتر شده است و باید اقدامات مؤثرتری صورت پذیرد. نکته دیگر اینکه ما هفته پیش جلسه‌ای داشتیم درباره توسعه فرهنگ کتابخوانی در کشور. در آنجا مطرح شد که شمارگان روزنامه‌های ما بسیار پایین آمده است. دلایل این امر هم مطرح شد. از طرف دیگر شمارگان مجلات ما زیاد است، ولی شکافی بین مجلات وجود دارد. مجلات دانش‌آموزی افت نکرده و حتی افزایش هم داشته‌اند. رشدهای مربوط به معلم‌ها افت کرده‌اند و مجله فنی و حرفه‌ای افت بسیاری داشته است. این آمار نشان می‌دهد که دانش‌آموزان ما در مدارس هنوز به خواندن منابع مکتوب علاقه‌مند هستند و ما باید دقت کنیم که این عادت بدنه آموزش کشور از بین نرود و شمارگان را بالاتر ببریم تا کمک کنیم که خواندن بدتر از این نشود.

معماری اطلاعات در مجلات رشد

گزارش نشست «گرافیک مجلات رشد»
با حضور کاظم طلایی، ایمان اوجیان و مجید کاظمی



..... اشاره
اگر دو صفحهٔ مقابل یک مجله را در نظر بگیرید، به لحاظ حرفه‌ای، سه مؤلفه باید در آن موجود باشد: متن، تصویر و سفیدخوانی. اگر غیر از این باشد، قطعاً آن صفحه خوب صفحه‌آرایی نشده است. ما امروز در نشریات رشد می‌کوشیم از همهٔ این مؤلفه‌ها استفاده کنیم. به طور معمول، هرچه گروه سنی بالاتر می‌رود، عنصر تصویر کمتر می‌شود. ارتباط تصویر با متن می‌تواند تزئینی، انضمامی یا آمیخته باشد، اما با توجه به شگردهای مطبوعاتی که الان در برخی از نشریات رشد به شکل حرفه‌ای اجرا می‌شوند، می‌توان آن را مبتنی بر مهندسی مفهومی طراحی کرد. آیا این کار انجام می‌گیرد؟ آیا در معماری اطلاعات متن می‌توان از عنصر تصویر به شکل حرفه‌ای تری بهره برد؟ برای پاسخ به این گونه پرسش‌ها، در نشست سالانهٔ دفتر در فروردین ۱۳۹۴ در شهر تنکابن، در میزگردی با عنوان «گرافیک مجلات رشد»، با حضور کاظم طلایی، ناظر هنری مجلات رشد، ایمان اوجیان، گرافیکست مجلهٔ رشد جوان و مجید کاظمی، گرافیکست مجلهٔ رشد معلم به بحث نشستیم.

اطلاعات در مجلات صحبت کنند. ایشان لیسانس بهداشت عمومی و همچنین لیسانس مدیریت امور فرهنگی دارد. مدرس زبان است و به زبان‌های آلمانی و فرانسوی مسلط است. تجربه‌های بسیار خوبی دارد و در این چند سالی که با مجلات رشد کار کرده است، کار گرافیکی او در مجلات خوب و تأثیرگذار بوده است.

کاظم طلایی: محور بحث ما این است که چه کنیم تا اشتباهی مخاطب برای خواندن و نگاه کردن و ضبط کردن مطالبی که می‌خواهیم به جان او بنشیند، بیشتر شود؟ برای شروع بحث از دو تن از دوستانم که در این زمینه کار کرده‌اند، خواستم روی این موضوع فکر کنند و مطالبی را آماده کنند. ابتدا از آقای اوجیان می‌خواهم دربارهٔ معماری



توازن بین گرافیک و متن

ایمان اوجیان: ابتدا درباره معنای معماری مطلب توضیح می‌دهم. ما می‌دانیم که برای انجام هر کاری الگویی نیاز است. مجلات هم از این قاعده جدا نیستند. هر مجله مجموعه‌ای اهداف اصلی دارد که خط مشی و جایگاه مجله را در حوزه مربوط به آن مجله در بر می‌گیرد و این اهداف الگویی دارند. حال کار این الگو که همان «معماری مطلب» است چیست؟ معماری مطلب کمک می‌کند که اهداف مجله به بهترین شکل ممکن به مخاطب منتقل شوند. مجلات حوزه‌های متفاوت دارند و اهدافشان با هم فرق دارد. هر مجله بر اساس اهدافش قوانینی برای تهیه مطلب دارد. ما چگونه می‌توانیم به کمک گرافیک بین درک مطلب و اهداف مجله ارتباط برقرار کنیم؟ یکی از وظایف مهم ما این است که بین گرافیک و متن، براساس نیاز مخاطب، توازن برقرار کنیم. یکی از قابلیت‌های الگوی معماری

اطلاعات این است که در تعریف مجله، برای شناخت اهداف و گروه مخاطب، چینش‌ها و بخش‌های متفاوتی برای مجله به وجود می‌آورد.

در این مدت که من تجربه کار با مجله رشد جوان را داشته‌ام، متوجه شده‌ام گروه سنی مخاطب این مجله پر از تنوع طلبی، مرز شکنی و جسارت است. همین پایه، برای جذب مخاطب در این حوزه کمک زیادی می‌کند؛ اینکه ما بدانیم با چه گروهی در تماسیم، کمک می‌کند بدانیم چگونه می‌توانیم مطالب را به آن‌ها برسانیم. نکته مهم در این قسمت آن است که به خاطر سرعت بالای انتقال اطلاعات در میان بچه‌ها، مدت زمانی که آن‌ها صرف می‌کنند تا موضوعی را جذب کنند، شاید به چند ثانیه برسد. در نتیجه، در این مجله نکته مهم این است که شما به وسیله گرافیک و المان‌های گرافیکی کاری کنید مدت زمانی که قرار است مخاطب صرف ورق زدن مجله کند، بیشتر شود. به این

طلائی: در هر موزه‌ای می‌بینید که در فضای آن شکست‌هایی ایجاد کرده‌اند. این شکست‌ها چه چیزی را می‌خواهند انتقال دهند؟ اینکه شما با جلو و عقب رفتن و ایجاد فضای جدید، همه چیز را با اشتباهی بیشتری ببینید. در معماری اطلاعات هم همین اتفاق باید بیفتند

ترتیب گرافیکست به کمک تحریریه می‌آید تا باعث شود مطلب بهتر به مخاطب منتقل شود.

در باره گرافیک چند نکته می‌گویم که به نظرم خیلی مهم هستند. یکی اینکه گرافیک چیزی نیست که از تحریریه قابل جدا شدن باشد. در کار حرفه‌ای، نکته مهم تعامل بین دو بخش است و شما نمی‌توانید سردبیر، مدیر داخلی و گرافیک را از هم جدا کنید. نظر همه این افراد بر همه شئون مجله حاکم است. این همکاری و تعامل دو طرفه است و باعث می‌شود مدت زمانی که مخاطب به مطلب مجله نگاه می‌کند، افزایش یابد. هر چه این‌ها رابطه سالم‌تری داشته باشند، مجله خواندنی‌تر خواهد شد.

نکته مهم دیگر در تنظیم الگو برای معماری مطالب این است که جنس مطالب براساس اهداف مجله تغییر کند. اگر مطالب مجله موضوعات روز باشند، مثل ورزش و اوقات فراغت و گردشگری، کمک می‌کنند مجله برد بیشتری داشته باشد. در قسمت بعدی، قطعاً کیفیت عکس و مطالب هم مهم است و بحث جداگانه‌ای می‌خواهد. توجه به معماری اطلاعات، یعنی چینش و جایگاه مطالب در مجله، ما را به طراحی «لی‌آوت» می‌رساند. لی‌آوت در واقع قالبی است که می‌خواهیم مطالب در آن قرار بگیرد؛ گرچه هیچ کس عملاً با این قسمت چندان

در تماس نیست و آن را لمس نمی‌کند. در چینش مطالب ما می‌توانیم بخش‌های متعددی ایجاد کنیم و علاوه بر اینکه پیوستگی را حفظ می‌کنیم، قسمت‌های کوتاه‌تری را همراه با مطلب اصلی ارائه دهیم. مدت زمانی که شخص احتیاج دارد صد کلمه را بخواند خیلی کمتر از آن است که بخواهد پانصد کلمه را بخواند. در نتیجه، کادر بندی مطلب خیلی به خواندن آن کمک می‌کند. ما معمولاً برای دو صفحه مطلب گزارش و گفت‌وگو حدود ۱۲۰۰ کلمه داریم. اگر همه این مطالب را

به صورت یکنواخت بچینیم، جذابیتی ایجاد نمی‌کند و خواندنی نیست. در حالی که اگر قسمت‌های کلیدی به صورت کادر در کنار مطلب اصلی بیاید، خیلی کمک‌کننده خواهد بود.

ارتباطات مجازی در عصر حاضر

کاظم طلائی: اگر به موزه «هنرهای معاصر» رفته باشید، دیده‌اید که در آن هیچ سالنی نیست که دالانی باشد که همه کارها را پشت سر هم چیده باشند. در هر موزه‌ای می‌بینید که در فضای آن شکست‌هایی ایجاد کرده‌اند. این شکست‌ها چه چیزی را می‌خواهند انتقال دهند؟ اینکه شما با جلو و عقب رفتن و ایجاد فضای جدید، همه چیز



را با اشتباهات بیشتری ببینید. در معماری اطلاعات هم همین اتفاق باید بیفتد. ارتباطات مجازی در عصر حاضر خیلی زیاد شده است. افراد بدون اینکه حرف زیادی بزنند، با تصویرها و آیکن‌ها حرفشان را می‌زنند و وقت همدیگر را کمتر می‌گیرند. در مجلات امروزی دنیا هم این اتفاق در همه جای مجله می‌افتد. این کار بسیار مهم است و در کنار هم نشستن تحریریه و گرافیک را می‌طلبد. چاره‌ای هم نیست و اگر بخواهیم دیگران مطالب ما را خوب ببینند و حرف‌های مهم‌تر ما را زودتر بفهمند، باید از معماری اطلاعات استفاده کنیم.

مجید کاظمی، لیسانس نقاشی و فوق لیسانس گرافیک دارد. او پایان‌نامه‌اش را در موضوع اینفوگرافی به دانشگاه تهران ارائه کرده و در دانشگاه تربیت معلم نیز دوره‌های هنرهای تجسمی را آموزش دیده است.

معماری اطلاعات §

مجید کاظمی: امروز می‌خواهیم ببینیم معماری اطلاعات

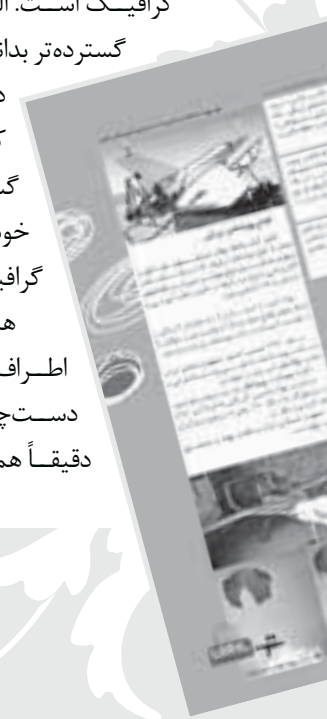


اوجیان: یکی از قابلیت‌های الگوی معماری
اطلاعات این است که در تعریف مجله، برای
شناخت اهداف و گروه مخاطب، چینش‌ها و
بخش‌های متفاوتی برای مجله به وجود می‌آورد

خیلی از محققان گفته‌اند که ورم‌ن چیز تازه‌ای ابداع نکرده و سازمان‌دهی اطلاعات از قدیم در نوشتار نویسندگان وجود داشته است. چون کتاب‌داران و نویسندگان اولین کسانی بوده‌اند که شروع به طبقه‌بندی اطلاعات کرده‌اند. چه چیزی سبب شده است که تئوری ورم‌ن اتفاقی نو محسوب شود؟ آینده این تئوری شامل چه چیزی می‌شود و چه کاربردی پیدا می‌کند؟ ورم‌ن می‌گوید سازمان‌دهی الگوها در قالب داده‌ها و ارائه داده‌ها به صورت واضح و درعین حال پیچیده هدف معماری اطلاعات است.

این بحث چند سال بعد در دانشگاه پیگیری شد و بعدها در آمریکا به صورت یک قانون درآمد و در کشورهای دیگر هم گسترده شد. چه قسمتی از این جریان به بحث رسانه‌ها رسید؟ مفاهیم جدید با نگاه نو، در رسانه‌ها چند شاخه ایجاد کرد. یکی ساختار منطقی که یک مطلب می‌تواند داشته باشد، دیگری ساختار محتوایی که می‌تواند به کمک ساختار منطقی بیاید تا آن را بارور کند و دیگری ساختار صفحه‌آرایی و ساختار ذخیره‌سازی. ما در گروه مجلات با ساختار فیزیکی چاپ روبه‌رو هستیم. هر کدام از این ساختارها یک چیز را می‌خواهند نشان دهند. ساختار اطلاعاتی به اصالت فرهنگی و ریشه مطلب اشاره می‌کند، ساختار صفحه‌آرایی درک گرافیکی نویسنده را نشان می‌دهد و ساختار محتوایی درباره بحث تکنیکی است.

چيست، کاربرد آن در مجلات به چه شکل است، و وقتی این معماری اطلاعات وارد مجلات می‌شود، ما آن را چگونه تفسیر می‌کنیم. درواقع، تفکری که قرار است به صورت سازمان‌دهی شده در یکجا بگنجد، به معماری اطلاعات نیاز دارد. مطلب می‌تواند «اینفورمیشن» باشد یا سطح عمیق تری از «ساینس». معماری اطلاعات در عصر حاضر به کمک رسانه‌ها آمده است تا بتواند اطلاعات وسیعی را که مخاطبان در دسترس دارند دسته‌بندی کنند و در خدمت اهداف رسانه خود قرار دهند. معماری اطلاعات چارچوب و استاندارد حداقلی را در نظر می‌گیرد. این مفهوم اولین بار توسط ریچارد ورم‌ن مطرح شد. ورم‌ن معماری بوده که در برهه‌ای تجربه کار گرافیکی و نویسندگی پیدا کرد. او در بحث خود از معماری استفاده می‌کند و می‌گوید: در دنیای جدید، ما باید به سمت معماری اطلاعات برویم. منظور او از معماری بحث «دیزاین» است. دیزاین نقطه اشتراک بین معماری، نویسندگی و گرافیک است. البته اگر بخواهیم نویسندگی، را بحثی گسترده‌تر بدانیم. می‌توانیم بگویم بخشی از نویسندگی دیزاین است، به این معنا که همان‌طور که در معماری می‌کوشیم با چیدمان و گسترش دادن موضوع اهداف معمارگونه خودمان را برای مخاطب معنادار کنیم، در گرافیک دقیقاً روی همین نقطه کار می‌کنیم. همان‌طور که می‌دانید، اطلاعات وسیعی اطراف ما وجود دارند که نویسنده آن‌ها را دست‌چین می‌کند تا به اهدافش در متن برسد؛ دقیقاً همان اتفاقی که در معماری رخ می‌دهد.



کاظمی: دیزاین نقطه اشتراک بین معماری، نویسندگی و گرافیک است

نقطه تلاقی خیلی از بحث‌های بین طراحان گرافیک، نویسنده، سردبیر و ناظر این است که: محتوایی وجود دارد که در هر صورت خوب است، اما شکل بیان آن چگونه باید باشد؟ «لید» را اصولاً مدیران صفحات، دبیران تحریریه یا سردبیران می‌نویسند؛ اگر چه ظاهراً نویسندگان آن را می‌نویسند. در واقع، لید می‌خواهد اظهار نظر یک شخص ثالث را نسبت به مطلب مشخص کند و خیلی کوتاه است. اخیراً ورم‌ن در هفته طراحی سخنرانی پرمغزی کرده است. او می‌گوید، نهنگ که بزرگ‌ترین پستان‌دار زمین است، زبانی به اندازه یک اتوبوس مدرسه و قلبی به اندازه فولوکس واگن لیتل دارد. آئورت او به قدری بزرگ است که یک انسان می‌تواند در طول آن شنا کند. اولین نمونه فولوکس واگن هم‌زمان با اولین تویوتا از خط تولید خارج شد و این زمان دقیقاً مصادف با اتحاد آلمان و ژاپن تحت عنوان «قدرت‌های محوری» بود. نکته جالب اینجاست که در همان برهه زمانی سیستم رادار اختراع شد.

نکته‌ای که ورم‌ن به آن اشاره دارد، دقیقاً در صحبتش وجود دارد. ورم‌ن به جای اینکه بگوید وزن قلب نهنگ چند پوند است، می‌گوید اندازه فولوکس واگن است. در واقع با پشت سر گذاشتن و کنار هم چیدن اطلاعات منظورش را بیان می‌کند. او با این کار متن را تحت سیطره خود می‌گیرد و درجه تأثیرگذاری آن را بالا می‌برد. در بحثی که واید، مدیر هنری «مجله تایم»، در دهه ۱۹۷۰ دارد با عنوان «ویرایش توسط طراحی» می‌گوید اصولاً هر مجله رسانه‌ای تصویری است. درست است که تعداد کمی مجله متن محور هم وجود دارد، ولی در واقع هر سردبیری به این فکر

می‌کند که چگونه جنبه‌های بصری مجله را تقویت کند. البته نه اینکه حضور طراح گرافیک نادیده گرفته شود. به صورت سنتی، معمولاً سردبیران فرصتی برای تعامل با عکاس‌ها و طراحان گرافیک ندارند، چون آن قدر درگیر محتوا هستند که فرصت این کار را ندارند. ما می‌خواهیم بگوییم دقیقاً برعکس باید باشد. اینجا سردبیر است که نظر می‌دهد. چرا؟ واید به سردبیرانش می‌گوید، قبل از این که مطلبشان را بنویسند، سعی کنند مجله را به صورت سه بعدی ببینند؛ البته به صورت صد درصد نمی‌توان چنین تصویری کرد، چون مجله موجودی زنده است.

در اینجا سؤالی مطرح می‌کنم: چه طور می‌توانیم به الگویی برسیم که مجله را رشد بدهیم؟ در واقع، به نظر بسیاری، الگو گرفتن از تجربه‌های نشریات دیگر سهم مهمی در پیشرفت ما دارد. آنچه که واید خیلی تأکید دارد، این است که اصلاً ما عکس تزئینی در مجله نداریم و چنین چیزی قابل درک نیست. اگر قرار است از عکس در مجله استفاده شود، باید کاربردی باشد و در صورت امکان باید برایش زیرنویس کاربردی نوشت. یکی از الگوهایی که می‌توان در نظر گرفت این است که در خیلی از مجلات دو صفحه بزرگ به یک تصویر با کیفیت اختصاص داده می‌شود. پس بررسی کردن مجلات الگوهای خوبی به دست می‌دهد. موضوع دیگر این است که چگونه درک مخاطبان را ارزیابی کنیم؟ این موضوع مهم است که مجله بداند مخاطب چه بازخوردی دارد و بتواند آن را به درون مجله بیاورد. یکی از الگوها این است که نامه‌های مخاطبان را منتشر می‌کنند یا به پرسش‌هایشان جواب می‌دهند. به نظر من این اتفاق باید در مجلات بیفتد.

موضوع دیگر متن‌های خیلی خشک هستند که سردبیران تصمیم می‌گیرند برای آن‌ها تصویرسازی‌های فانتزی بیاورند.

همان اندازه نتایج انتزاعی دارند. ما باید بتوانیم با تصویرسازی مکمل مطلب باشیم. بسیاری از مطالب انتزاعی را می‌توان به اینفوگرافیک‌هایی تبدیل کرد که مطلب را نجات دهند. می‌توانیم مصادیق را به لحاظ تصویری کشف کنیم. وقتی شما درباره مسئله‌ای انتزاعی صحبت می‌کنید، مصادیق عینی را هم دارید. اصلاً بحث آیکن از موضوع نشئت گرفته است. آیکن کاری می‌کند که مفاهیم انتزاعی ملموس‌تر باشند.

محبت‌الله همتی، ناظر محتوایی مجلات: من فکر می‌کنم پیاده‌سازی آنچه که شما گفتید، در مجلات ما اتفاق نمی‌افتد، مگر با تعامل. ما باید از حالت سفارش‌دهنده و گرافیس‌ها نیز از حالت سفارش‌گیرنده خارج شویم و همه با هماهنگی و تعامل کار کنیم. ما باید در گروه مجلات رشد شرایطی ایجاد کنیم تا این تعامل جایگزین رابطه فعلی شود.

محمد علی قربانی، سردبیر رشد جوان: ما این کار را در مجله رشد جوان انجام داده‌ایم. آقای اوجیان در مجله رشد جوان جزئی از تحریریه است، نه تنها گرافیسست. در مورد مطلبی با موضوع تأثیر دوست روی دوست، ما چنین فرایندی که آقای کاظمی گفتند طی کردیم و به تصویرسازی از این مطلب انتزاعی رسیدیم و با تعامل با آقای اوجیان ایده جدیدی ارائه کردیم.

طلایی: در مجله رشد جوان، آقای اوجیان چند صفحه مطلب می‌نویسند. من هیچ وقت از گرافیس‌های دیگر انتظار ندارم مثل ایشان کار کنند. مامی خواهیم در اینجاستیین کنیم کار گرافیسست چیست. اگر کسی مثل آقای اوجیان نوشت، دیگران نباید انتظار داشته باشند که بقیه گرافیس‌ها هم بنویسند. باید چارچوبی تعریف کنیم. درخواستی از طرف تحریریه می‌آید که گرافیسست متنی را طراحی کند که اشتهابرانگیز باشد. این دو گروه باید با هم تعامل داشته باشند تا این درخواست اجرا شود.

واید درباره ویرایش عکس تأکید می‌کند که اگر شما می‌خواهید در مجلات به یک نتیجه خوب برسید، باید برای تصاویرتان هدف مشخص داشته باشید. وقتی عکس‌ها را جست‌وجو می‌کنید، حتماً باید اهدافتان مشخص باشند و حتماً برای طرح گرافیک منابع خوب تصویری پیدا کنید. یک گالری به گرافیسست بدهید تا او بتواند از میان آن‌ها انتخاب کند.

نتیجه پایانی اینکه اگرچه معماری اطلاعات از دل معماری متولد شده و در حوزه کتاب‌داری به بلوغ رسیده است، ولی به نظر می‌رسد در حوزه مطبوعات فرم و محتوا را به شکل جدی به هم مرتبط می‌کند و هر جا این دو با هم مرتبط می‌شوند، مجلات موفق‌تر هستند.

اگرچه معماری اطلاعات از دل معماری متولد شده و در حوزه کتاب‌داری به بلوغ رسیده است، ولی به نظر می‌رسد در حوزه مطبوعات فرم و محتوا را به شکل جدی به هم مرتبط می‌کند

حبیب یوسف‌زاده، ناظر محتوایی مجلات: مشکل ما این است که مطالب انتزاعی داریم و نمی‌دانیم آن‌ها را چگونه در مجله به تصویر بکشیم. یک مطلب کاملاً انتزاعی را چگونه به تصویری کاملاً ملموس تبدیل کنیم.

کاظمی: باید دید مفاهیم انتزاعی را از چه راه‌هایی می‌توان ارائه کرد. نظر من این است که دیدن مجلات رقیب و تجربیات آن‌ها بهترین راه است. خلاقیت همیشه در این نیست که ما اولین باشیم. خلاقیت این است که ما در آن ظرف عملکرد خلاقانه‌ای داشته باشیم. یک راه این است که ما از تصویرسازی استفاده کنیم، چون مفاهیم انتزاعی به



زبان، پدیده‌ای پویا و در حال تغیر

گزارش نشست «زبان معیار در مجلات رشد»
با حضور جعفر ربانی، افسانه طباطبائی و
محبت‌الله همتی



..... اشاره
قطعاً در بنگاه مطبوعاتی رشد (خانواده مجلات رشد) علاوه بر دغدغه‌های مخاطب‌شناسی، فرم و گرافیک، شگردهای ژورنالیستی، ساختار محتوایی، اولویت‌های آموزش و پرورش، شرایط فرهنگی و بومی، منطقه‌ای و جهانی و دغدغه «زبان و ویرایش» نیز وجود دارد.
در نشست علمی – کاربردی «زبان معیار در مجلات رشد» – که در نشست سالانه دفتر در بهار ۹۴ در شهر تنکابن برگزار شد –، به برخی ابعاد و حساسیت‌های موضوع «زبان و ویرایش» پرداخته شد. در این نشست، جعفر ربانی و افسانه طباطبایی، از ویراستاران مجلات رشد و محبت‌الله همتی، ناظر محتوایی مجلات عمومی رشد، سخن گفتند.
..... آنچه در ادامه می‌آید، گزارشی از این نشست علمی – کاربردی است.





طباطبایی: درست است. زبان معیار صورتی از زبان است که مردم یک کشور که احتمالاً به لهجه‌های مختلف صحبت می‌کنند، از آن برای برقراری ارتباط با یکدیگر استفاده می‌کنند. به قول آقای کرام‌الدینی، زبان تحصیل کرده‌هاست. زبان مکتوب و پذیرفته شده است و در رادیو و تلویزیون، کتاب‌های درسی، روزنامه‌ها و دانشگاه‌ها به کار می‌رود. در عین حال، منطبق بر دستور است و با آن ناسازواری ندارد. وقتی متن از حوزه زبان معیار خارج می‌شود، به ویرایش زبانی نیازمند است. یکی از مهم‌ترین کارهایی که ویرایش زبانی در متن انجام می‌دهد، این است که غلط‌های ساختار زبانی آن را می‌گیرد و آن را به زبان معیار بسیار نزدیک می‌کند. در مجلات رشد هم سعی بر این است که مقالات به حدی از بلوغ برسند که ویرایش زبانی آن‌ها به حداقل برسد. مشخصات خاصی برای زبان معیار در نظر گرفته می‌شود که نخستین آن‌ها خصوصیات ذاتی این زبان است و آن این که حالت تثبیت شده دارد و در عین حال پخته است. پس

کرام‌الدینی: زبان معیار، زبانی است که بین افراد تحصیل کرده به کار می‌رود و به دور از شکسته‌نویسی استفاده می‌شود و برای رساندن مفاهیم علمی به کار می‌رود

ویژگی اول، خصوصیت ذاتی ثبات و پختگی آن است. ویژگی دوم زبان معیار مبتنی بر نقشی است که در محدوده فرهنگی یک جامعه زبانی به عهده دارد و آن نقش متحد کننده است. در کنار زبان فارسی دری که ما امروز از آن به عنوان زبان معیار استفاده می‌کنیم، فارسی معیار افغانی و تاجیکی هم داریم. زبان

افسانه طباطبایی، ویراستار مجلات رشد: ما در طول این سال‌ها با این مسئله درگیر بوده‌ایم و دغدغه ملاحظات زبانی را داشته‌ایم، ولی تاکنون پیش نیامده بود که چنین نشستی بگذاریم و به تعریف واحدی از زبان معیار برسیم. تعریف زبان معیار موجود است. مطالعات بسیاری در این باره انجام شده و معیارهایی هم تعریف شده است. در واقع ما امروز نمی‌خواهیم این شاخصه‌ها را ایجاد کنیم، بلکه می‌خواهیم آن‌ها را بشناسیم. خواهش می‌کنم دوستانی که به بحث زبان و زبان معیار علاقه‌مندند و در کار خود نیز با این مسئله مواجه دارند، در بحث شرکت کنند. من در ادامه بحثم، مثال‌هایی از ناسازواری با زبان معیار را در جمله‌های نمونه چهار مجله رشد آموزش ریاضی، رشد آموزش فیزیک، رشد آموزش زیست‌شناسی و رشد آموزش شیمی، مطرح می‌کنم. فکر می‌کنم برای شروع، بهتر است زبان معیار را تعریف کنیم. دوستان بگویند که از زبان معیار چه می‌دانند و فکر می‌کنند متنی که به زبان معیار است، چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد.

محمد کرام‌الدینی، سردبیر رشد آموزش زیست‌شناسی: زبان معیار زبانی است که بین افراد تحصیل کرده به کار می‌رود و به دور از شکسته‌نویسی استفاده می‌شود و برای رساندن مفاهیم علمی به کار می‌رود.

جعفر ربانی، ویراستار مجلات رشد: من یادم است، اولین بار سال ۷۲ زبان معیار در دفتر برنامه‌ریزی تألیف کتب درسی مطرح شد. نمی‌دانم چه کسی این واژه را ابداع کرده، ولی این اواخر زیاد مطرح شده است. زبان معیار زبانی است که بین تحصیل کرده‌های مملکت به کار می‌رود و مردم مرکزی ایران با آن صحبت می‌کنند؛ یعنی زبانی که از تهران برخاسته و تسری پیدا کرده به تمام کشور.

ربانی: تجربه نشان می‌دهد که در ایران، زبان گفتار به سوی زبان معیار حرکت کرده است

است. امر آموزش زبان که گفتند خیلی مهم است. راه گسترش زبان معیار آموزش است و زبان معیار امروز فارسی خیلی قوی‌تر از قدیم است.

محمد علی قربانی، سردبیر رشد جوان: زبان دولتی! **طباطبایی**: بله، درست است. زبانی است که طبقه حاکم از طریق رادیو و تلویزیون، نشریات و دانشگاه‌ها آن را پشتیبانی می‌کند. این زبان معیار گونه‌های مختلفی دارد که ما بیشتر از گونه علمی آن استفاده می‌کنیم. دکتر علی اشرف صادقی، برای زبان معیار گونه علمی، گونه رادیو تلویزیون، گونه مطبوعات و گونه ادبی قائل هستند. گونه علمی ویژگی‌هایی دارد و بر اساس آن‌ها می‌توانیم ارزیابی کنیم که مجلات رشد چقدر زبان معیار را رعایت می‌کنند. زبان معیار علمی صراحت دارد و در آن الفاظ به طور مستقیم بر معانی دلالت می‌کنند. بر این اساس، از تعقید و پیچیدگی به دور، و روشن و شفاف است و توانایی برقراری ارتباط مستقیم با مخاطب را دارد. از کلمات عاطفی، قضاوت و تعارف و کاربردهای ادبی دور است، تعبی‌رات و اصطلاحات دقیق دارد و صریح و پرورده است.

در عین حال، معیارهای زبان ادبی را ندارد. درجه پروردگی گونه رادیو و تلویزیون، به جهت کثرت مخاطب و تنوع آن، از زبان معیار علمی کمتر است؛ این گونه، در استعمال واژه‌ها بی‌دقت است و بار عاطفی سنگینی ندارد. گرت‌برداری از زبان بیگانه در آن زیاد است. زبان مطبوعات به دلیل قرار نداشتن در معرض گرایش‌های زودگذر اجتماعی و سیاسی به شدت تأثیرپذیر است

فارسی در کشور ما با این تعدد لهجه‌ها و گویش‌ها، نقش متحد کننده دارد. سوم، نقش متمایز کننده و اعتباردهنده این زبان است. زبان معیار به کسانی که از آن استفاده می‌کنند اعتبار می‌دهد. در عین حال، مرجعیت دارد و معیار درستی و غلطی در زبان است.

البته پیش از طرح مسئله زبان معیار، بهتر بود اول نگاهی به خود زبان هم می‌کردیم؛ چون ابتدا باید خود زبان را بشناسیم تا بتوانیم درباره زبان معیار هم نظر بدهیم. زبان مجموعه‌ای از واژه‌ها و عبارت‌هاست که طبق قواعدی گرد هم آمده‌اند و ما از آن‌ها برای انتقال پیام استفاده می‌کنیم. هرچه این زبان روشن‌تر و تثبیت شده‌تر و مدون‌تر باشد، قابلیت آن در پیام‌رسانی بیشتر است؛ زبان معیار این شاخصه‌ها را دارد. همان‌طور که می‌دانید، از یک نظر ما دو نوع زبان داریم: زبان گفتار و زبان نوشتار، و به همین ترتیب، زبان معیار گفتاری و زبان معیار نوشتاری داریم.

ربانی: درباره مفهوم زبان معیار چیزی یادم آمد. من خیلی سال پیش یکی از کتاب‌های دکتر باستانی پاریزی را می‌خواندم. ایشان تجربه‌ای درباره زبان داشتند که شنیدنی است. ایشان می‌گویند در پاکستان وارد یک مغازه شدم و خواستم با پسرچه‌ای که آن‌جا بود فارسی صحبت کنم. پسر نمی‌فهمید من چه می‌گویم و پدرش را صدا کرد تا با من فارسی صحبت کند. می‌دانید چرا؟ چون در آن زمان زبان فارسی در پاکستان غریب شده بوده است. باستانی می‌گوید عکس این تجربه را در ایران داشتم. یک بار در اردبیل وارد مغازه‌ای شدم و خواستم با صاحب مغازه فارسی صحبت کنم. آن مرد نفهمید و از پسرش خواست که با من فارسی صحبت کند. معلوم است چرا؟ چون پسرش در مدرسه زبان فارسی می‌خوانده است. این تجربه نشان می‌دهد که در ایران، زبان گفتار به سوی زبان معیار حرکت کرده

و بعضی عبارت‌ها طبق مد روز بر آن حاکم می‌شود.

گونه ادبی شعر و نثر است. شعرش کهنه‌گراست. از کلمات عامیانه بهره نمی‌برد. واژه فرنگی ندارد یا کمتر دارد، زبانش به شدت استعاری است و با زبان معیار علمی متفاوت است. نثرش یکدست نیست و خلاقیت و صور خیال زیاد دارد و گاهی تحت تأثیر زبان ترجمه است.

بعد از اینکه گونه‌های زبان معیار را می‌شناسیم، لازم است خطاهایی را که نشان‌دهنده ناسازواری‌های با زبان معیار است، بشناسیم. من نمونه‌هایی را جدا کرده‌ام تا برای شما مثال بزنم.

ربانی: صحبت از «زبان معیار» و «نثر معیار» است و ما بنابر کاربرد خودمان در مجلات باید درباره نثر معیار صحبت کنیم. مشکل ما این است که در مجلات رشد با نثر معیار چه کنیم. همه ما نثر معیار می‌نویسیم و در این شک نیست، ولی حرف سر این است که هرچه نثر معیار را پیراسته‌تر کنیم به اهداف خودمان نزدیک‌تر خواهیم شد و این کار سختی است. البته باید به لایه‌های نثر معیار هم توجه کنیم، چون نثر معیار برای گروه‌ها و دوره‌های مختلف سنی متفاوت است.

طباطبایی: این نمونه‌ها را از مجله رشد آموزش شیمی شروع می‌کنم. «در بروز کج‌فهمی‌ها تنها دانش‌آموزان مقصر نیستند، بلکه فرایند آموزشی نیز در شکل‌گیری آن مؤثرند.» در اینجا الگوی زبانی «نه‌تنها، بلکه» است که رعایت نشده است. صورت صحیح جمله این گونه است: «نه تنها دانش‌آموزان بلکه فرایند آموزشی نیز در شکل‌گیری کج‌فهمی‌ها مؤثر است»، «جیوه در صنایع به سه شکل فلزی ترکیب‌های عالی یا ترکیب‌های معدنی استفاده می‌شود.» در این جمله حرف اضافه حذف شده است. در واقع، «استفاده شدن از چیزی» باید باشد که روی آن

خیلی تأکید می‌شود: «از جیوه در صنایع به شکل ... و ... استفاده می‌شود». «بیماری قلبی در فهرست بیماری‌هایی قرار دارد که آمار مرگ و میر در میان مبتلایان به آن چشمگیر است.»

ضمیمه «آن» تناسبی به مرجع «بیماری‌ها» ندارد و باید به «آن‌ها» تبدیل شود. «درمیان» زاید است: «مروزه بیماری‌های قلبی در فهرست بیماری‌هایی قرار دارد که آمار مرگ و میر مبتلایان به آن‌ها چشمگیر است». «رعایت نکته‌های ایمنی برای حمل و استفاده از این لامپ‌ها نیز می‌تواند ما را اثرات زیان‌بار آن‌ها در امان نگاه دارد.» حمل این لامپ‌ها و استفاده از آن‌ها درست است. «در این پایگاه امکان مطالعه شماره‌های قبلی مجله به شکل آنلاین و کاملاً طبیعی وجود دارد.»

در کنار مسئله زبان معیار خط معیار را هم داریم. کتاب «فرهنگ املائی خط فارسی» که از انتشارات فرهنگستان است، دستورالعمل خط معیار ماست. به علاوه، فرهنگستان برای بسیاری از واژه‌ها معادل داده است که قابل استفاده هم هستند؛ از جمله واژه آنلاین که معادل «برخط» را برای آن قرار داده‌اند. «مروز دانش و فناوری پویا میدان فراخ توسعه را به طوری در هم نوردیده است که تنها از راه آموزش دقیق، کاربرد روش‌های علمی و استفاده از نتایج پژوهش‌های آموزشی گسترده و ژرف همکاری با پیشرفت‌های معاصر امکان‌پذیر است.» به این جمله می‌گوییم غیر دستوری. سازه‌ها در جای مناسب قرار نگرفته‌اند و علاوه بر این، از نظر مفهومی هم مشکل دارد.

نمونه‌های بعدی از مجله رشد آموزش زیست‌شناسی هستند. «نظریه ترکیبی جدید، مفهوم داروینی انتخاب طبیعی را با علم نوپای ژنتیک و تا حد کمتری با دیرینه‌شناسی و سیستماتیک پیوند زد.»

کرام‌الدینی: منظور از سیستماتیک علم سیستماتیک است.

طباطبایی: این

سؤالی است که ما از

همه مجلات داریم.

آیا اینکه فقط مخاطب

متخصص مطالب شما

را درک کند کافی است؟ آیا بهتر نیست مطالب را شفاف تر

بیان کنید تا همه از آن بهره ببرند؟

کرام الدینی: مخاطب شناسی یک اصل است. وقتی یک

کودک متن ما را بخواند نمی فهمد. سیستماتیک برای مخاطب

من بسیار روشن تر از علم سیستماتیک است.

طباطبایی: ولی اگر این را زیرنویس می کردید یا به نوعی

مشخص می کردید بهتر بود و مخاطب غیرمتخصص هم با آن

ارتباط برقرار می کرد.

سیاوش شایان: سردبیر رشد آموزش جغرافیا: هر

علمی معمولاً پارادایم مخصوص خودش را دارد و از مجموعه

اصطلاحات خودش تبعیت می کند. بنابراین، وقتی آقای

کرام الدینی در مقالات خودشان اصطلاحی را به کار می برند،

مسئله است که برای مخاطب ویژه ای است. در جغرافیا هم ما

چنین مواردی را داریم. در اینجا ویراستار نمی تواند عمومی باشد،

بلکه باید تخصصی باشد. شاید مشکلی که الان به وجود آمده،

به این خاطر است که ما ویراستار زیست شناسی نداریم. عنوان

سازمان ما سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی است و یکی

از مواردی که معمولاً در ذهن ماست این است که آینده نگری

می کند. آینده نگری محقق نمی شود مگر با آینده پژوهی. به نظرم

می آید که لازم است واحدی در سازمان و در دفتر مجلات رشد

داشته باشیم به نام آینده پژوهی و نیروسازی. یعنی ببینیم در

آینده ای که تصور می کنیم، به کجا می خواهیم برسیم و برای

ر سید ن به آن آرمان ها، بر اساس برنامه ریزی و با

سناریوهایی که پیش بینی می کنیم، به کجا خواهیم رسید. در

نهایت آینده را بسازیم، نه اینکه ببینیم در آینده چه پیش خواهد

آمد. خوشبختانه در کشور ما هم مؤسسات پژوهشی آینده پژوهی

وجود دارد که این کار را برای سازمان ها و وزارت خانه ها انجام

می دهند.

طباطبایی: آقای دکتر شایان خیلی خوب اشاره کردند. چه

خوب است ما توانایی این را داشته باشیم که ویراستار متخصص

تربیت کنیم. منتها فعلاً فقط ویراستار عمومی داریم. در کار

ویرایش مقالات، ما نگران انتقال پیام هستیم و به دلیل متخصص

نبودن ویراستار، ممکن است پیام قدری مخدوش شود.

مورد دیگر، «پایه های مباحثی که مطرح کردیم بر زمینه های

مختلفی استوارند.» مفهوم این جمله مشخص نیست و بر این

اساس، درک و دریافت آن مشکل است؛ با این که ساده به نظر

می رسد. «سؤالی که قبل از آنکه از سوی من پرسیده شود، از

سوی او با پیشنهاد همکاری برای ترجمه کتاب به زبان فارسی

پاسخ داده شد.» این جمله که تصور می کنم ترجمه هم باشد،

ناقص، کاملاً نامنسجم، نامفهوم و غیردستوری است و مشکلات

بسیاری دارد.

جمله دیگر: «همان حسی که می دانم سهراب سپهری با

یاخته یاخته وجودش درک کرده است تا که ما هم قدر گوهری

را که در آن زیست می کنیم بیشتر بدانیم.» ما در گوهر زیست

نمی کنیم. این استعاره خوبی است، استعاره از زمین است، اما ما

در گوهر زندگی نمی کنیم.

«داروین سراسر این کتاب را به کرم خاکی، این موجودات

پست و حقیر اختصاص داده بود.» کرم خاکی «موجود» پست

و حقیری است نه «موجودات». در جمله «نمونه هایی هستند از

فرایندهای بازخوردی و جالب»، معلوم نیست صفت جالب چه مفهومی را می‌رساند.

جمله‌هایی که مطرح شدند، ممکن است موارد کوچکی باشند، ولی قطعاً ما را نسبت به متن علمی و ویژگی‌هایی که باید داشته باشد، حساس می‌کند.

فریده نورمحمدی، مدیر داخلی رشد جوانه: چه اشکالی دارد ما در متون علمی از استعاره استفاده کنیم؛ البته در صورتی که به‌جا باشد.

طباطبایی: اشکال ندارد اگر درست باشد. استعاره فضای متن را تلطیف می‌کند. در ادامه، اگر اجازه بدهید چند جمله کوتاه از مجله ریاضی مثال بزنیم. «اگر کندوی زنبور عسل را دیده باشید»، ما جز کندوی زنبور عسل، کندوی دیگری هم داریم؟

کرام‌الدینی: بله داریم. زنبورهای دیگر هم کندو دارند. افسانه طباطبایی: بسیار خوب... «اگر کندوی زنبور عسل را دیده باشید می‌بینید که زنبور با چه مهارت فوق‌العاده‌ای کندوی عسل خود را از قرار دادن شش ضلعی‌های منتظم کنار یکدیگر درست کرده است.» جمله بسیار حشو دارد و می‌توان قسمت‌هایی از آن را حذف کرد. «این مقدمه چه ارتباطی به سؤال ابتدای این قسمت دارد؟» کاربرد نادرست حرف اضافه؛ در اینجا ارتباط داشتنش «با» درست است نه «به». «طیف وسیع نیازهای یادگیری دانش‌آموزان امروز نیازمند وجود معلمانی است که بسیاری از راهبردهای مختلف را برای تطبیق نیازهای دانش‌آموزان بشناسند.» این جمله حشو

ناسازواری ساختاری دارد و باید به طور اساسی تغییر کند. «تا مؤلفین واجدالشرايط انتخاب نشوند و منابع بين‌المللی به‌روز نباشد و روی تألیف وقت گذاشته نشود و شرايط لازم برای پياده شدن کتاب فراهم نشود، مسلماً یک کتاب مفید و مؤثر و کارساز نخواهیم داشت.» جمله طولانی است و حشو دارد. «شرايط لازم برای پياده شدن کتاب» یعنی چه؟ نیت من این بود که دوستان با جو کار ما آشنا شوند. کار ما تصحيح بسياری از این جمله‌هاست.

سپیده چمن‌آرا، سردبیر رشد آموزش برهان متوسطه اول: ما در مجله برهان ریاضی، گاهی نقل قول را به زبان عامیانه می‌آوریم. زبان عامیانه هم نوعی زبان معیار است، اما چینش آن گاهی به هم می‌ریزد. آیا این کار درست است؟ زبان عامیانه را تا چه حد رعایت کنیم و ویرایش آن به چه صورت است؟

طباطبایی: فکر می‌کنم منظورتان زبان محاوره باشد. زبان محاوره به بحث شکسته‌نویسی مربوط می‌شود که آقای همتی درباره آن صحبت می‌کنند. به هر حال، کاربرد آن اشکال ندارد. آن هم زبانی است که ما به کار می‌بریم؛ منتها باید حواسمان باشد که اگر متن در جاهایی به زبان محاوره‌ای است، در همان جاها حتماً رعایت شود و قالب مدام عوض نشود. اگر متن همگون باشد، پیام آن مؤثر است.

ربانی: به نظر من نمی‌توان قاطعانه گفت که ما زبان محاوره را به کار ببریم یا بهتر است به کار نبریم. اما بعضی جاها مورد نیاز است و اشکالی ندارد. ولی در نوشته‌های علمی تا جایی که می‌توانیم نباید به کار ببریم، مگر این که ضرورت خاصی داشته باشد.

همتی: بحث محاوره‌نویسی را نمی‌توان رد کرد و درست هم نمی‌توان قبول کرد. کتابی معرفی می‌کنم تحت عنوان



«اصول شکسته‌نویسی» از آقای علی صلح‌جو. ایشان این موضوع را بررسی کرده و در نهایت هم نه رد کرده و نه تأیید کرده است، اما نکته‌ای را در باب شکسته‌نویسی برای کودکان مطرح می‌کند و مطلقاً شکسته‌نویسی و محاوره‌نویسی را در سنین اول ابتدایی رد می‌کند. راه‌حل حداقل در آن مجلات این است که زبان معیار گفتار را به کار بگیریم. من دو نمونه را نام می‌برم. یکی در مجله رشد است و یکی کارهای آقای کمال بهروز کیا است که از مترجمان بنام کشور هستند. در کارهای ایشان لحن، لحن گفتاری است، اما تمام قواعد زبان معیار در آن رعایت شده است. در چنین فضایی بچه‌ای که در تهران این کار را می‌خواند با لهجه خودش می‌خواند و بچه‌ای که در اصفهان زندگی می‌کند با لهجه خودش. نمونه دیگر بخش مهمی از کارهای خانم شکوه قاسم‌نیا در رشد کودک است. در قصه‌های ایشان محاوره کم است، اما به زبان معیار نزدیک است و لحن گفتاری هم دارد. من سعی می‌کنم این کتاب را تهیه کنم و در اختیار دوستان قرار دهم.

گرام‌الدینی: من نکته‌ای می‌خواستم بگویم. زبان پدیده‌ای پویا و در حال تغییر است. وقتی ما متون بیست سال پیش را می‌خوانیم، با الان متفاوت است. چند سال پیش من یک کتاب کمک‌درسی را مطالعه می‌کردم. دیدم یکی از ناشران متن را به صورت محاوره‌ای و شکسته نوشته است. خیلی تعجب کردم و برایم جالب بود. بعد از آن از موضوع سرایت پیدا کرد و الان تعداد کتاب‌هایی که سعی می‌کنند به زبان جوانان بنویسند افزایش پیدا می‌کند. به تازگی، در مترو هم این کار انجام می‌شود و

در تلویزیون هم چنین چیزی دیده می‌شود. این زبان محاوره شکسته در حال گسترش است. البته فکر می‌کنم زبان تهرانی را همه کشور می‌دانند و گویش‌های قدیم کم‌رنگ شده است.

پرویز قراگزلو، مدیر مرکز منابع تصویری و نوشتاری: دایره‌المعارف بریتانیکا هر سال یک ویرایش جدید منتشر می‌کند. بیش از دو میلیون و چهارصد هزار لغت را منتشر می‌کند با تلفظ آمریکایی و لاتین. این کار باعث می‌شود این زبان درست تلفظ شود و در تمام دنیا به آن مراجعه می‌شود. در دانشگاه علامه طباطبایی، کارگاه زبان‌شناسی دارند و روی پروژه‌ای کار می‌کنند که در آن کلمات فارسی را جدا می‌کنند، ریشه‌یابی می‌کند و کامنت برای آن می‌گذارد. ما مشکل جدی در نوع نگارش کلمات و نوع تلفظ آن‌ها و چندگانه بودن آن‌ها داریم. فرهنگستان زبان نرم‌افزار ویراستیار طراحی کرده که کمک می‌کند.

سؤال من این است که چرا در شبکه رشد یا شبکه‌های دیگر متصل به آموزش و پرورش، زبان معیار رعایت نمی‌شود؟ شما برای این موضوع با توجه به این که نشریات رشد مکمل برنامه درسی هستند، چه راهکاری دارید؟ سؤال دیگر من این است که ما زبان معیار را داشته‌ایم، چه اتفاقی افتاده که آن زبان معیار طی قرن‌ها تغییر پیدا کرده و امروز این چالش را داریم که زبان ما یکپارچه نیست.

طباطبایی: بعضی از مواردی که فرمودید، جزو سیاست‌های کلان است و ما برنامه اجرایی برای آن نداریم، ولی بخشی که درباره زبان معیار و متون کهن فرمودید، دلیل اینکه چرا زبان به این حال و روز افتاده بحث مفصلی است و دلایل متعددی دارد که در این فرصت کوتاه نمی‌توان به آن‌ها پرداخت. از آقای شفیع‌ی که در کارهایشان از زبان محاوره هم استفاده می‌کنند، می‌خواهم که صحبت کنند و نظراتشان را بگویند.

شایان: آینده‌نگری محقق نمی‌شود مگر با آینده‌پژوهی

شهرام شفيعی، سردبیر و ویراستار مجله رشد دانش آموز: این مجوز را تاریخ ادبیات به ما داده، ولی در هر دوره‌ای، محاوره آن عصر، آنچنان که بوده در ادبیات رسمی انعکاس پیدا کرده است. ما محاوره را حتی در شعر حافظ هم می‌بینیم. ناگهان پرده برانداخته‌ای یعنی چه مست از خانه برون تاخته‌ای یعنی چه

این مجوز محصول ادبیات مدرن نیست، محصول ورود ادبیات داستانی به شکل امروزی هم نیست، ولی ادبیات داستانی که مقتبس از فرهنگ غرب است و در ایران با جمال‌زاده و هدایت آغاز می‌شود، به دلیل ماهیتش، علقه بیشتری به محاوره دارد. به دلیل حضور افراد کوچه و بازار در این نوع ادبی است و در این نگاه جدید نقش انسان در ادبیات عینت‌گراتر می‌شود.

ادبیات داستانی به این دلیل که عینیت‌گراتر می‌شود و وارد زندگی شخصی و خصوصی انسان وارد می‌شود و تابلوهای ادبیات کلاسیک را می‌شکند، به همین مقدار به محاوره بین افراد و محاوره درونی انسان می‌پردازد. بنابراین، من فکر می‌کنم این مجوز صادر نشده، بلکه در جوهره پیشرفت و تطور ادبیات وجود دارد. در دنیای مجازی، زبان دیگری در حال شکل‌گیری است. تمام کاربران وایبر به نوعی نویسنده هستند و اگر فرهنگ‌سازی شود و جشنواره‌هایی برگزار شود می‌توان از این ماجرا استفاده کرد.

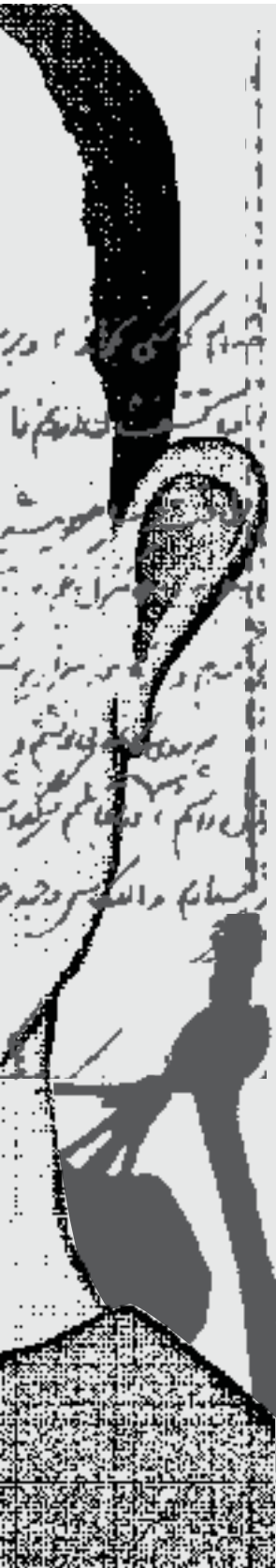
طباطبایی: بخشی از برنامه‌ریزی زبانی در همه جای دنیا توسط نویسندگان صورت می‌گیرد. نویسندگان و ویراستاران برنامه‌ریزی زبانی می‌کنند.

شفيعی: اگر منظور از محاوره شکستن کلمات باشد، شما یک کلمه در رشد دانش آموز پیدا نمی‌کنید که شکسته باشد. اما از نحو محاوره معیار استفاده می‌کنیم.

رانی: ما خیلی نباید از فینگلیش نگران باشیم. زبان

متولیانی دارد که حافظ آن هستند و شاخص ما باید آن‌ها باشد. مثال می‌زنم: امروزه در زبان انگلیسی به زبان فارسی همان فارسی، گفته می‌شود، در حالی که قبل از انقلاب به آن پرشین گفته می‌شد. یادم می‌آید که در سال ۱۳۷۲ چند مقاله منتشر شد که در آن‌ها سؤال شده بود چرا به جای کلمه «Persian» کلمه فارسی «Farsi» را وارد کتاب‌های درسی کرده‌اید؟ و گفته بودند کلمه فارسی صورت عامیانه کلمه پرشین است. من وقتی این مقاله را خواندم، نامه‌ای به فرهنگستان زبان نوشتم و این اشکالات را گوشزد کردم، ولی در عمل اتفاقی نیفتاد و به مرور زمان کلمه فارسی به جای پرشین در زبان انگلیسی جا افتاد. این دلیلی است بر این که کلمات جای خود را باز می‌کنند. نکته بعد این که در نوشتار تعدادی کلمات هست که خیلی کلیشه شده است. برای مثال، توسط، ارائه، مخاطب، عدم و ... ارائه معنای محدودی دارد، ولی بجا و بیجا به کار می‌رود. کلمه مخاطب هم همین‌طور شده است؛ یعنی به جای بیننده، شنونده، مشتری و ... مخاطب می‌گذارند یا می‌گویند. به این سهل‌انگاری در کاربرد کلمات باید توجه کرد، چون افراط در آن زیبایی صورت زبان را از بین می‌برد. ضمناً این را هم عرض کنم که در کلاس‌های ویراستاری یا مقالات مختلف گفته می‌شود یک کلمه را به کار ببرید و یک کلمه را به کار نبرید. این کار درستی است، چون به ذهن ویراستاران مبتدی متبادر می‌شود که آن کلمه غلط است. برای مثال، اصراری نباید داشت که مثلاً «گشت» را کلاً حذف کنیم و فقط «شد» را بگذاریم. این‌ها زبان را یک شکل می‌کند و نشر درجه سوم تحویل می‌دهد.

فریبرز بیات: سردبیر مجله رشد آموزش علوم اجتماعی: من ابتدای صحبت دیدم زبان معیار گونه‌بندی سه‌تایی شد، یعنی زبان معیار علمی، زبان معیار مطبوعاتی و زبان معیار ادبی.



شفیعی: ما از مولانا می‌شنویم «مفتعلن مفتعلن مفتعلن کشت مرا» و از حافظ می‌شنویم که «مباحثی که در آن مجلس جنون می‌رفت، و رای مسئله و قیل و قال مدرسه بود». زبان با این دیدگاه یک امر فرا ویرایشی است. همیشه صنف‌ها به‌عنوان افرادی که تخصصی روی یک موضوع کار می‌کنند، در برابر آسیب تعصب هم قرار دارند. صنف ویراستاران هم از این آسیب بری نیستند. روح کار خیلی و رای این قضیه است. زبان یک موجود زنده است و زندگی می‌کند و آنچه که از طریق زبان اتفاق می‌افتد یا جذاب‌تر بوده و یا ساده‌تر بوده است. از آن طرف ماجرای ویرایش و اصلاحات را نمی‌توانیم نادیده بگیریم. بر این اساس، به قول آقای ربانی، سرآمدان باید بنویسند و تولید کنند و به جامعه معیار دهند. ما نمی‌توانیم معیار را تثویزه کنیم. ما باید سعدی را داشته باشیم و سعدی‌های امروز را داشته باشیم که تولید کنند.

طباطبایی: شاید مقولهٔ زبان از آن مقوله‌هایی است که هر کس حرفی در آن دارد و شاید حرف همه هم درست باشد. زبان یک ارگانیزم نظام‌مند، پویا و متحول است و قطعاً ضوابط دیگری هم دارد که از دید ما پنهان است. به تعداد افرادی که در این جلسه هستند نگاه نسبت به زبان وجود دارد و نگاه همه هم درست است. زبان مطبوعات صرفاً نه آن چیزی است که دکتر صادقی می‌گویند، نه چیزی است که آقای بیات می‌گویند و نه آن چیزی که آقای شفیی می‌گوید یا من می‌گویم. همهٔ ما این فیل را در تاریکی لمس می‌کنیم و بخشی از آن را درک می‌کنیم. در این میان، ویراستار قدری تجویز هم می‌کند. فقط امیدواریم همه به این سمت برویم که همه چیز را با نگاه جامع‌تری ببینیم.

تعریفی که دکتر علی‌اشرف صادقی دربارهٔ زبان معیار مطبوعاتی آورده بود، در واقع همه آسیب‌های زبان مطبوعاتی بود، نه تعریف آن، ولی در بحث‌های دوستان معلوم شد که به نظر می‌رسد زبان معیار مطبوعاتی با زبان معیار علمی متفاوت است و در صحبت آقای کرام‌الدینی هم بود. به نظر می‌رسد در زبان مطبوعاتی ما تعهد به مخاطب بیشتر است و به دنبال برقراری ارتباط هستیم تا رعایت قواعد دستور زبان. دکتر صادقی چون از آن جایگاه بلند شده، طبیعی است که رعایت قواعد برایش خیلی مهم‌تر است، اما این‌جا مطبوعات و رسانه‌ها برقراری ارتباط با مخاطب را مقدم قرار می‌دهند و بعضی اوقات ممکن است آن قاعده را بشکنند.

من فکر می‌کنم ما بیشتر یک رسانه هستیم. مجلات ما خیلی علمی - تخصصی نیستند و علمی - ترویجی هم عنوان نشده‌اند. اگر قرار است ما با کتاب درسی متفاوت باشیم، کتاب درسی زبان قاعده‌مندی دارد و همان باعث می‌شود در ارتباط با مخاطب کم بیاورد، چون مجبور است در قواعد و ساختارهای زبانی بماند. ما در مجلات می‌توانیم از این قواعد عبور کنیم تا راحت‌تر حرف بزنیم و به همین دلیل شاید به زبان گفتار کمی نزدیک‌تر شویم و شاید کلمات با بار عاطفی انتخاب شوند تا بهتر منظورمان را بیان کنیم. انتظار من این بود که بیشتر روی زبان معیار مطبوعاتی بحث کنیم. ما باید بتوانیم برای زبان رسانه‌ای معیار قواعد خاصی تعریف کنیم و آن را در قالب زبان تخصصی علمی ببریم.

به کتاب آقای علی صلح‌جو اشاره کردند. اتفاقاً ما ایشان را به دفتر دعوت کردیم و همین بحث‌ها را با ایشان داشتیم. من در آخر صحبت‌هایشان سؤالی مطرح کردم که بالاخره قاعده چیست؟ ما باید به دستور زبان متعهد باشیم یا به ارتباط با مخاطب. ایشان گفتند دستور جذب مخاطب است. دستور هم به معنای فرمان و هم به معنای دستور زبان.



مدل‌های تلفیق و توسعه مجلات رشد

فریبرز بیات

سر دبیر مجله رشد آموزش علوم اجتماعی



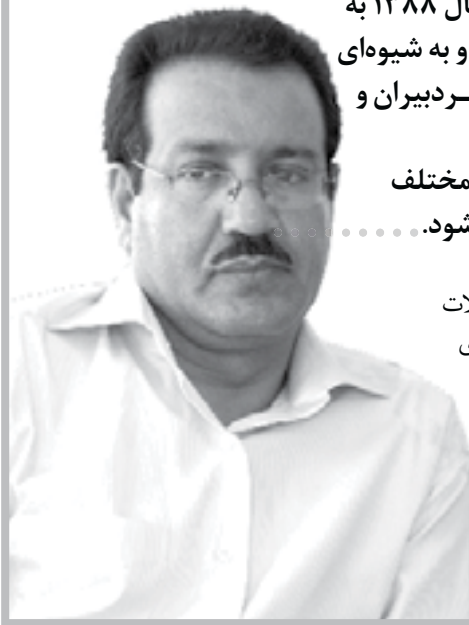
مقاله



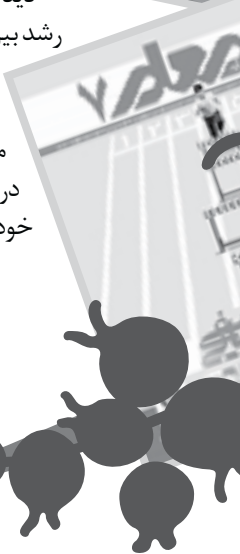
اشاره

موضوع ادغام، ترکیب، تلفیق یا تفکیک و توسعه مجلات عمومی بزرگسال رشد، شامل رشد معلم، رشد تکنولوژی آموزشی، رشد مدرسه فردا و رشد آموزش ابتدایی، از مدت‌ها قبل در «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. این بحث‌ها در سال ۱۳۸۸ به شکل‌گیری پژوهشی منجر شد که طی آن مسئله از ابعاد مختلف و به شیوه‌ای علمی و روشمند با نمونه‌ای از ۳۲ نفر از مدیران کل، معاونان، سردبیران و کارشناسان دفتر و سازمان بررسی شد.

حاصل فرا تحلیل یافته‌های این پژوهش و نیز جلسات کارشناسی مختلف دفتر در این زمینه، مدلی تحلیلی است که در این مقاله تشریح می‌شود.



دیدگاه‌های متفاوتی در زمینه تلفیق و ترکیب یا توسعه و گسترش مجلات رشد بین کارشناسان آموزشی، فرهنگی و رسانه‌ای وجود دارد. برخی دیدگاه‌های موافق و مساعد تلفیق و تجمیع است و برخی نه تنها مخالف تلفیق و ادغام هستند، بلکه برعکس از توسعه و گسترش مجلات دفاع می‌کنند. هر یک از این دیدگاه‌ها ضمن آنکه دلایلی برای صحت و درستی نظر خود دارند، راهبردها و راهکارهایی را نیز برای تحقق نظر خود مطرح می‌کنند که در ادامه تشریح می‌شود.



الف) رویکردهای مساعد ادغام

جمعی از کارشناسان با استناد به دلایل و استدلال‌های زیر بر ادغام و تلفیق مجلات عمومی بزرگ‌سال رشد تأکید می‌کنند:

❖ **فقدان مرزبندی موضوعی و محتوایی:** برخی از کارشناسان بر این باورند که مجلات عمومی رشد مرزبندی موضوعی و محتوایی مشخص و تفکیک شده‌ای نسبت به یکدیگر ندارند و با به تعبیر دیگر از نظر موضوعی متداخل هستند و نقاط اشتراک آن‌ها بسیار بیشتر از نقاط تفکیک و تمایزشان است. البته این موضوع ریشه تاریخی نیز دارد، چون اکثر این مجلات از دل مجله «رشد معلم» بیرون آمده و در واقع هر یک سرفصل‌های موضوعی از یک مجله واحد بوده‌اند. جالب‌تر اینجاست، اکنون که این مجلات از «رشد معلم» منفک شده‌اند، به نظر می‌رسد خود «رشد معلم» هویت کاملاً روشنی ندارد. در مورد مجلات دیگر نیز وضع به همین ترتیب است، مثلاً مرز بین «رشد تکنولوژی آموزشی» با «رشد مدرسه فردا» از نظر محتوا و موضوع بسیار شکننده است. همچنین، این دو مجله در برخی زمینه‌های موضوعی با «رشد معلم» اشتراک و هم‌پوشانی قابل توجهی دارند. به‌طور کلی این گروه از مجلات در موضوعاتی چون روش تدریس، کلاس‌داری و مدیریت کلاس، برنامه‌ریزی آموزشی، روش‌های آزمون و ارزشیابی، چگونگی بهره‌مندی از فناوری‌های نو و فناوری آموزشی اشتراکات قابل توجهی با یکدیگر دارند.

❖ **نامشخص بودن مخاطب:** برخی از مجلات عمومی رشد گروه هدف یا مخاطب مشخص و منحصر به فردی ندارند. مثلاً مخاطبان مجله «رشد معلم» می‌توانند همه گروه‌های معلمان دوره‌های تحصیلی متفاوت و نیز کارشناسان آموزشی، مدیران و معاونان مدارس باشند، یا مخاطب مجلات «رشد تکنولوژی آموزشی» و «رشد مدرسه فردا» می‌تواند معلم،

مدیر یا کارشناس آموزشی باشد. چنانچه بیشتر مدیران مدارس را از معلمان بدانیم، بسیاری از معلمان نیز می‌توانند مخاطب این دو مجله باشند. یا برعکس بسیاری از مدیران فعلی که خود معلم هستند می‌توانند مخاطب سایر مجلات عمومی رشد باشند. این همه در حالی است که یک معلم، مدیر یا کارشناس امکان تهیه یا فرصت مطالعه یک مجله بیشتر را ندارد.

❖ **تحلیل هزینه - فایده:** مجلات عمومی بزرگ‌سال رشد به دلیل فقدان آگهی از یک‌سو و قیمت پایین از سوی دیگر، عموماً با یارانه قابل توجه به دست مخاطبان می‌رسند. بخشی از این یارانه از محل درآمد نشریات دانش‌آموزی رشد (کودک، نوآموز و دانش‌آموز) تأمین می‌شود. اما این وضع قابل دوام نیست و به‌ویژه در شرایط کنونی، با توجه به افزایش قیمت کاغذ و

در شرایط دشوار اقتصادی، اولین کالایی که از سبد مصرف خانوار حذف می‌شود، کالای فرهنگی است

بحرانی شدن آن و تنگناها و مشکلات اقتصادی دولت، باید تصمیمی واقع‌بینانه و منطبق با مقتضیات زمان اتخاذ کرد. اما تحلیل هزینه - فایده از منظر سازمان تولیدکننده مجلات و دفتر و سازمان تنها یک طرف مسئله است. چنین تحلیلی از سوی مخاطبان مجلات نیز باید مورد توجه قرار گیرد. در شرایط دشوار اقتصادی، اولین کالایی که از سبد مصرف خانوار حذف می‌شود، کالای فرهنگی است. مخاطبان مجلات عمومی رشد، اگر از انگیزه فرهنگی بالایی برخوردار و شوق دانستن داشته باشند، حداقل می‌توانند تنها یک مجله را تهیه کنند و چه بهتر که چنین مجله‌ای از جامعیت محتوایی برخوردار باشد و بتواند همه نیازهای فرهنگی - آموزشی آن‌ها را تأمین کند.

راهبردهای ادغام

دیدگاه‌های حمایت‌کننده از ادغام با توجه به رویکردهای سه‌گانه فوق راهبردهای متفاوتی را برای ادغام مجلات پیشنهاد می‌کنند که برخی کلان و برخی جزئی و به منزله راهکار تلقی می‌شوند.

کلان

۱. ترکیب در بالا - تفکیک در پائین: این راهبرد بیشتر ناظر بر سیاست کلی دفتر نسبت مجموع مجلات رشد اعم از دانش‌آموزی، عمومی بزرگسال و تخصصی است.

براساس این راهبرد دفتر در نشریات دانش‌آموزی و به‌ویژه در دوره ابتدایی باید به سمت تفکیک نشریات برحسب پایه‌های تحصیلی حرکت کند. اما در نشریات عمومی بزرگسال و نشریات تخصصی و موضوعی تلفیق یا ادغام را مد نظر قرار دهد. اساس این راهبرد بر اهمیت آموزش‌های اولیه پیش‌دبستان و ابتدایی به تفکیک سن است. از سوی دیگر در گروه مخاطبان بزرگسال و معلمان با توجه به رویکرد تلفیقی مورد توجه برنامه‌ریزان درسی و نیز تئوری‌های ترکیبی دانش، تلفیق موضوعی و ارائه مواد مختلف آموزشی از جمله مجلات براساس یک تم موضوعی واحد می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

۲. ترکیب موضوعی و کلی: در این راهبرد همه مجلات عمومی بزرگسال رشد قابل ادغام و تلفیق در یک مجله هستند، منتها با دو مدل:

● **مدل اول:** در این مدل که برگرفته از نشریه «رهبری آموزشی» یا «Educational leadership» است، در هر شماره به یک تم موضوعی واحد که مسئله و نیاز مشترک همه گروه‌های معلمان، مدیران و کارشناسان آموزشی است، پرداخته می‌شود؛ مثلاً روش تدریس، مدیریت کلاس، نحوه تعامل با دانش‌آموزان و...

● **مدل دوم:** بر اساس این مدل که نسخه داخلی آن در بسیاری از دانشکده‌ها و مراکز علمی و آکادمیک دیده می‌شود، یک مجله ترکیبی است از پرونده اصلی و سرفصل‌های موضوعی مجزا و مربوط به هر گروه یا دپارتمان

۳. **نسخه الکترونیکی و آنلاین:** در این راهبرد اصولاً به جای نسخه چاپی بر نسخه آنلاین تحت وب تأکید می‌شود. نسخه الکترونیکی گذشته از آنکه به صرفه است و از بسیاری از هزینه‌ها می‌کاهد، امکان روزآمدی و تازگی و طراوت مجلات را فراهم می‌کند و از بسیاری محدودیت‌های چاپی نیز مبرا است.

خرد

۱. **دو نشریه:** در این مدل مجلات عمومی بزرگسال رشد در قالب دو نشریه برای دو دوره تحصیلی ابتدایی و متوسطه تلفیق و ادغام می‌شوند. با توجه به اهمیت ویژه دوره ابتدایی به عنوان پایه آموزشی دوره‌های بعدی و اهداف خاص آن از یک سو، و نیز گروه مخاطبان مشخص و متمایز و گستردگی آن‌ها از سوی دیگر، ضروری است مجله رشد آموزش ابتدایی برای معلمان پایه‌های اول تا ششم این دوره منتشر شود.

اما در دوره متوسطه هم اکنون سه مجله عمومی در مجموعه رشد منتشر می‌شود که هریک پاسخ‌گوی بخشی از نیازهای معلمان این دوره هستند: رشد معلم، رشد تکنولوژی آموزشی و رشد مدرسه فردا. مشترک بودن مخاطبان این سه مجله در کنار اشتراک و هم‌پوشانی‌های محتوایی از یک سو و محدودیت‌های فرصتی و اقتصادی معلمان این دوره برای بهره‌مندی و استفاده از سه مجله مذکور از سوی دیگر، ضرورت ادغام و تلفیق آن‌ها را در قالب یک مجله ایجاب می‌کند.

۲. **سه نشریه:** سه نشریه را نیز می‌توان در قالب دو مدل سازمان‌دهی کرد:

● **مدل اول:** در این مدل به تناسب نظام آموزشی ۳-۶-۳ نشریات عمومی بزرگسال رشد به سه نشریه رشد آموزش ابتدایی، رشد متوسطه اول و رشد متوسطه دوم تبدیل می‌شوند. با این توضیح که رشد آموزش ابتدایی با کیفیت بخشی به محتوا تلاش خواهد کرد، مسائل و موضوعات پایه ششم را نیز پوشش دهد. مجله رشد آموزش راهنمایی با تغییر رویکرد و متناسب با اهداف برنامه‌های این دوره به رشد متوسطه اول و رشد معلم نیز با هویتی جدید

مهم‌ترین استدلال موافقان ادغام را بحث ضرورت کوچک‌سازی دولت و جلب مشارکت مردم و فرهنگیان و نیز تنگناهای اقتصادی و ملی می‌دانند

به رشد متوسطه دوم تبدیل خواهد شد. موضوعات مشترک مدیریتی، فناوری آموزشی و ICT نیز در هر سه نشریه به فراخور گروه مخاطبان مطرح می‌شود.

● **مدل دوم:** در این مدل از سه نشریه، یک نشریه ابتدایی و یک نشریه متوسطه وجود خواهد داشت، اما مجله معلم به یک ماهنامه تئوریک که مسائل کلان آموزش و پرورش چون نیروی انسانی، تربیت معلم، بودجه و ساختار را پوشش می‌دهد، تبدیل خواهد شد. مدلی نزدیک به «ماهنامه آموزش و پرورش» در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی منتها با عمق و غنای محتوایی بیشتر.

۳. **چهار نشریه:** در این مدل سه نشریه آموزش ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم با ترکیب مدل قبل وجود خواهد داشت و تنها دو نشریه رشد تکنولوژی آموزشی و رشد مدرسه فردا که عموماً مخاطبان و حوزه موضوعی و محتوایی مشترکی دارند، با هم در قالب یک نشریه تلفیق خواهند شد که به مباحث آموزش و پرورش در فضای مجازی می‌پردازد.

ب) رویکردهای نامساعد ادغام

مخالفان ادغام و تلفیق مجلات به سه دسته تقسیم می‌شوند: برخی به‌طور کلی با هر نوع ادغام مخالف هستند و وضع موجود را مطلوب می‌دانند. گروهی دیگر با ادغام جزئی به‌ویژه با توجه به دوره‌های تحصیلی موافق هستند و گروه سوم نه‌تنها با ادغام مخالفانند، بلکه معتقدند عنوان‌ها و تعداد مجلات باید به تناسب رشته‌ها و درس‌های جدید و نیازهای روز توسعه نیز پیدا کند. اما دلایل هر سه دسته در مخالفت با ادغام مجلات با اندکی تفاوت در شدت و ضعف به قرار زیر است:

۱. **منحصر به فرد بودن برخی مجلات:** این دیدگاه معتقد است، برخی مجلات در حیطه موضوعی و نیز مخاطبان منحصر به فرد هستند و معادلی بین نشریات موجود در جامعه ندارند. لذا حفظ چنین نشریاتی به بسط و توسعه دانش و مهارت معلمان کمک شایان توجهی می‌کند. برای مثال، رشد آموزش ابتدایی که ویژه معلمان و مباحث و موضوعات آن مقطع خاص است، معادلی در بیرون ندارد و دارای چنین نقشی است.

۲. **مزیت امتیاز نشریات:** گروهی دیگر معتقدند داشتن امتیاز انتشار نشریات مختلف از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - در شرایطی که بیش از ۳ هزار متقاضی سال‌هاست در نوبت اخذ مجوز نشریه هستند - یک مزیت بزرگ است و سازمان و دفتر از چنین امتیاز و مزیتی نباید خود را محروم کند.

۳. **شمارگان نسبی قابل توجه:** گروهی بر این باورند که شمارگان ۴۵ تا ۵۰ هزار نسخه به‌طور میانگین برای هر شماره از مجلات عمومی - در شرایطی که چند روزنامه با شمارگان ۱۰ تا ۱۵ هزار نسخه منتشر می‌شوند - شمارگان مناسب و قابل قبولی است که نباید از آن گذشت و خوانندگان، معلمان و مخاطبان این نشریات را از چنین خوراک فکری محروم کرد.

۴. **عدم توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات:** گروهی دیگر معتقدند، با توجه به عدم توسعه زیرساخت‌های فناوری ارتباطات و اطلاعات در کشور، در سطح آموزش و پرورش و مدارس، امکان حذف نسخه چاپی نشریات موجود و ارائه آن‌ها به‌صورت الکترونیکی و یا تحت وب وجود ندارد و حتی در صورت انجام این کار از سوی سازمان، با توجه به همه‌گیر نشدن این فناوری در همه مناطق کشور، سرعت پایین اینترنت، ماهر نبودن کاربران و نیز عدم میل و رغبت آن‌ها به نسخه مجازی، امکان استفاده و بهره‌برداری از چنین نشریاتی بسیار محدود خواهد بود.

۵. **مشکلات ادغام:** مسائل و مشکلات بعدی ناشی از ادغام، از نظر چگونگی سازمان‌دهی محتوای متکثر در قالبی واحد، چگونگی سازمان‌تولید و تیم تحریریه و نیز عدم پوشش همه مخاطبان و اجباراً از دست رفتن بخشی از آن‌ها، از جمله مسائلی هستند که از این دیدگاه ادغام را مشکل می‌کنند.

راهنمای عدم ادغام

این گروه در مجموع با وجود مخالفت با ادغام کل نشریات، ادغام جزئی و نیز انجام اصلاحات کلی در مورد خط‌مشی برخی مجلات را ضروری می‌داند. به‌طور کلی راهنمای این گروه را چنین می‌توان فهرست کرد:

● **حفظ وضع موجود:** این دیدگاه تعداد عنوان‌های نشریات موجود را مطلوب می‌داند و معتقد است باید برای

حفظ آن کوشید.

❁ **توسعه نشریات عمومی بزرگسال:** برخی معتقدند، با توجه به نیاز خانواده‌ها باید «رشد خانواده» و یا مجلات دیگری چون «رشد مربی تربیتی» و «رشد عربی» را نیز به مجموعه نشریات عمومی بزرگسال رشد افزود.

❁ **اصلاح وضع موجود:** برخی معتقدند، با توجه به تغییر نظام به ۳-۶، یکی از نشریات رشد باید به ضرورت تغییر ماهیت دهد و دوره متوسطه اول را پوشش دهد. رشد معلم هم مخاطبان دوره متوسطه دوم را پوشش دهد. برخی از این گروه همچنین ادغام و ترکیب رشد تکنولوژی آموزشی و رشد مدرسه فردا را در قالب یک نشریه با تأکید بر آموزش مجازی پیشنهاد می‌کنند.

❁ **برون‌سپاری:** گروهی دیگر از آنجا که مهم‌ترین استدلال موافقان ادغام را بحث ضرورت کوچک‌سازی دولت و جلب مشارکت مردم و فرهنگیان و نیز تنگناهای اقتصادی و ملی می‌دانند، معتقدند برای رهایی از این مشکلات دفتر باید رویکرد «مدیریت به‌جای تولید» را مدنظر قرار دهد و بر همین اساس با حفظ تنوع موجود، نشریات را به انجمن‌های علمی و فرهنگی معلمان و کارشناسان آموزش و پرورش در بیرون از دفتر بسپارد. چنین برون‌سپاری می‌تواند با حفظ امتیاز و نیز نظارت بر برنامه و محتوای مجله از سوی دفتر و سازمان صورت گیرد تا خط و مشی پشتیبانی مجلات از برنامه‌های آموزشی و تربیتی سازمان محفوظ بماند.

در همین گروه برخی به سپردن کامل نشریات به انجمن‌های علمی و فرهنگی معلمان باور دارند و معتقدند نشریات باید از سازوکار بازار فرهنگی پیروی کنند. در چنین رویکردی به‌طور طبیعی چنانچه تقاضا و نیازی در سطح جامعه احساس شود، مجلات باید پاسخ‌گوی آن باشند و چنانچه مجله‌ای تقاضا و مخاطب لازم را نداشته باشد، از گردونه خارج خواهد شد.

چه باید کرد؟

واقعیت‌های غیرقابل انکاری در استدلال‌های طرفداران و مخالفان رویکرد تلفیق مجلات رشد وجود دارد که به سادگی نمی‌توان از کنار آن گذشت. این واقعیات شامل فقدان

مرزبندی موضوعی بین گروهی از مجلات، عدم تفکیک و تمایز مخاطبین و محدودیت‌های فرصتی و اقتصادی معلمان برای خرید و مطالعه مجلات از یک سو و مزیت‌های امتیاز انتشار نشریات، شمارگان نسبی و قابل توجه و منحصر به فرد بودن برخی مجلات از سوی دیگر است.

قوت و قدرت مجموع این استدلال‌ها که برخی تلفیق را تجویز می‌کنند و برخی تفکیک را، امکان تصمیم‌گیری روشن و مشخص در مورد هر یک از این دو رویکرد را در شرایط فعلی دشوار می‌کند.

علاوه بر این تغییر و تحولات فضای رسانه‌ای کشور و فراهم شدن فرصت‌های بیشتر برای دسترسی مخاطبان و معلمان به منابع متنوع اطلاعاتی و آموزشی و نیز تغییر نیازها، علائق و نگرش‌های مخاطبان ایجاد می‌کند با انجام پژوهش‌های جدید در زمینه نیازسنجی از مخاطبان و امکان‌سنجی تلفیق یا تفکیک مجلات در شرایط آینده، موضوع بار دیگر مورد ارزیابی قرار گیرد. اما تا قبل از انجام چنین پژوهش‌هایی و نیز در شرایط موجود چه باید کرد؟

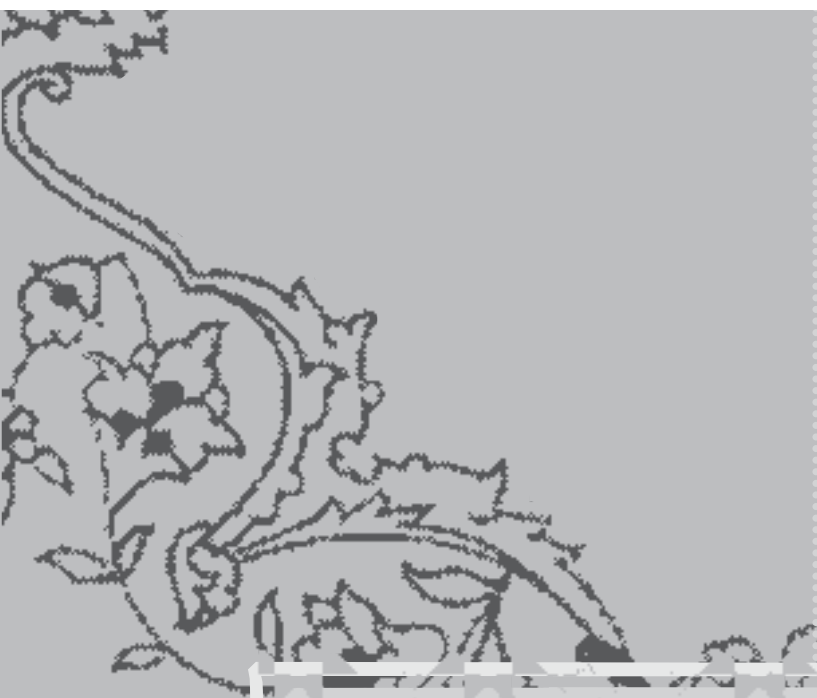
مجموعه موافقان و مخالفان تلفیق اتفاق نظر دارند که در این شرایط اصلاح مجلات اجتناب‌ناپذیر است و بدون انجام چنین اصلاحاتی وضع موجود مجلات عمومی بزرگسال رشد مطلوب و وافی به مقصود نیست. با توجه به این موضوع به نظر می‌رسد اصلاح وضع موجود مجلات رشد از پنج جهت اولویت دارد:

۱. اصلاح و بازنگری اهداف، رویکردها و حوزه‌های موضوعی؛
۲. اصلاح ساختار نیروی انسانی و جلب و جذب نیروهای مطبوعاتی حرفه‌ای در کنار کارشناسان آموزشی و معلمان؛

۳. اصلاح شیوه‌ها، قالب‌ها و زبان تولید محتوا؛

۴. باز تعریف مخاطبان و تفکیک و تمایز گروه‌های هدف مشخص برای مجلات؛

۵. اصلاح دوره انتشار، حجم و تعداد صفحات و نیز رنگ و کاغذ مجلات.



مخاطب سیال امروز راجدی بگیریم

گزارش نشست «دین و مجلات دانش آموزی رشد»
با حضور ناصر نادری

هم‌اندیشی



..... اشاره
بی‌تردید از مهم‌ترین دغدغه‌های مجلات
دانش‌آموزی رشد، پرداختن به مسئله «دین»
است. در نشست علمی - کاربردی «دین و مجلات
دانش‌آموزی رشد»، - که در تاریخ یکم تیرماه ۹۴
برگزار شد - ناصر نادری، ناظر محتوایی مجلات به
این موضوع پرداخت. سپس حاضران در نشست،
دیدگاه‌های خود را مطرح کردند. آنچه در پی می‌آید
گزارشی از این نشست است.

ناصر نادری: موضوع صحبت امروز، «دین و مجلات
دانش‌آموزی رشد» است که دغدغه همه ما در طول این چند
دهه بوده است. بخشی از صحبت من، جنبهٔ تئوری و نظری دارد
و در انتها شاید بتواند دستگیری عملیاتی نیز داشته باشد.
وقتی ما بحث دین و مجلات رشد را مطرح می‌کنیم، باید به
سه کلیدواژه مطرح بپردازیم: دین؛ مخاطب (بچه‌های خردسال
تا جوانان دورهٔ دبیرستان) و رسانه (مجله). باید واژه‌های دین،
مخاطب و رسانه را در منظومهٔ نظری خانوادهٔ مجلات رشد مرور
کنیم تا به نکات مفیدی برسیم. بهتر است به بهانهٔ بحث دین،

نگاهی به درون مایهٔ سندهای بالادستی از حیث مقولهٔ دین داشته
باشیم. واقعیت این است که دین مسئلهٔ بسیار مهم، پرمایه
و حساسی است و در این اسناد، به چتری می‌ماند که سایر
موضوعات را دربر گرفته است. در آموزش و پرورش «سطوح
هدف‌گذاری» وجود دارد. بالاترین سطح هدف‌گذاری، سطح
«هدف‌گایی» است. تعلیم و تربیت به دنبال آن است که «حیات
طبیعه» را که از دو عنصر ایمان و عمل صالح تشکیل می‌شود،

«روابط یا ساحت‌های انسان». انسان چهار رابطه با خود، خدا، خلق و هستی دارد. یکی از مزایای این اسناد بالادستی این است که با واژه‌ها و تعبیر قرآنی سرشته شده است. ما پنج عنصر داریم: تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق. دین مسئله مهم آموزش و پرورش است. هم از جهت هدف غایی، هم به لحاظ اهداف کلان و هم به لحاظ ساحت‌های تربیتی.

سؤال این است که مخاطبان ما چه بهره‌ای از دین خواهند برد؟ چه بخشی از دین برای کدام مخاطب و با چه زبانی باید ارائه شود. نکته اول این است که: دین چیست؟ یک وقت، ما دین را از منظر قرآن و منابع اصلی دین می‌بینیم. این نگاه «درون دینی» است. یک وقت ما از خارج به دین نگاه می‌کنیم که نگاه «برون دینی» است. شما اگر کتاب‌های معتبر حوزه اسلام‌شناسی، مثل کتاب‌های شهید مطهری و علامه طباطبایی را ببینید، دین سه بخش دارد: «اصول و اعتقادات؛ حوزه احکام عملی و جوهره و حقیقت دین که اخلاقیات» است. البته احکام و اخلاقیات از حوزه گرایش‌های عملی هستند و پایه نظری آن‌ها، اصول اعتقادی است.

فطرت، نوع خاصی از خلقت است که به «ذات انسان» اختصاص دارد. در انسان چندین گرایش فطری وجود دارد. کمال‌جویی که در پیدایش دین تبلور می‌یابد، حقیقت‌جویی که منشأ پیدایش علم و فلسفه است، نیکی‌طلبی که عامل پیدایش اخلاق است و زیبایی‌خواهی که عامل ظهور هنر است. این گرایش‌ها گرایش‌های فطری انسان هستند. بستر حوزه‌های دین‌شناسی در علوم اسلامی تبلور دارد. احکام عملی و فروع دین بحث فقه و اصول است. در بحث اخلاقیات هم حوزه اخلاق فردی و اجتماعی مطرح می‌شود.

نکته دیگر، بحث مخاطب است. ما وقتی حدود بیست سال پیش می‌خواستیم درباره بچه‌ها صحبت کنیم می‌گفتیم بچه را باید شناخت، هم دنیای فردی او را و هم تأثیرپذیری از هم‌سالانش را. اما الان این دو لایه در لایه سوم به نام رسانه

در زندگی انسان متبلور کند و تحقق آن با «رویکرد توحیدی فطرت‌گرا» امکان دارد. دو واژه کلیدی که در بحث فطرت‌شناسی، «توحید» و «فطرت» مطرح است. به تعبیری، فطرت، محور همه مباحث در تعلیم و تربیت انسان است.

سطح دوم، سطح «هدف‌های کلان» است. مهم‌ترین هدف کلانی که در سند آمده این است که دانش‌آموز باید معتقد به دین، مبدأ و معاد تربیت شود. بر اساس هدف‌های دوره، هر دانش‌آموز در طول تحصیل، چهار دوره را طی می‌کند. هدف‌های دوره ناظر بر این چهار دوره است. بر اساس هدف دوره گفته می‌شود که انسان ابعاد گوناگون وجودی دارد. مهم‌ترین ساحت تربیتی یا رشد دانش‌آموز، ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی است. این ساحت‌ها پایه‌ها و اصولی دارند. اولین اصلی که در طراحی هدف‌های دوره‌های تحصیلی آمده، اصل «هویت دینی» است؛ یعنی تحقق حیات طیبه با رویکرد توحیدی فطرت‌گرا و هدف‌های دوره بر اساس اصولی مانند اصل هویت دینی پایه‌ریزی شود.

در سند برنامه درسی ملی، در ساحت‌های تربیت، دو نکته را باید در نظر گرفت: یکی بحث «عناصر دین» و دیگری بحث



وقتی صفحات مجلات را مرور می‌کنیم، منصفانه بگوییم چند مورد را می‌توان بیشتر مد نظر داشت: قالب‌ها را متنوع‌تر کنیم، اگر افراد حرفه‌ای سراغ داریم فرصت بدهیم تا بیایند و تجربه کنند، تصویرسازی‌های حرفه‌ای داشته باشیم؛ موضوعات کاربردی را مطرح کنیم، تکراری نبودن موضوعات خیلی مهم است؛ مخاطب را به لحاظ فردی و روانی بشناسیم، از جامعه بومی، منطقه‌ای و جهانی شناخت پیدا کنیم.

وقتی ما در مجلات رشد مطلب دینی می‌نویسیم، چند مسئله مهم مطرح می‌شود: سن؛ جنسیت؛ رسیدن به سن تکلیف؛ مذهب؛ محتوای کتاب درسی از نظر تکراری نبودن؛ منابع و صحت سندیت.

تمام حرف من این است که مخاطب متغیر و سیال امروز را جدی ببینیم.

محبت‌الله همتی، ناظر محتوایی مجلات رشد: من چند تجربه را عرض می‌کنم. تجربه من در حوزه نشر کودک و نوجوان به من می‌گوید هر وقت ما کارهای دینی را با ساختار مناسب و حرفه‌ای و کتاب‌سازی جذاب عرضه کردیم، در جامعه ایران پرفروش بوده است. از طرف دیگر، یکی از آسیب‌های بزرگ کتاب‌های دینی در کشور ما «ساده‌انگاری» است. به این دلیل که کتاب‌های دینی در طول سال‌های مختلف از طریق نهادهای گوناگون حمایت شده‌اند. به عبارت دیگر، سطحی‌نگری و ساده‌انگاری آفت بزرگ کتاب‌های دینی شده است.

نکته بعد این که در حوزه دین، در مورد مضامینی که می‌توانیم به بچه‌ها بدهیم، نیازمند راهنمای برنامه‌درسی هستیم. خوشبختانه راهنمای تعلیم و تربیت دینی مصوب شورای عالی آموزش و پرورش موجود است و می‌تواند در انتخاب مضامین تا حدودی کمک کند.

نکته بعد این که رسانه ما مجله است و ابزار ما کلمه و تصویر؛ یعنی ما محدودیت‌هایی داریم. بنابراین باید قابلیت‌های این رسانه را بشناسیم.

بلعیده شده‌اند و تظاهر آن در نوع نگاه، ذائقه، گرایش و الگوی زندگی بچه‌ها و بزرگ‌تر دیده می‌شود. مخاطبان ما از کودک گرفته تا نوجوان و جوان، ضمن این که یک لایه فردی دارد، محیط و رسانه هم در او اثربخش است. ما در همین سند بحثی راجع به سطوح تربیتی داریم. بر این اساس، دوره‌های تحصیلی، چهار سطح تربیتی را شامل می‌شوند. سطح اول مربوط به احساس است. ما در مجله رشد کودک باید بیشتر حس دینی بچه‌ها را تقویت کنیم. در سنین مجله رشد نوآموز، بچه‌ها به خوبی گوش می‌دهند و یاد می‌گیرند و ما باید از این حس تقلید استفاده کنیم. ما در این سنین باید بچه‌ها را با آداب دین آشنا کنیم. در مجله رشد دانش‌آموز، دامنه ذهنی و روانی بچه عمیق‌تر می‌شود و سؤالاتی برایش پیش می‌آید که ساحت اندیشه را هم دربرمی‌گیرد. در نوجوانی (مجله رشد نوجوان)، احساس، اندیشه و رفتار دینی با هم توأم می‌شود و در مخاطب جوان (مجله رشد جوان) با شکل تکامل‌یافته پرسش‌ها روبه‌رو می‌شویم.

نکته آخر این که همه ما مجله تولید می‌کنیم و بسیاری از این الگوها و قالب‌های نوشتاری را داشته‌ایم و تجربه کرده‌ایم. یکی از قالب‌هایی که در سنین نوجوانی و جوانی، یعنی دوره پرسش، جلب توجه می‌کند، تشکیل میزگرد است. اینفوگراف از بخش‌هایی است که کمی از آن غفلت شده است، ولی باید توجه داشت که کاربردهای فراوان دارد. کمیک استریپ (قصه تصویری) هم قالبی است که می‌توان از آن برای کار و فعالیت انتخاب کرد.

به سؤال قبلی برمی‌گردم. چه مفهوم و حقیقتی از دین را برای کدام مخاطب و با چه قالب و زبان و تصویری باید بگوییم؟

نادری: دین مسئله بسیار مهم، پردامنه و حساسی است و در این اسناد، به چتری می‌ماند که سایر موضوعات را دربر گرفته است

علی اصغر

جعفریان، سردبیر

مجله رشد نوجوان:

احساس می‌کنم در این جلسات

بیشتر به مسائل کلی و وسیع می‌پردازیم و الان موضوع ما کامل مطرح شده است، ولی جوابی برای مسئله‌ای که داریم پیدا نکرده‌ایم. وظیفه سردبیران این است که درباره موضوع دین خلاقیت‌های خود را به کار ببرند، اما می‌توان درباره جزئیات هم فکر کرد و چیزهای جدیدی کشف کرد.

نکته دیگر این که بچه‌ها در حال حاضر نسبت به دین بسیار کم‌سواد و بیگانه هستند. در سنین پایین، اصلاً آموزشی در مورد دین به بچه‌ها داده نمی‌شود. به نظر من خیلی مهم است که ما در مجلاتمان از سنین پایین درباره این موضوع کار کنیم.

همتی: سطحی‌نگری و ساده‌انگاری آفت بزرگ کتاب‌های دینی شده است

جدول ۱

عنوان مجله	ویژگی خاص مخاطبان	حوزه‌های مفهومی	قالب‌های نوشتاری
رشد کودک	دوره تفکر دین شهودی	توحید/طبیعت/قرآن کریم	قصه/شعر/نیایش/بازی
رشد نوآموز	دوره تفکر دین شهودی/عینی رقیق	توحید/اخلاق فردی/تاریخ اسلام/احکام نماز/قرآن کریم	قصه/شعر/کمیک استریپ/اینفوگراف
رشد دانش‌آموز	دوره تفکر دین شهودی/عینی عمیق‌تر	توحید/اخلاق فردی و اجتماعی/تاریخ اسلام (نبوت و امامت)/متون دین (قرآن/نهج‌البلاغه/صحیفه سجادیه)	قصه/شعر/اینفوگراف/حکایت/مقاله کوتاه
رشد نوجوان	دوره تفکر دین شهودی/عینی/انتزاعی رقیق	توحید/اخلاق فردی و اجتماعی/ابهامات دینی/متون دینی/هویت مسلمانان و فرهنگ و تمدن اسلام (نبوت و امامت)	داستانک/اینفوگراف/شعر/حکایت/پرسش و پاسخ/میزگرد
رشد جوان	دوره تفکر دین شهودی/عینی/انتزاعی عمیق‌تر	توحید/اخلاق فردی و اجتماعی//ابهامات دینی/متون دینی/تجربه‌های دین در جهان/تاریخ اسلام (نبوت و امامت)	داستانک/میزگرد/اینفوگراف/پرسش و پاسخ/شعر

سپیده چمن‌آرا، سردبیر مجله رشد برهان متوسطه اول: درباره مخاطب گفته شد که در خردسال و کودک فقط احساس و رفتار غالب است و بعد اندیشه را به نوجوان مربوط دانستند. من فکر می‌کنم بچه‌ها از همان سنین ابتدایی به دنبال علت‌ها هم هستند و لازم است اگر چیزی تولید می‌کنیم به این جنبه هم توجه کنیم. یعنی باید سعی کنیم بخش اندیشه هم وجود داشته باشد.

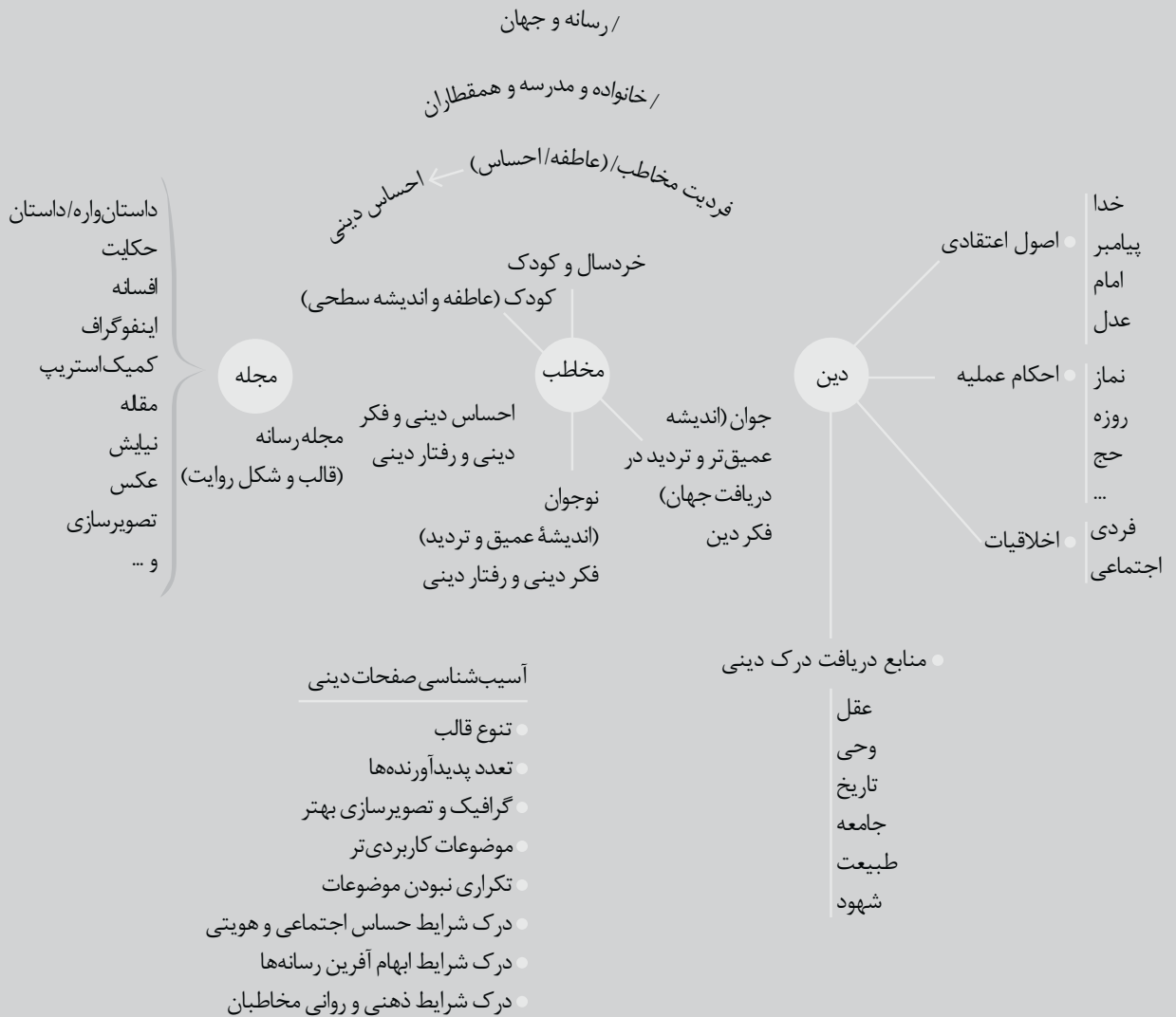
نادری: صحبت شما درست است. منظور من ترديد‌های دینی بود؛ وگرنه بشر از وقتی متولد می‌شود ادراک دارد.

افسانه موسوی گرمارودی، سردبیر مجله رشد نوآموز: ما در مجله فضای بسیار کمی برای پرداختن به هر چیزی داریم، نه فقط در حوزه دین. اصول عقاید مسئله‌ای است که ما باید به صورت مستقیم به آن بپردازیم. نکته‌ای که وجود دارد این است که ما در مجله فقط می‌توانیم ایجاد ذائقه کنیم و خیلی محدودیت داریم. برای ایجاد ذائقه در هر گروه سنی باید از نیاز آن گروه آگاهی داشته باشیم.

در مورد موضوع اقوام مذهبی که اشاره شد، مسئله حساس است.

محمدعلی قربانی، سردبیر مجله رشد جوان: شواهدی که در جامعه وجود دارد نشان می‌دهد ما در موضوع دین در جامعه ضعف داریم. شاید اگر ما خیلی چیزها را رها کنیم، خیلی بهتر باشد و طبیعت و سرشت بچه‌ها بهتر آن‌ها را هدایت کند. خیلی جاها تأثیر

سکوت بیشتر از گفتن است. از طرف دیگر، مادر مجله فرصتی برای صحبت دربارهٔ دین در مجله داریم و به نظر من باید تا جایی که می‌توانیم دین را در لایه‌های زیرین مطالب ببریم. **نادری:** من دو صفحه شامل طرح کلی بحث (شکل زیر) و



تحويل دل و جرات می خواهد!

گزارش هم‌اندیشی رؤسای
مناطق آموزش و پرورش شهر تهران با مجلات رشد



اشاره

دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی با هدف دریافت نظرات مدیرکل و رؤسای مناطق آموزش و پرورش شهر تهران، نشست هم‌اندیشی را در روز ۸ مرداد ۹۴ در مجتمع رشد تنکابن برگزار کرد. در این نشست یک‌روزه، پس از خیرمقدم گویی محمد ناصری، مدیرکل دفتر، مدیرکل آموزش و پرورش شهر تهران و رؤسای مناطق، نظرات و پیشنهادهای خود را ارائه کردند. آنچه در پی می‌آید، گزیده‌ای از سخنان رؤسای مناطق، مدیرکل آموزش و پرورش شهر تهران و حجت‌الاسلام دکتر محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است.

گزیده سخنان رؤسای مناطق

مدرسه شاد نداریم! §

یوسفعلی رضایی، رئیس آموزش و پرورش منطقه ۱۰: ما باید شور و نشاط را به مدارس بیاوریم. مدرسه شاد نداریم. شور و نشاط و حرکت در اثر ورزش، مطالعه، تحقیق، سرود، نمایش و مجموعه ورزشی ایجاد می‌شود. وقتی شور و نشاط و حرکت وجود ندارد، تفکر تعطیل می‌شود. انتظار ما این بود که فکری اساسی برای کتاب و کتاب‌خوانی شود. کتاب متولی می‌خواهد. اگر در مدارس کتابدار خوبی داشته باشیم،

این مجلات رشد را هم پوشش می‌دهد.

در ضمن، جایگاه پژوهش در آموزش و پرورش گم شده است. باید در دبیرستان دانش‌آموزی تربیت کنیم که عقل‌گرا و تحلیل‌گر باشد و پژوهش انجام دهد. کتاب‌های درسی به این سمت نمی‌روند.

رشد و توسعه یافتگی §

عادل خالقی ثمرین، رئیس آموزش و پرورش منطقه ۱۶: از نکات مثبت مجلات رشد، هم سابقه و هم شمارگان

حسین طالبزاده



پری سیما سادات ماجدی



نقش گروه‌های آموزشی و انجمن‌های اولیا و مربیان و رسانه را نادیده بگیریم. ما باید توضیح دهیم که آموزش و پرورش برای سند تحول چه کارهایی می‌خواهد انجام دهد.

ما می‌توانیم «ضمیمه استانی» هم داشته باشیم. این کار، علاوه بر این که نیرو تربیت می‌کند، باعث می‌شود فرهنگیان و دانش‌آموزان ترغیب شوند مطالب خودشان را هم در ضمایم ببینند. اگر روی این موضوع کار شود، جذابیت مجلات افزایش خواهد یافت.

اعتبارسنجی از مجلات

پری سیما سادات ماجدی، رئیس آموزش و پرورش منطقه ۳: آیا اعتبارسنجی شده که مجلات سود و منفعتی برای نظام آموزش کشور ما دارد یا نه؟ همچنین، آیا تحقیقی

۴۰ میلیونی آن است. در حالی که فضای مجازی در حال گسترش است، اما در دنیا سرانۀ مطالعه واقعی پارامتر رشد و توسعه‌یافتگی محسوب می‌شود.

ما باید در فضای مجازی حضور مؤثری داشته باشیم و نویسندگان مجلات را متنوع کنیم تا در نهایت، کار به جایی برسد که با اشتیاق مطالب را دنبال کند. این موضوع قطعاً با برنامه‌ریزی امکان‌پذیر است.

ضرورت آگاهی از محتوای برنامه درسی ملی

حسین طالبزاده، رئیس آموزش و پرورش منطقه ۲: در شرایطی که ما باید بتوانیم برنامه سند تحول را اجرایی کنیم، محتوای کتاب‌های درسی به سمت مهارت‌ورزی پیش می‌روند. در حالی که اولیا از این امر آگاهی ندارند. ما نباید







مجلات رشد برگزار کند؟ کدام یک از کتاب‌های کمک‌درسی به اندازه مجلات رشد حامی دانش‌آموز و معلم است؟ این موارد باید آسیب‌شناسی شود. پیوند آموزش‌های ضمن خدمت با مجلات رشد بازنگری شود و فراخوانی برای بانک اطلاعات نویسندگان داده شود. در مناطق معلمانی هستند که در تمام مؤسسات و انتشارات‌ها و مراکز خصوصی اهل فکر و قلم هستند، اما در آموزش و پرورش مهجورند. کمتر میدان و عرصه‌ای برای نیروهای جدید که اهل قلم هستند باز شده است.

علمی صورت گرفته است که بگوید چرا این مجلات به دست برخی دانش‌آموزان نمی‌رسد؟ اگر بتوانیم در این مورد تحقیق کنیم، می‌توانیم به آسیب‌شناسی بپردازیم و مشکلات را به حداقل برسانیم.

از شناوری به شناگری%

غلامی، مشاور معاون آموزش ابتدایی شهر تهران: کلیدواژه بحث رشد، بحث آموزش است. ما باید برای معلمانمان به معنای واقعی هزینه کنیم تا توجه به مجلات رشد افزایش پیدا کند. ما در آموزش معلمان خلأ جدی داریم. تا از شناوری به شناگری نرسیم، تولید خوبی نخواهیم داشت.

بحث آمایش سرزمین در سند تحول، و در نهایت، مدرسه مطلوب قرن بیست‌ویکم، یکی از آرزوهای همه ماست.

نقش مجلات رشد در اسناد تحولی%

سیداحمد موسوی، رئیس آموزش و پرورش منطقه ۱۹: نقش مجلات رشد در تبیین اسناد تحولی آموزش و پرورش یا کم‌رنگ است و یا به خوبی تبیین نشده است. مطالبی که در مجلات منتشر می‌شوند، بسیار ارزشمندند، ولی چرا دیده نمی‌شوند؟ آیا شبکه آموزش صدا و سیما آن‌قدر ظرفیت ندارد که نشست‌هایی در راستای معرفی

برنامه درسی، قلب نظام آموزشی است%

سخنان اسفندیار چهاربند، مدیر کل آموزش و پرورش شهر تهران

برنامه درسی قلب نظام آموزشی است و بقیه نظام‌ها باید خودشان را با برنامه درسی هماهنگ کنند. اگر ما معتقدیم که انسان محور توسعه است و تربیت محور توسعه انسان، پس برنامه درسی محور تربیت است. در حوزه برنامه درسی بحث‌های متنوعی وجود دارد. در حوزه مواد و منابع آموزشی باید ببینیم که چطور می‌توانیم از این فرصت برای رسیدن به هدف «صیانت از برنامه درسی» استفاده کنیم و بر

چهاربند: مجلات رشد یکی از ساز و کارهای صیانت از برنامه درسی هستند؛ از طریق پاسخ به برخی از نیازهایی که شاید در زمان و قالب و محتوایی که از مواد آموزشی درسی تولید می‌شوند و پاسخ داده نمی‌شوند



آسیب می‌رسانند.

مجلات رشد یکی از ساز و کارهای صیانت از برنامه درسی هستند؛ از طریق پاسخ به برخی از نیازهایی که شاید در زمان و قالب و محتوایی که از مواد آموزشی درسی تولید می‌شوند و پاسخ داده نمی‌شوند. با توجه به تیراژ بالا و گستره جغرافیایی توزیع، مجلات رشد می‌توانند بخشی از مأموریت صیانت از برنامه درسی را به عهده بگیرد. این که تا به امروز چقدر موفق بوده‌اند، حتماً پژوهش و مطالعه شده است. چه کارهای دیگری باید انجام شود؟

هرچه عرصه پشتیبانی از برنامه درسی از طریق ابزارهایی مثل مجلات رشد ضعیف شود، حتماً رقبایی که در بازار فعالیت می‌کنند و بقیه عوامل تهدید، قوت می‌گیرند و اثربخشی برنامه درسی را کم می‌کنند. ما باید این نگاه را در

تهدیدهایی که برنامه درسی را احاطه کرده است غلبه کنیم. برنامه درسی از ناحیه معلم، مؤسسات و ناشران و سنجش و پذیرش دانشجو تهدید می‌شود. اگر مراقب نباشیم، هر کدام از این‌ها می‌توانند آسیبی جدی برای برنامه درسی محسوب شوند. اگر ما به این اکتفا کنیم که یک برنامه درسی ملی تولید می‌کنیم و آن را اشاعه می‌دهیم و از این تهدیدها غفلت کنیم، به تدریج شاهد استحاله برنامه درسی خواهیم شد.

اگر تولیدکننده اصلی برنامه درسی، به موازات تولید برنامه درسی، تمهیداتی برای صیانت از آن نداشته باشد، تهدیدها حتماً تأثیر منفی می‌گذارند و برنامه درسی را کم اثر می‌کنند. همه زیرنظام‌ها باید به دنبال فراهم کردن فضایی برای استقرار برنامه درسی باشند. اگر برنامه درسی داخل نظام تعلیم و تربیت محافظت و صیانت نشود، تهدیدها به آن

تحول دل و جرئت می‌خواهد!

سخنان حجت‌الاسلام دکتر محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

اولین چیزی که در بحث تحول لازم است، دل و جرئت داشتن است. کسانی می‌توانند تحول ایجاد کنند که دلبسته خاطراتشان نباشند. مدیرانی که خاطرات گذشته را می‌گویند، اهل تحولات بزرگ نیستند. ما باید برای سال ۱۴۰۴ برنامه‌ریزی کنیم، نه این‌که از دهه‌های چهل، پنجاه و شصت صحبت کنیم. دهه شصت گذشته و امروز دهه نود است. البته نمی‌گوییم آنچه را مال گذشته است باید دور بریزیم، اما این‌که چون پدران ما چنین می‌کردند ما هم همان مسیر را برویم، تصور غلطی است. در عین حال، مقدمات را هم باید بسنجیم و از ممکنات حرف بزنیم و

مورد مجلات رشد داشته باشیم و هدف اصلی آن را صیانت از برنامه درسی ملی بدانیم. ما در تهران آماده هستیم که از ظرفیت‌های نیروی انسانی تهران برای پشتیبانی از برنامه درسی ملی استفاده کنیم و آن را در اختیار دوستان قرار دهیم و برنامه درسی را به صورت سازمان‌یافته تقویت کنیم. نباید ساده‌اندیش باشیم و فکر کنیم فقط اهداف اقتصادی پشت سر اقداماتی هستند که در راستای تضعیف برنامه درسی انجام می‌گیرند. برخی از اقدامات سازمان یافته‌اند و بر اساس نقشه راه عمل می‌شود تا اثربخشی برنامه درسی ملی را از کار بیندازد.

دکتر محمدیان: مجله باید از اهداف برنامه درسی پشتیبانی کند





یعنی این‌ها هم ردیف هستند. ما باید معلمان را به تولید علم و نوآوری و خلاقیت تشویق کنیم.

فرمودند ما معتقدیم برنامه درسی قلب نظام آموزشی است. من هم معتقدم که برنامه درسی مهم است و جزو ارکان اساسی است. آنچه امروز با عنوان بسته آموزشی معروف شده است، یا پشتیبان معلم، یا پشتیبان کلاس یا پشتیبان دانش‌آموز برای تحقق برنامه درسی است. لذا انتشارات مدرسه نمی‌خواهد با سایر مجلات و کتاب‌ها رقابت کند. مجله برای دولت سودی ندارد، اما در عین حال هزینه‌ای هم ندارد. ما مجله را خودمان می‌گردانیم و دولت هیچ هزینه‌ای برای مجله‌ها پرداخت نمی‌کند. تنها خدمت دولت برای مجله این است که به کارمندان حقوق می‌دهد.

فراتر از مقدمات و ممکنات، چیزی را در حال حاضر تکلیف نکنیم. وقتی می‌خواستیم سند تحول آموزش و پرورش را بنویسیم، سه گروه با آن مخالف بودند: گروه اول کسانی که تفکر شاهنشاهی داشتند؛ دومین گروه کسانی بودند که تعلیم و تربیت اسلامی را قبول نداشتند و گروه سوم هم کسانی بودند که با تمرکز قوانین مخالف بودند. امروز هم که این سند تصویب شده است، همان سه گروه مخالف هستند. سند تحول با خطر تحریف، تضعیف و تحمیل مواجه است. ما باید مراقب باشیم در این خطرها گیر نیفتیم.

یکی از مشکلات فعلی ما این است که ما نمی‌توانیم جا بیندازیم معلم کارمند نیست. در سند ملی کشور قید شده است: «استادان دانشگاه، پژوهشگران، فناوران و معلمان»

محمدیان: معلمان ما الان تجربه‌های روزانه خودشان را نمی‌نویسند. اگر بنویسند و در طی سال آماده شود، انباشت عظیمی از تجربیات خواهیم داشت که با مطالعه آن‌ها می‌توان به نظریه‌پردازی رسید

اما در عین حال به دنبال تبلیغ و آگهی نیستیم. کتاب باید در جهت برنامه درسی چاپ شود. از شما هم می‌خواهیم مجلات ما را با این نگاه ببینید. مجله باید از اهداف برنامه درسی پشتیبانی کند. اگر اعتماد مردم به انتشارات مدرسه زیاد است، چشم ما هم باید باز باشد تا کتابی را خارج از چارچوب اهداف برنامه درسی تولید و معرفی نکنیم. مجله هم همین‌طور است.

معتقد نیستیم کمیت نشانگر محدودیت است. ما مطالب و عناوینی که هم‌پوشانی را دارند در هم ادغام می‌کنیم. اما در عین حال مجلات رشد علمی- ترویجی نیستند. مجلات رشد مجلات آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی هستند. مجله آموزشی- تحلیلی در راستای درک عامه حرکت می‌کند. مجلات رشد حد واسطه مجله علمی- ترویجی و مجله‌های ژورنال هستند. اگر مجله را از این منظر نقد کنیم خیلی خوب خواهد بود.

ما در حال حاضر برای جلوگیری از خطایی که در حال اتفاق است، باشگاه معلمان مؤلف را در انتشارات مدرسه راه‌اندازی کرده‌ایم. هدف از این کار، اولاً این بوده است

که نویسندگان انتشارات مدرسه، مؤلفان کتاب‌های درسی نباشند؛ دوم معلمانی که ادعا دارند مؤلف هستند، در این بانک اطلاعات ثبت و شناسایی شوند و در آن‌جا بنویسند. این باشگاه هم قابل طبقه‌بندی است.

نکته بعدی این‌که سازمان یک روز را به عنوان «درهای باز» قرار داده است تا هرکس می‌خواهد بیاید و از نزدیک با قسمت‌ها و بخش‌های آن آشنا شود و هر سؤالی دارد از مسئولان بپرسد. شما می‌توانید یافته‌ها و پژوهش‌های خودتان را هم بیاورید تا ما استفاده کنیم. معلمان ما الان تجربه‌های روزانه خودشان را نمی‌نویسند. اگر بنویسند و در طی سال آماده شود، انباشت عظیمی از تجربیات خواهیم داشت که با مطالعه آن‌ها می‌توان به نظریه‌پردازی رسید. ما این باشگاه معلمان را راه‌اندازی کرده‌ایم. شما کمک کنید و در نهایت ما را نقد کنید. کتاب‌های جدیدالتألیف آموزشی، کتاب‌هایی هستند با رویکرد آموزشی بر محور پژوهش، در بستر فرهنگ، و منتج به رفتار تربیتی. هر کتابی را شما نقد کنید و بگویید آموزشی نیست، یا مبنای پژوهشی ندارد و یا در بستر فرهنگی اتفاق نمی‌افتد و به رفتار تربیتی منتج نمی‌شود، ما آن را پاره می‌کنیم. اما اگر دیدید بهره‌ای از فعالیت آموزشی بر محور پژوهش در بستر فرهنگ، منتج به رفتار تربیتی دارد، مشخص است که یک قدم در مسیر آموزش و پرورش برداشته است، پس کمک کنیم این حرکت را شتاب دهیم.

مجله باید آموزش را به فرهنگ تبدیل کند

گزارش پانزدهمین گردهمایی
نمایندگان مجلات رشد و معاونین آموزش ابتدایی استان‌ها



اشاره

«پانزدهمین گردهمایی نمایندگان مجلات رشد استان‌های سراسر کشور» طی روزهای شنبه و یکشنبه (۲۴ و ۲۵ مرداد ۱۳۹۴) با حضور حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محی‌الدین بهرام‌محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، محمد ناصری، مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، معاونان دفتر، تعدادی از سردبیران مجلات رشد، نمایندگان رشد استان‌های سراسر کشور و برخی معاونان آموزش ابتدایی استان‌ها در باشگاه فرهنگیان تهران برگزار شد.

این گردهمایی دو روزه در قالب برپایی جلسات سخنرانی، ارائه پیشنهادات نمایندگان رشد و معاونان آموزش ابتدایی استان‌ها، نمایش فیلم منتخب از فعالیت‌های فرهنگی نمایندگان و برگزاری میزگردهای تخصصی برگزار شد. نمایندگان حاضر در این گردهمایی دو روزه به تبادل اطلاعات و نظرات خود پیرامون ارتقای سطح کیفی و کمی مجلات رشد و توسعه و گسترش هرچه بیشتر مجلات در سطح کشور و نحوه جذب دانش‌آموزان و خانواده‌ها به مجلات پرداختند و پیشنهادات و طرح‌های خود را ارائه کردند که گزارش آن تقدیم می‌شود.







فرصتی برای تبادل نظر و تجربه

ناصر نادری، ناظر محتوایی فصلنامه‌ها: به همایش پانزدهم خوش آمدید. آرزو می‌کنم که تجربه این نشست، تجربه مانا، تأثیرگذار و مفیدی باشد. بی‌تردید فلسفه این نشست قدرشناسی است و همه همایش در یک حرف خلاصه شده است و آن، تشکر و دست‌مریزاد به تلاش یکساله شماست که انصافاً فراتر از آن چیزی است که به عنوان قراردادهای اداری تعریف می‌شود. این نشست در عین حال، فرصتی برای تبادل نظر و تجربه نیز هست. ما می‌توانیم با روایت تجربه‌های خود، پدیده‌ها را واکاوی کنیم و به دریافتهای جدیدی برسیم و اینجا فرصتی برای «پژوهش روایی» است.

اسناد بالادستی، نقشه راه آموزش

محمد ناصری، مدیرکل دفتر انتشارات کمک آموزشی: امروز می‌خواهیم درباره یکی از مأموریت‌ها و فعالیت‌های مثبتی که در آموزش و پرورش با خوب انجام گرفتن آن به بخشی از اهداف آموزش و پرورش دست پیدا می‌کنیم، هم‌فکری کنیم. خدای بزرگ را شکر می‌کنیم که توفیق داد در این دوره از نقشه راه سند تحول بنیادین رونمایی شود. کاری که در حوزه اسناد بالادستی در سال‌های اخیر شده است، با همه نقدهایی که ممکن است نسبت به آن وجود داشته باشد،

ناصری: امروز در فضای آموزشی خودمان همچنان بارش کاریکاتورهای مواجه هستیم

کار بی نظیر، مهم و قابل اعتنایی بوده است. اینکه سندهایی را داشته باشیم و این اسناد از طریق عالی ترین ارکان فرهنگی کشور، یعنی «شورای عالی انقلاب فرهنگی»، تصویب شود و مهم ترین اهداف آموزش و پرورش طی مطالعات طولانی ارائه شود، محترم و عزیز است.

«سند تحول بنیادین» و «برنامه درسی ملی»، باید جزو اسناد بسیار مهم و قابل اعتنا برای ما فرهنگیان باشند. مهم از این نظر که ما در کشور طی سال های اخیر و قرن حاضر چنین اسنادی را نداشته ایم. خوش حالیم و خدا را شکر می کنیم که نقشه راه این سند هم توسط وزیر محترم آموزش و پرورش رونمایی شد. این نقشه از آن رو برای همه ما مهم است، که کمک می کند، جایگاه خودمان را بشناسیم. باید جایگاه خودمان را در این نقشه راه درست پیدا کنیم و بکوشیم بر اساس آن، مسیر را دنبال کنیم. لازم به ذکر است که این اسناد بالادستی از نظر محتوا و ادبیات کمی سنگین هستند. یکی از کارهایی که مجلات رشد در سال های اخیر انجام داده اند، این بوده که این اسناد را به زبان و ادبیات همکاران فرهنگی ترجمه کرده است. اگر این اسناد به درستی واکاوی شوند درمی یابیم که مسیر جدید جایگاه کتاب درسی در کنار سایر رسانه ها در نقطه خوبی قرار گرفته است.

یکی از مهم ترین نکات اسناد مزبور آن است که راه های جدیدی را برای آموزش و پرورش باز کرده است. همان طور که فضای بسته کلاس درس را باز کرده و محیط های یادگیری را به جاهای مختلف برده، رسانه های آموزشی را هم از حیطه یک کتاب درسی خارج کرده است. به رسمیت شناختن رسانه های آموزشی در این اسناد نکته بسیار مهمی است. از امروز به بعد، ما باید ذهنمان را به این موضوع معطوف کنیم که برای امر



راحمه رجایی

آموزش با بسته‌ای مواجه هستیم که یک جزء اصلی آن کتاب است و اجزای اصلی دیگری هم دارد که مهم هستند. اگر با این نگاه به اسناد توجه کنیم، استفاده بهتر و مناسب‌تری از همه رسانه‌های آموزشی خواهیم کرد. آن وقت فیلم آموزشی برای ما جایگاه خواهد داشت، فعالیت‌های فوق برنامه دانش‌آموزان در متن برنامه درسی معنادار خواهد بود، اردو و بازدید جزئی از آموزش تلقی خواهد شد، مجلات رشد جزء مهمی از برنامه درسی خواهند شد، کتابخانه کلاسی مفهوم واقعی خودش را خواهد داشت، کتابخانه آموزشی معنای دیگر پیدا خواهد کرد، آزمایشگاه و کارگاه به جایگاه اصلی خود برخواهد گشت و تمام این‌ها موجب خواهد شد که آموزش و پرورش به معنای واقعی کلمه اتفاق بیفتد.

این اسناد از این بابت هم مهم و قابل اعتنا هستند و شما باید به آن‌ها توجه کنید. اگر چنین نگاهی به داستان آموزش و پرورش داشته باشیم، معلوم خواهد شد که چه قسمت‌هایی از آموزش ایراد دارد و ما چیزی به عنوان امر مستحبی و امر واجب در آموزش و پرورش نخواهیم داشت. آموزشگاه، کارگاه و کتابخانه در مدارس بسیار اهمیت دارند. اگر این‌گونه نگاه کنیم مسیر آموزش و پرورش مسیر مؤثرتری خواهد شد.

امروز در فضای آموزشی خودمان همچنان با رشد کاریکاتوری مواجه هستیم. اگر از میان ویژگی‌های فطری ما بعضی رشد کنند و بعضی رشد نکنند، چهره شخصیتی که می‌سازیم، چهره یک کاریکاتور است تا یک تصویر متعادل و

متعادل. شهید مطهری معتقد است اگر وزن عبادت را در یک شخصیت زیاد کنید و وزن تفکر و تعقل را کم کنید، قطعاً شخصیتی کاریکاتوری به دست خواهد آمد. اگر وجه تعقل و تفکر فرد قوی، اما وجوه عاطفی و احساسی وی کم باشد، آن شخص نامتعادل است. انسان معجونی از همه این ابعاد است و در تعلیم و تربیت باید به همه این ابعاد توجه شود. در تعلیم و تربیت زنگ تفریح و ورزش معنا دارد، همان‌گونه که کلاس ریاضی و درس‌های دیگر معنا دارند.

مجلات رشد، پاسخی به نیاز آموزش و پرورش %

در برنامه درسی جایگاه‌های دیگری هم تعریف شده‌اند. هر جا که کم بگذاریم در جای دیگری مشکل پیش خواهد آمد. ما نقاط ضعفی در آموزش و پرورش داریم که باید تلاش کنیم آن‌ها را مرتفع کنیم. امروزه ما به زبان و ادبیات فارسی اعتنا نمی‌کنیم، به تاریخ و مطالعات اجتماعی نمی‌پردازیم، یا به درس انشا در عمل توجه نداریم، درحالی که انشا درس بسیار مهمی است. اگر به خلاقیت، تفکر و جست‌وجو اعتقاد داریم باید درس انشا را مورد توجه قرار دهیم. ما حتی در تدریس درس‌ها هم رشد کاریکاتوری را ترویج می‌دهیم، یعنی انگار برای ما درس ریاضی از درس ادبیات فارسی مهم‌تر است. اگر در این زمینه‌ها به درستی عمل کنیم، مشکلاتمان حل خواهند شد.

این مسائل را به عنوان مقدمه‌ای در نظر بگیرید برای موضوعی که یکی از دهه‌ها فعالیت آموزش و پرورش است. از آنجا که موضوع ما «مجلات رشد» است، از آن منظر به داستان آموزش و پرورش نگاه می‌کنیم. خاستگاه مجلات رشد مبتنی بر نیاز ذاتی آموزش و پرورش بوده است. در سال ۱۳۴۱ دفتری تأسیس شد که قرار بود تحولی در آموزش و پرورش ایجاد کند؛ همان دفتری که امروزه

ناصری: اگر به خلاقیت، تفکر و جست‌وجو اعتقاد داریم، باید درس انشا را مورد توجه قرار دهیم

«مجلات رشد» را تولید می‌کند. این دفتر دو سال درباره مشکلات آموزش و پرورش مطالعه کرد. در آن مطالعات مشخص شد که ما در خواندن و مطالعه مشکل داریم و باید سواد خواندن را ارتقا دهیم؛ البته خواندن توأم با لذت و فهم.

پس از آن «مجلات پیک» برای رفع این مشکل تولید شدند. انتشار این مجلات هیچ گاه به جز دو سال در اوایل انقلاب اسلامی متوقف نشد. مجلات رشد به شکل بومی جزو نیازهای آموزش و پرورش هستند و به رسمیت هم شناخته شده‌اند. ما نیز باید آن‌ها را به عنوان کاری که مهم است، دنبال کنیم. زیرا که با این کار هم سواد خواندن را توسعه می‌دهیم و هم مطالعه غیر رسمی و غیر اجباری را تقویت می‌کنیم. پس مجلات رشد بر اساس یک نیاز درونی آموزش و پرورش منتشر شده‌اند هدف آن‌ها ارتقای سواد خواندن، پر کردن بخشی از خلأهای برنامه درسی و احترام به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان بوده است و بر اساس ویژگی‌هایی نظیر اختیاری بودن، ارزان بودن، رفتن تا دورترین نقاط کشور و عدم تحمیل مالی به وزارت آموزش و پرورش بوده است.

ممکن است در موضوع اختیاری بودن مجلات شبهه‌ای به ذهن بعضی از دوستان برسد. در ذات اختیاری بودن نکته‌ای وجود دارد که مسئولیت ما را کم نمی‌کند. وقتی می‌خواستند نام مجلات را انتخاب کنند، آقای رحماندوست قرآن را باز کردند و این آیه آمد: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» در اصل دین هم اکراه نیست. اختیاری بودن تبلیغ هنرمندانه هم می‌خواهد.

در آموزش و پرورش چند گروه فعال داریم. بخش عمده و اساسی و مهم آموزش و پرورش همکاران فرهنگی رسمی ما هستند. بخش دیگر که تعدادشان هم محدود است، افراد علاقه‌مند به آموزش و پرورش هستند که با همه سرمایه مادی و غیر مادی خودشان در خدمت آموزش و پرورش هستند. بخش سوم در

ناصری: خاستگاه مجلات رشد نیاز ذاتی آموزش و پرورش بوده است

آموزش و پرورش نیز افرادی هستند که با سرمایه‌ای وارد آموزش و پرورش شده‌اند و می‌خواهند به آموزش و پرورش خدمت کنند. این سرمایه هم به اندازه آموزش و حتی بیشتر از آن اهمیت دارد. یعنی سرمایه خود را وارد آموزش و پرورش کرده‌اند تا آموزش بدهند و منفعت هم ببرند. این گروه در بخش انتشارات هم فعال هستند. بعضی از آن‌ها به قدری منافع مالی برایشان اهمیت پیدا کرده که آموزش و پرورش را تحت الشعاع قرار داده است. این افراد کارهایی می‌کنند که خلاف جهت آموزش و پرورش است و از همه عوامل هم استفاده می‌کنند. بخشی از این ناشران و مؤسسات کسب منفعت برایشان حرف اول را می‌زند و آموزش و پرورش در مرحله بعد قرار دارد. آموزش و پرورش این میدان را فراهم می‌کند و از جایی به بعد دیگر نمی‌تواند آن را کنترل کند.

شمارگان مجله «رشد برهان متوسطه اول» حدود ۲۰ هزار نسخه، شمارگان مجله «رشد جوان» ۱۳۰ هزار نسخه و شمارگان مجله «رشد برهان متوسطه دوم» حدود ۱۶ هزار نسخه است. در این سال‌ها شاهد هستیم رشته ریاضی به یکی از مهم‌ترین و پرطرفدارترین رشته‌های دوره متوسطه تبدیل شده است. بنابراین ما نیز تصمیم گرفتیم که ظرفیت بیست و چند ساله مجلات رشد برهان را از فصلنامه به ماهنامه تبدیل کنیم. الان ترتیب انتشار سالانه مجلات رشد برهان برای دوره متوسطه اول و متوسطه دوم هشت شماره شده است. قیمت هر هشت شماره این مجلات با یک کتاب کمک آموزشی برابری می‌کند. اگر ما بتوانیم بخشی از اشتهای کاذب جامعه را تصحیح کنیم،



سید کمال شهابلو

دانش آموز، رشد نوجوان و رشد جوان -، دو عنوان دیگر اضافه شده است که شامل «رشد برهان متوسطه اول» و «رشد برهان متوسطه دوم» می شود. این دو مجله تا سال تحصیلی گذشته، یعنی ۹۴-۱۳۹۳، جزو فصلنامه های رشد بودند اما از امسال به صورت ماهنامه منتشر می شوند. مجلات «رشد کودک»، «رشد نوآموز» و «رشد دانش آموز» هم در ۹ شماره منتشر می شوند که مجله شماره ۹ همان مجله تابستان است، اما به دلیل اینکه تابستان فصل تعطیلی مدارس است، شماره های ۸ و ۹ هم زمان با هم توزیع می شوند.

مجله «رشد مدیریت مدرسه» از گروه مجلات عمومی و انتشار به صورت ماهنامه خارج شده و در گروه مجلات

شهابلو: مدیریت باید همراه با رهبری باشد تا بتوان به دل ها نزدیک شد

متوجه خواهیم شد که باید مجلاتی را با نگاه کمک آموزشی در داخل آموزش و پرورش تولید کنیم. البته مجلات برهان به هیچ وجه جای مجلات «رشد نوجوان» و «رشد جوان» را نخواهند گرفت، چون رشد برهان معطوف به یک درس خاص - ریاضی - است. درخواست من این است که امسال به مجلات رشد برهان متوسطه اول و متوسطه دوم با یک نگاه دیگر بپردازید.

ما در بستر طبیعی آموزش و پرورش دو کار انجام می دهیم: یکی از آن ها بررسی هزاران کتاب آموزشی توسط کارشناسان است که به بخش معاونت سامان بخشی ارسال شده اند. کار دیگر این است که به تولید آنچه جامعه به سمتش اقبال نشان می دهد، مثل کتاب های آموزشی ارزان، استاندارد و مستند، بپردازیم. ما این کار را امسال انجام داده ایم. شما نیز اگر مثل ما فکر می کنید کمک کنید تا این اتفاق به بهترین شکل بیفتد. اگر ما احساس کنیم که در بخش کمک آموزشی ضروری است که به کتاب های درسی و برنامه درسی کمک کنیم، باب تازه ای باز خواهد شد؛ البته نه به شکل نامحدود. ممکن است در آینده چند مجله تخصصی دانش آموزی هم داشته باشیم که البته این مجلات جای مجله اصلی را نخواهند گرفت.

اتفاق های جدید

سید کمال شهابلو، معاون برنامه ریزی و انتشارات: مدیریت باید همراه با رهبری باشد تا بتوان به دل ها نزدیک شد. در توزیع مجلات رشد این امر هم در حوزه ستادی و هم در سطح استان ها رعایت می شود.

امسال تغییراتی در انتشار مجلات رشد داشتیم. به مجلات رشد دانش آموزی - مجلات رشد کودک، رشد نوآموز، رشد

فعالیت‌های فرهنگی و اجرایی، عامل افزایش مخاطبان

شهین جوانی، معاون آموزش ابتدایی اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان: ما در استان اصفهان برای مجلات رشد فراخوان شعر دادیم و اشعار برگزیده انتخاب شدند. در سطح استان مقایسه آماری در استان انجام گرفت و همه مناطق و نواحی از طریق یک فرم ارزیابی شدند. با مدیر کل محترم نیز مشورت کردیم تا با همه رؤسا جلسه‌ای بگذاریم و درباره کم و کیف مجلات رشد صحبت کنیم و تفاهم‌نامه‌ای را برای سال آینده امضا کنیم. ما در استان اصفهان برای سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ درخواست حدود پنج هزار جلد مجلات رشد را داشتیم. ما فعالیت‌های اجرایی و فرهنگی خود را از ۱۰ سال پیش آغاز کرده‌ایم تا به افزایش آمار مخاطبان مجلات رشد در استان اصفهان منجر شود.

نکته بعدی کاربست مطالب مجلات رشد است. من پیشنهاد می‌کنم حتماً پژوهشی در راستای اثربخشی مجلات و کاربست مطالب مجلات رشد در استان‌ها انجام شود. این نتایج بر نگرش افراد مؤثر خواهد بود. ما کاربست مطالب مجلات رشد را از دوره ابتدایی شروع کردیم. من پیشنهاد می‌کنم «طرح روز همراه با مجلات رشد» در سطح کشور اجرا شود، چون این طرح در استان اصفهان بسیار عالی ارزیابی شده است.

نگاه ویژه به دوره آموزش ابتدایی

ابوالحسن حقیقی، معاون آموزش ابتدایی استان خراسان رضوی: اگر به دنبال توسعه هستیم، باید به آموزش دوره ابتدایی توجه ویژه شود. بر همین اساس ما امسال را سال

تخصصی و فصلنامه‌های رشد قرار گرفته است. «رشد مدرسه فردا»، «رشد تکنولوژی آموزشی»، «رشد معلم» و «رشد آموزش ابتدایی»، مجلات ماهنامه عمومی هستند که به صورت هشت شماره‌ای منتشر می‌شوند. در مجلات تخصصی - به غیر از «رشد جوانه» - ۱۶ عنوان مجله داریم. این ۱۶ عنوان به صورت فصلنامه و سه شماره در سال هستند و در فصل تابستان منتشر نخواهند شد.

سال گذشته خبر تولید و انتشار «رشد روشن برای نابینایان» و «رشد برای کم‌بینایان» را اعلام و سعی کردیم این مجلات را برای مراکزی که این بچه‌ها در آنجا آموزش می‌بینند بفرستیم. در استان تهران این کار انجام شده است و در استان‌ها نیز این مجلات را به مراکزی که آموزش و پرورش استثنایی داشتند فرستادیم. امسال دو خبر جدید در این حوزه داریم: مجله «رشد جوان» و «رشد نوجوان» هم به گروه «رشد روشن» اضافه شده‌اند. البته مجلات «رشد روشن نوجوان» و «رشد روشن جوان» برای بچه‌های نابینا هستند و در حوزه کم‌بینایان فقط مجلات «رشد روشن نوآموز» و «رشد روشن دانش آموز» منتشر می‌شوند.

نکته آخر این که اگر رسانه آموزشی که مورد تأیید سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی نیست وارد مدارس می‌شود، حتماً با اطلاع مدیران مدارس بوده است. اگر بخواهیم مجلات رشد را توسعه دهیم، باید بدانیم که راه اصلی توزیع مجلات رشد، مدیر مدرسه است. پس مدیران مدارس به بهترین شکل ممکن باید توجیه شوند تا این مجلات را در اختیار دانش‌آموزان مدرسه خودشان قرار دهند؛ البته نباید از روی اجبار باشد.

«گفتمان غالب در حوزه آموزش ابتدایی در خراسان رضوی» نام‌گذاری کردیم. اگر والدین به دنبال توسعه و رشد و تعالی فرزندشان هستند، باید از همین الان به فرزندشان توجه کنند. اگر به دنبال کیفیت‌بخشی هستیم، می‌توانیم زمینه بروز و ظهور آن را در مجلات رشد دنبال کنیم و بینیم نیاز امروز آموزش ابتدایی ما چیست. دغدغه ما در آموزش دوره ابتدایی با دوره متوسطه کاملاً متفاوت است. همان‌طور که آقای ناصری اشاره کردند، آسیب در دوره متوسطه کنکور و در دوره ابتدایی موضوع استعدادهای درخشان و تیزهوشان است. ما از سال گذشته فعالیتی پژوهشی را در سطح استان خراسان رضوی آغاز کرده‌ایم. پارلمانی به نام «پارلمان مجازی معلمان داریم» که تمام معلمان استان می‌توانند وارد این تالار گفت‌وگو شوند. در آنجا پرسیده‌ایم چگونه می‌توان توجه معلمان، دانش‌آموزان و والدین را برای توجه به مجلات رشد جلب کرد؟ این سؤال جواب داده شده است که آقای ازهری‌راد به آن اشاره خواهند کرد. مجلات رشد می‌توانند زمینه تحقق خلاقیت و مهارت‌های زندگی را فراهم کند.

انجام فعالیت پژوهشی برای ارتقای مجلات رشد

حسن ازهری‌راد، نماینده مجلات رشد استان خراسان رضوی: ما در استان خراسان رضوی ۴۲ درصد دانش‌آموزان دوره ابتدایی را تحت پوشش مجلات رشد قرار داده‌ایم. میانگین پوشش کل استان ۲۷ درصد، در دوره متوسطه دوم ۹ درصد و دوره متوسطه اول ۱۳ درصد بوده است. در این استان یک میلیون و ۷۰ هزار دانش‌آموز داریم که حدود ۲۹ هزار نفر آن‌ها را پوشش داده‌ایم. یک فعالیت پژوهشی

مجازی انجام گرفته است که ۹۵۰ نفر در آن شرکت کرده‌اند. این طرح شامل ۱۸ فصل و ۸۲ سؤال بود. عنوان برخی فصل از این قرار بود: میزان استفاده از مطالب معلمان در مجلات رشد؛ استفاده از مطالب دانش‌آموزان در مجلات رشد؛ ارتقای محتوا؛ ترغیب دانش‌آموزان؛ کاهش قیمت یا رایگان بودن؛ کیفیت چاپ؛ میزان استفاده کاربردی؛ تقویت فرهنگ مطالعه؛ ارتباط مجلات با کتاب‌های درسی؛ دسترسی به مجلات؛ اخذ هزینه‌های خاص و تغییر نگرش.

نتایج حاصل از این آزمون عبارت‌اند از: ارتقای محتوا ۱۹ درصد؛ ترغیب معلمان ۱۵ درصد؛ ترغیب دانش‌آموزان ۱۴ درصد؛ استفاده کاربردی ۹ درصد؛ کاهش قیمت مجلات ۸ درصد؛ معرفی و تبلیغ ۵ درصد؛ کیفیت چاپ ۵ درصد؛ استفاده از مطالب معلمان ۵ درصد؛ تقویت فرهنگ مطالعه ۴ درصد؛ دسترسی به مجلات ۳ درصد؛ ارزیابی ۳ درصد؛ ارتباط مجلات با کتاب‌های درسی ۱ درصد؛ اخذ هزینه‌ها ۰/۰۷ درصد؛ و ... بر اساس نتایج این پژوهش تحلیل خوبی می‌توان صورت داد.

دست‌های کوچک، اندیشه‌های بزرگ

عصمت بدخشان طرقي، معاون آموزش ابتدایی آموزش و پرورش استان خراسان شمالی: رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیداری که با معلمان استان داشتند، تکلیفی را برای آن‌ها مشخص کردند که وظیفه ما را سنگین کرد. تکلیف ایشان در جمع معلمان این کلیدواژه‌ها بود: «تقویت عزت نفس دانش‌آموزان»، «تقویت مهارت‌های مطالعه در کودکان و نوجوانان»، «توجه به تربیت روحی و جمعی کودکان»، «آموزش فلسفه به کودکان» و ...، که



مهم‌ترین آن‌ها تقویت مطالعه بود.

خوش‌بختانه در تمام اسناد بالادستی جایگاه خوبی برای عملیاتی کردن استفاده از مطالب مجلات رشد دیده می‌شود. ما در استان یک کمیته مشاوره‌ای و علمی داریم که جشنواره‌ای برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی با عنوان «دست‌های کوچک، اندیشه‌های بزرگ» برگزار می‌کند. اهداف جشنواره عبارت‌اند از: «زمینه‌سازی برای پرورش خلاقیت»، «جایگاهی برای عزت نفس» و «تفکر خلاق». برای توجیه مدیران و همکاران جلسات تخصصی داشتیم که با استقبال خوبی روبه‌رو شدیم. ما از زنگ انشا و ظرفیت خانواده‌ها استفاده کردیم. در زنگ تربیت بدنی بازی‌های بومی را با محتوای مجلات رشد همراه کردیم. در «جشنواره رویش» از متون مجلات رشد استفاده کردیم. در پایان، هر مدرسه نمایشگاهی از دست‌ساخته‌ها و آثار بچه‌ها برپا کرد و در سطح استان هم‌زمان با «جشنواره جابرین حیان»،

کارهای دانش‌آموزان داوری و از کارهای برگزیده تقدیر شد. در پایان چند پیشنهاد دارم. توانمندسازی نیروی انسانی مهم‌ترین دغدغه ماست. ما در آموزش و پرورش نیروهایی داریم که شاید توانایی لازم را برای تدریس نداشته باشند. مجلات رشد بکوشند راهکار اجرایی برای معلمان ارائه دهند. ما در کل کشور معلم دو زبانه و چندپایه داریم. دغدغه‌هایی برای مدیریت کلاس این بزرگواران هم داریم. شرایطی فراهم شود و در مجلات رشد به صورت ویژه به این موارد پرداخته شود. مطالب در همه مجلات رشد متناسب با نیاز و سن مخاطبان ارائه شود. چه کنیم که شورای معلمان، شورای موفق باشد؟

پیشنهاد دیگر هم این است که هزینه مجلات رشد را هم‌زمان با کتاب‌های درسی دریافت کنیم که در این صورت دغدغه‌های ما در این حوزه کاهش می‌یابد.

فصله با مخاطبان را کم کنیم

🌟 **قاسم مهدوی**، نماینده مجلات رشد استان مازندران: کار مجلات رشد یک کار فرهنگی و تربیتی است و زودبازده نیست. اگر منتظر باشیم در عرض سه سال جواب بگیریم، قطعاً معنادار نیست. اتفاق بدی خواهد افتاد و آسیب‌هایش در درازمدت زیاد است.

اما یک سؤال راهبردی هم مطرح است. چرا دانش‌آموزانی که در دوره پیش‌دستانی یا پایه اول ابتدایی هستند، ارتباط خوبی با ما برقرار می‌کنند، اما در دراز مدت از ما فاصله می‌گیرند؟ آمارها و گزارش‌ها نشان می‌دهد یک خطای راهبردی در حال رخ دادن است. ما باید در مبلمان آموزشی و فرهنگی مجلات رشد بازنگری کنیم تا بتوانیم نیازهای

جدید مخاطبانمان را پاسخ دهیم. باید فاصله بین مدرسه و خانه را کم کنیم. ما در استان مازندران، گردهمایی‌های نمایندگان استان‌ها را داریم و در همان جلسه به مجلات رشد می‌پردازیم. دو گردهمایی در مشهد و منطقه چمستان استان مازندران برگزار شد. ما برای توزیع مجلات رشد بر اساس برنامه عمل می‌کنیم. امسال فراخوان تجربه در سه موضوع تجربه، عکس و فیلم کوتاه داشتیم که آثار بسیار خوبی به دست ما رسید.

آموزش و پرورش استان، برای همکاری که مقالاتشان در مجلات رشد چاپ می‌شود هم تقدیرنامه و هم عضویت رایگان مجلات رشد را در نظر گرفته است.

برای ما کنترل زمان دریافت مجلات رشد توسط مخاطبان

مه‌دوی: کار مجلات رشد یک کار فرهنگی و تربیتی است و زودبازده نیست

بسیار مهم بود. برای این کار متنی را انتخاب کردیم و لایه‌لای صفحات گذاشتیم تا زمانی که فرد مجله را دریافت کرد، به ما پیامک بدهد که مجله را گرفته است. ما از طریق کنترل این فاصله زمانی مشکل را پیدا کردیم.

امسال برای دانش‌آموزان آزمون آنلاین برگزار کردیم. مسابقات روزنامه دیواری از مجلات رشد داشتیم. نمایشگاه‌های متفاوتی برپا کردیم. تبلیغ مجلات رشد را پشت جلد پیک نوروزی سال ۹۴ داشتیم. در صدا و سیما هم تبلیغ کردیم. دانش‌آموز «رشدیار» و معلمان «هم‌یار رشد» را طراحی کردیم. برخی از چالش‌های موجود در مجلات رشد عبارت‌اند از:

نبود باور و نگرش مثبت به مطالعه در جامعه؛ پایین بودن عمق محتوای برخی از مطالب مجلات رشد؛ غیرمفید بودن یا تناقض در محتوا؛ بی‌توجهی به بخش کشاورزی و دام‌داری در فنی‌وحرفه‌ای؛ بی‌توجهی به فرهنگ‌های بومی و محلی؛ ثبت نشدن تجربه استان‌ها؛ فقدان نگاه مشتری‌مداری در سطح ملی؛ هدفمند نبودن جهت‌گیری فعالیت‌های فرهنگی مجلات رشد؛ پرداخت نشدن سرانه آموزشی؛ بی‌بهره بودن معلمان دوره ابتدایی از مجلات تخصصی؛ عدم اعلام نیازهای تحقیقاتی و پژوهشی در سطح ملی و انتشار آن؛ حجم بالای نیروبری در توزیع مجلات رشد؛ کم بودن درصد تخفیفی که به نمایندگان داده می‌شود و ...

پیشنهادهایی هم داریم که مطرح می‌کنم: تخصصی شدن مجلات رشد؛ تقدیر ویژه از معاونین آموزش ابتدایی استان‌ها؛ تدوین دفتر یا مجموعه‌ای برای درج تجربیات نمایندگان؛ تداوم سفرهای زیارتی و سیاحتی برای نمایندگان رشد؛ فعال‌سازی کتابخانه‌های کلاسی مدارس با تأمین آن از سوی دفتر؛ تقدیر از دانش‌آموزان مشتری مجلات؛ برگزاری جشنواره فعالیت‌های فرهنگی مجلات رشد در مجاورت جشنواره جابر؛ سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی برای توجیه و آموزش والدین؛ بهره‌مندی نمایندگان رشد از امکانات رفاهی و تفریحی دفتر؛ اختصاص صفحاتی از مجلات دانش‌آموزی به محتوای بومی و محلی استان‌ها؛ حضور سردبیران مجلات رشد بین معلمان استان‌ها؛ ارسال بن خرید کتاب برای مدیران و معلمان فعال؛ و ...

ترویج مجلات رشد از طریق فرهنگ‌سازی*

راحمه رجایی، معاون آموزش ابتدایی آموزش و



فرایند توزیع و ترویج مجلات رشد از طریق فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی آسان شود. راهبردها هم این است که مجلات رشد جزئی از کیف دانش‌آموزان تبدیل شوند. پیشنهادهای دیگر عبارتند از: ارتقای دانش و مهارت نمایندگان رشد و مدیران مدارس شهرستان‌ها و مناطق در جهت نهادینه‌سازی فرهنگ مطالعه از مسیر مجلات رشد و توسعه فرهنگ مطالعه، تحقیق و پژوهش از طریق فعالیت‌های فرهنگی مجلات رشد، کاربردی کردن محتوای مجلات رشد برای استفاده در کلاس‌های درس، تنوع‌بخشی به محیط‌های یادگیری از مسیر مجلات رشد،

پرورش استان مرکزی: ارتباط تنگاتنگ اهداف مجلات رشد با نیازهای مخاطبان و جامعه هدف و فراوانی پوشش، فرصتی استثنایی برای فعالیت‌های تکمیلی و تنوع‌بخشی به فضا و محیط‌های یادگیری فراهم می‌آورد و می‌تواند در ارتقای دانش نقش‌آفرینی کند. در سند تحول بنیادین به لزوم وجود بسته آموزشی و منابع آموزشی و کمک‌آموزشی اشاره شده است. ما در استان، کارگروه نمایندگان رشد را تشکیل داده‌ایم. برگزاری نشست‌ها و جلسات کارشناسی با همکاران در سطح اداره‌ها، برگزاری همایش برای نمایندگان رشد مناطق، تدوین سیاست‌ها و راهبردهای لازم برای افزایش کمی و کیفی برنامه‌ها، و جمع‌آوری اطلاعات و پشته‌های علمی و اجرایی از جمله فعالیت‌هایی بوده‌اند که در گام اول انجام گرفته‌اند.

در گام دوم، براساس برنامه محوری، هدف‌ها را مشخص کردیم. در تدوین اهداف و راهبردها هدفمان این بود که

رجایی: ارتباط تنگاتنگ اهداف مجلات رشد با نیازهای مخاطبان و جامعه هدف و فراوانی پوشش، یک فرصت استثنایی برای فعالیت‌های تکمیلی و تنوع‌بخشی به فضا و محیط‌های یادگیری است

اهتمام به نهادینه کردن مجلات با حرکت از حوزه ستادی به سمت صف. انتظار داریم «شورای آموزش و پرورش» از مجلات رشد حمایت کنند. در سال گذشته حدود ۱۹ میلیون تومان از بودجه شورای آموزش و پرورش به مناطق محروم اختصاص یافت. همچنین عنایت بیشتر مسئولین اداره کل را نسبت به توزیع مجلات رشد، برگزاری گردهمایی مدیران مدارس و جلسات آموزش خانواده و لحاظ کردن شاخص پوشش مجلات را در شاخص های تفاهم نامه سال های ۹۳ و ۹۴ تمامی دوره های تحصیلی خواستاریم. اولین استانی که بحث تفاهم نامه را منعقد کرد، استان مرکزی بود.

تهدیداتی که وجود دارند عبارتند از: عدم بهره برداری کاربردی از محتوای مجلات؛ نگاه صرف به جنبه مالی از سوی برخی مدیران مدارس؛ جهت گیری مجلات رشد به سمت آموزش های بدون هدف خاص. نکات قوت عبارتند از: افزایش استقبال برای تهیه مجلات رشد؛ بهره برداری از مجلات در فرایند کار کلاسی از سوی معلمان؛ اجرای جشنواره ها و برپایی نمایشگاه های گوناگون؛ همچنین نقاط ضعف عبارتند از: فراگیر نشدن تهیه مجلات رشد توسط معلمان توسط معلمان؛ ناآگاهی مدیران و والدین از اهداف توزیع و ترویج مجلات؛ توجه والدین به کتاب درسی و محفوظات و پایین بودن سرانه مطالعه غیردرسی در منزل؛ توزیع نامناسب مجلات از سوی برخی نمایندگان؛ کاهش اشتراک مجله رشد جوان؛ تغییرات پی درپی نمایندگان مجلات رشد در مناطق و نبود تمایل به پذیرفتن مسئولیت توزیع مجلات؛ عدم تسویه حساب به موقع مجلات رشد. پیشنهاد می کنم مجلات رشد را در اجلاس مدیران کل و معاونین مطرح کنید.

ترغیب مخاطبان با اطلاع رسانی %

حسین بهرامی نوید، معاون آموزش ابتدایی آموزش و پرورش استان همدان: یکی از محورهای برنامه های ما در استان همدان اطلاع رسانی است. ما به عنوان عوامل مؤثر در ارتقای فرهنگ عمومی و توانمندسازی نیروی انسانی، در تفاهم نامه ای با مدیران مدارس، مجلات رشد را ذکر کردیم. به هر بهانه ای از صداوسیما استفاده می کنیم. به والدین هم اطلاع رسانی می کنیم. در حال حاضر والدین بیشتر از بچه ها ترغیب می شوند که از مجلات رشد استفاده کنند. برای مدارس پوستری چاپ کرده ایم که معرف مجلات رشد است. خیلی از اوقات مشکلات آموزش و پرورش را در جاهای دیگر جست و جو می کنیم. مجلات رشد به اعتقاد من نباید خمیر شوند و اگر چنین شود خیانت است. هر چه که فروش نمی رود را می توانیم به عشایر و مناطق محروم بفرستیم. چند پیشنهاد دارم: یکی اینکه در مجلات جمله ای بنویسیم: «اگر می توانید، این مجله را بعد از خواندن در اختیار دیگران قرار دهید.» این کار فرهنگ سازی خوبی خواهد بود. ما برای بازنشستگان مجله رشد نداریم. پیشنهاد می کنم برای آن ها هم مجله ای تولید شود. من در جایی یک کلمه دیدم که خیلی رویم اثر گذاشت. نوشته بود: «کیفیت یعنی هماهنگی». هر چه که هماهنگ است، با کیفیت است. ما می توانیم از چنین جملاتی در حاشیه مقالات استفاده کنیم.

پیشنهاد می کنم آموزش های ضمن خدمت در حوزه مجلات رشد قرار بگیرند. با این کار آموزش ضمن خدمت توسعه پیدا خواهد کرد. حضور ادبیات کلاسیک در حوزه داخلی و جهانی در مجلات رشد کمرنگ است.

آموزش و پرورش، نهاد تعلیم و تربیت %

دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

من سال قبل چند نکته را یادآوری کردم و یکی از درخواست‌هایم این بود که برای تولید فرهنگی بازار مصرف فرهنگی هم مهیا شود. ما امروز هرچه تولید می‌کنیم خوب است، اما باید مصرف بهینه هم صورت بگیرد. اگر تولیدات در انبارها، کتابخانه‌ها و خانه‌ها انباشته شوند و مصرف نشوند، انگار که اصلاً تولید نشده‌اند. ما باید تلاش کنیم آنچه تولید کرده‌ایم، در بازار ۱۴ میلیونی دانش‌آموزان و معلمان مصرف شود و حتی ردپای آثار فرهنگی ما در محیط خانواده هم خودش را نشان بدهد. من مخصوصاً به این معنا امیدوار و معتقد هستم که تغییراتی که در راستای تحول بنیادین در آموزش و پرورش اتفاق می‌افتد، به‌صورت نهم باران محیط اطراف خود را نمناک می‌کند. سیل راه نیفتاده است، اما همین بارش نهم، بخشی از عرصه فرهنگی را تحت تأثیر قرار داده است. کتاب‌های جدید التالیف چند ویژگی دارند:

اول اینکه دانش آموزشی را در کشور به‌روز کرده‌اند. در متون آموزشی ما بوی کهنگی وجود داشت. بعد از ۳۰ سال جرئت و جسارتی در آموزش اتفاق افتاد که متون آموزشی را تغییر داد. تغییر دادن متون آموزشی جسارت بسیاری می‌خواهد، چون آموزش و پرورش خودش را در معرض نقد قرار می‌دهد.

محمدیان: ما باید تفکرمان را از آموزش محور
بودن آموزش و پرورش خارج کنیم و آن را یک
دستگاه فرهنگی تربیتی بدانیم

نکته دوم اینکه روش و دانش آموزش معلمان به‌روز شده است. البته من معتقدم که برخی از معلمان که سابقه بالایی دارند، به این رویکردهای جدید کم‌توجه هستند، اما عمدتاً اثر گذاشته و طرح درس معلمان تغییر کرده است.

سوم اینکه در خانواده‌ها هم تغییر ایجاد کرده است. در سال‌های گذشته سه نسل، یک کتاب درسی را خوانده بودیم. الان وضعیت تغییر کرده است و با این تغییر دانش خانواده هم تغییر می‌کند. همچنین به دنبال آن مجموعه برنامه درسی ما تغییر کرده است. ما باید یک تغییر گفتمان داشته باشیم و رویکرد و نگرشمان را عوض کنیم. آموزش و پرورش را نباید دستگاه آموزشی ببینیم، همچنان که اسم دستگاه ما آموزش و پرورش است. همچنین نباید فکر کنیم که آموزش و پرورش یک وزارتخانه است. باید آن را یک نهاد ببینیم. نهاد تعلیم و تربیت فراتر از دستگاه‌های دیگر است. آموزش و پرورش یک نهاد ملت‌ساز است. ما باید به این نهاد ملت‌ساز توجه کنیم و آن را تنزل ندهیم. باید به لایه‌های هویت توجه داشته باشیم، اما نباید قومیت‌ها را از هم جدا کنیم. آموزش و پرورش باید نمادهای ملی را تقویت کند. هویت ما ایرانی - اسلامی است و نقش آموزش و پرورش تقویت این هویت است.

نکته بعد اینکه آموزش و پرورش ما یک دستگاه دولت‌ساز است و این نقش بسیار اهمیت دارد. نکته بعدی نظام‌سازی است. آموزش و پرورش نظام‌های اجتماعی را شکل می‌دهد؛ نظام‌های بهداشتی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و ... ما باید تفکرمان را از آموزش محور بودن آموزش و پرورش خارج کنیم و آن را یک دستگاه فرهنگی - تربیتی بدانیم. یعنی داده‌های آموزشی در



عنصر: تفکر، ایمان، علم، عمل و اخلاق است که تفکر هسته مرکزی است. دور آن هسته مرکزی ایمان است و لایه‌های اطراف ایمان، علم، عمل و اخلاق است. این مدل خروجی برنامه درسی ماست. هر فعالیت فرهنگی - آموزشی باید ذهن را قانع کند، قلب را آرامش ببخشد و اعمال را تصحیح کند. اگر چنین نباشد اختلال ایجاد می‌کند. کتاب‌های کنکور، کتاب‌های غیراستاندارد، معلومات غیراستاندارد و غیرمفید به فرهی‌فکر و روح نمی‌انجامند، بلکه ذهن را ورم می‌دهند. درحالی‌که علم نباید از بین برود.

این مقدمه را گفتم تا به دنبال آن بگویم که باید جهت‌دهی فرهنگی داشته باشیم. ما نباید انبوه کالا را در بازار بریزیم و مخاطب را گیج کنیم. در تولیدات فرهنگی ما دچار بازار مکاره شده‌ایم. انفجار اطلاعات غیرطبقه‌بندی شده مخاطب را سردرگم می‌کند. ما باید بتوانیم به مخاطب کمک کنیم در کوتاه‌ترین زمان بداند که با انبوه تولیدات، نیاز او را چه چیزی پاسخ می‌دهد. ۱۴ میلیون

بستر فرهنگی با رویکرد پژوهشی به ثمره تربیتی منجر شود. اگر آموزش و پرورش را یک باغ فرض کنید، بذرش آموزش است، زمینش فرهنگ است، آبیاری‌اش پژوهش است و میوه‌اش تربیت است. داده آموزشی، بستر فرهنگی، رویکرد پژوهشی با میوه تربیتی.

لذا در برنامه درسی می‌گوییم ارزیابی‌هایمان شایستگی‌محور است. هدف نهایی آموزش و پرورش دستیابی به مراتبی از حیات طیبه است. در حیات طیبه هم دانش لازم است هم پژوهش و هم اخلاق. پس وقتی درباره رویکرد شکوفایی فطرت حرف می‌زنیم منظورمان پنج



محمدیان: من مخصوصاً به این معنا امیدوار و معتقد هستم که تغییراتی که در راستای تحول بنیادین در آموزش و پرورش اتفاق می‌افتد، به صورت نم‌نم باران محیط اطراف خود را نمناک می‌کند

﴿

**محمدیان: هدف نهایی آموزش و پرورش دستیابی
به مراتبی از حیات طیبه است. در حیات طیبه هم
دانش لازم است هم پژوهش و هم اخلاق**

﴾

کنیم که هر کس نیاز خودش را بداند. قرآن هم همین طور است. ما باید دانش آموزان را آموزش بدهیم، آموزشی که بسترش فرهنگ باشد، بر محور پژوهش باشد و به میوه تربیت دست پیدا کند. مجله نباید کتاب درسی باشد، باید آموزش را به فرهنگ تبدیل کند. ما باید به متون، با رویکرد فرهنگی توجه کنیم. مجلات رشد، پشتیبان و توسعه دهنده کتاب درسی و امتداد برنامه آموزشی بر بستر فرهنگی و فراهم کننده فرصت های پژوهشی هستند. آثار کلاس درس، مجله و هر فعالیت دیگری باید تربیت باشد. در آموزش و پرورش همه فعالیت ها در این جهت هستند که تربیت صورت بگیرد و به حیات طیبه نزدیک شود.

پس همان طور که در سال گذشته درخواست من از شما ابتدا تولید و سپس مصرف بود، امسال از شما درخواست جهت دهی دارم. شما نمایندگان، توزیع کننده مجله نیستید، شما توزیع کننده دانش، فرهنگ و تربیت هستید.

دانش آموز ما حداقل ۱۱ عنوان درسی دارند. اگر بخواهند در حوزه درسی خودشان مطالعات فراتر از کتب درسی داشته باشند چه چیزی بخوانند؟ چه کسی باید به آنها کمک کند؟ جایی که بتواند کارشناسی و جهت دهی کند. این ضرورت آموزش و پرورش است و این کار را باید «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» انجام دهد؛ حتی درباره مجلات رشد. این دفتر باید مجلات رشد را طبقه بندی کند و بگوید که هر یک برای کدام مخاطب است.

کتاب نامه های رشد باید تغییر جهت بدهند، یعنی از دوره های تحصیلی باید تخصصی تر شوند. معرفی کتاب های غیر ضروری که یکی از دوستان فرمودند، کار درستی نیست. ما باید خوبی ها را انتشار بدهیم، اما خوبی ها را چنان طبقه بندی



گزارش نویسی و مصاحبه در مجلات رشد

فریبرز بیات

سر دبیر مجله رشد آموزش علوم اجتماعی



مقاله



..... اشاره
 رسانه‌ها از قالب‌های متعددی برای اطلاع‌رسانی استفاده می‌کنند. معمول‌ترین آن‌ها خبر، گزارش، مصاحبه، مقاله، یادداشت و میزگرد است که در این میان دو قالب مصاحبه و گزارش جایگاه ویژه‌ای دارند. مصاحبه و گزارش به عنوان دو قالب تعاملی و دوسویه کمک می‌کنند که هم صدای عنصر انسانی در مطلب موج بزند و هم ما به یک موضوع از زوایای مختلفی نگاه کنیم و امکان‌پذیرش، انتخاب و ارزیابی دقیق‌تری در مورد اطلاعات و اخبار داشته باشیم.....

تعاریف

مصاحبه روایت یک واقعه، پدیده یا موضوع از زبان یک یا چند نفر است. ما به عنوان مصاحبه‌کننده بی‌طرف هستیم و سعی می‌کنیم موضعی نداشته باشیم و تنها روایت کارشناس یا صاحب‌نظر را از موضوع مورد نظر بگیریم. گزارش داستان یا روایتی است از اتفاقی که افتاده، ولی این اتفاق برعکس خبر که تازگی دارد، در گزارش رویداد می‌تواند قبلاً رخ داده باشد یا بعد از این رخ دهد و داغی خبر را ندارد. گزارش بعضی اوقات روایت و سرگذشت یک شخص و بعضی اوقات توصیف و تشریح یک مکان یا پدیده و ... است.

با این دو تعریف مختصر و مفید می‌توانیم به سراغ شاخص‌ها و معیارهایی برویم که این دو قالب ژورنالیستی دارند. بر مبنای این شاخص‌ها آثاری را که نشریات دانش‌آموزی رشد در این زمینه‌ها داشته‌اند نقد و بررسی می‌کنیم.

شاخص‌ها و معیارها در مصاحبه

در مصاحبه قبل از هر چیز ما باید مشقمان را خوب نوشته باشیم، یعنی باید راجع به موضوع یا شخص اطلاعات پیشینه‌ای کاملی را جمع‌آوری کنیم. اگر این کار را نکنیم، دستمان بسته است و یا مصاحبه‌کننده احساس می‌کند ما نسبت به موضوع اشراف نداریم و بنابراین به دانش و توانایی ما اعتماد نمی‌کند. اگر چنین اشراف اطلاعاتی را نداشته باشیم، شاید اصلاً نتوانیم سر صحبت را با مصاحبه‌شونده باز کنیم، چون پیش از شروع رسمی مصاحبه باید گفت‌وگوی صمیمی داشته باشیم و لازمه آن شناخت اجمالی از فرد است. در غیر این صورت در جلب اعتماد اولیه درمی‌مانیم. بعد از این مرحله قاعدتاً باید سؤال‌اتمان را از قبل آماده کنیم یا حداقل محورهای سؤال‌هایمان را آماده کنیم. بعضی از مصاحبه‌شونده‌ها می‌خواهند از قبل سؤالات را ببینند. اگر خیلی اصرار کنند، می‌توان سؤالات را نشان داد، اما لزومی ندارد گفت‌وگو را محدود به سؤال‌هایی که دیده‌اند کنیم. می‌توانیم و باید سؤال‌های فی‌البداهه هم بپرسیم که به درگیرانه و چالشی شدن مصاحبه کمک بسیاری می‌کند.

در مورد ضبط مصاحبه و یادداشت کردن نکات مصاحبه، معمولاً آدم‌هایی که با آن‌ها مصاحبه می‌کنیم نسبت به ضبط واکنش نشان می‌دهد و خودشان را محدود می‌کنند. بهتر است اجازه بگیریم و

اگر هم اجازه داده شد، دستگاه ضبط را جلوی چشم نگذاریم تا حس بدی نداشته باشد. حتی وقتی می‌خواهیم یادداشت کنیم نگاه مستقیم به چشم فرد نکنیم تا فکر نکند هر چه می‌گوید مثل سند ثبت می‌شود و خودش را سانسور کند.

سؤالات

هر چه سؤالات کوتاه‌تر باشند بهتر است. اظهار فضل خبرنگار، مصاحبه‌شونده را اذیت می‌کند و به اعتماد به نفس او ضربه می‌زند. سؤالات سخت را در ابتدای مصاحبه نباید پرسید. بهتر است اگر انتقادی نسبت به دیدگاه مصاحبه‌شونده داریم از قول خودمان مطرح نکنیم و به دیگران نسبت دهیم. همچنین، بهتر است چند سؤال را با هم مطرح نکنیم. این کار مشکل ایجاد می‌کند و تمرکز روی یک موضوع یا نکته بهتر است. در بعضی مواقع اجازه بدهیم فضای سکوتی حاکم باشد تا گفت‌وگو روال منطقی خودش را پیش ببرد. بعضی مواقع ما به‌عنوان خبرنگار حرف‌های مصاحبه‌شونده را متوجه نمی‌شویم. در این جا نباید از کنار مسئله به سادگی گذشت و می‌توان سؤال کرد تا منظور فرد را کاملاً متوجه شویم. البته هر چه غیرمستقیم‌تر بپرسیم بهتر است. سؤالات نباید بسته باشند، یعنی نباید فرد را تحت فشار قرار دهیم تا یک جواب مشخص بدهد. معمولاً آخر هر مصاحبه به عنوان سؤال پایانی می‌توانیم نظر کلی مصاحبه‌شونده را جویا شویم.

تنظیم مصاحبه

قبل از هر چیزی مصاحبه را تیتراژ آن معرفی می‌کند. تیتراژ نقطه آغاز درگیری مخاطب با مصاحبه است و اهمیت بسیاری دارد. می‌توان از جاذب‌ترین حرف مصاحبه‌شونده برای انتخاب



است و تنظیم آن دشوار است. شاید یکی از مجلات که بیشترین مصاحبه را دارد، مجله رشد جوان است. تقریباً در هر شماره چند مصاحبه آمده و در مجموع هم مصاحبه‌های خوبی دارد، اما آن عاری از نقص و کاستی نیست. در شماره اول رشد جوان (مهر ۱۳۹۴، ص ۲ و ۳)، با سه نفر گفت‌وگو شده است که قابلیت گزارش را دارد و می‌توانست به شکل گزارش تنظیم شود. در این مورد خاص سراغ هنرستانی رفته‌اند که بچه‌ها در حال یادگیری تولید کاشی هفت رنگ هستند، ولی این موضوع به گفت‌وگو با سه نفر محدود شده است. گرچه این امکان بود که با استادکار هم گفت‌وگو کند و جزئیاتی از فضای کارگاه را هم بگوید. این مصاحبه با توجه به اشاره‌اش، به نظر می‌رسد می‌خواهد راه جایگزینی در برابر غول کنکور پیش پای دانش‌آموزان بگذارد، اما این راه دقیق و همه‌جانبه تشریح نشده و به مصاحبه با سه دانش‌آموز محدود شده است. شاید بگوییم، معرفی رشته‌های کاری وظیفه مجله رشد آموزش فنی و حرفه‌ای است، اما این نگاه تجزیه‌ای و تقلیل‌گرایانه که هر بخش یک موضوع را به یک مجله بسپاریم، موجب می‌شود دانش‌آموز پیام کلی ما را نگیرد. در مجموع، کار خوبی انجام شده است، مثلاً کادرهای خوبی برای این مطلب گذاشته شده که برخی از ضعف‌ها را جبران کرده است. یک کادری درباره بازار کار این حرفه است، کادری دیگر درباره موفقیت یکی از دانش‌آموزان و یک تاریخچه خیلی کوتاه هم از کاشی‌کاری درج شده است. اگر همه این اجزا را با هم جمع کنیم، با توجه به موضوع قابلیت یک گزارش خوب را داشته، در حالی که تنها به گفت‌وگو با سه نفر بسنده شده است. مصاحبه دیگری در این شماره آمده است با عنوان «انگشتانی که می‌بینیم» (ص ۸ و ۹). تیتیر فوق‌العاده است، ولی این مطلب مثل مصاحبه قبل، قابلیت گزارش دارد. موضوع به

تیتیر استفاده کرد، یا کوتاه‌ترین جمله و نقل قول وی را تیتیر کرد. از آن‌جا که تیتیر پیشنهادی مطلب، پل ارتباطی و نقطه درگیری خواننده با مصاحبه است، باید خیلی در انتخاب آن دقت کرد. بعد از تیتیر، باید بخش «اشاره» را به خوبی تنظیم کنیم. اشاره خیلی کوتاه اما مهم است. در اشاره باید موضوع مصاحبه و شخص مصاحبه‌شونده را معرفی کنیم. نقطه عطف مصاحبه و سؤالات خودمان را روشن کنیم. باید به دیدگاه و نقطه نظر اصلی مصاحبه‌شونده هم اشاره کنیم و فضای مصاحبه را بازتاب بدهیم. در تنظیم ساختار مصاحبه باید حواسمان باشد که همیشه مصاحبه را به شکل سؤال و جواب تنظیم نکنیم. مصاحبه می‌تواند به شکل گزارش هم تنظیم شود.

نقد مصاحبه‌ها در رشد‌های دانش‌آموزی

با این مقدمات، می‌توانیم به مصاحبه‌هایی که مجلات دانش‌آموزی رشد داشته‌اند نگاهی بیندازیم تا ببینیم چه میزان این قواعد را رعایت کرده‌اند. در نشریات رشد به طور کلی مصاحبه کم است و بعضی از نشریات اصلاً قالب مصاحبه ندارند. این یکی از نقطه‌ضعف‌های نشریات رشد است. چرا که مصاحبه در کار رسانه‌ای بسیار مهم است و باید در مجلات رشد بیشتر استفاده شود. البته در مجلات دانش‌آموزی اشکال و قالب‌های دیگری از کار مطبوعاتی هست، اما مصاحبه در مجموع کم است و میزگرد هم به ندرت به چشم می‌خورد. میزگرد کار سخت‌تری

پیش از شروع رسمی مصاحبه باید
گفت‌وگوی صمیمی داشته باشیم و لازمه آن
شناخت اجمالی از فرد است



تیتیر نقطهٔ آغاز درگیری مخاطب با مصاحبه
است و اهمیت بسیاری دارد. می‌توان از
جاذب‌ترین حرف مصاحبه‌شونده برای
انتخاب تیتیر استفاده کرد، یا کوتاه‌ترین
جمله و نقل قول وی را تیتیر کرد

ص ۴ و ۵). اما به نظر می‌آید که این کار حالت مصاحبه نداشته باشد و بخشی از یک گزارش باشد، چون با مصاحبه‌کننده درگیر نمی‌شود، سؤالات چالشی نمی‌پرسد و کار بیشتر به یک متن مکتوب یا شرح حال شبیه است.

البته این مصاحبه خواندنی است و خلاقیت و ابتکار هم دارد، ولی ضرورت داشت شخصی به این بزرگی، خیلی بهتر و بیشتر و دقیق‌تر از این‌ها معرفی می‌شد، چون منتخب دانشگاه کمبریج و دانشمند نمونهٔ جهان بوده و آدم مهم و برجسته‌ای است. با وجود این اهمیت، معرفی خوبی از این شخصیت صورت نگرفته و به خیلی از مسائل در مورد

یک مجتمع نابینایان و هنرجویانی بر می‌گردد که کارهای دستی انجام می‌دهند. در شروع مصاحبه آمده است: مجتمع نابینایان شهید محبی بی‌شبهات به یک بوستان نیست. ورودیهٔ گزارش می‌توانست بسیار جذاب‌تر از این و به نحوی باشد که به صورت مستقیم به اسم مجتمع اشاره نکند تا مخاطب در پایان خودش آن را کشف کند. در این گفت‌وگو موضوع چندان باز نشده است. بهتر بود به جزئیات بیشتری پرداخته می‌شد. گفت‌وگوی دیگری با عنوان «حرف‌های روی پرده» نیز در این شماره به چشم می‌خورد که از بهترین گفت‌وگوهاست. در صفحهٔ ۳۶ شمارهٔ مهر ۹۴ گفت‌وگویی با یک نوجوان شده که نویسنده و کارگردان است. دو کادری خوب دارد، یکی دربارهٔ معرفی نویسنده و یکی دربارهٔ نوشتن فیلم‌نامه. اما باز اشاره را خیلی بهتر از این می‌شد نوشت. گویا اشاره بیش از این که برای این مطلب نوشته شده باشد، برای کل مطالبی نوشته شده است که قرار است بعداً زیر این عنوان بیاید. یعنی اختصاص به این مصاحبه ندارد و به کل گفت‌وگوهایی که قرار است در این ژانر خاص بیاید برمی‌گردد. دربارهٔ چگونگی ساخت فیلم در این مصاحبه به جزئیات پرداخته نشده که این هم یکی از مشکلات آن است. مشکل دیگر این است که گزارشگر، نویسنده را یکبار در کادر معرفی کرده و یکبار هم در خود مصاحبه این معرفی تکرار شده است. این که در ابتدای مصاحبه از مصاحبه‌شونده بخواهیم خودش را معرفی کند اشتباه و نشانهٔ این است که ما آن مشق اولیه را خوب انجام نداده‌ایم. ما به عنوان خبرنگار باید از قبل مصاحبه‌شونده را کامل بشناسیم و از دانسته‌هایی که در مورد او داریم به صورت غیرمستقیم در طرح سؤالات استفاده کنیم.

مجلات دیگر هم مصاحبه داشته‌اند. رشد نوجوان یک مصاحبه با خانمی دارد که پانزده اختراع داشته است (مهر ۹۴،

او اشاره‌ای نشده است. من مصاحبه دیگری در مجلات دانش‌آموزی رشد ندیدم. بنابراین، ما یک شبه مصاحبه یا مصاحبه مکتوب در رشد نوجوان و سه مصاحبه در رشد جوان داشتیم که هر یک ضمن نقاط قوت، از نظر شاخص‌های مصاحبه، کمی و کاستی‌هایی داشتند.

با توجه به کمبود قالب مصاحبه در این مجلات، حس می‌کنم در سایر مجلات دانش‌آموزی هم به گفت‌وگوهای کودکان‌ای نیاز است تا رابطه با مخاطبان تسهیل و تقویت شود. اگر بتوانیم در مجلات رشد کودک، نوآموز و دانش‌آموز گفت‌وگوهایی با خود کودکان داشته باشیم و کودک خودش را در مجله ببینند، همراهی و همدلی بیشتری با مجله نشان می‌دهد، اما این که چگونه این کار را انجام دهیم هنر کسانی است که در حوزه ادبیات کودک و نوجوان کار می‌کنند. البته گفت‌وگو با کودکان کار سختی است. برای گفت و گو با کودکان باید به قول شاعر زبان کودکی گشود و این نکته نشان می‌دهد گفت‌وگو با کودکان تکنیک‌های خاص خود را دارد. کودک امروز با کودک چند سال پیش خیلی فرق می‌کند. ما باید با تحول بچه‌ها همراه باشیم و زبان و دنیای کودکان را بفهمیم تا بتوانیم با آن‌ها گفت‌وگو کنیم.

شاخص‌ها و معیارهای گزارش‌ها

گزارش داستان یا روایتی است که اگرچه زمان ندارد، اما در مورد رویدادهایی است که در همین نزدیکی‌ها اتفاق افتاده‌اند. یعنی حداقل باید در ظرف زمانی مجله اتفاق افتاده باشد. گزارش ممکن است از شخص، مکان یا رویدادی باشد. در گزارش اولین تأکید روی توصیف است.

این موضوع برای مجلات دانش‌آموزی خیلی مهم است. ما در گزارش بی‌طرف هستیم و سعی می‌کنیم روایت خیلی صادقانه و بی‌طرفانه‌ای از موضوع داشته باشیم. بنابراین گام اول گزارش توصیف است. این توصیف هرچه دقیق‌تر و با جزئیات بیشتری همراه باشد و شکل روایی و داستانی داشته باشد، به جذابیت و کشش مخاطب برای پیگیری ماجرا می‌افزاید. استفاده از نقل قول خیلی مهم است. نقل قول‌ها کدهای طلایی برای مستند و مستدل کردن گزارش هستند. استفاده از نقل قول در همه‌جای گزارش ضروری است. گفت‌وگو با افراد درگیر موضوع در گزارش نیز مهم است و صدای آن‌ها باید در سراسر گزارش شنیده شود، یعنی گزارش تک‌گویی و مونولوگ نیست، بلکه دیالوگ و گفت‌وگو است. رنگ‌آمیزی هم در گزارش مهم است و به آن جان می‌دهد. رنگ یعنی جزئیات ریز و مهمی که ما را به صحنه می‌برد و می‌توانیم صحنه و فضایی را که واقعه در آن رخ داده است حس کنیم، این کار به سناریوپردازی نزدیک می‌شود. ما باید بیش از این که حرف بزنیم نشان دهیم و با کلمات تصویرسازی کنیم. استفاده از پیشینه و گذشته موضوع بخش دیگری است که نگاه فرایندی و تحلیلی به خواننده می‌دهد. ما باید تاریخچه را در گزارش پخش کنیم و از طرح آن به شکل یک بخش مستقل و بدون ارتباط و گره خوردن با سایر اجزای

گزارش بپرهیزیم. بعد از انجام این مراحل و مقدمات باید بتوانیم اطلاعات مختلف را دسته‌بندی کنیم و پیوندی بین آن‌ها برقرار کنیم و به گزارش ساخت و بافت بدهیم.



ساختار گزارش

در گزارش باید تعادل، تناسب و بی‌طرفی را رعایت کنیم، به‌ویژه زمانی که دیدگاه‌های متقابل را ذکر می‌کنیم. در گزارش هم تیتیر خیلی مهم است و اولین جایی که مخاطب با آن درگیر می‌شود، تیتیر است. تیتیر جوهر و جان گزارش و اولین نقطه درگیری مخاطب با آن است.

متأسفانه در انتخاب تیتیرها کم‌تر دقت می‌شود. هرچه تیتیر کوتاه‌تر، گویاتر و جذاب‌تر و با ضرباهنگ باشد مناسب‌تر است و مخاطب را بیشتر جذب می‌کند. بعد از تیتیر ورودیه گزارش را داریم. نقش ورودیه در گزارش بسیار اساسی و بنیادی است. در نوشتن ورودیه، تصویرسازی و سناریو سازی بسیار مهم است. معمولاً تصویر را ابتدا از یک مصداق شخصی و موردی از موضوع گزارش می‌دهند و سپس آن مصداق را باز می‌کنند. این تکنیک جذابی هم برای عینیت بخشی به موضوع و هم جذاب و خواندنی کردن گزارش است. در گزارش ما کمابیش با اخبار اجمالی آن‌چه اتفاق افتاده آشنا هستیم اما جزئیات و زوایای مختلف آن را نمی‌دانیم. خلاقیت‌های تحلیلی و قلمی گزارشگر است که اجزای پراکنده موضوع را در بافت و ساختی منسجم روایت و

گزارش را خواندنی و جذاب می‌کند. یک مثال از یک گزارش خوب چنین است: «مرد ساکش را پر از سبزی می‌کند و به زور آن را بار قاطر می‌کند. بعد از ۹ ساعت که به بازار می‌رسد، نیمی از محصولی که برداشت کرده گندیده است و فقط چند پنی پولدارتر شده است.» این شروع گزارشی درباره فقر است. نمونه‌ای دیگر: «شاید برای زیگموند فروید سخت بوده باشد تصور کند کیلومترها دورتر از زادگاهش، یعنی اتریش، نامش به اندازه سلطان رقص تانگو برسر زبان‌هاست.» این گزارش درباره افزایش تعداد روان‌شناسان در بوئنس آیرس است. در این‌ها از برش خاص یا مصداق استفاده شده است، اما اشکال دیگری از ورودیه و شروع هم وجود دارد. به صورت کلی، شامل برش جزئی، ورود به اصل مطلب، تأخیر در نقطه اوج، استفاده از فلاش‌بک، روایت کردن وقایع، استفاده از طنز و حکایت و ... است. در مرحله بعد ساختار گزارش مهم است. ساختار نحوه روایت و چیدمان اطلاعات و برقراری ارتباط وثیق بین اطلاعات است به‌طوری که یک کل منسجم روایی یا به عبارتی پی رنگ گزارش را شکل بدهد. نحوه روایت و جذابیت نثر و قلم وقتی در ساختار گزارش با هم ترکیب می‌شوند به اطلاعات پراکنده و شاید کهنه معانی تازه و جدیدی می‌دهند و اثری را خلق می‌کنند که برای مخاطب جذاب، دلنشین و خواندنی است.

نقد گزارش‌های رشد

با این مقدمه و معیارها، نگاهی به گزارش‌های مجلات دانش آموزی رشد می‌اندازیم. من چند مورد از گزارش‌ها را

گفت‌وگو با کودکان کار سختی است. برای گفت و
گو با کودکان باید به قول شاعر زبان کودکی گشود
و این نکته نشان می‌دهد گفت‌وگو با کودکان
تکنیک‌های خاص خود را دارد

دیده‌ام. در مجله شماره یک رشد جوان (مهر ۹۴، ص ۴۰ و ۴۱) گزارش گونه‌ای درباره زندگی همسر امام خمینی (ره) آمده که می‌توانست گزارش خوبی باشد. این گزارش نکات خیلی جالبی دارد، ولی بیشتر برش‌هایی از زندگی‌نامه است و انسجام روایی در آن وجود ندارد. نقطه مقابل این کار یک گزارش خیلی خوب دیگر در همین مجله است، به اسم «خانمی که شما باشید» (مهر ۹۴، ص ۶ و ۷)، که درباره زنان است، و رودیه این گزارش هم می‌توانست خیلی بهتر از این باشد. و رودیه ضربه‌نگ ندارد، بعضی از قسمت‌ها هم به خوبی توضیح داده نشده‌اند، اما خود گزارش بسیار زیباست و نگاه نویی دارد.

در رشد نوجوان گزارش خوبی با عنوان «پاتوق فکر» آمده است (مهر ۹۴، ص ۲ و ۳)، که می‌توانست شروع بهتری داشته باشد. شروع خیلی مستقیم است. مشکلات دیگری هم دارد، مثلاً درباره کتاب‌های این کافه کتاب چیزی گفته نشده و بعضی از مسائل باز نشده است، ولی از نمونه‌های خوب است.

رشد برهان ریاضی دوره متوسطه اول هم مطلبی دارد به نام «خانه ریاضیات زنجان» (مهر ۹۴، ص ۳۶، ۳۷ و ۳۸) که گزارش نیست، ولی قابلیت یک گزارش مکان خوب را دارد. علاوه بر این، شرح حال نظام‌الدین غفاری کاشانی در همین

شماره از مجله (مهر ۹۴، ص ۳۰ تا ۳۳) هم می‌توانست یک گزارش خوب از شخص باشد، اما چنین نشده است و شکل روایت آن مناسب نیست.

مجله رشد دانش آموز هم دو کار دارد که هردو استعداد گزارش شدن دارند. یکی «ژاپن کشور آفتاب تابان» که اگر روایتی تر بود زیباتر می‌شد، یکی هم «نگران چپ و راست نباشید» که با تیتیر فوق‌العاده‌اش، قابلیت گزارش شدن داشت، ولی شبیه مقاله شده است. در حالی که اگر صورت روایی داشت و صدای آدم‌ها بیشتر شنیده می‌شد، بهتر بود. رشد نوآموز هم مطلبی دارد به نام «موزه من» که قابلیت و استعداد گزارش شدن دارد، ولی این کار نشده است.

در مجلات رشد برهان ریاضی می‌توانیم درباره بچه‌هایی که از ریاضیات یا پای تخته می‌ترسند گزارش بگیریم. اصولاً من فکر می‌کنم دانش و آموزش با سؤال شروع می‌شود. با وجود این ما در مجلات رشد با مسئله شروع نمی‌کنیم و به سراغ مشکلات آموزشی بچه‌ها نمی‌رویم. من این نگاه مسئله‌مدار را در حوزه آموزش در مجلات کمتر دیده‌ام. نگاه خنثی دانش‌آموزان را درگیر نمی‌کند، اما وقتی سوژه مسئله‌مدار باشد، دانش‌آموز احساس نیاز می‌کند. علاوه بر اشکال مکتوب، گزارش می‌تواند تصویری باشد و شکل فتورمان هم داشته باشد یا شکل اینفوگراف به خودش بگیرد که بسیار جذاب و خواندنی می‌شود، اما چنین قالب‌هایی از گزارش را کمتر در مجلات رشد می‌بینیم.

با توجه به نتایج این بررسی ضرورت دارد مجلات رشد به قالب‌های تعاملی مصاحبه و گزارش بیش از این‌ها بپردازند تا خواندنی‌تر و جذاب‌تر شوند و پیام‌های آموزشی و تربیتی آن‌ها بهتر از جانب دانش‌آموزان درک و دریافت شود.

داستان داستان

گزارش نشست «جایگاه داستان و ابعاد تربیتی آن»
با حضور حبیب یوسفزاده



..... اشاره
در جلسات شورای سردبیری مجلات رشد که در روزهای ۱۲ و ۱۸ خرداد ۹۴ برگزار شد، به موضوع «جایگاه داستان و ابعاد تربیتی آن» پرداخته شد.
در این جلسات، نخست حبیب یوسف‌زاده، ناظر محتوایی مجلات رشد، دیدگاه عمومی خود را بیان کرد. سپس سردبیران مجلات رشد به اظهار نظر پرداختند.

داستان‌های بزرگ، انسان‌های بزرگ می‌پرورند %



حبیب یوسف‌زاده: همه ما اهمیت داستان را کمابیش می‌دانیم. شاید بارزترین کارکرد داستان را بتوان در داستان‌های «هزار و یک شب» جست‌وجو کرد. داستان‌های حیات‌بخشی که شهرزاد قصه‌گو با گفتن آن‌ها فرصت زندگی خود و دختران شهرش را روزه‌روز تمدید می‌کند و هر شب برای منحرف کردن پادشاه خونریز از کشتن دیگران، طرحی نو می‌اندازد تا اینکه در نهایت روح پریشان او را درمان می‌کند. این داستان‌ها به طور نمادین نجات‌بخش بودن قصه و داستان و امکان تأثیرگذاری آن بر روح و جان آدمیان را گوشزد می‌کند.

در دنیای امروز نیز صاحب‌نظران هر روز بیش از پیش در این باور راسخ‌تر می‌شوند که قصه و داستان می‌تواند احساسات

و عواطف مخاطبان را جهت دهد. در تأیید این معنی سخنان بسیاری گفته شده است که این عبارت‌های برگرفته از کتاب «افسون افسانه‌ها» اثر **پرنو بتلهایم** از آن جمله‌اند:

- داستان‌های بزرگ، انسان‌های بزرگ می‌پرورند.
- با داستان می‌توان عواطف انسانی را در جهت خاصی هدایت کرد.

- اگر عواطف گروه کثیری را کنترل و فیلتر کنید، می‌توانید بر درک آن‌ها از واقعیت اثر بگذارید.

- بدون تخیلات امیدبخش، ما برای مقابله با شوربختی‌های زندگی توان کافی نخواهیم داشت. کودکی دورانی است که باید این تخیلات در آن تغذیه شوند.

- بسیاری از جوانانی که امروز به رؤیاهای انگیزنده از مواد مخدر پناه می‌برند، مرید یک مرشد می‌شوند، به طالع‌بینی روی می‌آورند و رؤیاهایی در زمینه تجربیات جادویی که گویی زندگی‌شان را بهتر خواهد کرد می‌بافند، پیش از موقع وادار شده‌اند که واقعیات را به طریق بزرگ‌ترها ببینند.

بتلهایم با این سخنان اهمیت افسانه و قصه را توضیح می‌دهد و این که باید به بچه‌ها اجازه دهیم بچگی کنند. او بیان می‌کند که افسانه‌ها چه تأثیری در یکپارچه‌سازی شخصیت کودکان دارند. روان‌شناسان شخصیت انسان را به سه بخش «نهاد»، «من» و «برمن» تقسیم می‌کنند. انسان یک ضمیر آگاه دارد که فعالیت‌های روزمره را کنترل می‌کند، یک ضمیر ناخودآگاه دارد که ابرمن است و یک سیستم عامل که ارتباط بین این دو را برقرار می‌کند. بتلهایم اشاره می‌کند که افسانه‌ها و داستان‌ها می‌توانند این سه بخش شخصیت را به یکپارچگی برسانند و بین آن‌ها ارتباط برقرار کنند.

وی در خصوص نگاه خاص کودکان به واقعیتهای هستی می‌گوید: «اگر به کودک بگوییم که زمین در فضا معلق است

و بر اثر نیروی جاذبه خورشید به دور آن می‌چرخد، اما روی خورشید نمی‌افتد، بر خلاف کودک که به زمین می‌افتد، او را گیج کرده‌ایم. تجربه به کودک می‌گوید که هر چیزی باید به چیز دیگر تکیه داشته باشد. به همین دلیل توضیح اسطوره‌ای را که می‌گوید زمین روی لاک‌پشت قرار دارد یا گویی آن را نگه داشته است، بهتر می‌پذیرد.»

سپس به تصویر اشاره می‌کند و می‌گوید: «داستان مصور بخش بزرگی از معنای شخصی را که ممکن است به کودک ببخشد از دست می‌دهد؛ کودکی که باید به جای تداعی‌های بصری تصویرگر فقط تداعی‌های خود را در داستان به کار گیرد. وقتی تخیل تصویرگر، نه تخیل کودک، به چهره‌ها و رویدادهای قصه تجسم می‌بخشد، قصه معنای شخصی خود را به میزان زیادی از دست می‌دهد. میزان فخامت داستان به میزان مشارکت خوانندگان با آن بستگی دارد؛ مشارکت از طریق همزادپنداری و مشارکت از طریق لذت کشفی که در داستان تجربه می‌کند.»

داستان یا زنگوله؟ §

به این داستان توجه کنید. یکی از روزها مردی به یک پرنده‌فروشی رفته بود تا یک طوطی سخنگو بخرد. پرنده‌فروش طوطی‌ها را به مشتری نشان می‌داد و خصوصیات هریک را توضیح می‌داد: «این یکی کتاب انجیل را از حفظ می‌خواند اما قیمتش کمی بالاست، این یکی قبلاً مال یک ملوان بوده و کمی بددهن است. به درد آدم باشخصیتی مثل شما نمی‌خورد، این یکی...

بتلهایم با این سخنان اهمیت افسانه و قصه را

توضیح می‌دهد و این که باید به بچه‌ها اجازه دهیم

بچگی کنند



مرد حرفش را قطع کرد و گفت، من پرنده‌ای می‌خواهم که خودم تربیتش کنم و به او زبان یاد بدهم. فروشنده یک دوره فشرده برای مشتری گذاشت که چگونه به طوطی زبان یاد بدهد و آن را در یک قفس نسبتاً بزرگ تحویل مرد داد. مرد پس از چند روز به پرنده‌فروشی برگشت و گله کرد که طوطی‌اش یک کلمه هم نگفته است و می‌خواهد آن را پس بدهد. پرنده‌فروش گفت: احتمالاً پرندۀ بیچاره به محیط جدید عادت نکرده است و احساس تنهایی می‌کند. باید آینه‌ای در قفسش بگذاری تا از تنهایی دربیاید و شروع به حرف زدن کند. چند روز بعد سر و کله مشتری دوباره پیدا شد و گفت:

«پرندۀ لام تا کام حرف نمی‌زند. شاید بعضی پرنده‌ها مثل بعضی آدم‌ها لال باشند. این بار فروشنده با چرب‌زبانی زنگوله‌ای به مرد داد تا در قفس پرندۀ آویزان کند و گفت: «شاید صدای زنگوله پرندۀ را به وجد بیاورد و صحبت کند.»

اما این کار هم بی‌فایده بود. خلاصه در طول داستان پرندۀفروش انواع ترفندها را پیشنهاد کرد، اما هیچ‌کدام در به حرف آوردن طوطی کارگر نیفتاد. تا اینکه یک روز مشتری



با یک جعبه کفش-که در حکم تابوت طوطی بود- از راه رسید و گفت: «طوطی مُرد. باید پولم را پس بدهی.»
فروشنده با حیرت پرسید: «واقعاً این طوطی بیچاره چیزی نگفت؟»

مرد جواب داد: «چرا، در لحظه آخر که کف قفس افتاده بود و داشت جان می داد، چیزی

به زبان آورد. البته با زحمت شنیدم که می گفت: «غذا غذا!!!»
نتیجه اینکه، داستان‌ها به لحاظ تأثیرگذاری طیف‌های متفاوتی دارند، بعضی‌ها آینه هستند، بعضی‌ها زنگوله و بعضی‌ها که البته فراوان نیستند، حکم غذا را دارند. گرچه هر داستانی به طور بالقوه قابلیت تأثیرگذاری روی مخاطب را دارد، اما همان‌طور که پرنده غذا می‌خواهد. مخاطب داستان به دنبال معنی و آن چیزی است که روحش را تغذیه کند. چنانکه امام علی (ع) می‌فرماید: «روح‌های شما مانند جسمتان گرسنه می‌شوند. روح خود را با سخنان حکمت‌آمیز سیر کنید.»

داستان‌هایی که ارزش غذایی دارند، واقعیت‌های ذهنی ایجاد می‌کنند و این واقعیت‌ها به تدریج موجب تغییر رفتار در مخاطب می‌شوند. یعنی همان‌طور که گفته شد، اگر عواطف گروه کثیری را کنترل و فیلتر کنیم، می‌توانیم بر درک آن‌ها از واقعیت اثر بگذاریم. نمود روشن این موضوع را در رسانه‌ها می‌بینیم. مثلاً رسانه‌های مزدور غربی را می‌بینیم که با دستگاه زر و زور و تزویر کاملاً هماهنگ عمل می‌کنند. به طور مثال، با بوق و کرنا گوش جهانیان را پر می‌کنند که صدام حسین، دیکتاتور عراق زاغه‌های سلاح‌های کشتار جمعی دارد و تهدیدی جدی برای امنیت و صلح جهانی است و ... به این ترتیب، با اینکه ادعای مذکور هرگز به اثبات نمی‌رسد، اما جاده را برای نفوذ در منطقه صاف می‌کند. به عبارت دیگر در اوضاع کنونی، نظام‌هایی بیشتر سلطه دارند که امکانات داستان‌پردازی بهتری در اختیار دارند.

دوران طلایی کودکی %

در مورد کودکان شاید بتوان داستان‌های خوب را به مواد نگهدارنده در مواد غذایی تشبیه کرد. یعنی این



تصویرگر: عاطفه فتوحی

راستی: زبان ارتباطی بچه‌ها قصه است. حتی می‌بینیم در کارهای آموزشی هم از قالب قصه استفاده می‌شود

قابلیت را دارند که همچون یک «شبه‌ساز زندگی» عمل کنند و کودکان را در برابر چالش‌های زندگی و آسیب‌های احتمالی مقاوم‌تر کنند.

نکته خیلی مهم این است که تأثیر داستان بر مخاطب از خردسالی به بزرگسالی رفته‌رفته کمتر می‌شود. طلایی‌ترین فرصت تأثیرگذاری داستان بر مخاطب، دوران خردسالی است. علتش هم این است که آن سه بخش شخصیت که در ابتدای بحث اشاره شد (نهاد، من، ابرمن) در کودک هنوز تفکیک نشده است. کودک جویبار جاری در قصه را جان‌دار می‌بیند. حتی تصاویر دو بعدی از نظر کودک جان‌دارند. به همین دلیل، تأثیربخشی داستان در این دوران فوق‌العاده است. بنابراین، رسانه‌های دیداری و مکتوب همچون مجلات دانش‌آموزی رشد، به‌ویژه رشدهای کودک و نوآموز، از این جهت مأموریت ویژه و حیاتی دارند.

نکته دیگری که بسیار حائز اهمیت است، حضور انسانیت در قصه است؛ به این معنا که مخاطب با خواندن قصه مبانی اخلاقی و ارزشی را دریافت کند. هرچه قصه به سمت معنا و تحلیل پیش برود، اثرش روی مخاطب ماندگارتر است. سؤال این است که وقتی داستان را به عنوان غذای روح تلقی می‌کنیم، چه رویکردی در پیش گرفته‌ایم که ارزش غذایی داستان‌های ما بالاتر برود؟ خوشبختانه در سال‌های اخیر، مجلات دانش‌آموزی ما گام‌های مؤثری برای تحقق این امر برداشته‌اند. یعنی نه تنها پیرو الگوهای تعریف‌شده سنتی و کلیشه‌ای نیستند، بلکه تلاش می‌کنند الگوها و مصادیق خوب ارائه دهند. هم به لحاظ ساختار و هم رویکردی که نسبت به قصه و داستان وجود دارد، حس می‌شود با یک جهش و تحول در مجلات دانش‌آموزی روبه‌رو

هستیم. به‌طور مثال، در رشد کودک قصه‌ها از خلاقیت بالایی برخوردارند. یکی از ویژگی‌های بسیار جالب رشد کودک این است که قریب به اتفاق مطالبش قصه است. حتی شعرش هم داستان دارد و در اغلب قصه‌ها نگرش تربیتی حاکم است؛ آن‌هم به صورتی جذاب و سرگرم‌کننده. با مرور این قصه‌ها مشاهده می‌شود که چقدر مهارت‌های شناختی کودک تحت تأثیر قرار می‌گیرند و به خودشناسی و خداشناسی، حق‌جویی، درستکاری و راست‌گویی، محبت به هم‌نوع و حس تعهد و وفای به عهد او کمک می‌کنند.

قصه یعنی بچه، بچه یعنی قصه %

مجید راستی، سردبیر مجله رشد کودک: قصه یعنی بچه و بچه یعنی قصه. ما از هر دری که بخواهیم وارد شویم، باز می‌بینیم فرم قصه‌ای و نگاه قصه‌ای وجود دارد. زبان ارتباطی بچه‌ها قصه است. حتی می‌بینیم در کارهای آموزشی هم از قالب قصه استفاده می‌شود. ولی خیلی از کارهای آموزشی، چون نویسندگان توانایی کافی برای قصه خوب نوشتن ندارند، همان کارهای آموزشی صرفی که ظاهر قصه دارند، به نوعی در شکل و اساس و اهمیت قصه تأثیر منفی می‌گذارند؛ هرچند به هر حال از آن هم استفاده می‌برند، چون بچه راحت‌تر خودش را در اختیار حرفی قرار می‌دهد که راوی یا نویسنده بازگو می‌کند. ما در مجله چند نگاه را دنبال می‌کنیم. یک بخش چهار صفحه‌ای قصه است که در آن دوستان به‌طور ویژه به هم‌فکری و نقد می‌پردازند. در آن کارها بیشتر به سراغ فرم رفته‌ایم، چون یکی از زمینه‌هایی که همیشه باید روی آن کار شود فرم است. من همیشه می‌گویم مفاهیم تکراری هستند و انسان حرف تازه‌ای برای گفتن ندارد. ولی همین حرف‌های تکراری باید گفته شوند و برای این که جذابیت پیدا کنند باید به سراغ فرم‌هایی برویم که بتواند جذابیت امروزی برای مخاطب ایجاد کند.

در بخش‌های دیگر به مفاهیم توجه ویژه می‌شود، البته با حفظ تنوع کار. اعتقاد من این است که باید تا می‌توانیم تنوع را در شکل‌های گوناگون حفظ کنیم. اگر بخواهیم به مفاهیم هم اشاره‌ای کنم، خیلی موافق نیستم که به صورت مستقیم در قصه حرف بزنیم. مهم حسی است که به مخاطب می‌دهیم. ما سعی کرده‌ایم به محبت و دوست داشتن توجه ویژه داشته باشیم. حتی گاهی زیاده‌روی هم می‌کنیم و این عمدی است، به این دلیل که متأسفانه شرایط امروز جامعه ما ناامیدی و یأس است و واقعیت‌ها تلخ‌اند. صداها و لحن‌هایی که بچه‌ها می‌شنوند، مقدار زیادی‌شان برایشان ناخوشایند است. پس برای پر کردن کاستی‌ها باید از قصه‌ها مدد گرفت و نیروهای ذهنی مخاطب را برای مواجهه با ناهنجاری‌ها تقویت کرد.

ما در قصه‌هایمان به محبت و دوست داشتن، به عنوان یکی از اصلی‌ترین محورها بها می‌دهیم و از زوایای مختلف به آن نگاه می‌کنیم؛ مفاهیمی که هم برای بچه قابل فهم است و هم می‌تواند خودش مصادیق متعدد آن پیدا کند. ما سعی می‌کنیم به مفاهیم اهمیت کافی بدهیم و بیشتر در حوزه‌های شاد به دنبال آن‌ها باشیم. حتی غم و اندوه را هم با دنیای کودک مطرح می‌کنیم.

حوزه تخیل هم به اعتقاد من یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های بچه است و تا آن‌جا که می‌شود باید روی آن کار کرد. تخیل در واقع کنار گذاشتن همه محدودیت‌هایی است که به نوعی به بچه بی‌اعتمادی را منتقل می‌کند. ولی اگر آن محدودیت به بازی تبدیل شود، همان محدودیت برایش دلنشین می‌شود. بنابراین، مفاهیم انسانی که امید و تلاش در آن‌ها وجود دارد، محور اصلی کار و فعالیت ما هستند.

تقویت حافظه و به‌ویژه تخیل، یکی دیگر از اهداف مجموعه است که می‌کوشند رشد و سلامت بچه را تا می‌تواند قوی‌تر و بیشتر کند تا او با نشاط شود. در این حوزه‌ای که می‌خواهیم بچه

را با نشاط نگه داریم، حرف‌های دیگرمان را هم می‌زنیم، اما هر حرفی که به بچه می‌خواهیم بزنیم، در وهله اول بازی و سرگرمی در آن وجود دارد.

دسته دوم مفاهیمی هستند که بچه باید به مرور یاد بگیرد و بتواند به کمک آن‌ها خودش را بهتر بشناسد. بچه هر چه به قابلیت‌ها و توانایی‌های خودش آگاه شود، حس می‌کند دستش پر است و با اعتماد و شجاعت و اطمینان کاری را انجام می‌دهد. رشد فردی بچه محور اصلی است. بنابراین، می‌کوشیم امید و تلاش و شادی را همراه با حفظ تخیل داشته باشیم. من روی نمایش هم تأکید ویژه می‌کنم. به نظر من، یکی از مهم‌ترین امکاناتی که می‌تواند برای رشد بچه مفید باشد، نمایش است که ما در این زمینه خیلی کمبود داریم.

ذائقه بچه را به داستان عادت دهید §

افسانه موسوی گرمارودی، سردبیر مجله رشد نوآموز:
داستان‌های ما چند بخش هستند: داستان‌هایی که برای مخاطبانی طراحی شده‌اند که خوانش خیلی خوبی دارند و به دنبال مبحثی بالاتر از سطح مجله‌اند. بخشی را هم طراحی کرده‌ایم تا پدر و مادر را درگیر کنیم. ما احساس کردیم بخشی از مسائل تربیتی را که جامعه با آن درگیر است، پدر و مادرها باید بدانند. با این تفکر رسیدیم به اینکه داستانی به اسم «با هم بخوانیم» داشته باشیم. ما به علت تفاوت مخاطب، داستان‌های متنوعی را در مجله می‌گنجانیم. در این گروه سنی کار خیلی سخت است. این که شما ذائقه بچه را به داستان عادت بدهید و بچه بفهمد باید تخیلش را گسترش دهد و بداند که این تخیل نباید رها شود، خیلی هنرمندی می‌خواهد و واقعاً سخت است. اما تمام تلاش‌مان این است که همه اقشار را پوشش دهیم و احساس می‌کنم از زمانی که این تنوع را در داستان‌ها داشته‌ایم، مشکل را کم‌رنگ‌تر کرده‌ایم.

داستان، دنیای شدن است %

کنیم. ولی تولید در این زمینه کاملاً در اختیار ما نیست و جامعه ادبی به این توانایی نرسیده است. در سیستم نشر نیز همین طور است. بالای نود درصد ویتترین های کتابفروشی ها پر از آثار ترجمه ای هستند و سهم قابل توجهی از این آثار ترجمه ای مخصوص گروه «ج» اند.

شهرام شفیعی، سردبیر مجله رشد دانش آموز: عرفا وقتی به حیطه اخلاق رسیده اند همیشه گفته اند اخلاق آن چیزی که گفته می شود نیست. اخلاق گفتن نیست، شدن است. به کارگیری این موضوع در دنیای داستان آن است که داستان، دنیای شدن است و با تمام گونه های دیگری که ما داریم فرق می کند. فرنگی ها اسمش را «درام» می گذارند، یعنی وجه دراماتیک داستان. تأثیری که ما می خواهیم بر مخاطب داستان بگذاریم، باید از طریق شدن باشد. به همین دلیل، نوشتن داستان سخت است. آن «شدن» اخلاقی و عرفانی در داستان به تکنیک ها مجهز می شود. ولی تکنیک ها فرع هستند و مسئله اصلی جوهره داستان گویی است. ما به عنوان ژورنالیست باید درک بسیار پویایی داشته باشیم. نگران پیام و حرف و فرم زدگی ها هستیم و این که به وادی بازی کردن با فرم ها نیفتیم و از آن طرف هم نگرانیم که آن «شدن» اتفاق نیفتد. در مورد رشد دانش آموز، در

طول این چند سال یکی از دغدغه های مهم و اساسی و زیربنایی ما این بوده که چراغ تولید داستان را برای گروه سنی «ج» از طریق رشد دانش آموز روشن کنیم. در ایران داستان خوب برای بچه ها خیلی کم تولید می شود. ما هر سال با تمهیدات خاصی داستان را ارائه داده ایم. کمیت

داستان های تألیفی رشد دانش آموز در حدی نبوده است که در همه شماره ها از نویسندگان ایرانی داستان های تألیفی داشته باشیم. علتش هم فقر جدی است که در این زمینه داریم و باید کمک



تصویرگر: الهه آقامیرعلی اکبری

شفیعی: به نظر من داستان تا زمانی که بشر زنده است کار خواهد کرد

قدیم را ندارد. بی حوصلگی موضوع بسیار مهمی است، آن هم به دلیل ظهور خیلی از فناوری‌ها. نکته‌ای که می‌خواهم بگویم این است که داستان برای مخاطب ما یک صفحه نخواندنی است. بچه‌ها حوصله خواندن ندارند. خوب است در این مورد تأمل کنیم که آیا داستان برای مخاطب ما محبوبیت دارد؟

یوسفزاده: منظور شما این است که ما نیاز به بازنگری در فرم و محتوای داستان داریم؟

قربانی: اگر چه ما اصرار داریم که چراغ ادبیات داستانی را روشن نگه داریم، اما به گمان من داستان کوتاه در میان گروه سنی نوجوان، جوان و بزرگسال دیگر مثل گذشته مخاطب ندارد. باید در مجله رشد فکر جدی‌تری برایش بکنیم. من فکر می‌کنم هنوز در تعریف سنتی داستان مانده‌ایم و نیاز داریم در این حوزه طرح‌های نو دراندازیم.

شفیعی: چرا ما نتوانسته‌ایم مجله داستان دریاوریم؟ همگی ما سودای داستان در سر داریم، ولی به تولید داستان نمی‌انجامد. در صحبت‌های تک تک دوستان خوشبختانه حقایق غیر قابل انکاری وجود دارد. این که ما چطور بتوانیم این‌ها را جمع کنیم و از آن‌ها نتیجه بگیریم مهم است. من به اصل و ذات داستان اعتقاد دارم و به نظر من داستان تا زمانی که بشر زنده است کار خواهد کرد. ولی به اینکه بشر در دوره‌های مختلف بتواند داستان‌های خوب تولید کند باور ندارم. گاهی به دلایل گوناگون این اتفاق نمی‌افتد. به نظر من ما نباید به صورت ساختگی فضای داستان‌گویی و داستان‌خوانی ایجاد کنیم. می‌توانیم برای آینده روی زیرساخت‌ها کار کنیم. آنچه را که الان داریم ارائه دهیم و اگر نداریم بهتر است سکوت کنیم. البته نسبت این مسئله در هر مجله فرق می‌کند. داستان یک شاخص تمدنی است. بنابراین،

یوسفزاده: درباره مجلات رشد نوجوان و جوان نیز باید اشاره کنم که این دو مجله رویکرد مشابهی را در پیش گرفته‌اند و داستان‌هایی به نویسندگان شناخته شده سفارش داده‌اند که درون مایه آن‌ها به دنیای مخاطبان‌شان برمی‌گردد. بخش مکمل آن هم که ویژه این گروه سنی نوشته شده، آموزش‌هایی در حیطه داستان‌نویسی است که آقای ناصرنادری زحمت می‌کشد. به نظرم خیلی اوقات اصرار افراطی داریم که قصه‌هایمان برای این گروه‌های سنی باید حتماً دست اول و نو باشند. یعنی قبلاً در جایی چاپ نشده باشند. فکر می‌کنم چون مخاطبان نو هر دم از راه می‌رسند، در عالم داستان نیز می‌شود تا حد زیادی اغماض کرد و اجازه داد مخاطبان جدید از داستان‌های قدیم لذت ببرند. **شفیعی:** در فرهنگ ژورنالیسم تکرار چاپ شعر گویا هیچ اشکالی ندارد، با این درک درست که نسل جدیدی آمده‌اند و به این شعر خاص در این گروه سنی رسیده‌اند. پس می‌شود با شرایطی تکرار کرد. در مورد داستان نیز همین‌طور است.

حرکتی نو آغاز کنیم

علی اصغر جعفریان، سردبیر مجله رشد نوجوان: باز خوردی که من از بچه‌ها در خصوص داستان‌های مجله دریافت کرده‌ام چندان مطلوب نیست. البته در سال‌های اخیر سعی کرده‌ایم با توجه به موضوعات روز و نیازهای بچه‌ها محتوای قصه‌هایمان را مشخص کنیم و به دوستان سفارش بدهیم و دست نویسندگان را هم باز گذاشته‌ایم. اما به دنبال این هستیم که جلساتی تشکیل بدهیم و با دعوت از نویسندگان جوان، حرکتی نو را آغاز کنیم تا بتوانیم قصه‌های خوبی را برای مجله تدارک ببینیم.

بچه‌ها حوصله خواندن ندارند!

محمد علی قربانی، سردبیر مجله رشد جوان: بین مردم رایج است که می‌گویند: «داستان نگو». یعنی داستان دیگر محبوبیت

شفیعی: تولید داستان کار ساده‌ای نیست؛ نه فقط در ایران، بلکه در دنیا این گونه است. داستان‌هایی که تولید شده‌اند و مانده‌اند، زیاد نیستند. شما به رسانه‌های مختلف که نگاه کنید، می‌بینید با بحران داستان روبه‌رو هستند. به این معنی که هنوز مخاطب به شکل غریزی و فطری داستان می‌خواهد و اگر شما موفق شوید یک داستان واقعی تعریف کنید، حتماً تأثیر می‌گذارد. ولی داستان به اندازه نیاز وجود ندارد و تولید نمی‌شود. به همین دلیل، در خیلی از رسانه‌ها می‌بینیم که به شکل‌های مختلفی جای داستان پر می‌شود. این که چرا تمدن بشری داستان‌های مؤثرش را به آن مقدار نمی‌تواند بگوید و آیا اصولاً قرار است که در خلقت این قدر داستان تازه تولید شود، همه جای بحث دارد. ولی اصل حرف را گذشتگان ما گفته‌اند و به زعم بزرگان خلاصه بحث انسان همین داستان است. «یکی بود یکی نبود». مهم‌ترین بخش زندگی ما همین است. وحدت وجود را می‌گوید؛ این که از کجا آمده‌ایم، کثرت را مطرح می‌کند. این که نسبت ما با وجود و معبود چیست؟ همه این‌ها در همین شروع داستان که تا انتهای داستان هم همین است، گفته می‌شود. ما علاوه بر این که بخشی از تمدن بشری هستیم، مشکلات خاص خودمان را هم داریم که بر ما عارض شده است. ما ملتی هستیم که بر خلاف پیشینه‌مان، داستان‌گویان خوبی نیستیم. ما ملتی هستیم که پیشینه داستان‌پردازی و نقالی بسیار طولانی داریم. مشکلاتی هم خاص تمدن ماست که پرداختن به آن‌ها فرصت زیادی می‌خواهد. مسائلی وجود دارد که می‌توان در این جمع

نمی‌توانیم با کارهای تبلیغی و ایجاد هیاهو داستان تولید کنیم. باید با همین متانتی که تا امروز در این دفتر بوده است پیش برویم، توقعمان منطقی باشد و آرام آرام تأثیر بگذاریم و منتظر باشیم که زحمات ما به بار بنشیند.

گرمارودی: من خواهش می‌کنم هر مجله را به‌طور مجزا ببینیم، چون نیاز هر مجله متفاوت است. همه ما می‌دانیم که وضعیت داستان خیلی آشفته است و داستان‌هایی که می‌گذاریم در حد مطلوب نیست. این که ما بتوانیم گروه‌های پایین‌تر سنی را جذب داستان کنیم، مسئولیت سنگینی است. ما وقتی این همه تنوع را در مطالب مجله در نظر می‌گیریم، دقیقاً به همین علت است که مخاطبان خیلی متفاوتی داریم. در گروه سنی ما اولویت بچه‌ها بعد از لطیفه و سرگرمی، شعر و داستان است. من فکر می‌کنم تمام مشکلات گروه‌های سنی بالاتر از وقتی ایجاد شده است که گروه‌های سنی «الف» و «ب» در داستان خوب پوشش داده نشده‌اند. مشکل از ریشه است. البته مشکل پیچیده‌تر از آن است که در چند جلسه رفع شود، ولی واقعیت این است که نمی‌شود مجله را بدون داستان دید؛ حداقل در این گروه سنی که من کار می‌کنم.

راستی: به نظر من، دو مجله رشد نوجوان و رشد جوان با توجه به مخاطبشان اگر می‌خواهند داستان داشته باشند، باید بهترین کارهای دنیا را انتخاب و چاپ کنند و مطمئن باشند که خواننده می‌شوند. ادبیات خوب تابع زمان نیست.

ذات قصه منتفی نیست!

محبت‌الله همتی، ناظر محتوایی مجلات عمومی: در چند سال اخیر ناشران به چاپ رمان کودک و نوجوان اقبال زیادی نشان داده‌اند و این نشان می‌دهد که ذات قصه منتفی نیست. **قربانی:** رمان با داستان کوتاه تفاوت دارد. رمان مخاطب دارد، اما داستان کوتاه مانند گذشته مورد اقبال مخاطبان نیست.

یوسف‌زاده: میزان فخامت داستان به میزان مشارکت خوانندگان با آن بستگی دارد؛ مشارکت از طریق همزادپنداری و مشارکت از طریق لذت کشفی که در داستان تجربه می‌کند



ناصری: بعد از انقلاب در حوزه ادبیات کودک و نوجوان جهش خیلی مهمی اتفاق افتاده است

است. ما اگر به معانی بلندمدت توجه کنیم، نوع نگاهمان هم به ادبیات تغییر می‌کند. با این پیش‌زمینه‌ای که گفتیم و با این مشکلاتی که وجود دارد، حالا مجلاتی مثل رشد کودک، دانش‌آموز و ... آمده‌اند و می‌خواهند گزارش بدهد که در زمینه داستان در این تمدن چه اتفاقی در حال رخ دادن است! ما در زمینه قصه خیلی نمی‌توانیم مولد باشیم. داستان حکمت است، عرفان است، انسان‌شناسی است، خداشناسی است، خودشناسی است. نمی‌شود سر هم کرد. با یک جلسه درباره قصه فقط می‌توان به آن کمی نظم داد و آن را تشویق کرد. چیزی که من در این جمع متوجه شدم این است که دوستان تلاش زیادی می‌کنند. ما دوست داریم در ایران داستان‌های بهتری، به خصوص برای بچه‌ها، نوشته شوند. ولی همه چیز در اختیار ما نیست.

مخاطب می‌خواهد داستانی بخواند که لذت ببرد%

محمد ناصری، مدیر مسئول مجلات رشد: واقعیت ماجرا این است که داستان در مجلات رشد مدت‌هاست دغدغه شخصی من است. نه به جهت این که علاقه‌مند به داستان هستم، بلکه از این بابت که ما رسانه‌ای بسیار پر تیراژ دستان است و یکی از گونه‌های مهم انتقال پیام، داستان است. ما درباره این داستان چه می‌کنیم؟ می‌خواهم بگویم شما نه به عنوان داستان‌نویس، بلکه به عنوان سردبیر در این موضوع وارد شوید. بعد از انقلاب در حوزه ادبیات کودک و نوجوان جهش خیلی مهمی اتفاق افتاده است. ما در این زمینه نقاط ضعفی داشته‌ایم که موجب شده داستان‌های خوب از یک مرحله به بعد خلق نشوند. از قدیمی‌ترین مجلات کشور مجله «کیهان

مطرح کرد. از جمله این که ما فرهنگمان را دولتی کرده‌ایم، داستان‌گویی‌مان را دولتی کرده‌ایم و سال‌های سال به خاطر موضوعات و ماجراهای مختلف داستان سفارش دادیم و به تبعات بد این قضیه فکر نکرده‌ایم. من پیش از این مطرح کردم که چرا ما نمی‌توانیم مجله داستان تولید کنیم؟ خیلی هم در مورد داستان حرف می‌زنیم و جشنواره برگزار می‌کنیم. اما آنقدر تولیدکننده نیستیم. تک‌تک ما در حوزه داستان کار می‌کنیم، ولی تولیدکنندگان جدی داستان نیستیم. در جامعه ادبیات کودک و نوجوان هم به اشکال مختلفی با این قضیه به شکل تدافعی برخورد شده، یعنی موضوع دور زده شده و فهمیده نشده و طور دیگری صورت‌بندی شده است. یکی همان موضوع فرم است. به نظر من به طور کلی در ادبیات کودک و نوجوان، فرم و محتوا درست فهمیده نشده است. اگر از نگاه بومی خودمان ببینیم، قضیه را راحت‌تر می‌فهمیم. سنایی می‌گوید: حرف باری شنو هم از باری / که حجاب است صنعت قاری سنایی در اینجا موضوع فرم و معنا را مطرح می‌کند. به نظر من تفسیرش این است که تکنیک و فرم بخشی از معنی است. در جهان چیزی جز معنی وجود ندارد و نمی‌ماند. به همین دلیل، در هنر هم اگر فرم وجود دارد، معنی به شکل درآمده



ناصری: از این نگاه، ما گنجینه خوبی در دست داریم که باید به آن هم توجه کنیم. از افسانه‌ها، مثل‌ها و ضرب‌المثل‌هایمان هم می‌توانیم استفاده کنیم

است که اگر شما موافق هستید، ما نیروهای جوان‌تر را زیر این سقف جمع کنیم و حق استادی و معلمی و مربی بودن خودتان را در قبال داستان ادا کنید، نه وجه نویسندگی خودتان را. نکته دیگر این است که در مجلات پرتیراژی مثل کودک و نوا، مخاطب امروز ما ملزم نیست حتماً کار ضعیف کسانی را که بعد از انقلاب کار تولید کرده‌اند بخواند. مخاطب ما می‌خواهد داستانی بخواند که لذت ببرد و رویش تأثیر بگذارد. چه اشکالی دارد که از این زاویه تمام داستان‌های کوتاه تعریف شده مخاطب خودمان را در دنیا و ایران یک بار دیگر نگاه کنیم. داستان‌هایی را بیاوریم که مثل داستان‌های کوتاه چخوف حرف انسانی می‌زند و داستان به معنی واقعی هستند و ما خودمان در کتاب‌های داستان‌نویسی آن‌ها به عنوان الگوهای برتر خوانده‌ایم. ما فکر می‌کنیم بعضی چیزها تکراری هستند، در صورتی که برای ما که در این فن هستیم تکراری هستند، برای همه که تکراری نیست. یا داستان‌نویسان ایرانی کارهای خوب بسیاری را چاپ کرده‌اند که محکم و اصولی‌اند. از این نگاه، ما گنجینه خوبی در دست داریم که باید به آن هم توجه کنیم. از افسانه‌ها، مثل‌ها و ضرب‌المثل‌هایمان هم می‌توانیم استفاده کنیم.

آیا داستانی که ما چاپ می‌کنیم، حتماً باید داستان تولیدی باشد؟ به نظر من در داستان کوتاه ظرفیتی وجود دارد که برای مخاطب امروز ما که با آن ناآشناست، می‌تواند مفید باشد. مخاطب ما می‌تواند از داستان‌های ماندگار و طلایی دوره خودش استفاده کند. برای این کار باید جست‌وجو کرد و وقت گذاشت. من می‌گویم اگر این سطح را که تا به حال هم خوب بوده است، به گذشته، به داستان‌های جهانی، افسانه‌ها و ... پیوند بزنیم، خیلی بهتر خواهد بود.

بچه‌ها» ست و از قوی‌ترین جلسات ماندگار آن، جلسات داستان مجله «کیهان بچه‌ها» بوده است. همین امروز اگر کسی قضاوت کند، داستان‌های دهه‌های شصت و هفتاد این مجله هنوز بر تارک داستان کودک و نوجوان می‌درخشند. شما همین را در «سروش» هم مقایسه کنید. در آن‌جا هم این روند ادامه داشت. متأسفم بگویم که ما فراموش می‌کنیم کسانی در مسیری که ما قرار گرفته‌ایم، بوده‌اند که وقت گذاشته‌اند. ما فضایی ایجاد نکرده‌ایم که جوان‌ترها و افراد مستعدتر در آن فضا رشد کنند. به نظر من، اینکه ما قدیمی‌ترها را هم جمع کنیم، فی‌نفسه ارزشمند است. این را که شما می‌گویید الان مثل قبل نیست، هم قبول دارم و هم قبول ندارم. ما نیامده‌ایم وسط تا چراغی شویم و افرادی دور و برمان جمع شوند و عجله هم نداشته باشیم که از یک جلسه حتماً برای مجله ما چیزی تولید شود. آن وجه، وجه مدیریتی شماست نه وجه داستان‌نویسی. ما یکی از مراکز فرهنگی هستیم. ما متولی داستان در این مملکت نیستیم، اما متولی داستان در مجلات خودمان هستیم. یک بخش این است که به جریان جذب نیروهای جوان مستعد و بسترسازی برای رشد آن‌ها نگاه مدیریتی داشته باشیم، که در همین‌جا هم اتفاق افتاده است. این یک طرف قضیه است. من یک نقد دیگر هم دارم؛ گاهی از دوستان داستان‌هایی چاپ می‌شود که اسمشان را خراب می‌کند. مشکل این‌جاست که آثار همه کسانی را که ما جمع کرده‌ایم در مقام تولید کننده، باید در یک‌جا چاپ شود. آن‌جا علی‌الحساب مجلات رشد نیست. واقعاً هم در مجلات رشد سطح بالایی وجود دارد. بخشی از عرض من این

شفیعی: داستان، دنیای شدن است و با تمام گونه‌های دیگری که ما داریم فرق می‌کند. فرهنگی‌ها اسمش را «درام» می‌گذارند، یعنی وجه دراماتیک داستان

کالای فرهنگی رایبید در معرض دید و استفاده قرار داد

گزارش نشست نمایندگان رشد مناطق شهر تهران و
شهرستان های استان تهران

گزارش

اشاره

هرساله به منظور ارج گذاری به زحمات نمایندگان رشد مناطق شهر تهران و شهرستان‌های استان تهران، نشست یک‌روزه‌ای برگزار می‌شود. روز یازدهم شهریور ۱۳۹۴، این نشست در محل سالن اجتماعات «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» برگزار شد.

آنچه در ادامه می‌خوانید، گزارشی از این نشست است.

کالای فرهنگی را باید در معرض دید و استفاده قرار داد

محمدناصری، مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی: در تقویم کشورمان بعضی از روزها به مناسبتی نام خاصی گرفته‌اند. امروز «روز صنعت چاپ» است و به صورت تصادفی با گردهمایی ما مقارن شده است. ما هم آن را به فال نیک می‌گیریم، چون موضوع کار دفتر ما هم انتشارات است و هم تکنولوژی آموزشی یا همان فناوری آموزشی.

بسیاری از افراد فکر می‌کنند اگر فناوری در کشور رواج پیدا کند، از قدر و ارزش صنعت چاپ کم می‌شود. این تفکر اشتباه است، چون هرکدام کارکرد خودشان را دارند. در جوامع پیشرفته که در هر دو حوزه پیشرفت کرده‌اند، به

هیچ وجه از قدر و قیمت کاغذ و رسانه‌های کاغذی کاسته نشده است. در کشورهای اروپایی بعضی چیزها همچنان به شکل کاغذی آماده و توسط پست ارائه می‌شوند. اما کسانی که عجولانه درباره به این مقوله‌ها فکر می‌کنند، خیلی سریع می‌کوشند ابزار را به جای محتوا بگذارند. کاغذ یک وسیله است که ما برای انتقال اطلاعات یا دانش یا احساسات یا اندیشه خود از آن استفاده می‌کنیم و تفاوتی با امکانات جدید فناوری ندارد. اگر فناوری و سنت دست به دست هم بدهند می‌توانند در آموزش موفق باشند و اگر این کار را انجام ندهند، باری بر دوش سنت می‌ماند که فناوری از عهده آن‌ها بر نمی‌آید. در مورد فناوری نیز همین‌طور است.



که اجزایی دارد. بخشی از این اجزا را دفتر تولید می‌کند، اما این کفایت نمی‌کند و همه‌جا را باید به رسمیت شناخت. به همین دلیل برنامه‌ی درسی ملی می‌گوید بخشی از آموزش را باید خارج از کلاس انجام داد. در همین دفتر ۱۶ سال است که حرکتی با عنوان «سامان‌دهی منابع آموزشی» اتفاق می‌افتد. انبوه کتاب‌هایی که روزانه در حوزه‌ی آموزش تولید می‌شوند، در این جا ارزیابی و بهترین‌ها در کتاب‌نامه‌ی رشد معرفی می‌شوند.

ان شاء الله امسال جایگاه مجلات رشد ارتقا پیدا کند. جایگاه مجلات رشد در مناطق و مدارس جایگاه قابل رشدی است. ۱۹ درصد از تولیدات سازمان توسط تهران و شهرستان‌های تهران مصرف می‌شود و این قابل رشد است. وقتی کمیت کالای فرهنگی بالا می‌رود، کیفیت تربیتی جامعه بالا خواهد

روز هشتم شهریور مصادف با شهادت دو نفر از پیشکسوتان و بزرگان آموزش و پرورش، شهید رجایی و شهید باهنر است. شهید باهنر در همین ساختمان به همراه شهید بهشتی و مرحوم گلزاده غفوری کتاب‌های دینی را می‌نوشتند. این سازمان متولی تمام آموزش‌های رسمی است که قرار است در مملکت اتفاق بیفتند. سازمان وظایف خطیری بر دوش دارد و بخشی از آن تولید کتاب‌های رسمی آموزش و پرورش است. اما همین‌طور که دنیا جلو می‌رود، نیازهای جدیدی به وجود می‌آیند. با پیشرفت علم و فناوری کتاب درسی به تنهایی برای آموزش و تربیت کفایت نمی‌کند. وظیفه‌ی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی است که خلأهای موجود را شناسایی و راه‌هایی برای پر کردن آن‌ها بیابد. امروزه به جای کتاب درسی بسته آموزشی مطرح است

ناصری: وقتی کمیت کالای فرهنگی بالا می‌رود، کیفیت تربیتی جامعه بالا خواهد رفت

آموزش و پرورش است که در راه رشد و تعالی دانش‌آموزان و همکاران تدوین می‌شود. با توجه به این تعریف ما چند عنصر مهم داریم. یکی تألیف‌کنندگان هستند که جایگاهشان ویژه است. دوم خانواده‌ها هستند و سوم مدرسه و عناصر مدرسه، شامل مدیران و همه و کلیه همکارانی که در این قسمت زحمت می‌کشند، و دانش‌آموزان.

در بخش مدیران و مدارس، آنچه ما در سطح منطقه انجام داده‌ایم، فکر می‌کنم مهم‌ترین عنصر باشد. لازمه اعتقاد داشتن عموم به مجلات رشد و موفقیت در توزیع این مجلات، توجیه مدیران است. اگر مدیر مدرسه در همه امور اعتقاد به کاری داشت، آن کار اتفاق می‌افتد و اگر اعتقاد نداشت آن کار یا اتفاق نمی‌افتد و یا کم‌رنگ خواهد بود. پس

رفت. کتابخانه‌ها و قرائت‌خانه‌ها زیاد می‌شود، سلامت جامعه تضمین می‌شود. در حوزه فرهنگ، کمیت ارتباط معناداری با کیفیت دارد. در جامعه ما کالای فرهنگی را باید در معرض دید و استفاده قرار داد؛ به‌ویژه وقتی این کالا جایی تولید می‌شود که مطمئن است. مهم‌ترین هدف دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی از انتشار مجلات دانش‌آموزی ترویج خواندن است و برای مجلات تخصصی ارتقای شایستگی‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان.

مخاطب‌شناسی باید بازبینی شود

حسین خواجه‌زاد، معاون پژوهشی منطقه ۱۵ تهران:
من ابتدا می‌خواهم از مجلات رشد تعریف کنم. به تصور من، به عنوان کسی که یک سال در این مجموعه کار کرده‌ام، مجله رشدی که ما توزیع می‌کنیم، یک مجله کمک‌آموزشی غیر رسمی، جذاب، هنری، پژوهشی و مورد تأیید وزارت





من بقیه مسائل را در دو بخش شرح می‌دهم. یکی آنچه در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۴ به کمک دوستان انجام شد و بحث بعد مواردی است که در سال آینده خواهیم داشت. دستورالعمل توزیع مجلات رشد معمولاً در تیرماه فرستاده می‌شود. ما هم آن را به مدارس ارسال می‌کنیم و کارهای مربوط به جمع‌آوری اطلاعات را انجام می‌دهیم. نحوه توزیع مجلات رشد تأثیر بسیاری در استقبال از آن دارد. من می‌دیدم که در بسیاری از مناطق، مجلات در یک‌جا جمع می‌شوند و به مدارس بخش‌نامه می‌شود که بیايند و مجلات را ببرند. از این کار چندان استقبال نمی‌شود. در حالی که ارسال مجلات به مدارس بسیار کمک می‌کند که ما بتوانیم در این موضوع جزو مناطق موفق باشیم. تقدیر و تشکر و درج نام مدرسی که کیفیت کاری بالا و برنامه خاصی دارند، در نامه‌هایی که در طول سال می‌زنیم، یکی از کارهای ما بوده است.

ما باید در نشست‌ها و برنامه‌هایمان توجه مدیران را مدنظر قرار دهیم. خوب است که با مسئولان دفتر ارتباط داشته باشیم و وقت ویژه‌ای را بگذاریم تا از دوستان استفاده کنیم. من احساس می‌کنم ما و مجموعه مدیران چندان توجه نیستیم، یعنی اثرات مجلات رشد را نمی‌دانیم. وقتی مدیر توجه باشد معلمان هم توجه خواهند شد و دانش‌آموزان استقبال خواهند کرد. غیر از کارهایی که ما و دفتر باید انجام دهیم، فکر می‌کنم این کار اولین گام خواهد بود و پیشنهادم برای مجموعه مناطق و دفتر این است که چنین ارتباطی در سال آینده برقرار شود و جلسه‌ای را ویژه رشد داشته باشیم.

خواجۀ زاد: من احساس می‌کنم ما و مجموعه مدیران چندان توجه نیستیم، یعنی اثرات مجلات رشد را نمی‌دانیم

کار ویژه‌ای که برای سال آینده داریم، انتخاب یک روز بدون کیف و کتاب، با مجله رشد است. با جلب نظر معلمان در شورای معلمان برای مطالعه غیررسمی دانش‌آموزان زمینه‌سازی خواهیم کرد. اختصاص برخی از ساعات انشا به کتاب‌خوانی، به ویژه خواندن مجلات رشد را پیش‌بینی کرده‌ایم. آگاه‌سازی اولیا و ارائه کارهای پژوهشی در کلاس با محتوای مجلات رشد را هم در دستور کار داریم. به نظر من بهترین راه برای رشد عدالت آموزشی مجلات رشد هستند. پیشنهاد می‌کنم مجله‌ای به خاطرات معلمان اختصاص داده شود. ان‌شاءالله هر مدرسه یک ویرتین مجله رشد داشته باشد. عذرخواهی می‌کنم. آرزوی سلامت و سعادت همه عزیزانی را دارم که برای مجلات رشد زحمت می‌کنند.

دانش‌آموز نمی‌داند چگونه زندگی کند

نسرین صمدی، معاون آموزش ابتدایی منطقه ۶ تهران: ما توانستیم چند نکته را در خصوص استفاده از مجلات از کارگروه‌ها استخراج کنیم. افکار، آرا و اندیشه‌های کارگروه‌ها راهگشا بود و ما در مجموعه‌ها روی کیفیت‌بخشی استفاده از مجلات تمرکز کردیم.

اولین نکته اینکه هرگز تعلیم و تربیت از هم تفکیک‌شدنی نیستند. نکته دوم این که آموزش اثربخش مستلزم مشارکت همه گروه‌های اثرگذار در مراحل طراحی تدریس و اجرای برنامه درسی است. نکته بعد اینکه دانش‌آموز امروز می‌تواند هرگونه که بخواهد زندگی کند، اما نمی‌داند که چگونه باید زندگی کند. با توجه به این مسائل چند فعالیت را برای خودمان در نظر گرفتیم که در قالب فعالیت‌های دانش‌آموزی و همکاران بود. به بخشی از فعالیت‌ها در اینجا اشاره می‌کنم.

ما برای شروع کار سعی کردیم مدارس فعال‌تر را شناسایی کنیم. جلسه‌ای تشکیل دادیم و از آن‌ها تقدیر کردیم. برای مدیران ارزش داشت که در جلسه مدیران این موضوع مطرح شد و تقدیرنامه‌ها به دستشان رسید. اطلاعات و آماری را خدمت شما عرض می‌کنم. تعداد نسخه‌های توزیع شده «رشد کودک» در منطقه ما در سال پیش ۶۰ هزار و ۱۰۲ نسخه بود که نسبت به سال قبل ۱۰ درصد افزایش داشت. «رشد نوآموز» هم ۱۰۱ هزار و ۷۳۱ نسخه توزیع شد که هشت درصد افزایش داشت. «رشد دانش‌آموز» پانزده درصد، «رشد نوجوان» هشت درصد و «رشد جوان» هشت درصد افزایش داشتند. در مجلات رشد باید فکری برای نوجوان و جوان شود؛ هم در بحث کیفیت مطالب مجله و هم در شناخت مخاطب. من احساس می‌کنم مخاطب‌شناسی مجلات نوجوان و جوان باید مورد بازبینی قرار گیرد.

در مورد برنامه‌های سال آینده، ما امسال را با پیشنهادی که به ریاست منطقه داده‌ایم، می‌خواهیم نام‌گذاری کنیم. به مدیران هم اعلام کرده‌ایم و از ابتدای مهرماه هم روی بخش‌نامه‌ها خواهیم زد. یک شعار انتخاب کرده‌ایم: «هر دانش‌آموز یک مجله رشد، هر معلم یک مجله رشد اختصاصی». امیدوارم که در این مورد موفق باشیم. امسال سعی کرده‌ایم تقویم اجرایی داشته باشیم و از دوستان در دفتر خواهش می‌کنیم در تقسیم‌بندی و زمان ارائه به ما کمک کنند. امسال بسته‌بندی را تغییر داده‌ایم. مسابقاتی هم با کمک گروه‌های آموزشی برای دانش‌آموزان و همکاران ترتیب داده‌ایم. اگر این مسابقات استانی شوند، خوب خواهد بود. به علاوه، برگزاری نمایشگاه در مناسبت‌های گوناگون را خواهیم داشت؛ به ویژه در دهه فجر.

در مورد استفاده از مجلات رشد به صورت کمی، دو سال را مقایسه کرده‌ایم. درصد پوشش در دوره ابتدایی و متوسطه را هم ملاحظه می‌کنید. پس از آن به مسابقات همکاران و دانش‌آموزان پرداختیم. مسابقات در قالب همه دوره‌های تحصیلی برگزار شدند ما در همه مراحل از توان علمی و فکری سرگروه‌های گروه‌های آموزشی استفاده کردیم و به کمک آن‌ها این مسابقات در چند مرحله برگزار شدند. برای مسابقات همکاران از مجلات رشد معلم و رشد مدیریت مدرسه استفاده کردیم. رقابت خوبی در منطقه را شاهد بودیم. از دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی تشکر می‌کنم که همکاری خوبی با ما داشتند. در بخش دانش‌آموزی هم مسابقات مدرسه‌ای را داشتیم و هم مسابقات منطقه‌ای را. نمایشگاه‌های مدرسه‌ای نیز برپا شدند. با استفاده از داستان‌های مجلات، مسابقات عروسی داشتیم. از مدارس خواستیم، با استفاده از نکات مندرج در مجلات، از دانش‌آموزان کار بخواهند.

یکی از بهترین استفاده‌هایی که از مجلات دانش‌آموزی شد، بهبود سواد خواندن بود. آزمون‌هایی مشابه آزمون‌های پرلز تدارک دیدیم که نتایج خوبی داشت. نمونه دست‌سازهای دانش‌آموزان را داشتیم. در کارگروه مدیران، برای بهینه‌سازی استفاده از مجلات فکر کردیم. در سه طبقه منطقه سه ویرترین دائم گذاشته‌ایم و این کار را به مدارس هم پیشنهاد داده‌ایم. کتابخانه مرجعی

هم مدرسه خواهد داشت که ان شاء الله غنی خواهد شد. پیشنهاد داده‌ایم، میز ثابتی را در قسمتی از مدرسه داشته باشند و فعالیت‌های دانش‌آموزان به صورت ماهانه در آنجا قرار داده شود.

مدارس از توزیع به موقع مجلات استقبال می‌کنند. من برای هر مدرسه یک رابط مجلات رشد تعیین کرده‌ام که ارتباط مستمری با آن‌ها دارم. جشنواره غذا را در سال گذشته داشتیم و امسال هم خواهیم داشت.

کتاب‌نامه رشد، راهنمای عمل معلمان *

فریبا کیا، معاون سامان‌دهی کتاب: کتاب‌نامه رشد محصول سامان‌دهی است. ما برای این که تکلیف مدیران را مشخص کنیم و مدیران و معلمان بتوانند از خرد جمعی کارشناسان استفاده کنند و به جای این که یک معلم دغدغه معرفی یک کتاب به دانش‌آموزان را داشته باشد، مجلدی به نام «کتاب‌نامه رشد»، برگرفته از هزاران کتابی که در طول سال به دست ما می‌رسد و کارشناسی می‌شود را، در اختیار مدارس قرار می‌گذاریم. اما مسئله در این جاست که چرا با این که ما هر سال کتاب‌های مناسب را معرفی می‌کنیم، اقبال از این کتاب‌ها نمی‌شود و همچنان در مدارس منابعی ترویج و عرضه می‌شود که در تضاد و تنافر با اهداف آموزشی هستند.

تقویت کتابخانه‌های مدارس با مجلات رشد *

سیدکمال شهابلو، معاون برنامه‌ریزی و انتشارات: مجلات رشد به غیر از فیزیک به صورت پی‌دی‌اف بر روی سایت مجلات رشد قرار دارند. در سایت مجلات رشد اطلاعات

صمدی: هرگز تعلیم و تربیت از هم تفکیک‌شدنی نیستند



بعضی از معلمان رشته‌هایی را تدریس می‌کنند که غیرمرتبط است. یکی از منابعی که به این معلمان کمک می‌کند، همین منابع تخصصی است.

همه می‌دانید که مجلات رشد اجباری نیستند و دریافت مطالب آن هم الزامی نیست. اگر الزامی بود شاید درصد مخاطبان هم بیشتر بود. در حال حاضر ما ۳۸ درصد دانش‌آموزان کل کشور را پوشش می‌دهیم. نکته این جاست که مدیران مدارس نقش بسیار مهمی را در پاشنه آشیل توزیع مجلات رشد ایفا می‌کنند. اگر مدیر مدرسه همراهی کند مجلات رشد به راحتی وارد مدارس خواهند شد.

نمایندگان مجلات رشد وجود دارد. قرار دادن یک ویتترین در منطقه و شهرستان خیلی خوب است، اما بهترین ویتترین مدرسه، کتابخانه مدرسه است. بهترین راه برای این که بچه‌ها با مجلات رشد آشنا شوند این است که این مجلات به کتابخانه وارد شوند و کتابخانه باید از حالت جزیره خارج شود و منابع جدید به آن اضافه شود. مجلات رشد منبع خوبی برای خارج کردن کتابخانه‌های مدارس از رکود است. کتابخانه‌های مدارس را باید تقویت کنیم. بعضی از معلمان حوصله مطالعه مطالب جدید را ندارند.

مجلات رشد خواندن برای لذت بردن

گزارش نشست همفکری معاون آموزش
ابتدایی و آموزگاران منتخب منطقه ۶ تهران با
مجلات رشد



..... اشاره
آبان ماه سال ۹۴، نشست «هم‌اندیشی مجلات رشد با معلمان دوره ابتدایی منطقه ۶ تهران» برگزار شد. در این نشست، محمد ناصری، مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، به اهمیت دوره آموزش ابتدایی و معلمان این دوره در تشویق دانش آموزان به مطالعه تأکید کرد. همچنین، برخی از دست‌اندرکاران مجلات رشد اهمیت و نقش استفاده از این مجلات را به عنوان منابعی غیررسمی و ارزشمند مطرح کردند؛ نقشی که خود را در همگامی با برنامه درسی هر پایه و ارتباطش با محتوای کتاب‌های درسی نشان می‌دهد.....

محتوای رسمی نظام تعلیم و تربیت و بسته آموزشی شامل کتاب درسی، نشریات رشد، شبکه ملی رشد، نرم‌افزارهای آموزشی و.... در این سازمان نیازسنجی، طراحی، تولید و منتشر می‌شوند.

نادری با بیان اینکه بیش از ۳۵ عنوان مجله رشد در دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی منتشر می‌شود گفت: «نشریات رشد را می‌توان امپراتوری رسانه نوشتاری در ایران برشمرد. انتشار ۴۰ میلیون مجله در بیش از ۳۵ عنوان، مسئولیت خطیری است که بر دوش همکاران این دفتر است.»

در ابتدای این نشست، ناصر نادری، ناظر محتوایی فصل‌نامه‌های رشد، درباره اهمیت دوره ابتدایی در میان دوره‌های تحصیلی گفت: «با انگیزه‌ترین منابع و عوامل انسانی در آموزش و پرورش، معلمان دوره ابتدایی هستند. در عین حال، لذت‌بخش‌ترین دوره هم همین دوره است.»

وی درباره سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی نیز گفت: «بیهوده نیست اگر سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را مغز آموزش و پرورش بدانیم. چرا که همه





اهمیت همیشگی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

در ادامه نشست، **محمد ناصری**، مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، در بیان تاریخچه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و دفاتر آن گفت: «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در ساختار قبل از انقلاب اسلامی مستقیماً زیر نظر سازمان شاهنشاهی اداره و بودجه‌اش هم از همان‌جا تأمین می‌شد. این سازمان تولید کننده رسمی محتوای آموزش و پرورش بود و به همین دلیل، افراد مهمی در آن مشغول به کار بودند. در حوزه علوم پایه چهره‌های شناخته شده‌ای مطرح بودند که یا معلم بودند و یا سابقه علمی داشتند و با این سازمان مرتبط بودند. اما در حوزه‌های علوم انسانی مخصوصاً بخش دینی، رژیم شاهنشاهی قصد نداشت جامعه‌ای مسلمان پرورش دهد.»

ناصری با اشاره به ورود بزرگانی مانند شهید دکتر بهشتی به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی گفت: «پس از ورود شهید دکتر بهشتی به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، شاگردش شهید دکتر باهنر و پس از آن‌ها افراد تأثیرگذاری مانند مرحوم علی گلزاده غفوری، سیدرضا برقعی نیز وارد سازمان شدند که از چهره‌های مؤثر در انقلاب اسلامی بودند. افرادی مانند شهید مطهری هم با سازمان ارتباط داشته‌اند. یک نمونه از فعالیت این افراد، تألیف کتاب‌های دینی بود که بعدها با

ناصری: آنچه به عنوان مجله آماده و تهیه می‌شود بخشی از آموزشی است که جاهای خالی برنامه درسی را پر می‌کند نه کتاب درسی را

عنوان «شناخت اسلام» منتشر شد و نگاه اساسی نسبت به دین و اسلام داشت. در واقع، این افراد مروجان نگاه‌های اسلامی در

نهادهای رسمی مانند آموزش و پرورش بودند که بعدها ساواک هم به مطالب آن کتاب حساس شده بود.»

وی افزود: «پس از انقلاب اسلامی هم افراد مهمی وارد این سازمان شده‌اند، از جمله سیدکاظم موسوی که مدرس مدرسه علوی بود. مرحوم استاد مرتضی کتیرایی، دکتر محمد رجبی، دکتر حداد عادل، دکتر روح الله عالمی، مهندس نوید، مهندس علاقه‌مندان و امروز دکتر محمدیان که از چهره‌های شناخته شده آموزش و پرورش هستند.»

معرفی دفاتر سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی از دیگر موضوعاتی بود که ناصری به آن‌ها اشاره کرد. وی گفت: «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی شامل چند دفتر است از جمله «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی» و «دفتر تألیف کتب فنی و حرفه‌ای». این دو دفتر سالانه حدوداً ۱۱۵۰ عنوان کتاب منتشر می‌کنند. «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» هم از دیگر دفاتر سازمان است که وظایفی را بر عهده دارد.»

ناصری در ادامه گفت: «همراه کتاب درسی که نقش بسیار مهمی در آموزش دارد، باید اجزای مکملی هم باشند که برنامه درسی را پوشش دهند. از این رو، یکی از وظایف دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، انتشار مجلات رشد و طراحی فیلم‌ها و نرم‌افزارهای آموزشی است. علاوه بر این، همه فیلم‌ها و نرم‌افزارها و کتاب‌های آموزشی که به مدارس راه پیدا می‌کنند باید استانداردهای این دفتر را رعایت کنند. خلاصه کلام آنکه، هر منبعی غیر از کتاب درسی که در برنامه درسی می‌گنجد، محصول این دفتر است. همچنین، پژوهشگاه‌ها و پژوهشکده‌هایی هم در ساختار آموزش و پرورش که از این دفاتر حمایت پژوهشی می‌کنند.»

وی افزود: «این دفاتر، فضایی را فراهم می‌کنند که کتاب



موافق ادامه تحصیل معلمان دوره ابتدایی است، به شرطی که منجر به خروج آن‌ها از این دوره نشود. همه این‌ها نشان می‌دهد که جایگاه معلمان دوره آموزش ابتدایی بسیار مهم و اساسی است. همه کسانی که در این دفتر مشغول به کارند نیز کار خود را از مدرسه و به ویژه دوره آموزش ابتدایی شروع کرده‌اند.»

درسی، فیلم آموزشی و مجلات به مدارس برسد. در واقع، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و دفاتر بسیج شده‌اند تا منابع استاندارد در اختیار شما قرار بگیرند.»

دوره ابتدایی، اساس آموزش و پرورش

مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در ادامه به اهمیت نقش معلمان دوره آموزش ابتدایی اشاره کرد و افزود: «دکتر غلامحسین شکوهی، صاحب‌نظر تعلیم و تربیت و اولین وزیر آموزش و پرورش بعد از انقلاب اسلامی، معتقد است اساس آموزش و پرورش هر کشوری دوره ابتدایی است. ایشان می‌گویند، هرگاه که می‌گوییم معلم، منظورم معلم دوره ابتدایی است و هر جا از آموزش و پرورش صحبت می‌کنم منظورم آموزش و پرورش دوره ابتدایی است. ایشان هم‌چنین به شدت

ناصری: طبق اسناد بالادستی آموزش و پرورش مانند سند تحول بنیادین، آموزش به چارچوب برنامه درسی و کلاس درس محدود نیست. باید پنجره‌ها را باز کرد و آموزش را به مسجد، پارک، حیاط مدرسه و کتابخانه برد. آنجاست که آموزش و تربیت واقعی اتفاق می‌افتد

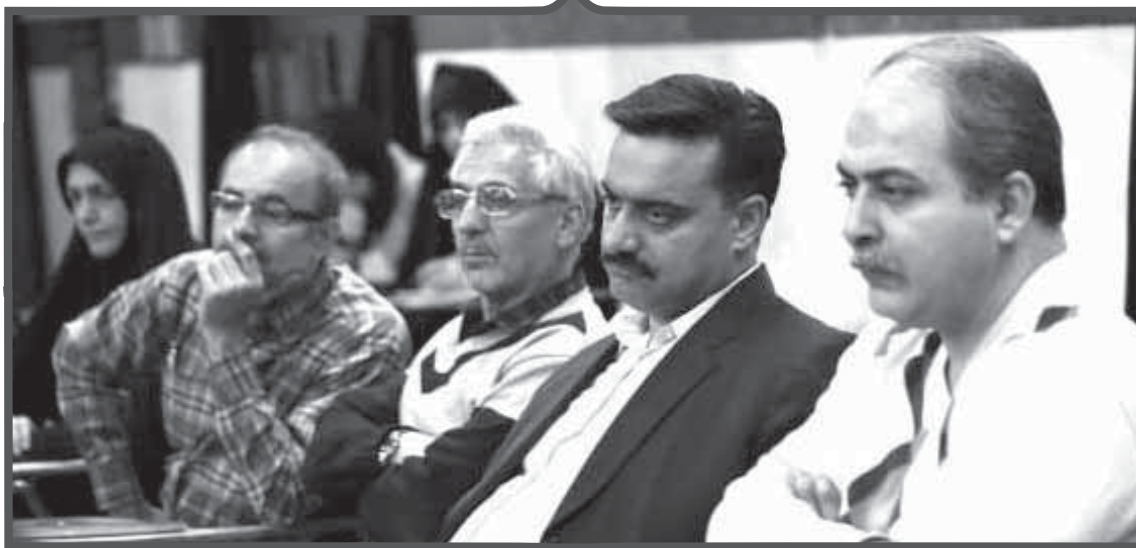
مجلات رشد، خواندن برای لذت بردن %

ناصری درباره انتشار مجلات رشد نیز توضیح داد: «اگر همه مجلاتی را که طی یک سال در کشور منتشر می شوند، با نشریات رشد مقایسه کنید، می بینید که کفه مجلات رشد، از لحاظ کمی و کیفی، سنگین تر است. به طوری که شمارگان سالانه مجلات رشد ۳۵ میلیون نسخه است. برای مثال، مجله رشد نوآموز ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار و مجله رشد کودک، ۸۰۰ هزار شمارگان دارد که با نشریه دیگری در حوزه کودک و نوجوان قابل مقایسه نیست. از لحاظ کیفی هم باید گفت تقریباً همه افرادی که دست اندرکاران مجلات اند، از نویسندگان کودک و نوجوان، و حرفه ای و آگاه به این حوزه اند.»

ناصری با بیان اینکه تأثیر مجلات رشد، نه در لایه های سطحی، که در عمق کلاس است، گفت: «هر چه از دوره ابتدایی دور تر می شویم، سیر و انگیزه مطالعه کمتر می شود. این موضوع

دلایل مختلفی دارد؛ از جمله نزدیک شدن به کنکور. شما به عنوان معلم دوره ابتدایی باید تلاش کنید و مانند سد محکمی بایستید و اجازه ندهید عواقب کنکور به این دوره سرایت کند و فضای زیبا و عاطفی دبستان را خدشه دار کند. البته ارزشیابی توصیفی در همین راستاست و قرار نیست رقابت های غیرعادلانه را تقویت کند؛ کاری که برخی با آزمون سازی های پیچیده انجام می دهند.»

وی تأکید کرد: «می دانید که آموزش و تربیت فقط از طریق کتاب درسی تحقق پیدا نمی کند. چه بسا دانش آموزان شما که سال ها بعد دوباره شما را دیده اند، از خاطراتشان گفته اند. اگر دقت کنید، می بینید این خاطرات عمدتاً درباره رفتار و برخورد و مسائل غیررسمی بوده تا مسائل آموزشی. این به آن معناست که تأثیر شما به عنوان معلم در این زمینه کمتر از مسائل آموزشی نیست. مجلات رشد هم در صدد هستند این زمینه را پررنگ



و سرگرمی پر می‌کند. می‌دانید که این روش دانش‌آموزان را به وجد می‌آورند و در نتیجه یادگیری اتفاق می‌افتد.»

هر دو روز یک مجله

در ادامه این نشست، **محبت‌الله همتی**، ناظر محتوایی ماهنامه‌های رشد گفت: «به طور میانگین، در دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی هر دو روز یک مجله تولید می‌شود. این مجلات حاصل تلاش دسته جمعی همه افرادی است که در این دفتر مشغول به کارند و عمدتاً معلم هستند.»

وی درباره اهمیت «مهارت خواندن» به ویژه در دوره ابتدایی گفت: «در دوره آموزش ابتدایی ۱۲ ساعت از زمان آموزشی به درس «بخوانیم» اختصاص دارد. این نشان دهنده ضرورت و اهمیت یادگیری مهارت خواندن، در دانش‌آموزان است. ایجاد مهارت خواندن یکی از اهداف اصلی دوره آموزش ابتدایی در

کنند. البته سابقه این کار نه به سال‌های اخیر بلکه به سال‌های بین ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۳ می‌رسد. در این دوران، متفکران آموزش و پرورش کشور طی پژوهش‌هایی به این نتیجه رسیدند که یکی از شاه کلیدهای ارتقای آموزش و پرورش، ارتقای سطح خواندن است. البته نه فقط خواندن کتاب درسی، بلکه خواندن برای لذت بردن، سرگرمی و فهمیدن.»

ناصری مجلات رشد را یکی از منابع مکمل کتاب درسی خواند و افزود: «طبق اسناد بالادستی آموزش و پرورش مانند سند تحول بنیادین، آموزش به چارچوب برنامه درسی و کلاس درس محدود نیست. باید پنجره‌ها را باز کرد و آموزش را به مسجد، پارک، حیاط مدرسه و کتابخانه و ... برد. آنجاست که آموزش و تربیت واقعی اتفاق می‌افتد. مجلات رشد هم در این زمینه به شما کمک می‌کند. به این ترتیب که جای خالی موضوعاتی را که در کتاب درسی نیست، به شیوه بازی و لذت





رایانه دسترسی ندارند و تنها ماده خواندنی که به دستشان می‌رسد کتاب درسی است. اما در مناطق دیگر دانش‌آموز در معرض رسانه‌های گوناگون و جذاب قرار دارند. کارکرد مجله مانند آن‌ها نیست و باید در حد خودش انتظار کارکرد داشت. در دنیای غرب گرچه دسترسی‌ها به تکنولوژی راحت‌تر است اما همچنان شمارگان کتاب‌ها بالاست در حالی که شمارگان کتاب کودک در ایران به ۱۰۰۰ نسخه رسیده است. آن‌هم به این دلیل که فرهنگ کتابخوانی در خانواده‌ها وجود ندارد. اگر شما به عنوان معلم تشخیص می‌دهید که مجلات رشد در کلاستان کاربرد دارد و از آن‌ها استفاده کنید، مطمئناً دانش‌آموزان هم به مطالعه و خواندن تشویق می‌شوند. در واقع، می‌توان مجلات رشد را به ابزارهایی تشبیه کرد که قدرت ابتکار عمل را در شما افزایش می‌دهد.»

تولید مجله برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه %

همتی با اشاره به تولید مجلات «رشد روشن» برای دانش‌آموزان نابینا گفت: «از سال گذشته، مجلات رشد روشن

همه کشورهای دنیاست. پس خواندن هدفی جهانی و پایه است. محتوایی که به ایجاد این مهارت کمک می‌کند، می‌تواند شعر، داستان، متن گزارش، سرگرمی و ... باشد. مجلات رشد هم برای خواندن و کمک به شما در کلاس درس تولید می‌شوند. با این نگاه، مجلات رشد می‌توانند در کنار کتاب درسی و به عنوان ماده درسی استفاده شوند. البته می‌توان فقط به قصد لذت بردن آن‌ها را مطالعه کرد.»

وی افزود: «یکی دیگر از ویژگی‌های این مجلات، در مقایسه با مجلات هم‌ترازشان، ارزان بودن آن‌هاست. در واقع، یکی از دلایل تأسیس این دفتر آن بود که یک ماده خواندنی ارزان، تولید و در سراسر کشور توزیع شود. باید به این نکته توجه داشت که در برخی مناطق کشور دانش‌آموزان به

نادری: با انگیزه‌ترین منابع و عوامل انسانی در آموزش و پرورش معلمان دوره ابتدایی هستند. در عین حال، لذت‌بخش‌ترین دوره هم همین دوره است



اهمیت گستره توزیع مجلات رشد §

سید کمال شهابلو، معاون برنامه‌ریزی و انتشارات دفتر نیز در سخنانی به اهمیت دوره آموزش ابتدایی اشاره کرد. وی گفت: «در همه کشورهای، دوره آموزش ابتدایی، اجباری است. اکنون هم در برخی از مناطق مرزی، دانش‌آموزان بعد از اتمام دوره ابتدایی ترک تحصیل می‌کنند. اهمیت آموزش و تربیت دوره ابتدایی آن قدر زیاد است که هر چه را در این دوره آموخته‌اند به دوره‌های بعد تعمیم می‌دهند. بنابراین، نباید فقط مناطق برخوردار را مدنظر قرار دهیم، بلکه لازم است نگاهی هم به مناطق دیگر داشته باشیم. از این رو، گرچه تیراژ مجلات برای ما اهمیت دارد، اما اهمیت گستره توزیع آن‌ها بیشتر است. شاید فرستادن تعدادی از مجلات به جزیره خارک صرفه اقتصادی نداشته باشد، اما ما می‌خواهیم معلومات و اطلاعاتی را به آن‌ها دهیم تا دوره آموزش ابتدایی برایشان غنی‌تر شود.»

برای دانش‌آموزان نابینا منتشر می‌شوند. اگر براساس طرح تلفیق، دانش‌آموز کم بینا یا نابینایی در کلاس شما هست، به ما معرفی کنید تا مجله را به دست‌شان برسانیم. بچه‌های نابینا امکان استفاده از همه رسانه‌ها را ندارند و ارزش چنین مجله‌ای را بیشتر درک می‌کنند.»

وی با بیان اینکه جامعه و آموزش و پرورش، دانش‌آموزان با نیازهای ویژه را نادیده گرفته‌اند افزود: «۷۰ هزار نفر از کودکان و نوجوانان استثنایی، تحت پوشش آموزش و پرورش هستند. با وجود این ما هیچ ماده خواندنی برای آن‌ها تولید نکرده‌ایم و همه این سال‌ها این گروه را ندیده‌ایم. همان‌طور که جامعه هم آن‌ها را ندیده و به رسمیت نشناخته است. از میان این تعداد دانش‌آموز استثنایی ۴۰ هزار نفر از آن‌ها کم‌توان ذهنی هستند که مجله خاص خود را نیاز دارند. امیدواریم زمینه‌های تولید مجله برای این گروه زودتر آماده شود.»

وی افزود: «همه منابعی که درباره تعلیم و تربیت نوشته شده‌اند، تعلیم را به دو دسته آموزش رسمی و آموزش غیر رسمی تقسیم کرده‌اند. برای آموزش غیررسمی، بهترین منبع برای معلمان و مدارس، استفاده از مجلات رشد است. اگر ما مجلات رشد را کالایی فرهنگی بدانیم و کارکردهای دیگرش را در نظر نگیریم، کالایی است که از کانال‌های مختلف عبور می‌کند و افرادی که دست‌اندرکار آن‌ها هستند، با مدارس در ارتباط و متخصص این امرند. گرچه استفاده از این مجلات اجباری نیست؛ اما اگر ما مجلات را به دانش‌آموزان معرفی نکنیم، طبیعی است به سمت استفاده از اینترنت و منابع نامناسبی کشیده می‌شوند که تبعاتی خواهد داشت.»

از پاپروس تا نسخه الکترونیک §

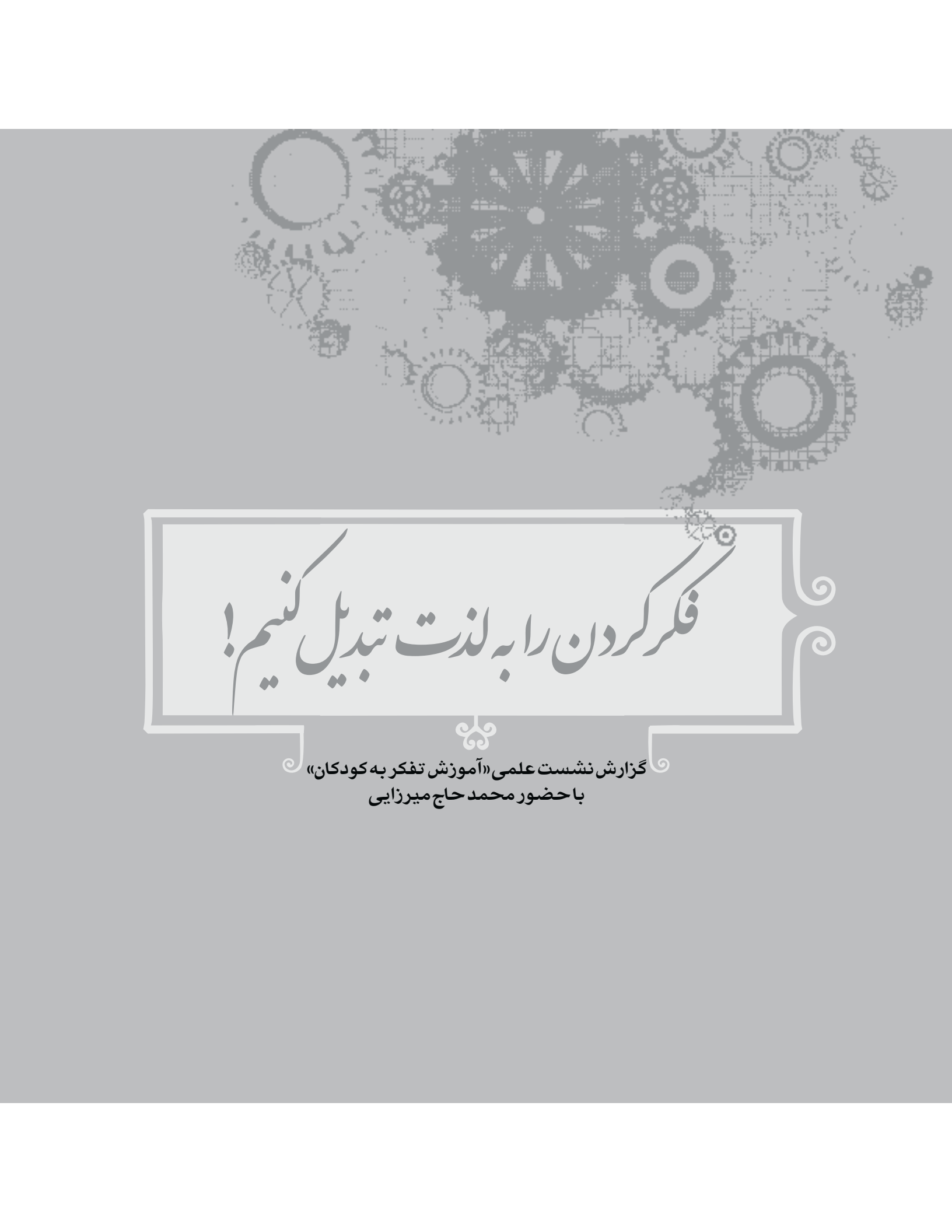
در ادامه این نشست، معلمان حاضر در جلسه به ارائه تجربیات خود در استفاده از مجلات رشد در کلاس و نیز مشکلات تشویق دانش‌آموزان به مطالعه پرداختند. عمده این مشکلات به استفاده افراطی دانش‌آموزان از تکنولوژی‌ها و رسانه‌ها مربوط بود. به این‌که حتی دانش‌آموزان این روزها نسخه الکترونیک کتاب را به نسخه کاغذی آن ترجیح می‌دهند. اما ناصری با بیان این‌که اصل «مطالعه» است، گفت: «کاغذی یا الکترونیک بودن کتاب مهم نیست، مهم اصل مطالعه است. زمانی کتاب فقط به شکل کاغذی بود، اما حالا به شکل الکترونیک هم هست. مشکل آنجاست که تکنولوژی بر ما غلبه نکند. نرم افزارهای پیام رسان جای مطالعه را نمی‌گیرد و در هیچ جای دنیا جزو سرانه مطالعه محسوب نمی‌شود. معلم، راهنمای جامعه است و نباید اجازه دهد تکنولوژی بر

دانش‌آموزان غلبه کند. ما باید با تکنولوژی روز آشنا باشیم، چرا که اکنون نسل جدید در این زمینه از ما جلوتر است؛ اما در عین حال باید مراقب استفاده افراطی از آن هم باشیم. با این حال، ما مجله‌ها را به صورت الکترونیک هم منتشر می‌کنیم و علاقه‌مندان می‌توانند از طریق وبگاه دفتر به نشانی www.roshdmag.ir به آن‌ها دسترسی داشته باشند.»

وی درباره ارتباط میان محتوای مجلات رشد و کتاب‌های درسی چنین توضیح داد: «ارتباط کتاب درسی و مجلات رشد، مانند ارتباط آن با کتاب‌های کمک آموزشی نیست و نمی‌خواهیم باشد. آنچه به عنوان مجله آماده و تهیه می‌شود، بخشی از آموزشی است که جاهای خالی برنامه درسی را پر می‌کند نه کتاب درسی را. شاید به نظر برسد مطالب مجلات کم است، اما در کلاس به شما کمک می‌کند. در ضمن اگر قرار است منبعی مانند فیلم آموزشی یا کتاب را در کلاس درس استفاده کنید، مطمئن باشید که آن منبع تأییدیه دفتر سامان‌بخشی منابع آموزشی و تربیتی را داشته باشد تا در فرایند یاددهی-یادگیری خللی وارد نشود.»

در انتهای این جلسه ناصر نادری به راه‌های مشارکت معلمان در تولید مجلات رشد اشاره کرد و افزود: «برای همکاری در فرایند تولید مجلات رشد، می‌توانید از سه راه به ما کمک کنید: نخست در «نیازسنجی» و «ارائه سوژه به مجلات»، دوم «مشارکت در نوشتن و ارائه مقالات و تجربیات خود از مجلات» و سوم در «ارائه بازخورد نسبت به محتوای مجله.»

پس از اتمام نشست، معلمان با حضور در ساختمان مجلات رشد، از نزدیک با سردبیران و دست‌اندرکاران مجلات رشد و نیز فرایند تولید آن‌ها آشنا شدند.



فکر کردن را به لذت تبدیل کنیم!

گزارش نشست علمی «آموزش تفکر به کودکان»
با حضور محمد حاج میرزایی

..... اشاره
آدمی با «تفکر» و «اراده» از سایر موجودات متمایز می‌شود و یکی از اهداف مشترک نظام‌های تعلیم و تربیت در جهان، تقویت تفکر و اراده است. موضوع «آموزش تفکر به کودکان»، موضوع نشست علمی با حضور محمد حاج‌میرزایی، پژوهشگر حوزه آموزش تفکر و سردبیران مجلات رشد دانش آموزی، در تاریخ ۹ آبان ۱۳۹۴ در «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» بود. آنچه در پی می‌آید، گزارشی از این نشست است.

توصیه شده است که تربیب این مدل‌ها هم رعایت شود. بر اساس این سه مدل، شش روش طراحی شده که تمرین‌هایی برای مدل‌های تفکر هستند.
سه سؤال اول به تفکر شناختی مربوط می‌شوند. قسمت اول مربوط به «حفظ کردن» است. با مطرح کردن چنین سؤال‌هایی در بحث، کمک می‌کنیم که مشخص شود مخاطب داستان را خوانده و به یادش مانده یا نه. مرحله بعد «فهمیدن» داستان است و سؤال‌هایی در این مرحله مطرح می‌شوند. در داستان تصریح شده است، دانش‌آموز به تحلیل کردن داستان نیاز ندارد. این سؤال‌ها کمک می‌کنند روابط علت و معلولی درک شود. قسمت سوم «به کار گرفتن روابط

محمد حاج‌میرزایی: یکی از روش‌های اصلی که در همه‌جا برای آموزش تفکر به کودکان و نوجوانان از آن استفاده می‌شود، استفاده از داستان است. داستان جذابیت دارد و کودکان و نوجوانان را وارد دنیایی می‌کند که منطق‌های ویژه خودش را دارد و در آن منطق‌ها می‌توان چالش ایجاد کرد. در برخی دانشگاه‌ها می‌کوشند، با طراحی داستان‌های نسبتاً کوتاه که راهنمایی‌هایی هم برای معلمان دارند، بحثی بین بچه‌ها شکل دهند. این بحث را معلم نباید هدایت کند، بلکه باید بکوشد بچه‌ها احساس کنند، خودشان بحث را جلو می‌برند. ولی در اصل، معلم با شکل‌دهی به پرسش‌ها این روند را به آن جایی که می‌خواهد برساند.

علت و معلولی» داستان است. این سؤال‌ها به درک اهداف داستان کمک می‌کنند.

بعد از این سه مرحله، در دو مرحله تفکر انتقادی را تمرین می‌کنیم. مرحله چهارم «تحلیل کردن» است. در سؤال‌های این مرحله از فضای داستان خارج می‌شویم و مقدمه‌ای برای قضاوت کردن فراهم می‌شود. مرحله پنجم «ارزش‌گذاری» است که کمک می‌کند کودک دنیایی را که در داستان درک کرده است، ارزیابی کند.

مرحله ششم، «تفکر خلاق» است و وقتی شکل می‌گیرد که پنج مرحله قبلی انجام شده باشد. در این مرحله کودک باید بتواند پایان‌بندی خلاق برای داستان در نظر بگیرد و این موضوع ریشه در تحلیل‌هایی دارد که در مراحل قبل انجام شده است.

موضوع مهم این است که چه داستان‌هایی مناسب این کار هستند. دو ویژگی اصلی وجود دارد: یکی اینکه داستان یک چارچوب فکری داشته باشد که برای مخاطب قابل درک باشد. دوم اینکه داستان به اصطلاح رو نباشد تا بتوان آن را تحلیل کرد. مسئله سوم که خاص فرهنگ ماست، این است که باید توجه کنیم این داستان‌ها با جهان فرهنگی ما ارتباط داشته باشند. در موضوع فلسفه برای کودکان، بیشتر آثاری که در ایران وجود دارند، آثار ترجمه شده و البته موفق هم هستند، ولی این ویژگی در آن‌ها رعایت نشده است.

انتشاراتی به اسم «پن کرت» در انگستان، مجموعه کتاب‌هایی را به اسم «فلسفه و فرهنگ عامه» چاپ کرده است. این مجموعه به عنوان یک مثال موفق می‌تواند مورد پژوهش قرار گیرد. در هر جلد از این مجموعه به یکی از موضوعات عامه‌پسند پرداخته شده است. در یکی از مقالات

این مجموعه

از «انیمشین

باب اسفنجی» و

شخصیت پاتریک استفاده کرده

است تا موضوع دانایی و دوستی

را مطرح کند و مخاطب را به

چالش بکشانند. ما هم داستان‌ها

و حکایت‌های زیادی در ادبیات

کلاسیک داریم که می‌توان به عنوان

ماده خام از آن‌ها استفاده کرد.

بخش نهایی صحبت‌م این است که برای

اجرای آموزش تفکر و برگزاری کلاس‌های

آن، دانش‌آموز به ابزاری نیاز دارد که ذهن

او را برای بحث آماده کند. یکی از راحت‌ترین

راه‌های تمرین ذهن استفاده از پازل و چیستان

است. این موارد را همیشه در مجلات رشد

دیدهم، اما مسئله این است که این پازل‌ها بیشتر

یا پایه ریاضی دارند یا پایه منطقی. علاوه بر این‌ها،

چند مدل تفکر دیگر را هم می‌توان تمرین کرد

که من آن‌ها را کمتر دیدهم. اسم کلی این مدل‌ها

حاج میرزایی: چرا. من عرض کردم کارهایی که انجام می‌شود کمک می‌کند.

علی اصغر جعفریان، سردبیر رشد نوجوان: این بخش شامل بازی‌های جمعی هم می‌شود؟

حاج میرزایی: درست است. خیلی اوقات به کمک بازی می‌توان تفکر را یاد داد و شاید بازی برای بچه‌ها از حالت‌هایی که نام بردم جذاب‌تر هم باشد. مثالی که با دیدن این صفحه به ذهنم رسید، یک بازی بود که در یکی از مدرسه‌ها اجرا شده بود و در واقع شبیه‌سازی بورس بود. بازی‌ها خیلی جذاب‌اند و به تفکر هم کمک می‌کنند. البته تأثیر آن‌ها محدودتر از معماهاست. طراحی معماها سخت‌تر است و در مقابل اثر عمیق‌تری هم بر جا می‌گذارد.

محبت‌الله همتی، ناظر محتوایی مجلات عمومی: خانم دکتر چمن‌آرا در مجلهٔ برهان بخشی را شروع کرده‌اند که در آن ترجمه‌ای را چاپ می‌کنند با عنوان «آلیس در سرزمین معماها» و شامل معماهای منطقی است.

سپیده چمن‌آرا، سردبیر رشد برهان متوسطهٔ اول: البته ما برای بحث تفکر در بخش‌های دیگر، تفکر علت و معلولی را هم داریم که در ریاضی مطرح است.

راستی: آیا فلسفه قرار است ما را زودتر به جواب برساند؟
حاج میرزایی: خیر، فیلسوف‌ها می‌گویند فلسفه کمک می‌کند بهتر بتوانیم سؤال بپرسیم و سؤال‌های بهتری بپرسیم.

راستی: اگر بگوییم بهترین جواب‌ها برای سؤال‌های بی‌جواب است، این هم فلسفه است؟ چون یک وقت می‌گوییم فلسفه زائیدهٔ عقل است. اما چرا عقل آدم‌ها راه‌های مختلف رفته است؟ بچه‌ها با تخیل بیشتر سروکار دارند. فلسفیدن

«معماهای

تفکر جانبی» است. یعنی ما با یک داستانک مواجه می‌شویم و باید به نکته‌ای توجه کنیم که بتواند آن معمارا حل کند. یک سلسله از این معماها پیش‌داوری‌های ذهن ما را به چالش می‌کشند. یک سلسلهٔ دیگر به واقعیت‌ها اشاره دارند. مدل سوم به تخیل احتیاج دارد و می‌تواند تخیل کودک را تقویت کند. در دستهٔ چهارم، توجه به معنای دقیق کلمه‌هایی که در داستان آمده‌اند، به حل معما کمک می‌کند. مدل آخر معماهای منطقی هستند. این معماها به این خاطر که رگه‌هایی از طنز و شوخی دارند و جالب هستند، افراد را به راحتی درگیر می‌کنند. تجربه نشان داده است که کار کردن با این معماها ذهن را تقویت می‌کند و افراد پس از مدتی مهارت پیدا می‌کنند.

مجید راستی، سردبیر رشد کودک: صفحهٔ «جشن تفکر» در مجلهٔ رشد نوجوان با این موضوع هم‌راستا نبود؟

داده است. در گفت‌وگو باید فرایند غالب و مغلوب از بین برود، وگرنه بحث‌ها به جدل تبدیل می‌شوند.

حشمتی: گفت‌وگو برای رسیدن به منافع مشترک است، درحالی که در بحث و جدل هرکس در موضع خودش ایستاده است. فضای جامعه ما بحث و جدل را ترویج می‌کند. **حاج میرزایی:** در سنین کودکی می‌توان این موضوعات را به خوبی آموزش داد.

راستی: خیلی استفاده کردم. دست شما درد نکند. به نظرم صبحت امروز آقای میرزایی خیلی مهم و کاربردی بود. واقعیت این است که الان در اهداف و رویکردهای محتوایی

حاج میرزایی: دانش آموز به ابزاری نیاز دارد که ذهن او را برای بحث آماده کند. یکی از راحت‌ترین راه‌های تمرین ذهن استفاده از پازل و چیستان است

بچه‌ها را منطقی بار می‌آورد و یکی از خطرات این امر آن است که بچه خیلی زود بزرگ می‌شود و بزرگ شدن هیچ نفعی برای او ندارد. زندگی فقط رسیدن به مقصد نیست. مسیر هم لذت‌بخش است. من فکر می‌کنم باید ببینیم فلسفه اولویت چندم بچه‌هاست. رسیدن به مقصد مهم است یا اینکه راه و مسیر هم اهمیت دارد.

حاج میرزایی: حرف شما منطقی است، اما دو نکته وجود دارد: یکی اینکه تعریف فلسفه در راه بودن است، نه به مقصد رسیدن. نکته دوم این است که اگر ما این کار را انجام ندهیم، به این معنا نیست که بچه‌ها فکر نمی‌کنند. فکر می‌کنند، اما به شیوه‌ای که خودشان می‌خواهند و آثار فرهنگی به آن‌ها القا می‌کنند. اگر روی ابزار فکر کردن تمرین کرده باشند، راحت‌تر می‌توانند تصمیم بگیرند و ذهنشان عمیق‌تر می‌شود.

محمدرضا حشمتی، سردبیر رشد معلم: تعارض اخلاقی که به وجود می‌آید هم خیلی مهم است. در قسمت ارزش‌گذاری که شما فرمودید، داشته‌های گذشته ما خیلی به ارزش‌گذاری کمک می‌کنند.

حاج میرزایی: بله کاملاً درست است.

حشمتی: اگر درباره گفت‌وگو کردن و بحث اقناع هم صحبت کنیم مفید خواهد بود. فکر می‌کنم در این موضوع مشکلات زیادی وجود دارد. ما اقناع را داریم از دست می‌دهیم. اگر جنس گفت‌وگو اقناعی شود، بحث‌ها بسیار نتیجه‌بخش‌تر خواهند بود. زمان ما را برده خود کرده است و نمی‌گذارد فکر کنیم. ما باید در بحث تفکر گفت‌وگوی اقناعی را هم مطرح کنیم.

حاج میرزایی: هابر ماکس این موضوع را مورد توجه قرار



که دفتر برای مجلات در نظر دارد، بحث تفکر و اندیشیدن خیلی اهمیت دارد. در کنار خیال‌پردازی و فانتزی و قالب‌های زیبا، طرح رگه‌های تفکری که بنابر ظرفیت ذهنی، شناختی و عاطفی بچه‌ها می‌تواند مفید باشد و در نهایت به رفتار و کنش بیرونی هم بینجامد، قابل تأمل است. با همه این اوصاف، ما در این بحث فقر تئوری داریم و هم در مورد کاوی‌ها دچار خلأ هستیم. از طرف دیگر، هم در روابط اجتماعی و هم در مدارس به شدت فقر فکر کردن وجود دارد.

فلسفه جزو علوم پیچیده است. ما در فلسفه اسلامی غنی هستیم، ولی از این جهت که آن مفاهیم را به زبان روز بیان کنیم فقیر هستیم. اغلب کارهایی که می‌توان به جوانان توصیه کرد کارهای ترجمه‌ای هستند. مورد دوم این است که ما با نگاه داستان فانتزی و تخیلی کار می‌کنیم و این نگاه با ساختار داستان‌های فلسفی که در آن‌ها چالش‌های فکری وجود دارد، در تضاد است. در مجلات رشد تجربیات خوبی وجود دارد، اما موضوع تفکر هنوز جای کار دارد. در یک فرصت دیگر باید بحث کنیم که آیا این کار با «درک لذت متن» در تضاد است یا نه.

شهرام شفيعی، سردبیر رشد دانش‌آموز: تشکر می‌کنم. بحث کاربردی و مفیدی بود. زیربنای این بحث به این موضوع بازمی‌گردد که در ادبیات کودک و نوجوان مفهوم تخیل خوب فهمیده نشده و غلتیدن به وادی اوهام و فانتزی از نوع غیر عینی، نوعی تخیل فرض شده است. درحالی‌که انسان تنها موجودی است که حتی واقعیت را از طریق تخیل می‌فهمد. به این معنا که درک یا قدرت فاهمه برای موجودات دیگر یکسان است. در اینجا دخالت مسئله زبان

مطرح می‌شود و آنچه معنای لغوی منطق است. بنابراین ادبیات کودک و نوجوان ما تخیل را به خوبی نفهمیده است و ما در زمینه فکر و عمل بچه‌ها غالباً محتاج آثار ترجمه شده هستیم. از این نظر جلسه امروز بسیار مفید است و تلنگری به ما می‌زند که ادبیات کودک باید به زندگی و عینیت‌ها برگردد. فکر کردن مشکل‌ترین کار و محتاج مشاهده است. ما در تمدن خودمان کم مشاهده می‌کنیم و به سمت انتزاع حرکت می‌کنیم.

افسانه موسوی گرمارودی، سردبیر رشد نوآموز: بحث تخیل و تفکر دامنه بسیار گسترده‌ای دارد. من تخیل را از تفکر جدا نمی‌دانم. در صحبت‌ها به دو وجه اشاره شد: یکی مربی و یکی متن. من فکر می‌کنم بدترین متن با قابلیت یک مربی خوب می‌تواند دستاویزی برای رسیدن به هدف دلخواه باشد. بنابراین جدا کردن تفکر از تخیل اشتباه است.

راستی: من هم با صحبت خانم گرمارودی موافقم. شکل دنیای بچه‌ها تخیل است، اما مفاهیم همیشه وجود دارند. اگر بازی با مفهوم هماهنگ شود، کودک لذت خواهد برد. ما به این دلیل از نمونه‌های خارجی استفاده می‌کنیم که فکر کردن جزئی از فرهنگ آن‌هاست. درحالی‌که در فرهنگ ما این‌گونه نیست. افراد غالباً اول حرف می‌زنند و بعد فکر می‌کنند. این ساختار باید اصلاح شود. واقعیت این است که در کشور ما فکر کردن ارزش و جایگاه واقعی ندارد. همه ما باید تلاش کنیم با هم مهربان باشیم و دوست داشتن و ارزش‌گذاری برای عقل و تفکر را ترویج دهیم. به نظر من در دنیای بچه‌ها دوست داشتن و لذت بردن اصلی‌ترین مواردند. باید بتوانیم فکر کردن را به لذت تبدیل کنیم.

کاردستی، ذهن کودک را اخلاق بار می آورد

گزارش نشست «کاردستی در مجلات رشد دانش آموزی»
با حضور فاطمه رادپور



..... اشاره
 موضوع «کاردستی» در مجلات رشد دانش‌آموزی همواره موضوعی جذاب و سرگرم‌کننده و بستری برای خلاقیت بوده است. در نخستین روزهای آذر ۱۳۹۴ با حضور فاطمه رادپور، نویسنده و کارشناس کاردستی و سردبیران مجلات دانش‌آموزی رشد به موضوع کاردستی پرداخته شد. آنچه در ادامه می‌خوانید گزارشی از این نشست است.



فاطمه رادپور: پیش از شروع مباحث نظری، می‌خواهم فضا را با نگاهی کودکانه جلو ببرم. روزنامه و مجله یکی از مواد در دسترس ماست. یکی از موضوع‌های مورد بحث، بررسی قابلیت‌های مواد است. برای درک موضوع در این جلسه، فعالیت‌هایی انجام می‌دهیم. دوستان روزنامه‌ای را که در دستشان است مجاله کنند و حس خودشان را درباره‌ی اتفاقی که می‌افتد به ما بگویند.

محبت‌الله همتی، ناظر محتوایی مجلات رشد: صدای جفجغه می‌دهد.

رادپور: بله. صدا می‌دهد. این صدا ما را به یاد صدای آب، صدای خش‌خش برگ‌های پاییزی، صدای باد و... می‌اندازد. کودک می‌تواند از این‌ها به عنوان وسیله‌ی بازی استفاده کند. زمانی که با بچه‌ها شروع به کار می‌کنیم، اولین چیزی که در اختیار داریم کاغذ است. ما چه نقشی می‌توانیم داشته باشیم؟ کاردستی ارتباط بین



بشر است، می‌باشد. مسئله‌ای که اتفاق می‌افتد، خلاقیتی است که از طریق کودک بر روی مواد مختلف اعمال می‌شود و این می‌تواند حاصل تغییری باشد که از طریق کم کردن، زیاد کردن یا آشنایی زدایی اتفاق می‌افتد.

ما در درجه اول ماده و ویژگی‌های آن را به کودک می‌شناسانیم. هر ماده با ماده دیگر تفاوت دارد. زمانی که صحبت از کار با کاغذ می‌کنیم، می‌خواهیم از قابلیت‌های آن مانند تا خوردن، جر خوردن، رشته رشته شدن، مچاله شدن، سوراخ شدن و... استفاده کنیم. بنابراین هر چه در کاغذ اتفاق می‌افتد، یعنی یک تغییر حالت. ما از این تغییر حالت استفاده می‌کنیم. هر کدام از این تغییر حالت‌ها قابلیت باز شدن دارد. مثلاً مچاله شدن را می‌توانیم به اندازه یک برخورد بسیار ظریف در نظر بگیریم.

در شکل سطوح بچه‌ها می‌توانند اشکال متنوعی را از کنار هم چیدن نقطه‌ها بسازند و سطوح را شکل‌پذیر کنند. این شکل‌ها را ممکن است بچه‌ها به صورت نقاشی استفاده کنند. از کنار هم قرار گرفتن این‌ها بافت تشکیل می‌شود. بنابراین حاصل بخشی از کار با کاغذ و مقوا همین است. وقتی از قابلیت «تا کردن» استفاده می‌کنیم، اولین چیزی که به ما منتقل می‌شود این

چشم، دست و ذهن است. هنگامی که این ارتباط برقرار

می‌شود، حاصل آن تولیدی است که کودک را به توانایی‌های جسمی و ذهنی می‌رساند. کودک از این تولید لذت می‌برد و می‌تواند احساسش را ابراز کند و مهارت‌هایی در کار گروهی کسب کند. هم‌چنین در کارهای دست‌ورزی مهارت پیدا می‌کند و اطلاعاتی درباره اطراف خودش به دست می‌آورد.

اولین چیزی که ما در آموزش کاردستی به کودک مورد توجه قرار می‌دهیم، ارتباط با «طبیعت» است. طبیعت الهام‌دهنده بسیار قوی برای کودکان است؛ زیرا انسان نیازهای خود را با طبیعت برطرف کرده و همیشه برای رفع نیازهای خود از طبیعت الهام گرفته است. بنابراین وظیفه ما این است که مشاهده کودک را نسبت به طبیعت افزایش دهیم. این کار می‌تواند به ساده‌ترین شکل اتفاق بیفتد. من در دوره‌های آموزشی که با معلمان درس هنر داشتم، آن‌ها را به طبیعت بردم و خواستم هر آنچه را که در آن فضا وجود دارد با تمام حواسشان دریافت کنند. از لمس کردن درخت تا دیدن اشکال و تنوع آن‌ها. تمام آنچه ما در هنر تجربه می‌کنیم و به عناصر بصری تجزیه می‌کنیم، در طبیعت دیده می‌شود. برای این که معلمان بتوانند برای کودک برنامه‌سازی کنند، آن‌ها را با این مقوله آشنا کردیم؛ نه برای این که اطلاعات را مستقیماً در اختیار کودک قرار دهند. این اطلاعات از طریق CD در اختیار معلمان قرار داده شده است.

در کاردستی با مواد مختلفی ارتباط داریم از جمله انواع کاغذ و مقوا، دورریختنی‌ها، گل و انواع خمیر. مورد دیگر، کار کردن با هر آنچه پیرامون ما وجود دارد و ساخته شده دست



است که سطحی داریم که می‌توانیم آن را به حجم تبدیل کنیم. این حجم ساده‌ترین شکلی است که پیچیده آن را در اوریگami مشاهده می‌شود. در فرهنگ چینی اوریگami جایگاه ویژه‌ای دارد و از آن برای ایجاد تمرکز استفاده می‌شود. چینی‌ها از زمانی که کودک یاد می‌گیرد چیزی بسازد، با او اوریگami کار می‌کنند. اوریگami یک ابزار تمرکز و مدیتیشن است.

پدیده کاردستی، فرزند طراحی صنعتی است و شکل بارزش در آن زمان اتفاق می‌افتد. طراحی هر شکل باید هم ویژگی‌های بصری و هم قابلیت استفاده داشته باشد. یکی از ویژگی‌های کاردستی این است که ذهن کودک خلاق بار بیاید تا اگر استعدادی در این زمینه دارد در آینده شکوفا شود. مهم‌ترین هدف از آموزش هنر به کودک این است که استعدادهایش کشف شود، چون پتانسیلی که در درون او وجود دارد آن قدر گسترده است که در زمینه‌های مختلف قابل شکوفا شدن است.

از نوع فعالیت کودکان می‌توان فهمید که در چه زمینه‌ای استعداد بیشتری دارند. متأسفانه در کشور ما بچه‌ها در رشته‌هایی تحصیل می‌کنند که یا مجبورند و یا به خاطر مدرک و درآمد آن را ادامه می‌دهند. در صورتی که در کشورهای پیشرفته، استعدادها مشخص می‌شود و بچه‌ها مسیری را انتخاب می‌کنند که در آن توانایی بیشتری دارند. بنابراین هنر در مجموع چیزی نیست که فقط هنرمند بسازد، قرار است استعدادهای افراد را به اشکال مختلف شکوفا کند.

«گل» هم جزو مواد طبیعی است، البته ما برای گل و انواع خمیر هویت مستقلی قائل هستیم. بچه‌ها با گل خیلی احساس آرامش می‌کنند و کار با آن از نظر روحی - روانی برای بچه‌ها مفید است. زمانی که این ماده را تغییر می‌دهند، تغییرات آن مانند کاغذ و مقوا

ویژگی‌های خاص خود را دارد.

از شما می‌خواهم درباره تغییرات و قابلیت‌های گل صحبت کنید. وقتی این ماده را در اختیار کودک قرار می‌دهیم، به راحتی آن را تجربه می‌کند، ولی می‌خواهم بدانم چه قابلیت‌هایی دارد که من بتوانم برای کودک برنامه‌سازی کنم؟

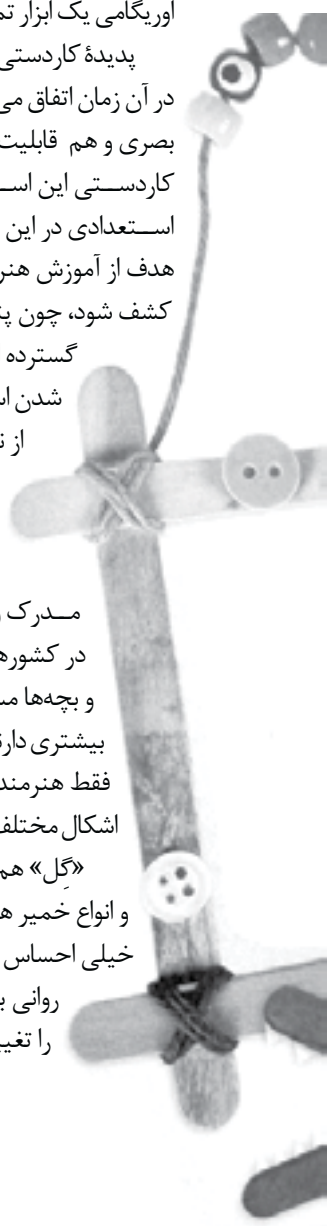
همتی: قابلیت شکل‌پذیری دارد

رادپور: شکل‌پذیری برای گل یک کلیت است. می‌توانید مثال بزنید؟

همتی: بویی که از گل به مشام می‌رسد و احساسی که از گل‌بازی به کودک دست می‌دهد، کودک را همه‌جانبه درگیر می‌کند.

رادپور: درست است. زمانی که ماده‌ای را در اختیار کودک قرار می‌دهیم، اول می‌خواهیم تا خود ماده را حس کند. در مرحله بعد، شکل‌پذیری گل را به صورت ایجاد برنامه برای کودک تقسیم‌بندی می‌کنیم و به همان‌قابلیتی که درباره کاغذ و مقوا صحبت کردیم برمی‌گردیم.

ما می‌توانیم گل را به گلوله‌های کوچک تبدیل کنیم. می‌توانیم آن را فتیله کنیم و از قابلیت خط‌گونه آن بهره‌برداری کنیم. می‌توانیم از گل به شکل یک توده استفاده کنیم و آن را به سطح تبدیل کنیم. زمانی که بتوانیم به یک زبان کلی برای شناخت مواد و برنامه‌هایی که می‌توانیم روی آن انتقال دهیم برسیم، دست ما باز خواهد شد برای این‌که به اندازه تمام انسان‌ها تنوع داشته باشیم. به این ترتیب می‌توانیم کودک را به فردیت خودش برسانیم. در آن‌جا از الگوبرداری پرهیز می‌کنیم و برای ذهنیت کودک هنگام ایده‌سازی احترام قائل می‌شویم. ما فقط اجازه داریم قابلیت‌های ماده را به کودک آموزش دهیم تا با این الفبا و حروف، دست به خلق ایده‌های ذهنی بزند. بنابراین در حوزه گل



و انواع خمیر می‌تواند این اتفاق بیفتد. این اتفاق فعلاً در این حد است که کودک به ذخایر تصویری اطرافش نرسیده است. در ادامه کار باید مسیرهای دیگری انتخاب

کنیم

برای رسیدن به حوزه‌های تصویری از زاویه دیگری برخورد می‌کنیم. از بنیادی‌ترین عناصر که همان شکل‌های هندسی هستند استفاده می‌کنیم. شکل‌های هندسی در سه شکل دایره، مربع و مثلث خلاصه می‌شوند که سه شکل تجزیه‌ناپذیرند. از کودک می‌خواهیم که این ساده‌ترین اشکال را در اختیار بگیرد. اولین مهارت کودک این است که بتواند این اشکال را برش بزند. از او می‌خواهیم هر چه شکل دایره‌گونه در اطرافش وجود دارد را پیدا کند. در این بخش به کودک مشاهده کردن را آموزش می‌دهیم؛ مشاهده اشکال متنوعی که در اطرافش وجود دارد و در حالت عادی مشاهده نمی‌شود. دیدن می‌تواند کمک کند که این جست‌وجو تداوم داشته باشد. آنچه اتفاق می‌افتد، کم‌کم کودک را با فضای بصری آنچه در اطرافش وجود دارد آشنا می‌کند. ابتدا او را به سمت آنچه که می‌بیند هدایت کرده، سپس او را به سمت تخیل برده تا چیزی ایجاد کند. در این جا دایره را به عنوان قالبی تصور می‌کنیم که به سمت اشکال پیرامونش برگردد.

در کاردستی بحثی به نام «اتصالات» داریم. وقتی ماده را از شکلی به شکل دیگر درمی‌آوریم، از اتصالات کمک می‌گیریم که انواع مختلفی دارد.

قرار است ما همیشه کودک را در فضایی قرار دهیم که بتواند در هر حالتی به خلق کردن برسد. در طبیعت مواد طبیعی بسیار زیادی وجود دارد، مثل شاخه و برگ درختان، میوه، پوسته درخت، هسته، دانه و... همه این‌ها قابل بهره‌برداری هستند. سنگ‌ها و خاک هم همین‌طور است. با تغییر این مواد از طریق حذف و اضافه کردن خود آن ماده، می‌توان آن‌ها را به انواع شکل‌های بصری تبدیل کرد. به ساده‌ترین شکل می‌توان از

ویژگی‌های خود ماده استفاده کرد.

یکی دیگر از تنوعات ایجاد تغییر در ماده «مچاله کردن» و «درهم تنیدن» است که نم‌دبافی حاصل استفاده از همین قابلیت است.

«لوله کردن» کاغذ که نوع دیگری از تغییر شکل کاغذ است، اشکال مختلفی ایجاد می‌کند و می‌توان با استفاده از این روش شکل‌های مختلفی به وجود آورد.

برای پرورش تخیل و تجسم کودک می‌توان از فعالیت‌های پایدار و ناپایدار استفاده کرد. به طور مثال یکی از فعالیت‌های ناپایدار بازی با سایه‌هاست. سایه یک فعالیت ناپایدار است و ما می‌توانیم بچه‌ها را تشویق کنیم که به سمت اشکالی که از طریق سایه درست می‌شود، بروند. ما از برف همیشه به عنوان آدم‌برفی استفاده می‌کنیم، اما می‌توانیم به شکل‌های دیگر هم از آن استفاده کنیم. اگر شما چیزی از فعالیت‌های ناپایدار در ذهن دارید بفرمایید.

همتی: کار روی خاک. پاشیدن آب.

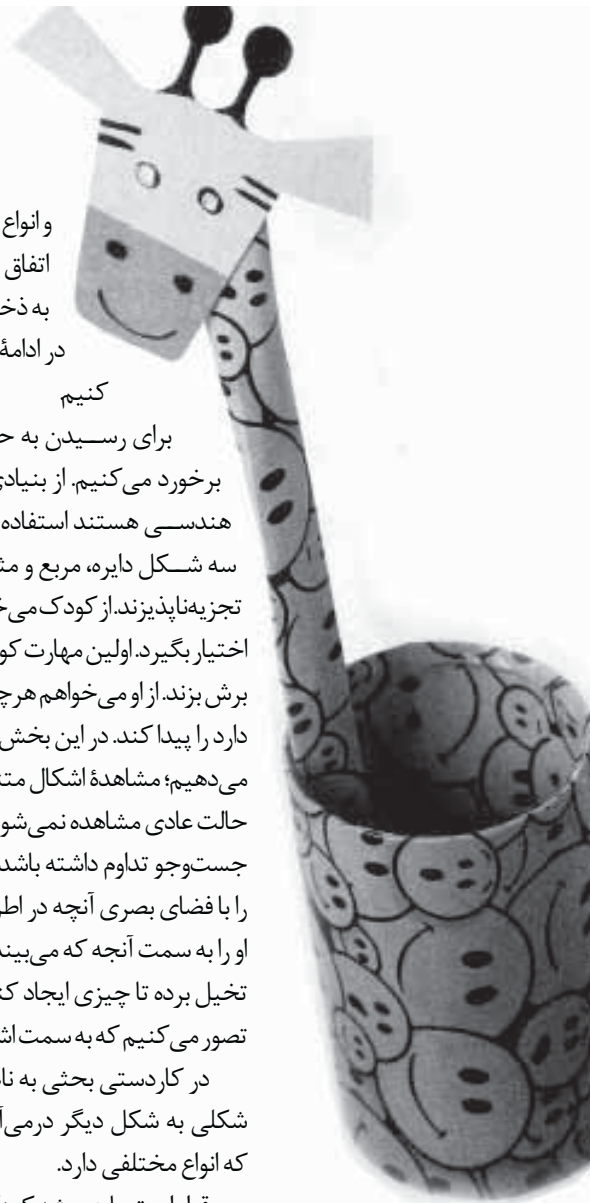
رادپور: بله درست است.

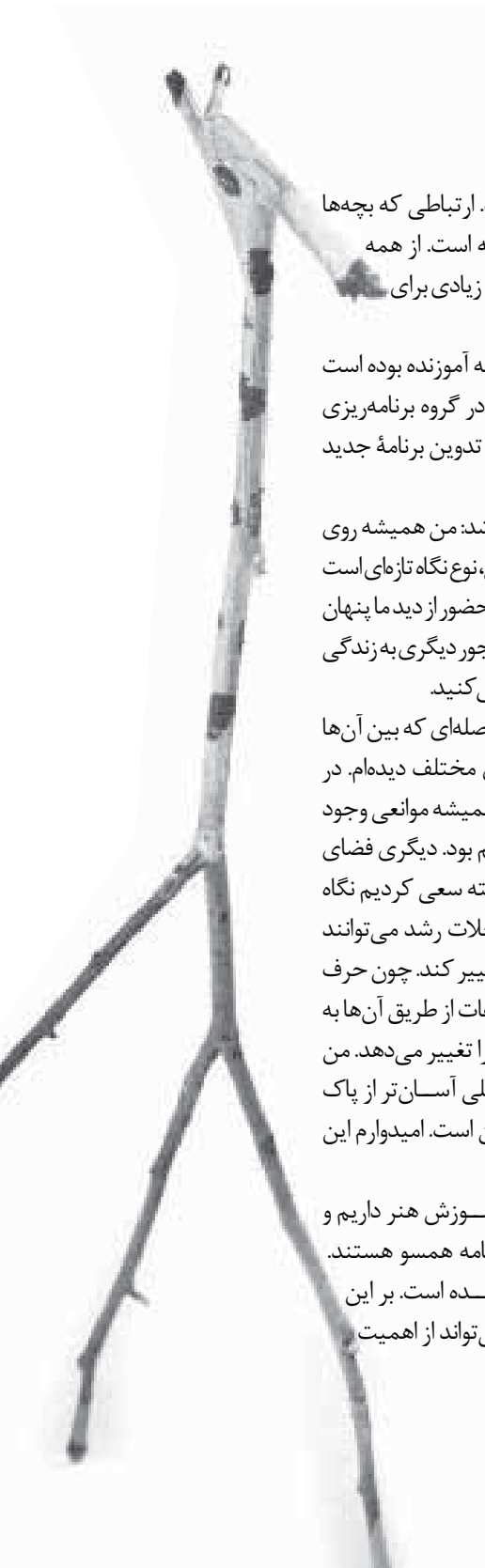
سپیده چمن‌آرا، سردبیر رشد برهان متوسطه اول: ابرها **مجید راستی،** سردبیر رشد کودک: اشکالی که کودکان با بدن خود درست می‌کنند.

رادپور: کاملاً درست است. تمام این محصولات برای شکل دادن به تخیل بچه‌ها مفید است.

چمن‌آرا: صحبت‌های شما یک نگاه تجزیه و ترکیبی است. یک دید هم می‌تواند فرایندی باشد، یعنی در یک فرایند یک شی به چیز دیگری تبدیل می‌شود.

رادپور: ما در خیلی از مواد می‌توانیم فرایند تغییر یک پدیده را به بچه‌ها نشان دهیم. یک بخش جالب در این زمینه فرایند رشد گیاه است. بچه‌ها در رشد بعضی از گیاهان مثل گوجه‌فرنگی تغییرات متنوع و جالبی را مشاهده می‌کنند. فرایند تغییر در شکل، رنگ و بافت این ماده اتفاق می‌افتد. یک مربی





گفتند، ایجاد مهارت دست‌ورزی بوده است. ارتباطی که بچه‌ها با طبیعت برقرار می‌کنند خیلی قابل توجه است. از همه مهم‌تر، ایجاد خلاقیت است که شگفتی‌های زیادی برای معلمان داشته است.

همتی: نگاه تربیتی خانم رادپور همیشه آموزنده بوده است و شاید به دلیل همین نگاه بوده که مدتی در گروه برنامه‌ریزی درسی آموزش هنر فعالیت داشته‌اند و در تدوین برنامه جدید آموزش هنر شرکت داشته‌اند.

محمد ناصری، مدیرمسئول مجلات رشد: من همیشه روی صفحات کاردستی تأمل می‌کنم. برداشت من، نوع نگاه تازه‌ای است که به اشیاء باید داشت. چیزهایی که از شدت حضور از دید ما پنهان هستند. شما عملاً بچه‌ها را وادار می‌کنید که جور دیگری به زندگی نگاه کنند و به نوعی شعر و معرفت را مطرح می‌کنید.

رادپور: در تعامل با معلمان، همیشه فاصله‌ای که بین آن‌ها و دانش‌آموزان وجود داشت را به شکل‌های مختلف دیده‌ام. در مورد هدفی که ما قصد داریم به آن برسیم همیشه موانعی وجود داشته است. یکی دیدگاه و جهان‌بینی معلم بود. دیگری فضای آموزشی مدرسه و کادر آموزشی بود. البته سعی کردیم نگاه معلمان تغییر کند. احساس می‌کنم مجلات رشد می‌توانند نقش پررنگ‌تری داشته باشند تا این نگاه تغییر کند. چون حرف معلمان برای بچه‌ها حجت است و اگر اطلاعات از طریق آن‌ها به درستی منتقل نشود، مسیر زندگی بچه‌ها را تغییر می‌دهد. من معتقدم اطلاعات دادن به یک لوح پاک خیلی آسان‌تر از پاک کردن اطلاعات و دوباره بازسازی کردن آن است. امیدوارم این کار از طریق مجلات رشد اتفاق بیفتد.

همتی: ما در دوره ابتدایی برنامه آموزش هنر داریم و بخش‌های هنری مجلات با اهداف این برنامه همسو هستند. البته هنوز کتابی برای این برنامه تألیف نشده است. بر این اساس صفحات هنر و کاردستی مجلات می‌تواند از اهمیت زیادی برخوردار باشد.

باذکوت می‌تواند با استفاده از انواع فرایندها رشد، پروژه‌هایی برای فعالیت کودکان طراحی کند تا توسط آن‌ها اجرا شود تا کودک درک بهتری از این تغییرات پیدا کند.

همتی: خانم رادپور با شیوه ساخت کاردستی در شماره دو از مجله رشد کودک مخالف است. می‌خواهم دلایل آن را مطرح کند.

رادپور: در این شماره، کاردستی به صورت مرحله به مرحله آموزش داده شده است. وقتی ما مرحله به مرحله کاردستی را آموزش می‌دهیم، از خلاقیت کودک کم می‌کنیم. کودک حتی اگر نداند مراحل کار چگونه است و خودش کاری را تولید کند، ارزش بیشتری دارد. ما می‌توانیم مرحله‌بندی را در پایه کار یعنی ماده خام قرار دهیم و در مرحله ایده‌سازی و تنوعات آن مسئولیت را به عهده کودک بگذاریم.

شهرام شفیعی، سردبیر رشد دانش آموز: ما کارهای خارجی را هم می‌بینیم و مقایسه می‌کنیم. در مورد بداهه بودن عرضی دارم. ما می‌گوییم خداوند «فاطر» است و این معنا برای ما غیرقابل درک است. فاطر یعنی این که بدون ایده قبلی چیزی آفریده شود. در این بداهه اتفاق افتادن‌ها می‌توانیم کمی مزه فاطر بودن را بچشیم. درکی که اتفاق می‌افتد در وجود بچه است. اگر در خود ما انعطاف نباشد نمی‌توانیم به گل هم انعطاف بدهیم. این اتفاق در خود ما می‌افتد. به مصداق این که:

باغ‌ها و سبزه‌ها اندر دل است

عکس آن بیرون بر این آب و گل است

ما سعی می‌کنیم تصویری از آن‌چه در خودمان وجود دارد را در بیرون ایجاد کنیم که در این گروه سنی آن‌چه که مشاهده کردیم نمود بیرونی بچه‌ها بود.

افسانه موسوی گرمارودی، سردبیر رشد نواآموز: موضوعی که ما متوجه شده‌ایم این است که بچه‌ها کاردستی‌هایی که در مجله آموزش داده می‌شود را تولید می‌کنند. هدف مجله رشد نواآموز از این بخش، علاوه بر مواردی که خانم رادپور

یک اتفاق بزرگ و دشوار!

گزارش نشست برنامه‌های درسی و مجلات رشد
با حضور محمودامانی طهرانی

..... اشاره

این پرسش که «نسبت مجلات رشد با برنامه‌درسی و کتاب‌های درسی چیست»، همواره جزو چالش‌های نظری «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» بوده است. در اواخر خرداد ۱۳۹۴ این توفیق حاصل شد که با حضور محمود امانی‌طهرانی، مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی و کارشناس برجسته حوزه برنامه‌ریزی درسی، نشست «برنامه‌ریزی‌های درسی و مجلات رشد» برگزار شود. آنچه در پی می‌آید، گزارشی از این نشست است.

تحول و چرخش بزرگ در حال اتفاق افتادن است*

در پی این اسناد، سلسله اقدامات و فعالیت‌هایی در حال انجام هستند و مجموعه‌ای از سندها باید به تدریج تولید شود تا پله به پله ایده‌های کلان را به فعالیت‌های یاددهی و یادگیری نزدیک کند. ما در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف به دنبال این کارها باید چند تولید رسمی انجام می‌دادیم.

اولین تولید رسمی ما که در سند تحول بنیادین به آن اشاره و در برنامه درسی ملی هم تصریح شده، این است که باید برای دوره‌های تحصیلی هدف می‌نوشتیم. آخرین باری که برای دوره‌های تحصیلی هدف نوشته شده بود، در سال ۱۳۷۶. مجموعه هدف‌هایی که در سال ۷۶ نوشته شدند و در کتاب مصوبات شورای عالی کتاب آمدند، در حدود صد هدف برای

محمود امانی‌طهرانی: تحول برنامه درسی در نقطه خیلی مهمی به سر می‌برد و در عین حال خیلی بی‌سر و صدا انجام می‌شود، اما تحول و چرخشی بزرگ در حال اتفاق است. در پی تولید سه سند مصوب بالادستی، یعنی مبانی نظری تحول بنیادین، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی، قرار است نسخه عملیاتی آنچه در این سه متن بر آن تأکید شده است، در کلاس‌های درس بیاید و این اتفاق بزرگ و دشواری است که باید خیلی دقیق و موشکافانه به آن پرداخت.



آموزش و پرورش به عنوان یک سیستم باید آن را درک و بعد به عنوان یک مرجع اصلی همسوسازی فعالیت‌ها به آن‌ها نگاه کند. هنگامی که ما تصمیم گرفتیم برای دوره‌های تحصیلی هدف

در باب ساز و کار، متأسفانه ساز و کار پیچیده‌ای طراحی شد. یعنی نتوانستیم هیچ راه ساده‌ای کشف کنیم. برای این کار طوری پیش رفتیم که در باب هر یک از ساحت‌ها، ابتدا تمام ادبیات موجود در باب ساحت مطالعه و تمام گزاره‌های مهم آن در نظر گرفته شود. بعد، گزاره‌ها طبقه‌بندی شوند و از طریق آن‌ها به جغرافیای ساحت برسیم

بنویسیم، نگاهمان به کل نظام آموزش و پرورش بود نه فقط کتاب‌های درسی. یعنی وقتی برای یک دوره تحصیلی هدف می‌نویسیم، هدفی است که همه اجزای سیستم در آن اشتراک دارند و به دنبال آن هستند. ما برای این که بتوانیم هدف بنویسیم اول باید برای دوره‌ها هویت تعریف می‌کردیم و می‌گفتیم مبنای تقسیم دوره‌ها چیست؟ در آن بر چه چیزی باید تأکید داشته باشیم؟ و مأموریت اصلی دوره چیست. در سند تحول بنیادین و در برنامه درسی ملی، درباره هدف دوره‌ها چیز زیادی گفته نشده، اما در مبانی نظری، در باب ماهیت دوره‌ها مطالب فراوانی گفته شده است. در سند تحول بنیادین فقط یک‌جا آمده است که طول سال‌های رسمی آموزش در ایران دوازده سال است. در داخل پیرامون گفته شده چهار دوره سه ساله. در برنامه درسی ملی هم به این موضوع عیناً اشاره شده، اما توصیف خاصی از ماهیت دوره‌ها و وجه تمایز آن‌ها نشده و فقط در کتاب مبانی نظری

دوره ابتدایی نوشته بودند که در شش مقوله طبقه‌بندی شدند. در دوره راهنمایی، ۱۰۸ هدف در هشت مقوله و برای دوره دوم متوسطه هم حدود ۱۱۶ هدف در هشت مقوله طبقه‌بندی شده است. پس از آن، کاری برای هدف‌نویسی در دوره‌های تحصیلی انجام نشد تا تکلیفی که الان بر دوش ما گذاشته شده و سازمان باید این کار را انجام دهد. در کنار این کار باید جدولی هم برای درس‌های جدید داشته باشیم که آن هم الان تهیه شده، اگرچه هنوز در سطح عمومی اعلام نشده است.

من روی این هدف‌ها متمرکز می‌شوم، چون حس می‌کنم چند چرخش مهم در آن‌ها وجود دارد که تمام اجزای نظام

مطالبی درباره دوره‌ها آمده است. ما تمام هم و غم خودمان را معطوف به این کردیم که برای هویت دوره‌های تحصیلی به متنی برسیم. در این راه از منابع زیادی استفاده کردیم و به اسناد قبلی آموزش و پرورش برگشتیم و هویت‌ها را درآوردیم.

در سازمان، در اوایل دهه ۸۰، سه نفر از کارشناسان دفتر، سه کار انجام داده بودند. آن‌ها را آمد نظر قرار دادیم و به مطالعه تطبیقی مختصری در سایر کشورها پرداختیم. در نهایت هویت دوره‌های تحصیلی را نوشتیم. متن پیشنهادی مقدمه‌ای دارد که بیان می‌کند منظور ما از این هویت چیست. برای هر یک از این دوره‌ها، چند جمله مختصر اما کلیدی آمده است. در هر یک از این‌ها یک کلیدواژه اصلی و تعدادی کلیدواژه فرعی داریم. مثلاً دوره پیش‌دبستان دوره بین‌خانه و مدرسه است. تأکیدات مورد نظر در دوره پیش‌دبستان برای همه شما آشکار است. دوره پیش‌دبستان نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند و ما به آن توجه کرده‌ایم. در دوره اول ابتدایی روی «یادگیری‌های پایه» متمرکز شده‌ایم که باید در محیطی پر از شادابی، بازی و آزادی عمل شکل بگیرد.

در دوره دوم ابتدایی «آگاهی نسبت به راه‌های یادگیری» مورد تأکید قرار گرفته است. در دوره اول متوسطه «هویت» و در دوره دوم متوسطه «استقلال». برای ما حتی کوچک‌ترین اصلاح واژه‌ها در این مرحله بسیار مفید است. یعنی اگر حتی در مورد یک کلمه پیشنهادی بدهید، جایگزین خواهد شد. چون این مرحله نه آن قدر خام است که هر تغییری بشود در آن اعمال کرد و نه آن قدر بسته است که هیچ تغییری نتوان در آن داد. مرحله‌ای است که باید آدم‌های خبره بیایند و برای آن وقت بگذارند. صمیمانه از همه شما دوستان عزیز می‌خواهم این صفحات را با دقت و تمرکز بخوانید و اگر نظری داشتید، به طور مستقیم به من ارسال کنید.

همان‌طور که عرض کردم، ما در این دوره‌ها در تعریف مأموریت نمی‌خواستیم همه مشخصات دوره را توصیف کنیم، بلکه فقط می‌خواستیم تأکیدها و وجه تمایزها را بگوییم. یعنی مشخص کنیم چه چیزی هر دوره را از دوره بعدی متمایز می‌کند و تأکید آن کجاست. لذا از ادبیات رایج تکرار شونده که گاهی آدم‌ها را بی‌حس و بی‌تفاوت می‌کند پرهیز کرده‌ایم. پس از تعیین مأموریت‌ها رسیدیم به نوشتن اهداف. اهداف را به طور طبیعی باید طبق تکلیف بر مبنای ساحت‌های نوشتیم. در مبنای نظری و سند بنیادین شش ساحت تأکید شده‌اند که عبارت‌اند از: «ساحت اعتقادی - عبادی و اخلاقی؛ اجتماعی و سیاسی؛ زیستی و بدنی؛ زیبایی‌شناختی و هنری؛ اقتصادی و حرفه‌ای؛ علمی و فناورانه». علاوه بر این، مجبور شدیم یک فراساحت را هم در اینجا اضافه کنیم که به صورت عمده سه وجه زبان‌آموزی، تفکر و وجه نیمه تخصصی دوره دوم متوسطه را دربرمی‌گیرد. در دوره دوم متوسطه، طبق تعریفی که در هویت آورده‌ایم و دوره استقلال است، بچه‌ها به انتخاب رشته دست می‌زنند. این کار یک وجه نیمه تخصصی برای این دوره خلق می‌کند که مجبور بودیم فراتر از ساحت‌های تعریف شده به آن بپردازیم.

سند هادی هدف‌نویسی

در باب اهداف چند اتفاق افتاد که کار را با کارهای قبلی ما متفاوت کرد. اول اینکه این اهداف، چطور باید نوشته می‌شدند؛ هم به لحاظ مسیر تولید و هم به لحاظ قالب. ما در دفتر جزوهای تولید کردیم با عنوان «آنچه هر کارشناس در باب هدف باید بداند» و آن را «سند هادی هدف‌نویسی» نامیدیم. درباره هدف سؤال‌های بسیاری پیش‌روی ما بود. حدود ۱۰ سؤال بنیادی و کلیدی را برشمردیم و آن‌ها را برای چند نفر از کسانی که

مشتری آن‌ها بودند، ارسال کردیم تا به آن‌ها جواب دهند. جوابی دریافت نکردیم و از این طریق به نتیجه نرسیدیم. در نهایت، خودمان مرحله به مرحله تصمیم‌گیری کردیم و جلو رفتیم. اولین نکته این بود که هدف‌ها در قالب شایستگی نوشته شده‌اند. این امر اعتقاد جدی خود ماست. نظام آموزشی اگر به شایستگی‌ها فکر کند می‌تواند پاسخ‌گویی ایجاد کند. چرا نظام آموزشی ما قابلیت حساب‌کشی ندارد؟ به دلیل اینکه اهدافش را از جنسی تعیین نکرده‌اند که بتواند حساب‌کشی کند و پاسخ‌گو باشد. شما وقتی اهداف را از جنس گزاره‌های خبری نیمه‌آماری می‌نویسید، نمی‌توانید از آن‌ها حساب و کتاب بکشید.

دومین نکته این است که هدف را ناظر به چه کسی باید نوشت؟ ناظر به نظام؟ به معلم؟ یا به دانش‌آموز؟ مخاطب جمله هدف‌نویسی کیست؟ نکته دیگر این است که چه نوعی از طبقه‌بندی در اهداف وجود دارد؟ الگوی برنامه‌نویسی درسی قرار است در این اهداف چگونه محقق شود؟ این‌ها سوالات متعددی هستند که هنگام هدف‌نویسی با آن‌ها مواجه بوده‌ایم.

برای هدف‌نویسی ابتدا روی توانمندی‌ها تمرکز و آن‌ها را فهرست کردیم. در گام دوم اهداف را به گونه‌ای نوشتیم که بتوانند در سطوح متفاوت کارایی داشته باشند. یعنی نقطه مشخص و انعطاف‌ناپذیری را نگیرند، بلکه ذات آن‌ها طوری

در باب تربیت هنری ما قبلاً در دوره اول متوسطه متوقف می‌شدیم و چیزی به نام هنر در آموزش دوره دوم متوسطه نداشتیم و این درست نیست. یکی از کارهایی که ما کردیم این بود که همهٔ ساحت‌ها از ابتدا تا انتها وجود داشته باشند

باشد که بتوان آن‌ها را در چند سطح باز کرد. نکته دیگر این بود که این اهداف، مثل اهداف تعیین شده قبلی، از یک سو آن قدر خرد نباشند که به حد یک موضوع درسی تقلیل پیدا کنند و از سوی دیگر آن قدر کلان نباشند که راهی برای رسیدن به آن‌ها مشخص نباشد. در مرحله بعد، برای هدف‌ها یک فهرست وارسی (چک لیست) درست کردیم.

در باب ساز و کار، متأسفانه ساز و کار پیچیده‌ای طراحی شد. یعنی نتوانستیم هیچ راه ساده‌ای کشف کنیم. برای این کار طوری پیش رفتیم که در باب هر یک از ساحت‌ها، ابتدا تمام ادبیات موجود در باب ساحت مطالعه و تمام گزاره‌های مهم آن در نظر گرفته شود. بعد، گزاره‌ها طبقه‌بندی شوند و از طریق آن‌ها به جغرافیای ساحت برسیم. یعنی یادگیری ساحت در چه محدوده‌ای قرار بگیرد تا پس از تعیین جغرافیا، مهم‌ترین شایستگی‌ها را دریابید و بر مبنای آن‌ها اهداف نوشته و در چهار سطح تقسیم‌بندی شوند. این کار خیلی زمان‌بر بود. این ساز و کار همراه با فهرست وارسی و پاسخ‌هایی که ما به پرسش‌های اولیه دادیم ما را به یک قالب تولیدی رساند که هم‌اکنون در دست شماست. کل این کار در مجموع ۱۴ ماه طول کشید که به نظر من زمان بسیار خوبی است.

هدف‌ها را طوری نوشته‌ایم که اولاً اتصالی از اول تا انتها به وجود بیاورد. یعنی از هم‌گسیختگی نداشته باشد و توالی مطلوبی در کار وجود داشته باشد تا به تدریج بچه‌ها رشد کنند. ثانیاً دانش‌آموز محور عمل به اهداف باشد و بتوان فرایند رشد او را رصد کرد و هر یک از این اهداف به تنهایی قابلیت ابزارسازی داشته باشد. ما در هدف‌نویسی در همهٔ ساحت‌ها از برون‌داد استفاده کردیم. لذا برای پایان دوره تحصیل، از سال دوازدهم نوشتیم و بعد آمدیم تا پایین‌تر. یعنی نهم را از دل دوازدهم

بیرون آوردیم. ششم و سوم هم به همین ترتیب.

برای پیش دبستان هدف جدا نوشتیم و دلیل هم داریم، چون دوره غیر رسمی و غیر اجباری است. اگر هدف جدایی می نوشتیم، این هدف پیش نیاز ورودی اول می شد و ما را گرفتار می کرد. ممکن است کسی هم نقد کند و بجا هم هست، اما ما نمی توانستیم پاسخ گو باشیم. لذا کاری کردیم که حداقل خطای فاحشی را مرتکب نشویم. اما اگر یک روزی پیش دبستان دوره ای کاملاً رسمی و اجباری شد، به راحتی از دوره اول ابتدایی قابل تفکیک است. بنابراین، از دوره پایان دبیرستان شروع کردیم، گرچه پاره ای از اهداف دوره دوم متوسطه، در آن دوره افزوده شده است. تعداد هدف ها بسیار کمتر از قبل است.

هر دوره تحصیلی و ۴۰ هدف

در هر دوره تحصیلی ما ۴۰ هدف داریم. اهداف پایه دوره اول ابتدایی ۱۷ هدف است، اما هریک از هدف ها می تواند باب فراوانی از فرصت های یادگیری را ایجاد کند. یکی از موضوعات مهم این است که وقتی هر هدف را می خوانیم، بتوانیم ۵۰ موقعیت یادگیری را تصور کنیم. یعنی تحقق هر هدف بتواند نقشه پیدا کند. به طور خلاصه ما با این دید حرکت را انجام دادیم و جلو رفتیم و الان حاصل کار پیش روی شما عزیزان است. اگر صلاح بدانید برخی از این اهداف را بخوانیم تا بعد از آن من به سراغ مجلات رشد بروم.

دانش آموزان «در دوره ابتدایی، در ساحت اعتقادی - عبادی، با جلوه های آشکار خداشناسی، پیامبرشناسی، امام شناسی آشنا شوند، مصادیقی از آن ها را در زندگی شخصی خود توصیف و احساس مثبت خود را نسبت به آن ها ابراز کنند.» از یک جهت شما می بینید که هدف شایستگی از جنس هدف رفتاری است، اما

با یک تفاوت عمده: اهداف رفتاری دامنه محدودی از رفتارها در بر می گیرند و اهداف شایستگی دامنه بسیار بزرگی را. به عبارت دیگر، اهداف شایستگی ترکیبی هستند از مدل هدف رفتاری نویسی در چارچوب شناختی و فراشناختی؛ و این خیلی مهم است. هدف نویسی شایستگی مدار تحولی مستقل از تحولات قبلی خودش نیست، بلکه یک جمع بندی از نقاط قوت هدف نویسی با دور شدن از انتقاداتی است که بر مدل ها وجود داشته است.

«آموخته های خود را از زندگی معصومین (ع) در موقعیت های تدارک دیده شده و واقعی تجربه کند و تأثیر آن ها را بر روابط و رخدادهای پیرامون خویش بازگو نماید.» باید فکر کنیم، مابه ازای هر یک از این جملاتی که در در مدرسه می خوانیم چیست. آیا آن ۵۰ موقعیت شکل می گیرند؟ البته ما روی ویرایش این نسخه خیلی کار کرده ایم که حاصل آن را در نسخه بعدی می بینید.

«در ساحت اجتماعی و سیاسی، ویژگی ها و نقش زندگی اجتماعی و تکمیل و تغییر در سطح خانواده و مدرسه را توصیف کند و با به کارگیری الگوهای ارائه شده، با دیگران به تعامل بپردازد.» این هدف برای پایان پایه سوم ابتدایی در نظر گرفته شده است. هریک از این اهداف برای پایان دوره نوشته شده اند. یعنی در پایان سه سال باید بتواند بگوید خانواده او چه کسانی بوده اند، قبلاً چه کسانی بودند و در آینده چه تغییری می کند.

«ویژگی ها و نیازهای جسمی و روانی خود را شناسایی کند و با به کارگیری الگوی رفتاری مناسب نیازهای زیستی و بدنی خود را برطرف نماید.» مصادیق این هدف کجا محقق می شوند؟ در برنامه درسی حوزه های درسی یادگیری.

«برنامه های سالم سازی در ابعاد فردی، خانوادگی و محلی را بشناسد و نقش خود را در اجرای این برنامه ها ایفا کند.» این

برنامه سالم‌سازی می‌تواند نظافت فردی، نظافت بخشی از مدرسه، یا امری ترویجی باشد.

جملات باید به گونه‌ای نوشته شوند که بار گسترده‌ای داشته باشند و مصادیق فراوانی پیدا کنند. از این نظر چنین جملاتی حالت فاخرنویسی به خود می‌گیرد، چون می‌خواهند تعمیم‌های فراوان پیدا کنند.

«با مشاهده مستقیم طبیعت دریافت حسی از پدیده‌های پیرامون خود را به زبان هنر ابراز کند.» منظور از زبان هنر، کشیدن نقاشی یا بیان جمله خیال‌انگیز و ... است.

«در ساحت علمی و فناوری، الگوها و روابط موجود در پدیده‌های طبیعی و نیز آیات الهی را با کمک تجارب مستقیم شناسایی کند و نتایج یافته‌های خود را در زندگی روزمره به کار گیرد.» علوم شامل الگوها و روابط هستند. ریاضیات هم در همین جا مطرح می‌شود؛ از شمارش و مفهوم عدد تا بقیه مفاهیم. این مدل ادامه پیدا می‌کند و همین‌طور که بالا می‌آید بر دشواری جملات افزوده نمی‌شود و جملات همان مدل جملات قبلی‌اند. لذا وقتی به دوره متوسطه می‌رسیم گویا خود بچه‌ها هم از این جملات حس روشنی می‌گیرند، در حالی که در ابتدایی به لحاظ ادبی بچه‌ها مخاطب نیستند.

«در پایان تحصیل، با درک اصول دین قادر است در مواجهه با پرسش‌ها پاسخ‌های استدلالی و متقاعدکننده مبتنی بر شواهد دینی ارائه کند.» در جهان امروز این موضوع خیلی مهم است که آدم بتواند کلیدها را داشته باشد. این کلیدها در برنامه درسی حوزه یادگیری مشخص می‌شوند؛ مثل عبودیت یا عقل‌گرایی.

«با تقلید سیره معصومین (ع) نقش ایشان را در احیای دین و ترسیم آینده بشریت تبیین و دلالت‌های سیره آن‌ها را برای به‌کارگیری در موقعیت‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی

شناسایی کند.» بچه‌ها باید بتوانند درباره هر یک از دوره‌های تاریخی تحلیل داشته باشند.

در باب تربیت هنری ما قبلاً در دوره اول متوسطه متوقف می‌شدیم و چیزی به نام هنر در آموزش دوره دوم متوسطه نداشتیم و این درست نیست. یکی از کارهایی که ما کردیم این بود که همه ساحت‌ها از ابتدا تا انتها وجود داشته باشند. برای این حوزه خاص چهار هدف را به صورت جدی نوشتیم و دنبال کردیم. این چهار هدف چهار عبارت را شامل می‌شوند: مطالعه هنر، خلق اثر هنری، نقد آثار هنری، ارزش‌گذاری هنر. این چهار هدف، اهداف بسیار کلیدی و مهم محسوب می‌شوند.

بحث هدف‌ها را ما از چند منظر دنبال می‌کنیم و برای آن برنامه درسی حوزه‌های یادگیری را می‌نویسیم. یعنی هدف‌ها در برنامه درسی حوزه‌های یادگیری می‌آیند و بعد، بسته آموزشی تولید می‌شود. اما این هدف‌ها به خودی خود برای مخاطبان دیگر هم کاربرد دارند. اگر قرار است بچه‌ها به آن توانمندی‌ها برسند به نظر من همین مجموعه، اهداف دوره ابتدایی ما برای مجلات دوره ابتدایی مفید است. معرفی این اهداف و نوع کار و اینکه یادگیری بچه‌ها باید به برون‌دادی قابل مشاهده برسد، مطالبی هستند که در مجلات رشد قابلیت کار جدی و البته دشوار دارد. مجله رشد باید آن بخشی از این اهداف را دنبال کند که رسیدن به آن در فضای رسمی یادگیری و یاددهی دشوار است. تصور می‌کنم برای هر یک از دوره‌های تحصیلی می‌توان فعالیت‌های بی‌شماری طراحی کرد. بخش عمده‌ای از سواد اطلاعاتی به این موضوع‌ها برمی‌گردد: تحلیل رسانه امروز و ثبت خبر، تبلیغات و سرگرمی که همه این‌ها در رسانه شکل می‌گیرند و باید به‌طور همه‌جانبه در قالب همین اهداف به این موضوع‌ها پرداخت. به نظرم این نوع فعالیت‌ها کار تولیدی مشترک می‌طلبند. باید ببینیم در فضای غیر رسمی تا چه

حد می‌توانیم به اهدافمان برسیم. خود را به فضای رسمی محدود نکنیم و به فضاهای غیررسمی اهمیت بیشتری بدهیم.

محبت‌الله همتی، ناظر محتوایی مجلات رشد: تصور من این است که تولیدکنندگان مجلات قرار است محتوای مجله را در قالب‌های شناخته‌شده مطبوعاتی تولید کنند که نمونه‌هایشان در مجلات ما فراوان‌اند. باید در جهت‌گیری‌ها باید تولید محتوا با اهداف برنامه‌های تحصیلی هم‌خوانی داشته باشد. استنباط من از صحبت‌های شما درست است؟

امانی طهرانی: کاملاً درست است. من نکته دیگر را هم اضافه کنم. ما تحلیلی از وضعیت آموزش و پرورش امروز داریم که این تحلیل یک مدل عمل به دست داده است. خوب است که این موضوع همین‌جا مطرح شود تا هم نظر شما را درباره آن بدانم و هم برای نشر این ایده قدمی برداشته باشم. ما در دفتر تألیف مثلثی را ترسیم کرده‌ایم برای اعتلای یادگیری و احیای مدرسه. همه مخاطب این مثلث هستند؛ از وزیر تا پدر و مادر، اما هر کس نقشی دارد. اسم این مثلث را نهضت احیای یادگیری در مدارس می‌گذاریم. یک ضلع این مثلث، رسانه‌های آموزشی پرشمار است. ضلع دوم، سناریوی یادگیری رشد دهنده، معطوف به سطوح بالای عملکرد یادگیری و ضلع سوم، تأکید بر داشتن برونداد و ارائه است.

همتی: من مسئله را طوری دیگر مطرح می‌کنم و خواهش می‌کنم که دوستان مشارکت کنند. من صحبت‌های شما را قبول دارم. به عنوان تولیدکننده مجله به موضوع از این منظر می‌توان نگاه کرد که مطالب شما خیلی خوب است، اما به من ربطی ندارد. من در مجله قصه، شعر، گفت‌وگو و ... تولید می‌کنم. معلم اگر خواست استفاده کند و اگر خواست استفاده نکند. من کار خودم را انجام می‌دهم و به این اهداف کاری ندارم. اگر من چنین

برخورد کنم، شما چه جوابی به من می‌دهید؟ الان ممکن است این سؤال در ذهن بعضی از دوستان ایجاد شده باشد که این بحث‌ها به سردبیران و تولیدکنندگان مجلات چه ربطی دارد؟

امانی طهرانی: به نظرم نکته مهم و بجایی است. می‌شود از چند منظر به آن نگاه کرد. دوستان هم باید نظر خود را بگویند.

ناصر نادری، ناظر مجلات رشد: به نظرم سه فرض در خصوص ارتباط برنامه درسی و مجله قابل تصور است. یک تصور این است که بگوییم کتاب درسی و مجلات دو درخت هستند که در یک سازمان تولید می‌شوند و خورشیدی به نام اهداف کلان آموزش و پرورش وجود دارد که در «شورای آموزش و پرورش» تصویب شده است و ما هر دو موجودی زنده هستیم که به تناسب تفاوت‌های موجود در جنسیت و جزئیات حرفه‌ای، باید کار خودمان را انجام دهیم. تفاوت کتاب درسی و مجله را شاید در این موارد بتوان گنجاند. مطالب کتاب درسی حاوی القای مستقیم و تعلیمی هستند، اما در مجلات حالت فردیت و اختیاری وجود دارد. مطالب غیررسمی، غیر مستقیم، بدون آزمون و لذت‌بخش‌اند و محتوا در متن و تصویر تنیده شده است. به علاوه، جنبه‌های ژورنالیستی و ادبیات تعلیمی و تخیلی در آن منظور شده است. پس یک نگاه فرابرنامه‌ای است. در نگاه برنامه درسی جدید که شعار بسیار خوبی است، همه ما مدارهایی هستیم که در یک منظومه واحد را شکل می‌دهند و این منظومه یک بسته آموزشی به حساب می‌آید.

نگاه دیگر این است که اساساً ما نگاه فوق برنامه‌ای داشته باشیم. کتاب درسی اهداف آشکاری دارد که از قبل هم پیش‌بینی شده‌اند. مجلات رشد به عنوان ساحت فوق برنامه می‌آیند برخی از خلأها و نقاط ضعف کتاب درسی را پوشش می‌دهند و رابطه تکمیلی بین این دو وجود دارد. در حقیقت، مجلات نقش مکمل برنامه درسی را ایفا می‌کنند، مطابق با محتوای برنامه درسی و

وفادار به رویکردها، اهداف و مأموریت‌ها، اما خلاق و لذت‌بخش. نگاه دیگر این است که نگاه درون‌برنامه‌ای داشته باشیم. یعنی مجلات به محتوای برنامه درسی وفادار باشند، ولی به تناسب تفاوت‌های ذهنی-روانی مخاطب. البته به این قضیه هم نقدهایی وارد است. من معتقدم ما باید هویت رسانه‌ای مجله و ژورنالمان را حفظ کنیم، ولی دقت داشته باشیم که در چارچوب آموزشی قرار داریم و پیشینه کار ما ادبیات تعلیمی است، با نگاه خلاق و جذاب. به نظرم بهترین تئوری همین تئوری تکمیل متقابل است، ولی در عین حال باید استقلال هویت رسانه‌ای حفظ شود.

حمیدرضا امیری، سردبیر رشد برهان متوسطه دوم: سؤال من این است که آیا تفسیر و شرحی به صورت مکتوب آماده شده است؟ من از نگاه تولیدکننده محتوای مجلات این موضوع را مطرح می‌کنم. همین که شما درباره ساحت زیستی مثال و تفسیر می‌آورید، این مصادیق و شرح‌ها اگر وجود دارند، ما می‌توانیم درباره آن‌ها کاربردی‌تر صحبت کنیم. وقتی من مصادیق این اهداف را بدانم، می‌توانم در مجله روی آن‌ها کار کنم. آیا چنین چیزی وجود دارد یا می‌شود درباره آن بحث کرد؟ شاید بتوان کمیت مشترکی تشکیل داد که از طرف مجلات و کارشناسان این مصادیق استخراج و عملیاتی شوند.

شهرام شفیعی، سردبیر رشد دانش آموز: در درجه اول من یک بحث خارج از موضوع و یک پیشنهاد تکنیکی دارم. اینکه وقتی مطالب مهمی مثل موضوع جلسه امروز مطرح می‌شوند و دوستان باید همین‌جا اظهار نظر کنند، بعد از گذشت مدت زمانی همان بی‌حسی که شما فرمودید، اتفاق می‌افتد؛ همان تکرار کلمه هدف، برنامه، سند، تطبیق و بعد از مدتی ما متوجه دیدگاه‌های یکدیگر نمی‌شویم، چون برای پاسخ‌دهی برنامه‌ریزی می‌کنیم. شیوه درست‌تر این است که این‌ها به صورت مطالبی ارائه شوند و

در نوبت‌های بعدی دوستان نوبت داشته باشند که اظهار نظر کنند. یعنی هر شخصی یک خطابه ارائه دهد، بدون اینکه دیگران مترصد آن باشند که بلافاصله درباره آن، قضاوت و اظهار نظر کنند. فکر می‌کنم راندمان چنین ساختاری خیلی بیشتر خواهد بود.

من فکر می‌کنم بررسی این موضوع که فرض کنیم ما این‌جا چند مجله داریم و سردبیرانی هستند که می‌گویند کتاب درسی به ما ربطی ندارد، و اینکه می‌خواهند پیشنهاد بدهند که تئوری ارتباطی بین مجله و برنامه درسی برقرار شود، هدف اصلی همین جلسه است. همیشه در خصوص چگونگی‌ها و چیرستی‌ها بحث می‌شود. من این چگونگی و چیرستی را در قالب چند سؤال مطرح می‌کنم:

۱. رابطه بین مجله رشد دانش آموز با برنامه درسی و به‌طور خاص کتاب درسی چگونه است؟
 ۲. آیا مجله رشد وسیله‌ای است برای تحمیل مفاهیم و تکنیک‌های کتاب درسی؟
 ۳. آیا مجلات رشد وسیله‌ای هستند برای موضع‌گیری پنهانی گردانندگان آن علیه کتاب درسی و ارائه چیزی که ناقض مفاهیم و تکنیک‌های کتاب درسی است؟
 ۴. آیا مجلات رشد وسایلی هستند برای تکمیل کتاب‌های درسی؟
 ۵. آیا مجلات رشد وسایلی برای گسترش کتاب‌های درسی هستند؟
 ۶. آیا کار مجلات رشد تسهیل روش تدریس کتاب درسی در کلاس درس است؟
 ۷. آیا رابطه کتاب درسی و مجلات رشد رابطه تفسیرگونه است؟
 ۸. آیا کار مجلات رشد آسیب‌شناسی کتاب‌های درسی است؟
- در مورد تقسیم‌بندی ساحت‌ها با رویکرد هدف‌محور، به نظر من

جای چند موضوع خالی است: علوم محض، منطق علمی محض، و فلسفه یا منطق غیر تجربی علم که همه سر بسته باقی مانده‌اند. **علی اصغر جعفریان**، سردبیر رشد نوجوان: فکر می‌کنم دستور جلسه ما رابطه بین مجلات و برنامه درسی بود و این جلسه مقدمه‌ای برای ورود به این بحث است. البته با نگاه به اسناد، به نظر می‌آید که از فاصله بسیار بالا به مسائل نگاه شده است. بنابراین ما هر مطلبی در مجلات بنویسیم شامل این اهداف و برنامه‌ها می‌شود؛ حتی در مورد مجلات بیرون. ما باید مصادیق را بیشتر یادآوری کنیم. در خصوص تحولاتی که در کتاب‌های درسی ایجاد شده‌اند، من به عنوان مدیر مدرسه می‌بینم که سواد بچه‌هایی که وارد دوره تحصیلی متوسطه اول می‌شوند، به شدت پایین است. نه خواندن بلد هستند، نه نوشتن و نه یاد گرفته‌اند که چگونه باید یاد بگیرند، اصلاً پرکار نیستند و تلاشی ندارند که چیزی یاد بگیرند. این فاجعه است. این همه بحث و تغییر و تحول باید برون‌دادی داشته باشد. آیا همه به شوق آمده‌اند و حرکت‌ها به سمت مثبت است و نگاه‌ها عوض می‌شود؟ من فکر می‌کنم بر این حرکت تا به حال منفی بوده است.

سپیده چمن‌آرا، سردبیر رشد برهان متوسطه اول: برنامه درسی ملی را که مطالعه کردم، به خصوص قسمت مربوط به ریاضی آن را، دیدم که به عنوان سردبیر از دو زاویه می‌توان به آن نگاه کرد: یکی از جنبه برنامه درسی و موضوع و محتوای آن، و یکی از جنبه توانایی‌ها یا بخش فرایندی برنامه. من به عنوان سردبیر فکر می‌کنم که این جنبه‌ها ممکن است فراتر از کتاب‌های درسی باشند. به لحاظ اینکه به مواد متفاوتی نیاز دارند. شاید بتوان در جمله‌هایی آن‌ها را تکمیل کرد یا گسترش داد. ما باید به این جنبه‌ها توجه و روی آن‌ها کار کنیم تا نسبت مجلات را با برنامه درسی تشخیص دهیم.

همتی: من سؤالی مطرح می‌کنم تا دوستان نظرشان را بفرمایند. تأکید می‌شود که دوره اول ابتدایی پلی بین خانه و مدرسه به حساب می‌آید. شما در مقام سردبیر، وقتی این جمله را در ارتباط با تولید محتوا می‌شنوید به چه نتیجه‌ای می‌رسید؟ **امانی طهرانی**: دوره پیش دبستان پل بین خانه و مدرسه است.

افسانه موسوی گرمارودی، سردبیر رشد نوآموز: ما وقتی قرار بود برنامه‌ریزی امسال را انجام دهیم برنامه سال گذشته را نقد کردیم. من این چارت را در آن زمان داشتم و برنامه‌ها را با آن مطابقت دادم و دیدم خیلی از کارهایی که ما انجام داده‌ایم در این ستون‌ها جا می‌گیرند. من سؤالی دارم، سؤالی که همواره مطرح بوده است: مجلات ما تا چه اندازه در امتداد کتاب‌های درسی هستند؟ خواهش می‌کنم که از زاویه مقابل هم ببینیم. تا چه اندازه کتاب‌های درسی از مجلاتی که این همه برایشان کار می‌شود، ایده گرفته‌اند؟ ما بچه‌ها را به صورت لذت‌بخش هدایت می‌کنیم. به نظر من نقدهایی که از آن سمت اتفاق می‌افتند، خیلی ضعیف‌اند. ما باید از روش مجلات هم استفاده کنیم. کسانی که در حوزه هنر مملکت کار می‌کنند، می‌توانند بازوانی قوی برای پیوند زدن جنبه‌های لذت‌های آموزشی باشند، ولی این اتفاق نمی‌افتد. اگر این پیوند اتفاق بیفتد، حرکت بزرگی انجام خواهد شد.

مجید راستی، سردبیر رشد کودک: صحبت‌هایی خیلی عمیق، اساسی و زیربنایی مطرح شدند که قطعاً جمع‌بندی آن‌ها در یک جلسه محال است، ولی شنیدن آن‌ها خیلی خوب است و آدم را به فکر وامی‌دارد. اگر آموزش و پرورش معلم را به عنوان محور انگیزه‌بخشی آموزش ندهد، هزاران سند هم نوشته شود، ممکن است بی‌استفاده بماند. ما اعتقاد داریم که کودک باید

محور باشد. اگر ما به کودک نشاط ندهیم، عالی‌ترین مفاهیم را هم به او بگوییم، مؤثر نخواهد بود. بنابراین تلاش ما این است که این لذت را به وجود بیاوریم. البته همه این مفاهیم در سه مجله رشد کودک، نوآموز و دانش آموز هست و حتی بیشتر هم هست، ولی به نظر نمی‌آید؛ چون ظاهر جذابی برای بچه‌ها دارد.

من و دوستانم خودمان را در حد یک معلم عادی با انگیزه می‌دانیم. اگر این انگیزه برای تک‌تک معلمان و افرادی که برای آموزش و پرورش قدم برمی‌دارند به وجود بیاید، من مطمئنم که آن اتفاق درست خواهد افتاد و اگر نمی‌افتد دلیلش این است که ما نمی‌دانیم چطور واژه‌ها را به کار ببریم. اگر این متن به زبان روح انسان نوشته شود به دل می‌نشیند. هجوم مفاهیم از بیرون بزرگ‌ترین ضربه را به آموزش و پرورش زده است. اگر ما باور داشته باشیم عمل خواهیم کرد.

دکتر نیره شاه‌محمدی، مسئول پژوهش دفتر: من به عنوان نماینده مجموعه در جلسات کاریست شرکت می‌کنم. در این جلسات پژوهش‌هایی که به ارزشیابی کتاب‌های درسی می‌پردازند مورد بررسی قرار می‌گیرند و افراد فکر می‌کنند که نتایج پژوهش‌ها چگونه عملیاتی شوند تا مشکلات کتاب‌های درسی برطرف شوند. یکی از مشکلاتی که در جلسات کاریست مطرح می‌شود بحث منابع آموزشی یادگیری است. سؤال اول من این است که: دست‌اندرکاران کتاب درسی چه قدر تمایل دارند از محتوای مجلات رشد به عنوان منابع استفاده کنند؟ سؤال دوم من این است که در بند دوازده برنامه درسی، با عنوان سیاست‌های تولید مواد رسانه‌ای یادگیری بر سیاست برنامه‌محوری و تولید بسته‌های آموزشی تأکید شده است. یکی از پیشنهادها ما به پژوهشکده تعلیم و تربیت این بود که ببینیم مجلات ما چقدر به تقویت برنامه‌های درسی کمک می‌کنند. آیا مجلات کمک آموزشی به عنوان یکی از اجزای این بسته در نظر

امانی طهرانی: اسم این مثلث را نهضت احیای یادگیری در مدارس می‌گذاریم. یک ضلع این مثلث، رسانه‌های آموزشی پر شمار است. ضلع دوم، سناریوی یادگیری رشد دهنده، معطوف به سطوح بالای عملکرد یادگیری و ضلع سوم، تأکید بر داشتن برونداد و ارائه است

گرفته می‌شوند؟ و اگر دیده می‌شوند تا چه اندازه و چگونه؟
شفیعی: من مطمئنم که این حرکت در دل خودش قدم‌های بزرگی را دارد و انتقادهایی که می‌شود، در جهت پیشبرد بهتر کار است. در این قسمت قصد دارم به ماجرای کتاب درسی بپردازم. باید بگویم با وجود این همه پیش‌بینی‌های تئوریک در اسناد مختلف، سؤالی که همیشه برای ما مطرح بوده این است که ساز و کار بررسی تحقق برونداد در متن درس چیست؟ آیا متن درس یک مصداق نسبی است برای آنچه ما دیده‌ایم؟ اصولاً چگونه می‌شود آن را مصداق‌یابی کرد؟ نکته‌ای که به صورت کلی می‌توانم عرض کنم این است که در خیلی درس‌ها آدم احساس می‌کند نویسنده ذهنیتی متکثر دارد که این تکثر به چند دلیل است: یکی عدم مهارت کافی و دیگری تأثیر عوامل متکثری که از اسناد به ذهن نویسنده می‌آید. درس اجزای ارگانیک ندارد و حاوی گزاره‌هایی است که توالی ذهنی و عاطفی و توأم بالذات کافی را ندارند. به نظر من از فرصت‌ها بیشتر می‌توان استفاده کرد و کار مدیریت این است که نظامی تعریف کند برای استفاده از دیدگاه‌ها و قشرهای مختلف اجتماعی.

محمدرضا حشمتی، سردبیر رشد معلم: کوچک‌ترین جزء یادگیری درس است. عوامل دیگری نیز در این مسئله وجود دارد. سؤال من این است که در متن درس‌هایی که ما در گذشته

خوانده‌ایم، چه نشاط و شادابی وجود داشته است؟ مؤلفه کتاب چقدر در این موضوع سهم دارد؟ از طرف دیگر کسی که درس را ارائه می‌دهد و طراحی آموزشی می‌کند کجاست؟ آموزش و پرورش مشکلات متعددی دارد. نکته دیگر اینکه نگاه آقای دکتر امانی نگاه برنامه‌ریزی است؛ برنامه‌ریزی برای آینده. وقتی با این نگاه به مسائل بپردازیم، می‌توانیم به شکل گرفتن این برنامه‌ریزی و قوی‌تر شدن آن کمک کنیم.

محمدعلی قربانی، سردبیر رشد جوان: در مجلات رشد سهم بیشتری به هنرمندان داده می‌شود تا تولید محتوا لذت‌بخش شود. در کتاب‌های درسی سهم بیشتری به هدایتگر داده می‌شود و نگاه معلمی تا حد زیادی غلبه دارد.

محمد ناصری، مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی: این جلسه برای ما خیلی مفید و مهم بود و در واقع آغاز راه جدیدی است برای دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی و دفتر تألیف. به دکتر امانی هم هرطور نگاه کنیم درست نگاه می‌کنیم و ما از همه وجوه ایشان می‌توانیم استفاده کنیم.

به نظر من صحبت‌های امروز دکتر امانی مقدمه‌ای بر بحث ما بود. شناخت و فهم ادبیات اسناد بالادستی موضوع مهمی است که ما باید به آن دست پیدا کنیم. ما در حوزه برنامه‌ریزی درسی نیازمند آشنایی با این ادبیات هستیم. نکته دوم، یعنی مهم‌ترین چیزی که ما در این جلسه به آن دست پیدا کردیم همین یک صفحه است که خیلی اساسی است. کشف ارتباط با برنامه درسی از این جا باید شروع شود. این جلسه برای ما الهام‌بخش خواهد بود و این ارتباط با دفتر تألیف ادامه پیدا خواهد کرد.

امانی طهرانی: من واقعاً از جلسه امروز حس بسیار خوبی دارم و تصورم این است که ما از این گونه جلسه‌ها بیشتر از هر جلسه دیگر بهره می‌بریم. هر جمله‌ای که دوستان می‌گفتند، در

من تذکری ایجاد می‌کرد. از بین فرمایش‌های دوستان نکاتی را ذکر می‌کنم. تأکید بر اینکه نسبت بین کتاب درسی و مجلات رشد چیست، به عقیده من از اساس نادرست است. کتاب یک رسانه است که کارکرد خودش را دارد. مجله ماهیت سیال و تغییر یابنده دارد. ایجاد نسبت بین مجله و کتاب نه شدنی است. و نه مطلوب. آنچه که ما را به هم اتحاد می‌دهد، اهداف است. این اتحاد بسیار وسیع‌تر از کتاب است. همه ما فراهم‌کننده فرصت‌های یادگیری هستیم. مهم‌ترین تفاوت کتاب درسی با بقیه این است که کتاب درسی باید به نوعی طراحی شود که با سایر موارد سازگار باشد.

نکته دوم اینکه ما آزادی عمل را از این طریق در مجلات به دست می‌آوریم. مجله‌ای که خودش را با اهداف تنظیم می‌کند آزادی عمل بیشتری دارد تا اینکه بخواهد با کتاب تنظیم شود. آخرین نکته این است که مثلی که من روی آن تأکید دارم، اگر هر رسانه‌ای نسبت خودش را با آن به خوبی تعریف کند اوضاع مدارس ما به کلی متفاوت خواهد شد. بیشترین نقد وارد بر مدارس این است که فقط اپراتور کتاب درسی هستند. اگر این نهضت احیا در مجلات به طور جدی پشتیبانی شود، تمام چیزهایی که به دنبالشان هستیم از این طریق قابل دستیابی خواهند بود. نوع توضیحات آقای ناصری بسیار خوب بود. ایشان خیلی صریح و دقیق مطالب را فرمودند. ما محتاجیم که از امروز نسبت خود را فقط با هدف‌ها روشن کنیم. این نسبت به لحاظ محتوا، روش و سازمان‌دهی قابل تشخیص است. آن مثلث هم کمک می‌کند تا اجزا با هم ارتباط برقرار کنند.

هر زمانی که شما احساس کردید گفت‌وگوهای بیشتری در هریک از این باب‌ها نیاز است، من با اشتیاق تمام استقبال می‌کنم.



راز ماندگاری مجلات رشد پایه‌گذاری درست و اصولی آن است

گزارش نشست هم‌اندیشی با نمایندگان مجلات رشد
استان‌های لرستان، کردستان و کهگیلویه و بویراحمد



..... اشاره
نشست صمیمانه هم اندیشی مجلات رشد با حضور مدیران دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی (مجلات رشد) و نمایندگان این مجلات در استان های لرستان، کردستان و کهگیلویه و بویراحمد در روز ۲۴ آبان ماه در مشهد مقدس برگزار شد.

در این نشست یک روزه، ضمن تقدیر و تکریم نمایندگان سخت کوش مجلات رشد در مرکز استان و شهرستان های مذکور، در خصوص مسائل جاری مجلات در زمینه تهیه محتوا با مشارکت استان ها و همچنین توزیع بهینه و به موقع مجلات بحث و تبادل نظر شد. مهمانان نشست نیز در جلسه پرسش و پاسخ نظرات، پیشنهادات و مشکلات خود را مطرح و در این خصوص با مدیران دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی و سردبیران و دست اندرکاران تهیه مجلات رشد گفت و گو کردند.....

می کنند. تلاش و همت ارزشمند این عزیزان را ارج می نهیم».

تلاش بی منت و خاموش همکاران را ارج می نهیم!

معلمان باید به عنوان پرچمداران علم و اخلاق در صف اول تغییر و تحول باشند

در ادامه این نشست، **محمد ناصری**، مدیر مسئول مجلات رشد و مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی نیز طی سخنانی گفت: به نام خداوند متعال و آرزوی قبولی زیارات همراه

در آغاز این جلسه و بعد از برگزاری مراسم افتتاحیه نشست، **ناصر نادری**، ناظر محتوایی مجلات، در سخنانی کوتاه گفت: «این توفیق حاصل شده است تا در کنار مرقد و بارگاه شریف حضرت امام رضا (ع) در خدمت دوستانی باشیم که بی منت، صادق و خاموش در استان های لرستان، کردستان و کهگیلویه و بویراحمد چرخه تولید، توزیع و خواندن مجلات رشد را کامل



ناصری: باید تلاش کنیم فرزندان ما در محیط امن مدرسه به گونه ای پرورش پیدا کنند که بتوانند گام در راه روشن این بزرگان بگذارند

با معرفت دوستان، من هم به نوبه خودم حضور همه عزیزان را خیر مقدم می گویم و امیدوارم بتوانیم شکر این توفیق و دیدار و زیارت حضرت ثامن الائمه (ع) را به شایستگی به جای آوریم. ما در ماه سراسر اندوه صفر و در ادامه غم های بر دل مانده محرم، امروز در حالی در کنار هم گرد آمده ایم که روز میلاد با سعادت امام محمد باقر (ع) است. این هم زمانی را هم به فال نیک می گیریم و امیدواریم همگی تحت توجه و عنایات ویژه اولیای الهی بتوانیم مسئولیتی را که امروز بر دوشمان قرار گرفته است، به خوبی و شایستگی به انجام برسانیم.

به همین مناسبت خوب است به احادیثی ارزشمند از این امام بزرگوار اشاره و آن را توشه راه خود کنیم. امام محمد باقر (ع) در حدیثی می فرماید: «سخن طیب و پاکیزه را از هر که گفت،

بگیرید، اگر چه او خود به آن عمل نکند.» یا در حدیثی دیگر می فرماید: «چیزی با چیزی نیامیخته است که بهتر از حلم با علم باشد».

اشاره آن بزرگوار به حلم و صبوری و آمیختن آن با علم، آموزه ارزشمندی است که در روزگار ما که متأسفانه این رابطه در بین برخی معلمان (به دلایل گوناگون) آسیب دیده است، بسیار قابل توجه و آموزنده است. ما و شما و هم نسلان ما به خاطر دارند که معلمان مادر گذشته ای نه چندان دور نسبت به معلمان امروز پر حوصله و صبورتر بودند.

امیدواریم ان شاء الله شرایط اقتصادی و معیشتی آموزش و پرورش ما هم به سمت و سویی برود که این عنصر مهم اخلاقی بتواند در جایگاه واقعی خود قرار گیرد. البته این بی حوصلگی و تعجیل و شتابزدگی تنها خاص معلمان نیست که در جامعه ما هم نشانه های آن زیاد به چشم می خورد و قضاوت های عجولانه و برخوردهای بی صبرانه وجود دارد که البته معلمان ما باید به عنوان پرچمداران علم و اخلاق در صف اول این تغییر قرار داشته باشند و با آراستگی به علم و حلم و صبوری پیشقراول این صفات نیکو باشند.

ضرورت دارد هراز چند گاهی با هم بنشینیم و گفت و گو کنیم

ما و دوستان دیگر این جمع، همه به نوعی نماینده مجلات رشد هستیم و هر کدام گوشه ای از کار را گرفته ایم. کار و مسئولیت تک تک ما هر کدام به نحوی مهم و تأثیر گذار است. همکاری، هماهنگی و همدلی این مجموعه است که کار را به سرانجام می رساند. پس ضرورت دارد که هر چند گاهی چنین نشست های صمیمانه ای داشته باشیم و ضمن تجدید دیدار، از

حال همدیگر خبری بگیریم و ضمناً از تجربه‌ها و مشکلات و موفقیت‌ها و اخلاقیتهایی بگیریم که لازمه توفیق در چنین کار مهم و تأثیر گذاری است.

امروز مناسبت مهم دیگری هم در تقویم ما ثبت شده است. ۲۴ آبان ماه روز کتاب و کتابخوانی هم هست که با کار و حرفه ما ارتباط نزدیک و وثیقی دارد. نیم نگاهی به تاریخچه مجلات رشد و پیک حاکی از آن است که اساساً فلسفه وجودی این مجلات که طی حدود این ۵۰ سال از ۵ یا ۶ مجله در آغاز راه، به بیش از ۳۰ عنوان مجله رسیده است، ارتقای فرهنگ مطالعه و خواندن بوده است. از سویی دیگر، کلید موفقیت در آموزش و پرورش مطالعه و خواندن است. این در حالی است که آموزه‌های دینی ما هم مؤید چنین کار بزرگی هستند و معجزه جاویدان دین مبین اسلام نیز قرآن و خواندن این کتاب آسمانی و حیات بخش برای همگان لازم است.

خوشبختانه انقلاب و شاید حوادث و رخدادهای آن فرصتهایی را فراهم آورد تا ما و شما بتوانیم به مناسبت‌هایی در استان‌های دیگری غیر از استان محل سکونت خودمان

حضور داشته باشیم. من شخصاً حدود سال‌های ۱۳۶۲ و ۶۳ در روستای کوچک علیا (منطقه ای بین سقز و بوکان) در استان کردستان، توفیق حضور داشتم و معلم بودم. به همین دلیل با اهالی آن روستا ارتباط صمیمانه داشتم که این هم از نعمات و خاطراتی است که برایم بسیار آموزنده بوده و هست.

علامه طباطبائی الگوی اخلاق و عمل

امروز روز بزرگداشت آیت الله سید محمد حسین طباطبائی هم هست که عمری غرق در خواندن و نوشتن بود و در سال ۱۳۶۰ به رحمت خداوند رفت و به معبود مهربانش پیوست. زندگی این بزرگ مرد هم که در هم آمیخته با قرآن و بندگی خالصانه خالق یکتا بوده است، سراسر درس و آموزش است و در این فرصت کوتاه زمان پرداختن بدان نیست. ایشان در فلسفه و تفسیر قرآن سرآمد هستند. زندگی پرفراز و نشیب و همراه با محرومیت و سختی علامه یکسره درس و تجربه‌های گران‌بهای است که باید گفت در سایه تعبّد و بندگی و خواندن و نوشتن شکل گرفته و برکات زیادی را نصیب ایشان و مسلمانان کرده است. رفتار و منش این بزرگوار بسیار مؤثر و سیره عملی ایشان بر شاگردان و نزدیکانش بسیار تأثیرگذار بوده است.

درس بزرگ علامه امینی از مباحثه همراه با اخلاق و ادب امام خمینی (ره) و علامه طباطبائی

در همین ارتباط، یکی از درس‌های معلمی که ما می‌توانیم از وجود مبارک ایشان و همچنین سیره و منش حضرت امام (ره) یاد بگیریم، عکس العملی است که این دو بزرگوار در قبال رفتار شاگرد خود بروز می‌دهند. آیت الله علامه امینی که در حال



ناصری: کلید موفقیت در آموزش و پرورش مطالعه و خواندن است

این مباحثه‌ها و مجادله‌ها وجود دارد و آن رعایت ادب و شأن علمی و منش علمی برای حفظ جایگاه و شأن طرف مقابل است که خود درسی بزرگ برای کسانی است که از این ظرایف و لطایف می‌آموزند و درس می‌گیرند.

حالا اگر من و شمای معلم در چنین موقعیتی قرار گیریم و چند دانش‌آموز مطلبی را از قول دیگری نقل کنند که به دلخواه و نفع ما نباشد، چه واکنشی نشان می‌دهیم؟ اگر این اتفاق در شرایطی بیفتد که عده‌ای هم ناظر بر این ماجرا باشند شاید هر دو طرف سعی کنیم طرف مقابل خود را مغلوب کنیم. در حالی که ذکر این شیوه و منش از سوی بزرگان حاکی از آن است که اخلاق و مدارا و رعایت ادب و احترام نسبت به دیگران ارزشی بالاتر و بالاتر از دنبال کردن هدفی به منظور غلبه و پیروزی بر دیگران است و این‌ها درس‌های بزرگی از زندگی و شیوه و منش عملی این بزرگان هستند که می‌تواند سرمشق و الگوی ما باشند.

تفسیر شریف المیزان حاصل توجهات خاص حضرت حق به علامه است

علامه طباطبایی در زندگی شخصی هم بسیار مقید و در پی تکریم نزدیکان و خانواده بودند. از سویی صفت شاگرد پروری ایشان شاخصه‌ای درس آموز بود که به عنوان مثال، حضرت علامه شهید مطهری، از شاگردان شاخص ایشان هستند و از سویی دیگر کتاب‌های مؤثر و بی نظیر حضرت علامه حاصل دیگری از عمر پربرکت ایشان است. برای نمونه شهید مطهری می‌فرمایند: تفسیر المیزان حضرت علامه در جهان اسلام بی نظیر

حاضر هم در قید حیات هستند و بعد از انقلاب اسلامی اولین کتاب‌های دینی را نگاشته‌اند (و به حق باید گفت به عنوان کسی که هم آن متن و هم متن‌های کتاب‌های جدید دینی را خوانده است، متن‌های ایشان را به متن‌های کتاب‌های جدید ترجیح می‌دهم) شاگرد این دو بزرگوار بوده‌اند.

روزی علامه امینی این دو بزرگوار را به حجره خودش دعوت می‌کند و چون هر دوی این عزیزان استاد فلسفه هم بوده‌اند، سعی می‌کند یک شیطنت ملیح طلبگی - معلمی هم انجام دهد و در یک مورد خاص فلسفی این بزرگان را وادار به مجادله کند.

به همین منظور هم یک سؤال پر مسئله، پر نکته و پر چالش را در حوزه فلسفه مطرح می‌کند و مباحثه بین حضرت امام (ره) و حضرت علامه طباطبایی آغاز می‌شود. علیرغم تلاش علامه امینی برای به چالش کشیدن این بحث، کار به صورت سؤال و جواب و مباحثه ادامه پیدا می‌کند و به مجادله کشیده نمی‌شود. آیت الله امینی نقل می‌کنند که من هر چه تلاش کردم در بین بحث نکته‌ای پیدا کنم که این دو استاد بزرگ را وادار به مجادله علمی کنم، موفق نشدم، اما آموختم درسی بزرگ‌تر از





است و ایشان اعتقاد دارد این کتاب نشانه‌ای از فیضی است که به علامه رسیده و در حالت عادی انجام نشده است.

حرف و صحبت در خصوص منش و شیوه رفتار و عمل این بزرگواران فراوان است، اما وقت محدود است و باید پای صحبت دوستان هم بنشینیم. به همین جهت به عنوان جمع‌بندی عرض می‌کنم، این بزرگان همگی برای رشد بشر (رشد اندیشه و روح و روان او) تلاش می‌کرده‌اند و ما هم اگر امروز بتوانیم از این چشمه جوشان فیض الهی جرعه‌ای به دانش‌آموزان خود بنوشانیم، آنان نیز از این نعمت‌های ارزشمند بهره‌مند خواهند شد. همین است که باید تلاش کنیم بچه‌ها و فرزندان ما در محیط امن مدرسه به گونه‌ای پرورش پیدا کنند که بتوانند گام در راه روشن این بزرگان بگذارند و این فیض مستدام استمرار پیدا کند.

شیرینی و لطافت گفتار و رفتار این عزیزان هم بسیار درس آموز است. ما هم باید تلاش کنیم کلاس درس را برای دانش‌آموزان شیرین کنیم. بخشی از این شیرینی آن است که بچه‌ها مجلات ما را با شوق و ذوق بخوانند تا بتوانیم به عنوان جویباری کوچک به آن رودهای بزرگ وصل شویم و گام در

راهی بگذاریم که قدم‌های استوار این بزرگان مسیر روشن آن را برایمان ترسیم کرده است.

نکته پایانی سخن من هم این است که دو مجله رشد آموزش ابتدایی و رشد معلم به مناسبت برگزاری همایش ملی آموزش ابتدایی و همچنین بزرگداشت استاد غلامحسین شکوهی، چهره ماندگار تعلیم و تربیت، در حاشیه این همایش، ویژه نامه‌هایی را درباره منش و شیوه معلمی ایشان آماده کرده‌اند که در دی ماه منتشر خواهد شد. ان شاء الله دوستان و همکاران این مجلات را بخوانند و لذت ببرند تا بتوانند دانش‌آموزان را هم با چشیدن چنین لذتی همراه و آنان را به مطالعه و خواندن ترغیب کنند.

بر اساس مفاد اسناد بالادستی، مجلات رشد باید در کیف دانش‌آموزان قرار گیرد

بعد از سخنان ناصری، **باقر توکلی**، معاون آموزش ابتدایی اداره کل آموزش و پرورش استان لرستان، هم این گونه سخن گفت: «شاید خوب باشد که در این نشست صمیمی اشاره‌ای هم به اسناد بالا دستی آموزش و پرورش داشته باشیم و به راهکارهایی که موضوع آن‌ها مطالعه و خواندن فراتر از کتاب درسی است، بیشتر توجه کنیم. در همین ارتباط این نکته مهم است که در راهکارهای ارائه شده، بیان شده است که باید طوری برنامه‌ریزی کنیم که این مجلات در کیف دانش‌آموزان قرار گیرند. همچنین، تأکید شده است باید به چهار عنصر فضا، محتوا، معلم و دانش‌آموز توجه کافی داشته باشیم تا یادگیری مطلوب صورت گیرد و تثبیت شود.

خوشبختانه در این نشست و جمعی که گرد هم آمده‌ایم، تکلیف تا حدودی روشن است. به گونه‌ای که دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی مجموعه مجلات رشد را تهیه و تولید می‌کند

و ما هم به عنوان افرادی که در توزیع و رساندن این مجلات به دست معلمان و دانش آموزان نقش داریم، باید این کار را به فرهنگ تبدیل کنیم تا دانش آموزان و فرهنگیان این مجلات را در سبد نیازهای خود قرار دهند. برای تحقق چنین هدفی، در وهله اول باید خودمان اهل مطالعه و خواندن باشیم.

اگر بخواهم به فعالیت‌های شاخص استان لرستان در این زمینه اشاره کنم، باید از جلسات آشنایی رؤسای آموزش و پرورش استان یاد کنم. در جلساتی که با این عزیزان داریم، مجلات رشد را معرفی می‌کنیم و البته این موضوع در خصوص معاونان ادارات و مدیران مدارس هم مصداق دارد و جزو برنامه‌هایی است که به طور مستمر دنبال می‌شود.

در زمینه ترویج فرهنگ استفاده از مجلات و گسترش سطح تحت پوشش مجلات هم سعی کرده‌ایم با وجود پراکندگی زیادی که به لحاظ گستردگی استان داریم، این مجلات را به همه نقاط استان برسانیم و هیچ نقطه‌ای از دسترسی به مجلات محروم نماند.

با همه این اتفاق‌هایی که به برخی از آن‌ها اشاره کردم و

نیز تلاش همکارانمان، خوشبختانه در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ درخواست خرید مجلات رشد، نسبت به سال قبل ۱۴ درصد رشد داشته است. بیشترین میزان تقاضا هم در میان همکاران و مدارس ابتدایی بوده است.

ما همچنین جلساتی با معاونان متوسطه و پژوهشی استان داشته‌ایم و چون مجلات، حوزه متوسطه را هم در بر می‌گیرند و از سویی دیگر در دانشگاه فرهنگیان ۴۶۰ دانشجو معلم داریم که در مهر ماه ۱۳۹۵ وارد مدارس خواهند شد، مترصد این بوده‌ایم که مجلات به دست همه مخاطبان برسند. گر چه مجری این کار معاونت آموزش ابتدایی است، اما به گونه‌ای عمل شده است که همه فرهنگیان تحت پوشش مجلات رشد قرار گیرند.

ما در جلسات ماهانه اولیا و مربیان هم حضور پیدا می‌کنیم و به دنبال این هستیم تا با کمک خانواده‌ها فرهنگ استفاده از مجلات همه گیرتر شود و چون معتقدیم محتوای مجلات می‌تواند مهارت‌های دانش آموزان را هم ارتقا دهد، بر استفاده از آن اصرار داریم».

برگزاری جشنواره هفت سین رشد با استفاده از محتوای مجلات رشد در استان نهاده شده است

عباس احمدی، نماینده مجلات رشد در اداره کل آموزش و پرورش استان کردستان، هم در این نشست طی سخنانی کوتاه گفت: توفیقی بود و یک در گردهمایی که در تابستان برگزار شد، در خدمت دوستان بودیم. همان جا عرض کردم ما آنچه را در ارتباط با مجلات رشد بر عهده گرفته‌ایم به انجام می‌رسانیم، ولی دیده نمی‌شویم. امروز با کمال خوشوقتی و با تعداد ۲۸ نفر از همکاران سخت کوش خود در استان کردستان، در کنار دوستان هستیم.



ما نامه‌های دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی را برای اشتراک مجلات به مناطق و مدارس رونوشت می‌دهیم، اما ادارات ما خودشان هم به‌طور مستقیم نامه می‌زنند و نسبت به اشتراک مجلات رشد اقدام می‌کنند. مثلاً اداره تربیت بدنی، اداره استعدادهای درخشان، اداره مشاوره و یا اداره شاهد هر کدام تلاش می‌کنند با مشارکتی که دارند، مجموعه‌های تحت پوشش خود را به خرید مجلات تشویق و ترغیب کنند. در همین زمینه مثلاً اداره شاهد با تلاش در خور توجهی، تمامی مدارس تحت پوشش را مشترک مجلات کرده است.

همچنین، جشنواره‌های متعددی در مدارس، مناطق و در سطح استان برگزار می‌شوند که معمولاً موضوع آن‌ها برگرفته از محتوای مجلات رشد است. مثلاً برگزاری جشنواره آشپزی از غذاهایی که در این مجلات آموزش داده شده‌اند، یا جشنواره‌های مقاله‌نویسی و روزنامه دیواری که در سطوح گوناگون برگزار می‌شوند. ما معمولاً در پایان سال هم جشنواره هفت سین رشد را با استفاده از محتوای مجلات با برقراری پیوند با آداب و سنن محلی و بومی برگزار می‌کنیم که دانش‌آموزان از آن‌ها استقبال قرار می‌کنند.

برخی دیگر از اقدامات انجام شده عبارت‌اند از: ایستگاه مطالعه مجلات رشد، نمایشگاه هفتگی مجلات رشد در مناطق، برگزاری مسابقات عکاسی و فیلم کوتاه، دست‌سازهای بچه‌ها با استفاده از الگوهای مجلات رشد، تشکیل جلسات انجمن اولیا و مربیان با دستور جلسه مجلات رشد، برگزاری جلسه معاونان آموزش ابتدایی و کارشناسان مناطق و توجیه برای افزایش کیفیت درس‌ها با محتوای مجلات رشد، تقدیر از مدارس و مدیرانی که پوشش ۱۰۰ درصدی مجلات را داشته‌اند، تأکید مدیر کل استان بر استفاده از مجلات رشد، برگزاری دوره‌های

ضمن خدمت از مجلات تخصصی، برگزاری جشنواره دفتر رشد برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی، همکاری با مجلات رشد در ارتباط با بازدیدهای استانی و تبلیغات اینترنتی و رسانه‌ای در وبسایت اداره کل.

بازاریابی شبکه‌های مجاز و غیر مجاز اجتماعی، رقیبی برای مطالعه و کتاب‌خوانی و مجلات رشد است

داوود نیکبخت، رئیس اداره تکنولوژی آموزش و پرورش استان کهگیلویه و بویراحمد، با اشاره به این موضوع که برگزاری این نشست که همراه با فرصت زیارت و شفاعت حضرت امام رضا(ع) هم هست، فرصت مغتنمی است که ان‌شاءالله برکاتی را برای توسعه کار ما در خصوص مجلات رشد به دنبال خواهد داشت گفت: ما در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ تقاضای اشتراک برای مجلات رشد نداشتیم، اما در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ توانستیم ۳۵ هزار مجله را در ۱۳ منطقه توزیع کنیم که ۳۰ هزار از این تقاضا، مجلات عمومی و ۵ هزار تای آن‌ها مجلات تخصصی هستند.

امسال هم ما با همه شهرستان‌ها و مناطق تفاهم‌نامه‌ای امضا کرده‌ایم که بر اساس آن این میزان باید ۲۰ درصد افزایش پیدا کند. در ضمن کلیه مدیران مدارس مجلات رشد مدیریت مدرسه و رشد مدرسه فردا را مشترک شده‌اند.

ذکر این نکته هم لازم است که اساساً توزیع مجلات رشد در استان ما به دلیل پراکندگی مدارس و صعب‌العبور بودن برخی مناطق سخت است. همچنین، نبود انگیزه بین دانش‌آموزان و معلمان برای دریافت مجلات رشد، مشکل دیگر ما در اشتراک و توزیع مجلات رشد است. البته ما به دنبال ریشه‌یابی مشکلات و ترغیب مخاطبان برای اشتراک هستیم. در کل هم به نظر می‌رسد بازاریابی شبکه‌های مجاز و غیر مجاز، رقیبی برای مطالعه

و کتاب‌خوانی و مجلات رشد است.

در پایان هم پیشنهاد می‌کنم، در صورت امکان ترتیبی اتخاذ شود که با برگزاری مسابقاتی از این مجلات، معاونت‌های پژوهشی و برنامه‌ریزی گواهی ضمن خدمت صادر کنند. البته این کار می‌تواند به صورت متمرکز و ستادی آغاز شود و این امر موجب خواندن و مطالعه بیشتر این مجلات خواهد شد.

همچنین، برگزاری مسابقات از محتوای مجلات رشد، تعیین یک جایزه ملی برای مجلات رشد، امضای تفاهم نامه با برخی مراکز مانند کمیته امداد و سازمان بهزیستی برای تحت پوشش قرار دادن مجلات رشد برای دانش آموزان تحت پوشش، تشویق نامه با امتیازات مادی و معنوی با امضای مدیران کل و چاپ مقالات و مطالب همکاران در این مجلات، از دیگر اقداماتی است که می‌تواند در توسعه و ترویج خواندن مجلات مؤثر باشد.

برگزاری جلسه هم‌اندیشی

در ادامه این نشست یک روزه، جلسه هم‌اندیشی به صورت پرسش و پاسخ با حضور مهمانان این نشست برگزار شد و پس



از ارائه توضیحات مسئولان دفتر، نمایندگان مجلات رشد در سه استان مذکور سؤالات خود را مطرح و بحث و تبادل نظر کردند. در آغاز این هم‌اندیشی سید کمال شهابلو، معاون انتشارات و برنامه‌ریزی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی با تأکید بر اهمیت و جایگاه مطالعه و خواندن برای همه همکاران گفت: ما همه اینجا گرد هم آمده‌ایم تا بگوییم که همه این تلاش‌های جمعی برای رشد و توسعه مجلاتی است که با سعی و تلاش گروهی حرفه‌ای و متخصص برای مخاطبان (معلمان و دانش‌آموزان) منتشر می‌شود و یکی از ضروریات موفقیت در چنین کاری این است که در گام اول خودمان اهل مطالعه و خواندن باشیم و با تسلط بر محتوای مجلات این امکان را داشته باشیم تا بتوانیم این مجلات را به خوبی به مخاطبان معرفی کنیم.

مجلات رشد، علاوه بر توزیع در شکل کاغذی، به روش‌های دیگری هم، مانند انتشار در وبسایت مجلات رشد به آدرس roshdmag.ir و اخیراً نیز در شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام و تلگرام منتشر می‌شوند و ما باید این وجه از موضوع را هم به اطلاع مخاطبان برسانیم. همچنین، ما در نمایشگاه‌های مرتبط به مطبوعات و مطبوعات کودکان و نوجوانان حضور می‌یابیم. از سویی دیگر، باید تلاش کنیم در هر جا که ممکن است این مجلات در معرض دید مخاطبان

شهابلو: در گام اول خودمان اهل مطالعه و خواندن باشیم و با تسلط بر محتوای مجلات این امکان را داشته باشیم تا بتوانیم این مجلات را به خوبی به مخاطبان معرفی کنیم

قرار گیرد. چون تا مجلات دیده نشوند، خوانده هم نخواهند شد. همچنین، شما باید تغییرات احتمالی در توزیع مجلات و تغییر زمان آن را دنبال کنید و به اطلاع مخاطبان برسانید که مجلات دانش‌آموزی (برهان متوسطه دوره اول و دوره دوم) که سال‌های گذشته به صورت فصلنامه منتشر می‌شده‌اند، از امسال به صورت ماهنامه منتشر می‌شوند.

جلسات نقد و بررسی مجلات برگزار شود %

سعید عزیزی، از استان لرستان: باید از مدیران استان‌ها حمایت بیشتری بشود و سیاست‌های حمایتی و تشویقی بیشتری از مناطق محروم داشته باشیم. تنوع مطالب مهم است و به عنوان نمونه ۷۰ درصد مدیران مدارس از مجله رشد آموزش ابتدایی، به دلیل تنوع مطالب و محتوای آن استفاده می‌کنند. این امر در مقطع متوسطه برعکس است که باز هم محتوا می‌تواند مؤثر باشد. باید جلساتی در خصوص نقد و بررسی کیفیت مجلات در استان‌ها و مناطق برگزار شود و ضمن ایجاد رقابت، نمایشگاه‌های استانی با حضور مسئولان و مرکز برگزار شود. ما چهار جشنواره داشته‌ایم که جشنواره گل و دست سازه‌ها و غذا ز دل همین جشنواره‌ها در آمده‌اند و ترویج پیدا کرده‌اند.

نیازسنجی از استان‌ها ضروری است %

کوهیار اعظم، از شهرستان سروآباد استان کردستان: نیازسنجی از استان‌ها و لحاظ کردن این نیازها و خواسته‌ها باعث ایجاد انگیزه و استقبال بیشتر از مجلات رشد خواهد شد و مشارکت استان‌ها را در پی خواهد داشت. همچنین می‌توان در مناسبت‌های گوناگون، ویژه‌نامه‌هایی با مشارکت استان‌ها تهیه و منتشر کرد.

تأثیر مشارکت استان‌ها در تقویت هویت ملی %

سید فرهاد حسینی، کارشناس گروه‌های آموزشی شهرستان دیواندره: ایجاد هم‌اندیشی استانی با حضور نمایندگان مجلات و نمایندگان دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی و مجلات رشد و تقدیر از فعالان این حوزه می‌تواند در ترویج این مجلات مؤثر باشد.

مجلات رشد می‌توانند با مشارکت استان‌ها به گونه‌ای منتشر شوند که در تقویت هویت ملی و برخی شاخصه‌های اثر گذار ملی مؤثرتر باشند و از سویی اگر به نیازهای بچه‌ها نزدیک‌تر و خواندنی‌تر شوند، می‌توانند در پرکردن اوقات فراغت آن‌ها که در شهرستان‌ها به دلیل نبود امکانات تفریحی مشکل آفرین است، مؤثر باشند.

نقش مجلات رشد در دانش‌افزایی دانش‌آموزان %

اکرم رضایی فرد، کارشناس گروه‌های آموزشی شهرستان بروجرد استان لرستان: اعتقاد قلبی دارم که مجلات رشد تنهاترین و ارزان‌ترین ابزاری هستند که به دانش‌افزایی و تقویت دانش معلمان و دانش‌آموزان کمک می‌کنند.

در زمینه آموزش ابتدایی، مجله رشد آموزش ابتدایی وجود دارد، اما در زمینه مسائل مدیریتی و اتفاقات جدید حوزه‌های درسی، مجلات کم هستند و برعکس سال گذشته که ویژه‌نامه‌ای برای پایه چهارم منتشر شد، امسال این ویژه‌نامه برای پایه پنجم به دستمان نرسید. خوب است که همراه با مجلات رشد برای معلمان پایه‌های اول تا ششم، اطلاعاتی هم در خصوص کتاب‌های کمک آموزشی منتشر شود، چون همه معلمان امکان استفاده از نرم‌افزارهای رایانه‌ای و دسترسی به رایانه را ندارند.

مجلات و نهادهای فرهنگی کردن فرهنگ مطالعه

شهریار باپیری، مسئول پیش دبستانی از استان کردستان: مجلات رشد در توسعه مهارت‌ها و نگرش‌های معلمان و دانش آموزان مؤثر هستند و من خودم مقید هستم که حتماً قبل از شروع کار اداری، چند صفحه‌ای از این مجلات را بخوانم. چون مجلات رشد مهم‌ترین و مؤثرترین منابعی هستند که می‌توانند به معلمان کمک کنند. این مجلات با هدف ترویج مطالعه و خواندن و نهادینه کردن فرهنگ مطالعه منتشر می‌شوند. به همین دلیل باید به روز باشند تا بتوانند نیاز اطلاعاتی مخاطبان را برآورده کنند.

درج اسامی دانش آموزان

مجتبی پیک فلک، نماینده مجلات رشد در شهرستان موچش استان کردستان: خوب است اسامی دانش آموزانی که موفقیت‌های مهمی کسب می‌کنند، در مجلات رشد نوشته شود. با معرفی آن‌ها در این مجلات به کار آنان ارج نهاده می‌شود.

مسابقات کشوری

کوروش فلاحی، کارشناس تکنولوژی آموزشی استان کهگیلویه و بویراحمد: پیشنهاد می‌کنم در پایان هر فصل مسابقات کشوری از مجلات برگزار شود و اسامی برگزیدگان در مجلات چاپ شود. ضمناً، در مجلاتی که برای کودکان و حوزه ابتدایی چاپ می‌شود، اشعاری هست که به لحاظ وزن و قافیه و مسائل فنی مشکل دارند و چون دانش آموزان در این سنین بیشتر اشعار موزون را یاد می‌گیرند باید به این موضوع توجه شود.

حروف درشت‌تر برای رشد کودک

محمدعلی رحمانی، کارشناس تکنولوژی آموزشی منطقه ۲ سنندج: چون مجله رشد کودک به پایه اول و دوره پیش دبستانی مربوط است، باید مطالب آن درشت‌تر چاپ شوند. در مورد راهنمای تدریس، هنوز راهنمای پایه پنجم چاپ نشده است و در مورد درس قرآن جدید التالیف نوارها و لوحه‌ها در دسترس نیست.

دقت در کدنامه‌ها

مصطفی سالاری، استان کهگیلویه و بویراحمد: نمایندگان مجلات رشد در شهرستان‌ها برای انجام کاری که بر عهده دارند خیلی تلاش می‌کنند، اما موضوعی اداری وجود دارد و آن اینکه در شهرستان‌ها به کد نامه‌ها توجه می‌کنند. مثلاً اگر نامه‌ای با کد ابتدایی به متوسطه برود، خیلی بدان توجه نمی‌کنند. به همین دلیل خوب است که هر استان دو نماینده (یکی در آموزش ابتدایی و یکی در متوسطه) زیر نظر یک معاون داشته باشد تا کارها بهتر و مؤثرتر پیش برود.

با حضور در استان‌ها نقد و بررسی مجلات رشد را دنبال می‌کنیم

در ادامه این هم اندیشی **محبت الله همتی**، ناظر مجلات رشد هم با اشاره به موضوعات طرح شده در جلسه گفت: «اجازه می‌خواهم چند نکته را توضیح دهم. آقای عزیزی از همکاران استان لرستان به بحث جلسات نقد و بررسی مجلات رشد در شهرستان‌ها و استان‌ها اشاره کردند که باید بگویم ما از این جلسات استقبال می‌کنیم و امسال هم این کار را شروع کرده‌ایم. جلسات شماره یک نشریات عمومی بزرگسال را در استان قزوین برگزار کردیم، شماره ۲ را قرار است در شهر تهران برگزار کنیم.

قابل دسترسی است و محتوای آن هم به گونه‌ای تهیه شده است که برای همه پایه‌ها قابل استفاده باشد، منتها مثال‌های موردی آن از پایه‌های پنجم و نهم است.

به دو نکته دیگر هم اشاره کنم. یکی این که از همان ابتدا یکی از اهداف انتشار این مجلات این بوده است که باقیمت ارزان در دسترس مخاطب و مشتری باشد. امسال چهار نسخه مجله جدید هم به مجموعه مجلات رشد اضافه شده‌اند که البته در حیطه کار ادارات کل استثنایی و برای بچه‌های کم‌بینا و نابینا منتشر می‌شود و در قالب مجلات «رشد روشن نوآموز، رشد روشن دانش آموز، رشد روشن نوجوان و رشد روشن جوان» با خط بریل آماده شده و به چاپ می‌رسد و به رایگان هم در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد.

در ادامه این جلسه، ناصر نادری به چند نکته اشاره کرد و گفت: «شاید سؤال برخی دوستان این باشد که چه کمکی می‌توانند به ما ارائه دهند؟ یکی از اقدامات مهم شما که نتایج آن می‌تواند به ما کمک کند، نیازسنجی است تا ما با آگاهی از آن‌ها در استان‌های کشور، بتوانیم در برنامه‌هایی که برای مجلات تدارک می‌بینیم، به این نیازها توجه کنیم.

مشارکت در تولید هم موضوع مهمی است که هم خود شما و هم همکاران استانی می‌توانند مطالبی را که قابلیت‌های علمی لازم را دارند، برای چاپ در مجلات ارسال کنند. همچنین، شما می‌توانید تجربه‌های خود و همکاران را در اختیار قرار دهید. ضمناً بازخوردی را که از مجلات دریافت می‌کنید، به ما منعکس کنید.

گفتنی است، در پایان این نشست، با تقدیم لوح سپاس و هدایایی به رسم یاد بود، از شرکت کنندگان در نشست قدرشناسی و تقدیر شد.



شماره ۳ را احتمالاً در استان مرکزی برگزار خواهیم کرد و بقیه شماره‌ها را هم اگر دوستان آمادگی داشته باشند، اعلام کنند تا به همراهی اعضای تحریریه مجلات حضور پیدا کنیم و این جلسات برگزار شود. البته لازمه چنین کاری این است که

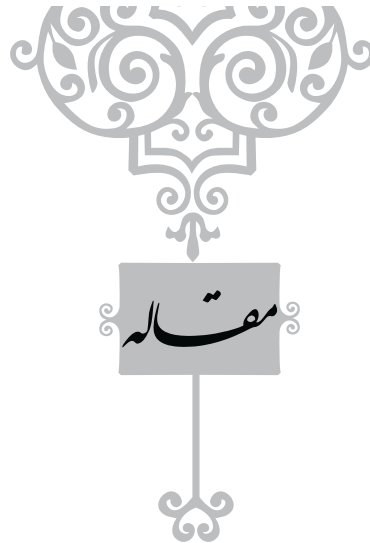
نیکبخت: ما به دنبال ریشه‌یابی مشکلات و ترغیب مخاطبان برای اشتراک مجلات هستیم

دوستانی که قصد نقد و بررسی مجلات را دارند و در جلسات حضور خواهند داشت، قبلاً مجلات را مطالعه و با آمادگی لازم حضور پیدا کنند. ضمناً حرفی برای گفتن داشته باشند تا بتوانیم از این جلسات بهره لازم را به دست آوریم.

ما امسال هم یک ویژه نامه منتشر کردیم که در واقع به شکل تلفیقی برای معلمان پایه‌های پنجم و نهم، به ضمیمه رشد معلم، منتشر شد. البته با شمارگان محدود و رایگان. فایل پی‌دی اف این مجله در سایت مجلات رشد بارگذاری شده و

رشد در مسیر توسعه

سید کمال شهابلو
معاون برنامه‌ریزی و انتشارات



مقدمه

مجلات رشد به عنوان یک رسانه دیداری، علاوه بر فراهم ساختن زمینه لذت بردن از مطالعه بین مخاطبان خویش، پیشرفت‌هایی را که در حوزه‌های گوناگون علوم و فنون پدید آمده‌اند، معرفی می‌کنند و از این طریق دانش‌آموزان و معلمان را در مسیر تغییرات جدید آموزشی قرار می‌دهند. بهره‌گیری از این مجلات که همواره در اعتلای دانش و بینش عمومی مخاطبان در ابعاد علمی، آموزشی، فرهنگی و تربیتی کوشیده‌اند، سهولت، سرعت و دقت در امر آموزش و یادگیری را به همراه دارد. هر چند دست‌اندرکاران مجلات رشد همواره در صدد تولید و انتقال محتوای مطلوب برای مخاطبان و توسعه کیفی کار خود بوده‌اند، ولی نیم‌نگاهی هم به توسعه کمی داشته و برای جذب حداکثری مخاطبان خود تلاش کرده‌اند.

این نوشتار صرف‌نظر از نقش مجلات رشد در انتقال محتوا و ارتقای سطح حرفه‌ای مخاطبان، دستاوردهای کمی رشد در طول برنامه پنجم توسعه و چشم‌انداز توسعه‌ای آن در برنامه ششم را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و متغیرهایی را بررسی می‌کند که به صورت مستقیم بر توسعه کمی تأثیر دارند.



مخاطبان مجلات رشد

هرچند اکنون دیگر مجلات رشد در اکثر مدارس جای خود را باز کرده‌اند، ولی یقیناً در انتشار این مجلات همواره باید علاقه و نیاز مخاطبان را هرچه بیشتر در نظر گرفت. عوامل متعددی بر این علاقه‌ها تأثیر گذارند و نقش خانواده، مدرسه، معلمان و هم‌سالان را نیز در این زمینه باید در نظر داشت. شناسایی مخاطب و

نیازهایش و دسته‌بندی آن‌ها تأثیری مستقیم بر انگیزش مخاطبان برای تهیه مجلات دارد. تهیه‌کنندگان محتوای این مجلات با شناسایی این نیازها و تجربه و دانشی که در این زمینه دارند، مجلات را به صورت زیر منتشر می‌کنند:

❖ مجلات دانش آموزی رشد:

رشد کودک، رشد نوآموز، رشد دانش آموز، رشد نوجوان، رشد آموزش برهان متوسطه اول، رشد جوان و رشد آموزش برهان متوسطه دوم.

این مجلات دانش آموزان پایه اول ابتدایی تا آخرین سال دوره متوسطه دوم را پوشش می‌دهند. از آنجا که یکی از رویکردهای «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» در امر انتشار مجلات، تأمین عدالت آموزشی است، مجموعه «رشد روشن» نیز که مخصوص دانش آموزان نابیناست، به این گروه از مجلات اضافه شده است.

❖ مجلات عمومی رشد:

رشد معلم، رشد آموزش ابتدایی، رشد تکنولوژی آموزشی و رشد مدرسه فردا.

نه تنها معلمان، بلکه تمامی کسانی که به نوعی دست‌اندرکار آموزش در مدرسه هستند، می‌توانند مخاطب این مجلات باشند. مجلات عمومی رشد ضمن توسعه فرهنگ مطالعه، فعالیت‌های حرفه‌ای مخاطبان خود را ارتقا می‌دهند.

❖ مجلات تخصصی رشد:

رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، رشد آموزش هنر، رشد آموزش مشاور مدرسه، رشد آموزش تربیت بدنی، رشد آموزش علوم اجتماعی، رشد آموزش تاریخ، رشد آموزش جغرافیا، رشد آموزش زبان‌های خارجی، رشد آموزش ریاضی، رشد آموزش فیزیک، رشد آموزش شیمی، رشد آموزش زیست‌شناسی، رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش و رشد آموزش پیش‌دبستانی.

به موازات تهیه برنامه ششم توسعه توسط سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی نیز هم‌گام با تغییرات جدید کتاب‌های درسی - با رویکرد تولید اجزای بسته آموزشی - مجلات رشد را با تغییراتی منتشر کرده است

این دسته از مجلات رشد به صورت فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی منتشر می‌شوند. اخیراً مجله «رشد مدیریت مدرسه» نیز به این گروه اضافه شده است. کلیه معلمان رشته‌های فوق‌الذکر و علاقه‌مندان به علوم پایه و علوم انسانی می‌توانند این مجلات را به عنوان منبعی معتبر برای خود انتخاب کنند و همان‌طور که از کلمه «آموزش» در نام این مجلات روی جلد آن‌ها پیداست، در فرایند یاددهی - یادگیری از آن‌ها استفاده کنند.

از آنجا که دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی نیز نقش بسزایی دارد، «رشد جوانه» نیز با رویکرد سامان‌دهی این منابع به صورت فصلنامه منتشر و به صورت الکترونیکی در اختیار ناشران و پدیدآورندگان آثار قرار می‌گیرد.

❖ نمایندگان مجلات رشد

دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی برای گسترش هرچه بیشتر دامنه توزیع مجلات رشد - از ابتدای تأسیس - همواره برای ترویج خواندن، ارتقای سطح دانش و خلاقیت دانش آموزان و ویژگی‌های حرفه‌ای معلمان، و همچنین غنی‌سازی فعالیت‌های تربیتی مدارس، همکاری فرهنگی را در سطح کشور شناسایی کرده است و مجلات را از طریق این همکاران به دست مخاطبان می‌رساند. در حال حاضر نزدیک به ۷۰۰ همکار فرهنگی در سطح کشور با این مجلات همکاری دارند که در سطح استان‌ها، شهرستان‌ها و مناطق نقش آفرینی می‌کنند. البته در این میان نباید از نقش بی‌بدیل مدیران مدارس غافل شد.

است. توجه به این نکته ضروری است که تعداد مجلات تولید شده با تعداد مخاطبان برابری می‌کند و در سال‌های مذکور حتی امکان مجله‌سازی تولید نشده است.

مجلات رشد در برنامه ششم توسعه کشور

به موازات تهیه برنامه ششم توسعه توسط سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی نیز هم‌گام با تغییرات جدید کتاب‌های درسی - با رویکرد تولید اجزای بسته آموزشی - مجلات رشد را با تغییراتی منتشر کرده است. برای مثال، با افزودن به محتوای سه شماره از مجلات تخصصی، از تولید مجله فصل تابستان صرف‌نظر شده و این نوع تولید و انتشار را در آخرین سال‌های برنامه پنجم توسعه به صورت آزمایشی به اجرا درآورده است.

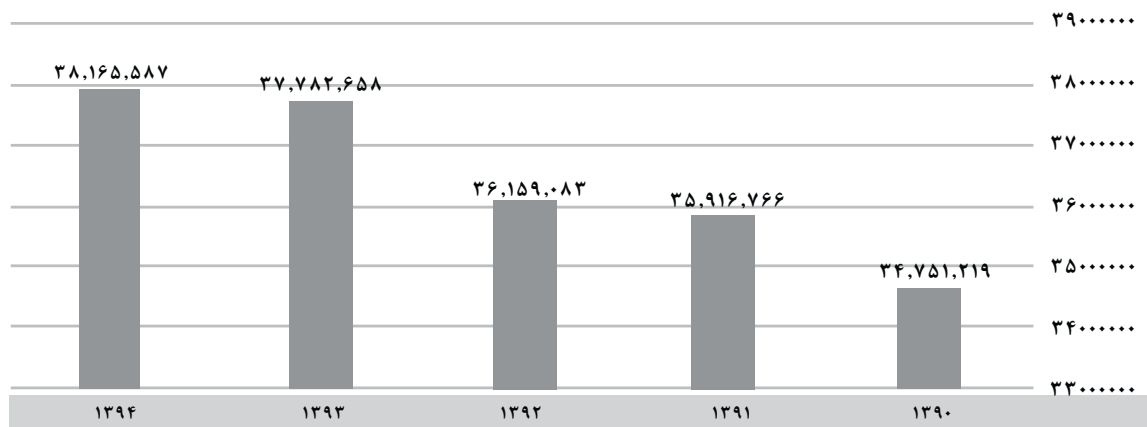
از نظر کمی نیز این دفتر در نظر دارد که حداقل در هر سال از برنامه توسعه ششم، دو درصد به مخاطبان و طبعاً به شمارگان مجلات اضافه کند، که با این پیش‌بینی در آخرین سال این برنامه (سال ۱۴۰۰)، شمارگان مجلات رشد به ۴۲ میلیون جلد خواهد رسید. برای توجه به سیاست‌های کلی که این برنامه در سال‌های تحت پوشش خود دارد استفاده از راهکارهای «سند تحول بنیادین» مدنظر قرار گرفته است و در سال اول برنامه، نقشه راهی مدون برای رسیدن به اهداف کمی موردنظر طراحی خواهد شد.

ارتباط دست‌اندرکاران تولید این مجلات با نمایندگان رشد همانند حلقه‌های زنجیر به هم پیوسته است و تلاش این عزیزان است که فرایند این انتشار را به ثمر می‌نشانند. مسئولان مجلات رشد همه‌ساله طی نشست‌های با دعوت از نمایندگان سرگروه، سیاست‌های دفتر را تبیین می‌کنند. آنچه در این جلسات - در سال ۱۳۹۴ - مطرح شده، به صورت گزارش در این سالنامه آمده است.

مجلات رشد در برنامه پنجم توسعه

در طول برنامه پنجم توسعه کشور، مجلات رشد به عنوان جزئی از بسته آموزشی در «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» تولید شده و در سطح مدارس توزیع شده‌اند. شمارگان این مجلات ارتباط مستقیمی با جمعیت دانش‌آموزی و فرهنگیان کشور دارد. طی سالیان برنامه پنجم، تحولات جمعیت‌شناختی سبب شده‌اند این گروه روند کاهشی را بپیماید، با این حال شمارگان این مجلات رو به رشد بوده و دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، هر چند به صورت بطئی، توانسته است در فاصله سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ شمارگان این مجلات را افزایش دهد. در این میان نباید از انتشار الکترونیکی این نشریات در فضای مجازی نیز غافل شد. مسئولان مجلات رشد به موازات توزیع فیزیکی، به روش‌های متفاوت این مجلات را نشر می‌دهند. نمودار زیر شمارگان این مجلات را به نمایش گذاشته

شمارگان مجلات رشد



همه می توانند بنویسند!

یادداشت‌هایی از نویسندگان مجلهٔ رشد نوآموز در
بازدید از مدارس شهر مشهد

بچه‌ها نیاز دارند بنویسند

جعفر توزنده جانی، قصه‌نویس

بعد از ظهر جمعه ۶ آذرماه ۹۴ که رسیدم مشهد، یاد روزهای خیلی دوری افتادم که مجبور بودم از نیشابور به مشهد بروم. سال دوم راهنمایی در این شهر درس می‌خواندم؛ در یک مدرسه دولتی شلوغ و دو طبقه و دو نوبته. یک هفته صبح بودیم، یک هفته بعد از ظهر. پنج شنبه‌ها پیش خانواده‌ام می‌رفتم و جمعه‌ها به مشهد بر می‌گشتم. وقتی به مشهد می‌رسیدم، هم غصه جدا شدن از خانواده را داشتم و هم غصه فردا شنبه را. و اگر نبود ذوق و شوق رفتن به حرم و گشتن در مغازه‌های اطرافش، نمی‌توانستم طول هفته را دوام بیاورم. با این حال تا سالیان سال بعد از ظهرهای جمعه به مشهد نمی‌رفتم. اما این دفعه بعد از ظهر وقتی از نیشابور به طرف مشهد حرکت کردم، اصلاً دلگیر و ناراحت نبودم که خیلی هم خوش حال بودم. این بار هم قرار بود شنبه صبح به مدرسه بروم. اما این دفعه مدرسه رفتن یک فرق اساسی با آن سال‌های دور و ناراحت کننده گذشته داشت. این بار همراه بقیه نویسندگان می‌رفتیم تا از نزدیک با مخاطبان

خودمان صحبت کنیم. برایشان داستان بخوانیم و از نظر آن‌ها در مورد کارهایمان و مجله «رشد نوآموز» سؤال کنیم. همیشه رفتن به جمع بچه‌ها برایم خوشحال کننده بوده است، چون از آن‌ها خیلی چیزها یاد گرفته‌ام.

صبح شنبه هفتم آذرماه که جلوی مجتمع رشد منتظر ماشین ایستاده بودیم، به مدرسه فکر کردم و به بچه‌ها. در عین



بچه‌ها به سؤال‌های نویسندگان در مورد داستان‌هایی که سر کلاس خواندند پاسخ می‌گفتند.



نویسندگان نمونه‌هایی از داستان‌هایشان را برای بچه‌ها خواندند

اقامه» نماز به چاپ رسیده است. همین گپ و گفت کوتاه باعث شد که خیلی زود رشته الفتی بین ما و او شکل بگیرد که در نهایت و در پایان دید و بازدید از مدارس منجر به دعوت از ما برای رفتن به شهر آن‌ها بینجامد. دیگر هیچ مشکلی نداشتیم، نه برای هماهنگ کردن با مدارس و نه حتی برای ماشین. همه هماهنگی‌ها انجام شد و خیلی زود به اولین مدرسه که نزدیک اداره بود رفتیم؛ مدرسه‌ای دخترانه به «اسم شهدای راه آهن».

در مدرسه از همان دم چهره گشاده و مهربان مدیر مدرسه بود که به استقبالمان آمد و زودتر از آنچه که فکر می‌کردیم، به کلاس‌ها رفتیم. من به همراه خانم کلر ژوبرت و خانم مرادی به کلاس سوم رفتیم و بقیه هم به کلاس‌های دوم و سوم دیگری. کلاسی که ما رفتیم ۳۰ نفر دانش‌آموز داشت. وارد که شدیم بچه‌ها با کنجکاوی خاص خودشان ما را نگاه می‌کردند. سکوت کرده بودند اما می‌شد در نگاه‌شان دید که پر از سؤال است. برای جواب دادن به سؤال‌هایشان سکوت را شکستیم. من گفتم که از کجا آمده‌ایم و برای چه. مانند همیشه اولین سؤال ما این بود که آیا مجله رشد نوآموز را می‌خوانند؟

حال که شوق دیدار آن‌ها را داشتیم، این نگرانی هم در وجودم پیدا شده بود که نکند نتوانم آن‌طور که باید و شاید با آن‌ها ارتباط برقرار کنم. هر چه هم زمان رفتن به کلاس درس بچه‌ها بیشتر طول می‌کشید دلهره من هم بیشتر می‌شد. با اینکه همه چیز از قبل هماهنگ شده بود، وقتی به اداره آموزش و پرورش منطقه ۷ مشهد رسیدیم، به نظر می‌رسید که هیچ هماهنگی انجام نشده است. اما خیلی زود یک دوست پیدا کردیم؛ معاون آموزش ابتدایی منطقه. او ابتدا نمی‌دانست که ما از کجا آمده ایم و برای چه کاری. اما همین که خودمان را معرفی کردیم همه چیز عوض شد.

با اینکه آقای بهرامپور در آغاز ورود معذرت خواهی کرد که سرش شلوغ است و باید مرتب در اتاقش باشد و همچون یک ماشین امضا عمل کند، ولی وقتی متوجه شد ما نویسندگان مجله رشد نوآموز هستیم همه چیز را کنار گذاشت. از خودش گفت و از اینکه داستان می‌نویسد، از اینکه تعدادی از کارهایش قبلاً در «کیهان بچه‌ها» چاپ شده و مجموعه‌ای از داستان‌هایش هم توسط «ستاد



نویسندگان با بچه‌ها درباره‌ی نوشته‌هایشان گفت و گو کردند.

جعفر توزنده جانی: من از همان کودکی هر وقت کتابی می خواندم، برایم این سؤال پیش می آمد که: نویسنده چگونه داستانش را می نویسد؟ از کجا شروع می کند و چگونه جهان خیالی اش را روی کاغذ می آورد؟

زنده می شوند. از زمانی که همکاری ام را با مجله رشد نوآموز شروع کرده ام، هر بار که به مدرسه ای رفته ام، دیده ام که بچه ها با چه شور و شوقی از مجلات رشد حرف می زنند. بارها دیده ام که خیلی از بچه ها شعرهای مجله را حفظ کرده اند. بعضی از آن ها هم درباره داستان هایی که در مجله خوانده اند، با من حرف زده اند. هر قدر این داستان ها کوتاه تر بوده، بیشتر در ذهن آن ها ماندگار شده است. تجربه این چند ساله نویسندگان مجله رشد نوآموز در مورد «داستانک» و «قصه های چند خطی» اگر نگویم تجربه ای عالی هم برای نویسندگان و هم برای بچه ها بوده است، می توانم به راحتی بگویم تجربه ای متفاوت بوده و بچه ها از آن استقبال کرده اند. به همین خاطر، هر وقت به جمع بچه ها رفته ام، از همین داستانک ها و داستان های چند خطی برایشان خوانده ام و از آن ها خواسته ام این گونه بنویسند. در کلاس سوم مدرسه شهدای راه آهن، من و خانم مرادی و خانم ژوبرت قرار گذاشتیم که همان را تجربه کنیم. به این شکل که هر کدام داستانکی یا داستانی چند خطی بخوانیم و بعد از بچه ها بخواهیم که بنویسند. بچه ها هم خیلی خوب از این طرح استقبال کردند.

من از همان کودکی هر وقت کتابی می خواندم، برایم این سؤال پیش می آمد که: نویسنده چگونه داستانش را می نویسد؟ از کجا شروع می کند و چگونه جهان خیالی اش را روی کاغذ

همه دستشان را بلند کردند. بعضی ها حتی مجله را در کیف خود داشتند. خانم گرمارودی بعداً به ما گفتند هر وقت می دیدند بچه ای مجله را در کیف خود دارد کیف می کردند! خیلی زود متوجه شدیم که در جمعی آشنا هستیم. جمعی که گرچه تا به حال ما را ندیده اند، اما نوشته هایمان را خوانده اند و با اسم و رسم ما آشنا هستند. یکی از بچه های کلاس قبلاً داستانی را خوانده بود که از آن خیلی خوشش آمده بود و حالا که می دید خانم مرادی نویسنده این داستان هست، هیجان و لذتش دو چندان شده بود.

من همیشه گفته ام که مجلات رشد برای بچه ها مثل زنگ تفریح هستند. زنگ تفریحی که هم در آن استراحت هست و هم یادگیری. خوب می دانم وقتی همه این بچه ها بزرگ شوند، خواندن مجلات رشد یکی از بهترین خاطرات دوران تحصیلشان خواهد بود. درست همان طور که خودم در گذشته چنین مجلاتی را که آن زمان اسمشان «پیک» بود با لذت می خواندم و بعضی از داستان ها را بعد از گذشت این هم سال هنوز از یاد نبرده ام. هر بار که پیک های قدیمی را ورق می زنم خاطرات خوش گذشته



بچه ها برای پاسخ به نویسندگان آرام و قرار نداشتند

توزنده جانی: سفر ما کوتاه بود. فقط به اندازه یک روز وقت داشتیم که در مشهد به مدارس برویم. اما همین کوتاه بودن سفر نکته‌ای مهم و بزرگ را به ما ثابت کرد. آن هم این بود که بچه‌ها نیاز دارند بنویسند

هست و فقط باید کسی باشد که به ذهن آن‌ها تلنگر بزند. مدت‌هاست که شعار آقای الوندی را به هر مدرسه‌ای که می‌روم، تکرار می‌کنم: «همه می‌توانند بنویسند.» فقط باید آن‌ها را وادار به نوشتن کرد و راه رسم نوشتن را هم یادشان داد.

برای همین بود که از بچه‌های کلاس سوم خواستیم که بنویسند. آن‌ها هم خوب نوشتند؛ خیلی سریع و عالی. شاید ۱۰ دقیقه‌ای بیشتر طول نکشید که همه نوشتند. وقتی بعداً نوشته‌های آن‌ها را خواندیم به خوبی متوجه شدیم اگر نگوییم همه این قابلیت را دارند که داستان بنویسند، اما این توانایی را دارند که ذهنیت خود را روی کاغذ به عینیت تبدیل کنند و این مهم است. آن‌ها سریع کوتاه و مختصر نوشته بودند. نمی‌خواهم بگویم این ناشی از تأثیر صد درصد داستانک و داستان‌های چند خطی مجله است، اما بی‌تأثیر هم نبوده است.

بچه‌های کلاس سوم مدرسه شهدای راه‌آهن خیلی سریع چیزی را که گفته بودیم نوشتند، اما بچه‌های کلاس دوم «مدرسه مصلی‌نژاد» این‌طور نبودند. مدرسه مصلی‌نژاد دومین مدرسه‌ای بود که رفتیم؛ مدرسه‌ای دو طبقه با ساختمانی شکیل و زیبا. کلاس‌ها در گوشه‌های سالنی گرد و مدور قرار داشتند. پلکانی طبقه اول را به بالا وصل می‌کرد. اینجا هم مثل همان مدرسه اول با چهره گرم و صمیمی و مهربان مدیر مدرسه روبه‌رو شدیم؛ چهره‌ای که یک لحظه لبخند از آن دور نمی‌شد. این بار



بچه‌ها به نظرات یکدیگر درباره داستان‌ها گوش می‌دادند

می‌آورد؟ و چون اوایل ناتوان بودم در نوشتن، تصور می‌کردم که نویسندگان آدم‌های خاصی هستند. آن‌ها یک جورایی برایم ابر قهرمانان بودند و تصور می‌کردم، نوشتن فقط از عهده آن‌ها بر می‌آید و من ناتوان هستم. اما وقتی در نوجوانی خاطره‌ای در کلاس خواندم و معلم مرا تشویق کرد و گفت داستان نوشته‌ام، تازه متوجه شدم که توانایی نوشتن در وجود خیلی‌ها



نویسندگان با شوخی و چند سؤال از مجله گفتگوی خود را با بچه‌ها آغاز کردند.



بچه‌ها با خواندن آیه و حدیث به نویسندگان خوش آمد گفتند

من و خانم اسلامی به کلاس دوم رفتیم. آن‌ها وقتی شنیدند که از طرف مجله رشد نوآموز آمده‌ایم، با خوش حالی از مطالب آشپزی مجله یاد کردند؛ مطالبی که خانم اسلامی می‌نویسند. به آن‌ها هم مثل مدرسه قبلی موضوعی برای نوشتن دادیم، اما آن‌ها برای این کار آمادگی نداشتند. باید راهنمایی می‌کردیم. به نظر من بعضی از بچه‌ها فقط عادت به نوشتن همان مطالبی را دارند که در کتاب‌های درسی آمده است و همین که بخواهند از این چارچوب خارج شوند و چیزی دیگری بنویسند با مشکل روبه‌رو می‌شوند. از همین جاست که بحث آموزش بچه‌ها مطرح می‌شود. همیشه گفته‌ام مشق نوشتن، کاری است اجباری اما نوشتن از خود کاری است ارادی. بچه‌ها هم کم و بیش با بخش اجباری کنار آمده‌اند و می‌نویسند، اما برای نوشتن ارادی آمادگی لازم ندارند.

بله همه می‌توانند بنویسند. نوشتن به شکلی که ارادی باشد نوعی برون‌ریزی است که در آن آدمی ذهن و ضمیر خود را روی کاغذ می‌آورد و از این طریق به شکلی دیگر با جهان اطراف خود ارتباط برقرار می‌کند. اما باید به آن‌ها تلنگر زد. چه خوب است که در کلاس‌های درس ساعتی را به نوشتن خلایقانه

اختصاص بدهند. بارها شده است که وقتی به کلاسی رفته‌ام و موضوعی برای نوشتن داده‌ام، ابتدا این کار برایشان سخت بوده است. اما بعد که کمی راهنمایی شده‌اند، خیلی خوب از عهده این کار بر آمده‌اند. بچه‌های کلاس دوم مدرسه مصلی نژاد هم ابتدا سرگردان بودند که چه باید بنویسند و چگونه. اما چند مثال ساده که زدم سریع شروع کردند به نوشتن و جز یکی دو نفر همه نوشتند و برگه‌های خود را تحویل دادند.

سفر ما کوتاه بود. فقط به اندازه یک روز وقت داشتیم که در مشهد به مدارس برویم. اما همین کوتاه بودن سفر نکته‌ای مهم و بزرگ را به ما ثابت کرد. آن هم این بود که بچه‌ها نیاز دارند بنویسند. نیاز دارند که در این مورد راهنمایی شوند و با توجه به بودن مجلات رشد در مدارس چه خوب است زنگی هم به این کار اختصاص داده شود. با توجه به زمان اندک کلاس، بهترین راه نوشتن، نوشتن قطعات کوتاه است؛ چه در قالب شعر و چه داستان. استقبال بچه‌ها از داستانک‌ها و قصه‌های خطی هم به همین خاطر است. نوشتن به بچه‌ها کمک می‌کند دایره واژگانی خود را گسترش بدهد و از این راه بهتر و سریع‌تر با دیگران ارتباط برقرار کنند و آینده خوبی را برای خود رقم بزنند.

کوتاه ولی پر بار §

طاهره ابید، قصه‌نویس

گروه سنی ب، گروه سختی است. آدم تکلیفش را با آن‌ها درست نمی‌داند. نمی‌داند می‌توانند بخوانند یا نه. آن چیزهایی را که ما فکر می‌کنیم نمی‌فهمند، واقعاً نمی‌فهمند یا برعکس.

سفر مشهد بسیار کوتاه بود، اما بسیار پر بار. سنجش و ارزیابی داستان‌های دو خطی که تجربه تازه‌ای در عرصه ادبیات کودک بودند، در مدارس ابتدایی مشهد و شنیدن نظرات بچه‌ها و میزان دریافت آن‌ها از داستان، برای ما ارزش افزوده داشت.

گنبدین کمان عکس

گزارش هشتمین دوره جشنواره عکس رشد



اشاره

مراسم اختتامیه هشتمین جشنواره عکس رشد که «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی»، وابسته به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، برگزار می‌کند، در روز چهارشنبه ۲۳ مهرماه در نگارخانه «آیین» در مؤسسه فرهنگی و هنری صبا، شاهد آثار و عکس‌های ۱۵۸۸ عکاس هنرمند از سراسر کشور بود که آثار خود را برای این جشنواره ارسال کرده بودند. این آثار از میان ۱۶۴۲۸ عکس و پس از قضاوت و بررسی داوران جشنواره به نمایشگاه راه یافته بودند.

حضور چشمگیر دانش آموزان و معلمان هنرمند

در این مراسم که بیشتر برگزیدگان آن را دانش‌آموزان و معلمان تشکیل می‌دادند، خانواده‌های عکاسان برگزیده و دانشجویان و علاقه‌مندان به هنر عکاسی و همچنین تعدادی از دانش‌آموزان هنرستان‌ها و مدارس تهران حضور داشتند. گفتنی است، به جز آثار نفرت برگزیده جشنواره، آثار دیگر راه یافته به نمایشگاه که به عنوان عکس‌های مناسب انتخاب شده بودند نیز در تالار آیین مؤسسه فرهنگی صبا به مدت یک هفته در کنار آثار برگزیده به نمایش در آمدند. از عکس‌های برگزیده و نمایشگاهی این جشنواره نیز، ضمن عرضه در کتابی با عنوان «مجموعه عکس رشد هشت»،

در این روز و طی مراسمی، با حضور دانش‌آموزان، معلمان و مسئولان وزارت آموزش و پرورش و همچنین عکاسان شرکت‌کننده در هشتمین جشنواره عکس رشد و همکاران استانی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در زمینه تهیه عکس برای مجلات رشد، از عکاسان برگزیده این جشنواره تجلیل شد و برگزیدگان تندیس، لوح افتخار و جوایز خود را از دستان حجت‌الاسلام دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان؛ معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و محمد ناصری، مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی دریافت کردند.

▼ عکاس: آریز قادری
کردستان / سنندج

در ۳۱ عنوان مجلات آموزشی رشد و دیگر نشریات وابسته به آموزش و پرورش استفاده می‌شود و مرکز آرشیو و اسناد دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی آن‌ها را در اختیار متقاضیان حقیقی و حقوقی قرار می‌دهد.

هیچ انسانی در زندگی خود از هنر بی‌نیاز نیست! §

در آغاز مراسم اختتامیه این جشنواره **حجت‌الاسلام محی‌الدین**

بهرام محمدیان، معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، با اشاره به گرامیداشت روز عصای سفید گفت: «همه تلاش ما بر این است که بتوانیم از ابزار ارزشمند و هنری عکس به بهترین نحو استفاده کنیم و در همین راستا و برای دستیابی به عدالت آموزشی، مجله رشد روشن را برای کودکان نابینا تدارک دیده‌ایم».

حجت‌الاسلام دکتر محمدیان با اشاره به اسناد تحولی وزارت آموزش و پرورش که طی سال‌های اخیر محور همه برنامه‌های وزارت آموزش و پرورش قرار گرفته است، افزود: «یکی از ساحت‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی، تربیت هنری دانش‌آموزان است؛ بنابراین، با



وجود برخی صحبت‌های بی‌مبنا و ساده‌لوحانه، زنگ هنر حذف شدنی نیست. در همین باره، این هنر مورد توجه مسئولان وزارت آموزش و پرورش و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی بوده و در کتاب پایه هشتم نیز بخشی به خط و خوش‌نویسی، هنر تجسمی و هنر عکاسی اختصاص یافته است. اساساً آموزش عکاسی جزو برنامه‌های درسی جاری دانش آموزان محسوب می‌شود.»

ایشان با اشاره به هشتمین دوره برگزاری جشنواره عکس رشد و با بیان این نکته که شرکت کردن در مسابقه و حرکت جمعی پیروزی محسوب می‌شود، افزود: «همه دوستان حضورشان را در این جشنواره که با رقابت و سخت‌کوشی همراه است قدر بدانند. باید توجه داشته باشیم، همگان فرصت شرکت در مسابقه را پیدا نمی‌کنند و در طی چنین مسیری که شبیه به یک کوه‌پیمایی مفرح است، هر اندازه که به‌طرف قله رهسپار شویم قدم‌های موفقیت بیشتری برداشته‌ایم. اما واقعیت این است که همه افراد امکان و توان رسیدن به قله را پیدا نمی‌کنند و همین موضوع ارزش مسابقه و رقابت را چندین برابر می‌کند. موضوع مهم دیگر این است که زندگی انسان دو بخش و مشتمل بر عقلانیت و احساس است. احساس و عقل با یکدیگر حیات انسان را کامل می‌کنند. اگر انسان حس و عاطفه را تعطیل کند، همانند چوبی خشک می‌شود و اگر عقلانیت و خردورزی را نادیده بگیرد، همانند جلبک‌ها و گیاهان بی‌ریشه می‌شود که پایداری ندارند. به همین دلیل، عرصه دانش آموزی عرصه توسعه تفکر و عقلانیت و باروری، حفظ نشاط و شادابی است و انسان در زندگی بی‌نیاز از هنر نیست. اگر کسی در ساحت وجودی خود حس زیبایی‌خواهی نداشته باشد، ناقص است.»

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی همچنین

پیشنهاد کرد، در جشنواره‌های آتی شاخه «عکاسی آموزشی و تربیتی» لحاظ شود تا بر اساس آن بتوانیم با عکس آموزشی و تربیتی، مفاهیم تربیتی را بهتر و مؤثرتر منتقل کنیم. وی در این باره خاطرنشان کرد: «باید یادمان باشد که مقصود از عکاسی در آموزش و پرورش تنها این نیست که از کلاس درس و معلم و دانش‌آموزان عکس بگیریم، بلکه به‌طور مثال می‌توان خدمت به هم‌نوعان را که در درس تعلیمات دینی بر آن تأکید شده است، در مضامین اجتماعی که مصادیق زیادی هم در جامعه دارد، عکاسی و تصویرگری کرد. همچنین، به همکاری در دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی پیشنهاد می‌کنم در مجله هنر، هر چندگاه، ویژه‌نامه‌هایی به نام رشد عکس داشته باشیم.»

ایشان در ادامه تصریح کرد: «در زمینه عکاسی و عکس آموزشی عرصه‌های مختلفی داریم، اما در این میان باید گونه‌ای از عکس آموزشی تربیتی را که ناقل مفاهیم آموزشی و تربیتی است و بسیار قابل توجه و راهبردی است و می‌تواند در انتقال با تکمیل مفاهیم نقش داشته باشد، مورد توجه قرار دهیم. ضمناً در همین جا و از این تربیون به برگزارکنندگان این جشنواره پیشنهاد می‌کنم که پشتیبانی لازم را از عکاسان داشته باشند. از سوی دیگر، از عکاسان و هنرمندان می‌خواهم که جرئت و جسارت خود را برای تهیه عکس‌های خلاقانه و تأثیرگذار بیشتر کنند. جرئت به‌عنوان یک ویژگی که باید در خود عکاس وجود داشته باشد، می‌تواند به اثرگذاری و توفیق در حرفه عکاسی کمک کند.»

حجت‌الاسلام محمدیان، همچنین بر ضرورت حفظ حقوق معنوی عکاسان تأکید کرد و گفت: «حفظ حقوق افراد در هر شرایطی لازم است و ما در آموزش و پرورش و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، به لحاظ اخلاقی و قانونی متعهد به رعایت

حقوق همه هنرمندان هستیم و در این ارتباط باید حساسیت و دقت لازم وجود داشته باشد و باید تلاش کنیم در چاپ عکس و عکاسان و درج نام زیر عکس مربوطه، حقوق این قشر هنرمند را تضمین و رعایت کنیم.»

انتقال مؤثر پیام آموزشی متکی به هنر عکاسی است §

در ادامه این مراسم **محمد ناصری**، مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی و دبیر هشتمین جشنواره عکس رشد، نیز ضمن اظهار خرسندی از حضور دانش آموزان و معلمان و دیگر هنرمندان در این جشنواره، گفت: «آموزش و پرورش با برپایی این جشنواره که امروز هشتمین دوره آن برگزار می شود، نگاه ویژه هدفمند و روشن خود را نسبت به جریان عکس و عکاسی در آموزش و پرورش و در حوزه آموزش و یادگیری ثابت کرده است.» وی با بیان اینکه این جشنواره که هر دو سال یکبار برگزار می شود و تاکنون به لحاظ تعداد شرکت کنندگان از رشد مناسبی برخوردار بوده است، امسال در خصوص ارسال آثار نسبت به دوره گذشته از رشد ۴۰ درصدی برخوردار بوده است، افزود: «شکی نداریم که عکس می تواند در انتقال بهتر و مؤثرتر مفاهیم آموزشی و تربیتی مؤثر باشد. در دنیایی که باید از همه ابزارها برای تأثیرگذاری و یادگیری بیشتر مخاطبان استفاده کرد، عکس از دید مسئولان آموزش و پرورش جایگاه ویژه و والایی دارد و خوشبختانه هر روز که می گذرد این اعتقاد راسخ تر و بیشتر می شود.»

مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در ادامه به ارسال ۱۶ هزار و ۴۲۸ عکس توسط ۱۵۸۸ عکاس برای شرکت در این جشنواره خبر داد و گفت: «از این تعداد ۱۰۲۷ نفر بزرگسال و ۵۶۱ نفر نیز در گروه سنی دانش آموزی هستند که امیدواریم در سال های آتی و در دوره های آینده شاهد حضور

افراد و عکس های بیشتری، بخصوص آثار دانش آموزان هنرمند و معلمان عزیز، باشیم.»

ناصری محورهای گروه سنی بزرگسال را در گرایش های آموزش و پرورش، ایران سرزمین پرگهر و حماسه سیاسی و اقتصادی ذکر کرد و گفت: «تمام عکس های ارسالی به دبیرخانه جشنواره به دقت بررسی و در نهایت با نظر هیئت داوران ۲۸۵ عکس برای ارائه در نمایشگاهی که در حاشیه این جشنواره برگزار شده است انتخاب شد.»

وی خاطرنشان کرد: «بخشی از این عکس های برگزیده در دفتر وزیر آموزش و پرورش، معاونان و مدیران استانی این وزارتخانه به نمایش در می آید. همچنین از عکس های برگزیده به صورت ویژه در مجلات رشد استفاده می شود. دیگر عکس های راه یافته به جشنواره نیز در آرشیو مجلات رشد ذخیره سازی و در اختیار مجموعه مجلات رشد قرار خواهند گرفت.»

در مراسم اختتامیه و با معرفی برگزیدگان جشنواره، عکاسان برتر به شرح زیر جوایز، تندیس جشنواره و لوح تقدیر خود را دریافت کردند:

الف) بخش بزرگسال و گرایش آموزش و پرورش

میثم امانی، حجت الله عطایی، اسعد قربانی و محمد گلچین کوهی شایسته دریافت هدیه و لوح تقدیر شناخته شدند. در این بخش، همچنین سعیدرضا مقصودی از استان مرکزی، احمدرضا کریمی از تهران و مسعود احمدزاده از استان خراسان رضوی به ترتیب رتبه های اول تا سوم را کسب کردند.

ب) بخش بزرگسال و گرایش ایران سرزمین پرگهر

در این بخش حمزه محمد حسینی از تهران، مهران چراغچی بازار از استان آذربایجان شرقی و سلیمان گلی از استان خراسان رضوی تندیس، لوح تقدیر و جایزه جشنواره را از آن خود کردند.



استان مرکزی، مهدی عقیقی از استان خراسان رضوی، محمد ▲ عکاس: محمد گلچین کوهی
گیلان / تالش
وروانی فراهانی از استان مرکزی، مجید حجتی از استان اصفهان
و حسین توحیدی فرد از استان خراسان جنوبی شایسته تقدیر
شناخته شدند.

ج) بخش بزرگسال و گرایش حماسه سیاسی - حماسه
اقتصادی
در این بخش هیچ یک از آثار به عنوان اثر برتر معرفی نشدند.
در نهایت پنج نفر از شرکت کنندگان به نامهای امیر قادری از

برگزاری کارگاه آموزشی %

در بعدازظهر روز چهارشنبه و در ادامهٔ مراسم اختتامیهٔ هشتمین جشنوارهٔ عکس رشد، کارگاه آموزشی «عکس آموزشی و تربیتی، ویژگی‌ها و شاخص‌ها» در سالن اجتماعات باشگاه فرهنگیان برگزار شد.

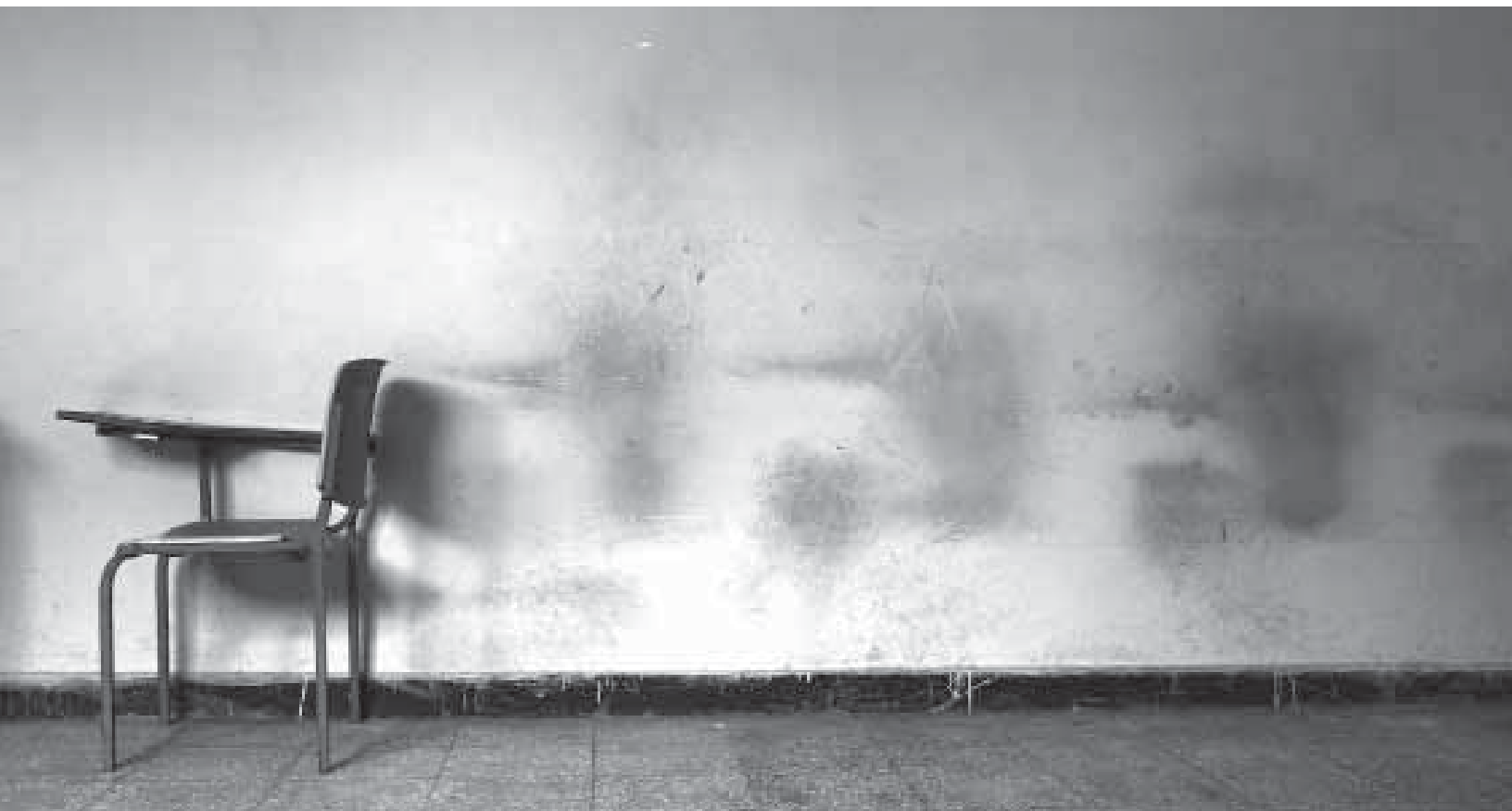
در ابتدای این مراسم، پرویز فراگوزلی، «دبیر اجرایی هشتمین جشنوارهٔ عکس رشد» با تشکر از همت والای هنرمندان عکاس، به‌خصوص دانش‌آموزان و معلمان شرکت‌کننده در این جشنواره و تأکید بر فعالیت‌های مستمر دبیرخانهٔ دائمی این جشنواره برای برگزاری مؤثرتر و فراگیرتر دورهٔ بعدی جشنواره در سال ۱۳۹۵ گفت: «این لحظه که عدهٔ زیادی از برترین‌ها و هنرمندان شاخص در حوزهٔ عکاسی را در یک مکان و زیر یک سقف گردآورده‌ایم، یکی از بهترین

د) گروه دانش‌آموزی؛ گروه سنی ۱۳ تا ۱۸ سال و به‌صورت جنبی (با گرایش آزاد)

در این گروه، پنج عکاس به نام‌های سیدعلی موسوی از استان خراسان رضوی، علی سفاری از تهران، اردلان حسنعلی‌زاده از استان خراسان رضوی، مریم اسماعیل زاد قللقاچی از استان آذربایجان شرقی، محمدامین فنایی از استان مرکزی و محمدمهدی کاربخش راوری از استان کرمان با جواز برابر به‌عنوان نفرات برگزیده انتخاب شدند.

گفتنی است، بیش از ۱۶ هزار و ۴۲۸ عکس توسط ۱۵۸۸ عکاس به دبیرخانهٔ هشتمین جشنوارهٔ دوسالانهٔ عکس رشد ارسال شده بود که از این تعداد ۲۵۸ اثر منتخب در نمایشگاهی به همین نام به تماشای عموم گذاشته شد.

▼ عکاس: سعیدرضا مقصودی
مرکزی / شازند





▲ عکاس: سید علی موسوی
خراسان رضوی / مشهد

در این کارگاه آموزشی که به‌نوعی پایان‌بخش جشنواره هشتم عکس رشد هم هست، قصد داریم در خصوص عکس آموزشی یا شاخه عکس آموزشی و تربیتی که امروز صبح رئیس محترم سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، هم درباره آن سخن گفتند و پیشنهادهای ارزنده‌ای را در این باره مطرح کردند، صحبت و گفت‌وگو کنیم. در این کارگاه، در خدمت استاد **اسعد نقش‌بندی**، از عکاسان فعال در حوزه عکاسی مستند و از داوران جشنواره عکس رشد و همچنین آقای **فرهاد سلیمانی**، بازم از فعالان هنر عکاسی و داوران جشنواره هستیم. ضمن تشکر از قبول زحمت و حضور در این کارگاه، در ادامه از بیانات این دوستان هم بهره خواهیم برد. ان‌شالله استادان محترم در خصوص عکس آموزشی و ویژگی‌های آن و همچنین نکاتی که باید در خصوص این‌گونه از عکاسی مدنظر قرار گیرد، توضیحات لازم را ارائه خواهند کرد و احیاناً اگر سؤالاتی هم درباره موضوعات

لحظات کاری و حرفه‌ای برای من و همکاران سخت‌کوشم است. ما جدای از فعالیت دائمی جشنواره عکس رشد در طول سال، حدود سه ماه است که به‌صورت فشرده در تدارک برگزاری این جشنواره هستیم و در این لحظه که می‌بینم با لطف و گذشت و حضور شما عزیزان توانسته‌ایم در حد امکان و توان خود لحظات پایانی این دوره را با چهره‌هایی شاد و بشاش در کنار شما بگذرانیم، خداوند منان را سپاس گزارم.

امروز ما مزد همه سختی‌ها و مرارت‌های کارهای اجرایی این جشنواره را در لبخند شما عزیزان دریافت کرده‌ایم. بر خودم فرض می‌دانم به نمایندگی از مسئولان دلسوز سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی که با هدایت و حمایت‌های خود زمینه برگزاری جشنواره و میزبانی شایسته از شما عزیزان را فراهم کرده‌اند، از شما بزرگواران تشکر و قدردانی کنم.



۲۲۴

عکاس: سلیمان گلی
خراسان رضوی / تربت حیدریه

همه هنرمندان و عکاسان علاقه‌مند در خصوص عکس‌های آموزشی و عکس‌های مورد استفاده در مجموعه مجلات رشد در آموزش و پرورش فراهم شده است و ما امیدواریم که با چشم اندازهای هدفمند و امیدبخشی که رئیس محترم سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در مراسم اختتامیه جشنواره برای عکس آموزشی و تربیتی ترسیم کردند، افق‌های جدیدی در این حوزه گشوده شود و عکاسان و هنرمندان علاقه‌مند بتوانند در زمینه تهیه عکس برای کتاب‌های درسی و آموزشی هم به کمک

داوری داشته باشید، پاسخ خواهند گفت. برای اطلاع دوستان عرض می‌کنم، جمعی که امروز در این کارگاه آموزشی حضور دارند، برگزیدگان این دوره از جشنواره عکس رشد و همچنین همکاران استانی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی هستند که در این چند سال در زمینه تهیه عکس برای مجلات رشد همکاری داشته‌اند. خوشبختانه، بعد از برگزاری هشت دوره جشنواره عکس رشد، زمینه بسیار مناسبی برای بهره‌گیری از ظرفیت

▲ عکاس: سلیمان گلی
خراسان رضوی / تربت حیدریه

آموزش و پرورش و دیگر نهادهای آموزشی و فرهنگی بیایند. بررسی‌ها نشان می‌دهد، عکس توانسته است در درک بهتر مفاهیم آموزشی و درسی به مخاطبان خود کمک کند و ما امیدواریم با گسترش حلقه همکاری بین آموزش و پرورش و هنرمندان فعال در زمینه عکاسی، شاهد تأثیرگذاری بیشتر این هنر در درک بهتر مفاهیم آموزشی و درسی باشیم و با نگاهی تخصصی به عکس آموزشی و تربیتی، شاهد اتفاقات تأثیرگذارتری هم در این زمینه باشیم.

ضمناً، در راستای همکاری دوستان در استان‌های کشور که باعث شده است ما ضمن استفاده از استعدادهای هنری همه همکاران عکاس در استان‌ها، در هزینه اعزام عکاس به استان‌ها صرفه‌جویی کنیم، در نظر داریم با حمایت‌های مدیرکل محترم دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، تمهیداتی فراهم کنیم تا با صدور معرفی‌نامه برای همکاران، زمینه کار آن‌ها بیش از پیش در مراکز آموزشی فراهم شود و بتوانند از امکانات موجود در این زمینه هم برای تسهیل کار خود استفاده کنند.»

قدرت، تأثیرگذاری و فراگیری عکس آن را به ابزاری شاخص و کارآمد تبدیل کرده است

بعد از صحبت‌های مدیر اجرایی جشنواره و در ادامه کارگاه، **اسعد نقشبندی**، صاحب‌نظر و فعال حوزه عکاسی و از داوران جشنواره هشتم، نیز با اظهار خوشحالی از استقبال هنرمندان دانش‌آموزان و معلمان و دیگر شرکت‌کنندگان از این جشنواره و در بخشی از سخنان خود گفت:

«اینکه در این جمع دوستانی از سراسر کشور حضور دارند، نشانگر این موضوع است که در آموزش و پرورش به همه نقاط

کشور پهناور ایران توجه می‌شود. امیدواریم همین نگاه جامع در همه امور وجود داشته باشد و بتواند منشأ اثرات ارزشمندی در خصوص تهیه عکس‌های بهتر و مؤثرتر، به‌خصوص در حوزه عکس‌های آموزشی، باشد. از سویی دیگر، حضور این دوستان با این تنوع و گوناگونی نشان از این دارد که عکس و عکاسی از توجهی عام و فراگیر برخوردار است. خوشبختانه مناسبی به‌عنوان جشنواره عکس رشد هم که دو سال یک بار برگزار می‌شود، زمینه‌ای بسیار مناسب برای گرد هم آمدن این هنرمندان فعال و سخت‌کوش است که امیدواریم شاهد گسترش و تأثیرگذاری بیشتر چنین اقداماتی باشیم.

از سویی دیگر، حوزه تعلیم و تربیت دایره‌ای وسیع و تأثیرگذار است که با توجه به ابعاد وسیع آن هر فعالیتی از جمله عکاسی و آن هم تهیه عکس آموزشی در این حوزه، به اطلاعات و آگاهی‌های لازم نیاز دارد. امیدواریم هنرمندان علاقه‌مند به فعالیت در این زمینه بتوانند ضمن بهره‌گیری از توان و تخصص دست‌اندرکاران این حوزه، به فعالیت‌های حرفه‌ای خود در زمینه تهیه عکس آموزشی و تربیتی غنای بیشتری ببخشند. به همین دلیل و بنا به پیچیدگی‌هایی که در این زمینه وجود دارد، من خودم را در این زمینه صاحب صلاحیت نمی‌دانم، اما به‌عنوان فردی که در زمینه عکس و عکاسی تلاش می‌کند و به آن علاقه‌مند است، نکاتی را برای دوستان عرض خواهم کرد.

نگاهی به تاریخچه عکس و عکاسی نشانگر این امر است که با وجود شروع کند و با تأنی این هنر عامه‌پسند در سال‌های آغازین، شکل‌گیری آن در سال‌های اخیر و شاید بتوان گفت دهه‌های معاصر از سرعتی شگفت‌آور و گاه غیرقابل‌پیش‌بینی برخوردار بوده است.

برابر با آنچه در تاریخ عکاسی ثبت شده است، اولین عکس

حضور عکاس و هنرمند در کنار مؤلف کتاب باعث تولید آثار جذاب و تأثیرگذار بر مخاطب می‌شود

در ادامه، **فرهاد سلیمانی**، دیگر داور جشنواره که معمولاً در جشنواره‌های عکس حضوری فعال و مؤثر دارد، با اشاره به تجربه خود در خصوص پروژه عکاسی برای کتاب‌های درسی که حدود ۱۲ سال پیش انجام داده بود، گفت:

«این پروژه حدود ۱۲ سال پیش در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و با سرپرستی آقای کاظم طلایی انجام شد. ما برای یکی از کتاب‌های درسی دوره ابتدایی کار عکاسی را در کنار برخی مؤلفان کتاب‌های درسی انجام دادیم و علیرغم این که در همان سال‌ها متوقف شد و ادامه پیدا نکرد، اما تجربه بسیار ارزشمندی بود و نشان داد که اگر هنرمندان و عکاسان و تصویرگران بتوانند در کنار مؤلفان کتاب‌های درسی کار خود را برنامه‌ریزی و با کمک و مشاورت همدیگر آن را پیش ببرند، می‌تواند نتایج بسیار ارزشمندی داشته باشد و محصول نهایی آن خواهد توانست مورد استقبال و استفاده بیشتر مخاطبان و به‌خصوص دانش‌آموزان قرار گیرد.

وی در خصوص بحث جشنواره‌های عکس و اهمیت و جایگاه آن هم گفت: «شکی نیست این‌گونه جشنواره‌ها می‌تواند از جوانب گوناگون مؤثر واقع شود، اما عکاسان ما نباید با نگاه جشنواره‌ای عکس بگیرند، بلکه آن‌ها باید با توجه به شناخت و آگاهی نسبت به تکنیک‌ها و روش‌های مختلف عکاسی، کار حرفه‌ای خود را با لحاظ همه استانداردها و شاخص‌ها، تکنیکی و علمی انجام دهند. در چنین شرایطی، اگر عکس آن‌ها در جشنواره‌ها هم پذیرفته و برگزیده شد، جای خوشحالی و خرسندی

توسط ژوزف نیپس در سال ۱۸۲۶ گرفته شده است. بعد از آن ۱۲ سال طول کشیده است تا بتوانند از عکس نگاتیو تهیه کنند. از سال ۱۸۲۶ تا سال ۱۹۰۰ (یعنی در مدت حدود ۸۰ سال) بر اساس آماری که از فروش متریال و مواد مورد نیاز عکاسی به دست آمده است، چیزی کمتر از ۵ میلیون عکس گرفته شده است. در سال ۱۹۰۰ اتفاقی تأثیرگذار در زمینه عکاسی شکل می‌گیرد و با ساخت دوربینی توسط کارخانه کدک، عکاسی حالت عمومی پیدامی‌کند و برای اولین بار هر کسی می‌تواند با پرداخت یک دلار، در میان وسایل زندگی خود یک دوربین عکاسی هم داشته باشد. از این تاریخ به بعد و مثلاً در سال ۱۹۳۳ حدود یک میلیارد عکس در جهان ثبت شده است. بعد از حدود ۲۷ سال و در سال ۱۹۶۰ این عدد به سه میلیارد عکس در سال رسیده است. این عدد در سال ۱۹۷۳ به ۱۰ میلیارد عکس در سال می‌رسد. در سال ۱۹۸۴ این میزان به ۲۵ میلیارد عکس می‌رسد و در سال ۱۹۹۴ یعنی بیست سال این تعداد در سال به ۵۷ میلیارد عکس می‌رسد. این عدد در سال ۲۰۰۰ میلادی به ۸۶ میلیارد عکس رسیده است.

اما این رقم در سال ۲۰۱۲ به ۳۸۰ میلیارد عکس در روز رسیده است. این آمار گویای این واقعیت است که این آمار از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ به حدود ۱۸۰۰ برابر رسیده است. همه این‌ها را گفتم تا ما و شما توجه داشته باشیم که عکس چه قدرت، فراگیری و طرفدارانی دارد که با پیشرفت تکنولوژی توانسته است به صورتی شگفت‌آور این‌گونه توسعه پیدا کند. چنین پیامی باید ما را در پیگیری این تلاش‌ها و دقت در ارتقای کیفیت فعالیت‌هایمان ساعی‌تر و کوشاتر کند.»

وی در ادامه به موضوع عکس آموزشی، ویژگی‌های آن و ارائه اطلاعاتی در زمینه هنر عکاسی پرداخت و به پرسش‌های حاضران پاسخ داد.



▲ عکاس: امیر قادری
مرکزی / اراک

ترکیب داوران نهایی جشنواره %

طبق اعلام دبیرخانه جشنواره، هیئت داوران هشتمین جشنواره عکس رشد، متشکل از علیرضا کریمی صارمی، اسعد نقش‌بندی، فرهاد سلیمانی، رعنا جوادی و محبت‌الله همتی، از مجموع ۷۴۳۲ عکس راه‌یافته به مرحله نهایی داورى، ۲۸۵ عکس را در چهار بخش شایسته حضور در نمایشگاه دانستند.

خواهد داشت، اما اگر کسی با نگاه حضور و برنده شدن در جشنواره‌ها عکاسی کند، توفیق زیادی در طی مسیر رسیدن به درجه یک عکاس هنرمند، با مسئولیت و خلاق و تأثیرگذار، نخواهد داشت.»

وی نیز در پایان ضمن توضیحاتی مفصل در خصوص عکس و ارزش‌های عکس حرفه‌ای و ویژگی‌های آن به سؤالات حاضران پاسخ گفت.



۶۲ عکس به نمایشگاه راه یافتند. لازم به توضیح است در این جشنواره تعداد ۱۵۸۸ نفر شرکت کرده‌اند که ۱۰۲۷ نفر در گروه سنی بزرگسال و ۵۶۱ نفر در گروه سنی دانش‌آموزی هستند.

▲ عکاس: محمد وروانی فراهانی
بر این اساس، در بخش «آموزش و پرورش» ۸۴ عکس،
مرکزی / اراک بخش «ایران سرزمین پرگهر» ۹۰ عکس، بخش «حماسه»
سیاسی و اقتصادی» ۴۵ عکس و در گرایش «دانش‌آموزی» هم



معرفی کتاب آثار برگزیده

هشتمین جشنواره عکس رشد

پرویز فراگوزلی

دبیر اجرایی هشتمین جشنواره عکس رشد

کتاب آثار برگزیده هشتمین جشنواره عکس رشد در ۲۵۶ صفحه تمام رنگی در قطع خشتی و مشتمل بر آثار راه یافته به هشتمین جشنواره عکس رشد به تعداد ۲۸۴ عکس در دو گروه سنی بزرگسال و دانش آموزی انتشار یافته است. در گروه سنی بزرگسال، سه گرایش «آموزش و پرورش»، «ایران سرزمین پر گهر» و گرایش «حماسه سیاسی و اقتصادی» و در گروه سنی دانش آموزی آثار بدون گرایش و به صورت آزاد درج شده‌اند.

مطالب کتاب با مقدمه دبیر جشنواره آغاز و در ادامه با بیانیه هیئت داوران جشنواره ادامه پیدا می‌کند. در صفحات بعدی، گزارش دبیرخانه جشنواره عکس رشد با تعداد آثار رسیده به دبیرخانه و تعداد آثار راه یافته به جشنواره و معرفی نفرات برگزیده و تقدیری آمده است. پس از معرفی داوران جشنواره هشتم و سوابق آن‌ها، عکس‌های برگزیده بخش آموزش و پرورش درج شده‌اند. سپس آثار دانش آموزی راه یافته به جشنواره و در ادامه بخش کار و جهاد اقتصادی، و آثار گرایش ایران سرزمین پر گهر درج شده‌اند.

از آن جا که در جشنواره‌های ششم و هفتم کتاب آثار برگزیده منتشر نشد، در این ویژه‌نامه تلاش شده است آثار دو دوره گذشته نیز منتشر شود. آثار راه یافته به جشنواره‌های هفتم و ششم با معرفی عکس‌های برگزیده و تقدیری در صفحات نخست هر جشنواره درج شده و در ادامه نیز دیگر عکس‌های راه یافته به جشنواره در اندازه کوچک‌تر و در هر صفحه ۸ عکس گنجانده شده‌اند.

راه‌طی‌شده و برنامه‌های پیش‌رو

نگاهی به مجموعه راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی

فریبا کیا

معاون سامان‌دهی کتاب



سلمان دهی کتاب



دانش‌آموزان و معلمان برای جبران این محدودیت‌ها، به سوی کتاب‌های کمک‌درسی گرایش یابند. منابع آموزشی و البته کمک‌درسی به دلیل انعطاف نسبتاً زیاد در تولید، به سرعت می‌توانند آخرین دستاوردهای علمی و یافته‌های پژوهشی و همچنین روش‌های یاددهی - یادگیری را در اختیار مخاطب قرار دهند. ناشران این کتاب‌ها می‌توانند بدون نگرانی از قیمت تمام‌شده، تصویرهای رنگی و جذاب، صدا یا حتی فیلم و دیگر امکانات را به کتاب بیفزایند؛ به‌طوری که برخی از آن‌ها به رقیبی جدی برای کتاب‌های درسی بدل می‌شوند.

تولید خیل عظیم کتاب‌های کمک‌آموزشی و کمک‌درسی در بازار نشر، مبین درخواست یا نیاز دانش‌آموزان، خانواده‌ها، معلمان و کارشناسان به این منابع است. امروزه کیفیت کتاب‌های آموزشی تولید شده، به یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های برتری مؤسسات آموزشی تبدیل شده است. مؤسسات و کانون‌های مختلف آموزشی سعی دارند به هر طریق ممکن از رقبای خود پیشی بگیرند. مطابق برخی از گزارش‌ها، حدود نیمی از کل کتاب‌های تولید شده در کشور به کتاب‌های کمک‌درسی اختصاص دارد و گردش مالی سالانه این صنعت بیش از صدها میلیارد تومان برآورد می‌شود.

از سوی دیگر، کتاب‌های درسی گرچه طی روندی کارشناسی و پیچیده تهیه می‌شوند، به دلیل محدودیت حجم، بیش از این امکان تشریح موضوع را ندارند. محدود بودن ساعات آموزشی و تفاوت میزان استعداد، توانایی و پیش‌دانسته‌های دانش‌آموزان و همچنین احساس رقابت و برتری‌خواهی برخی از آن‌ها نیز موجب می‌شود تا استفاده از منابع آموزشی یا کمک‌درسی بیش از پیش مد نظر قرار گیرد و خانواده‌ها،

منابع آموزشی و البته کمک‌درسی به دلیل انعطاف نسبتاً زیاد در تولید، به سرعت می‌توانند آخرین دستاوردهای علمی و یافته‌های پژوهشی و همچنین روش‌های یاددهی - یادگیری را در اختیار مخاطب قرار دهند

در طول این سال‌ها دفتر انتشارات کمک آموزشی سعی کرده است در راستای تحقق این اهداف، به همراهی آموزش رسمی و غیررسمی یاری برساند، با توسعه مشارکت و حضور بخش غیردولتی در این عرصه، به عیار بالاتری از کتاب‌های آموزشی از نظر کمی و کیفی دست یابد

باشند. محصولات آن‌ها باید به اعتلای علمی و آموزشی دانش‌آموزان یاری برساند و ضمن حفظ منافع اقتصادی و ارزش سرمایه‌گذاری، چارچوب‌های تربیتی و آموزشی را رعایت کنند.

تاریخچه

گرچه اهمیت و ضرورت سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی از سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در جامعه احساس می‌شد و تلاش‌های کم‌وبیش قابل توجهی نیز در این باره صورت گرفته بود، اما ایجاد دفتری با عنوان «مرکز تهیه خواندنی‌ها برای نوسودان» در سال ۱۳۴۱ را شاید بتوان مهم‌ترین اقدام عملی در این زمینه به حساب آورد و تولید مجلات رشد را یکی از مهم‌ترین نمونه‌های استانداردسازی و ارائه نمونه‌های تأیید شده در این راستا قلمداد کرد. بی‌تردید مهم‌ترین و جدی‌ترین اقدام این دفتر آغاز اجرای «طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی» از سوی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و به‌طور خاص

گرچه بسیاری از کتاب‌های کمک‌درسی با هدف آگاهی بخشی و کمک به فرایند آموزش منتشر می‌شوند، اما کتاب‌های بسیاری نیز با هدف سودجویی و بدون نگاه کارشناسی و ناهماهنگ با اهداف کلان آموزشی به بازار می‌آیند. این گونه کتاب‌ها نه تنها به یادگیری واقعی و عمیق دانش‌آموز کمکی نمی‌کنند، که در اغلب موارد سبب بدآموزی و ایجاد تعارض در فرایند یاددهی - یادگیری می‌شوند.

اینجاست که سامان‌دهی به محتوای تولید و توزیع کتاب‌های کمک‌درسی از اهمیتی دوچندان برخوردار می‌شود. در این زمینه نهادهای مسئول آموزش رسمی، مانند وزارت آموزش و پرورش، باید نقش و رسالت نظارتی و کارشناسی خود را به نحو بارزتری ایفا و به این جریان مهم ورود کنند. آموزش و پرورش به عنوان مسئول اصلی تعلیم و تربیت رسمی و «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» به عنوان مهم‌ترین نماینده و بازوی اجرایی آن، وظیفه سامان‌دهی و هم‌راستا کردن این کتاب‌ها را با نظام آموزش و پرورش رسمی بر عهده دارد.

سازمان پژوهش و وظیفه دارد، ضمن نظارت بر کتاب‌های کمک‌درسی، زمینه‌ای را فراهم آورد تا دست‌اندرکاران تهیه و تولید منابع آموزشی، به نگرشی نسبتاً واحد از اهداف و برنامه‌های سازمان دست یابند و محصولاتی را تولید و عرضه کنند که با برنامه‌های درسی و نظام فرهنگی کشور هم‌سو

کتاب‌های آموزشی از نظر کمی و کیفی دست یابد و زمینه را برای استانداردسازی منابع آموزشی آماده سازد و نقش مناسب‌تر و فعال‌تری در زمینه آگاهی‌بخشی به جامعه مخاطبان و کارشناسان در رابطه با کتاب‌های مطلوب و استاندارد ایفا کند. مطابق بند ۱۲ برنامه درسی ملی نیز سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی موظف به تعیین استانداردهای ملی برای مواد و رسانه‌ها، مراکز و منابع یادگیری شده است.

بررسی بیش از ۳۵ هزار عنوان کتاب آموزشی و تربیتی و معرفی بیش از ۲۰ هزار کتاب مناسب به شیوه‌های گوناگون، از جمله معرفی در پایان کتاب‌های درسی، ایجاد وبگاه و



دفتر انتشارات کمک‌آموزشی در سال ۱۳۸۷ است. برخی از اهداف این طرح برای ایجاد هم‌فهمی و دریافت مشترک در تولید کتاب‌های آموزشی به شرح زیر بوده است:

• سیاست‌گذاری، استانداردسازی و هدایت تولید کتاب‌های غیردرسی مرتبط با برنامه‌های آموزشی؛

• نظارت، ارزیابی و بررسی علمی کتاب‌های آموزشی و انتخاب و معرفی کتاب‌های مناسب؛

• تبیین و اجرای سیاست‌ها، هدف‌ها، برنامه‌ها و انتظارات آموزش و پرورش در حوزه تولید کتاب‌های آموزشی؛

• فراهم آوردن زمینه امکان تبادل نظر و تجربه میان اندیشمندان، صاحب‌نظران و پدیدآورندگان کتاب‌های آموزشی، در راستای تدوین راهبردها و استانداردسازی تولید کتاب‌های آموزشی.

در طول این سال‌ها دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سعی کرده است در راستای تحقق این اهداف، به همراهی آموزش رسمی و غیررسمی یاری برساند، با توسعه مشارکت و حضور بخش غیردولتی در این عرصه، به عیار بالاتری از

بدیهی است که اصول و مبانی تولید کتاب‌های
درسی باید مبتنی بر ارزش‌های حاکم بر نظام
آموزشی کشور باشد

پایگاه اطلاع‌رسانی ویژه این امر، انتشار نشریه جوانه و همچنین برپایی جشنواره‌های کتاب‌های آموزشی و تربیتی، از جمله اقدامات عملی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در این راستا بوده است.

اما شاید مهم‌ترین و زمینه‌سازترین اقدام در این عرصه تولید مجموعه‌هایی با عنوان «راهنمای تولید کتاب‌های کمک‌آموزشی» از سوی این دفتر باشد. تدوین راهنمای تولید کتاب‌های کمک‌آموزشی، هدف ایجاد هماهنگی بیشتر بین حوزه‌های مختلف برنامه‌ریزی، تولید، توزیع و مصرف کتاب‌های آموزشی و تربیتی را تعقیب می‌کند. اولین راهنمای تولید کتاب‌های کمک‌آموزشی در سال ۱۳۷۹ تدوین و به تدریج، با توجه به سیاست‌های آموزش و پرورش و سازمان پژوهش به‌روز شد. مطابق گزارش‌های موجود تاکنون ۳۵ عنوان راهنمای

تولید کتاب‌های کمک‌آموزشی برای دوره‌های پیش‌دبستانی، ابتدایی، راهنمایی (متوسطه اول)، متوسطه نظری و متوسطه فنی و حرفه‌ای و کاردانش تولید شده است. افزون بر این، کتاب‌هایی چون اصول تصویرگری و کتاب‌های سنجش و ارزشیابی نیز با همین هدف تولید شده و در اختیار مخاطبان قرار گرفته‌اند.

چارچوب‌های راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی*

بدیهی است که اصول و مبانی تولید کتاب‌های درسی باید مبتنی بر ارزش‌های حاکم بر نظام آموزشی کشور باشد. مطابق «آیین‌نامه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی (مواد و رسانه‌ها)» موسوم به «مصوبه ۸۲۸»، برخی از مهم‌ترین اصول و مبانی در تولید منابع آموزشی و پرورشی که کتاب‌های کمک‌درسی مهم‌ترین وجه آن‌هاست، به شرح زیرند:

- هماهنگی و هم‌سویی کتاب‌های آموزشی و تربیتی با فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و اهداف برنامه‌های درسی و تربیتی؛
 - گسترش و توسعه عدالت آموزشی و توجه به تفاوت‌های فردی؛
 - توجه به زبان معیار در محتوای نوشتاری و گفتاری مواد و رسانه‌های آموزشی و تربیتی؛
 - توجه به تنوع فرهنگی، اجتماعی و اقلیمی با رعایت اصول و مبانی نظام معیار اسلامی.
- خوش‌بختانه به اذعان اغلب کارشناسان، راهنمای

تجربه به دست‌اندرکاران و مجریان نشان داده است که تولید راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی باید از انعطاف و تراز بالاتری برخوردار باشد. تنوع تولید، مخاطبان مختلف، توسعه فناوری‌های نوین و نیازهای رو به تزاید شرایطی را فراهم آورده است که لزوماً باید راهنمای تولید هم‌راستا با آن‌ها به‌روزرسانی و کیفیت‌بخشی شوند

تولید کتاب‌های کمک‌آموزشی که تاکنون تهیه و در اختیار مخاطبان قرار گرفته، توانسته است تا حد قابل توجهی به تقریب دیدگاه‌های تولیدکنندگان، بهره‌برداران و کارشناسان و دستیابی به این اهداف کمک کند. به طوری که در حال حاضر با وجود ارتقای سطح استاندارد و افزایش انتظارات کارشناسان و ارزیابان، تعداد کتاب‌های آموزشی استاندارد قابل قبول نسبت به سال‌های پیش تا حد قابل توجهی ارتقا یافته و حدود ۶۰ درصد از کتاب‌هایی که برای بررسی و ارزیابی به کارشناسان ذی‌ربط ارجاع می‌شوند، استاندارد و مناسب ارزیابی شده‌اند و این روند رو به افزایش است. بی‌تردید بخش عمده‌ای از این امر مرهون تولید راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی است.

برنامه‌های در دست اجرا

تجربه به دست‌اندرکاران و مجریان نشان داده است که تولید راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی باید از انعطاف و تراز بالاتری برخوردار باشد. تنوع تولید، مخاطبان مختلف، توسعه فناوری‌های نوین و نیازهای رو به تزاید، شرایطی را فراهم آورده است که لزوماً باید راهنماهای تولید، هم‌راستا با آن‌ها به‌روزرسانی و کیفیت‌بخشی شوند.

در سال جاری دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، تولید یا به‌روزرسانی چند راهنما را در دستور کار قرار داده است. راهنماهای تولید کتاب‌های ریاضی، علوم تجربی، زبان و ادبیات فارسی و زبان‌آموزی، علوم اجتماعی، کار و فناوری، زبان

انگلیسی، زیست‌شناسی و تفکر و پژوهش در زمره این اسنادند. اسناد قبلی نیز در چند نوبت با توجه به ویژگی‌های عمومی و اختصاصی مخاطبان و نیازهای جدید علمی و آموزشی بازنگری و روزآمدسازی شده‌اند. این راهنماها با حضور کارشناسان خبره و مسلط به اصول و مبانی برنامه‌های درسی در جلسات کارشناسی متعدد ارزشیابی و اعتبارسنجی می‌شوند.

برنامه‌های آتی

آنچه گفته شد بخشی از تلاش‌های دست‌اندرکاران برای ایجاد همدلی و هم‌نوایی در آموزش و پرورش رسمی و غیررسمی است. بی‌شک راه درازی برای وصول به این هدف والا باقی مانده است. سرعت فناوری و نیازهای جدید علمی و تربیتی الزاماتی را ایجاد می‌کنند که کارشناسان در هر مرحله و زمان باید به بازنگری برنامه‌ها و روزآوری این راهنماها و اسناد مبادرت کنند. در حال حاضر سازمان پژوهش با تمرکز ویژه بر این امر، مصمم به ارتقای فعالیت‌ها و توان کارشناسی و نظارتی خود در این زمینه است. بی‌شک ارائه دیدگاه‌های دست‌اندرکاران و تولیدکنندگان غیردولتی و همچنین نظرات ارزیابان و داوران، چارچوب‌های دقیق‌تری را در تولید راهنماهای مناسب‌تر فراهم خواهند ساخت. شایسته است که همه دلسوزان نظام تعلیم و تربیت کشور اعم از بخش دولتی و غیردولتی، این سازمان و دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی را در این مسیر یاری رسانند.



پرواز بابال های قرآن

گزارش آیین پایانی دوازدهمین جشنواره
کتاب های آموزشی و تربیتی رشد، ویژه
کتاب های قرآنی



..... اشاره

دوازدهمین دوره «جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد» با یازده دوره پیشین تفاوت اساسی داشت. در این دوره فقط کتاب‌های حوزه قرآنی منتشر شده طی چهار سال گذشته بررسی شدند تا ضعف‌ها و نقاط قوت این حوزه برای نویسندگان، ناشران و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش نمایان شود. شناساندن آثار برتر و مناسب این حوزه که متناسب با نیازهای مخاطبان امروزی است، از دیگر اهدافی بود که این دوره از جشنواره دنبال می‌کرد. در آیین پایانی دوازدهمین دوره جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد، ویژه آثار قرآنی، علاوه بر تقدیر از آثار و تولیدکنندگان برتر، صاحب‌نظران این حوزه نیز به ارائه نظرات خود پرداختند. توجه به تربیت قرآنی به عنوان پیش‌نیاز حاکمیت همه جانبه قرآن در جامعه، ضرورت توجه به ارتباط خود آگاهانه مخاطبان با قرآن و توجه به قرآن به عنوان کتابی هدایت‌کننده که شامل حقایق فطری و بین‌المللی است، از جمله موضوعاتی بود که صاحب‌نظران بر آن تأکید داشتند.

اتکا به آموزه‌های قرآن شریف §

و استمرار آن نیز به درایت و همت ما در آموزش و پرورش و جامعه خداجو و قرآن‌باور وابسته است. وزارت آموزش و پرورش با تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به ترسیم چشم‌اندازهای بلند در تربیت دانش‌آموختگانی پرداخته است که ساخت‌های وجودی آن‌ها در چارچوبی هماهنگ به سوی کمال معنوی حرکت می‌کند و حیات طیبه را شیوه خود قرار می‌دهند. بدیهی است که حصول این اهداف مقدس و تشکیل جامعه‌ای

در ابتدای مراسم اختتامیه دوازدهمین دوره جشنواره کتاب‌های کمک آموزشی رشد، ویژه کتاب‌های قرآنی پیام دکتر علی‌اصغر فانی، وزیر آموزش و پرورش قرائت شد. در این پیام آمده بود: «بی‌تردید استقرار و استحکام نظام جمهوری اسلامی ایران و گسترش نفوذ معنوی آن در میان مسلمانان در اقصا نقاط جهان مرهون اتکا به آموزه‌های قرآن شریف است و بی‌شک تقویت



فانی: تشکیل جامعه‌ای مهدوی که حضور قرآن در افراد و ارکان آن نقشی بارز دارد، مستلزم همدلی، همراهی و هم‌فکری همه عوامل دست‌اندرکار رسمی و غیررسمی نقش آفرین در این زمینه است

برنامه درسی ملی را در این جشنواره با شکوه گرامی می‌دارم و امیدوارم با اتکال به خداوند و حمایت‌های دولت تدبیر و امید، روز به روز بر دانش مخاطبان و دانش‌آموزان ما در حوزه علوم و معارف قرآنی افزوده شود و نگرش و بینش آنان ارتقا پیدا کند و رفتار و تربیت قرآنی در عرصه فردی و اجتماعی تجلی یابد. از بانیان، برگزارکنندگان و مروجان این جشنواره مقدس و پرشکوه سپاس گزارم. امیدوارم در پناه صاحب قرآن، عنایات حضرت ولی عصر (عج) و راهبردهای مقام معظم رهبری، گام‌های نظام عالی‌قدرمان در طی مسیر پرافتخار پیروی از قرآن بلندتر و پربرکت‌تر از گذشته باشد. توفیق روز افزون شما عزیزان قرآنی آرزوی من است.»

عدم پیوند آثار بانیان‌های مخاطبان امروزی %

در ادامه مراسم محمد ناصری، دبیر جشنواره، به ارائه نکاتی پیرامون نتایج حاصل از بررسی کتاب‌های رسیده به دبیرخانه

مهدوی که حضور قرآن در افراد و ارکان آن نقشی بارز دارد، مستلزم همدلی، همراهی و هم‌فکری همه عوامل دست‌اندرکار رسمی و غیررسمی نقش آفرین در این زمینه است.» در ادامه آمده بود: «برپایی جشنواره‌ای با محوریت کتاب‌های قرآنی یکی از تلاش‌های مقدسی است که در این حوزه برای هم‌نوایی و هم‌جهت کردن فرصت‌ها و منابع در نظر گرفته شده است. حضور و مشارکت مؤلفان، ناشران و تولیدکنندگان منابع آموزشی و تربیتی مبتنی بر قرآن کریم و هم‌راستا با

جشنواره پرداخت. وی گفت: «باعث و بانی این جشنواره به طور ویژه حجت الاسلام والمسلمین محمدیان بودند که از ایشان تشکر می‌کنم. چرا که توجه ما را به این موضوع جلب کردند که در وادی قرآن ضعیف‌تر از آنچه فکر می‌کردیم، عمل کرده‌ایم. وقتی این جشنواره را با دوره‌های قبلی که کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی همه حوزه‌ها در آن شرکت می‌کنند مقایسه می‌کنیم به نکاتی می‌رسیم. معمولاً در جشنواره کتاب رشد بالغ بر ۶۵۰ ناشر حضور فعال دارند اما در این دوره فقط ۱۱۷ ناشر شرکت داشتند. ناگفته نماند که ما همه تلاش خود را برای جذب شرکت ناشران در جشنواره انجام دادیم، اما با وجود این فقط حدود ۴۰۰ عنوان کتاب مناسب به دست ما رسید. در عین قدردانی از ناشران و پدیدآورندگان همه کتاب‌های مناسب، این عدد بسیار کم است. البته ممکن است ناشرانی آثار خود را به جشنواره ارسال نکرده باشند که این خود جای تأمل دارد که چرا با همه پیگیری‌های ما این تعداد کتاب به جشنواره می‌رسد.»

وی در ادامه به برخی آمار و ارقام اشاره کرد و گفت: «در این جشنواره از بین بالغ بر ۴۰۰ کتاب، ۲۱۴ کتاب به مرحله بعد رسیدند که باید داوری می‌شدند. داوری‌ها در شش گروه انجام شدند که عبارت بودند از: تفسیر و ترجمه قرآن؛ مفاهیم قرآنی؛ دانستنی‌ها و لطائف قرآنی؛ قصه‌های قرآنی؛ قرآن و سبک زندگی؛ حفظ و روخوانی قرآن.

کتاب‌های هر گروه را سه داور شناخته شده در حوزه‌های قرآنی داوری کردند که پیام‌هایشان در بیانیه‌ها آمده است. اهم نکاتی که این جشنواره برای ما به ارمغان آورد، برای دو گروه اهمیت دارد. گروه نخست ناشران و نویسندگان محترم این حوزه هستند و نکات مربوط به آن‌ها به طور خلاصه عبارت‌اند از اینکه: ما در زمینه قرآن و ابعاد گوناگون آن برای مخاطبان کم کار کرده‌ایم. زبان و ادبیات رایج در آثار همچنان ادبیات

کلیشه‌ای و تکراری است. می‌توان گفت این آثار برای مخاطبان کم سن و سال جاذبه لازم را ندارند. همچنین کتاب‌سازی، جلوه‌های بصری، ویرایش زبانی، قطع و رنگ و همه ملاحظات فنی در چاپ، ایرادات جدی دارند. به نظر می‌رسد نحوه ورود ما به مفاهیم قرآنی پیوندی با زندگی مخاطبان امروز ندارد. همچنین، شبکه تولید و نشر قرآن اگر می‌خواهد پر خواننده و تاثیر گذار باشد باید بر اساس نیازهای مخاطبان شکل بگیرد.

یکی دیگر از نکاتی که در جشنواره به آن رسیدیم، این بود که در حوزه‌هایی مانند تفسیر و ترجمه قرآن و معارف خلأهای اساسی به چشم می‌خورد. استخراج سوژه‌های تازه که منوط به تشکیل

اتاق فکری متشکل از ناشران و نویسندگان است، هم احساس می‌شود. به برخی مقوله‌ها که در اسناد بالادستی وزارت آموزش و پرورش به آن‌ها توجه شده، مثل پرسشگری، تدبیر و تعقل توجه نشده است. علاوه بر این‌ها، کشف قالب‌های جذابی که عموم مخاطبان سراغ آن‌ها می‌روند، مانند قصه، ضرب‌المثل و سفرنامه، کار مهمی است که کمتر صورت گرفته است.



حشمتی: مشکل ترین کاری که دوستان ما در نظام تربیتی و آموزش و پرورش با آن مواجه هستند، آموزش و تربیت کودکان و خردسالان است

تربیتی و آموزش و پرورش با آن مواجه هستند آموزش و تربیت کودکان و خردسالان است. گرچه این کار ساده به نظر می‌رسد، اما پیچیده‌ترین کار است. کلیسایی شورایی را با ترکیب اکثر روان‌شناسان بزرگ به کار گرفته است تا برای چگونگی انتقال مفاهیم معنوی به کودکان دو تا چهار ساله، به ویژه در زمینه خدانشناسی، برنامه‌ریزی کنند. دنیای امروز دنیای فناوری‌های آموزشی است که موضوع اصلی آن‌ها انتقال مفاهیم است. از این رو ما هم باید تولیداتی را در این زمینه داشته باشیم. همه ما باید دست به دست هم دهیم تا اقدامات اساسی تری انجام گیرد. برپایی این جشنواره کار پسندیده‌ای است و امیدوارم با همکاری ناشران، مؤلفان، هنرمندان و متخصصان آموزش و پرورش فعالیت‌هایی صورت گیرد تا در جشنواره‌های بعدی تولیدات بهتری را شاهد باشیم.»

حقایق فطری و بین‌المللی قرآن

حجت الاسلام والمسلمین حمید محمدی، دبیر کمیسیون توسعه فرهنگی قرآن «شورای عالی انقلاب فرهنگی» نیز با ابراز خوش حالی از برپایی این جشنواره به برخی آیات «سوره الرحمن» اشاره کرد و افزود: «یکی از دست‌مایه‌های اساسی که دانش‌آموزان می‌توانند با آن زیست کنند «سوره الرحمن» است. این سوره ابعاد زیبایی دارد که جامعه از آن غافل شده است. بر اساس آیه نخست این سوره، نخستین معلم قرآن در عالم خداوند است «عَلَّمَ الْقُرْآن»

حتی در حوزه قصه‌های قرآنی که البته سهل و ممتنع است، برای همه مخاطبان کتاب مناسب نداریم. همچنین به نظر می‌رسد باید به جنبه‌های تربیتی و عمل‌گرایی قرآن در زندگی توجه بیشتری شود. حضور پژوهش و اطلاعات درست قرآنی در آثار هم از دیگر موضوعاتی است که باید جدی گرفته شود.» مدیر کل «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی»، مدیران و سیاست‌گذاران فرهنگی را مخاطب قرار داد و گفت: «گروه دومی که نتایج این جشنواره برای آن‌ها پیام‌هایی دارد، سیاست‌گذاران و مدیران فرهنگی هستند. آنچه از این جشنواره استنباط می‌شود آن است که ما باید زمینه‌ساز تولید پیام‌های قرآنی در رسانه‌های متنوع باشیم. فعالان حوزه قرآن جزیره‌های دور و جدا از هم هستند که این موضوع باعث شده است، کارهای موازی و تکراری زیادی در این حوزه صورت گیرد. سیاست‌گذاران فرهنگی باید این جزایر را به هم نزدیک کنند. به علاوه، این گروه باید برای تولید فاخر بستر مناسب را فراهم آورند تا انگیزه فعالیت در این حوزه به وجود آید. اسناد بالادستی آموزش و پرورش هم مطالباتی در حوزه قرآنی دارند که باید سعی کنیم به آن‌ها توجه داشته باشیم.»

آموزش و تربیت خردسالان؛ پیچیده و سخت

حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا حشمتی، معاون عترت و قرآن وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، از دیگر سخنرانان مراسم اختتامیه دوازدهمین دوره جشنواره رشد بود. وی گفت: «به دلیل جایگاهی که این حوزه در فرهنگ و ارشاد اسلامی دارد و انتظار می‌رود بخشی از نابسامانی‌های این حوزه توسط ما پیگیری شود، ما خریدار اطلاعات و مجموعه کارهایی هستیم که در این زمینه صورت گرفته‌اند.»

وی همچنین با اشاره به پیچیدگی تربیت و آموزش کودکان گفت: «مشکل ترین کاری که دوستان ما در نظام

و پس از آن انسان را آفرید «خَلَقَ الْإِنْسَانَ». مفسران معتقدند منظور از آن آموزش حقایق ناب قرآنی به فطرت انسان‌ها قبل از خلقت آن‌هاست. تمام آموزه‌های قرآنی به عنوان بخش اساسی تعلیمات فطری انسان مطرح است. در حقیقت با متولد شدن هر انسان یک قرآن با او متولد می‌شود. یعنی مجموعه آموزه‌های قرآن در فطرت همه انسان‌ها وجود دارد.

در آیه بعدی این سوره می‌خوانیم «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» تعلیم بیان همان است که انبیای الهی در قالب کتاب‌های سماوی می‌آورند. آن آموزه‌های فطری در قالب آیه «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ» تجلی می‌کند و بیان می‌شود.

وی افزود: «از میان مجموعه صفات قرآن مهم‌ترین آن‌ها، صفات حکیم، کریم، مجید و... است. در همه این صفات صفت ذکر وجود دارد که فوق‌العاده حساس و مهم است. ذکر به معنی بازگویی و بازآموزی است که به همان حقایق ناب قبل از خلقت انسان اشاره دارد. در واقع

انبیای الهی با آوردن کتاب‌های سماوی این حقایق ناب را بازخوانی و بازگویی می‌کنند. لذا همه حقایق قرآن فطری و بین‌المللی است.»

حجت الاسلام والمسلمین محمدی با اشاره به جایگاه انسان گفت: «ما با موجودی سر و کار داریم که قرآن به عنوان برترین مخلوق خداوند در عالم وجود، به آن اشاره کرده است. اگر به مختصات انسان و قرآن توجه نداشته باشیم و نسبت درستی بین آن‌ها برقرار نکنیم، محصولمان - اعم از کتاب و فیلم و... - نمی‌تواند سمت و سوی واقعی و حقیقی داشته باشد. از سوی دیگر، عدم ارتباط آثار با نیازهای جامعه نکته کلیدی و حساسی است. هر محصولی که بتواند پاسخ‌گوی نیاز جامعه باشد، با اقبال بیشتری مواجه می‌شود. لذا توجه به نیازهای موجود، ایجاد نیازهای جدید و پاسخ‌گویی به آن‌ها اقبال به دنبال دارند. اما بیشتر آثار ما در مرحله توجه به نیازهای موجود هم مشکل دارند.»



اهمیت ارتباط خود آگاهانه با قرآن

دبیر کمیسیون توسعه فرهنگی قرآن شورای عالی انقلاب فرهنگی افزود: «کتاب درسی به عنوان یک محصول قرآنی می تواند مورد توجه ویژه قرار بگیرد. میان فطرت و کتاب رابطه ای وجود دارد. ادیان الهی که پاسخگوی فطرت پرستش طلب انسان ها بوده اند، از طریق کتاب آمده اند. پیامبران تشریعی خود کتاب آورده اند و پیامبران تبلیغی حافظ و مبلغ کتاب بوده اند. پس کتاب قصد دارد آموزش های فطری را بازخوانی و بازگویی کند. از این رو پیوند عمیقی میان مدرس و معلم و کتاب وجود دارد.

زبانی که کتاب برای انتقال محتوا انتخاب می کند هم اهمیت بسیاری دارد. ما در ایران با دو زبان مواجهیم. یکی زبان فارسی که زبان مادری مخاطب است و دیگری زبان عربی که خداوند آن را برای همه حرف هایی که قرار است از آسمان به زمین بیایند انتخاب کرده است. یعنی زبان اصلی رابطه خالق با مخلوق زبان عربی است. قرابت زیادی که بین زبان های فارسی و عربی وجود دارد، ظرفیت بسیار خوبی است که بتوانیم ارتباط با قرآن را برای دانش آموزان خود آگاه کنیم. ارتباط با قرآن هر چه خود آگاهانه تر و مستقیم تر باشد، نتیجه بهتری خواهد داشت، ولی لازمه آن آشنایی بیشتر مخاطبان با زبان عربی است. لذا یکی از عوامل اصلی موفقیت در ترویج و توسعه فرهنگ قرآنی توجه به توسعه هدفمند و روشمند زبان عربی در ساحت های گوناگون است.»

حجت الاسلام والمسلمین محمدی به ویژگی های کتاب ایده آل در زمینه قرآن اشاره کرد و گفت: «اگر بتوانیم در کتاب درسی به چند ویژگی توجه کنیم بسیاری از نکته هایی که عرض کردم تأمین خواهد شد. از جمله مهم ترین ویژگی های کتاب آن است که در راستای فرهنگ قرآنی باشد. فرهنگ قرآنی مثلی است شامل اضلاع توسعه معرفت قرآنی، توسعه ایمان قرآنی و

محمدی: کتاب ایده آل کتابی است که بتواند هم زمان هر سه ساحت معرفت، ایمان و رفتار را مورد توجه قرار دهد و حرف های روشنی در این زمینه داشته باشد

توسعه رفتار قرآنی. کتاب ایده آل کتابی است که بتواند هم زمان هر سه ساحت معرفت، ایمان و رفتار را مورد توجه قرار دهد و حرف های روشنی در این زمینه داشته باشد. رشد متوازن معرفت، ایمان و رفتار است که محصول و نتیجه خوبی دارد. سنت محور بودن کتاب هم ویژگی مهم دیگری است. ما نباید از روش پیامبر (ص) در آموزش غفلت کنیم. این یک خطای راهبردی است که قرآن را تکه تکه به دانش آموزان آموزش دهیم. ما باید در آموزش سوره محور باشیم. در گذشته که آموزش جزء سی ام قرآن مرسوم بود، بسیاری از بسترهای آموزش قرآن را فراهم می کرد. در آموزش سوره های قاعداً آموزش حفظ و آموزش مفهوم واژه، ترجمه، تدبر و درک مفاهیم هم وجود دارد.»

وی با تأکید بر ایجاد فرهنگ قرآنی ادامه داد: «ما باید ابتدا چند فرهنگ را در نظام آموزش و پرورش و مجموعه کتاب های درسی ایجاد کنیم، وگرنه آموزش های ما آب در هاون کوبیدن است. برخی از این فرهنگ ها لفظی و برخی معنایی هستند. از جمله فرهنگ های لفظی فرهنگ قرائت، فرهنگ تلاوت، فرهنگ ترتیل، فرهنگ استماع و... هستند که تا آن ها را ایجاد نکنیم راه به جایی نمی بریم. این فرهنگ ها نسبت هایی با هم دارند. به این ترتیب که وقتی فرهنگ قرائت حاصل می شود فرهنگ های بعدی به دنبالش ایجاد می شوند. یکی از فرهنگ های محتوایی هم فرهنگ استرحام است. در واقع یکی از رسالت های قرآن شفا و رحمت است. این فرهنگ زمانی حاصل می شود که قبلاً فرهنگ هایی مانند قرائت ایجاد شده باشد. در کتاب های درسی باید به این فرهنگ های متنوع توجه شود در غیر این صورت در

آموزش‌هایمان ناکام خواهیم بود.»

حجت الاسلام والمسلمین محمدی از اقامه نماز با عنوان نماد موفقیت آموزش‌های قرآنی یاد کرد و گفت: «تماد موفقیت ما در آموزش‌هایمان پرورش دانش‌آموزان نمازخوان است. لذا یکی از مسائلی که باید در روابط میان معرفت و ایمان و رفتار به آن توجه شود، اقامه نماز است. همچنین باید فرهنگ تلاوت دائمی را ایجاد کنیم تا به تدریج به حوزه‌های حفظ، فهم و تدبر نزدیک شویم.»

قرآن مبنای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری هاست

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، در ادامه این مراسم به اهداف جشنواره اشاره کرد و گفت: «نخستین هدف جشنواره ایجاد انگیزه و پس از آن تأمل در آثار منتشر شده در این حوزه است. از یک سو باید زحمات خادمان قرآن دیده می‌شد و از آن‌ها تشکر می‌کردیم که البته تشکر ما به قدر وسع ماست. از سوی دیگر، جامعه باید آثار خوب قرآنی را بشناسد و این جشنواره قصد دارد این آثار را معرفی کند تا دیگران از آن بهره‌مند شوند. البته شاید در این زمینه کاستی‌هایی داشته باشیم. از جمله آنکه ممکن است کتاب‌هایی وارد جشنواره نشده باشند. ما در آغاز راه هستیم و امیدواریم که در سال‌های آتی هم ناشران و نویسندگان و هم گردانندگان دبیرخانه جشنواره اهتمام بیشتری داشته باشند و کار وسعت بیشتری پیدا کند.»

وی در ادامه گفت: «من امروز دو نگرانی دارم: یک نگرانی قوی از رسول اکرم (ص) است که در قرآن به آن اشاره شده است. پیامبر

اکرم (ص) به درگاه خداوند از مهجور ماندن قرآن توسط امتش شکایت کرده‌اند. من از این شکایت دل‌نگرانم. دوم آنکه پیامبر (ص) توصیه‌ای کرده‌اند که اگر چنین اتفاقی افتاد، به قرآن روی بیاورید: «فَإِذَا التَّبَسَّطَ عَلَيْكُمُ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ». ما نسبت به آن شکایت و این توصیه چه می‌کنیم؟ آیا قبول داریم که فتنه‌ها و آشوب‌های فکری، اعتقادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی به ما هجوم آورده‌اند؟ اگر قبول داریم راهکار را کجا جست‌وجو می‌کنیم؟ از کجا می‌آموزیم که این فتنه‌ها را خاموش و این فسادها را اصلاح کنیم؟ و اگر در روز قیامت این شکایت اتفاق افتاد ما مشمول عواقب این شکایت نمی‌شویم؟ یقیناً بخشی از عواقب این شکایت شامل ما می‌شود و اگر امروز در جامعه برخی افراد نسبت به قرآن کم‌توجه هستند معلوم است که قرآن مهجور مانده است.»

دکتر محمدیان افزود: «نخستین توصیه قرآن در این زمینه آن است که آن را بخوانیم. پس از آن تدبیر در قرآن هم لازم است. بعد از تدبیر باید به اجرایی و عملیاتی شدن قرآن توجه کنیم. ما در آموزش و پرورش کارهای خوب کم انجام نداده‌ایم، اما کارهای باقی‌مانده بسیار زیاد داریم. باید به این نکته توجه کنیم که آنچه تولید می‌کنیم باید بهترین باشد. آنچه در سطح ملی نگرانی ایجاد می‌کند، آن است که هنوز قرآن مبنای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری ما قرار نگرفته است. نه فقط در حوزه فرهنگ و آموزش که در حوزه اقتصاد و موضوعات اجتماعی هم همین‌طور است. هنوز در این حوزه‌ها قرآن حاکم نیست و این نقص زمانی برچیده خواهد شد که از ابتدا تربیت قرآنی اتفاق بیفتد. تا این اتفاق نیفتد با آویزان کردن چراغ‌های روشن بر شاخه‌های درختان لخت در بیابان بهار نخواهد شد. گرچه چشم‌ها را روشن خواهد کرد، اما بصیرت افزا نخواهد بود. از همکارانم تشکر می‌کنم که با برگزاری این جشنواره زخمه‌ای بر تارهای وجودی ما زدند تا بلکه ناله‌ای برخیزد. امیدوارم این ناله‌ها به ثمر بنشیند.»

محمدیان: آنچه در سطح ملی نگرانی ایجاد می‌کند آن است که هنوز قرآن مبنای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری ما قرار نگرفته است

طراحی استاندارد ملی برای منابع آموزشی و تربیتی

گزارش نشست شورای سیاست‌گذاری
سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی با
موضوع «راهکارهای اجرای مصوبه ۸۲۸»



اشاره

سامان دهی منابع آموزشی و تربیتی یکی از مهم ترین دغدغه های دست اندرکاران تعلیم و تربیت کشور بوده و هست؛ دغدغه ای که سرانجام منجر به تصویب مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش در سال ۱۳۸۹ شد. براساس مصوبه آیین نامه سامان دهی منابع آموزشی و تربیتی، تبلیغ، ترویج و توزیع هرگونه منبع آموزشی و تربیتی در واحدهای آموزشی در سراسر کشور فقط از منابع استاندارد مجاز خواهد بود. از این رو، همه بخش های آموزش و پرورش و نیز نهادهای سازمان های سهیم در موضوع، موظف به تسهیل اجرای این مصوبه هستند. در این راستا، نشست هم اندیشی شورای سیاست گذاری سامان دهی منابع آموزشی و تربیتی در سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی و به ریاست حجت الاسلام دکتر محمدیان برگزار شد. در این نشست، حاضران در جلسه به نمایندگی از معاونت های وزارت آموزش و پرورش و نهادهایی همچون صدا و سیما، سازمان ملی استاندارد و اتحادیه ناشران، راهکارهای اجرای این آیین نامه را بررسی کردند.

دسترسی به منابع آموزشی و تربیتی استاندارد، حساسیت امروز جامعه

و استاندارد را در افکار عمومی به عنوان یک معروف ملاحظه می کنیم. دستگاه تعلیم و تربیت، مدیران آموزشی، معلمان و عمده خانواده ها نسبت به اینکه محتوای آموزشی و تربیتی استاندارد و مجاز را داشته باشند، حساس شده اند. از سوی دیگر، افکار عمومی کسانی را که نسبت به تولید و توزیع یا ترویج منابع آموزشی و تربیتی غیراستاندارد اقدام می کنند، به عنوان کسانی می شناسند که مرتکب منکر شده اند و این خود یک پیشرفت بوده است. البته این دسته افراد نزد وجدان خود می دانند که کار

در ابتدای این نشست، حجت الاسلام دکتر محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، گفت: «گرچه در راستای اجرای آیین نامه سامان دهی منابع آموزشی و تربیتی قدم ها کوتاه و مینیاتوری برداشته شده اند، اما همین اندک آثار مثبتی در پی داشته است. به طوری که امروز توجه به منابع آموزشی مورد تأیید



محمدیان: امروز توجه به منابع آموزشی مورد تأیید و استاندارد را در افکار عمومی به عنوان یک معروف ملاحظه می‌کنیم

باعث شود ما عمق موضوع را شناسایی کنیم و همه با هم ملتزم باشیم که ساحت تعلیم و تربیت را از پدیده‌های نامناسب و مخل نظام تربیتی پاک کنیم.»

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با تأکید بر اینکه اثرات نامطلوب کتاب‌های غیراستاندارد در آینده به جامعه لطمه خواهد زد گفت: «در تعلیم و تربیت منافع آنی نیستند، بلکه آتی و دراز مدت‌اند. هم‌چنان که مضار آن هم فوراً به چشم نمی‌خورد و سال‌ها بعد روشن می‌شود. ممکن است در تعلیم و تربیت هدفی فوراً به دست آید، اما یقیناً این مضار بر منافع آنی امروز جامعه خواهد چربید و ما لطمه خواهیم خورد. اگر به تحقق اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی کمک کنیم، در دهه آینده نظام آموزش و پرورش با گذشته متفاوت خواهد بود. البته امروز رگه‌هایی از این تغییر و اصلاح رو به کمال را در نظام آموزش و پرورش می‌بینیم.

اشتباهی می‌کنند. ما این معنا را در مواجهه‌هایی که در ایام اخیر با آن‌ها داشته‌ایم دریافتیم که به دنبال جبران آن بوده‌اند.» وی در ادامه گفت: «اکنون استانداردسازی و بها دادن به تولیداتی که اثربخش و منطبق با معیارهای تعلیم و تربیت هستند، به عنوان ارزش و آنچه خارج از آن است امری ناپسند تلقی می‌شود. این یعنی مردم هم نسبت به این موضوع حساس شده‌اند. البته می‌دانید که هیچ کس کار بد را نمی‌تواند با همین عنوان عرضه کند، بلکه کار خود را زینت می‌دهد. لذا بسیاری از کتاب‌های غیراستاندارد با عناوین شیک و ظاهر زینت یافته منتشر می‌شوند. شاید این جلسه و نشست‌هایی از این دست

الکترونیک و حتی جشنواره عکس رشد را برگزار می‌کنیم تا منابع کمک آموزشی مناسب شناسایی و معرفی شوند. اما همیشه نمی‌توانیم با این روش عمل کنیم و گاهی تلنگری لازم است. از این رو از نهادهایی مثل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، آموزش عالی، وزارت صنایع و معادن و... که در مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش سهمیم هستند انتظار می‌رود مفاد این دستورالعمل را رعایت کنند.»

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی ورود منابع غیر استاندارد به مدارس را از دو جهت تبیین کرد و افزود: «بخشی از این موضوع به آموزش و پرورش و بخشی از آن به خارج از آموزش و پرورش مربوط است. به عبارت دیگر، ما با معلول که کتاب تولید شده و راه یافته به داخل مدرسه است مبارزه می‌کنیم، در حالی که باید علت این ترویج و علاقه‌مندی را در بیرون از آموزش و پرورش جست‌وجو کرد. به این ترتیب، موضوع ماده ۶ مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش که بر تبلیغ، ترویج و توزیع منابع آموزشی و تربیتی استاندارد دلالت دارد، به اعضای حاضر در این جلسه ربط پیدا می‌کند. چرا که تبلیغ منابع استاندارد و غیر استاندارد در رسانه‌های مکتوب و دیجیتال، جراید و مهم‌ترینشان صدا و سیما اتفاق می‌افتد. از سوی دیگر، مجوز انتشار محتوای آموزشی از طریق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر می‌شود. علاوه بر این برخی از ناشران تخلفاتی می‌کنند که موضوع را به اتحادیه ناشران مربوط می‌کند. حال باید با هم‌اندیشی به راه حلی در این زمینه برسیم تا ساحت تعلیم و تربیت را از این تولیدات پاک کنیم.»

۱۶ سال سامان بخشی منابع آموزشی و تربیتی

محمد ناصری، مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در

اکنون در مدارس ما مباحث تفکر، پژوهش، سبک زندگی، کار و فناوری، نگاه نو به مبانی و ارزش‌ها خود را نشان داده‌اند. نهادها و گزارش‌های بین‌المللی که ما را رصد می‌کنند هم حکایت از این تغییر و اصلاح دارند.»

حجت‌الاسلام محمدیان با تأکید بر اینکه علاوه بر کتاب‌ها، همه مواد و رسانه‌ها و نیز تجهیزات آموزشی و کمک آموزشی شامل دستورالعمل سامان بخشی می‌شوند، گفت: «مواد و رسانه‌های آموزشی اعم از کتاب هستند و شبکه‌ها و تجهیزات کمک آموزشی را هم شامل می‌شوند. حتی بخش‌هایی مانند سازمان نوسازی و تجهیز مدارس که تأمین و تهیه کلان این ابزارها را در آموزش و پرورش به عهده دارند، این استانداردها را رعایت می‌کنند. به عبارت دیگر، تولیدکنندگان ابزارها و رسانه‌های کمک آموزشی زمانی موفق خواهند بود که تولیداتشان با استانداردهای ما منطبق باشد. البته منظور ما از استاندارد، کاربردهای آموزشی و میزان مؤثر بودن تولیدات است.»

تشویق و تنبیه به موازات هم

وی با اشاره به اینکه تا به حال برای سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی از روش‌های تشویقی استفاده شده است، گفت: «ما تا به حال از روش‌های تشویقی برای سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی استفاده کرده‌ایم. برای این منظور جشنواره‌هایی مثل جشنواره فیلم رشد، کتاب رشد، جشنواره تولید محتوای

محمدیان: همه با هم ملتزم باشیم که ساحت تعلیم و تربیت را از این پدیده‌های نامناسب که در نظام تربیتی اختلال ایجاد می‌کنند پاک کنیم

ادامه این نشست تاریخچه‌ای از فعالیت‌های سامان بخشی منابع آموزشی و تربیتی را شرح داد. وی گفت: «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی از سال ۱۳۷۸ سامان‌دهی مواد و رسانه‌های آموزشی - که عمدتاً کتاب بودند - را آغاز کرد تا از ظرفیتی که بخش خصوصی و ناشران دولتی دارند در جامعه به درستی استفاده شود. به همین جهت به کمک مؤلفان کتاب‌های درسی، کارشناسان مجربی که در این حوزه صاحب‌نظرند، معلمان با تجربه و کسانی که دستی به قلم داشتند، سیاست‌گذاری‌ها، خط‌مشی‌ها و استانداردها را تدوین کرد. سپس این استانداردها به ناشران و جامعه ارائه شد و بالاخره در سال ۱۳۷۹ نخستین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد برگزار شد. در آن

ناصری: در دوره نخست جشنواره رشد، از میان کتاب‌هایی که به دبیرخانه جشنواره رسیدند، کمتر از ۲۰ درصدشان مطابق استاندارد بودند

دوره، کمتر از ۲۰ درصد کتاب‌هایی که به دبیرخانه جشنواره رسیدند مطابق استاندارد بودند؛ یعنی ۸۰ درصد کتاب‌ها خلاف اهداف آموزش و پرورش بودند. در واقع، هدف این جشنواره حساس کردن جامعه و تشخیص کتاب‌های خوب و بد بود. به این ترتیب که کتاب‌های خوب و مناسب معرفی شوند تا معلمان علاقه‌مند آن‌ها را به دانش‌آموزان معرفی کنند.»

مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی به دیگر فعالیت‌های سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در جهت سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی اشاره کرد. وی گفت: «یکی دیگر از مهم‌ترین فعالیت‌ها در این زمینه، انتشار کتاب‌نامه رشد است. این کتاب‌نامه در واقع فهرست توصیفی کتاب‌های

استاندارد است. از سال ۱۳۷۹، ۲۱۴۵۵ عنوان کتاب مناسب به شکل توصیفی در ۷۵ شماره کتاب‌نامه معرفی شده‌اند. انتشار راهنماهای تولید کتاب‌های کمک آموزشی از دیگر اقدامات ما در این زمینه است. در این راهنماها تقسیم‌بندی‌های کتاب‌های کمک آموزشی و استانداردهای آن‌ها عنوان و به ناشران ارائه شد. فصل‌نامه جوانه نیز که از دو سال پیش به صورت الکترونیک منتشر می‌شود، به مسائل سامان‌دهی، مسائل حوزه نشر، کتاب‌های کمک آموزشی و چالش‌های حوزه می‌پردازد.»

معرفی کتاب‌های مناسب و استاندارد در کتاب‌های درسی موضوع دیگری بود که ناصری به آن اشاره کرد: «در انتهای کتاب‌های درسی صفحه‌ای را در نظر گرفتیم که کتاب‌های مناسب همان پایه را معرفی می‌کند. البته علاوه بر کتاب‌ها، مواد و رسانه‌های آموزشی دیگری مانند فیلم و نرم‌افزار هم معرفی می‌شوند. تأکید بر کتاب به این دلیل است که بالغ بر ۹۰ درصد از مواد آموزشی و تربیتی را کتاب‌ها تشکیل می‌دهند. اما نرم‌افزارها و فیلم‌های آموزشی، و وسایل و ابزارها هم در سامان بخشی منابع آموزشی و تربیتی بررسی می‌شوند. تفاوتی که در این زمینه وجود دارد آن است که همکاران ما در دفتر تکنولوژی آموزشی نرم‌افزارها و فیلم‌ها را پیش از تولید انبوه بررسی می‌کنند و در نهایت زمانی به آن‌ها اعتبارنامه داده می‌شود که استاندارد باشند. اما با توجه به اینکه بر اساس قانون، وزارت ارشاد باید مجوز انتشار کتاب را صادر کند، ما کتاب‌هایی را که منتشر و تولید انبوه شده‌اند بررسی می‌کنیم.»

همه راه‌های سامان‌دهی %

مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در ادامه به برگزاری کارگاه‌های آموزشی به منظور تبیین رویکردهای برنامه‌های



درسی اشاره کرد و افزود: «از دیگر کارهای مهمی که در این سال‌ها انجام شده، برگزاری کارگاه‌های آموزشی است. به این معنا که کارشناسان دفتر تألیف کتب درسی، مدیران تولید یا مدیران عاملان نشر را نسبت به رویکردهای جدید کتاب‌های درسی توجیه می‌کنند. شاید یکی از دلایلی که امروزه بازار نشر به سمت استانداردهای ما در حرکت است، توجیه دقیقی است که طی این کارگاه‌های آموزشی صورت گرفته است. ما همچنین از ظرفیت نمایشگاه کتاب هم برای هدایت ناشران به این جریان استفاده می‌کنیم. ایجاد و راه‌اندازی سامانه کنترل کیفیت مواد و رسانه‌ها و تجهیزات آموزشی هم از دیگر راهکارهایی است که برای تسهیل این جریان راه‌اندازی شده است. همکاران ما مهری را طراحی کرده‌اند که مانند مهر استاندارد خواهد بود. بدین معنا

که چاپ این مهر روی فیلم یا بسته آموزشی و کتاب نشان‌دهنده استاندارد بودن آن از نظر آموزش و پرورش است.»
ناصری در ادامه گفت: «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی نهایت تلاش خود را می‌کند که همه کالاهای فرهنگی، آموزشی و تربیتی که قرار است به بازار عرضه شوند، همه استانداردهای آموزش و پرورش را رعایت کنند.»

وی همچنین به همراهی رسانه ملی صدا و سیما در تبلیغ نکردن منابع غیر استاندارد گفت: «امیدواریم این رسانه ملی بیش از گذشته با ما همکاری کند. متأسفانه برخی از آثاری که در این رسانه ملی معرفی می‌شوند، خلاف استاندارد هستند و ما باید راه مطمئنی پیدا کنیم تا کسانی که در حوزه آموزشی کار تجارتي می‌کنند، صدا و سیما را دور نزنند.»

ناصری: متأسفانه برخی از آثاری که در رسانه ملی معرفی می‌شوند خلاف استاندارد هستند

طراحی استاندارد ملی برای تولید کتاب کمک آموزشی §
علی سعادت‌تی، مدیر کل دفتر آموزش و ترویج سازمان ملی



استاندارد، از دیگر حاضران در این نشست بود. وی با اشاره به برخی اسناد دربارهٔ افزایش پوشش استاندارد گفت: «در برخی اسناد مانند بند ۲۴ سیاست اقتصاد مقاومتی که مقام معظم رهبری ابلاغ کرده‌اند بر افزایش پوشش استاندارد محصولات تأکید خاصی شده است که البته محصولات اعم از کالا و خدمات است. همچنین بند ۳۰ برنامهٔ ششم بر تدوین سند جامع نظام استانداردسازی کشور تأکید دارد. علاوه بر این، در مصوبهٔ شورای عالی استاندارد تکلیف شد که دستگاه‌های اجرایی دفاتر استانداردسازی را در دستگاه‌ها راه‌اندازی کنند.»

وی جلوگیری از تشویش افکار عمومی در حوزهٔ نظارت بر استانداردها را ضروری دانست و افزود: «به نظر می‌آید در حوزهٔ نظارت باید به شیوه‌ای عمل کنیم که موجب تشویش اذهان عمومی نشود. در قانون موضوع استاندارد و استانداردسازی تعریف شده است بنابراین، باید مراقب باشیم دوگانگی در استانداردها ایجاد نشود. در این زمینه می‌توان از نظام‌های استانداردسازی دنیا الگو گرفت.»

سعادت‌ی به عنوان نمایندهٔ سازمان ملی استاندارد، با اعلام آمادگی این سازمان در طراحی استاندارد ملی در تولید مواد و رسانه‌های کمک آموزشی گفت: «به نظر می‌آید بهتر است سامان‌بخشی منابع آموزشی و تربیتی در پروسهٔ استاندارد ملی قرار بگیرد، به طوری که استاندارد مشخصی برای تولید مواد و رسانه‌های آموزشی در کشور وجود داشته باشد. در این صورت، حتی اگر ناشر خارجی قصد تولید کتاب یا نرم‌افزار برای جامعهٔ ایران را داشته باشد، می‌تواند به استانداردهای ما دسترسی پیدا کند.»

مدیر کل دفتر آموزش و ترویج سازمان ملی استاندارد در ادامه افزود: «در سازمان ملی استاندارد برای همهٔ تولیدات و خدمات استانداردهایی تعریف شده‌اند از این رو، فعالیت‌های شما در استانداردسازی منابع آموزشی و تربیتی هم می‌تواند در سامانهٔ سازمان ملی استاندارد ثبت و ضبط شود. با توجه به اینکه ما برای استانداردها عمر پنج ساله در نظر می‌گیریم، همهٔ استانداردها به‌روز می‌شوند و توسعه پیدا می‌کنند. این بستر در سازمان ملی

استاندارد برای حضور سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی در این فرایند وجود دارد تا بتوان نگرانی‌های حوزه نظارت را برطرف کرد.»

تعریف فیلترهای استاندارد پیش از چاپ کتاب %

نیک‌نام حسینی‌پور، مشاور توسعه منابع انسانی معاونت فرهنگی وزارت ارشاد نیز با اشاره به تعریف فیلترها و کانال‌هایی پیش از انتشار کتاب‌های کمک آموزشی گفت: «در باره کتاب‌های کمک آموزشی می‌توان کانال‌ها و فیلترهایی را تعریف کرد تا مشکلات تا حدودی رفع شوند. مثلاً اگر کتابی درباره شهید مطهری به دست ما برسد، پیش از ارائه مجوز درباره محتوای کتاب، از بنیاد شهید مطهری استعلام می‌گیریم و بعد به آن مجوز می‌دهیم. در حوزه کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی هم می‌توان چنین فرایندی را تعریف کرد. به این ترتیب که در رابطه با محتوای کتاب از سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی استعلامی گرفته شود، چرا که در وزارت ارشاد محتوای تخصصی مد نظرمان نیست. اما در صورت تعریف این فرایند می‌توان بر کیفیت کتاب‌های کمک آموزشی اثربخشی مثبتی داشت.»

مسعود پایدار، نماینده اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران، هم با بیان اینکه نخستین و اصلی‌ترین ممیزان آثار خوب از بد معلمان و دانش‌آموزان هستند، درباره تخلف برخی ناشران گفت: «در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یک هیئت رسیدگی وجود دارد که به شکایاتی که از ناشران شده است رسیدگی می‌کند. علاوه بر این، کمیسیون رسیدگی به شکایات و حل اختلاف در اتحادیه هم به این تخلفات رسیدگی می‌کند. این کمیسیون حکم هم صادر می‌کند، اما ضمانت اجرای قانونی چندانی ندارد؛ گرچه می‌تواند در محاکم قضایی مدنظر قرار بگیرد.»

وی افزود: «به نظر می‌رسد هزینه‌های ممیزی عناوین زیاد

کتاب‌های کمک آموزشی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بسیار بیشتر از زمانی است که این کتاب‌ها توسط ذی‌نفعشان -که همان آموزش و پرورش است- در چارچوب قانون رسیدگی شود. اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران هم اعلام آمادگی می‌کند تا در این زمینه اطلاع‌رسانی لازم را به عمل آورد.»

حمایت از معلمان مؤلف، سدی در مقابل منابع غیر استاندارد

ابوالقاسم حدادی، معاون پژوهش، برنامه‌ریزی و نیروی انسانی آموزش و پرورش شهر تهران، در ادامه این جلسه آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی به خانواده‌ها درباره استانداردهای آموزشی را مهم‌ترین نکته دانست. وی گفت: «ما برای سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی به فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی در داخل و خارج از آموزش و پرورش نیاز داریم چون بسیاری از خانواده‌ها درباره استانداردهای آموزشی اطلاع کافی ندارند. ما معتقدیم نباید منابع غیراستاندارد وارد مدارس شوند، اما می‌بینیم که چنین منابعی تولید می‌شوند و به مدرسه‌ها راه پیدا می‌کنند. بنابراین، باید ویژگی‌های کتاب‌ها و مواد آموزشی استاندارد را ارائه کنیم تا مردم منابع استاندارد را از غیراستاندارد تشخیص دهند. پیشنهاد می‌کنم برای این کار از رسانه ملی کمک بخواهیم تا در برنامه‌های آن به ویژگی‌های منابع مناسب بپردازیم.»

حدادی با بیان اینکه معلمان و مدیران مدارس هم در

حدادی: ما برای سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی به فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی در داخل و خارج از آموزش و پرورش نیاز داریم، چون بسیاری از خانواده‌ها درباره استانداردهای آموزشی اطلاع کافی ندارند

استفاده از منابع نامناسب تأثیر گذارند افزود: «ما برای رسیدن به هدف، باید سراغ مدیران مدارس و معلمان هم برویم. متأسفانه بیشترین خریداران و عرضه‌کنندگان این کتاب‌ها معلمان و مدیران هستند، چون هم تحت تأثیر تبلیغات قرار می‌گیرند و هم گاهی از برخی ناشران و مؤسسات تشویق‌هایی دریافت می‌کنند. برخی ناشران حتی کتاب‌های خود را به طور رایگان به مدارس می‌دهند. باید از طریق آگاهی‌بخشی و آموزش جلوی این فعالیت‌ها گرفته شود. باید به این منظور و نیز برای حمایت از برنامه درسی ملی، در سطوح گوناگون آموزش و پرورش کلاس‌های ضمن خدمت در نظر بگیریم.»

وی به برخی دیگر از راهکارهای جلوگیری از ورود منابع غیراستاندارد به مدارس اشاره کرد و گفت: «بهترین افرادی که می‌توانند از این موضوع حمایت و آن را صیانت کنند، معلمان هستند؛ همان‌طور که در ماده ۳ مصوبه حمایت از تولیدکنندگان، ناشران و افرادی که می‌توانند منابع استاندارد تولید کنند مدنظر قرار گرفته است. بنابراین، باید از معلمانی که توانمندی تولید مواد آموزشی مناسب را دارند حمایت کنیم. اگر معلم که هم به حوزه تعلیم و تربیت آشناست و هم دانش‌آموزان را می‌شناسد، دست به تولید بزند، دیگر اجازه نخواهد داد منابع غیراستاندارد و نامناسب به کلاسش راه پیدا کنند. معلمان زیادی هستند که هم در حوزه الکترونیک و هم در حوزه مکتوب آثاری دارند، اما تنها بر اساس ماده ۵ به آن‌ها مجوز داده می‌شود یعنی فقط اجازه تبلیغ دارند. پیشنهاد می‌دهم، اگر تولیدات معلمان استاندارد بودند، مدارس بتوانند از آن‌ها در کلاس استفاده کنند تا به این ترتیب راه ورود منابع آموزشی نامناسب به مدارس گرفته شود.»

تشویق معلمان و مدارس تابع قانون §

جهان آرا، کارشناس مسئول معاونت آموزش ابتدایی، بابیان اینکه

برای سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی نخستین گام بررسی مدارس است گفت: «برای اینکه بتوانیم سامان‌دهی بهتری داشته باشیم، باید سراغ مدارس برویم، چون کتاب‌های تولید شده به تشویق معلمان و مدیران و با استقبال خانواده‌ها استفاده می‌شوند. در این زمینه می‌توان دو راه را در پیش گرفت. نخست آنکه استانداردهایی را برای تألیف کتاب‌های کمک آموزشی تدوین کرد تا از هرج و مرج موجود که در این بازار، به خصوص در رابطه با منابع دوره ابتدایی، جلوگیری کرد. دوم آنکه باید مدرسی که از تولیدات استاندارد معلمان خود استفاده می‌کنند تشویق شوند تا دیگران هم به این سمت و سو حرکت کنند.»

ارجحیت روش‌های تشویقی §

فرشاد سیفی، مدیر امور آگهی بازرگانی صدا و سیما، از دیگر مسئولانی بود که در این نشست حضور داشت. وی درباره تبلیغات مواد و منابع آموزشی در رسانه ملی گفت: «ما برای تبلیغات همه کالاها و خدمات مستندات لازم را از تولیدکنندگان دریافت می‌کنیم، اما در زمینه تبلیغ منابع آموزشی نکته‌ای وجود دارد. قانون، مجوز نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را به رسمیت می‌شناسد و مصوبه ۸۲۸ عرضه و خرید این منابع را در داخل آموزش و پرورش یعنی مدارس، را نیازمند مجوز دانسته است.» وی با اعلام آمادگی صدا و سیما برای همکاری در تبلیغ منابع مناسب و استاندارد گفت: «من معتقدم در این جریان باید راه‌های تشویقی را پی بگیریم، چون تجربه نشان داده است از راه‌های سلبی به نتیجه مطلوب نرسیده‌ایم. از این رو، اگر منابعی که تا به حال صدا و سیما تبلیغ کرده است، استاندارد و مناسب بوده‌اند، می‌توانیم آن را به صورت ویژه و برجسته در تبلیغ عنوان کنیم تا تشویقی برای ناشر و نیز ناشران دیگر باشد. همچنین، به عنوان نماینده صدا و سیما آمادگی این سازمان را برای تولید برنامه - چه

به صورت میزگرد و چه به صورت برنامه آموزشی - در راستای معرفی فعالیت‌های سامان بخشی، به مردم اعلام می‌کنم.»

نظارت آموزش و پرورش کافی نیست §

عفت بلوسی، مدیر کمیسیون برنامه‌های درسی و تربیتی شورای عالی آموزش و پرورش، با تأکید بر ارتباط درون و بیرون سازمان آموزش و پرورش برای موفقیت سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی گفت: «فعالیت‌هایی که برای سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی در داخل سازمان آموزش و پرورش انجام داده‌ایم رو به توسعه است، اما فعالیت‌هایی مانند کتاب‌نامه رشد، توان مادر بررسی کتاب‌ها و ارائه استانداردها به توسعه بیشتری نیاز دارد. مهم‌ترین موضوع این است که از توانمندی‌های بخش خصوصی برای نظارت و ارزشیابی استفاده کنیم. نظارت درونی بر عهده آموزش و پرورش است، اما بررسی‌ها نشان دادند تنها راه نظارت بر استفاده از منابع نامناسب، داخل مدرسه نیست. یعنی باید نظارت بیرونی هم داشته باشیم. می‌توان در این زمینه سطح‌بندی‌هایی انجام داد، مثلاً می‌توان بعضی از استانداردهای سطح اول را که می‌تواند مانع از تولید و انتشار ماده آموزشی غیراستاندارد شود با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هماهنگ کرد. اینکه از این وزارتخانه بخواهیم همه استانداردها را در ممیزی لحاظ کند، مسلماً در این برهه از زمان قابل تحقق نیست، اما می‌توان بخشی از معیارها را به این وزارتخانه معرفی کرد و از آن‌ها خواست در ساختارشان یک کارشناس آموزشی پیش‌بینی کنند. هم‌زمان می‌توان از ناشران و اتحادیه آن‌ها برای نوعی نظارت بیرونی کمک گرفت.»

وی درباره کیفیت استانداردها نیز گفت: «در بررسی‌ها متوجه شدیم برخی از معلمان با استانداردهای ما مشکل دارند. یعنی معتقدند کتابی که بر اساس استانداردهای ما مناسب نیست، در کلاس درس به آن‌ها کمک کرده است. بنابراین، باید

سطح کیفی استانداردها توسعه پیدا کند؛ همچنان که باید توان بررسی همه آثار بازار را داشته باشیم. متأسفانه ما هنوز این توان را نداریم و این موضوع که نزدیک به ۲۱ هزار عنوان کتاب در کتاب‌نامه‌ها معرفی شده است، به این معنی نیست که آنچه بررسی نشده منابع نامناسبی هستند، بلکه توان ما محدود است. از این رو باید استانداردهایمان را همگانی کنیم.»

همه با هم برای اصلاح §

در انتهای این نشست، حجت‌الاسلام دکتر محمدیان با بیان اینکه آموزش و پرورش مجموعه‌ای تک عاملی نیست گفت: «آنچه در طی این سال‌ها انجام داده‌ایم، باعث شده است میزان منابع مناسب و استاندارد از ۲۰ درصد به حدود ۶۰ درصد برسد. این موفقیت بزرگی است، اما هنوز در بخش‌هایی کاستی‌هایی وجود دارد. بخشی از این کاستی‌ها به تولید، بخشی به نظارت و قسمتی هم به توزیع و تبلیغ مربوط است.»

وی در ادامه به تقسیم کار توافقی پرداخت و گفت: «برای مثال می‌توان کار تبلیغات کتاب‌نامه رشد را به سازمان صدا و سیما سپرد تا منابع مناسب برای هر پایه را معرفی کند. از سوی دیگر، ناشران برای تبلیغ در صدا و سیما ابتدا از آموزش و پرورش مجوز دریافت کنند. ما هم آمادگی داریم این کتاب‌ها را طی دو هفته بررسی و جواب مثبت یا منفی را اعلام کنیم. برای استفاده از ظرفیت بخش خصوصی هم اجازه قانون لازم است تا بتوانیم رسیدگی برخی کتاب‌ها را به چند ناشر مهم بسپاریم. اما در عین حال ارائه معیارها و استانداردها به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باعث خواهد شد از نگرانی‌هایمان درباره برخی موضوعات بدیهی کاسته شود. همچنین، باید تفاهم‌نامه با سازمان ملی استاندارد را احیا و بررسی ارتقای استانداردهایمان به استانداردهای ملی و حتی بین‌المللی را آغاز کنیم تا مشکلاتمان به حداقل برسد.»

رویکردهای برنامه‌دسی زبان و ادبیات فارسی و زبان انگلیسی

گزارش کارگاه‌های آموزشی-تبیینی «زبان
و ادبیات فارسی» و «زبان انگلیسی»

بهرورز رضایی



سامان دهی کتاب

..... اشاره

مهم‌ترین دغدغه و هدف نهاد سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی را می‌توان هم‌سویی و هماهنگی کتاب‌های آموزشی تولید شده با برنامه آموزشی کشور دانست. از این رو، آشنایی با برنامه درسی، اهداف و رویکردهای آن برای ناشران فعال در حوزه کتاب‌های آموزشی، در زمره فعالیت‌هایی است که به‌طور مستمر پیگیری شده است.

رویکردهای آن اختصاص داشت که در اردیبهشت ۱۳۹۳ **محمود امانی‌طهرانی**، مدیر کل «دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری»، برگزار کرد.

در سومین کارگاه، **فریدون اکبری شلدره**، مدیر «گروه زبان و ادبیات فارسی دفتر تألیف کتاب‌های درسی»، به تبیین برنامه درسی این گروه، با تأکید بر رویکردهای حوزه زبان‌آموزی، پرداخت.

اما در چهارمین برنامه از این دست، تبیین برنامه درسی زبان انگلیسی دفتر و رویکردهای آن در دو نشست، به بحث و بررسی گذاشته شد. نشست نخست در ماه اردیبهشت ۱۳۹۴ و نشست بعدی تیرماه همین سال برگزار شد و در آن‌ها **دکتر سید بهنام علوی مقدم**، مدیر گروه زبان‌های خارجی دفتر

تدوین و انتشار سندهای راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی در حوزه‌های گوناگون را می‌توان کوششی در این مسیر به شمار آورد. با این وصف، از دو سال قبل، این دبیرخانه برنامه‌هایی را برای ناشران و پدیدآورندگان کتاب‌های آموزشی ترتیب داده است تا در جریان آن، مؤلفان مؤثر کتاب‌های درسی اصول و رویکردهای برنامه‌های درسی حوزه فعالیت خود را برای ناشران و مؤلفان تبیین کنند.

برگزاری اولین کارگاه آموزشی ناشران با هدف «تبیین برنامه درسی ریاضی و رویکردهای جدید آن برای ناشران کتاب‌های آموزشی ریاضی» در اسفندماه سال ۱۳۹۲، با حضور مؤلفانی از ۳۰ مؤسسه انتشاراتی نخستین برنامه از این دست بود. برنامه بعدی به تبیین برنامه درسی علوم تجربی و

تألیف کتاب‌های درسی و دکتر رضا خیرآبادی، عضو این گروه، سخن گفتند و به پرسش‌های ناشران و مؤلفان پاسخ دادند.

چنان که محمدناصری، مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، دربارهٔ ضرورت تبیین رویکردهای برنامه‌های درسی گفته است «آشنایی با رویکردهای برنامه‌های درسی برای ناشران بسیار مهم است، چرا که در این صورت کتاب‌هایی که تولید می‌کنند، به معنای واقعی در خدمت برنامهٔ درسی قرار می‌گیرد. به همین دلیل، برگزاری چنین نشست‌هایی اهمیت بسیار دارند. ما از سوی آموزش و پرورش از این نشست‌ها استقبال می‌کنیم و به شما اطمینان می‌دهیم، تا جایی که لازم باشد این جلسات ادامه خواهند داشت.»

در این نوشته، گزارشی از کارگاه‌های زبان و ادبیات فارسی با تکیه بر رویکردهای زبان‌آموزی و زبان انگلیسی ارائه می‌شود که هر دو در سال ۱۳۹۴ برگزار شده‌اند.

اکبری شلدره: ما آموزش نخستین نشانه‌های زبانی فارسی را بر رویکرد پیکره‌نگر یا کل‌بینی استوار کرده‌ایم. انسان در نخستین رویارویی با پدیده‌ها، تصویری از کل آن را به ذهن می‌سپارد؛ این یعنی توجه به نگرش پیکره‌ای یا کل‌بینی

مهارت‌های خوانداری و نوشتاری زبان، دو کفهٔ یک ترازو

دکتر فریدون اکبری شلدره، رئیس گروه زبان و ادب فارسی دفتر تألیف کتاب‌های درسی، مهارت‌های خوانداری و نوشتاری زبان فارسی را به دو کفه یک ترازو تشبیه کرد که لازم است با هم تعادل داشته باشند. وی گفت: «آموزش زبان فارسی، مثل ترازو، دو کفه دارد؛ یک کفهٔ مهارت‌های خوانداری یا شفاهی

زبان و کفه دیگر نمادهای خطی یا مکتوب و نوشتاری. ما در این سال‌ها، از همان پایهٔ اول، کوشیده‌ایم کتاب‌هایمان این دو کفه را با هم داشته باشند.»

وی با اشاره به برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته در چند سال گذشته گفت: «درس نخست کتاب اول دبستان نگاره است که بنیان آن بر تقویت سواد دیداری است؛ به زبان ساده‌تر، از نگاره‌ها، بنیان پیکرهٔ زبان‌آموزی با سنجۀ دو چشم شکل می‌گیرد و چشم فراخوانی ذهنی زبان‌آموز را مایه‌ور و سیراب می‌سازد.»

مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی با اشاره به اینکه چشم نخستین درگاه یادگیری و زبان‌آموزی است، افزود: «اصلی‌ترین کارکردهای حوزهٔ زبان‌آموزی ما بر دوش حواس پنجگانه است و به قول علی بن عثمان هجویری در کتاب «کشف المحجوب» خداوند در وجود ما پنج در نهاده است؛ در دیدن، در شنیدن، در پسوند، در بوییدن و در چشیدن. و این پنج حس، سپهسالاران عقل و علم‌اند. در برنامه‌ریزی درسی رسمی، تلاش ما این است که این دریچه‌های پنجگانه را بگشاییم.»

وی با اشاره به این موضوع که فرایند یاددهی - یادگیری بر پایهٔ کارکردهای نیمکره‌های چپ و راست مغز استوار است، گفت: «هنگامی که ما در کتاب یک واژه را به همراه نگاره می‌آوریم، هم‌زمان از هر دو پارهٔ مغز استفاده می‌بریم. تصویر و واژه با هم به ذهن مخابره می‌شوند؛ هم عکس‌برداری از پیکرهٔ کلی تصویر و هم نمودبرداری از ساختمان واژه.»

رویکرد پیکره‌نگر یا کلی‌بینی در زبان‌آموزی

اکبری سپس با بیان این که در حوزهٔ زبان‌آموزی دو رویکرد سازه‌نگر یا جزئی‌بینی و پیکره‌نگر یا کلی‌بینی وجود دارد، گفت: «ما آموزش نخستین نشانه‌های زبانی فارسی را بر رویکرد



اکبری شلدره: ماشینیدن و سخن گفتن را به طور طبیعی از جامعه و پیش از ورود به مدرسه فرا می گیریم، اما آموزش نوشتن، چون بر بنیان قراردادهای اهل زبان استوار است، دشواری ها و پیچش هایی دارد

پیکره نگر یا کل بینی استوار کرده ایم. انسان در نخستین رویارویی با پدیده ها، تصویری از کل آن را به ذهن می سپارد. این یعنی توجه به نگرش پیکره ای یا کل بینی.»

ارزیاب کتاب های آموزشی دبیرخانه سامان دهی، با تأکید بر در آمیختگی نگاره و پیکره واژگانی در کتاب درسی فارسی، از مؤلفان و ناشران کتاب های آموزشی، خصوصاً کتاب های کمک درسی، خواست هم زمان به هر دو جنبه توجه کنند. وی در دفاع از این رویکرد گفت: «برخی از ناشران و مؤلفان، کتاب خود را از همان آغاز با رویکرد سازه نگر یا رویکرد جزئی بینی تدوین می کنند. به همین خاطر، ما مجبوریم آن را رد کنیم؛ چون جریانی وارونه با سمت و سوی رویکرد آموزشی کتاب درسی است. وقتی این کتاب به دست خانواده ها می افتد، آن ها را دچار سردرگمی می کند. در نتیجه، کارافزارها باید با کتاب درسی همسو باشند؛ یک صدایی در رویکرد ضرورت برنامه است و مبانی برنامه نباید دستخوش تغییر شود. در این مسیر لازم است غبار عادت ها و آموخته های پیشین را نیز کنار بزنیم. بجه های امروز با غذای امروز پرورده می شوند. باید با توجه به نیازهای کودکان پیش برویم.»

رئیس گروه تألیف زبان و ادبیات فارسی، در ادامه، با بیان اینکه در صورت حفظ رویکردها، هیچ محدودیتی در روش های آموزشی وجود ندارد، گفت: «اگر روش های ما بتواند افزون بر حس های بینایی و شنوایی، حس های دیگر را نیز در کار آموزش وارد کند، بهتر و نیکوتر است.»

دو گرانیگاه مهم حوزه خوانداری زبان §

اکبری سپس با تأکید بر این که «توجه به پاره مهارت های خوانداری» و «درک خوانداری» دو گرانیگاه مهم در حوزه خوانداری زبان هستند، از ناشران کتاب ها و نرم افزارهای آموزشی خواست به این موضوع توجه کنند. وی درباره گرانیگاه اول گفت: «توجه به پاره مهارت ها یا خرده مهارت های زبانی، یعنی توجه به لحن، تکیه، مکث، درنگ، کشش، گسست، فراز و فرود آوایی. متن موجودی بی روح و بی جان است، ولی شما با خوانش نیکو به آن روح و جان می دهید. در پهنه خوانداری هدف این است که زبان آموز متن را رهوار بخواند. اگر خوانش شما درست و رهوار باشد، حتی نیاز به معنا کردن متن نیست. ما همکاران خود را پرهیز می دهیم که متن ها را در کلاس درس معنا نکنند، و گرنه شاگردانشان تبدیل به یک میرزا بنویس می شوند. بگذارید ذهن خودشان به کار بیفتد. هر زبان آموزی، بی گمان، از آنچه می بیند و می شنود برداشتی دارد که ممکن است با برداشت من و شما نیز یکسان نباشد.»

وی دومین نکته نیازمند توجه در قلمرو مهارت های خوانداری را «درک خوانداری» برشمرد و خطاب به ناشران و مؤلفان کتاب های آموزشی گفت: «دوستان بزرگوام، اگر می خواهید کتاب آموزشی تدوین کنید، فعالیت های ویژه ای را هم برای درک متن طراحی کنید. اینکه بپرسیم فلان کتاب یا فلان شعر اثر چه کسی است، یا این نگاره تصویر چه چیزی است، این ها لایه های کم عمق درک متن هستند. سؤال های درک متن باید تلنگرهایی به ذهن زبان آموز بزنند که ذهن او را به ژرفا ببرند. امروزه برای معنایابی ارزش کمی قائلیم. به همین دلیل می گویم شما معنا نکنید، بلکه برای معناسازی به ذهن ها فرصت بدهید. اگر فرصت بدهید، ذهن ها معناسازی خواهند کرد.»

مهارت‌های نوشتاری، پیچیده‌ترین مهارت‌های زبان آموزی

مدرس کارگاه آموزشی تبیینی زبان آموزی، در بخش دیگر سخنان خود به مهارت‌های نوشتاری پرداخت و آن را پیچیده‌ترین مهارت زبان آموزی خواند. وی با اشاره به این که ما شنیدن و سخن گفتن را به‌طور طبیعی از جامعه و پیش از ورود به مدرسه فرامی‌گیریم، آموزش نوشتن را فرجام برنامه زبان آموزی دانست و گفت: «آموزش نوشتن، چون بر بنیان قراردادهای اهل زبان استوار است، دشواری‌ها و پیچش‌هایی دارد. ما در این بخش از اول دبستان تا دوره پیش‌دانشگاهی می‌خواهیم نوشتن را از خط خطی کردن برسانیم به انشا. این فرایند زبان آموزی در قلمرو نوشتاری است. اصل خالقیت نوشتاری، و انشا، فرجام برنامه ماست و در این مسیر باید از همه حواس بهره گرفت.»

اهمیت عناصر پیرایه‌بانی در آموزش

مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دفتر تألیف، سپس از اهمیت عناصر پیرایه‌بانی در آموزش زبان سخن به میان آورد: «مقصود من از عناصر پیرایه‌بانی، پیام‌های غیر کلامی است. این نگاهی است که من می‌چرخانم بر سر شما یا نگاهی که شما به من دارید. گردن‌های آویخته شما هر کدام پیامی را به من می‌دهد و حالت چهره و حرکات بدن من پیامی از این سو به شما می‌آورد.

اکبری شلدره: ما همکاران خودمان را منع می‌کنیم از اینکه متن‌ها را در کلاس درس معنا کنند؛ و گرنه شاگردشان تبدیل به میرزا بنویس می‌شود. بگذارید ذهن خودشان به کار بیفتد

چقدر ما از عناصر پیرایه‌بانی در آموزش بهره می‌گیریم؟ عناصر پیرایه‌بانی، خانی کارا در آموزش است. شاید ما نبینیم و ندانیم، اما این عناصر اثرگذارند. گاهی بیش از آنچه می‌پنداریم اثر می‌گذارند. گاهی عبور من از کنار میز شما و درنگ کردن من دفتر شما می‌تواند بار آموزشی داشته باشد؛ درآمیختن تعلیم و تربیت با پهنای وجودی انسان. به‌طور خلاصه می‌توان گفت انسان وجودی تک‌ساحتی نیست؛ و برای آموزش پایدار باید به همه اضلاع وجودی و ساحت‌هایی که دارد توجه کرد و از همه حوزه‌های روان‌شناختی و یادگیری کمک گرفت.»

بهتر است قلمرو فعالیت‌ها تفکیک شود

دکتر اکبری در پایان این مراسم با شنیدن دیدگاه حاضران نکاتی را برای رفع ابهام سخن خود مطرح کرد. وی در پاسخ یکی از کارشناسان درباره علت تأکید بر تفکیک حوزه‌های خوانداری و شنیداری گفت: «در سازمان‌دهی محتوا، شما می‌توانید رویکرد تلفیقی داشته باشید، مشروط به آنکه از مهارت تلفیق درست برخوردار باشید. ما تأکیدمان بر این است که در حوزه زبان آموزی تفاوت و توازن این دو کفه را حفظ کنیم. چون درآمیختن این‌ها در آموزش ممکن است آموزگار را سردرگم کند؛ اگرچه وقتی من دارم سخن می‌گویم، گوش من و چشم‌های من همزمان دارند با شما ارتباط برقرار می‌کنند، ولی در آموزش بهتر است آموزه‌های ما طبقه‌بندی علمی داشته باشند. ما با توجه به تجربه ۹۰ ساله کشور، مینا را بر این قرار دادیم که قلمرو مهارت‌ها را از هم تفکیک کنیم.»

حرکت تدریجی از زبان آموزی به سوی ادبیات

وی درباره نسبت بین آموزش زبان و ادبیات در دوره‌های آموزشی



**ناصری: آشنایی با رویکردهای برنامه‌های درسی
برای ناشران بسیار مهم است، چرا که در این
صورت کتاب‌هایی که تولید می‌کنند به معنای
واقعی در خدمت برنامه درسی خواهد بود**

از نظری «یکی از مهم‌ترین کلیدواژه‌های برنامه درسی ملی در حوزه زبان‌های خارجی رویکرد ارتباطی خودباورانه فعال است. منظور از فعال آن است که دانش آموز در ارتباطات زبانی منفعل نباشد. منظور از خودباورانه هم داشتن اعتماد به نفس کافی برای شرکت در ارتباط زبانی است. به عبارت بهتر، وقتی دانش آموز با افراد خارجی روبه رو می‌شود، بتواند به صورت خودباورانه - چه از لحاظ روان‌شناختی و چه از لحاظ جامعه‌شناختی و مسائل هویتی - در ارتباط‌ها موفق و فعال عمل کند.»

او توانایی حل مسئله را یکی دیگر از مهم‌ترین رویکردهای برنامه درسی در حوزه یادگیری آموزش زبان‌های خارجی شمرد و در این باره گفت: «منظور از فرایند حل مسئله، آماده کردن دانش آموز در محیط‌های مصنوعی به نحوی است که بتواند با استفاده از تجربه‌هایش، از عهده حل مسائل واقعی زندگی برآید.»

توجه کافی به هر چهار مهارت زبانی %

مدیر گروه زبان‌های خارجی رویکرد بسیار مهم دیگر در برنامه درسی را تأکید بر هر چهار مهارت زبانی دانست و گفت: «برای نخستین بار در حوزه آموزش زبان، عملاً به کتاب بسنده نشده است. ما بسته‌ای آموزشی طراحی کرده‌ایم که شامل شش جزء اصلی یعنی کتاب دانش آموز، کتاب کار، کتاب راهنمای معلم، لوح فشرده معلم، لوح فشرده آموزشی صوتی و فلش کارت معلم است. این بسته آموزشی به هر چهار مهارت زبانی توجه کافی

بالا تر، که یکی دیگر از کارشناسان سؤال کرده بود، گفت: «به‌طور کلی، سمت و سوی حرکت ما از زبان به ادبیات است؛ یعنی از پایه اول دبستان هر چه بالاتر می‌رویم، از وزن زبان کاسته و به وزن ادبیات افزوده می‌شود. در سال‌های بالاتر، کفه ترازوی محتوا به سمت ادبیات گرایان است؛ حال آنکه در اول دبستان، آموزه‌های ما سمت و سوی زبان‌آموزی دارند؛ هر چه هست در خدمت زبان‌آموزی است. بنابراین اگر آنجا شعری آوردیم، هدف فقط پرورش حس گوش کردن و خوب شنیدن و تقویت سواد شنیداری است.

به‌طور کلی، حرکت از زبان به سمت ادبیات است. هر چه بالاتر می‌رویم، بار ادبی و شاخه‌های تخصصی هم آشکارتر می‌شود. تا پایه نهم، این دو کفه ترازو، یعنی مهارت‌های خوانداری و مهارت‌های نوشتاری، با هم بالا می‌روند. مثلاً در پایه‌های هفتم و هشتم کتاب فارسی داریم و آموزش مهارت‌های نوشتاری یا همان کتاب انشای قدیم. اما به دبیرستان یا متوسطه دوره دوم که می‌رویم، نگاه تخصصی آشکار می‌شود. بنابراین کنار کتاب فارسی، تاریخ ادبیات هست، آرایه‌های ادبی هست، عروض هست، نثر ادبی هست و نقد ادبی هست. این‌ها دیگر نگاه‌های تخصصی هستند که با توجه به افزوده شدن به پهنای ادبی برنامه، موجودیت پیدا می‌کنند.

تغییر پس از ۲۷ سال %

دکتر سید بهنام علوی مقدم، مدیر گروه زبان‌های خارجی دفتر تألیف کتاب‌های درسی با اشاره به تغییر نکردن کتاب‌های زبان در مدت ۲۷ سال، خبر از تغییری بزرگ در آموزش زبان انگلیسی و زبان‌های خارجی دفتر داد و گفت «جزئیات بیشتر در راهنمای برنامه درسی زبان‌های خارجی ذکر شده است.»

کرده است. برای مثال، کتاب فایل صوتی دارد که دانش‌آموزان آن را می‌شنوند. به این ترتیب، نخستین مهارتی که در آن‌ها تقویت می‌شود شنیدن است. اکنون می‌توانیم ادعا کنیم حتی اگر آموزش در سطح متوسط صورت بگیرد، دانش‌آموز می‌تواند درباره به خودش، شغلش، هم‌کلاسی‌هایش و... صحبت کند.»

وی افزود: «تکته‌ای که ناشران و معلمان باید به آن توجه داشته باشند این است که در کتاب‌های دوره متوسطه اول - بدون آن‌که از مهارت‌های نوشتن و خواندن غافل شویم - بیشتر به دو مهارت صحبت کردن و شنیدن توجه کرده‌ایم، اما در کتاب‌های دوره متوسطه دوم مهارت‌های خواندن و نوشتن برجسته‌تر خواهند شد. آموزش گرامر هم که از سال نهم آغاز می‌شود، مبتنی بر اصول ارتباطی طراحی شده است. پس لطفاً در طراحی کتاب‌هایتان به این نکته توجه داشته باشید و جهت کتاب‌های آموزشی را تغییر ندهید.»

زمینه‌های گسترده برای فعالیت ناشران *

دکتر علوی مقدم با اذعان به تأثیر کتاب‌های آموزشی زبان در فرایند یاددهی یادگیری، خطاب به ناشران و نویسندگان حاضر در جلسه گفت: «ما چند موضوع اصلی در آموزش زبان داریم و از ناشران و مؤلفان می‌خواهیم به این نکات اساسی که شاید به نوعی نقطه ضعف ما محسوب شوند توجه کنند. نخستین موضوع محدود بودن ساعت برنامه درسی مدارس است. تنها

علوی مقدم: ناشران باید به کمک ما بیایند و برای تقویت دانش‌آموزان ضعیف‌تر و در عین حال پوشش نیازهای دانش‌آموزان قوی‌تر منابعی را طراحی و تولید کنند

دو ساعت در هفته برای آموزش زبان زمان در نظر گرفته شده است که این مدت برای رویکرد ارتباطی کافی نیست. مسائل دیگری هم مانند تربیت دبیران و متمرکز بودن کتاب‌های رسمی مدرسه‌ای وجود دارند. برای جمعیت یک و نیم میلیونی یک پایه، باید کتابی نوشت که نیازهای همه این‌ها را برآورده کند که امکان‌پذیر نیست. این جاست که ناشران باید به کمک ما بیایند و برای تقویت دانش‌آموزان ضعیف‌تر و در عین حال پوشش نیازهای دانش‌آموزان قوی‌تر منابعی را طراحی و تولید کنند. متأسفانه به دلیل نبود مواد آموزشی مورد تأیید وزارت آموزش و پرورش، حتی مدارس تیزهوشان که نهادی رسمی و دولتی است، کتاب‌هایی را به دانش‌آموزان معرفی می‌کنند که از نظر فرهنگی با سیاست‌های ما هم‌سویی ندارند. بنابراین، ناشران در این زمینه‌ها می‌توانند به ما یاری برسانند و برای مثال کتاب‌هایی طراحی کنند که مناسب مناطق دو یا سه زبانه باشد. برای مدارس نمونه‌دولتی یا تیزهوشان هم کتاب مناسب سطحشان را باید طراحی و تولید کرد.»

وی به دیگر زمینه‌های فعالیت ناشران اشاره کرد و افزود: «کتاب‌های تکمیلی دانش‌آموزان مانند دیکشنری و فلش کارت دانش‌آموز و لوح‌های فشرده تعاملی از دیگر زمینه‌هایی هستند که ناشران می‌توانند در آن فعالیت کنند. اکنون لوح‌های فشرده آموزشی زمینه مهمی است که می‌توانید برای آن برنامه‌ریزی و طراحی کنید. کتاب‌های مرجع و نیز آثار دانش‌افزایی که مسائل هویتی و فرهنگی در آن‌ها رعایت شده باشند نیز به شدت مورد نیاز ما هستند.»

افزایش صعودی کیفیت آثار *

مدیر گروه زبان‌های خارجی دفتر تألیف کتاب‌های درسی، در

❦

**علوی مقدم: در کتاب‌های دوره متوسطه اول
بیشتر به دو مهارت صحبت کردن و شنیدن توجه
کرده‌ایم و در متوسطه دوم به مهارت‌های خواندن
و نوشتن**

ادامه این نشست به ارزیابی منابعی که ناشران در این زمینه منتشر کرده‌اند پرداخت. وی گفت: «کیفیت کتاب‌ها نسبت به سال‌های گذشته بسیار بهتر شده است؛ مطالب علمی‌ترند، پاسخ‌نامه ندارند و به آزمون‌های دوره‌ای و سفیدخوانی و استفاده از رنگ‌های متنوع توجه شده است. این‌ها شاخص‌های مثبت برای یک کتاب است.»

علوی مقدم به برخی از اشکالات کتاب‌های کمک آموزشی هم اشاره کرد و افزود: «شتاب‌زدگی، ناآشنایی با برنامه درسی و کتاب، توجه نکردن به مسائل هویتی اسلامی - ایرانی، اشکالات علمی، تمرین‌های غیر ارتباطی، فونت‌های نامناسب و نبود تمرینات مروری، از جمله اشکالاتی هستند که در برخی از کتاب‌ها دیده می‌شود. با وجود این، توجه به سنجه‌های موجود در فرم‌های داوری می‌تواند به تألیف کتاب مناسب کمک کند. ما هم در گروه زبان‌های خارجی آمادگی داریم به شما کمک کنیم. در این صورت کتابی که تألیف و تولید خواهید کرد در سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی تأیید خواهد شد. بخشی از کتاب‌های تایید شده نیز در انتهای کتاب‌های درسی معرفی خواهند شد که خود بزرگ‌ترین تبلیغ برای ناشران است.»

دغدغه عدالت آموزشی ❦

دکتر رضا خیرآبادی، عضو گروه زبان‌های خارجی دفتر

تألیف کتاب‌های درسی، درباره فعالیت ناشران بخش خصوصی در حوزه زبان گفت: «ما انتظار نداریم ناشر خصوصی جنبه مالی و تجاری فعالیتش را در نظر نگیرد. در عین حال، باید به یاد داشته باشیم کاری که با هم در حال انجام آن هستیم برای آینده کشور بسیار مهم است. طی تحقیقات سازمان ملل، امروزه آموزش زبان انگلیسی به عنوان پربازده‌ترین آموزش دنیا شناخته می‌شود. بنابراین، ما در این حوزه در واقع نسل آینده را برای بازار کار آماده می‌کنیم. موضوع عدالت آموزشی هم برای همه ما مهم است. در میان کتاب‌هایی که داوری کرده‌ام، کتابی را ندیده‌ام که برای منطقه‌ای خاص و با نشان دادن فرهنگ آن منطقه تألیف شده باشد.»

وی با اشاره به اهمیت مسائل فرهنگی در کتاب‌های زبان و توجه به فرهنگ خودی افزود: «گرچه رویکردهای آموزشی تغییر کرده‌اند، اما رویکرد تربیتی ما هنوز همان رویکرد قبلی است. بنابراین به فرهنگ جامعه خودمان توجه داشته باشید و مراقب باشید وقتی می‌خواهید فرهنگ کشور دیگری را معرفی کنید، به جنبه‌های مثبت و خنثای فرهنگ توجه داشته باشید نه به جنبه‌هایی که با فرهنگ ما سازگار نیست.»

خیرآبادی درباره آموزش زبان در دوره ابتدایی نیز خاطرنشان کرد: «ناشران ما در بومی سازی کتاب کودک در حوزه آموزش زبان، توان زیادی از خود نشان نداده‌اند. ما ابتدا باید توان خود را در این زمینه افزایش دهیم. در آن صورت، شاید نظام آموزش و پرورش هم به این نتیجه برسد که می‌توان آموزش زبان را از دوره ابتدایی آغاز کرد.»

این نشست با ارائه دیدگاه‌های ناشران و نویسندگان حاضر در نشست ادامه یافت.



سی سال و صد شماره

گزارش نشست «نکوداشت انتشار یکصدمین
شماره مجله رشد آموزش زیست‌شناسی»



..... اشاره

نشریات از برخی جهات به ما انسان‌ها می‌مانند: متولد می‌شوند، رشد می‌کنند، بالغ می‌شوند، به شکوفایی می‌رسند، با گروهی از آدمیان پیوند دوستی برقرار می‌کنند و چنانکه رسم روزگار است، سرانجام دیر یا زود می‌میرند. پیوند برخی نشریات با آدمیان اما، حتی گاه از نوع عاطفی است: گاه در انتظار رسیدن نشریه‌ی موردعلاقه‌مان بی‌صبری می‌کنیم و مشتاق دیدار آنیم؛ به‌ویژه هنگامی که مهر آن نشریه به آهستگی و به روزگاران در دل نشسته باشد.

نشریات از برخی جهات با آدمیان تفاوت نیز دارند. یکی از این تفاوت‌ها آن است که دوران‌های عمر آن‌ها ممکن است با دوران‌های زندگی ما متناسب نباشد. فراوان بوده‌اند نشریاتی که کوتاه زمانی پس از تولد به پیری گراییده‌اند و آخرین بازدم خود را اندکی پس از تولد برآورده‌اند؛ اما چه بسا نشریات چند ده‌ساله که هنوز در عنفوان جوانی، بلوغ و پویایی هستند! بی‌گمان بیشتر همکارانی که نخستین شماره فصلنامه رشد آموزش زیست‌شناسی را در همان سال انتشار، یعنی در سال ۱۳۶۴ مطالعه کرده‌اند، اکنون به سن بازنشستگی رسیده یا از آن گذر کرده‌اند؛ درحالی که این یارِ مهربانِ دیرینشان که پای به پای یک نسل از مخاطبانِ خود راه پیموده، نه تنها به سن بازنشستگی نرسیده، بلکه خود را جوان و در ابتدای راه می‌داند.

باری، رشد آموزش زیست‌شناسی در مهرماه ۱۳۹۴ با انتشار یکصدمین شماره، وارد سی‌امین سال زندگی شد. آنچه در پی می‌آید، گزارش مختصری است از مراسم نکوداشت این نشریه که در دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی از ساعت ۱۰ تا ۱۲ صبح روز چهارشنبه هشتم مهرماه ۱۳۹۴، در سالن اجتماعات سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برگزار کرد. در این مراسم که گروهی از معلمان زیست‌شناسی، کارشناسان آموزش، مسئولان و استادان دانشگاه‌ها شرکت داشتند، چند نفر از حضاران به سخنرانی پرداختند.

آقایان دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، محمد ناصری، مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی و مدیر مسئول مجلات رشد، دکتر





محمدرضا نوری دلویی (۳۷ شماره در ۱۱ سال). دوره دوم، پس از یک سال تعطیلی، از شماره سی و هشتم (پاییز ۱۳۷۶) تا شماره پنجاه و ششم (پاییز ۱۳۸۳) به سردبیری آقای حسین دانشفر (۱۹ شماره در ۷ سال) و دوره سوم، از شماره پنجاه و هفتم (۱۳۸۳) تاکنون به سردبیری محمد کرام‌الدینی و هیئت تحریریه کنونی (۴۴ شماره در ۱۱ سال).

در این سی سال، فراز و نشیب‌هایی در راه انتشار مجله پدیدار شده‌اند. راه گاه پرپیچ‌وخم و سنگلاخی و دیگرگاه صاف‌تر و هموارتر بوده است. اما متصدیان این نشریه در هر حال و هر وضعیت کوشیده‌اند نشریه‌ای خواندنی و مفید تهیه کنند تا علاوه بر جذابیت، گره از کار حرفه‌ای معلمان زیست‌شناسی بگشاید. رشد آموزش زیست‌شناسی یکی از محصولات «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» است که در جهت ایجاد زمینه مناسب برای تقویت مهارت‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان، کمک

محمدرضا نوری دلویی، بنیانگذار نشریه، دکتر احمد مجد، یکی از اعضای هیئت تحریریه پیشین نشریه، خانم زهرا فورکی نژاد، معلم همکار نشریه و محمد کرام‌الدینی، سردبیر، در این مراسم سخنرانی کردند.

مقدمه

نخستین شماره فصلنامه رشد آموزش زیست‌شناسی به حول و قوه الهی در مهرماه ۱۳۶۴ در سراسر کشور منتشر شد و در دست‌های گرم معلمان زیست‌شناسی جای گرفت، همراه آنان شد و رشد و تکامل آغاز کرد.

از آن هنگام تاکنون سی سال گذشته است. دوران سی ساله انتشار مجله رشد آموزش زیست‌شناسی را می‌توان به سه دوره نامساوی تقسیم کرد: دوره اول، از شماره نخست (پاییز ۱۳۶۴) تا شماره سی و هفتم (پاییز ۱۳۷۵) به سردبیری آقای دکتر

به ارتقای دانش معلمان در زمینه اصول و مبانی آموزش و پرورش، معرفی راهبردها، رویکردها و روش‌های آموزش زیست‌شناسی، کمک به ارتقای دانش معلمان نسبت به محتوای کتاب‌های درسی، ایجاد زمینه مناسب برای هم‌اندیشی و تبادل نظر بین معلمان، کارشناسان و برنامه‌ریزان درسی در بهبود یا رفع تنگنای آموزش، آشنا کردن معلمان با تازه‌ترین دستاوردهای علمی در زمینه زیست‌شناسی، افزایش آگاهی‌های معلمان دربارهٔ رخدادهای علمی - آموزشی زیست‌شناسی در جهان و آشنا کردن معلمان با مهم‌ترین مسائل موجود در حوزه‌های علمی - آموزشی منتشر می‌شود. این نشریه علمی - آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی به صورت فصلنامه در ۸۰ صفحه منتشر می‌شود. گردانندگان این نشریه کوشیده‌اند به نیازهای واقعی معلمان، آن‌طور که شایستهٔ آنان است، پاسخ دهند. گاه به‌سوی شما آمده‌اند و در مدارس به سخنان مخاطبان خود گوش فراداده‌اند،

گاه پس از باز کردن پاکت‌های نامه‌های ارسالی خرسند شده‌اند، گاه از دریافت رایانامه‌ها شاد شده‌اند، گاه از این که توانسته‌اند شما را راضی کنند، خرسند بوده‌اند و دیگر گاه از خطاهای انسانی که موجب گلهٔ مخاطب شده است، ناخرسند شده‌اند. در این سی سال، بسیاری از خوانندگان، یاور، همکار و در کنار این نشریه بوده‌اند؛ در کنار آن زیسته‌اند و در تهیهٔ محتوای مجله همکاری کرده‌اند. کمک کرده‌اند تا شعار «معلم برای معلمان می‌نویسند» محقق شود. خوانندگان فرهیخته و دانشمند مجله همواره نیمی از نوشته‌های مجله را تأمین کرده‌اند و نیمی از نیروی محرکهٔ آن بوده‌اند. اگرچه معلمان برای کار تدریس تربیت می‌شوند و جامعه انتظار نوشتن را از آنان ندارد، اما بسیاری از آنان شیشهٔ این باور را شکستند و نشان دادند که معلمان نیز می‌توانند اهل پژوهش و قلم باشند، علم‌ورزی کنند و خوب، مؤثر و دلنشین هم بنویسند. آری، یکی از افتخارهای این نشریه آن است که





به موقع به دست خوانندگان برسد، باید همه نوشته‌های آن ماه‌ها پیش از انتشار آماده و برای حروفچینی، صفحه‌پردازی، چاپ و انتشار ارسال شده باشد. به همین سبب است که جای رویدادهای به روز داخلی و خارجی همواره در آن خالی مانده است. فصلنامه رشد آموزش زیست‌شناسی محصول کوشش‌های هماهنگ شمار بسیاری از افراد است. سی سال تلاش و کوشش همه آنان را ارج می‌نهیم.



در این مراسم از چند تن از اعضای هیئت تحریریه، معلمان همکار، مدیران داخلی و گرافیست‌ها تقدیر شد. اعضای هیئت تحریریه عبارت بودند از: دکتر علیرضا ساری، دکتر شهریار غریب‌زاده، دکتر عباس اخوان سپهری، دکتر حسین لاری یزدی، نظام جلیلیان و سیدعلی آل محمد. معلمان همکار: ابادر اسماعیلی از قم، عزیز عذار از نقده،

توانسته است میدان را برای معلمان باز کند، به پرورش گروهی از معلمان مؤلف کمک و آنان را به جامعه معرفی کند. افسوس که محدودیت صفحات مجله جایی برای بسیاری از نوشته‌های خوانندگان باقی نمی‌گذارد و لذا ای بسا نوشته‌های دریافتی خوبی که از رقابت باز می‌مانند و نمی‌توانند از سهمیه ۸۰ صفحه‌ای که در هر سه ماه یکبار در اختیار است، بهره ببرند. یکی از مهم‌ترین مایه‌های تأسف متصدیان در مسیر انتشار این نشریه همین بوده است: سوگمندان، تعداد نوشته‌هایی که برای چاپ و انتشار به ما می‌رسند، بسیار بیشتر از گنجایش فصلنامه است.

دست‌اندرکاران این نشریه کوشیده‌اند در این سی سال خبرنگار و گزارشگر جبهه‌های علم زیست‌شناسی نیز باشند و تا حد ممکن خوانندگان را با پیشروی‌های زیست‌شناسان در این جبهه‌ها بیشتر آشنا کنند؛ هرچند این فصلنامه ظرفیت خبری بودن و انتشار گزارش‌های خبری و به‌روز را ندارد و برای آنکه



سیدعسکری بنی‌هاشمی از کردکوی، زهرا فورکی‌نژاد از بیرجند، شهره سلیمی از شهرری، رضا مقدسی از شیروان و دکتر فریبا رضانی ویشکی از تهران.

مدیران داخلی پیشین نیز اینان بودند: حسین الوندی و حسن سالاری.

گرافیسست‌های مجله هم این عزیزان بوده‌اند: فریبا بندی و زهره محمودی.

سردبیران و اعضای هیئت تحریریه قبلی و کنونی و مدیر داخلی فعلی نیز عبارتند از: دکتر محمدرضا نوری دلویی، حسین دانشفر، محمد کرام‌الدینی، دکتر احمد مجد و الهه علوی.

اتفاق‌های خوب §

گزیده‌ای از سخنان محمد ناصری، مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی و مدیرمسئول نشریات رشد

... به همه حضار گرامی، استادان عزیز که قدم بر چشم ما گذاشته‌اند و برای شرکت در این مراسم تشریف آورده‌اند، به دست‌اندرکاران مجله رشد آموزش زیست‌شناسی طی سه دهه اخیر، به مدیران و کارشناسان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و به همه کسانی که بزرگوارانه در این جلسه حضور دارند، سلام و ارادت دارم. وظیفه من به نمایندگی از همکارانم در دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی عرض خیرمقدم به حضار و بیان سخنی در نکوداشت این نشریه است.

... سی سال گذشت. جناب استاد نوری دلویی! دست‌مریزاد که این نهال را کاشتید. ۱۱ سال آن را آبیاری کردید و بعد سردبیری را به استاد دانشفر سپردید و سپس یار آشنا و بزرگوار، یعنی آقای کرام‌الدینی سگانداری این کشتی شدند و کار را بدون وقفه ادامه دادند. البته در کنار ایشان هیئت تحریریه‌ای بسیار منسجم و

قوی کار را دنبال کرده‌اند که از همه آنان، مخصوصاً از خانم الهه علوی که بار زیادی بر دوش ایشان بوده و ایشان به‌خوبی از عهده کار برآمده‌اند، تشکر می‌کنم. دست‌مریزاد!

چند سالی است در دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی اتفاق‌های خوبی می‌افتد. برای هر یک از نشریه‌های تخصصی که به شماره ۱۰۰ می‌رسند، مراسم نکوداشت برگزار می‌کنیم. در سال گذشته هیچ‌یک از مجلات به شماره ۱۰۰ نرسید و در نتیجه مراسم نکوداشتی هم برگزار نشد، اما اکنون در آغاز سال جدید تحصیلی نوبت مجله رشد آموزش زیست‌شناسی است که به یکصدمین شماره رسیده است.

... امروز روز بزرگداشت مولانا هم هست. می‌دانیم که مولانا پس از آشنایی با شمس تبریزی دچار حالات روحی خاصی می‌شد. روزی وقتی که از بازار زرکوبان عبور می‌کرد، صلاح‌الدین زرکوب در حال کار بود. ضربه‌های او موجب شد مولانا به وجد و سماع درآید و یکی از سماع‌های دل‌انگیز خود را در بازار زرکوبان به

نمایش بگذارد. در این هنگام صلاح‌الدین زرکوب تحت تأثیر قرار گرفت، همه دارایی خود را به فقرا بخشید، به حلقه مولویان ملحق شد و در عالم عرفان نام نیکی از خود باقی گذاشت.

آقای کرام‌الدینی، سردبیر رشد آموزش زیست‌شناسی، نیز تا اندازه‌ای مولوی‌وار کار می‌کند. در این مورد خاطره‌ای نقل می‌کنم. چند سال پیش رفته بودیم بیرجند؛ شهر بزرگان، شهر شکوهی استاد تعلیم و تربیت. در جلسه مجلات رشد خانمی حضور داشت (خانم زهرا فورکی‌نژاد) که اکنون در این جمع نیز حضور دارد. ایشان درباره مجله رشد آموزش زیست‌شناسی و همکاری با آن صحبت کردند و شرح دادند که سردبیر دستم گرفت و پایه‌پا برد تا شیوه راه رفتن آموخت.

کاری که آقای کرام‌الدینی در این نشریه انجام می‌دهد، فراتر از نقش و وظایف سردبیری است. ایشان به جد و عاشقانه کار می‌کند. هم اهل علم است، هم اهل ادب و هم اهل هنر. یکی از کارهای هنری ایشان تدوین نمایی است که لحظاتی پیش





می‌کند و در همان حال آموزش می‌دهد؛ آموزش نوشتن و آموزش ویراستاری. بنابراین، من انسان خوشبختی هستم که در دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی چنین همکارانی دارم ...

مجلات رشد اجزائی از بسته‌های آموزشی هستند §

گزیده‌هایی از سخنان دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان، معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
... از تک‌تک دوستان، همکاران و استادان بزرگوار که در این جلسه حضور به هم رساندند، تشکر می‌کنم و از جناب آقای ناصری و همکارانم در دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سپاسگزارم که چراغ بزرگداشت و تجلیل و سپاسگزاری از زحمات پیشینیان را روشن کردند و برافروخته نگه‌داشته‌اند.

من زیاد مصدع نمی‌شوم، چند موضوع دارم که می‌خواهم درباره آن‌ها چند جمله بگویم. یکی اینکه از نظر ما همه اجزا

مشاهده فرمودید. کار ایشان علاوه بر سردبیری، آموزش، تعلیم و تربیت دبیر و نویسنده، یعنی نویسنده‌پروری نیز هست. مثلاً در شماره ۱۰۱، یعنی شماره بعدی، در سرمقاله‌ای با عنوان «درد دل سردبیر ویراستار»، توضیح داده است که چگونه به معنی واقعی کلمه ویراستاری می‌کند.

ایشان از معدود سردبیرانی است که مطالب مجله را خود ویراستاری می‌کند. به یاد دارم، در یکی از جلسات ویراستاری که ایشان به‌عنوان سردبیر حضور داشت، گفت: به نام خدا.

ز بیماری بتر بیمار داری
نوشتن بهتر از ویراستاری!

بعد شروع کرد به تشریح فرایند ویراستاری از زمانی که مقاله‌ها از نقاط مختلف کشور به دفتر مجله می‌رسند تا وقتی که چاپ و منتشر می‌شوند.

ایشان نوشته‌های خام را عاشقانه می‌پروراند، بار می‌آورد و زنده



محمد کرماندینی، سر دبیر فعلی مجله

امروزه معتقدیم که باید مجلات آموزشی و سایر اجزای بسته آموزشی در جغرافیای یادگیری ما سهم داشته باشند و به اندازه سایر اجزاء، از جمله کتاب درسی، اهمیت داشته باشند. البته برخی از این اجزا به طور مستقیم با دانش آموز ارتباط برقرار می کنند، ولی برخی دیگر پشتیبان معلم اند. این نکته ای اساسی است. به همین جهت باید به توسعه دامنه نفوذ مجلات رشد توجه ویژه بکنیم.

نکته دیگر این است که در مجلات و سایر اجزای بسته های آموزشی، باید به نوآوری ها و نیازهای امروز و فردای کشورمان توجه کنیم و نیازهای عرصه های تعلیم و تربیت و نیز فناوری ها را بسنجیم و بدانیم که مثلاً در آفاق ۱۴۰۴ باید چه جایگاهی را برای آموزش و پرورش و برای دانش آموزان ترسیم کنیم. می دانید که ماهیت کتاب درسی طوری است که باید حضوری میان مدت داشته باشد. متأسفانه، در سال های پیشین،

و مؤلفه های تعلیم و تربیت باید در برنامه های آموزشی در نظر گرفته شوند؛ از برنامه درسی گرفته تا نظام تربیت معلم و توسعه فضا و تجهیزات و منابع آموزشی. همه باید به صورت مجموعه ای آموزشی، در کنار هم و در کامل کننده هم باشند.

در برنامه های آموزشی، هم برنامه های رسمی پیش بینی شده است و هم برنامه های غیررسمی. امروزه مجموعه آن ها را بسته آموزشی می نامیم. معلم و دانش آموز ما فرایند یاددهی - یادگیری را با کار بست بسته های آموزشی کامل می کنند. بعضی از اجزای بسته پیش از کتاب درسی هستند، بعضی دیگر همراه آن و بعضی نیز به عنوان مکمل برنامه درسی، بعد از کتاب درسی اتفاق می افتند. امروزه، برای ما برنامه درسی و اجزای بسته آموزشی به صورت یک مجموعه دیده می شوند. لذا مجلات آموزشی رشد در جغرافیای یاددهی - یادگیری جایگاه ویژه ای دارند. اگر پیش تر از این به مجلات آموزشی به عنوان نشریات جنبی نگاه می کردیم،

کتاب‌های درسی ما عمرهای طولانی داشته‌اند؛ یعنی هر کتاب درسی به مدت سی سال، سال به سال بدون تغییر منتشر می‌شد. سه نسل پشت سر هم یک کتاب درسی را می‌خواندند؛ یعنی مثلاً من، فرزندم و نوهام هر سه یک کتاب درسی را می‌خواندیم. معلمان ما هم برای تدریس این کتاب‌ها نیازمند هیچ‌گونه طرح درس، مطالعه یا نوآوری نبودند. حسشان این بود که کتاب را مثل قل هوا.. حفظاً فوت آب‌اند. درحالی‌که در همین مدت، هم دامنه علم گسترش می‌یافت و هم روش‌های نوین یاددهی یادگیری ارائه می‌شوند و مسئله‌های جدیدی پدیدار می‌شدند.

یادم هست، پنج سال قبل که می‌خواستیم کتاب‌های درسی را بر اساس برنامه درسی ملی تعمیم بدهیم، بعضی‌ها معترض بودند که ما این مطالب جدید را بلد نیستیم. مثلاً این ریاضیاتی که نوشته‌اید، آن ریاضیات نیست یا فارسی آن فارسی نیست. یادم هست یک‌بار خانم معلمی با مادر یکی از دانش‌آموزان آمده بود. مادر دانش‌آموز می‌گفت من فوق‌لیسانس حسابداری هستم و الان هم حسابداری ارشد تدریس می‌کنم. بعد گفت ما وقتی اعداد را ستونی جمع می‌بندیم، علامت جمع را در سمت راست عدد می‌گذاریم. من از ایشان پرسیدم شما در ریاضیات علامت‌ها را در سمت چپ عدد قرار می‌دهید یا در سمت راست؟ مثلاً می‌خواهید بگویید به اضافه یک عدد، یا منهای یک عدد، علامت را کدام سمت قرار می‌دهید؟ گفت سمت چپ. پرسیدم پس این غلط نبوده که تا حالا علامت را در سمت راست می‌نوشتید؟ گفت بله، اشتباه بوده. گفتم حالا ما همین اشتباه را تصحیح کرده‌ایم. بسیاری از مطالبی که در زمینه علوم دیگر اتفاق افتاده‌اند نیز همین‌طورند.

پس باید هم برنامه درسی‌مان نو و پاسخگوی نیازها باشد و هم سایر اجزا که یکی از آن‌ها مجلات رشد است، نو باشند.

مجله ویژگی دیگری هم دارد: باید هر فصل نو شود. همراه نو باشد. این نه به معنای ژورنالیسم زرد یا خبری است. مثلاً همین مجله باید در هر فصل هر اتفاقی را که در زمینه زیست‌شناسی می‌افتد و لازم است معلمان بدانند، منعکس کند. امروز خبرها نه پس از ۲۴ ساعت، نه پس از یک ساعت، بلکه در همان دقیقه اول منتشر می‌شوند. البته، خبرهای اجتماعی دامنه‌شان گسترده‌تر از خبرهای علمی است. شاید نفوذ و وقوع خبرهای علمی در رسانه‌های دیداری - شنیداری کمتر باشد، اما نشریات مکتوب می‌توانند تحلیل‌های پایدارتر انجام دهند.

سوم، ضمن تشکر از برگزاری مراسم صدمین شماره که برپا می‌کنید، یک اشکال در کار خودمان می‌بینم: امام رضوان‌الله تعالی به دولت می‌گفتند کارهایی را که انجام می‌دهید، به اطلاع مردم برسانید. من احساس می‌کنم ما کار خوبی را شروع کرده‌ایم، اما باز هم درون خانواده‌ای کار می‌کنیم. ما خودمان این استادان را می‌شناسیم. وظیفه این است که آنان را به دیگرانی که نمی‌شناسند بشناسانیم. اینان را به کسانی که تا حالا متوجه نبوده‌اند در آموزش و پرورش چه کسانی خدمت کرده‌اند، معرفی کنیم. بگوییم که اینان خادمان این ملت بودند و باید شکرگزار و سپاسگزار این خدمت‌ها باشیم. لذا توصیه می‌کنم دامنه این کار را وسیع‌تر کنید؛ یعنی مراسم خوب و آبرومندتری برگزار کنید، حتی با حضور دانش‌آموزان و معلمان.

زمانی که من دانش‌آموز بودم، دوست داشتم بدانم نویسنده کتاب درسی ما چه کسی است. یادم نمی‌رود یک‌بار قصه‌ای را که نوشته بودم، برای محمود حکیمی که در آن زمان داستان می‌نوشت فرستادم. ایشان جوابی چند سطری برای من نوشت. نوشته بود برادر خوبم بهرام محمدیان! نامه شما به دستم رسید. تشکر می‌کنم و دو سطر هم توصیه‌هایی به من کرده بود. اول یا

دوم دبیرستان بودم. آن نامه را پنجاه شصت بار به دیگران نشان دادم. وقتی که آقای حکیمی را از نزدیک دیدم و شناختم، چقدر ذوق کردم کسی را دیده‌ام که کتاب‌هایش را قبلاً خوانده‌ام. یقیناً معلمان و مخصوصاً دانش‌آموزان همچنین احساسی دارند. پس آنان را هم در این احساس شادمانی شریک کنید. بگذارید آن‌ها هم بیایند ببینند و بشناسند. در گذشته در فرهنگ ما رسم بود که ما باید دست عالمان خودمان را ببوسیم و از کسانی که در عرصه‌های علم خدمت کرده‌اند و سنگ بنای علم ما را بنیان گذاشته‌اند، تجلیل کنیم ...

زیست‌شناسی جهان هر ماه از نو نوشته می‌شود §

... بپذیریم که زیست‌شناسی هم اگر درست به آن نگاه کنیم، در خدمت ایمان است. یکی از بدیهی‌ترین تأکیدهایی که هر روز آشکارتر می‌شود، ثروت بی‌بدیلی به نام گوناگونی و تنوع ژنی است. امروزه ژنتیک اجتماعی هم فوق‌العاده اهمیت پیدا کرده است. بنابراین، ما باهم تفاوت داریم و باید به این تفاوت‌ها افتخار کنیم. من نمی‌دانم در این مدت کوتاه چه می‌توانم بگویم، جز رعایت ادب که باید به‌جا بیآورم؛ به‌خصوص برای عزیزی مثل آقای کرام‌الدینی که سخنان گفته شده درباره‌ی ایشان کم است. به خاطر این عزیز هم آمدم و هم درخواست مصاحبه را پذیرفتم. نمی‌توان مسائل فرهنگی و علمی، مخصوصاً رویکردهای نادرست رشد کمی را در این دقایق کوتاه به بحث گذاشت. بنابراین چند نمونه را از زیست‌شناسی امروز برای شما یادآوری می‌کنم که انشالله سودمند واقع شود.

پیش از آن می‌خواهم بگویم که خوشبختانه من معلم هستم. معلمی نعمت بزرگی است. قدرش را بدانید. من ۵۳۰۰۰ دانشجو داشتم. هفت هشت هزار نفر از آن‌ها دبیران زیست‌شناسی

زهرا محمودی، گرافیست مجله، جایزه خود را دریافت می‌کند



بوده‌اند؛ در دهه ۶۰. پنج شش هزار از آن‌ها خارج از کشور بوده‌اند و بقیه‌اش داخل؛ در سطوح مختلف. چه افتخاری!

من در سال ۱۳۶۴ افزون بر این مجله، یک مجله بین‌المللی به زبان انگلیسی هم به لطف خدا تأسیس کردم که آن هم در آستانه سی‌سالگی است و هنوز هم مرا از آن برکنار نکرده‌اند! الحمدلله. آن هم فرزند دل‌بند ماست. قبلاً در وزارت علوم بود، اما جدیداً زیرمجموعه دانشگاه تهران شده است.

لازم است اصلاحیه‌ای بر سخنان دوستان عزیز داشته باشم. من ۱۴ سال برای هیئت تحریریه این مجله کار کردم، نه ۱۱ سال. سال ۶۱ آقای شاه‌حسینی مدیرکل آموزش ضمن خدمت بودند. ایشان شورایی تشکیل دادند شامل بنده، دکتر خسروی که خدا رحمت کند ایشان را، مدیر مدرسه علوی وقت و معاون مرحوم شهید رجایی و استاد ابراهیم‌زاده. بعداً جناب آقای مطیعا هم به جمع ما پیوست. دکتر حداد عادل مسئولیت سازمان را در آن

روزگار به عهده داشتند و خیلی هم به مجلات کمک می‌کردند. خدا را شکر. من در سال ۶۲ در آن جمع پیشنهاد تأسیس مجله رشد آموزش زیست‌شناسی را به دکتر حداد عادل دادم. ایشان خیلی زود استقبال کردند. بلافاصله هیئت تحریریه را از عزیزی مانند دکتر مجد انتخاب کردم. در حد بضاعت‌مان بهترین معلمان دانشگاه را انتخاب کردیم و از بهترین دبیران زیست‌شناسی وقت خواش کردیم با ما همکاری کنند. این روند ادامه داشت تا زمانی که دکتر حداد عادل تصمیم گرفتند وارد عرصه دیگری بشوند و عزیز دیگری از دانشگاه تهران مسئولیت ایشان را در سازمان بر عهده گرفت. حمایت‌های دکتر حداد عادل، با آنکه تفاوت دیدگاه باهم داشتیم، مخصوصاً در سرمقاله‌ها که با صبوری تحمل می‌کردند، زیاد بود. ما در زیر موشکباران کار می‌کردیم و مجله را می‌بستیم. با عشق آمده بودیم. هیئت تحریریه را در منازل همدیگر برگزار می‌کردیم. پس، از ۶۲ تا ۶۴ پشت صحنه



کار کردیم که می‌شود ۱۴ سال، نه ۱۱ سال.

ما واقعاً وقتی که کار را شروع کردیم، امکاناتی نداشتیم. حتی برای تهیه قند و چای مشکل داشتیم. زمان جنگ بود و ما عاشق بودیم. خوشحالیم که این فراز و فرودها موجب بالندگی مجله شد. دوستان ما که ما را نمی‌دیدند و حرف‌های ما را نمی‌شنیدند، متوجه نبودند برای امثال بنده مسئولیت‌های کلان کشوری وجود داشت، اما ما فقط به رشد آموزش زیست‌شناسی دلبسته بودیم که فرزند ما بود.

دقایق پایانی عرایض را به چند مورد درباره زیست‌شناسی اشاره می‌کنم. امروزه، کانون زیست‌شناسی ژنتیک است. هر ۴۵ روز یکبار دانش انسان نسبت به ژنتیک خودش دو برابر می‌شود؛ نه ۴۰۰ روز و نه ۴۰ ماه، بلکه ۴۵ روز! زیست‌شناسی جهان همراه از نو نوشته می‌شود. بسیاری از مطالب زیست‌شناختی عمری کمتر از سه سال دارند. به سه نمونه اشاره می‌کنم و از حضورتان مرخص می‌شوم.

«پی‌ژنتیک» بام زیست‌شناسی امروز است. فرصت توضیح نیست. کشف میان کنش و ارتباط متقابل بین تغذیه و ژنتیک فوق‌العاده برای سلامت انسان مفید است. فارماکوژنتیک و پزشکی انفرادی از این پیش‌تازتر است. پزشکی انفرادی بر این اصل استوار است که هر کس و هر موجود زنده در جهان یگانه است. حتی یک پشه در همه تاریخ جهان ژنتیک خاص خود را دارد. هر یک از شما یک نمونه منحصر به فرد هستید. هیچ‌کس مثل شما نبوده، نیست و نخواهد بود ...

الان در کشورهای ثروتمند خلیج فارس، به توصیه آمریکا و دیگر کشورهای دوست، بیمارستان‌های انفرادی تأسیس کرده‌اند. یعنی هر کس را بر اساس ژنتیک منحصر به فرد او درمان می‌کنند... برای درمان اثرهای جانبی داروها در آمریکا در سال

۲۰۱۴، طبق گزارش خودشان، رقمی در حدود ۱۵۰ میلیارد دلار هزینه شده است. بیش از ۳۰ درصد کودکان و نوجوانان به علت اثرهای جانبی داروها در بیمارستان بستری شده‌اند. این روند نباید ادامه داشته باشد. باید برای هر فرد داروی مناسب خودش تهیه شود و در زمان مناسب به میزان مناسب به او داده شود. این از نظر اقتصادی هم به صرفه خواهد بود.

نکته پایانی: پروژه ژنوم انسان در سال ۱۹۹۰ میلادی شروع شد. آمریکا ۳ میلیارد دلار روی آن سرمایه‌گذاری کرد. چند هزار دانشمند از پنجاه شصت کشور سراسر جهان در هفتصد هشتصد آزمایشگاه این پروژه را آغاز کردند. این پروژه، برنامه‌ای ۱۵ ساله بود که قرار بود در این مدت ترتیب بازهای آلی ژنوم انسان مشخص شود، اما پروژه دو سال زودتر، یعنی در سال ۲۰۰۳ به نتیجه رسید. در سال ۱۹۹۰ نزدیک به ۴ میلیارد دلار خرج شد که ۳ میلیارد آن را آمریکایی‌ها گذاشتند. الان ۱۳ سال بعد معلوم شده است که ما در حدود ۲۳ هزار ژن ساختاری داریم. الان در کمتر از یک روز با هزار دلار و حتی با پانصد دلار میتوان توالی ژن‌های یک فرد را مشخص کرد. به همین علت سال ۲۰۱۴ سال پروژه‌های ۱۰۰۰ دلاری در انسان نام گرفت.

توجه فرمایید! از ۴ میلیارد دلار ۱۵ سال پیش، الان رسیده‌ایم به زیر هزار دلار. در این مدت هزینه‌ها چند میلیون دلار کاهش یافته‌اند و زمان از ۱۳ سال رسیده است به یک روز! ... در سال ۲۰۰۸ دستگاه‌هایی به نام توالی‌یاب نسل بعد وارد بازار شد و یکی دو تا هم به ایران وارد کرده‌ایم که باید دانش آن را داشته باشیم و فقط برای بخش خصوصی درآمدزایی نکنیم. این دستگاه می‌تواند همزمان حداقل سه و نیم میلیون رشته DNA را در کمتر از یک روز توالی‌یابی کند. مقایسه کنید: زمانی که من در سال ۷۴ تحصیلاتم را در دانشگاه میشیگان شروع کردم، یکی



از هم‌کلاسی‌های من برای پایان‌نامه دکترایش پنج سال کار کرد تا ۴۰۰ باز را توالی‌یابی کند. مشاهده می‌کنید؟ سرعت تحولات دم‌افزون است. از زمانی که من در اینجا سخنم را آغاز کردم تا این لحظه، علم ژنتیک دستاوردهای جدیدی داشته است.

سخن پایانی من تأکید بر مهربانی است. باهم مهربان باشیم؛ نه در شعار که در عمل. اهل گذشت و صفا و وفا و راستی و درستی باشیم. قیصر امین‌پور از دوستان من بود. خدا ایشان را رحمت کند. شعری دارد جالب:

حرف‌های ما هنوز ناتمام...

تا نگاه می‌کنی

وقت رفتن است

باز هم همان حکایت همیشگی

پیش از آنکه باخبر شوی

لحظه عزیمت تو ناگزیر می‌شود

آی...

ای دریغ و حسرت همیشگی

ناگهان

چقدر زود

دیر می‌شود

...

عشق بر دل‌هاتان مستدام باد؛ انشاءالله!

زیست‌شناسی فراتر از چیزی است که بتوان در
چند جمله خلاصه کرد

گزیده‌های از سخنان دکتر احمد مجد، چهره ماندگار
زیست‌شناسی کشور

... همایش امروز برای گرامیداشت زحمات بسیار زیاد و

خون جگر خوردن‌هایی است که سال‌ها عده زیادی از همکاران و دوستان در سراسر کشور کشیده‌اند تا مجله رشد آموزش زیست‌شناسی پا بگیرد، رشد کند و در خدمت جامعه باشد. به همین علت و به دلیل وقت اندک در اینجا وارد مسائل علمی نمی‌شوم. جان کلام را قبلاً دوستان گفتند. مخصوصاً استاد بزرگ زیست‌شناسی جناب آقای دکتر نوری دلویی. در این چند دقیقه مجال پرداختن به زیست‌شناسی و خالق زیست‌مندان نیست. بنابراین، صحبت‌م را درباره مجله ادامه می‌دهم.

نکوداشت سنت نیکویی بوده و هست و امیدواریم این نکوداشت هر چه باشکوه‌تر برگزار شود. اگر به همین مراسم فکر کنیم، مشاهده خواهیم کرد که برای برنامه‌ریزی و برگزاری آن مقدار زیادی وقت و هزینه صرف شده است؛ اما من و شما در مدت یکی دو ساعت آنچه را که می‌بینیم، جمع‌بندی می‌کنیم، درحالی‌که وقت و هزینه و برنامه‌ریزی این برنامه از دید ما پنهان است. این وضعیت باید در مورد مجله رشد آموزش زیست‌شناسی هم صادق باشد؛ مجله‌ای که حدود سی سال پیش با همت جناب آقای دکتر نوری دلویی بنیان‌گذاری شد. علاوه بر حسن نظری که ایشان به من داشتند، هم‌سویی‌هایی نیز در بینش‌های علمی بین ما وجود داشت. لذا ایشان خواستند من در خدمتشان باشم که مدتی با افتخار این کار را کردم. البته، گاه برای بالا بردن و اعتلای کیفیت مجله با چالش‌هایی هم روبه‌رو بودیم که طبیعی است. جایی که هدف اعتلا و بالا بردن سطح علمی و دانش باشد، ضرورت‌ها ایجاب می‌کنند که اندیشه‌ها با چالش همراه باشند تا نظریاتی که از مجموع این نظرها بیرون می‌آیند، بتوانند شکل بگیرند و بهینه شوند.

عنوان این مجله هست «رشد آموزش زیست‌شناسی». به نظر من قسمت «رشد آموزش» باید کمی درشت‌تر از

«زیست‌شناسی» باشد، نه کوچک‌تر؛ چون هدف، رشد آموزش زیست‌شناسی است. این مجله رشد زیست‌شناسی یا مجله زیست‌شناسی نیست. لذا خوب است به قسمت پرمعنای آموزش اهمیت بیشتر داده شود و آن را پررنگ‌تر کنیم. چون تا آنجا که در خاطر هست هدف اصلی این بود که ببینیم چه راهکارهایی انتخاب کنیم که آموزش زیست‌شناسی در کشور مقداری از مظلومیت بیرون بیاید و اهمیت زیست‌شناسی را در قالب بهینه شدن آموزش زیست‌شناسی بالاتر ببریم، اما وقتی به مجله نگاه می‌کنم و شماره ۱۰۰ را ورق می‌زنم، به خاطر می‌آورم که محتوای مجله بسیار ارزشمند است و فراگیر. تاکنون ۱۰۰ شماره از این مجله منتشر شده است. اگر در هر یک از این ۱۰۰ شماره مجله ۸ تا ۱۰ مقاله ارزشمند علمی در جهت رشد آموزش زیست‌شناسی باشد، می‌شود ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ مقاله. اکنون اگر این رقم را در تعداد متوسط خوانندگان مجله طی سی سال‌ها ضرب کنیم، اهمیت این مجله در کنار فعالیت‌های دیگر آموزشی مشخص می‌شود.

مجله رشد آموزش زیست‌شناسی نه تنها به مسائل علمی و رشد آموزش زیست‌شناسی توجه دارد، بلکه باعث شده است نوعی همگرایی و همدلی بین معلمان زیست‌شناسی ایجاد شود. وقتی مقاله‌ای از یک معلم چاپ می‌شود و خواننده پیدا می‌کند، خوانندگان درباره آن مقاله بحث و باهم و با نویسنده مقاله ارتباط برقرار می‌کنند. این‌گونه، بین افرادی که در زمینه خاصی در حال همکاری باهم هستند، همدلی به وجود می‌آید. چنین خدماتی معمولاً کمتر به چشم می‌آیند و اهمیت آن‌ها کمتر مشخص است. مجله در کنار پیام علمی خود، پیام دوستی، پیام مهربانی، پیام همکاری، پیام ایجاد و پیش‌رو گذاشتن راه‌حل‌های جدید را نیز به همراه می‌آورد. بنابراین،

نقش مجله فقط انتشار مقالات علمی و بهبود کار نیست، بلکه خواننده به وسیله این مجله با افراد دیگری که در این راه به پیش می‌روند، همراه و همدل می‌شود. این همدلی بعد از چند بار تمرین و تکرار افزایش می‌یابد. این نیز خدمتی است که مجله به جامعه زیست‌شناسی می‌کند.

چند روز پیش وقتی بحث زیست‌شناسی مولکولی را در کلاس مطرح می‌کردم، از دانشجویانم پرسیدم که اصلاً زیست‌شناسی مولکولی چه می‌گوید؟ و با زیست‌شناسی سلولی چه تفاوت یا تفاوت‌هایی دارد؟ در پایان از دانشجویان خواستم که جلسه بعد به این سؤال من پاسخ دهند: کدام رفتار سلولی را می‌شناسید که برای انجام آن ماکرومولکول‌ها درگیر نباشند. اگر آن پدیده زیستی را به من معرفی کنید به شما جایزه و امتیاز خواهم داد.

اکنون در اینجا این پرسش را مطرح می‌کنم: کدام پدیده جهانی را می‌شناسید که در زیر چتر زیست‌شناسی نباشد؟ من در ذهن خودم بسیار جست‌وجو کرده‌ام، اما با دانش بسیار کم خودم نتوانستم موردی را پیدا کنم که به‌نوعی به زیست‌شناسی و به خداشناسی در قالب خودشناسی منجر نشود. فرموده‌اند خودشناسی خداشناسی است. باید خودشناسی کرد و در راه خودشناسی سال‌ها عمر گذاشت تا به خداشناسی رسید. حضرت رسول (ص) فرموده‌اند: «العلم علما: علم‌الادیان و علم‌الابدان»، وقتی دقت می‌کنیم، آنچه در قالب علم‌الابدان وجود دارد، زیست‌شناسی است و فقط پزشکی نیست، پزشکی یک قسمت کاربردی زیست‌شناسی است. آنچه آقای دکتر نوری دلویی درباره پیشرفت‌های ژنتیک گفتند، بخشی است از زیست‌شناسی. بخشی دیگر آن چیزی است که در حین تکوین در موجود زنده روی می‌دهد و سمت‌وسوی زندگی آینده آن را مشخص می‌کند.

این نیز جزئی از زیست‌شناسی است. بنابراین، عظمت علمی که این مجله خدمتگزار آن است، فراتر از آن است که بتوان در چند جمله بیان کرد. حتی علم‌الادیان هم برای زندگان است. دین برای مردگان نیست. این دو، دو بال هستند برای پرواز انسان به سوی اعتلا و خداشناسی؛ به‌طوری که انسان بداند خود تصمیم گیرنده مطلق نیست؛ نه به اراده خود آمده و نه به اراده خود خواهد رفت. انشاءالله توفیق باشد وقتی که به پرونده خود نگاه می‌کنیم، خدمت به خلق که خدمت خالق است و تشکر از خلق که تشکر از خالق است را داشته باشیم.

من مجدداً از طراحان و مجریان این همایش سپاسگزاری می‌کنم. قدرشناسی از کسانی می‌شود که سال‌ها زحمت کشیده‌اند، خون جگر خورده‌اند، بنیان‌گذاری کرده‌اند و موجب گسترش علم، خرد، اندیشه و انسانیت شده‌اند. جای تشکر و سپاسگزاری دارد.

امروز سگان سردبیری این مجله در دست‌ان آقای دکتر کرام‌الدینی است. من در چند مسافرت با ایشان بوده‌ام و ایشان را بسیار پرتلاش و علاقه‌مند یافته‌ام. ایشان عاشقانه کار می‌کند.

من شاعر نیستم، ولی شعری برای این مجله سروده‌ام که امیدوارم ناهمگنی‌های آن را بر من ببخشایید:

بسی رنج بردم در این سال سی
که رشدی دهم دانش زیستی
همانا که این رنج پاینده ماند
همان گونه این رشد شایسته ماند
به‌جان دارمش دوست فصلنامه را
نگهبان بود نیک اندیشه را
بخوانم بر اوراق همچون گهر
ز ایزد نشان و ز دانش اثر

معلمان ما باید از تدریس کلیشه‌ای و کنکوری آموزش زیست‌شناسی دست بردارند

گزیده‌ای از سخنان زهرا فور کی نژاد، معلم همکار مجله

... من در سال ۱۳۶۴، یعنی سی سال پیش، کار خودم را در روستای زهک شهرستان زابل در نزدیکی مرزهای افغانستان به‌عنوان معلم درس شیرین زیست‌شناسی آغاز کردم. در آن زمان چیزی از مهارت‌های معلمی نمی‌دانستم؛ اما در همان زمان وقتی که با چشمان اشکبار در میان توفان‌های شن به کلاس درس می‌رسیدم، تصمیم گرفتم معلمی توانمند باشم. در آن زمان همکاری داشتم به نام سرکار خانم صاحب‌زاده که یادمش به‌خیر، نمی‌دانم امروز کجاست. ایشان در همان سال اول انتشار این مجله مرا با آن آشنا کرد. یک روز وقتی نام ایشان را در قسمت نامه‌های رسیده مشاهده کردم، نمی‌دانید چقدر خوشحال شدم. در همان لحظه با خود گفتم آیا روزی خواهد رسید که نام من هم در این مجله چاپ شود!

سال‌ها گذشت. من به شهرستان بیرجند منتقل شدم. بعد از چند دهه مقاله‌ای با عنوان «زعفران: طلای سرخ ایران» نوشتم و با رایانامه به آقای دکتر کرام‌الدینی که هرگز او را ندیده بودم و نمی‌شناختم، فرستادم. راهنمایی‌های این استاد بزرگوار مرا در مسیری قرار داد که موفقیت‌های پی‌درپی شغلی‌ام را به ارمغان آورد. من در سال ۸۵ نفر اول جشنواره کشوری روش‌های تدریس شدم. بعد از آن در سال ۸۸ نفر دوم جشنواره روش‌های تدریس در زمینه فناوری اطلاعات در یزد و سپس معلم نمونه کشوری شدم و بعد معلم اعزامی به کشور امارات بودم. مقالات فراوانی با راهنمایی‌های ایشان نوشتم. ایشان استاد اخلاق بوده‌اند و همان‌طور که آقای ناصری فرمودند، دست ما را گرفتند و در کمال بزرگواری مهارت‌های معلمی را به ما آموختند.

زهرا فور کی نژاد، معلم همکار مجله



تراش داده شده و در آنجا نصب شده بود، برای نخستین بار آسمانی عمیق تر و فراخ تر از همیشه را به درون مردمک چشم گونه آدمی رسوخ دهد.

آن شب تلسکوپ هیل با موفقیت به کار افتاد، دریچه‌ای نو به روی آدمی گشود و او را به دورانی نوین از تاریخ علم وارد کرد. آلفرد نویز شاعر که به شدت تحت تأثیر این مردان بی ادعای جبهه‌های علم قرار گرفته بود، با مشاهده این کار سترگ اما لحظه به فرمان شاه انگلستان در میان هیاهوی جنگی و برانگر و بی حاصل در سرزمین‌های بیگانه بر خاک می افتادند. در آن هنگام، پرنده تخیل شاعر به پرواز درآمد و به شعری بلند تبدیل شد:

...

برای جنگ‌ها آوازها سر داده‌ایم تا شاهان کوردل خون آشام گوش به آهنگ رزم و تکیه بر تخت سلطنت به پیش برانند. پس این رزم نجیبانه شما چرا بی آواز مانده است؟
رزم شما که در پی نورید، رزم شما که پیروزی آفرینید، رزم شما که بی نیازید؟
شما که مشعل را از دورانی به دوران دیگر دست به دست می‌کنید؟

...

سوگمندان، این سروده آلفرد نویز حکایت علم در همه دوران‌های زندگی آدمی است. امروزه نیز جنگ پژوهشگران بی ادعای علم بی آواز است. دانشمندان و پژوهشگران علم امروزه نیز به دوراز هیاهو در آزمایشگاه‌ها و میدان‌های علم در پیکاری سخت درگیرند و در سکوت و آرامش، پیوسته با نادانی، تاریکی، شبه علم و خرافه می‌ستیزند.

من معتقدم، برای معلم تسلط به مطالب علمی فقط پنجاه درصد اهمیت دارد. پنجاه درصد بقیه شامل مهارت‌های معلمی است. جا دارد به آقای دکتر محمدیان و آقای ناصری برای انتشار مجلات وزین رشد تبریک بگویم. من همه مجلات رشد را عاشقانه مطالعه می‌کنم. مجلات رشد برای همکاران سراسر کشور شبکه یادگیری فراهم آورده است. با همکاری که هرگز ندیده‌ایم، مشترکاً مقاله می‌نویسیم. مثلاً مقاله تشریح مغز در کارگاه رایانه را با کمک خانمی از کردستان نوشتیم. من همکاران را تشویق می‌کنم که باهم شبکه تشکیل دهند.

... معلمان ما باید از تدریس کلیشه‌ای و کنکوری آموزش زیست‌شناسی دست بردارند و به مهارت‌هایی که دانش‌آموزان لازم دارند و جزو اهداف آموزش علم است توجه کنند. جای این مهارت‌ها در کلاس‌های درس کشور خالی است. من از مجله رشد آموزش زیست‌شناسی آموخته‌ام که برای تدریس زیست‌شناسی باید دست، قلب و مغز در کار باشند. اما اکنون متأسفانه بسیاری رفته‌اند به سوی کنکور و سؤالات بسیار دشوار، و از زیست‌شناسی غول ساخته‌اند برای دانش‌آموزان رشته علوم تجربی. ما شیرینی آموزش این درس را در کلاس‌های درس نمی‌بینیم. خدایا چنان کن سرانجام کار، تو خشنود باشی و ما رستگار.

مردان بی ادعای علم

... در غروب روز نخست نوامبر ۱۹۱۷، آلفرد نویز، شاعر انگلیسی، همراه با جرج الری هیل، پژوهشگر آمریکایی، بر فراز کوه ویلسون در نزدیکی کالیفرنیا، در انتظار رونمایی از یکی از بزرگترین دستاوردهای علمی انسان بودند. قرار بود آن شب نتیجه سال‌ها تلاش پویندگان راه علم معلوم شود و آینه ۱۰۰ اینچی تلسکوپ هیل که با صرف سال‌ها کار و سرمایه‌ای هنگفت

این رزمنده‌های نجیب و سخت‌کوش اما به‌ندرت به زبان مردم سخن می‌گویند. دانشمندان و پژوهشگران علم معمولاً هنگام معرفی یافته‌های پژوهشی خود یکدیگر را مخاطب قرار می‌دهند و خطابه‌های خود را به زبانی تخصصی که درک آن برای دیگران آسان نیست، می‌خوانند و لذا حاصل نبرد علمی آنان برای مردمی که تخصص ندارند، اگر نگوییم نامفهوم، بلکه کم‌مفهوم است. پس پُل‌هایی لازم است بین آنان و مردم کم‌تخصص‌تر یا غیرمتخصص، تا یافته‌های علمی آنان را به زبان مردم ترجمه و در میان آنان منتشر کند.

نشریات علمی ترویجی از جنس این نوع پُل‌ها هستند و «رشد آموزش زیست‌شناسی» نیز که می‌کوشد افکار، نتایج پژوهش‌ها و دستاوردهای علمی - آموزشی را به مخاطبان خود برساند، از همین نوع است.

رشد آموزش زیست‌شناسی نه تنها همچون پُل است بین پژوهشگران و معلمان، بلکه برنامه‌ریزان را با معلمان، مسئولان تصمیم‌گیرنده را با معلمان و نیز دانش‌آموزان را با معلمان مرتبط و بین آن‌ها پیوند برقرار می‌کند. رشد آموزش زیست‌شناسی سی سال است که در خدمت آموزش زیست‌شناسی کشور است و صفحه‌های آن همواره منعکس‌کننده نیازها، خواسته‌ها و نظرهای مخاطبان بوده است.

من سی سال پیش را به‌روشنی به یاد دارم. به یاد دارم روزی را که در دفتر مدرسه‌مان در آن روستای دوردست، نخستین شماره این نشریه را دیدم و آن را با نابوری در دست گرفتم. آن شب نخوابیدم و همه نوشته‌های آن را از اول تا آخر خواندم. هنوز عناوین آن شش نوشته را خوب به یاد دارم: «حیات: پدیده مورد تلاقی دیدگاه‌های فلسفی، علمی، احساسات عمومی و مذهبی»؛ «دریچه‌ای بر شگفتی‌های دنیای زیست‌شناسی مولکولی»؛ «پیرامون زیست‌شناسی طبیعت»؛ «خاستگاه رشد گیاهان»؛ «فیزیولوژی گرسنگی و سیری»؛ «ساختن و عمل ماهیچه‌های اسکلتی».

در زمستانِ سرد و بی‌بارانِ آن سال، در آن روستای کوچک، در آن دبیرستان روستایی، دانش‌آموزانی داشتیم که هرروز پای پیاده از راه‌های دور می‌آمدند، با کوله‌باری از کتاب، دفتر، قلم و نان خشکیده. نیمروز صفی در زیر سقف راهروی کوتاه مدرسه بر زمین می‌نشستند، نان خشکیده در آبِ سرد فرومی‌بردند و به دهان می‌گذاشتند تا جان داشته باشند و بتوانند به ره‌پویایی تنها راه اعتلای فرهنگ گونه آدمی، یعنی راه تعلیم و تربیت، ادامه دهند. در آن سال، هنوز نه از رایانه یا فناوری اطلاعات و ارتباطات خبری بود و نه از وسایل ارتباطی امروزی. هفته‌ها طول می‌کشید تا نام‌های از شهری به شهری دیگر برسد



سراسر کشور همه در حیات این نشریه سهم داشته‌اند. شایسته است از همه سپاسگزاری کنیم. چند تن از اعضای هیئت تحریریه و همکاران قدیم اکنون در میان ما نیستند و به سرای باقی شتافته‌اند: آقایان محمدعلی شمیم، دکتر اصغر نیشابوری، دکتر حسن دیانت‌نژاد، دکتر زنده‌روح کرمانی و محمدعلی درانی و نیز حمیده علمی غروی. جا دارد از آنان به نیکی یاد و برای شادی ارواح آنان دعا کنیم.

به‌علاوه، وقت آن رسیده است که بار دیگر از همه خوانندگان وفادار، همکاران مترجم و مؤلفان که همواره در پیشرفت و بهبود آن مشارکت داشته‌اند، سپاسگزاری و با آن‌ها تجدید عهد کنیم و عهد ببندیم که این نشریه همچنان زمینه‌ای مناسب و مساعد برای اطلاع‌رسانی، تحلیل، آموزش و بحث درباره آموزش زیست‌شناسی باشد و به ارتقای دانش و مهارت‌های معلمان و در پی آن تحقق هدف‌های یادگیری علوم تجربی، به‌ویژه زیست‌شناسی، کمک کند.

مرا عهدی است با جانان که تا جان در بدن دارم
هوادارانِ کویش را چو جانِ خویشان دارم.

و من الله التوفیق.

و معلم یگانه پیکِ علم و تنها مرجع علمی دانش‌آموزان به‌شمار می‌رفت. در آن روزگار که خشکسالی بر منطقه غلبه داشت، من قطره‌های واژه‌های بارانِ پربرکتِ نخستین شماره نشریه رشد آموزش زیست‌شناسی را غنیمت شمرده و به فال نیک گرفته بودم. در آن روزگار خبرم نبود که سال‌ها بعد، سال‌ها بعد در چنین روزی، خود در کسوت سردبیر نشریه‌ای که هنوز یگانه نشریه سراسری ویژه دبیران زیست‌شناسی کشور باقی مانده است، در این جمع کم‌شمار برابر شما بایستم؛ جمع کوچکی که به‌قصد گرامیداشت کوشش‌ها و تلاش‌های همکاران و کارکنان این نشریه گرد هم آمده‌ایم. آری، همان‌گونه که رسم علم ورزان و پیکارگران علم است، جمع ما کوچک است. در مجلسی نشست‌ایم که یادآور آن شعر آلفرد نویز است؛ شعری که یکی از مؤثرترین اشعار در مدح علم و علم‌ورزی در تاریخ علم است. از همه شما سپاسگزاریم.

در سی سال گذشته، این نشریه به همت جمع کثیری از همکاران تألیف، آماده‌سازی، چاپ و منتشر شده است. نام بردن از همه آنان در این وقت اندک ممکن نیست. از سردبیران، مدیران داخلی، اعضای هیئت تحریریه و گرافیست‌ها، تا کارکنان حروف‌چینی، چاپخانه و نمایندگان و توزیع‌کنندگان مجله در



ماهمه دوستان آب هستیم

گزارش از مسابقه «پرسش مهر»
با موضوع آب در مجلات دانش آموزی رشد

طاهره خردور

اشاره

دکتر حسن روحانی، رئیس جمهور در آغاز سال تحصیلی ۹۴ - ۹۳ در موضوع «پرسش مهر»، این سؤال را از دانش آموزان سراسر کشور پرسید: «عزیزانم! ایران ما با مشکل جدی کمبود آب روبه روست. هر کدام از ما چگونه می توانیم از آب های کشور بهتر نگهداری و استفاده کنیم؟» در پاسخ به این خواسته رئیس جمهور، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی تصمیم گرفت در مجلات دانش آموزی رشد، مسابقه آب را با طرح سؤالاتی درباره آب برگزار کند. آنچه در پی می آید، گزارش اجمالی از فرایند و ثمرات این اقدام فرهنگی است.

ویژگی های مسابقه

رشد نوآموز و رشد دانش آموز (از کودکان پیش دبستانی تا ششم ابتدایی)، با موضوعات زیر صورت گرفت.

✱ رشد کودک

— موضوع نقاشی: من آب را هدر نمیدهم.

— موضوع قصه: من آب را دوست دارم.

از پدر و مادرها خواستیم قصه را همان طور که کودک می گوید بنویسند. (در مورد کودکان پیش دبستانی که قادر به

در کشوری که دچار مسئله بحران آب است، باید به دنبال راه حل بود. بهترین راه حل نیز آموزش به کودکانی است که در شروع زندگی خود هستند و باید مهارتهایی را به دست آورند، از جمله چگونگی صرفه جویی کردن در آب.

بر این اساس و نیز با توجه به پیام رئیس جمهور درباره صرفه جویی آب، این دفتر مسابقه آب را طراحی و برگزار کرد. این مسابقه در مجلات دانش آموزی رشد شامل رشد کودک،



نوشتن نیستند)

کودکان کلاس اولی خودشان باید بنویسند.

* رشد نوآموز

– موضوع نقاشی: آب که نیست...

– موضوع بنویسیم: حرف‌های در گوش.

– موضوع علمی: برای حفظ محیط زیست از این به بعد چه کاری می‌توانی انجام دهی؟

* رشد دانش آموز

– موضوع نقاشی: به نظر شما مهم‌ترین علت‌های هدر رفتن آب در منطقه زندگی شما چیست؟

– موضوع نقاشی: شما فکر می‌کنید چگونه می‌توان از مصرف بی‌رویه آب جلوگیری کرد؟

در مسابقه آب، برای توجه بیشتر و علاقه‌مندی کودکان، جوایزی به این شرح در نظر گرفته شد: به ۱۰ نفر اول هر یک ۵۰۰۰/۰۰۰ ریال و به ۱۰۰ نفر دوم هر یک ۵۰۰/۰۰۰ ریال و یک کارت تشکر هم به همه دانش‌آموزانی که در این مسابقه شرکت کرده‌اند، اهدا شد.

قصه‌های منتخب برندگان رشد کودک §

* صدای زندگی / توفیق نخعی، از رفسنجان

چک و چک صدا می‌یاد. صدای چی می‌یاد؟ صدای باران می‌یاد. اگر آب نباشد زندگی نیست. اگر آب نباشد هیچی نیست. از تشنگی همه مردم می‌مردند. اگر آب نباشد دانه نیست. ولی وقتی آب است زندگی است. آب را هدر ندهیم.

* من آب را دوست دارم / ابوالفضل شمس‌آبادی، از خراسان رضوی، بوجین

آمار شرکت‌کنندگان §

– رشد کودک: ۳۹۶۱ نفر

– رشد نوآموز: ۷۴۷ نفر

– رشد دانش آموز: ۵۴۹ نفر

از میان نامه‌ها، نقاشی‌ها و قصه‌های جدا شده و به تفکیک به دست کارشناسان مربوط فرستاده و کارشناسی شد.

یک گل بود. تشنه‌اش بود. دلش می‌خواست آب بخورد. اما آب نبود. داد زد: «یکی به من آب بدهد. من تشنه‌ام.» کسی صدای او را نشنید و بعد شروع کرد به گریه کردن. از اون بالا، صدای آن گل را ابر کوچولو شنید. اومد جلو گفت: «چی شده؟ چرا گریه می‌کنی؟» گل گفت: «من تشنه‌ام.» ابر کوچولو خودش را جمع کرد. از اون بالا بارون بارید و گل آب خورد و با هم دوست شدند.

* آراین اسلامی، از اصفهان

ماهی به سرفه افتاد. لاک‌پشت وارونه شد. کنار برکه افتاد. چون آب برکه آلوده شده بود. چون همیشه ننه پیرزن آشغال‌هایش را می‌ریخت توی آب. من آب را دوست دارم. دوست ندارم آلوده بشود.

* آب امانت است / باران ناصری، از بابل

آن روستا داستان دارد. آن داستان راست است. باران با آن روستا دوست نبود. در روستا آب نبود. رود نبود. ماندن در آن روستا آسان نبود. در آن روستا آرد نبود. نان نبود. در آن روستا درد بود. تب بود. آدم در آن روستا در امان نبود. آرام آرام باد آمد. در آن روستا ابر آمد. در روستا باران آمد. در رود آب آمد. آن روستا آب دارد. بادام با انار دارد. آن روستا آباد است. آب امانت است.

* ثمین مقدم، از رشت

روستای من زیبا است. هوای آلوده را دوست ندارم. آب نیست. کمک، کمک، ...

* من آب را دوست دارم / سمیه گچلو، از رباط کریم

یک فاطمه کوچولو بود که آب را دوست نداشت. دوستانش هیچ وقت باهاش دوست نبودند. یک روز رفت پیش دوستانش

گفت: «چرا با من دوست نیستید؟» دوستانش گفتند: «چون تو کثیفی و دست و صورتت را نمی‌شویی.» بعد فاطمه کوچولو تصمیم گرفت که با آب دوست بشود و از این به بعد دست و صورتش را بشوید. وقتی رفت پیش دوست‌هایش گفت: «من آب را دوست دارم و دیگه با آب دوست هستم. شما هم با من دوست می‌شوید؟» دوستانش گفتند: «بله.»

* قصه‌های منتخب برندگان رشدنوآموز

* مهیار عبدالله پور، پایه دوم از تهران

آپارتمان ما هفته‌ای یک‌دفعه تمیز می‌شود. از پنجره بیرون را نگاه می‌کنم. آقایی که دارد پله‌ها را تمیز می‌کند شلنگ قرمز را باز کرده و در خانه را با آب می‌شوید. تازه مامان دارد با او صحبت می‌کند. آقای زحمتکش حواسش به حرف‌های مامان است و آب بی‌خودی هدر می‌رود. ای کاش مامان‌ها و باباها می‌دانستند که آب واقعاً کم است. شاید من یادشان رفته‌ام و نگران آینده من نیستند.

* محمدرضا بارونی، کلاس دوم دبستان از استان فارس، شهر بوانات

چقدر خوشحال شدم وقتی در مجله رشد نوآموز دیدم درباره کارهایی که ما در مورد حفظ محیط زیست انجام می‌دهیم قرار است مسابقه علمی برگزار شود، چون ما در کلاس‌مان با همکاری معلم مهربانمان گروهی را تشکیل داده‌ایم که برای حفظ محیط زیست تلاش می‌کنیم. چهار نفر دیگر از دوستانم که در این گروه هستند، من را به عنوان نماینده گروه انتخاب کردند. ما معمولاً هر هفته با هم صحبت و گفت‌وگو می‌کنیم و از دیگر دوستان و معلم‌های مدرسه کمک می‌گیریم تا کارهای قشنگی درباره

هستیم. مثلاً من به عنوان نماینده گروه با بچه‌های مدرسه صحبت کردم که به پدر و مادر خود بگویند هنگام توقف و ایستادن پشت چراغ قرمز که زمان طولانی دارد، اتومبیل خود را خاموش کنند که هوا آلوده نشود. سعی کنند مسیرهای کوتاه را پیاده‌روی کنند و از ماشین و موتور استفاده نکنند. با راننده‌های سرویس‌های مدرسه صحبت کردیم که ماشین‌های خود را به موقع سرویس کنند تا سبب آلوده شدن هوا نشوند. با بچه‌ها صحبت کردیم که به مادران خود بگویند زباله‌های منزل را جداسازی کنند. کیسه‌های پلاستیکی و مواد پلاستیکی را به صورت جدا در کیسه زباله قرار دهند. به بچه‌ها گفتیم که به پدر و مادرشان بگویند برای زیبا کردن خانه و پیاده‌رو جلوی خانه از گل و گیاهان طبیعی استفاده کنند و خود بچه‌ها در حفظ و نگهداری آن‌ها کوشا باشند و از آسیب رساندن به آن‌ها جلوگیری کنند. از گیاهانی در محیط منزل استفاده کنند که نیاز کمی به آب دارند. همچنین، با خدمتگذار و باغبان مدرسه نیز یکی از دوستانم صحبت کرد که او نیز در حیاط مدرسه این کار را انجام دهد و بچه‌های مدرسه نیز به او کمک کنند. با بچه‌ها صحبت کردیم که آن‌ها هنگام رفتن به تفریح به عنوان همیار طبیعت، مراقب باشند که پدر و مادرها کمتر از ظرف‌های یک بار مصرف و پاکت‌های پلاستیکی و دستمال کاغذی استفاده کنند و به جای آن از ظرف‌های منزل استفاده کنند. از لباس‌های مناسب استفاده کنند که نیازی به آتش کردن نباشد. اگر نیاز شد آتش کنند، جای مناسبی آتش کنند. با ماشین تا جایی که جاده هست رانندگی کنند و بروند و روی بوته‌ها و جانوران کوچولو نروند. از ریختن زباله در طبیعت جلوگیری کنند. از آتش زدن زباله‌ها و لاستیک‌ها خودداری کنند. زباله‌ها را در آب نریزند که آب آلوده شود و ماهی و جاندارانی که در آب و اطراف آن

حفظ محیط زیست انجام دهیم. اکنون تعدادی از کارهایی را که انجام داده‌ایم برای مجله می‌نویسم.

ما اسم گروه خود را «نگین سبز مدرسه» گذاشته‌ایم. زیرا به شهر ما نگین سبز فارس می‌گویند. ما هم دوست داریم شهر ما طبیعت خوبی داشته باشد و با بچه‌ها در آن شاد و خوشحال باشیم و با هم بازی کنیم. ما با بچه‌های مدرسه در مورد حفظ محیط زیست زیاد صحبت کردیم. آن‌ها هم حرف ما را قبول دارند و معمولاً گوش می‌دهند، چون با هم هم‌فکر



زندگی می‌کنند از بین بروند. سعی کنند زباله را با خود برگردانند یا در جایی مناسب که مشخص کرده‌اند قرار دهند. از نوشتن روی سنگ‌ها و درخت‌ها خودداری کنند. با دوستانمان صحبت کردیم که پرندگان و حیواناتی که در شهرها زندگی می‌کنند و خانه‌هایشان را در نزدیکی ما درست می‌کنند و بچه‌هایشان را به دنیا می‌آورند خیلی وقت‌ها مخصوصاً در زمستان منتظر باقی مانده غذای سفره‌های ما هستند. سعی کنیم به آن‌ها غذا بدهیم. به آن‌ها گفتیم که با پدر و مادرشان صبح خیلی زود از خانه خارج شوند، زیرا صبح زود طبیعت قشنگ است و آن‌ها با طبیعت بیشتر آشنا می‌شوند. در برنامه صبحگاهی بعد از خواندن قرآن، یکی از اعضای گروه به بچه‌های مدرسه گفت که از طبیعت و محیط زیست شهرمان عکس بگیرند. عکس‌هایی که نشان دهد یکی از اعضای خانواده یا محله یا افرادی که به تفریح آمده‌اند دارند از محیط و طبیعت مراقبت می‌کنند. بعد هم با مدیر مدرسه صحبت کردیم که به عکس‌های زیبا و قشنگ جایزه بدهد که اگر خدا بخواهد عکس‌ها را برای مجله رشد نوآموز می‌فرستیم.

ما با دوستانم در گروه قرار گذاشتیم که به همراه پدر و مادر و معلم پرورشی مدرسه‌مان از اداره محیط زیست شهرمان که کار نگهداری از محیط زیست را انجام می‌دهد، دیدن کنیم و با زبان کودکان خودمان از آن‌ها تشکر کنیم، چون برای ما زحمات‌های زیادی می‌کشند تا ما از طبیعت و محیط زیست شهرمان لذت ببریم.

همچنین از معلم پرورشی مدرسه خواستیم که پیام‌های ما را در خصوص حفظ محیط زیست در تابلو مدرسه قرار دهد تا بچه‌های مدرسه بخوانند. او نیز با خوشحالی قبول کرد و گفت: با اداره صحبت می‌کنم تا برای مدرسه‌های دیگر نیز ارسال کند.

من با خواهرم که در کلاس دوم مدرسه دخترانه درس می‌خواند نیز صحبت کردم که او هم در مدرسه‌شان مانند ما گروهی تشکیل دهند که مواظب طبیعت و محیط زیست باشند. مجله رشد نوآموز دوست داشتنی من، این کارهایی بود که من و دوستانم در گروه برای حفظ محیط زیست تا حالا انجام داده‌ایم و با توجه به آرزویم که دوست دارم در آینده یک مهندس دوستدار طبیعت شوم، باز هم انجام خواهم داد.

✽ مسابقه دوستان آب؛ با موضوع حرف‌های درگوشی / زهر از زمان پور کوهستانی، کلاس سوم از تهران

سلام دوست من. می‌خواهم حرف‌های درگوشی زیادی به تو بگویم. ما قبلاً در خانواده‌مان آب زیادی هدر می‌دادیم، مثلاً برای شست‌وشو وان را پر از آب می‌کردیم و همیشه آب را هنگام شستن ظرف‌ها یا مسواک زدن باز می‌گذاشتیم، یک روز وقتی با شلنگ دوچرخه‌ام را می‌شستم، نرگس دختر همسایه پیش من آمد و گفت: سلام زهرا، مگر نمی‌دانی که آب قطع می‌شود. من گفتم الان که آب زیاد است، او گفت: اما مدت زیادی است که باران نیاریده و همه باید در مصرف آب صرفه‌جویی کنند. راستی اگر آب نداشته باشیم... وای!! خیلی وحشتناک است، مثلاً برای آبیاری باغچه‌هایمان آبی نداریم، حیوانات زنده نمی‌مانند، برای آشامیدن و شست‌وشو آب نداریم. پس بهتر است به جای پر کردن وان، دوش بگیریم. در روزهای آفتابی باغچه را صبح زود یا غروب آب بدهیم. موقع مسواک زدن شیر آب را ببندیم. ماشین لباسشویی را کاملاً پر کنیم. حالا که خوب فکر می‌کنم حرف‌های نرگس درست بود و من به دیگران هم یادآوری می‌کنم که در مصرف آب صرفه‌جویی کنند تا آب کافی برای همه وجود

داشته باشد. شما هم که حرف‌های درگوشی من را خواندید به همه یاد دهید.

قصه‌های منتخب برندگان رشد دانش آموز %

❁ چگونه می‌توان از هدر رفت آب جلوگیری کرد / محمد بدرلو (علیرضا)، کلاس چهارم، روستای بیوک قشلاق

آب مایهٔ حیات است، چرا که قرآن فرموده است با آب باران همه چیز را آفریدیم. هر جانوری را از آب آفریدیم. در آب روح موجود را قرار دادیم. پس چرا به فرمودهٔ قرآن عمل نکنیم و آب را بیشتر از حد مصرف کنیم. یکی از راه‌های پیشرفت کشور ما استفادهٔ خوب از این مایهٔ حیات است. وقتی با پدرم به شهر رفته بودم، مردی را دیدم که ماشین می‌شست. پدرم گفت: من نیم ساعت دیگر برمی‌گردم. در ماشین بنشین. مشاهده کردم شیر آب همچنان به زمین می‌رفت و راننده ماشین را تمیز می‌کرد. خیلی ناراحت شدم. با خودم گفتم مادرم سر ساعت هشت برای پر کردن دبه آب باید صف بایستد و تا به حال حدود ۲۰ بشکه آب بیرون رفته و مرد توجهی نمی‌کند. به پدرم گفتم در جواب گفت: هر کس به فکر مردم و به فکر این کشور باشد این کار را نمی‌کند. پس او به خدا و قرآن اعتقاد ندارد. کشور ما کم آب شده است پس باید مواظب این مایهٔ حیات باشیم و درست مصرف کنیم سد بسازیم و آب ذخیره کنیم.

ای مردم دنیا قدر آب را بدانید و زیاد مصرف نکنید. جان ما در خطر است، اسراف نکنید.

خدا کند باران ببارد و سدها پر آب بشود.



شدن آب استفاده میشود، حجم کمی از آب را در خود جای می‌دهد که باعث هدر رفتن آب می‌شود و در مسیری که این آب از طریق لوله‌کشی به منبع آب روستا می‌آید، به علت شکستگی و تکه تکه بودن لوله، آب‌های زیادی را هدر می‌رود. لوله‌کشی داخل روستا به دلیل فرسودگی عمر خود را از دست داده‌اند و نمی‌توانند به طور صحیح آب را به روستا برسانند و آب هدر می‌رود. و اگر به طور صحیح و درست لوله‌کشی شود، هم آب هدر نمی‌رود و هم برای نسل‌های آینده می‌ماند. ولی نبود امکانات لازم مانند لوله مناسب باعث شده است آب آشامیدنی ما هدر رود.

آب کشاورزی مناطق ما از طریق رودخانه می‌آید و روستاهای بالاتر از روستای ما در تابستان و بهار جلوی آب را می‌گیرند و باعث خشک شدن رودخانه می‌شوند و به علت کوهستانی بودن مناطق ما نمی‌توان از آب‌های زیرزمینی استفاده کرد، چون آب در مناطق ما بسیار کم است. اگر دولت و سازمان آب بتواند سدهایی در این مناطق بهره‌برداری کنند می‌توانیم از آب‌ها برای کشاورزی و سایر موارد به طور صحیح استفاده کنیم و نگذاریم آب رودخانه هدر برود. ولی نبود سد باعث شده که آب رودخانه منطقه ما در پاییز و زمستان به صورت خیلی زیاد هدر رود.

✱ علت هدر رفتن آب در روستا را بنویسید / راضیه تقی‌لو، کلاس ششم، روستای قلعه جوق

اول از این که آب بهترین سرمایه و پاکیزگی در حیات و زندگی ماست. نمی‌دانم مشکل از کجاست که این همه آب پرپرکت هدر می‌رود و نمی‌توانیم استفاده کنیم. از پدرم پرسیدم، گفت که من همه جا رفتم. تا به حال ندیدم این همه آب شب و روز هدر برود. فقط این را می‌دانم کسی نبود که چند روز بیفتد دنبالش و به گوش مسئولان برسانند. شوراها و مسئولان ما هم می‌توانستند.

✱ موضوع: من آب را دوست دارم / علیرضا حقی، کلاس ششم، دبستان شهید رحمتی، روستای دوغانلو

با سلام. من قصه‌ام را با نام خدا آغاز می‌کنم. قصه من درباره آب‌های حیات است. یکی بود یکی نبود. غیر از خدا هیچ کس نبود. قطره‌آبی بود که خیلی دوست داشت به همه کمک کند و همیشه آرزو داشت مثل باران به باغ‌ها و همه چیزهای تشنه ببارد. آرزوی دیگر او این بود که پیش مادرش، یعنی دریا، برگردد. یک روز به رودخانه‌ای پیوست و با جریان رودخانه به صخره بزرگی برخورد کرد. به سختی از روی صخره گذشت. باز به جریان افتاد و به طرف مادرش، دریا، راه افتاد. بعد از ساعت‌ها و طی مسیرها در آغوش مادرش، دریا آرام گرفت و با امواج آن هم بازی شد. بعد از خورشید خواست که او را به بخار تبدیل کند تا به آسمان برود و به همراه ابرها و بقیه قطره‌ها به زمین‌های تشنه، باغ‌ها، شهرها، کوه‌ها، دشت‌ها و بیابان‌ها ببارد و همه آن‌ها را خوشحال کند و این هم یکی از آرزوهای مهم او بود و او به این آرزوی خود دست یافت و به همراه قطره‌های دیگر بارید. قطره‌آب این کار را خیلی دوست داشت. چون با این کار باعث می‌شد درختان و گیاهان و همه موجودات شکوفا و سرسبز و زنده بمانند و محیط زیست انسان‌ها را تمیز و سالم نگه دارند. امیدوارم انسان‌ها نیز با صرفه‌جویی و درست مصرف کردن آب، خود و محیط زندگی را تمیز و سالم نگه دارند.

✱ مرضیه جهانشاه‌لو، شهرستان خداآهنده، روستای چپقلو، حوزه کرسف

۱- مهم‌ترین علت‌های هدر رفتن آب در منطقه زندگی شما چیست؟
۲- شما چگونه می‌توانید از مصرف بی‌رویه آب جلوگیری کنید؟
منبع آب ما از یک چشمه است. حوضی که برای جمع

نمی‌دانم که چرا این کار را انجام ندادند؟

بابام می‌گفت تا آنجا که من می‌دانم، یک مهندس غربیه بود که اینجا رفت و آمد داشت. رفته بود به اجرا گذاشته بود. آن مسئولان که اینجا بودند، حتی مهندس پیغام هم بهشون رساند. نرفتند دنبالش و چند ماه پیش نماینده شهر ما آمده بود خانه ما. به او گفتیم، گفت: شما باید بیایید به ما بگویید تا ما راه بیندازیم یک سد بزنیم. چون که این همه آب هدر می‌رود، باید جلوییش گرفته شود. چون که هم آب کم است در سطح مملکت و هم با جلو گرفتن این آب، چند روستا آباد می‌شود. آب اختیاری می‌شود. حالا من به نوبه خودم از شما معلم دلسوز که با سواد هستید و از این چیزها سر درمی‌آورید می‌خواهم ثواب دارد به گوش مسئولان برسانید. ممنون. چون که بعد از آن آب اختیاری می‌شود ما همه چیز می‌توانیم بکاریم. چند هزار هکتار آبی می‌شود و به خاطر همین آب ۵۰۰ خانوار کوچ کرده‌اند. اگر یک سد داشته باشیم، همه صد درصد برمی‌گردند و همین که چندین روستا آب می‌رسانند تا مثل بهشت سرسبز و پردرآمد بشود. اگر هشت ماه آب فقط هدر می‌رود، جمع بشود در یک جا، دریاچه می‌شود. ممنون از شما.

حتی آن‌ها برای شستن ماشین یا غیره ده‌ها لیتر آب مصرف می‌کنند، در حالی که می‌توانند آن را به کارواش ببرند و در آن جا بشویند و آب کمتری هم مصرف کنند. سؤال ما این است که چرا بنزین را هدر نمی‌دهیم و چرا آب را هدر می‌دهیم؟ الان کشور ما در بحران کم آبی قرار دارد. کشوری که زمانی یکی از پرآب‌ترین کشورهای جهان بود، حالا به یک کشوری که در بحران کم آبی قرار دارد، تبدیل شده است. و حالا در زمینه‌های بسیاری به مشکلات بزرگی برخورد کرده است. مخصوصاً در زمینه کشاورزی که در حد چشم‌گیری در زمینه اقتصاد کشور عزیزمان ایران را به خود اختصاص داده است، تأثیر گذاشته است. اگر کشوری در بحران کم آبی قرار گیرد، در زمینه اقتصاد هم به بحران برخورد می‌کند و این باعث عدم پیشرفت آن کشور می‌شود. خواهش من از شما مردم خوب ایران زمین این است که بیایید در این کار مهم پیش‌قدم باشیم. در نتیجه باید از آب‌های کشور خود حفاظت و این بحران کم آبی را جبران کنیم. بیایید درست مصرف کنیم تا همیشه مصرف کنیم. «کلوا واشربوا ولا تسرفوا»: بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید. قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود.

❖ موضوع: پرسش مهر رئیس جمهور / علیرضا حق،

کلاس ششم، دبستان شهید رحمتی، روستای دوغانلو

با سلام. من انشایم را با نام خدا آغاز می‌کنم. انشای من درباره پرسشی است که رئیس جمهور در ماه مهر از بچه‌ها پرسیدند. ما انسان‌ها برای یک مسواک زدن چند لیتر آب مصرف می‌کنیم در حالی که می‌توانیم با یک لیوان آب مسواک بزنیم. بعضی از خانم‌ها حیاط و در خانه خود را با آب می‌شویند و ده‌ها لیتر آب مصرف می‌کنند، در حالی که می‌توانند آن را اصلاً نشویند.

❖ علت هدر رفتن آب در منطقه شما چیست؟ / هادی

بدرلو، کلاس چهارم، دبستان امام خمینی، روستای بیوک

قشلاق

من هادی، دانش‌آموز کلاس چهارم هستم. برای این که آب هدر نرود و بتوانیم استفاده خوبی از آن ببریم، پیشنهاد می‌کنم در روستاها نیز با ایجاد سد و سیل‌بندها در مسیر آب‌های روان می‌توان آب فراوانی برای مصارف آشامیدنی، کشاورزی و دامداری ذخیره کرد و در موقع نیاز از آن استفاده کرد. در ایران و

حتی بعضی از کشورها، نصف مردم آب سالم و بهداشتی ندارند. با ایجاد سد می توان این مشکل را حل کرد و از هدر رفتن آب جلوگیری کرد و در روستاهایی که فاقد آب شیرین هستند، برخی از این مشکلات حل خواهد شد. اهمیت آب از دیگر منابع مثل نفت و گاز بیشتر است. اگر ما یا همه مردم آب آشامیدنی سالم نخوریم، دچار بیماری می شویم و جان خود را از دست می دهیم. پس ای مردم ایران پیشنهاد من برای هدر رفت آب گفته شد. ما که در خانه یک دبه آب برای خوردن داریم و ناچاریم دو روز آن را مصرف کنیم، چرا شما با آب شیرین ماشین یا جلوبی مغازه خود را ساعت ها می شوید. فکری هم به حال کسانی کنید که آب برای خوردن و حتی وضو گرفتن ندارند. تو را به خدا مصرف خود را کنترل کنید.

✽ مائده ناظری، کلاس ششم، مدرسه ولایت، ناحیه ۴ مشهد

مسابقه علمی با موضوع: برای حفظ محیط زیست چه کاری می توانی انجام دهی؟

من مخترع کوچک، می خواهم در آینده برای حفظ محیط زیست دستگاهی را اختراع کنم که در رابطه با ماشین هاست چون بیشتر آلودگی محیط زیست به دود ماشین ها ربط دارد. این دستگاه داخل خودرو نصب می شود و روزهایی که خیلی هوا آلوده است، درجه آلودگی هوا را می فهمد و اگر ما هر کار انجام دهیم، ماشین روشن نمی شود و به ما عکس مترو و اتوبوس را نشان می دهد و هشدار می دهد که از وسیله نقلیه عمومی استفاده کنیم.

✽ فهیمه رحیمی، کلاس ششم، مدرسه دین و دانش، روستای چپقلو

مهم ترین علت های هدر رفتن آب در منطقه زندگی شما چیست؟

آب نعمت خداست و ما نباید آب را هدر بدهیم. آب مایه زندگی و حیات است. یک روز من به خانه خواهرم رفتم و دیدم که یک نفر دارد ماشین می شوید و آن ها به خانه رفته بودند و داشتند ناهار می خوردند و آب هم داشت هدر می رفت و بعد از یک یا دو ساعت دیگر رفتم و به آن ها گفتم آب شما بازمانده است. زیاد آب را باز نگذارید. این کار کار بدی است و الان هم شما دارید آب را هدر می دهید. اگر آب نبود چه اتفاقی می افتاد. آن وقت ما که نمی توانستیم حمام کنیم و یا جای دم کنیم و یا این که صبح که شد دست و صورت مان را بشوییم.

اگر آب نبود همه جنگل ها خشک می شدند و همه درختان جنگل و درختانی که

در باغچه دارند خشک می شد و آن جا مثل بیابان می شد و همه چیز خشک می شد و اگر آب نبود ما نمی توانستیم ظرف هایمان را بشوییم. اگر آب نبود همه انسان ها از تشنگی می مردند و همه دریاها خشک می شد و همه ماهی های مردند.





فروردین * اردیبهشت * خرداد * تیر * مرداد * شهریور * مهر * آبان * آذر * دی * بهمن * اسفند
۳۱ ۳۰ ۲۹ ۲۸ ۲۷ ۲۶ ۲۵ ۲۴ ۲۳ ۲۲ ۲۱ ۲۰ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱



کازانه ۱۳۹۴



فروردین

۲۹۵



۳۱ ۳۰ ۲۹ ۲۸ ۲۷ ۲۶ ۲۵ ۲۴ ۲۳ ۲۲ ۲۱ ۲۰ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

* ۱ فروردین: انتشار شماره ۷ مجلات عمومی رشد در سال تحصیلی ۹۴ - ۹۳ با شمارگان ۴/۴۷۰/۰۰۰ نسخه و انتشار فصلنامه‌های بهار ۹۴ در ۱۲۱/۷۰۰ نسخه.

* ۲۹ فروردین: برگزاری هفدهمین نشست سالانه دفتر در شهر تنکابن.



اردیبهشت

۳۱ ۳۰ ۲۹ ۲۸ ۲۷ ۲۶ ۲۵ ۲۴ ۲۳ ۲۲ ۲۱ ۲۰ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

* ۱ اردیبهشت: انتشار هشتمین شماره ماهنامه‌های عمومی رشد در سال تحصیلی ۹۴ - ۹۳ در شمارگان ۴/۳۶۹/۵۰۰ نسخه.

* ۱۶ اردیبهشت: شرکت در بیست و هشتمین دوره نمایشگاه کتاب تهران.

* ۲۸ اردیبهشت: نشست «نماز در مجلات رشد».



خرداد

۳۱ ۳۰ ۲۹ ۲۸ ۲۷ ۲۶ ۲۵ ۲۴ ۲۳ ۲۲ ۲۱ ۲۰ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

* ۱ خرداد: انتشار نهمین شماره مجلات رشد کودک، نوآموز و دانش آموز در سال تحصیلی ۹۴ - ۹۳ در شمارگان ۲/۸۲۰/۰۰۰ نسخه.



تیر

۳۱ ۳۰ ۲۹ ۲۸ ۲۷ ۲۶ ۲۵ ۲۴ ۲۳ ۲۲ ۲۱ ۲۰ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

* ۱ تیر: انتشار فصلنامه‌های تابستان ۹۴ در ۱۱۳/۶۰۰ نسخه.



مرداد

۳۱ ۳۰ ۲۹ ۲۸ ۲۷ ۲۶ ۲۵ ۲۴ ۲۳ ۲۲ ۲۱ ۲۰ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

* ۵ مرداد: نشست «طراحی جلد در مجلات رشد».

* ۸ مرداد: نشست همفکری با مدیران مناطق تهران.

* ۱۰ مرداد: نشست «اقوام ایرانی در مجلات رشد».



- * ۱۲ مرداد: نشست «کاربرد اینفوگراف در مجلات رشد».
- * ۱۷ مرداد: نشست «بررسی ارتباط مرکز بررسی آثار و مجلات رشد».
- * ۱۹ مرداد: نشست «بررسی صفحه‌های لطیفه در مجلات دانش‌آموزی رشد».
- * ۲۴ مرداد: نشست «کاربرد عکس در مجلات رشد».
- * ۲۴ مرداد: پانزدهمین گردهمایی «نمایندگان نشریات رشد استان‌ها».
- * ۲۷ مرداد: نشست «پرورش هنر استدلال».
- * ۳۱ مرداد: نشست «اصول صفحه‌آرایی».



شهریور

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱



- * ۲ شهریور: نشست «تایپوگرافی در مجلات رشد».
- * ۷ شهریور: نشست «تصویرسازی در رشد کودک و نوآموز».
- * ۷ شهریور: نشست «کاربرد رنگ دوم در مجلات تخصصی».
- * ۷ شهریور: اولین کارگاه آموزشی - تبیینی معلمان دوره آموزش ابتدایی.
- * ۱۱ شهریور: پانزدهمین گردهمایی «نمایندگان نشریات رشد مناطق تهران و شهرستان‌ها».

- ❖ ۱۶ شهر یور: نشست «کارگاه عملی اینفوگراف در مجلات رشد».
- ❖ ۱۶ شهر یور: دومین کارگاه آموزشی - تبیینی معلمان دوره آموزش ابتدایی.
- ❖ ۲۳ شهر یور: نشست «کاربرد عکس در مجلات رشد».

✱ ۱۶ شهریور: دومین کارگاه آموزشی - تبیینی معلمان دوره آموزش ابتدایی *

❁ ۲۳ شهریور: نشست «کاربرد عکس در مجلات رشد».

مهر

31 30 29 28 27 26 25 24 23 22 21 20 19 18 17 16 15 14 13 12 11 10 9 8 7 6 5 4 3 2 1

* ۱ مهر: انتشار شماره ۱ مجلات عمومی رشد سال تحصیلی ۹۵-۹۴ با شمارگان ۴/۱۷۸/۰۰۰ نسخه و انتشار فصلنامه‌های پاییز ۹۴ در ۱۱۰/۵۰۰ نسخه.

۹۴ در ۱۱۰/۵۰۰ نسخه.

❁ ۶ مهر: نشست «بررسی شماره یک مجلات دانش آموزی».

❁ ۹ مهر: مراسم «نکوداشت انتشار صدمین شماره رشد آموزش زیست‌شناسی».

زیست شناسی»•

❁ ۱۳ مهر: نشست «عکس در مجلات رشد».

❁ ۲۰ مهر: نشست «بررسی صفحه‌های علمی مجلات دانش آموزی».

✽ ۲۷ مهر: نشست «بررسی فعالیت‌های گروه داعش».



آبان

۳۱ ۳۰ ۲۹ ۲۸ ۲۷ ۲۶ ۲۵ ۲۴ ۲۳ ۲۲ ۲۱ ۲۰ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱



❖ ۱ آبان: انتشار شماره ۲ مجلات عمومی با شمارگان ۴/۳۱۷/۰۰۰ نسخه.

❖ ۴ آبان: نشست «گزارش نویسی و مصاحبه در مجلات رشد دانش آموزی».

❖ ۱۰ آبان: نشست ناشران با «رویکرد برنامه درسی زبان انگلیسی».

❖ ۱۶ آبان: حضور مجلات رشد در نمایشگاه مطبوعات.

❖ ۱۸ آبان: نشست مدیران و معلمان ابتدایی منطقه ۶ تهران.

❖ ۲۴ آبان: نشست «هم‌اندیشی مجلات رشد با نمایندگان استان‌های لرستان، کردستان، کهگیلویه و بویراحمد».



۳۱ ۳۰ ۲۹ ۲۸ ۲۷ ۲۶ ۲۵ ۲۴ ۲۳ ۲۲ ۲۱ ۲۰ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱



* ۱ آذر: انتشار شماره ۳ مجلات عمومی با شمارگان ۴/۶۳۴/۰۰۰ نسخه.

* ۲ آذر: نشست «کاردستی در مجلات دانش آموزی».

* ۲ آذر: تشکیل اولین جلسه ناشران قرآنی.

* ۹ آذر: نشست «روش‌های آموزش تفکر به کودکان».

* ۱۶ آذر: نشست «بررسی پیش‌نویس ضوابط معرفی کتاب در مجلات رشد دانش آموزی».

* ۲۳ آذر: نشست «آسیب‌شناسی زبان».

* ۲۳ آذر: نشست خبری دوازدهمین جشنواره کتاب رشد.

* ۲۹ آذر: دوازدهمین جشنواره کتاب رشد ویژه کتاب‌های قرآنی.



دی

31 30 29 28 27 26 25 24 23 22 21 20 19 18 17 16 15 14 13 12 11 10 9 8 7 6 5 4 3 2 1

* ۱ دی: انتشار شماره ۴ مجلات عمومی با شمارگان ۴/۶۴۷/۰۰۰ نسخه و انتشار فصلنامه‌های زمستان ۹۴ در ۱۱۷/۰۰۰ نسخه.

❁ ۷ دی: نشست «سامان‌دهی مواد و رسانه‌ها».

✱ ۱۴ دی: نشست «گرافیک، چاپ و نظارت چاپ».



بہمن

31 30 29 28 27 26 25 24 23 22 21 20 19 18 17 16 15 14 13 12 11 10 9 8 7 6 5 4 3 2 1

* ۱ بهمن: انتشار شماره ۵ مجلات عمومی با شمارگان ۴/۶۴۷/۰۰۰ نسخه.

❁ ۵ بهمن: نشست «بازخوانی خدمات مرکز آرشیو عکس».

❖ ۱۲ بهمن: نشست «رویکردهای علمی امروز در مخاطب شناسی کودک و نوجوان».

❖ ۱۹ بهمن: نشست «قرآن، الهام بخش ادبیات دینی کودک و نوجوان».



اسفند

۳۱ ۳۰ ۲۹ ۲۸ ۲۷ ۲۶ ۲۵ ۲۴ ۲۳ ۲۲ ۲۱ ۲۰ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

- ❖ ۱ اسفند: انتشار شماره ۶ مجلات عمومی با شمارگان ۴/۶۵۵/۰۰۰ نسخه.
- ❖ ۳ اسفند: بازدید سردبیران مجلات دانش آموزی از مدارس منطقه ۱۹ تهران.
- ❖ ۱۰ اسفند: بازدید سردبیران و مدیران داخلی مجلات عمومی از موزه دکتر حسابی.
- ❖ ۱۷ اسفند: نشست «تربیت جنسی کودک و نوجوان».



